



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# المواعظ العجلاوية

(نصائح شمارشی)

فارسی-عربی

جلد دوم

ترجمہ و تالیف

مستاد محترم موسوی قاسمی

پیش رو کا آئیڈیل پبلسٹی

پیش رو کا آئیڈیل پبلسٹی

(۱۱-۱۲-۱۳۸۵ھ)

۱۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# المواعظ العددية نصايح شمارشي فارسي - عربي

نويسنده:

علي مشكيني اردبيلي

ناشر چاپي:

موسسه علمي فرهنگي دارالحدیث

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۸	المواعظ العددیه نصایح شمارشی فارسی- عربی جلد ۲
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست
۱۶	ادامه باب سوم
۱۶	ادامه فصل چهارم
۱۶	اشاره
۲۴	فصل پنجم: روایاتی که شیعه از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده است
۶۵	فصل ششم: روایاتی که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است
۹۴	فصل هفتم: روایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده است
۱۰۵	فصل هشتم: سخنان پیامبران و زاهدان و حکیمان
۱۳۱	باب چهارم: پنجاهای چهار گانه
۱۳۱	اشاره
۱۳۳	فصل اول: روایاتی که شیعه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند
۱۵۰	فصل دوم: روایاتی که اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند
۱۶۶	فصل سوم: روایاتی که شیعیان از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند
۱۹۲	فصل چهارم: احادیثی از امام جعفر صادق علیه السلام
۲۱۴	فصل پنجم: روایاتی که از امامان پاک علیهم السلام رسیده است
۲۱۸	فصل ششم: سخنان دانشمندان و حکیمان
۲۲۸	فصل هفتم: سخنان بعضی از بزرگان
۲۳۴	فصل هشتم: حکمت‌های فارسی که به زبان عربی ترجمه شده اند
۲۳۸	باب پنجم: پنجاهای پنج گانه
۲۳۸	اشاره

۲۴۰	فصل اول: احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله که شیعیان نقل کرده اند
۲۵۳	فصل دوم: روایاتی که اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند
۲۵۸	فصل سوم: احادیثی که شیعه و اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند
۲۶۸	فصل چهارم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام
۲۸۱	فصل پنجم: احادیثی از امام جعفر صادق علیه السلام
۲۸۸	فصل ششم: روایاتی از امامان پاک علیهم السلام
۳۰۱	فصل هفتم: سخنان علماء و حکیمان و زاهدان
۳۱۸	باب ششم: پنندهای شش گانه
۳۱۸	اشاره
۳۲۰	فصل اول: روایاتی که شیعیان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند
۳۲۷	فصل دوم: احادیثی که اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند
۳۳۱	فصل سوم: احادیث قدسی
۳۳۳	فصل چهارم: توصیه های پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام
۳۳۷	فصل پنجم: احادیثی که شیعیان و اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر کرده اند
۳۳۹	فصل ششم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام
۳۴۹	فصل هفتم: احادیثی از امام صادق علیه السلام
۳۵۶	فصل هشتم: احادیث از امامان معصوم علیهم السلام
۳۶۳	فصل نهم: سخنان حکیمان
۳۶۹	فصل دهم: سخنان زاهدان و عابدان
۳۷۷	باب هفتم: پنندهای هفت گانه
۳۷۷	اشاره
۳۷۹	فصل اول: احادیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
۳۸۵	فصل دوم: روایات اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله
۳۹۱	فصل سوم: احادیثی از امیرالمؤمنین و امام صادق علیهما السلام
۴۰۴	باب هشتم: پنندهای هشت گانه
۴۰۴	اشاره

۴۰۶	فصل اول: احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله
۴۱۶	فصل دوم: احادیثی از امیرالمؤمنین و امام صادق علیهما السلام
۴۲۷	فصل سوم: سخنان اشخاص زاهد
۴۳۱	فصل چهارم: سخنان حکیمانه
۴۳۷	باب نهم: پندهای نه گانه
۴۳۷	اشاره
۴۳۹	فصل اول: احادیث شیعه از رسول الله صلی الله علیه و آله
۴۴۷	فصل دوم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام
۴۵۱	فصل سوم: احادیثی که شیعه و اهل تسنن روایت کرده اند
۴۵۵	خاتمه
۴۵۹	باب دهم: پندهای ده گانه
۴۵۹	اشاره
۴۶۱	فصل اول: احادیث شیعه و اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله
۴۶۷	فصل دوم: احادیث شیعیان از پیامبر صلی الله علیه و آله
۴۷۷	فصل سوم: روایات اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله
۴۸۷	فصل چهارم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام
۴۹۷	فصل پنجم: احادیثی از امام باقر علیه السلام
۵۰۱	فصل ششم: احادیثی از امام صادق علیه السلام
۵۰۷	فصل هفتم: توصیف محمد صلی الله علیه و آله
۵۱۷	فصل هشتم: آداب دعا
۵۲۷	فصل نهم: سخنان حکیمان
۵۳۱	فصل دهم: سخنان مردم زاهد
۵۳۵	فصل یازدهم: انگیزه های غیبت
۵۳۵	اشاره
۵۳۷	عذرهایی که با وجود آنها غیبت جایز است
۵۴۷	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : مشکینی اردبیلی ، علی ، 1300 - 1386.

عنوان قراردادی : المواعظ العددیه. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : المواعظ العددیه (نصایح شمارشی) [کتاب] / [علی مشکینی] ؛ ترجمه و تحقیق سیدمرتضی موسوی قافله باشی.

مشخصات نشر : قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر ، 1392 -

مشخصات ظاهری : 3ج.

فروست : مجموعه آثار آیهاالله علی مشکینی قدس سره ؛ 13 ، 14 ، 15

شابک : دوره : 2-627-394-469-879 ؛ 160000 ریال: ج.1 : 9-727-394-469-879 ؛ ج.2 : 394-469-879-

6-827 ؛ 110000 ریال : ج.3 : 978-964-493-748-4

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : این کتاب به شالوده ی اصلی کتاب "الاثنی عشریه" تالیف محمد عاملی ملحق شده است.

یادداشت : ج.3 (چاپ اول: 1392) (فیفا).

یادداشت : کتابنامه. به صورت زیرنویس.

موضوع : احادیث اخلاقی

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : موسوی قافله باشی، سیدمرتضی، مترجم

شناسه افزوده : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث . سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : 942PB / 5م 1408 2931

رده بندی دیویی : 812/792



شماره کتابشناسی ملی : 3330012

ص: 1

**اشاره**

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

المواعظ العددية (نصائح شمارشی)

علی مشکینی

ترجمه و تحقیق: سید مرتضی موسوی قافله باشی

ص: 3

سرشناسه : مشکینی اردبیلی ، علی ، 1300 - 1386.

عنوان قراردادی : المواعظ العددیه. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : المواعظ العددیه (نصایح شمارشی) [کتاب] / [علی مشکینی] ؛ ترجمه و تحقیق سیدمرتضی موسوی قافله باشی.

مشخصات نشر : قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر ، 1392 -

مشخصات ظاهری : 3ج.

فروست : مجموعه آثار آیهاالله علی مشکینی قدس سره ؛ 13 ، 14 ، 15

شابک : دوره : 2-627-394-469-879 ؛ 160000 ریال: ج.1 : 9-727-394-469-879 ؛ ج.2 : 394-469-879-

6-827 ؛ 110000 ریال : ج.3 : 978-964-493-748-4

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : این کتاب به شالوده ی اصلی کتاب "الاثنی عشریه" تالیف محمد عاملی ملحق شده است.

یادداشت : ج.3 (چاپ اول: 1392) (فیفا).

یادداشت : کتابنامه. به صورت زیرنویس.

موضوع : احادیث اخلاقی

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : موسوی قافله باشی، سیدمرتضی، مترجم

شناسه افزوده : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث . سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : 942PB / 5م 2931 1408

رده بندی دیویی : 812/792

شماره کتابشناسی ملی : 3330012

## فهرست مطالب

فهرست مطالب ..... ۵

### باب یازدهم: پنجاهی پازده گانه

فصل اول: احادیثی از رسول الله ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۱۱

فصل دوم: سخنان دانشمندان ..... ۱۵

### باب دوازدهم: پنجاهی دوازده گانه

فصل اول: احادیثی از رسول الله ﷺ ..... ۲۱

فصل دوم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۲۵

فصل سوم: احادیثی در مورد اینکه جانشینان پیامبر ﷺ و امامان دوازده نفرند ..... ۳۳

### باب سیزدهم: پنجاهی سیزده گانه تا نوزده گانه

مسخ شدگان و علت مسخ شدن آنان ..... ۴۵

باب چهارده ..... ۴۹

باب پانزده ..... ۵۱

باب شانزده ..... ۵۳

باب هفده ..... ۵۵

۵۷..... باب هجده

۶۱..... باب نوزده

#### باب بیست و بیشتر از آن

۶۵..... محبت امامان اهل بیت علیهم السلام

۶۷..... حکمت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام

۶۹..... باب بیست و دو

۶۹..... خصلت‌های امام سجاده علیه السلام

۷۳..... باب بیست و چهار

۸۵..... باب بیست و نه

۹۳..... باب سی و چهار

#### باب چهل و بیشتر از آن

۹۹..... احادیثی از امامان معصوم علیهم السلام

۱۰۹..... باب چهل و شش

۱۱۹..... گزیده‌ای از خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله در عید غدیر

#### باب پنجاه و بیشتر از آن

۱۳۱..... پنجاه صفت از صفات مؤمن

۱۳۳..... رساله امام سجاده علیه السلام در حقوق

#### باب هفتاد و بیشتر از آن

۱۵۳..... هفتاد فضیلت مخصوص به امیرالمؤمنین علیه السلام که دیگرانمه علیهم السلام در آنها سهمیم نبودند

۱۷۵	تفاوت احکام مردان و زنان
۱۸۱	سپاهیان عقل و جهل
۱۸۵	از خطبه‌های حضرت علی <small>علیه السلام</small> معروف به دیباج
۱۹۳	اموری که پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> از آنها نهی فرموده‌اند
۲۱۱	وصیت‌های پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> به امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۲۳۳	باب چهارصد
۲۳۵	حدیث چهارصد از علی <small>علیه السلام</small>

## فهرست‌ها

۳۰۵	فهرست آیات
۳۲۱	فهرست اشعار
۳۲۳	فهرست اعلام
۳۳۱	فهرست ادیان، مذاهب، فرق و جماعات
۳۳۳	فهرست مکان‌ها
۳۳۴	فهرست کتاب‌های متن
۳۳۵	فهرست منابع و مآخذ

2917. وقال صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ فَلَا يَدْخُلِ الْحَمَّامَ الْإِبْمِزْرَ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ فَلَا يَجْلِسُ عَلَى مَا يَدُهُ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ

أَقُولُ: كَانَتْ الْحَمَّامَاتُ أَنْبِذَتْ فِي مَعْرِضٍ تَعْرُضُ الْأَرَاذِلَ لِلنِّسَاءِ. (1)

2918. وقال صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا أَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي ثَلَاثَ خِصَالٍ: أَنْ يَتَأَوَّلُوا الْقُرْآنَ عَلَى غَيْرِ تَأْوِيلِهِ، أَوْ يَتَّبِعُوا زَلَّةَ الْعَالِمِ، أَوْ  
يُظَهِّرَ فِيهِمُ الْمَالَ حَتَّى يَطْعَمُوا وَيَبْطَرُوا (2)، وَسَدَّ أَبْتِنُكُمْ بِالْمَخْرَجِ مِنْ ذَلِكَ؛ أَمَّا الْقُرْآنُ فَاعْمَلُوا بِمُحْكَمِهِ وَأَمِنُوا بِمُتَشَابِهِهِ (3)، وَأَمَّا الْعَالِمُ  
فَأَنْتَظِرُوا فِيئَهُ (4) وَلَا تَتَّبِعُوا زَلَّتَهُ، وَأَمَّا الْمَالُ فَإِنَّ الْمَخْرَجَ مِنْهُ شُكْرُ النِّعْمَةِ وَأَدَاءُ حَقِّهِ. (5)

2919. وقال صلى الله عليه وآله: الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ، وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ، وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ (6). (7)

2920. وقال صلى الله عليه وآله يوماً: يَا أَنْسُ، أَسْبِغِ الْوُضُوءَ تَمَرّاً عَلَى الصِّرَاطِ مَرَّ السَّحَابِ، أَفْسِحِ السَّلَامَ يَكْثُرُ خَيْرٌ بَيْتِكَ، أَكْثَرَ مِنْ صَدَقَةِ  
السَّرِّ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ. (8)

2921. وقال صلى الله عليه وآله لِأَبِي ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ: يَا أَبَا ذَرٍّ، إِيَّاكَ وَالسُّؤَالَ؛ فَإِنَّهُ ذُلٌّ حَاضِرٌ، وَقَفَرٌ اسْتَعَجَلْتَهُ، وَفِيهِ حِسَابٌ طَوِيلٌ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ.

يَا أَبَا ذَرٍّ، تَعِيشُ وَحَدَاكَ، وَتَمُوتُ وَحَدَاكَ، وَتَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَحَدَاكَ، يَسْعُدُ بِكَ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ يَتَوَلَّوْنَ غُسْلَكَ وَتَجْهِيْزَكَ وَدَفْنَكَ.

ص: 8

1- . الخصال، ص 163، ح 215.

2- . البَطْرُ: الطغيان عند النعمة وطول الغنى (لسان العرب: 68/4).

3- . مرّ معنى المتشابه.

4- . فاء الرجل يفىء فيئاً رجع. تقيء إلى أمر الله: أي ترجع إلى الحق (المصباح المنير: 486).

5- . الخصال، ص 164، ح 216.

6- . ورد في أحاديث كثيرة - أوردها العلامة المجلسي (ره) في بحار الأنوار - أنّ الإيمان مركّب من معرفة القلب، والإقرار باللسان، والعمل على طبقه، ولكن مقتضى التحقيق في الآيات والأخبار أنّ الإيمان هو المعرفة بالقلب والإقرار باللسان والعمل شرائط ومكمّلات. ومن الموضح لما ذكرنا أنّ القرآن يذكر بعد الإيمان العمل الصالح، وهو دليل على أنّ العمل ليس داخلياً في حقيقته، وللايمان مراتب كما أنّ للإسلام مراتب عشره أو سبعة أو سبعين. ويحتمل أن تكون هذه الأعداد كناية عن الكثرة، فلاحداً لمراتبه، ولذلك ورد في الحديث: «الإيمان أن يطاع الله فلا يعصى» وهو مساوق للعصمة فراجع البحار تجد أبواباً كثيرة في شؤون الإيمان.



7- . الخصال، ص 178 و 179، ح 240 و 241.

8- . الخصال، ص 181، ح 246.

2917. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد بر سر سفره ای که در آن شراب است ننشیند و کسی که خدا و قیامت ایمان دارد بدون لنگ وارد حمام نشود، و کسی که به خدا و قیامت ایمان دارد اجازه ندهد همسرش به حمام [عمومی] و استخری برود [که در معرض فساد است].

2918. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بعد از خودم برای سه خصلت این امت نگرانم: تأویل نادرست قرآن، پیروی از لغزش عالم، مال زیاد که موجب طغیان و عیاشی شود. پس راه نجات را به شما خبر می دهم: اما قرآن، به آیات محکم عمل کنید و به آیات متشابه ایمان داشته باشید. اما عالم، منتظر بازگشت او به حق باشید و از لغزش او پیروی نکنید. اما مال، راه نجات در شکر نعمت و پرداخت حقوق واجب است.

2919. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ایمان عبارت است از: عقیده و معرفت قلبی، و اقرار با زبان، و عمل کردن با اعضا.

2920. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا انس، وضو را کامل بگیر تا از صراط به سرعت ابرها عبور کنی. بلند سلام کن تا خانه ات برکت داشته باشد. مخفیانه زیاد صدقه بده که غضب و خشم پروردگار را فرو می نشاند.

2921. پیامبر صلی الله علیه و آله به اباذر فرمودند: ای ابوذر، مبادا از کسی چیزی طلب کنی، چون این خود ذلت فعلی است، و در آینده فقر بدنبال دارد، و روز قیامت حسابش طول می کشد. یا اباذر، به تنهایی زندگی می کنی و به تنهایی می میری و به تنهایی وارد بهشت می شوی.

و گروهی از اهل عراق بوسیله تو سعادت مند شوند چون ترا غسل و کفن و دفن می کنند.

يا أباذرٍّ، لا تسأل بكفك، وإن أتاك شيء فاقبله. (1)

2922. ثم قال صلى الله عليه وآله لأصحابه: ألا أخبركم بشراركم؟ قالوا: بلى يا رسول الله، قال: المشاؤون بالنميمة، المفرقون بين الأحبة، الباغون للبراء (2) العيب (3). (4)

2923. وقال صلى الله عليه وآله في حديث طويل: طوبى لمن ذل في نفسه، وأنفق الفضل من ماله، وأمسك الفضل من كلامه. (5)

2924. وقال صلى الله عليه وآله: بينا ثلاثة نفر ممن كان قبلكم يمشون إذا أصابهم مطر، فأووا إلى غار فانطبق عليهم.

فقال بعضهم لبعض: يا هؤلاء! ما ينبئكم إلا الصدق؛ فلیدع كل رجل منكم ما يعلم الله عز وجل أنه قد صدق فيه.

فقال أحدهم: اللهم إن كنت تعلم أنه كان لي أجير عمل لي عملاً على فرق (6) من أرز، فذهب وتركه، فزرعته، فصار من أمره أني اشتريت من ذلك الفرق بقرًا، ثم أتاني فطلب أجره، فقلت اعمد إلى تلك البقر فسقمها فإنها من اجرتك، فساقها؛ فإن كنت تعلم أني فعلت ذلك من خشيتك ففرج عنا.

فانسخت عنهم الصخرة.

وقال آخر: اللهم إن كنت تعلم أنه كان لي أبوان شيخان كبيران كنت آتيهما كل ليلة بلبن غنم لي، فأبطأت عليهما ذات ليلة، فأتيتهما وقد رقدتا، وأهلى وعيالي يتضاغون (7) من الجوع، وكنت لا أستقيهم حتى يشرب أبواي، فكرهت أن أوقظهما من رقدتهما، وكرهت أن أرجع فيستيقظا لشر بهما، فلم أزل انتظرهما حتى طلع الفجر؛ فإن كنت تعلم أني فعلت ذلك من خيفتك ففرج عنا. فانسخت عنهم الصخرة حتى نظروا إلى السماء.

ص: 10

1- . الخصال، ص 182، ح 249.

2- . هو جمع برىء.

3- . النميمة: من نم الحديث؛ أى أبلغه على وجه الإشاعة والإفساد. مشى بها: أى مشى بين الاثنين لغرض التّم، ولعلّ قوله عليه السلام: المفرقون بين الأحبة بيان للنمّام، ويمكن أن يكون أعم من النميمة؛ لأن التفريق بين الأحبة له طرق منها النميمة. والباغون للبراء العيب؛ أى الطالبون لهم العيب، وهم الذين يتجسسون أعمال الناس كي يعثروا لهم على عيب.

4- . الخصال، ص 182، ح 249.

5- . نهج البلاغه، ج 4، ص 29، ح 123 عن الإمام على عليه السلام.

6- . الفرق - بالتحريك -: مكيال يسع ستّة عشر رطلاً؛ وهى اثنا عشر مِداً وثلاثة أصواع عند أهل الحجاز. وقيل: الفرق خمسة أقساط، والقسط نصف صاع. وأمّا الفرق - بالسكون - فمائة وعشرون رطلاً (لسان العرب: 305/10).

7- . يقال: رأيت صبياناً يتضاغون: إذا تباكوا (لسان العرب: 485/14).

یا اباذر، دست خود نزد مردم دراز نکن، اما اگر کسی به تو نیکی کرد رد نکن.

2922. پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمودند: آیا شرورترین افراد را به شما معرفی نمایم؟ گفتند: بلی یا رسول الله. حضرت فرمودند: آنان که با سخن چینی میان دوستان تفرقه می اندازند، و از بیگناهان عیب جویی می کنند.

2923. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خوشا به حال کسی که خود را کوچک شمارد. زیادی مال خود را انفاق کند. و سخن اضافه نگوید.

2924. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سابقاً سه نفر در بیابان می رفتند، باران باریدن گرفت، به شکاف کوهی پناهنده شدند، شکاف کوه با تخته سنگی بسته شد. با هم گفتند: اینجا جز صداقت چیزی ما را نجات نمی دهد. هر یک دعا کنیم و کاری را که خدا می داند برای او انجام داده ایم ذکر کنیم.

یکی از آنها گفت: خدایا تو می دانی که من کارگری داشتم که یک پیمانانه برنج اجرت او بود.

او اجرت خود را نگرفت و رفت، من آن را کاشتم و از محصول آن گاوی خریدم. پس از مدتی آن کارگر آمد و اجرت خود را مطالبه کرد. به او گفتم: این گاو از اجرت توست، او گاورا برد. خدایا اگر تو می دانی که من راست می گویم و آن کار را از ترس تو انجام داده ام ما را نجات ده. صخره اندکی کنار رفت.

دیگری گفت: خدایا تو می دانی که پدر و مادرم در کهولت سن بودند و من هر شب برای آنان شیر گوسفند خود را می آوردم. شبی دیر کردم آنها خوابیده بودند و همسر و فرزندانم از گرسنگی ناله می کردند. من از آن شیر تا پدر و مادرم را سیر نمی کردم به فرزندانم نمی دادم. از طرفی هم نمی خواستم آنان را از خواب بیدار کنم و باز نمی خواستم به خانه خود بروم و آنها وقتی بیدار شدند گرسنه باشند، تا صبح انتظار کشیدم. خدایا اگر می دانی این کار را از ترس تو انجام داده ام گشایشی در کار ما بفرما. صخره کمی کنار رفت بطوری که آسمان دیده می شد.

وقال الآخَرُ: اللَّهُمَّ إِن كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ كَانَتْ لِي ابْنَةٌ عَمَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَيَّ، وَأَتَى رَاوِدُتُهَا عَنْ نَفْسِهَا فَابْتِ عَلَيَّ إِلَّا أَنْ آتَيْتَهَا بِمِئَةِ دِينَارٍ، فَطَلَبْتُهَا حَتَّى قَدَرْتُ عَلَيْهَا، فَجِئْتُ بِهَا فَدَفَعْتُهَا إِلَيْهَا، فَأَمَكَنْتَنِي مِنْ نَفْسِهَا، فَلَمَّا قَعَدْتُ بَيْنَ رِجْلَيْهَا قَالَتْ: اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَقْضِ الْخَاتَمَ إِلَّا بِحَقِّهِ! فَقُمْتُ عَنْهَا وَتَرَكْتُ لَهَا الْمِئَةَ؛ فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي فَعَلْتُ ذَلِكَ مِنْ خَشْيَتِكَ فَفَرِّجْ عَنَّا. فَفَرَّجَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُمْ فَخَرَجُوا. (وَرَوَتْهُ الْعَامَّةُ) أَيْضاً. (1)

2925. وقال صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: الصَّلَاةُ، وَالْبِرُّ، وَالْجِهَادُ. (2)

ص: 12

1- . نهج البلاغه، ص 184، ح 255.

2- . نهج البلاغه، ص 185، ح 256.

سومی گفت: خدایا تو می دانی که دختر عموی خود را بسیار دوست داشتم. وقتی خواستم از او کامجویی کنم، قبول نکرد مگر به شرط اینکه صد دینار بپردازم. با زحمت زیاد آن مبلغ را تهیه کردم و به او دادم. وقتی که آماده شد و در مقابل او نشستم گفت: از خدا بترس.

و دست به ناحق مگشا. من از جا برخاستم و از آن صد دینار صرف نظر کردم. اگر این کار از ترس تو بود ما را نجات بده. خداوند آنان را نجات داد و از غار خارج شدند. [این روایت را اهل تسنن هم نقل کرده اند]

2925. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: محبوب ترین کارها نزد خداوند، نماز و نیکی کردن و جهاد است.

2926. قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجَالُ ثَلَاثَةٌ: عَاقِلٌ وَأَحْمَقٌ، وَفَاجِرٌ؛ فَالْعَاقِلُ: الدِّينُ شَدِيدٌ، وَالجِلْمُ طَبِيعَتُهُ، وَالرَّأْيُ (1) سَجِيئَتُهُ، وَإِنْ سُئِلَ أَجَابَ، وَإِنْ تَكَلَّمَ أَصَابَ، وَإِنْ سَمِعَ وَعَى (2)، وَإِنْ تَحَدَّثَ صَدَقَ، وَإِنْ اطمَنَّ إِلَيْهِ أَحَدٌ وَفَى.

وَالأَحْمَقُ: إِنْ اسْتَبَهَ بِجَمِيلٍ غَفَلَ، وَإِنْ اسْتَنْزَلَ عَنْ حَسَنِ نَزَلَ، وَإِنْ حُمِلَ عَلَى جَهْلٍ جَهَلَ، وَإِنْ حَدَّثَ كَذَبَ، لَا يَقْفَهُ، وَإِنْ فُقِّهَ لَمْ يَتَفَقَّهُ. وَالفَاجِرُ: إِنْ اتَّمَّنَّتْهُ خَانَكَ، وَإِنْ صَاحَبَتْهُ شَانَكَ، وَإِنْ وَثِقَتْ بِهِ لَمْ يَنْصَحَكَ. (3)

2927. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْعَقْلُ شَجْرَةٌ أَصْلُهَا التَّقْوَى، وَفَرْعُهَا الْحَيَاءُ، وَثَمَرَتُهَا الْوَرَعُ؛ فَالتَّقْوَى تَدْعُو إِلَى خِصَالٍ ثَلَاثٍ: إِلَى الْفِقْهِ فِي الدِّينِ، وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا، وَالإِنْقِطَاعِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى.

وَالْحَيَاءُ يَدْعُو إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: إِلَى الْيَقِينِ، وَحُسْنِ الْخُلُقِ، وَالتَّوَاضُعِ.

وَالْوَرَعُ يَدْعُو إِلَى خِصَالٍ ثَلَاثٍ: إِلَى صِدْقِ اللِّسَانِ، وَالْمُسَارَعَةِ إِلَى الْبِرِّ، وَتَرْكِ الشُّبُهَاتِ (4).

ص: 14

1- .الرَّأْيُ: التَّفَكُّرُ فِي مَبَادِي الْأُمُورِ، وَالنَّظَرُ فِي عَوَاقِبِهَا، وَعِلْمٌ مَا يُؤَوَّلُ إِلَيْهِ مِنَ الْخَطَأِ وَالصَّوَابِ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: 170/1).

2- . وَعَى الْحَدِيثُ: حِفْظُهُ (مَخْتَارُ الصَّحَاحِ: 625).

3- . الْخِصَالُ، ص 116، ح 96.

4- . رَجُوعُ هَذِهِ الصِّفَاتِ إِلَى أَصُولِهَا يَحْتَاجُ إِلَى دَقَّةِ نَظَرٍ، مِثْلًا الْفِقْهُ فِي الدِّينِ وَالزُّهْدِ وَالإِنْقِطَاعِ تَتَرْتَّبُ عَلَى التَّقْوَى؛ لِأَنَّ مِنْ أَتَقَى وَوَقَى نَفْسَهُ يَرَى نَفْسَهُ مَحْتَاجًا إِلَى الْعِلْمِ بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَالْوَاجِبِ وَمَا يُرْضَى الرَّبَّ وَمَا يُسْخِطُهُ، وَيُزْهِدُ فِي الدُّنْيَا لِكَوْنِهَا مَبْعُدَةٌ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَيَنْقُطِعُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؛ لِأَنَّ الْإِعْتِمَادَ عَلَى غَيْرِهِ خِلَافُ التَّوْحِيدِ. وَكَذَا الْحَيَاءُ يَتَرْتَّبُ عَلَيْهِ الْيَقِينُ؛ لِأَنَّهُ يَسْتَحْيِي أَنْ لَا يَعْرِفَ خَالِقَهُ وَمُدَبِّرَهُ وَالْمَحْسَنَ إِلَيْهِ، وَكَذَلِكَ يَدْعُو الْحَيَاءُ إِلَى حُسْنِ الْخُلُقِ وَالتَّوَاضُعِ، وَذَلِكَ وَاضِحٌ، وَكَذَا الْوَرَعُ وَفُرُوعُهُ.

## فصل پنجم: روایاتی که شیعه از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده است

2926. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: مردم سه دسته هستند: عاقل، احمق و فاجر. برای عاقل، دین راه ارتباط با خداست. و بردباری طبیعت اوست. و تفکر خصلت اوست. اگر از او سؤال شود جواب می دهد. و اگر سخن بگوید درست می گوید. و اگر گوش دهد می فهمد. و اگر خبر دهد راست می گوید. و اگر کسی به او اطمینان کند وفادار است.

به احمق اگر پیشنهاد خوبی شود غفلت می کند. و اگر از او بخواهند کار خوب را ترک کند قبول می کند. و اگر به جهالت دعوت شود می پذیرد. و اگر خبر دهد دروغ می گوید. ادراک درست ندارد. و اگر به او علم دین بیاموزند در نمی یابد.

فاجر کسی است که اگر به او اطمینان کنی، خیانت می کند. و اگر با او رفاقت کنی باعث زشتی توست. و اگر به او اعتماد کنی خیرخواه تو نیست.

2927. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: عقل درختی است که ریشه اش تقوا، شاخه اش حیا و میوه اش ورع و دوری از گناه است.

تقوا به سه چیز دعوت می کند: آموختن دین، عدم وابستگی به دنیا، و دل بستگی به خدای متعال.

حیاء به سه خصلت دعوت می کند: یقین، خوشرفتاری، و فروتنی.

ورع به سه خصلت دعوت می کند: راست گویی، سرعت به کارهای خیر، و ترک کارهای شبهه ناک.



2928. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (فِي كِتَابِ الْحِكْمِ): ثَلَاثَةٌ مُهْلِكَةٌ: الْجُرْأَةُ عَلَى السُّلْطَانِ، وَ الْأَمَانَةُ لِخَوَانٍ (1)، وَ شُرْبُ السَّمِّ لِلتَّجْرِبَةِ. (2)

2929. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تُحِلُّ الْفُرُوجُ بِثَلَاثَةِ وُجُوهِ: نِكَاحٍ بِمِيرَاثٍ (3)، وَ نِكَاحٍ بِأَمِيرَاتٍ (4)، وَ نِكَاحٍ بِمَلِكٍ يَمِينٍ. (5)

2930. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ بِهِنَّ يَكْمُلُ الْمُسْلِمُ: التَّقِيُّ فِي الدِّينِ، وَالتَّقْدِيرُ فِي الْمَعِيشَةِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّوَابِ. (6)

2931. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَتْ الْحُكْمَاءُ وَالْفُقَهَاءُ إِذَا كَاتَبَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَتَبُوا بِثَلَاثِ لَيْسَ مَعَهُنَّ رَابِعَةٌ: مَنْ كَانَتْ آخِرُهُ هِمَّتَهُ كَفَاهُ اللَّهُ هِمَّتَهُ مِنَ الدُّنْيَا، وَمَنْ أَصْلَحَ سَرِيرَتُهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عِلَانِيَتَهُ، وَمَنْ أَصْلَحَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَصْلَحَ اللَّهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ. (7)

ثَلَاثَةٌ مُهْلِكَاتٌ: بُخْلٌ وَهَوَىٌّ وَعُجْبٌ (8). (9)

ثُلُثُ الْإِيمَانِ الْحَيَاءُ، وَثُلُثُهُ وَفَاءٌ، وَثُلُثُهُ سَخَاءٌ.

2932. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ: إِيَّاكَ وَالْعُجْبَ، وَسُوءَ الْخُلُقِ، وَقِلَّةَ الصَّبْرِ؛ فَإِنَّهُ لَا يَسْتَقِيمُ لَكَ عَلَى هَذِهِ الْخِصَالِ الثَّلَاثِ صَاحِبٌ، وَلَا يَزَالُ لَكَ عَلَيْهَا مِنَ النَّاسِ مُجَانِبٌ (10)، وَأَلْزَمَ نَفْسَكَ التَّوَدُّدَ، وَالصَّبْرَ (11) [وَصَبْرًا] عَلَى مَوْوناتِ النَّاسِ نَفْسَكَ، وَابْتَدَأَ لِصَدِيقِكَ نَفْسَكَ وَمَالَكَ، وَلِمَعْرِفَتِكَ (12) رِفْدَكَ وَمَحْضَرَكَ، وَلِلْعَامَّةِ بِشْرَكَ (13) وَمَحَبَّتَكَ، وَلِعَدْوِكَ عَدْلَكَ وَإِنْصَافَكَ، وَاضْنُ (14) بِدِينِكَ وَعَرَضِكَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ؛ فَإِنَّهُ أَسْلَمَ لِدِينِكَ وَدُنْيَاكَ. (15)

2933. وَفِي الْخَبَرِ: لَمَّا قُتِلَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانٍ جَلَسَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَقَامَهُ، فَجَاءَ أَعْرَابِيُّ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنِّي مَأْخُودٌ بِثَلَاثِ عِلَلٍ: عِلَّةِ النَّفْسِ، وَعِلَّةِ الْفَقْرِ، وَعِلَّةِ الْجَهْلِ. فَأَجَابَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ص: 16

- 1- . أَى يَكُونُ أَمِينًا لِلخَائِنِ.
- 2- . تَصْنِيفُ غُرَرِ الْحِكْمِ، ص 347، ح 8003.
- 3- . الْمِرَادُ إِرْثُ الْإِمَاءِ.
- 4- . النِّكَاحُ الدَّائِمُ وَالْمَتْعَةُ.
- 5- . الْخِصَالُ، ص 119، ح 106.
- 6- . الْخِصَالُ، ص 124، ح 120.
- 7- . الْخِصَالُ، ص 129، ح 133.
- 8- . الْعُجْبُ: أَنْ تَرَى نَفْسَكَ صَالِحًا فِي أُمُورِكَ حَتَّى تَرَى رَأْيَكَ صَوَابًا وَرَأْيَ غَيْرِكَ خَطَأً.
- 9- . الْخِصَالُ، ص 84، ح 11، بِالْمُضْمُونِ.
- 10- . جَانِبُهُ وَاجْتَنِبَهُ بِمَعْنَى. وَجَنِبَهُ الشَّيْءُ: نَحَاهُ عَنْهُ (مَخْتَارُ الصَّحَاحِ: 111).
- 11- . صَبْرَةٌ: حَبْسَةٌ (مَخْتَارُ الصَّحَاحِ: 315).
- 12- . الْمَعْرِفَةُ: وَاحِدُ الْمَعَارِفِ، وَمَعَارِفُ الرَّجُلِ أَصْحَابُهُ الَّذِينَ يَعْرِفُهُمْ، وَأَهْلُ مَوَدَّتِهِ، وَمَنْ يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُمْ مَعْرِفَةٌ. الرَّفْدُ: الْعَطَاءُ وَالْمَعُونَةُ. وَمَحْضَرُكَ: أَى حَسَنُ الْمَحْضَرِ بِالذِّكْرِ بِالْخَيْرِ إِذَا غَابُوا، وَحَسَنُ الْمَعَاشَرَةِ مَعَهُمْ إِذَا حَضَرُوا.

13- . ٲشرك: اى الملاقاه بالٲشر من التيسم وحسن الخلق وطلاقه الوجه.

14- . ضنن بالشىء: بخل (المصباح المنير: 365).

15- . الخصال، ص 147، ح 178.

2928. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: سه چیز کشنده است: جرأت در برابر سلطان، امانت دار خائن بودن و خوردن زهر برای آزمایش.

2929. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: زن از سه راه بر مرد حلال می شود: ازدواج دائم، ازدواج موقت و ازدواج از راه مالک شدن کنیز.

2930. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: با سه چیز مسلمان به کمال می رسد: فهمیدن دین و اندازه گیری در معاش و زندگی، و صبر در مصیبتها.

2931. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: حکیمان و فقیهان وقتی به یکدیگر مکاتبه می کنند، سه چیز می نویسند:

کسی که تمام همش آخرت است، خداوند دنیای او را کفایت می کند.

و کسی که باطن خود را اصلاح کند، خداوند امور ظاهری او را اصلاح می کند.

و کسی که رابطه بین خود و خدا را اصلاح کند، خداوند رابطه او با مردم را اصلاح می کند.

- سه چیز کشنده است: بخل، هوسرانی، خودخواهی.

- ثلث ایمان حیاء است و ثلث دیگرش وفا و ثلث باقیمانده، سخاوت است.

2932. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصیت به فرزندش محمد حنفیه فرمودند: از خودخواهی و بداخلاقی و کم صبر بودن اجتناب کن. چون با این سه صفت برای تو دوست و همراه نمی ماند.

و خود را به دوست داشتن مردم و صبر بر نیازهای مردم تمرین ده. و برای دوست جان و مال خود را فدا کن. و برای آشنایان هدیه و حضور خود و برای عموم مردم خوشروئی و محبت را بذل کن. و با دشمن عدل و انصاف داشته باش. اما دین و آبروی خود را از همه کس حفظ کن. تا دین و دنیای تو سلامت بماند.

2933. پس از مرگ عثمان امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مقام خلافت رسید. شخصی آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین من سه مرض دارم: بیماری بدن، فقر و جهل.

وقال: يا أخا العرب! علته النفس تعرض على الطيب، وعلته الفقر تعرض على الكريم، وعلته الجهل تعرض على العالم، فقال الأعرابي: يا أمير المؤمنين! أنت الطيب، وأنت الكريم، وأنت العالم.

فأمر أمير المؤمنين عليه السلام بأن يعطى له من بيت المال ثلاثه آلاف درهم، وقال: تُنفق ألفاً بعلة النفس، وألفاً بعلة الفقر، وألفاً بعلة الجهل. (1)

2934. ورؤي عن علي عليه السلام أنه دعا رجلاً، فقال له: علي أن تضمّن لي ثلاث خصال، قال: وما هي يا أمير المؤمنين؟ قال: لا تدخل علينا شيئاً من خارج، ولا تدخّر (2) عنا شيئاً في البيت، ولا تجحف (3) بالعيال. قال: ذلك لك. فأجابته علي بن أبي طالب عليه السلام. (4)

2935. ورؤي ابن بابويه في أماليه حديثاً طويلاً نقلت منه ما يناسب هذا الباب:

قال علي عليه السلام: سألوني قبل أن تفقدوني، فقام إليه رجل من أقصى المسجد متوكّياً على عكازه، فلم يزل يتخطى الناس حتى دنا منه، فقال: أي أمير المؤمنين! دلني على عمل إذا عملته نجاني الله من النار. فقال له: اسمع يا هذا ثم افهم، ثم استيقن:

قامت الدنيا بثلاثه: بعالم ناطق مستعمل لعلمه، وبغني لا يبخل بماله على أهل دين الله عز وجل، وبفقير صابر؛ فإذا كتّم العالم علمه، وبخل الغني، ولم يصبر الفقير، فعندها الويل والشبور، (5) وعندها يعرف العارفون بالله أن الدار قد رجعت إلى بدنها؛ أي إلى الكفر بعد الإيمان.

أيها السائل! فلا تغترّن بكثرة المساجد، وجماعه أقوام أجسادهم مجتمعته وقلوبهم شتى.

أيها الناس! إنّما الناس ثلاثة: زاهد، وراغب، وصابر؛ فأما الزاهد فلا يفرح بشيء من الدنيا أتاه، ولا يحزن على شيء منها فاتته. وأما الصابر فيتمناها بقلبه، فإن أدرك منها شيئاً صرف عنها نفسه لما يعلم من سوء عاقبتها. وأما الراغب فلا يبالي من حبل أصابها أم من حرام.

قال: يا أمير المؤمنين! فما علامه المؤمن في ذلك الزمان؟

ص: 18

1- . جامع الأخبار، ص 138.

2- . أي لا تمنعنا ممّا في البيت، وهو افتعال من دخر.

3- . أجحفت بهم الفاقة: أي أفقرتهم الحاجه وأذهبت أموالهم (النهاية: 234/1).

4- . الخصال، ص 189، ح 260.

5- . الشبور: الهلاك والخسران (مختار الصحاح: 85).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ای برادر عرب، برای بیماری به طبیب و برای فقر به کریم و برای جهل به عالم مراجعه می کنند.

عرب گفت: یا امیرالمؤمنین تو طبیب و کریم و عالم هستی.

حضرت دستور دادند از بیت المال سه هزار درهم به او بدهند و فرمودند: هزار درهم برای معالجه و هزار درهم برای رفع فقر و هزار درهم برای مداوای جهل مصرف کن.

2934. شخصی حضرت علی علیه السلام را برای صرف غذایی دعوت کرد، حضرت فرمودند: به شرط اینکه سه کار را تضمین کنی. پرسید: یا امیرالمؤمنین کدام کار؟

حضرت فرمودند: چیزی از خارج خانه تهیه نکنی. هرچه در خانه داری مضایقه نکنی. و اهل خانه را به زحمت نیندازی. آن شخص قبول کرد و حضرت دعوت او را پذیرفتند.

2935. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: پیش از آنکه مرا از دست بدهید از من هرچه می خواهید پرسید. شخصی از انتهای مسجد بلند شد و عصا زنان از میان جمعیت خود را نزدیک حضرت رساند و گفت: یا امیرالمؤمنین، به من عملی بیاموز که با انجام آن از آتش دوزخ نجات یابم.

حضرت فرمودند: درست گوش کن و بفهم و یقین کن، دنیا بر سه شخصیت استوار است:

عالمی که عملش را بکار برد. و ثروتمندی که از مصرف کردن اموالش برای مسلمانان دریغ نکند. و فقیری که صبر کند.

اگر عالم دانش خود را کتمان کند و ثروتمند بخل ورزد و فقیر صبر نکند، نابودی و هلاک در پیش است. و آن زمان مردم خداشناس در می یابند که جامعه حرکت قهقرائی دارد.

یعنی بعد از ایمان دوباره به کفر روی آورده اند.

ای پرسشگر! آن گاه به فراوانی مساجد و جماعت‌های زیاد که بدن‌ها نزدیک هم و دل‌ها از هم فاصله دارند مغرور نشوید. ای مردم؛ انسان‌ها سه دسته اند: زاهد و راغب و صابر.

زاهد کسی است که اگر از دنیا چیزی بدست آورد خرسند نشود، و اگر چیزی از دست داد غمگین نشود.

صابر کسی است که در دل دنیا را آرزو می کند، اگر چیزی یافت از آن روی بر می گرداند چون عاقبت بد دنیا را می شناسد.

راغب کسی است که از بدست آوردن حلال و حرام باکی ندارد.

آن شخص پرسید: یا امیرالمؤمنین، نشانه مؤمن در آن زمان چیست؟

قال: يَنْظُرُ إِلَى مَا أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ حَقِّ فَيْتَوَلَّاهُ، وَيَنْظُرُ إِلَى مَا خَالَفَهُ فَيَتَبَرَّأُ مِنْهُ وَإِنْ كَانَ حَبِيبًا قَرِيبًا.

قال: صَدَقَتْ - وَاللَّهِ - يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

ثُمَّ غَابَ الرَّجُلُ فَلَمْ نَرَهُ، فَطَلَبَهُ النَّاسُ فَلَمْ يَجِدُوهُ، فَتَبَسَّمَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيَّ الْمَنْبَرِ ثُمَّ قَالَ: مَا لَكُمْ؟! هَذَا أَخِي الْخِضْرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ... ثُمَّ ذَكَرَ الْحَدِيثَ إِلَى آخِرِهِ. (1)

2936. وقال عليه السلام: ثَلَاثَةٌ تَنْقُصُ النَّفْسَ: الْفَقْرُ، وَالْخَوْفُ، وَالْحُزْنُ. وَثَلَاثَةٌ تُحْيِيهَا: كَلَامُ الْعُلَمَاءِ، وَلِقَاءُ الْأَصْدِقَاءِ، [و] مَرُّ الْأَيَّامِ بِقَلْبِهِ الْبَلَاءِ. (2)

2937. وقال عليه السلام: طُلَّابُ الْعِلْمِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ فَأَعْرِفُوهُمْ بِصِدْقَاتِهِمْ وَنُوعَاتِهِمْ: طَائِفَةٌ طَلَبَتْهُ لِلْمِرَاءِ وَالْجَدَلِ (3)، وَطَائِفَةٌ طَلَبَتْهُ لِلْإِسْتِطَالَةِ وَالْحَيْلِ (4)، وَطَائِفَةٌ لِلْفِقْهِ وَالْعَمَلِ.

أَمَّا صَاحِبُ الْمِرَاءِ وَالْجَهْلِ مُؤَذِّ، مُمَارٍ، مُتَّصِدٌ لِلْمَقَالِ فِي أُنْدِيَةِ (5) الرِّجَالِ، فَهُوَ كَاسِ السَّجْعِ، عَارٍ مِنَ الْوَرَعِ (6)، فَأَعْمَى اللَّهُ مِنْ هَذَا خَبْرَهُ (7)، وَقَطَعَ مِنْ آثَارِ الْعُلَمَاءِ أَثْرَهُ (8).

وَأَمَّا صَاحِبُ الْإِسْتِطَالَةِ وَالْحَيْلِ (9) فَذُو حُبِّ (10) وَمَلَقٍ، مَائِلًا إِلَى أَشْكَالِهِ، مُضَاهٍ لِأَمْثَالِهِ (11)، وَهُوَ

ص: 20

- 1- . الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ، ص 424 و 425.
- 2- . جَامِعُ الْأَخْبَارِ، ص 184.
- 3- . نَقَلَ هَذَا الْحَدِيثَ فِي الْكَافِي: 49/1 وَفِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ: 46/1. عَنِ الْأُمَالِي لِلصَّدُوقِ وَالْخِصَالِ مَعَ اخْتِلَافٍ فِي الْفَافِظَةِ.
- 4- . الْإِسْتِطَالَةُ: التَّرَفُّعُ. اسْتِطَالَ عَلَى النَّاسِ: أَي تَرَفَّعَ عَلَيْهِمْ وَوَقَعَ فِيهِمْ. وَالْحَيْلُ بِالْمَهْمَلِ غُلُطٌ وَالصَّحِيحُ الْخِثْلُ - بِالْمَعْجَمِ الْمَفْتُوحِ - أَي الْخُدْعَةُ وَالْمَرَاوِغَةُ مِنْ خِثْلِ الذَّنْبِ الصَّيْدِ أَي تَخَفَّى لَهُ.
- 5- . الْأُنْدِيَةُ جَمْعُ النَّادِي وَهُوَ مَجْتَمَعُ الْقَوْمِ وَمَجْلِسُهُمْ.
- 6- . فِي الْكَافِي: «بِتَذَاكِرِ الْعِلْمِ وَصِفَةِ الْحِلْمِ قَدْ تَسَرَّبَلَ بِالْخَشْيَةِ وَتَخَلَّى مِنَ الْوَرَعِ»، وَالْمَعْنَى أَنَّهُ لَيْسَ السَّجْعُ يَتَكَلَّمُ بِلِسَانِ ذَلِكِ، وَتَخَلَّى مِنَ الْوَرَعِ.
- 7- . دَعَاءٌ عَلَيْهِ بِمَحْوِ أَثَرِهِ وَإِعْمَاءِ الْخَبْرِ كِنَايَةٌ عَنْ عَدَمِهِ وَعَدَمِ أَثَرِهِ. وَفِي الْكَافِي وَالْخِصَالِ وَبِحَارِ الْأَنْوَارِ نَقَلَهُ فِي الدَّعَاءِ عَلَى صَاحِبِ الْإِسْتِطَالَةِ، وَلَكِنْ فِي لَفْظِ الثَّانِي «فَأَعْمَى اللَّهُ مِنْ هَذَا بَصْرَهُ» وَفِي الْأَوَّلِ «فَأَعْمَى اللَّهُ عَلَى هَذَا خَبْرَهُ».
- 8- . قَطَعَ الْأَثْرَ إِذَا دَعَاءٌ عَلَيْهِ بِالزَّمَانِ، أَوْ بِالْمَوْتِ، أَوْ بِيَانِ لِلْجُمْلَةِ الْمَتَقَدِّمَةِ.
- 9- . الصَّحِيحُ الْخِثْلُ وَقَدْ مَرَّ.
- 10- . حُبٌّ - بِالْمَهْمَلِ - مَعْلُومٌ وَلَعَلَّ الْمُرَادُ أَنَّهُ بِتَمَلُّقِهِ يُظْهِرُ الْحُبَّ، وَلَكِنَّ الصَّحِيحَ كَمَا فِي الْكَافِي بِالْمَعْجَمِ؛ أَي الْخُدْعَةُ، وَهُوَ - بِالْفَتْحِ - الْخُدَّاعُ وَهُوَ الَّذِي يَسْعَى بَيْنَ النَّاسِ بِالْفَسَادِ، وَقَدْ تَكَسَّرَ. وَالْمَلَقُ - بِالْتَّحْرِيكِ -: الزِّيَادَةُ فِي التَّوَدُّدِ وَالِدَّعَاءِ وَالتَّضَرُّعِ فَوْقَ مَا يَنْبَغِي.
- 11- . فِي الْخِصَالِ: «فَإِنَّهُ يَسْتِطِيلُ عَلَى أَشْبَاهِهِ مِنْ أَشْكَالِهِ»، وَفِي الْكَافِي: «يَسْتِطِيلُ عَلَى مِثْلِهِ مِنْ أَشْبَاهِهِ» وَالْمُرَادُ مَعْلُومٌ. وَأَمَّا مَا نَقَلَهُ فِي الْمَتَنِ فَالْمُرَادُ مِنْهُ أَنَّهُ يَمِيلُ إِلَى أَشْكَالِهِ وَيَمَائِلُ أَشْبَاهَهُ وَيَعَاشِرُهُمْ وَلَا يَمِيلُ إِلَى الْأَتْقِيَاءِ الْبَرِّهِ، وَلَا يَرِيدُ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْأَتْقِيَاءِ.

حضرت فرمودند: با دقت نظر می کند به حقی که خدا واجب فرموده است و آن را [امام حق] ولی خود می گیرد و از آنکه مخالف آن است برائت می جوید اگر چه آن مخالف دوست و خویشاوندش باشد.

آن شخص گفت: بخدا قسم راست گفتم یا امیرالمؤمنین. سپس آن شخص آنجا را ترک کرد و دیگر دیده نشد و مردم بدنبالش جستجو کردند ولی او را نیافتند. حضرت علی علیه السلام بالای منبر تبسم فرمودند و پرسیدند: دنبال چه می گردید؟ او برادرم خضر علیه السلام بود.

2936. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: سه چیز باعث نقصان شخصیت می شود: فقر، خوف و اندوه.

و سه چیز شخصیت را احیاء می کند: سخن علما و دیدار دوستان، و سپری کردن روزگار با بلاهای اندک.

2937. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: جویندگان علم سه گروه هستند آنها را با صفات و ویژگیهایشان بشناسید: یک گروه علم را برای جدل و خودنمایی می آموزند. یک گروه برای فریب دیگران و کسب موقعیت خود و گروه سوم برای فهمیدن و عمل کردن می آموزند.

اما کسی که برای مجادله و جهل می آموزد انسان موزی، جر و بحث کننده، پرحرف در مجامع است، و واژه های متنوع بکار می گیرد ولی تقوی ندارد. خداوند او را از بین ببرد و ذکرش را از میان علماء محو کند.

اما موقعیت طلب و فریبکار، چاپلوس است و با افراد مانند خود نشست و برخاست

لِحَلْوَانِهِمْ هَاضِمٌ (1)، وِلِدِينِهِ حَاطِمٌ، فَهَشَمَ اللَّهُ مِنْ هَذَا حَيْشُومَهُ، وَقَطَعَ مِنْهُ حَيْرُومَهُ (2).

وَأَمَّا صَاحِبُ التَّفَقُّهِ وَالْعَمَلِ فَذُو حُزْنٍ (3) وَكَأَبِهِ، كَثِيرَ الْخَوْفِ وَالْبُكَاءِ، طَوِيلَ الْإِبْتِهَالِ (4) وَالِدُعَاءِ، عَارِفًا بِزَمَانِهِ (5)، مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ، مُسْتَوْحِشًا مِنْ أَوْثِقِ إِخْوَانِهِ، قَدْ حَشَعَ فِي بُرْنُسِهِ (6)، وَقَامَ اللَّيْلَ فِي حِنْدِسِهِ (7)، فَشَدَّ اللَّهُ (8) مِنْ هَذَا أَرْكَانَهُ، وَأَعْطَاهُ مِمَّا يَخَافُ أَمَانَتَهُ (9).

2938. وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ سُنَّةُ اللَّهِ وَسُنَّةُ رَسُولِهِ وَسُنَّةُ أَوْلِيَائِهِ فَلَيْسَ فِي يَدِهِ شَيْءٌ.

قِيلَ: وَمَا سُنَّةُ اللَّهِ؟ قَالَ: كِتْمَانُ السَّرِّ. قِيلَ: وَمَا سُنَّةُ رَسُولِهِ؟ قَالَ: الْمُدَارَاةُ. قِيلَ: وَمَا سُنَّةُ أَوْلِيَائِهِ؟ قَالَ: احْتِمَالُ الْأَذَى.

2939. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ثَلَاثٍ: النَّظَرِ، وَالسُّكُوتِ، وَالْكَلامِ؛ فَكُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبَارٌ فَهُوَ سَهْوٌ، وَكُلُّ سُكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرَةٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ، وَكُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَغْوٌ. (10)

2940. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ: فِي نَكْبَتِهِ (11)، وَغَيْبَتِهِ، وَوَفَاتِهِ. (12)

2941. وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ أَمْرُنَا أَنْ نَطْعِمَ الطَّعَامَ، وَنُؤَدِّيَ فِي النَّاسِ التَّائِبَةَ (13)، وَنُصَلِّيَ إِذَا نَامَ النَّاسُ. (14)

2942. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُنْ عِنْدَ اللَّهِ خَيْرَ النَّاسِ، وَكُنْ عِنْدَ نَفْسِكَ شَرَّ النَّاسِ، وَكُنْ عِنْدَ النَّاسِ وَاحِدًا مِنَ النَّاسِ.

ص: 22

1- . فهو لِحَلْوَانِهِمْ هَاضِمٌ: أى لأطعمتهم اللذيذه. وفي بعض النسخ - على ما فى بحار الأنوار - «لِحَلْوَانِهِمْ» أى لرشوتهم. ولدينه حاطم؛ أى كاسر؛ يعنى أن أكل أطعمتهم اللذيذه هلاك دينه.

2- . الحيزوم: ما استدار بالظهر والبطن، أو ضلع الفؤاد، أو ما اكتنف بالحلقوم من جانب الصدر. والخيشوم: أقصى الأنف. وهما كنايةتان عن إذلاله.

3- . المراد من الحزن حزن الآخرة. والكأبه - بالتحريك والمد وبالتسكين - : سوء الحال والانكسار من شدة الهم والحزن.

4- . الابتهاال: أن تمدد يديك جميعاً، وأصله التضرع والمبالغة فى السؤال.

5- . وفى الكافى: «عارفاً بأهل زمانه»، والمراد معرفته بالناس وعقله وفطنته ونتيجته الوحشه من الناس من أن يهلكوا دينه.

6- . البرنس: قلنسوه طويله كان يلبسها النساك فى صدر الإسلام كما عن الجوهري، أو كلُّ ثوبٍ رأسه منه ملتزق به من درّاعه أو جُبّه أو ممطراً وغيره.

7- . الحندس - بالكسر - : الظلمه.

8- . فشدَّ الله من هذا أركانه: أى أعضائه وجوارحه أو الأعمم منها ومن عقله وفهمه ودينه وأركان إيمانه. والفرق بين الصنفين الأولين بأنَّ الأول غرضه الجاه والتفوق بالعلم، والثانى غرضه المال والترفع به، أو الأول غرضه إظهار الفضل على العوام وإقبالهم إليه، والثانى قرب السلاطين والتسلط على الناس بالمناصب الدنيويه - كما فى بحار الأنوار - .

9- . الخصال، ص 194، ح 269.

10- . الخصال، ص 98، ح 47.

11- . النكبه: المصيبه.



12- . نهج البلاغه، ج 4، ص 33، ح 134.

13- . النائبه: ماينوب الإنسان أى ينزل به من المهمات والحوادث؛ أى أمرنا أن نؤدى نوائبهم، ونعينهم على الحوادث.

14- . الكافي، ج 4، ص 50.

دارد و از غذای لذیذ مردم می خورد و دین آنها را از بین می برد. خداوند این گروه را ذلیل و پست نماید.

اما اهل فهم و عمل، دارای حزن و وقار، اشک و آه بسیار و دعا و مناجات طولانی است، آگاه به زمان خود، وظیفه شناس است و از دوستان مورد اعتماد خود وحشت دارد، تاج خشوع بر سر دارد و در ظلمت شب به عبادت بر می خیزد. خداوند او را حفظ کند و از هر چه می ترسد ایمن دارد.

2938. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: کسی که سنت خدا و سنت پیامبر و سنت اولیاء خدا را ندارد، هیچ ندارد. پرسیدند: سنت خدا چیست؟ حضرت فرمودند: رازداری و حفظ اسرار. پرسیدند:

سنت پیامبر چیست؟ حضرت فرمودند: مدارا با مردم. پرسیدند: سنت اولیاء خدا چیست؟ حضرت فرمودند: تحمل اذیت.

2939. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: همه خیر در سه چیز است: نگاه، سکوت، سخن. نگاه بدون عبرت آموزی خطاست. سکوت بدون تفکر غفلت است. و سخن خالی از یاد خدا بیهوده است.

2940. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: دوست واقعی آن است که دوست خود را در سه حال حفظ کند: در مصیبت، در غیبت، در وفات.

2941. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت موظفیم: اطعام طعام کنیم، به مردم در مانده یاری رسانیم، و چون مردم به خواب روند نماز بخوانیم.

2942. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: نزد خدا بهترین بنده باش. و نزد خود بدترین کس. و نزد مردم یکی از آنها باش.

عبدالله مسعود از آن حضرت نقل کرده است: واجبات الهی را انجام ده تا از همه عابدتر

(وَأَخَذَ هَذَا الْمَعْنَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ) فَقَالَ: أَدَّ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ تَكُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ، وَاجْتَنِبْ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ تَكُنْ أَزْهَدَ النَّاسِ، وَارْضَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ تَكُنْ أَعْنَى النَّاسِ.

2943. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَقْضَلْ عَلَى مَنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أَمِيرُهُ، وَاسْتَعِنْ عَمَّنْ شِئْتَ فَأَنْتَ نَظِيرُهُ، وَاسْأَلْ مَنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أُسِيرُهُ. (1)

2944. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ يَزِدْنَ فِي الْحِفْظِ وَيُذْهِبْنَ الْبَلْغَمَ: السُّوَاكُ، وَالصَّوْمُ، وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ. (2)

2945. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّنْيَا تَغُرُّ وَتَضُرُّ وَتَمُرُّ. (3)

وقال الشاعر:

كُنْ غَرِيباً وَاجْعَلِ الدُّنَى - يَا سَبِيلاً لِلْعُبُورِ

وَارْفُضِ الدُّنْيَا وَلَا تَسْ - كُنْ إِلَى دَارِ الْعُرُورِ (4)

2946. وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا طَالِبَ الْعِلْمِ! لِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمٌ بِهَا يَشْهَدُ لَهُ وَعَلَيْهِ؛ فَلِلدِّينِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ:

الإيمان بالله، وبكُتُبِهِ، وبِرُسُلِهِ.

وللعلمِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: المَعْرِفَةُ بِاللَّهِ، وَمَا يُحِبُّ، وَيَكْرَهُ.

وللعَمَلِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: الصَّلَاةُ، وَالزَّكَاةُ، وَالصَّوْمُ.

وللمُتَكَلِّفِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يُنَازِعُ مَنْ فَوْقَهُ، وَيَقُولُ مَا لَا يَعْلَمُ، وَيَتَعَاطَى مَا لَا يَنَالُهُ.

وللمُنَافِقِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يُخَالِفُ لِسَانُهُ قَلْبَهُ، وَقَوْلُهُ فِعْلُهُ، وَسَرِيرَتُهُ عِلَانِيَتُهُ.

وللظَّالِمِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَظْلِمُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ، وَلِمَنْ دُونَهُ بِالْغَلْبَةِ، وَيُظَاهِرُ الظَّلْمَةَ.

وللمُرَائِي ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ، وَيَحْرِصُ إِذَا كَانَ مَعَهُ غَيْرُهُ، وَيَحْرِصُ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ يَعْلَمُ فِيهِ الْمِدْحَةَ.

وللغَافِلِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: السَّهْوُ وَاللَّهُوُ وَالنَّسْيَانُ. (5)

ص: 24

1- . بحار الأنوار، ج 70، ص 169، ح 6.

2- . الفصول المهمّة، ج 3، ص 232، ح 2889.

3- . تصنيف غرر الحکم، ص 135، ح 2347.

4- . روضه الواعظین، ص 448.



باشی. و از حرام دوری کن تا زاهدترین مردم باشی. و به آنچه خدا قسمت تو کرده راضی باش تا بی نیازترین مردم باشی.

2943. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: به هر که نیکی کنی سرور او هستی. از هر کس بی نیاز باشی نظیر او هستی. از هر کس درخواست کنی اسیر او هستی.

2944. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: سه چیز حافظه را تقویت و خلط را رفع می کند: مسواک، روزه و قرائت قرآن.

2945. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: دنیا فریب می دهد، زیان می رساند و می گذرد.

شاعر می گوید:

غریب باش و از دنیا عبور کن دنیا را کوچک شمار و در آن ساکن مشو

2946. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ای جوینده علم؛ هر چیز نشانه ای دارد که برای آن چیز یا بر علیه آن گواهی می دهد:

دین سه نشانه دارد: ایمان به خدا، ایمان به رسول خدا، ایمان به کتاب خدا.

علم سه نشانه دارد: شناخت خدا، شناخت آنچه خدا دوست دارد و آنچه دوست ندارد.

عمل سه نشانه دارد: نماز، زکات، روزه.

انسان متکلف سه علامت دارد: با مافوق خود نزاع می کند. بدون آگاهی سخن می گوید.

بدنبال چیزهایی می رود که به آنها نمی رسد.

منافق سه علامت دارد: زبان او مخالف قلب اوست. گفتارش با کردارش و باطن او با ظاهرش متفاوت است.

ستمگر سه علامت دارد: به مافوق خود با سرپیچی و به زیردست خود با زورگویی ستم می کند و با ستمگران همیاری می کند.

ریا کار سه علامت دارد: در تنهایی کسل است. در میان مردم تحرک دارد. و هر کاری را که بدانند مردم می ستایند انجام می دهد.

غافل سه علامت دارد: بی توجهی، سرگرمی، فراموشی.

2947. وقال عليه السلام: لله عز وجل في كمال ليله ثلاثه عساكر: فعسكر ينزل من الاصلاب الى الارحام، وعسكر من الارحام الى الارض، وعسكر يرتحل من الدنيا الى الآخرة. (1)

2948. وقال عليه السلام في كلام له طويل في دم الدنيا: الدنيا ثلاثه ايام: يوم مضى بما فيه فليس بعائد، ويوم انت فيه يحق عليك اغتنامه، ويوم لاتدرى من اهلته ولعلك راحل فيه؛ فاما أمس فحكيم مؤدب، واما اليوم فصديق مؤدع، واما غد فانما في يدك منه الأمل. (2)

2949. وقال عليه السلام: خيار خصال النساء شراؤ خصال الرجال: الزهو، والجبن، والبخل. (3)

2950. وقال عليه السلام: استعن على العدل بحسن النية في الرعيه، وقله الطمع، وكثره الورع. (4)

2951. وقال أمير المؤمنين عليه السلام: سيكون زمان لا يستقيم لهم الملك إلا بالقتل والجور، ولا يستقيم لهم الغنى إلا بالبخل، ولا يستقيم لهم الصحبة في الناس إلا بتابع أهوائهم والاستخراج من الدين؛ فمن أدرك ذلك الزمان فصبر على الفقر وهو يقدر على الغنى، وصبر على الذل وهو يقدر على العز، وصبر على بغضه الناس وهو يقدر على المحبة؛ أعطاه الله تعالى ثواب خمسين صديقاً. (5)

2952. وقال عليه السلام: من أراد البقاء - ولا بقاء - فليأكر الغداء، وليخفف الرداء (6)، وليقل غشيان النساء. (7)

2953. وقال علي عليه السلام: كن لما لا ترجو أرحى منك لما ترجو؛ فإن موسى بن عمران خرج يمتس لأهله ناراً فكلمه الله عز وجل فرجع نبياً، وخرجت ملكة سباً فأسلمت مع سليمان عليه السلام، وخرج سحره فرعون يطلبون العزة لفرعون فرجعوا مؤمنين. (8)

2954. وقال علي عليه السلام في وصيته لكميل بن زياد: يا كميل، إن هذه القلوب أوعية وخيرها أوعاها، احفظ عني ما أقول لك: الناس ثلاثة: عالم رباني، ومتعلم على سبيل النجاه، وهمج رعا (9) أتباع كل ناعق،

ص: 26

- 1- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 318، ح 657.
- 2- . التحصين، ابن فهد الحلبي، ص 16، ح 28.
- 3- . نهج البلاغه، ج 4، ص 52، ح 234.
- 4- . عيون الحكم والمواعظ، ص 77.
- 5- . تحف العقول، ص 60.
- 6- . قال الجزري: وفي حديث علي عليه السلام: «من أراد البقاء - ولا بقاء - فليخفف الرداء، قيل: وما خفف الرداء؟ قال: قلله الدين». سمي رداء لقولهم: دينك في ذمتي وعنقي، وهو لازم في رقتي، وهو موضع الرداء (النهاية: 217/2).
- 7- . الدعوات، ص 75، ح 176.
- 8- . من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 165، ح 3609.
- 9- . رعا الناس: أي غوغاؤهم وسقاطهم وأخلاطهم (النهاية: 235/2).

2947. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: خداوند در هر شب سه لشکر دارد: یک لشکر از صلب پدران به رحم مادران می روند، یک لشکر از رحم به روی زمین، و یک لشکر از دنیا به آخرت کوچ می کنند.

2948. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نكوهش دنیا فرمودند: دنیا سه روز است: روزی که با همه کارهای انجام شده در آن گذشت و بر نمی گردد. روزی که در آن هستی و آن را غنیمت شمار. و روزی که نمی دانی تو زنده هستی شاید نباشی.

پس دیروز حکیمی ادب آموز است. و امروز دوستی در حال وداع. و فردا آرزویی بیش نیست.

2949. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: بهترین خصلتهای زنان، بدترین خصلت مردان است: تکبر، و ترس، و بخل.

2950. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: برای عدالت به زیردستان، از نیت خوش و کاستن طمع و پرهیزکاری فراوان، یاری بجوی.

2951. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: زمانی می رسد که حکومتها جز با کشتار و ستم تداوم نمی یابند. و ثروت ها جز با بخل باقی نمی ماند. و دوستی ها جز با هواپرستی و خروج از دین باقی نمی ماند کسی که آن زمان را درک کند و در فقر صبر کند گرچه قدرت ثروت اندوزی دارد، با خواری زندگی کند گرچه امکان تحصیل عزت نامشروع دارد، و بر خشم مردم صبر کند گرچه جلب محبت مردم برایش ممکن است، خداوند پاداش پنجاه صدیق را به او بدهد.

2952. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: هر کس زندگی جاوید خواهد - گرچه امکان ندارد - صبح زود غذا بخورد، لباس سبک بپوشد [منظور آن است که قرض کم تر بگیرد]، و با زنان کمتر بیامیزد.

2953. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: به آنچه ناامیدی امیدوارتر باش تا آنچه امید داری. موسی بن عمران به قصد آوردن آتش برای همسرش رفت که خدا با او سخن گفت و با مقام پیامبری برگشت. و ملکه سبا [به ملاقات سلیمان] رفت و ایمان آورد. و ساحران فرعون برای عزت فرعون رفتند اما با ایمان به خدا بازگشتند.

2954. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصیت به کمیل فرمودند: یا کمیل، این قلبها ظرف هستند و بهترین آنها با ظرفیت ترین آنهاست. آنچه می گویم به خاطر بسپار:

يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ، لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ، وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ. (1)

2955. وَرَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ لِلْعَالِمِ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ: الْعِلْمَ، وَالْحِلْمَ، وَالصَّمْتَ، وَلِلْمُتَكَلِّفِ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ: يُنَارِعُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ، وَيُظَلِّمُ مَنْ دُونَهُ بِالْغَلْبَةِ، وَيُظَاهِرُ الظَّلْمَةَ. (2)

2956. وَرَوَى عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: الْأَعْمَالُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَحْوَالٍ: فَرَائِضُ، وَفَضَائِلُ، وَمَعَاصِي؛ فَأَمَّا الْفَرَائِضُ فَبِأَمْرِ اللَّهِ، وَبِرِضَاءِ اللَّهِ، وَبِقِضَاءِ اللَّهِ وَمِشِيئَتِهِ وَعِلْمِهِ، وَأَمَّا الْفَضَائِلُ فَلَيْسَتْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَلَكِنْ بِرِضَاءِ اللَّهِ، وَبِقِضَاءِ اللَّهِ وَمِشِيئَتِهِ وَعِلْمِهِ، وَأَمَّا الْمَعَاصِي فَلَيْسَتْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَلَا بِقِضَاءِ اللَّهِ وَقَدَرِهِ وَلَا بِمِشِيئَتِهِ، وَلَكِنْ بِعِلْمِهِ، ثُمَّ يُعَاقَبُ عَلَيْهَا. (3)

2957. النَّاسُ ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٍ: زَاهِدٌ مُعْتَزِمٌ، وَصَابِرٌ عَلَى مُجَاهِدِهِ هَوَاهُ، وَرَاغِبٌ مُنْقَادٌ لِشَهَوَاتِهِ. (4)

2958. يَا بَنَ آدَمَ، هَلْ تَنْتَظِرُ إِلَّا هَرَمًا حَائِلًا، أَوْ مَرَضًا شَاغِلًا، أَوْ مَوْتًا نَازِلًا!

قَدْ أَصْبَحْتُمْ فِي زَمَنٍ لَا يَزِدَادُ الْخَيْرُ فِيهِ إِلَّا إِدْبَارًا، وَلَا الشَّرُّ فِيهِ إِلَّا إِفْبَالًا، وَلَا الشَّيْطَانُ فِي هَلَاكِ النَّاسِ إِلَّا طَمَعًا. (5)

2959. الْعَاقِلُ إِذَا سَكَتَ فَكَّرَ، وَإِذَا نَطَقَ ذَكَرَ، وَإِذَا نَظَرَ اعْتَبَرَ. (6)

2960. قَدْ بَصُرْتُمْ إِنْ أَبْصَرْتُمْ، وَقَدْ هُدَيْتُمْ إِنْ اهْتَدَيْتُمْ، وَأَسْمِعْتُمْ إِنْ اسْتَمَعْتُمْ. (7)

2961. هَلَكَ مَنْ بَاعَ الْيَقِينَ بِالشُّكِّ، وَالْحَقَّ بِالْبَاطِلِ، وَالْأَجَلَ بِالْعَاجِلِ. (8)

2962. يَا كُمَّيلُ، الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ؛ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ، وَالْمَالُ تُفْنِيهِ النَّفَقَةُ، وَالْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ، الْعِلْمُ حَاكِمٌ وَالْمَالُ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ. (9)

2963. يَا كُمَّيلَ بْنَ زِيَادٍ، إِنَّ (10) هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ، فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا (11)، فَاحْفَظْ (12) عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ؛ النَّاسُ ثَلَاثَةٌ:

ص: 28

1- . نهج البلاغه، ج 4، ص 35 و 36، ح 147، مع اختلافٍ يسير.

2- . الكافي، ج 1، ص 37، ح 7.

3- . الخصال، ص 168، ح 221.

4- . دستور معالم الحكم، ص 151.

5- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 323، ح 703.

6- . عيون الحكم والمواعظ، ص 54.

7- . شرح نهج البلاغه، ج 4، ص 40، ح 157.

8- . عيون الحكم والمواعظ، ص 511.

9- . تحف العقول، ص 17.



10- . القانون: يا كميلُ إنَّ.

11- . وفيه: أوعاها للعلم.

12- . وفيه: إحفظ.

مردم سه گروهند: عالم ربّانی، و جوینده علم در طریق نجات، و آدم های بی ارزش که به دنبال هر صدائی می رود. و به هر بادی میل می کند. و با نور علم روشن نشود. و به ستون استوار تکیه نزند.

2955. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: عالم سه علامت دارد: علم و بردباری و سکوت. عالم نما سه علامت دارد: با مافوق خود مخالفت کند. و به زیر دست با قهر و غلبه ستم کند. و با ستمگران همکاری کند.

2956. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کردار انسان در سه حال است: واجبات، و فضائل، و معاصی.

واجبات به امر خداوند و با رضای او و به حکم و خواست و علم خداست.

فضائل به امر خداوند نیست. اما با رضای او و به حکم و خواست و علم خداوند است.

معاصی نه به امر خداوند است. و نه به رضا و حکم و خواست او ولیکن به علم خداوند است و بر معاصی مؤاخذه می فرماید.

2957. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: مردم سه گروه هستند: پارسای کوشا، صابر در جهاد با نفس، و مایل به دنیا و شهوتران.

2958. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ای فرزند آدم آیا در انتظار چیزی جز پیری پیش روی بیماری مبتلا کننده یا مرگ فرارس هستی؟

در زمانی زندگی می کنید که کارهای خیر از شما رویگردان و شرارت به شما روی کرده و شیطان به نابودی شما طمع کرده است.

2959. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: عاقل اگر سکوت کند تفکر می نماید. و اگر سخن بگوید به یاد خداست و اگر نظر کند عبرت گیرد.

2960. به شما نشان داده اند اگر بنگرید و راهنماییتان کرده اند اگر هدایت شوید و به گوشتان خوانده اند اگر بشنوید.

2961. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که یقین را به شک و حق را به باطل و آخرت را به دنیا بفروشد، نابود می شود.

2962. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: یا کمیل؛ دانش بهتر از ثروت است. دانش ترا حفظ می کند ولی تو باید مال را حفظ کنی. مال با خرج کردن نابود می شود اما علم با انفاق رشد می کند.

علم حاکم است ولی مال محکوم.

2963. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: یا کمیل؛ این قلبها ظرف هستند بهترین آنها، نگهدارنده ترین

فَعَالِمٌ (1) رَبَّانِيٌّ، وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاهٍ، وَهَمَّجٌ رُعَاعٌ، أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ (2)، يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ، لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ، وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ. (3)

2964. لَا بُدَّ لِلْعَاقِلِ مِنْ ثَلَاثٍ: أَنْ يَنْظُرَ فِي شَأْنِهِ، وَيَحْفَظَ لِسَانَهُ، وَيَعْرِفَ زَمَانَهُ. (4)

2965. هُمُ الْكَافِرِ لِدُنْيَا، وَسَعِيَهُ لِعَاجِلَتِهِ (5)، وَغَايَتَهُ شَهْوَتُهُ. (6)

2966. الْعَاقِلُ مَنْ يَمْلِكُ نَفْسَهُ إِذَا غَضِبَ، وَإِذَا رَغِبَ، وَإِذَا زَهَبَ (7). (8)

2967. الْوَرَعُ يُصْلِحُ الدِّينَ، وَيَصُونُ النَّفْسَ، وَيَزِينُ (9) الْمُرُوءَةَ. (10)

2968. يَحْتَاجُ الْإِمَامُ إِلَى قَلْبٍ عَقُولٍ، وَلِسَانٍ قَوْلٍ، وَجَنَانٍ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ صَوُولٍ (11). (12)

2969. قَدْ قَسَمَ اللَّهُ أَرْزَاقَكُمْ، وَعَلَّمَ أَعْمَالَكُمْ، وَكَتَبَ آجَالَكُمْ. (13)

2970. فِعْلُ الْمَعْرُوفِ وَإِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ وَإِقْرَاءُ الضُّيُوفِ، آلَةُ السِّيَادَةِ. (14)

2971. (إِنَّ الدَّهْرَ) يَرْمِي الشَّبَابَ بِالْهَرَمِ، وَالصَّحِيحَ بِالسَّقَمِ، وَالْحَيَاةَ بِالْمَوْتِ. (15)

2972. يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ بِكَثْرَةِ النَّفْيِ، وَمِلْكِ الشَّهْوَةِ، وَغَلَبَةِ الْهَوَى. (16)

2973. الْعَامِلُ بِالظُّلْمِ وَالْمُعِينُ عَلَيْهِ وَالرَّاضِي بِهِ، شُرَكَاءُ ثَلَاثَةٌ. (17)

2974. يُسْتَدَلُّ عَلَى اللَّئِيمِ بِسُوءِ الْفِعْلِ، وَفُجْحِ الْخُلُقِ، وَذَمِيمِ الْبُخْلِ. (18)

2975. عَامِلُوا الْأَحْرَارَ بِالْكَرَامَةِ الْمَحْضَةِ، وَالْأَوْسَاطَ بِالرَّغْبَةِ وَالرَّهْبَةِ (19)، وَالسَّفِيلَةَ بِالْهَوَانِ. (20)

ص: 30

1- . وفيه: عالمٌ.

2- . وفيه: ناعقٍ غاوي.

3- . تحف العقول، ص 169 و 170، مع اختلافٍ يسير.

4- . تحف العقول، ص 203.

5- . النَّاسِخُ: لِعَاجِلِهِ.

6- . عيون الحكم والمواعظ، ص 514.

7- . النَّاسِخُ: وَإِذَا رَغِبَ وَرَهَبَ.

8- . عيون الحكم والمواعظ، ص 62.

9- . النَّاسِخُ: النَّفْسَ وَالْيَقِينَ وَبِزِينُ.

- 10- . عيون الحكم والمواعظ، ص 55.
- 11- . الصَّؤُولُ مِنَ الرِّجَالِ: الَّذِي يَضْرِبُ النَّاسَ وَيَتَطَاوُلُ عَلَيْهِمْ (لسان العرب: صول).
- 12- . عيون الحكم والمواعظ، ص 556.
- 13- . عيون الحكم والمواعظ، ص 368.
- 14- . عيون الحكم والمواعظ، ص 358.
- 15- . عيون الحكم والمواعظ، ص 147.
- 16- . تصنيف غررالحكم، ص 271، ح 5925.
- 17- . الكافي، ج 2، ص 333، ح 16.
- 18- . تصنيف غررالحكم، ص 293، ح 6547.
- 19- . الرَّهْبَةُ: الخَوْفُ وَالْفَزَعُ (لسان العرب: رهب).
- 20- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 311، ح 574.

آنهاست. آنچه می گویم به خاطر بسیار، مردم سه گروه هستند: عالم ربّانی، و کسی که علم را برای نجات می آموزد، و هرزه گرد که از آوازی پیروی می کنند، و به هر سو منحرف می شوند، از نور علم نوراتیّت نمی جویند، و به پناهگاه محکم پناه نمی برند.

2964. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: عاقل باید در سه چیز دقت کند: مقام خود را درک کند. و زبانش را نگه دارد. و زمانش را بشناسد.

2965. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: اهتمام کافر برای دنیا و تلاش او برای کارهای زودگذر و هدف او شهوت است.

2966. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: عاقل کسی است که هنگام خشم و هنگام تمایل و هنگام ترسیدن، خود را کنترل کند.

2967. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: پرهیزکاری، دین را اصلاح و نفس را مصون و جوانمردی را زینت می کند.

2968. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: امام، به قلب متفکر و زبان گویا و روحیه ای با پشت کار برای برقراری حق نیاز دارد.

2969. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: خداوند، روزی شما را تقسیم کرده و از اعمال شما آگاه و اجل شما را معین کرده است.

2970. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کار نیکو و یاری درمانده و پذیرائی از میهمان، وسایل بزرگواری هستند.

2971. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: دنیا، جوانی را به پیری و سلامتی را به بیماری و زندگی را به مرگ می رساند.

2972. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: برای وجود ایمان، به تقوای زیاد و مالکیت شهوت و غلبه بر هوای نفس، استدلال می شود.

2973. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ستمگر و یاری رسان او و راضی به ستم، هر سه شریک هستند.

2974. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: بد رفتاری و بداخلاقی و بخل، نشانه فرومایگی است.

2975. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: با آزادگان به کرامت و با مردم متوسط با میل و رغبت و با مردم پست با پستی رفتار کنید.

2976. يُسْتَدَلُّ عَلَى الْيَقِينِ بِقَصْرِ الْأَمَلِ، وَإِخْلَاصِ الْعَمَلِ، وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا. (1)

2977. عِبَادَ اللَّهِ! احذروا يوماً تُفَحَّصُ فِيهِ الْأَعْمَالُ، وَيَكْثُرُ فِيهِ الزَّلْزَالُ، وَتَشِيبُ فِيهِ الْأَطْفَالُ. (2)

2978. لَا تُجَالِسُوا إِلَّا مَنْ يُدَكِّرُكُمْ اللَّهَ رُؤْيَتَهُ، وَيَزِيدُ فِي عَمَلِكُمْ مَنْطِقَهُ، وَيُرَغِّبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ. (3)

2979. قَدَّرَ ثُمَّ اقْطَعِ، وَفَكَّرَ ثُمَّ انْطِقِ، وَتَبَيَّنَ ثُمَّ اعْمَلِ. (4)

2980. كُرُورُ الْأَيَّامِ أَحْلَامٌ، وَلِدَائِهَا آلامٌ، وَمَوَاهِبُهَا فَنَاءٌ وَأَسْقَامٌ. (5)

2981. يُضَيِّرُ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: الْإِفْرَاطِ فِي الْأَكْلِ اتِّكَالاً عَلَى الصَّحَّةِ، وَتَكَلُّفِ حَمَلٍ مَا لَا يُطَاقُ اتِّكَالاً عَلَى الْقُوَّةِ، وَالتَّعْرِيطِ فِي الْعَمَلِ اتِّكَالاً عَلَى الْقَدْرِ. (6)

2982. الْكَرِيمُ إِذَا قَدَّرَ صَفَحَ (7)، وَإِذَا مَلَكَ سَمَحَ، وَإِذَا سُئِلَ أَنْجَحَ. (8)

2983. قَصُرُوا الْأَمَلَ، وَخَافُوا بَعْتَهُ الْأَجَلَ، وَبَادِرُوا صَالِحِ الْعَمَلِ. (9)

2984. يَكْتَسِبُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ ثَلَاثًا: حُسْنَ الثَّقَةِ بِهِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُ، وَالْمَهَابَةَ مِنْهُ. (10)

2985. يَكْتَسِبُ الْكَاذِبُ بِكَذِبِهِ ثَلَاثًا: سَخَطَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَيْهِ، وَاسْتِهَانَةَ النَّاسِ بِهِ، وَمَقْتَ (11) الْمَلَائِكَةِ لَهُ. (12)

2986. فِي الْقُرْآنِ نَبَأٌ مَا قَبْلَكُمْ، وَخَبْرٌ مَا بَعْدَكُمْ، وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ. (13)

2987. فِي الْمَالِ ثَلَاثُ خِصَالٍ مَذْمُومَةٌ: إِمَّا أَنْ يُكْتَسَبَ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ، أَوْ يُمْتَدَّعَ إِتْفَاقُهُ فِي حَقِّهِ، أَوْ يُشْغَلَ بِإِصْلَاحِهِ عَنِ عِبَادَةِ اللَّهِ تَعَالَى. (14)

2988. يَتَّبَعِي أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ مُهَيِّمًا (15) عَلَى نَفْسِهِ، مُرَاقِبًا قَلْبَهُ، حَافِظًا لِسَانَهُ. (16)

ص: 32

1- . تصنيف غررالحكم، ص 62، ح 750.

2- . شرح نهج البلاغه، ج 9، ص 210، ح 158.

3- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 325، ح 722.

4- . تصنيف غررالحكم، ص 61، ح 6996.

5- . تصنيف غررالحكم، ص 133، ح 2302.

6- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 263، ح 70.

7- . صَفَحَ عَنْهُ: أَعْرَضَ عَنْ ذَنْبِهِ (لسان العرب: صفح).

8- . تصنيف غررالحكم، ص 264، ح 5034.

- 9- . تصنيف غررالحكم، ص 164، ح 3193.
- 10- . تصنيف غررالحكم، ص 219، ح 4358.
- 11- . المَقْتُ: أَشَدُّ البُغْضِ (لسان العرب: مقت).
- 12- . تصنيف غررالحكم، ص 221، ح 4418.
- 13- . الكافي، ج 2، ص 61، ح 9 مع اختلافٍ يسير؛ تصنيف غررالحكم، ص 110، ح 1965.
- 14- . شرح نهج البلاغ، ج 20، ص 324، ح 711.
- 15- . المُهَيِّمُنُ: الشَّاهِدُ (لسان العرب: همن).
- 16- . تصنيف غررالحكم، ص 239، ح 4732.

2976. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: آرزوی کم و اخلاص در عمل و وارستگی در دنیا، علامت یقین است.
2977. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: بندگان خدا از روزی بر حذر باشید که کردار شما بررسی می شود. و زلزله در آن زیاد است. و اطفال در آن روز پیر می شوند.
2978. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: همشینی نکنید مگر با کسی که دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد. و گفتارش بر عمل شما بیفزاید. و کردارش شما را به آخرت متمایل کند.
2979. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: اندازه بگیر، بعد قطع کن. و فکر کن، بعد سخن بگو. و بررسی کن، بعد انجام بده.
2980. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: تکرار روزها رؤیا است. و لذت آن درد است. و موهبت های آن نابودی و بیماری است.
2981. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: مردم در سه چیز به خود ضرر می زنند: زیاده روی در خوردن با اعتماد به سلامتی. و برداشتن بار سنگین با اعتماد به قدرت. و کوتاهی در عمل با اعتقاد به قضا و قدر.
2982. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کریم، هنگام قدرت گذشت دارد، در توانگری سخاوتمند است، و به هنگام درخواست بخشنده است.
2983. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: آرزوها را کم کنید. و از مرگ ناگهانی بترسید. و به رفتار صالح شتاب کنید.
2984. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: راستگو از صداقت سه چیز بدست می آورد: جلب اطمینان، محبت، شخصیت.
2985. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: دروغگو از دروغ سه چیز بدست می آورد: خشم خدا، بی احترامی مردم، و بغض فرشتگان.
2986. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: در قرآن خبر قبل از شما و خبر بعد از شما و آنچه که در میان شما اتفاق می افتد بیان شده است.
2987. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: در مال سه صفت زشت است: یا از راه نامشروع بدست می آید، یا در جای خود مصرف نمی شود. یا مشغول شدن به آن از عبادت خدا باز می دارد.
2988. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: شایسته است انسان، مسلط بر خود و مراقب قلب و نگهبان زبانش باشد.



2989. ما خاف امرؤ عدل في حكمه، وأطعم من قوته، وذخر من ذنياه لأخرته. (1)

2990. عداوة الضعفاء للأقوياء، والشهفاء للحلماء، والأشراؤ للأخيار، طبع لا يستطاع تغييره. (2)

2991. ينبغي للوالى أن يعمل بخصال ثلاث: تأخير العقوبة منه في سلطان الغضب، و الأناه فيما يرتبه (3) من رأى، وتعجيل مكافئه المحسن بالإحسان؛ فإن في تأخير العقوبة إمكان العفو، وفي تعجيل المكافئه بالإحسان طاعة الرعيه، وفي الأناه انفساح الرأى، وحمد العاقبه، ووضوح الصواب. (4)

2992. لا تسأل الحوائج غير أهلها، (ولا تسألها في غير حينها)، ولا تسأل ما لست له مستحقاً فتكون للجرمان مستوجباً. (5)

2993. عرفت الله سبحانه بفسخ العزائم، وحل العقود، وتقض الهمم. (6)

2994. ما لابن آدم وللعجب وأوله نطفه مذرة، وآخره جيفة قذرة، وهو بين ذلك يحمل العذرة! (7)

2995. قوام الشريعة الأمر بالمعروف، والنهي عن المنكر، وإقامه الحدود.

ما كل ذى قلب بليب، ولا كل ذى سمع يسمع، ولا كل ناظر يبصير. (8)

2996. لا تشتغل بما لا يعينك، ولا تتكلف فوق ما يكفيك، واجعل كل همك لما ينجيك. (9)

2997. لا تصحب إلا عاقلاً (تقياً)، ولا تعاشر إلا عالماً زكياً، ولا تودع سرك إلا مؤمناً وقياً. (10)

2998. العقل منفعه، والعلم مرفعه، والصبر مدفعه. (11)

ص: 34

1- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 255، ح 3.

2- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 256، ح 9.

3- . إرتأى: فكّر (لسان العرب: رأى).

4- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 269، ح 117.

5- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 321، ح 682.

6- . نهج البلاغه، الحكمة 250.

7- . تصنيف غررالحكم، ص 308، ح 7087.

8- . تصنيف غررالحكم، ص 332، ح 7639.

9- . تصنيف غررالحكم، ص 477، ح 10949.

10- . تصنيف غررالحكم، ص 424، ح 9742.

11- . تصنيف غررالحكم، ص 53، ح 445.

2989. کسی که در قضاوتش [یا حکومتش] عدالت ورزد و از روزیش اطعام کند و از دنیایش برای آخرت خود ذخیره کند هیچ جای ترسی [در قیامت] ندارد.

2990. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: دشمنی ضعیفان با قدرتمندان، و دشمنی سفیهان با مردم بردبار و دشمنی مردم شرور با نیکان سرشتی است که قابل تغییر نیست.

2991. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: سران حکومت شایسته است با سه خصلت رفتار کنند: در هنگام خشم، مجازات را به تأخیر بیندازند. در هنگام نظر دادن تفکر و درنگ کند، و در پاداش و جوایز نیکان عجله نکنند. چون با تأخیر مجازات امکان عفو وجود دارد. و با تعجیل پاداش، افراد مطیع می شوند. و با درنگ کردن نظرات دقیق تر و سرانجام کار پسندیده تر و نتیجه بخش تر خواهد شد.

2992. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: نیازهای خود را از کسانی که شایستگی ندارند و در غیر زمان مناسب و بیشتر از حق خود درخواست نکنید. چون موجب محرومیت می شود.

2993. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: خدا را با بر هم خوردن تصمیم ها و قراردادهای و نقض شدن همت ها شناختم.

2994. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: آدمیزاد چگونه است که خودپسند می شود؟ اولش نطفه متعفن، آخرش مردار نجس و در این میان حامل نجاست است.

2995. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: پایداری شریعت، به امر به معروف و نهی از منکر و پیداشتن حدود است.

هر صاحب قلبی صاحب دل نیست. و هر صاحب گوش شنوا نیست. و هر صاحب چشمی بصیر نیست.

2996. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: به آنچه برای تو اهمیت ندارد مشغول نشو. و بیشتر از قدر کفایت خود را به زحمت نینداز. و همت خود را برای نجات خود بکار گیر.

2997. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: عقل منفعت و علم وسیله رفعت و صبر وسیله دفع بلاست.

2998. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: جز با عاقل باتقوا همنشینی مکن. و جز با عالم خود ساخته معاشرت نکن. و اسرار خود را جز به مؤمن وفادار مگو.

2999. الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: الْفِقْهُ لِلْأَدْيَانِ، وَالطَّبُّ لِلْأَبْدَانِ، وَالنَّحْوُ لِلْسَانَ. (1)

3000. الْعِلْمُ قَائِدٌ، وَالْعَمَلُ سَائِقٌ، وَالنَّفْسُ حَرُونَ. (2)

3001. الْعِلْمُ وَرِاثَةٌ كَرِيمَةٌ، وَالْأَدَابُ حُلٌّ مُجَدِّدَةٌ، وَالْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ. (3)

3002. الْمَرْءُ يَتَغَيَّرُ فِي ثَلَاثٍ: الْقُرْبِ مِنَ الْمُلُوكِ، وَالْوِلَايَاتِ، وَالْغِنَاءِ بَعْدَ الْفَقْرِ، فَمَنْ لَمْ يَتَغَيَّرْ فِي هَذِهِ فَهَوَّ ذُو عَقْلِ قَوِيمٍ وَخُلُقٍ مُسْتَقِيمٍ. (4)

3003. لَا تَكُونَنَّ عَلَى الْإِسَاءِ أَقْوَى مِنْكَ عَلَى الْإِحْسَانِ، وَلَا عَلَى الْبُخْلِ أَقْوَى مِنْكَ عَلَى الْبَدْلِ، وَلَا عَلَى التَّقْصِيرِ أَقْوَى مِنْكَ عَلَى الْفَضْلِ. (5)

3004. الْمُرُوءَةُ الْعَدْلُ فِي الْإِمْرَةِ، وَالْعَفْوُ مَعَ الْقُدْرَةِ، وَالْمُؤَاَسَاةُ فِي الْعُسْرَةِ. (6)

3005. الْمُرُوءَةُ بِلَا مَالٍ كَالْأَسَدِ الَّذِي يُهَابُ وَلَمْ يَفْتَرِسْ، وَكَالسَّيْفِ الَّذِي يُخَافُ وَهُوَ مُغْمَدٌ؛ وَالْمَالُ بِلَا مُرُوءَةٍ كَالْكَلْبِ الَّذِي يُجْتَنَّبُ عَقْرًا وَلَمْ يَعْقِرْ. (7)

3006. كُنْ بَطِيءَ الْعَضْبِ، سَرِيعَ الْفِيءِ (8)، مُجِيبًا لِقَبُولِ الْعُذْرِ. (9)

3007. لَا تَنَفَكْ الْمَدِينِيَّةَ مِنْ شَرِّ حَتَّى يَجْتَمِعَ مَعَ قُوَّةِ السُّلْطَانِ قُوَّةَ دِينِهِ وَقُوَّةَ حِكْمَتِهِ. (10)

3008. لَا تَتَكَبَّرْ عَلَى النِّسَاءِ لِحُسْنِهِنَّ، فَعَسَى حُسْنُهُنَّ أَنْ يُرْدِيَهُنَّ، وَلَا لِأَمْوَالِهِنَّ، فَعَسَى أَمْوَالُهُنَّ أَنْ تُطْغِيَهُنَّ، وَأَنْكَحُوهُنَّ عَلَى الدِّينِ، وَلَا أُمَّةٌ سِوَاءَ حَرَمَاءَ (11) ذَاتُ دِينٍ أَفْضَلُ. (12)

3009. كُنْ كَالنَّحْلَةِ؛ إِذَا أَكَلَتْ أَكَلَتْ طَيِّبًا، وَإِذَا وَضَعَتْ وَضَعَتْ طَيِّبًا، وَإِنْ وَقَعَتْ عَلَى عَوْدٍ لَمْ تَكْسِرْهُ. (13)

ص: 36

1- . تحف العقول، ص 208.

2- . تحف العقول، ص 208.

3- . الأموال للمفيد، ص 336، ح 7.

4- . عيون الحكم والمواعظ، ص 65.

5- . تحف العقول، ص 82.

6- . تصنيف غرر الحكم، ص 258، ح 5492.

7- . شرح نهج البلاغة، ج 20، ص 304، ح 482.

8- . التاسخ: الرضا، والفيء: الرجوع، يقال: هو سريع الفيء عن غضبه: أي سريع الرجوع (أقرب الموارد: فيء).

9- . تصنيف غرر الحكم، ص 447، ح 10244.

- 10- . شرح نهج البلاغ، ج 20، ص 258، ح 29.
- 11- . الأخرم والخرماء: المثنوب الأذن، والذي قُطِعَتْ وَبَرَّهُ أَنْفِهِ (لسان العرب: خرم).
- 12- . شرح نهج البلاغ، ج 20، ص 336، ح 848.
- 13- . عيون الحكم والمواعظ، ص 392.

2999. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: علم سه نوع است: شناخت کامل دین، علوم پزشکی و ادبیات زبانها.
3000. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: علم، پیشوا است. و عمل، راننده است. و نفس، سرکش است.
3001. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: علم، میراث گرانقدر و آداب، لباس فاخر و فکر، آئینه شفاف است.
3002. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: انسان در سه حال تغییر می کند: نزدیک شدن به سران حکومت، و در پست و مقام، و ثروت بعد از فقر. و هر کس در این سه حالت تغییر نکند صاحب عقل استوار و اخلاق پایدار است.
3003. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: چنان نباش که بدی تو بیشتر از نیکی، و بخل تو بیشتر از بذل و کمبود تو بیشتر از فضیلت تو باشد.
3004. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: جوانمردی عبارت است از: عدل در حکومت، عفو با داشتن قدرت، در میان گذاشتن مال با دیگران در حال تنگدستی.
3005. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: جوانمردی بدون مال، چون شیر با هیبت است که حمله نکند. و چون شمشیر ترسناک که در قلاف است. و مال بدون جوانمردی مانند سگ نگهبان است که نگهبانی نمی کند.
3006. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: دیر خشمگین شو. سریع به حال عادی بازگرد. پذیرفتن عذر را دوست داشته باش.
3007. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: تمدن از شرارت جدا نمی شود مگر اینکه حکومت با دین و حکمت تقویت شود.
3008. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: با زنان فقط به دلیل زیبایی ازدواج نکنید چه بسا زیبایی زن باعث نکبت و سقوط او شود. برای مال آنان هم ازدواج نکنید چون مال باعث طغیان زن می شود. و به خاطر دین زنان با آنان ازدواج کنید. زن سیاه زشت بینی بریده ولی متدین [از زن زیبای بی دین] بهتر است.
3009. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: همچون زنبور عسل باش که اگر می خورد، بهترین خوراک را بر می گزیند. و اگر از خود چیزی بر زمین می نهد بهترین اثر [عسل] باقی می گذارد. و اگر بر شاخه ای می نشیند آن را نمی شکند.

3010. عَلَيْكُمْ بِالْأَدَبِ، فَإِنْ كُنْتُمْ مُلُوكًا بَرَزْتُمْ، وَإِنْ كُنْتُمْ وَسَطًا فُقُتُمْ، وَإِنْ أَعْوَزْتُمْ (1) الْمَعِيشَةَ عِشْتُمْ بِأَدَبِكُمْ. (2)

3011. كُنْ مِنَ الْكَرِيمِ عَلَى حَذَرٍ إِنْ أَهْنَتْهُ، وَمِنَ اللَّئِيمِ إِنْ أَكْرَمَتْهُ، وَمِنَ الْحَلِيمِ إِنْ أَحْرَجَتْهُ. (3)

3012. عَلَيْكُمْ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ، فَإِنَّ الْعَالِمَ يُكْرَمُ وَإِنْ لَمْ يَتَسَبَّ، وَيُكْرَمُ وَإِنْ كَانَ فَقِيرًا، وَيُكْرَمُ وَإِنْ كَانَ حَدَثًا. (4)

3013. كُنْتُ أَنَا وَالْعَبَّاسُ وَعُمَرُ نَتَذَكَّرُ الْمَعْرُوفَ، فَقُلْتُ أَنَا: خَيْرُ الْمَعْرُوفِ سِتْرُهُ. وَقَالَ الْعَبَّاسُ: خَيْرُهُ تَصْغِيرُهُ.

وقال عمر: خَيْرُهُ تَعْجِيلُهُ، فَخَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: فِيْمَ أَنْتُمْ؟ فَذَكَّرْنَا لَهُ، فَقَالَ: خَيْرُهُ أَنْ يَكُونَ هَذَا كُلُّهُ فِيهِ. (5)

3014. مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ، نَوَاقِصُ الْعُقُولِ، نَوَاقِصُ الْحُظُوظِ؛ فَأَمَّا نُقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ فَمَقْعُودُهُنَّ فِي أَيَّامِ الْحَيْضِ عَنِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ، وَأَمَّا نُقْصَانُ حُظُوظِهِنَّ فَمَوَارِيثُهُنَّ عَلَى نِصْفِ مَوَارِيثِ الرِّجَالِ، وَأَمَّا نُقْصَانُ عُقُولِهِنَّ فَسَدُّ هَادَةِ امْرَأَتَيْنِ كَسَدِّ هَادَةِ رَجُلٍ؛ فَاتَّقُوا شِرَارَ النِّسَاءِ، وَكُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ. (6)

3015. عَمِلَ الرَّجُلُ بِمَا يَعْلَمُ أَنَّهُ خَطَأٌ هَوَى؛ وَالْهَوَى آفَةُ الْعَفَافِ، وَتَرَكَ الْعَمَلِ بِمَا يَعْلَمُ أَنَّهُ صَوَابٌ تَهَاوَنَ، وَالتَّهَؤُنُ آفَةُ الدِّينِ، وَإِقْدَامُهُ عَلَى مَا لَا يَدْرِي أَصَوَابٌ هُوَ أَمْ خَطَأٌ لَجَاجٌ؛ وَاللَّجَاجُ آفَةُ الْعَقْلِ. (7)

3016. لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَقْوَةٌ، وَلَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَكُّرٌ، وَلَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ. (8)

3017. لَا خَيْرَ فِي قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَعَيْنٍ لَا تَدْمَعُ، وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ. (9)

ص: 38

1- . أَعْوَزَ الْمَطْلُوبُ فَلَانًا: أَعْجَزَهُ وَاشْتَدَّ عَلَيْهِ (أقرب الموارد: عوز).

2- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 304، ح 483.

3- . عيون الحكم والمواعظ، ص 392.

4- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 332، ح 814.

5- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 270، ح 123.

6- . نهج البلاغه، ج 1، ص 129، ح 80.

7- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 295، ح 376.

8- . تحف العقول، ص 204.

9- . تصنيف غرر الحكم، ص 191، ح 3721.

3010. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ادب داشته باشید اگر از سران جامعه باشید جلوه گر می شوید. و اگر متوسط باشید سرور می شوید. و اگر در تنگدستی گرفتار شدید با ادب خود زندگی می کنید.

3011. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: بر حذر باشی از کریم اگر به او توهین کردی. و از فرومایه اگر به او نیکی کردی. و از بردبار اگر او را در تنگنا قرار دادی.

3012. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: علم و ادب بیاموزید، چون عالم مورد احترام است گر چه به خاندان بزرگی نسبت نداشته باشد. و گر چه فقیر باشد. و گر چه معروف نباشد.

3013. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: من و عباس و عمر در باره معروف [کار خیر] مذاکره می کردیم، من گفتم: بهترین معروف مخفی کردن آن است. و عباس گفت: بهترین معروف، کوچک شمردن آن است. عمر گفت: بهترین معروف عجله کردن در انجام آن است.

پیامبر صلی الله علیه و آله بر ما گذر کرد و پرسید: چه می کنید؟ برای او توضیح دادیم، حضرت فرمودند:

بهترین معروف آن است که هر سه اینها در آن باشد

3014. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ای مردم: تکلیف و عقل و سهم زنان، کمتر است. اما تکالیف شرعی آنان کمتر است چون در ایام حیض نماز و روزه بر آنان واجب نیست.

سهم آنان در ارث، نصف سهم مردان است. و کمبود عقل آنان به خاطر شهادت دادن دوزن، به جای شهادت یک مرد است. از زنان شرور دوری کنید و مراقب زنان خوب باشید.

3015. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: انجام دادن کاری که انسان می داند خطاست، هوسرانی است.

و هوسرانی آفت پاکدامنی است.

ترک کردن عملی که انسان می داند درست است، سبک شمردن آن آفت دین است.

اقدام کردن به کاری که نمی داند درست است یا خطا، لجاجت است. و لجاجت آفت عقل است.

3016. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: خیری در عبادت بدون فهم و علم بدون تفکر و قرائت بدون تدبیر نیست.

3017. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: خیری در قلب بدون خشوع و چشم بدون اشک و عمل بدون نفع نیست.

3018. المَعْرُوفُ لا- يَتَرَّمُ الْإِبْثَالَاتِ: بِتَصْغِيرِهِ، وَتَعْجِيلِهِ، وَسَدِّ تَرِهِ؛ فَإِنَّكَ إِذَا صَدَّ غَرَّتَهُ فَقَدْ دَعَّ عَظَمَتَهُ، وَإِذَا عَجَّلْتَهُ فَقَدْ دَهَنَاتَهُ، وَإِذَا سَدَّ تَرَتَهُ فَقَدْ نَمَّمْتَهُ. (1)

3019. لا شَيْءَ أَحْسَنُ مِنْ عَقْلِ مَعَ عِلْمٍ، وَعِلْمٍ مَعَ حِلْمٍ، وَحِلْمٍ مَعَ قُدْرَةٍ. (2)

3020. لا كَثِيرٌ مَعَ إِسْرَافٍ، وَلا قَلِيلٌ مَعَ احْتِرَافٍ، وَلا ذَنْبٌ مَعَ اعْتِرَافٍ. (3)

3021. مَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ (4) عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوبِهَا، وَاحْلَوْلَتْ لَهُ الْأُمُورُ بَعْدَ مَرَارَتِهَا، وَانْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأَمْوَاجُ بَعْدَ تَرَاقُمِهَا. (5)

3022. مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ وَلا بَقَاءَ: فَلْيَبَاكِرِ الْعَدَاءَ، وَلْيَقِلِّ غَشِيَانَ النِّسَاءِ، وَلْيُخَفِّفِ الرِّدَاءَ (6). (7)

3023. لا يُخْطِئُ الْمُخْلِصُ فِي الدُّعَاءِ إِحْدَى ثَلَاثٍ: ذَنْبٌ يُغْفَرُ، أَوْ خَيْرٌ يُعْجَلُ، أَوْ شَرٌّ يُؤَجَّلُ. (8)

3024. مَنْ أَصْبَحَ وَالْآخِرَةَ هَمُّهُ؛ اسْتَغْنَى بِغَيْرِ مَالٍ، وَاسْتَأْنَسَ بِغَيْرِ أَهْلِ، وَعَزَّ بِغَيْرِ عَشِيرَةٍ. (9)

3025. لا يَسْتَقِيمُ فَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ: بِتَصْغِيرِهَا لِتَعْظُمَ، وَسِتْرِهَا لِتُظْهَرَ، وَتَعْجِيلِهَا لِتَهْنُؤَ. (10)

3026. لا يَضِلُّ مَنْ تَبِعَنَا، وَلا يَهْتَدِي مَنْ أَنْكَرَنَا، وَلا يَنْجُو مَنْ أَعَانَ (عَلَيْنَا) عَدُوَّنَا. (11)

3027. مَنْ اعْجَبَ بِرَأْيِهِ ضَلَّ، وَمَنْ اسْتَغْنَى بِعِلْمِهِ زَلَّ، وَمَنْ تَكَبَّرَ عَلَى النَّاسِ ذَلَّ. (12)

3028. لا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي غَيْبَتِهِ، وَنَكْبَتِهِ، وَوَفَاتِهِ. (13)

ص: 40

1- . تصنيف غررالحكم، ص 388، ح 8887.

2- . تصنيف غررالحكم، ص 44، ح 126.

3- . شرح نهج البلاغ، ج 20، ص 303، ح 474.

4- . عَزَبَ: بَعَدَ وَغَابَ (أقرب الموارد: عذب).

5- . شرح نهج البلاغ، ج 10، ص 189، ح 191.

6- . خَفِيفُ الرِّدَاءِ: أَيْ قَلِيلُ الْعِيَالِ وَالذِّينِ (أقرب الموارد: ردى).

7- . مجموعه ورام، ج 2، ص 80.

8- . شرح نهج البلاغ، ج 20، ص 276، ح 187.

9- . مجموعه ورام، ج 2، ص 71.

10- . تصنيف غررالحكم، ص 390، ح 8972.

11- . تحف العقول، ص 120.

12- . مجموعه ورام، ج 2، ص 39، وفيه: «ومن استغنى بعقله».





3018. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کار نیکو با سه ویژگی کامل می شود: کوچک شمردن آن، با سرعت انجام دادن و مخفی نگه داشتن آن. پس اگر کار خوب خود را کوچک شمردی آن را عظمت داده ای. و اگر به سرعت انجام دادی آن را گوارا کرده ای. و اگر مخفی کنی کامل نموده ای.

3019. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: چیزی بهتر از عقل همراه با علم و علم همراه با بردباری و بردباری همراه با قدرت نیست.

3020. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: فراوانی با اسراف و کمبود با حرفه داشتن و گناه با اعتراف باقی نمی ماند.

3021. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که تقوا پیشه کند دشواری ها که به او نزدیک شده اند دور می شوند. و کارهای سخت و تلخ بر او شیرین می شود. و امواج بلا پس از تراکم دفع می شوند.

3022. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که می خواهد باقی بماند که باقی نمی ماند، صبحانه را زود بخورد. کمتر با زن همبستر شود. و لباس خود را کم کند [کمتر قرض بگیرد].

3023. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که خالصانه دعا کند یکی از این سه مورد را بدست می آورد: یا گنااهش بخشیده می شود یا در رسیدن خیر به او سرعت داده می شود یا در رسیدن شرّ به او تأخیر می افتد.

3024. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که همّت او آخرت باشد؛ بدون مال ثروتمند است.

بدون خانواده انس می گیرد. و بدون بستگان عزیز می شود.

3025. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: برطرف کردن نیازها در سه صورت زیر به درستی انجام شده است: کوچک شمردن آن تا در نزد خداوند بزرگ شود و پنهان کردن تا خداوند خودش آن را ظاهر کند و زود انجام دادن تا بر گیرنده گوارا شود.

3026. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که از ما پیروی کند گمراه نخواهد شد. و کسی که ما را انکار کند هدایت نخواهد شد. و کسی که دشمن ما را یاری کند، نجات نمی یابد.

3027. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که از نظر خودش خوشش بیاید، گمراه می شود. کسی که به علم خود اکتفا کند، دچار لغزش می شود. و کسی که بر مردم تکبر ورزد، ذلیل شود.

3028. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: دوست صمیمی کسی است که حق دوست را در غیاب او و گرفتاری او و بعد از مرگ او رعایت کند.

3029. لا يَنْصِفُ ثَلَاثَةً مِنْ ثَلَاثَةٍ: بَرٌّ مِنْ فَاجِرٍ، وَعَاقِلٌ مِنْ جَاهِلٍ، وَكَرِيمٌ مِنْ لَئِيمٍ. (1)
3030. لَقَدْ بَصُرْتُمْ إِنْ أَبْصَرْتُمْ، وَأَسْمِعْتُمْ إِنْ سَمِعْتُمْ، وَهَدَيْتُمْ إِنْ اهْتَدَيْتُمْ. (2)
3031. لِلظَّالِمِ مِنَ الرِّجَالِ ثَلَاثٌ عِلَامَاتٍ: يَظْلِمُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ، وَمَنْ دُونَهُ بِالْعَلْبِ، وَيُظَاهِرُ الْقَوْمَ الظَّالِمَةَ. (3)
3032. لِلْمُتَمَيِّ ثَلَاثٌ عِلَامَاتٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ، وَقَصْرُ الْأَمَلِ، وَاعْتِنَاءُ الْمَهْلِ. (4)
3033. مَنْ حَسَنَتْ (نَيْتُهُ، كَثُرَتْ) مَثُوبَتُهُ، وَطَابَتْ عَيْشَتُهُ، وَوَجَبَتْ مَوَدَّتُهُ. (5)
3034. لَوْلَا ثَلَاثٌ لَمْ يُسَلَلِ سَيْفٌ: سِلْكٌ أَدَقُّ مِنْ سِلْكِي، وَوَجْهٌ أَصْبَحَ مِنْ وَجْهِ، وَلُقْمَةٌ أُسْوَعُ (6) مِنْ لُقْمَةٍ. (7)
3035. لَيْسَ الْمُسْلِمُ بِالْكَذُوبِ إِذَا نَطَقَ، وَلَا بِالْمُخْلِيفِ إِذَا وَعَدَ، وَلَا بِالْخَائِنِ إِذَا أَوْتَمَنَ. (8)
3036. لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: خُطْوَهُ (9) فِي مَعَادٍ، أَوْ مَرَمَهُ لِمَعَاشٍ، أَوْ لَدَّهُ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ. (10)
3037. مَنْ شَبَعَ عَوْقَبَ فِي الْحَالِ ثَلَاثَ عُقُوبَاتٍ: يَلْقَى الْغِطَاءَ عَلَى قَلْبِهِ، وَالتُّعَاسُ عَلَى عَيْنِهِ، وَالْكَسْلُ عَلَى بَدَنِهِ. (11)
3038. لِيَكُنْ سُرُورُكَ بِمَا قَدَّمْتَ، وَأَسْفُكَ عَلَى مَا خَلَّفْتَ، وَهَمُّكَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ. (12)
3039. مَنْ صَبَرَ فَنَفْسَهُ وَقَرَّ، وَبِالثَّوَابِ ظَفِرَ، وَلِلَّهِ سُبْحَانَهُ اطَّاعَ. (13)
3040. مَنْ قَلَّ حَزْمُهُ ضَعُفَ عَزْمُهُ. (14)

ص: 42

- 
- 1- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 276، ح 188.
- 2- . تصنيف غررالحكم، ص 94، ح 1656.
- 3- . تصنيف غررالحكم، ص 456، ح 10398.
- 4- . تصنيف غررالحكم، ص 274، ح 5994.
- 5- . تصنيف غررالحكم، ص 92، ح 1604.
- 6- . شراب أسوع: عذب (لسان العرب: سوغ).
- 7- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 294، ح 369.
- 8- . تحف العقول، ص 203.
- 9- . الشرح: خطوه، وأشير فيه إلى ما ذكرناه في المتن، وفي التحف: خطوه لِمَعَادِهِ، وَالْحُظُوءُ: الْمَكَانَةُ وَالْمَنْزِلَةُ وَالْحَظُّ (أقرب الموارد: حظو).
- 10- . تصنيف غررالحكم، ص 55، ح 490.
- 11- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 320، ح 674.

- 12- . نهج البلاغه، ص 457.
- 13- . تصنيف غررالحكم، ص 283، ح 6326.
- 14- . تصنيف غررالحكم، ص 474، ح 10858.

3029. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: سه نفر از سه نفر انصاف نخواهند دید: نیکوکار از گناهکار، و عاقل از نادان، و کریم از فرومایه.

3030. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: به درستی که بینا شدید اگر ببینید، به گوشتان رسید اگر بشنوید، راهنمایی شدید اگر بخواهید هدایت شوید.

3031. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ستمگر سه علامت دارد: به مافوق با نافرمانی ظلم می کند. و به زیر دست با زور رفتار می کند. و به ستمگران یاری می رساند.

3032. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: شخص با تقوا سه علامت دارد: اخلاص در عمل، و کوتاهی در آرزو، و غنیمت شمردن فرصتها.

3033. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که خوش نیت باشد: ثوابش بسیار، زندگی او پاکیزه، و دوستی او واجب می شود.

3034. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: اگر سه چیز نبود شمشیری کشیده نمی شد: دقیقتر بودن رشته ای از رشته ای، زیباتر بودن چهره ای از چهره ای، لذیذتر بودن لقمه ای از لقمه دیگر.

3035. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: مسلمان، هنگام سخن گفتن دروغ گو و هنگام وعده دادن خلاف کار و هنگام امانت داری خیانت کار نیست.

3036. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: عاقل فقط برای سه هدف به مسافرت می شود: گام برداشتن در راه برای معاد، یا تلاش برای معاش یا لذت بردن از راه حلال.

3037. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که پرخوری کند به سه عقوبت نقد گرفتار شود: حجاب بر قلب و خواب آلودگی بر چشم و کسالت بر بدن او غلبه می کند.

3038. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: بکوش شادی تو برای آنچه از پیش فرستاده ای و تأسف تو بر خطاهای گذشته و همّت تو برای پس از مرگ باشد.

3039. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که صبر کند: با وقار شود. و به ثواب دست یابد. و خداوند سبحان را اطاعت نماید.

3040. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: هر که دورانیشی اش کم باشد، اراده اش ضعیف است.

3041. مَنْ كَانَ فِيهِ ثَلَاثٌ سَلِمَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ: يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَأْتِمُرُ بِهِ، وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَنْتَهِي عَنْهُ، وَيُحَافِظُ عَلَى حُدُودِ اللَّهِ جَلًّا وَعَلَا. (1)

3042. مَنْ كُنَّ فِيهِ ثَلَاثٌ خِصَالٍ سَلِمَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ: مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَاتْتَمَرَ بِهِ، وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَانْتَهَى عَنْهُ، وَحَافِظَ عَلَى حُدُودِ اللَّهِ. (2)

3043. مَنْ لَمْ يَتَذَارَكَ نَفْسَهُ بِإِصْلَاحِهَا أَعْضَلَ (3) دَاوُةً، وَأَعْيَا شِفَاوُةً، وَعَدِمَ الطَّبِيبَ. (4)

3044. مِنَ الْحِكْمَةِ طَاعَتُكَ لِمَنْ فَوْقَكَ، وَإِجْلَالُكَ مَنْ فِي طَبَقَتِكَ، وَإِنصَافُكَ لِمَنْ دُونَكَ. (5)

3045. مِنَ الْخَيْطِ الضَّعِيفِ يُقْتَلُ الْحَبْلُ الْحَصِيفُ (6)، وَمِنْ مِقْدَحِهِ صَغِيرِهِ تَحْتَرِقُ مَدِينَتُهُ كَبِيرُهُ، وَمِنْ لَبِنَةٍ لَبِنَةٌ تُبْنَى قَرِيَّةٌ حَصِينَةٌ. (7)

3046. مِنْ كَرَمِ الْمَرْءِ بَكَوُةٌ عَلَى مَا مَضَى مِنْ زَمَانِهِ، وَحَنِينُهُ (8) إِلَى أوطَانِهِ، وَحِفْظُهُ قَدِيمِ إِخْوَانِهِ. (9)

3047. الْمُوقِنُونَ وَالْمُخْلِصُونَ وَالْمُؤَثِّرُونَ مِنْ رِجَالِ الْأَعْرَافِ. (10)

3048. الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ، فَلَا يَغْشَاهُ وَلَا يَعْيبُهُ وَلَا يَدْعُ نُصْرَتَهُ. (11)

ص: 44

1- . تصنيف غررالحكم، ص 332، ح 7645.

2- . الأمالى للمفيد، ص 118.

3- . التاسخ: عَضَلَ، وَأَعْضَلَ الأمر: إِشْتَدَّ وَاسْتَعْلَقَ (أقرب الموارد: عضل).

4- . تصنيف غررالحكم، ص 237، ح 4773.

5- . تصنيف غررالحكم، ص 59، ح 637.

6- . ثَوْبٌ حَصِيفٌ: إِذَا كَانَ مُحْكَمَ النَّسِجِ (لسان العرب: حصف).

7- . شرح نهج البلاغة، ج 20، ص 292، ح 347.

8- . حَنَّ إِلَيْهِ حَنِينًا: اشْتَأَقَ إِلَيْهِ (أقرب الموارد: حنن).

9- . شرح نهج البلاغة، ص 274، ح 173.

10- . تصنيف غررالحكم، ص 168، ح 3312.

11- . دستور معالم الحكم، ابن سلامه، ص 19.

3041. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: هر کس سه ویژگی داشته باشد دنیا و آخرت او سلامت خواهد شد: امر به معروف می کند و امر به معروف می پذیرد. و نهی از منکر می کند و نهی از منکر می پذیرد. و حدود خداوند را رعایت می کند.

3042. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که سه ویژگی دارد دنیا و آخرت او محفوظ است: امر به معروف کند و امر به معروف را بپذیرد. و نهی از منکر کند و نهی از منکر را بپذیرد. و حدود خداوند را مراعات کند.

3043. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که خود را اصلاح نکند بیماری او شدت یابد. و شفا یافتن او دور شود. و طبیب نمی یابد.

3044. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: از نشانه های حکمت: اطاعت از مافوق، و تجلیل از هم ردیف و انصاف با زیر دست است.

3045. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: از نخ های نازک ریسمان محکم تابیده می شود. و از جرقه کوچک شهر بزرگی دچار حریق می شود. و از خشت خشت سازه های مقاوم بنا می شود.

3046. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: از نشانه های کرامت انسان: گریستن بر زمان از دست رفته، و اشتیاق به وطن و حفظ کردن دوستان قدیمی است.

3047. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: اهل یقین و اهل اخلاص و اهل ایثار از اعرافیان اند.

3048. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: مؤمن برادر مؤمن است. پس او را فریب نمی دهد. و او را معیوب نمی کند. و از یاری او دست بر نمی دارد.

3049. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ: إِمَامٌ عَادِلٌ، وَتَاجِرٌ صَدُوقٌ، وَشَيْخٌ أَفْنَى عُمُرِهِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ الَّذِينَ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي النَّارِ بِغَيْرِ حِسَابٍ: فِيمَا مَجَازٍ، وَتَاجِرٌ كَذُوبٌ، وَشَيْخٌ زَانٍ. (1)

3050. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ لَا يُحَاسِبُ اللَّهُ عَلَيْهَا الْمُؤْمِنَ: طَعَامٌ يَأْكُلُهُ، وَثَوْبٌ يَلْبَسُهُ، وَزَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعَاوَنُهُ وَتُحَصِّنُ فَرْجَهُ. (2)

3051. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ فِي ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: رَجُلٌ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ، وَرَجُلٌ لَمْ يَقْدَمْ رَجُلًا وَلَمْ يُؤَخَّرْ آخَرَ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رِضَى أَوْ سَخَطٌ، وَرَجُلٌ لَمْ يَعِْبْ أَخَاهُ بِعَيْبٍ حَتَّى يَنْفَى ذَلِكَ الْعَيْبَ مِنْ نَفْسِهِ؛ فَإِنَّهُ لَا يَنْفَى مِنْهَا عَيْبًا إِلَّا بَدَأَ لَهُ عَيْبٌ آخَرَ، وَكَفَى بِالْمَرْءِ شُغْلًا بِنَفْسِهِ عَنِ النَّاسِ. (3)

3052. وَرَوَى زُرَّارَةُ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ثَلَاثَةٌ إِنْ تَعَلَّمَهُنَّ الْمُؤْمِنُ كَانَتْ زِيَادَةً فِي عُمُرِهِ، وَبَقَاءٌ لِلنَّعْمَةِ عَلَيْهِ. فَقُلْتُ: وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: تَطْوِيلُهُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ فِي صَلَاتِهِ، وَتَطْوِيلُهُ بِجُلُوسِهِ عَلَى طَعَامِهِ إِذَا أَطْعَمَ عَلَى مَا دَتِيهِ، وَاصْطِنَاعُهُ الْمَعْرُوفَ (4) إِلَى أَهْلِهِ. (5)

ص: 46

1- الخصال، ص 80، ح 1.

2- الخصال، ص 80، ح 2.

3- الخصال، ص 81، ح 4.

4- أى إحسانه بالمعروف إلى أهله، والاصطناع افتعال من الصنيعه؛ أى العطيته والكرامه والإحسان.

5- كافي، ج 4، ص 49.



3049. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند سه گروه را بدون حساب وارد بهشت خواهد کرد: امام عادل و تاجر راست گو، و پیر مردی که عمرش را در اطاعت خدا صرف کرده است. و سه گروه را بدون حساب وارد جهنم می کند: رهبر ستمگر، تاجر دروغگو و پیر مرد زناکار.

3050. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند سه چیز را از مؤمن محاسبه نمی کند: غذائی که می خورد. و لباسی که می پوشد. و همسر صالح و پاکدامن که به او کمک می کند.

3051. امام صادق علیه السلام فرمودند: در روزی که سایه ای جز عرش خدا نیست سه کس در سایه عرش خدا هستند. کسی که نسبت به مردم انصاف داشته باشد. و کسی که قدم از قدم بر ندارد مگر اینکه بداند خداوند از این کار راضی است یا نه.

و کسی که از دیگران عیب نگیرد مگر اینکه خود را از آن عیب پاک کرده باشد. و انسان عیبی را از خود پاک نمی کند مگر اینکه عیب دیگری برایش ظاهر می شود. و برای مردم همین بس که مشغول اصلاح خود باشند و از دیگران عیب جوئی نکنند.

3052. زراره گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: سه کار است که اگر مؤمن آن را بیاموزد عمرش طولانی و نعمتش پایدار شود. پرسیدم: چه کاری؟

حضرت فرمودند: رکوع و سجود را در نماز طولانی کند، و نشستن سر سفره را هنگامی که به دیگران طعام می دهد طولانی کند.

3053. وقال أبو عبد الله عليه السلام: ثلاثة هم أقرب الخلق إلى الله يوم القيامة حتى يفرغ من الحساب: رجل لم تدعه قدرته في حال غصبه إلى أن يحيف (1) على من تحت يديه، ورجل مشى بين اثنين فلم يميل مع أحدهما على الآخر بشد عيره، ورجل قال الحق فيما له وعليه. (2)

3054. وعنه عليه السلام قال: إذا افشعرت جلدك، ودمعت عيناك، ووجل قلبك، فدونك دونك (3) فقد قصد قصدك (4). (5)

3055. وقال عليه السلام: لا يؤمن رجل فيه الشح (6) والحسد والجبن، ولا يكون المؤمن جباناً ولا حريصاً ولا شحيحاً. (7)

3056. وقال عليه السلام: ثلاث من كن فيه زوجه الله من الحور العين كيف شاء: كظم الغيظ، والصبر على الشيف لله عز وجل، ورجل أشرف على مال حرام فتركه لله عز وجل. (8)

3057. وقال عليه السلام: إنى أرحم ثلاثة - وحق لهم أن يرحموا - عزيز أصابته المذلة بعد العز، وغني أصابته حاجة بعد الغنى، وعالم يستخف به أهله والجهلة. (9)

3058. وقال عليه السلام: إن الله عز وجل يبغض الغني الظلوم، والشيخ الفاجر، والصعلوك (10) المختال. ثم قال: أتدرى ما الصعلوك المختال؟ قال: فقلت: القليل المال، قال: لا، هو الذي لا يتقرب إلى الله بشيء من ماله. (11)

3059. قال أبو عبد الله عليه السلام: من صدق لسانه زكاً عملاً، ومن حسنت نيته زاد الله في رزقه، ومن حسن بره بأهله زاد الله في عمره. (12)

3060. وقال عليه السلام: من تعلق قلبه بالدنيا تعلق منها بثلاث خصال: هم لا يقنى، وأمل لا يدرك، ورجاء لا ينال. (13)

ص: 48

1- الحيف: الجور والظلم (القاموس المحيط: 131/3).

2- الخصال، ص 81، ح 5.

3- أي هو دونك أو قريب منك، يقال: هذا دونه أي قريب منه، ودونك إغراء، والتكرير للمبالغة.

4- قصد قصد فلان أي نحا نحوه. قصد قصدك: أي توجه غرضك أن يحصل.

5- الخصال، ص 82، ح 6.

6- الشح: البخل.

7- الخصال، ص 83، ح 8.

8- الخصال، ص 85، ح 14.

9- الخصال، ص 87، ح 18.

10- الصعلوك: الفقير الذي لا مال له ولا اعتماد (لسان العرب: 456/10).

11- الخصال، ص 87، ح 19.

12- الخصال، ص 88، ح 21.



3053. امام صادق علیه السلام فرمودند: روز قیامت سه گروه تا پایان حساب از همه به خدا نزدیکترند: کسی که با وجود قدرت داشتن به زیر دست خود ستم نکند. و کسی که در میانجیگری به اندازه حبه جو به یک طرف تمایل نداشته باشد. و کسی که در صورت سود یا زیان خود حق را بگوید.

3054. امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که از ترس خدا بدن تو لرزید و اشک تو جاری شد و قلب تو ترسید، مقصد تو نزدیک شده است [پس در این هنگام در خواست های خود را از خدا بطلبید].

3055. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که بخل و حسد و ترس دارد ایمان ندارد. و مؤمن ترسو و حریص و بخیل نمی شود.

3056. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس سه صفت دارد خداوند هر حورالعین را که او بخواهد نصیبش کند: خشم خود فرو برد. و در جنگ برای خدا صبر کند. و هنگامی که مال حرام به چنگ او آمد، برای خدا در آن تصرف نکند.

3057. امام صادق علیه السلام فرمودند: من به سه کس ترحم می کنم - و ترحم حق آنان است - : عزیزی که بعد از عزت دچار ذلت شود. ثروتمندی که پس از ثروت نیازمند شود. عالمی که اطرافیان و مردم نادان قدر او را نشناسند.

3058. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند از ثروت مند ظالم و پیرمرد زنا کار و صعلوک متکبر متنفر است. سپس فرمودند: آیا می دانی صعلوک کیست؟ راوی گفت: کسی که مال ندارد. امام فرمود: نه، کسی است که مالش را در راه خدا مصرف نکند.

3059. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که زبانش راست بگوید، عملش پاک شود. و کسی که نیت خود را خوب کند، خداوند رزقش را زیاد کند. و کسی که به خاندانش نیکی کند، خدا عمرش را زیاد کند.

3060. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که دل به دنیا بندد، گرفتار سه چیز شود: غصه بی پایان. آرزوی غیر قابل درک و امید واهی.

3061. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ خِصَالٍ فِيهِنَّ الْمَقْتُ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: نَوْمٌ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ، وَضِحْكٌ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ، وَأَكْلٌ عَلَى الشُّبُعِ. (1)

3062. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْهَدِيَّةُ عَلَى ثَلَاثَةٍ أَوْجُهُ: هَدِيَّةٌ مُكَافَأَةٌ، وَهَدِيَّةٌ مُصَانَعَةٌ، وَهَدِيَّةٌ لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ. (2)

3063. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَصُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ: الْحِرْصُ وَالِاسْتِكْبَارُ وَالْحَسَدُ؛ فَأَمَّا الْحِرْصُ فَأَدَمٌ حِينَ نُهِيَ عَنِ الشَّجَرَةِ حَمَلَهُ الْحِرْصُ عَلَى أَنْ أَكَلَ مِنْهَا، وَأَمَّا الْإِسْتِكْبَارُ فِإِبْلِيسُ حِينَ أَمَرَ بِالسُّجُودِ فَأَبَى، وَأَمَّا الْحَسَدُ فَأَبْنَا آدَمَ حِينَ قَتَلَ أَحَدَهُمَا صَاحِبَهُ حَسَدًا. (3)

3064. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ لَا يُسَلِّمُونَ: الْمَاشِي مَعَ الْجَنَازَةِ، وَالْمَاشِي إِلَى جُمُعَةٍ، وَفِي بَيْتِ حَمَامٍ. (4)

3065. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ: الْعِطْرُ، وَإِحْفَاءُ الشَّعْرِ، وَكَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ (5). وَقِيلَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ الْخِصَالِ بِالْمَرْءِ أَجْمَلُ؟ قَالَ: وَقَارٌ بِلَا مَهَابَةٍ، وَسَمَاحٌ (6) بِلَا طَلَبٍ مُكَافَأَةٍ، وَتَشَاغُلٌ بِغَيْرِ مَتَاعِ الدُّنْيَا. (7)

3066. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السَّرْفُ فِي ثَلَاثَةٍ: ابْتِدَالِكِ ثَوْبِ صَوْنِكَ، وَإِقَائِكَ النَّوَى يَمِينًا وَشِمَالًا، وَإِهْرَاقِكَ فَضْلَةَ الْمَاءِ. (8)

3067. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَذَاكُرُوا الشُّؤْمَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الشُّؤْمُ فِي ثَلَاثَةٍ: فِي الْمَرْأَةِ وَالذَّابَةِ وَالذَّارِ؛ فَأَمَّا شُّؤْمُ الْمَرْأَةِ فَكَثْرَةُ مَهْرِهَا وَعُقُوقُ زَوْجِهَا، وَأَمَّا الذَّابَةُ فَسَوْءُ خُلُقِهَا وَمَنْعُهَا ظَهْرَهَا، وَأَمَّا الذَّارُ فَضَيْقُ سَاحَتِهَا وَسَوْءُ جِيرَانِهَا وَكَثْرَةُ غِيُوبِهَا. (9)

3068. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ فِي حِرْزِ اللَّهِ تَعَالَى إِلَى أَنْ يَفْرُغَ اللَّهُ مِنَ الْحِسَابِ: رَجُلٌ لَمْ يَهْمَمْ بِزِنْيٍ قَطُّ، وَرَجُلٌ لَمْ يَشُبْ (10) مَالَهُ بِرِبَا قَطُّ، وَرَجُلٌ لَمْ يَسَعْ فِيهِمَا قَطُّ. (11)

3069. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَعْطِيَ ثَلَاثَةً لَمْ يُحْرَمَ ثَلَاثَةً: مَنْ أَعْطِيَ الدُّعَاءَ أَعْطِيَ الْإِجَابَةَ، وَمَنْ أَعْطِيَ الشُّكْرَ أَعْطِيَ الزِّيَادَةَ، وَمَنْ أَعْطِيَ التَّوَكُّلَ أَعْطِيَ الْكِفَايَةَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ

ص: 50

1- . الخصال، ص 89، ح 25.

2- . كافي، ج 5، ص 141، ح 1.

3- . الخصال، ص 90، ح 28.

4- . الخصال، ص 91، ح 31.

5- . يريد كثره الجماع، وغشيان الرجل أزواجه وما أحلَّ له (مجمع البحرين: 45/3).

6- . السَّمَّاحُ: الْجَوْدُ (الصَّحَّاحُ: 376/1).

7- . الخصال، ص 92، ح 34.

8- . الخصال، ص 93، ح 37.

9- . الخصال، ص 100، ح 53.

10- . الشُّوبُ: الْخَلْطُ (القَامُوسُ الْمَحِيطُ: 90/1).



3061. امام صادق علیه السلام فرمودند: در سه صفت غضب خداوند است: خوابی که شب زنده داری ندارد و خنده بدون سبب، و خوردن در حال سیری.

3062. امام صادق علیه السلام فرمودند: هدیه سه نوع است: یکی هدیه در مقابل هدیه، هدیه برای سازش طرف، هدیه برای رضای خدا.

3063. امام صادق علیه السلام فرمودند: اساس کفر سه چیز است: حرص و تکبر و حسد. حرص، که حضرت آدم را وادار کرد از درخت ممنوعه بخورد. تکبر، که شیطان را از سجده به امر خدا بازداشت. حسد، که قایل پسر آدم را به قتل برادر واداشت.

3064. امام صادق علیه السلام فرمودند: به سه نفر سلام نمی کنند: کسی که همراه جنازه حرکت می کند. کسی که در نماز جمعه است. و کسی که در حمام است.

3065. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه خصلت از سنت پیامبران است: عطر، شانه کردن موها، زیاد نزدیکی کردن.

از آن حضرت پرسیدند: چه صفتی برای انسان برازنده تر است؟ فرمودند: وقار بدون ترساندن، و بخشش بدون توقع، و پرداختن به غیر دنیا.

3066. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه کار اسراف است: لباس رسمی را در وقت کار پوشیدن، هسته [قابل کشت] را دور انداختن، اضافه آب را دور ریختن.

3067. امام صادق علیه السلام فرمودند: در حضور رسول الله صلی الله علیه و آله درباره شوم و نحس بودن صحبت شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: نحسی در سه چیز است: زن و حیوان و خانه. نحسی زن مهر زیاد و اذیت شوهر است. نحسی حیوان رفتار بد و بار نکشیدن، و نحسی خانه کوچک بودن و همسایه بد و عیب زیاد آن است.

3068. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه گروه در پناه خدا هستند تا از حساب فارغ شوند: کسی که هرگز فکر زنا نکرده باشد. و کسی که هیچوقت مالش به ربا آلوده نشده باشد. و کسی که برای زنا و ربا میانجیگری نکرده باشد.

3069. امام صادق علیه السلام فرمودند: به هر کس سه چیز داده شود از سه چیز محروم نیست: به کسی که دعا داده شود اجابت هم داده شده است. به کسی که شکر داده شود، زیادی نعمت داده شده است. و به کسی که توکل داده شود، کفایت خدا داده شده است. خداوند در قرآن

حَسْبُهُ»، وَيَقُولُ: «لَل - نِ شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ» وَيَقُولُ: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ».

وقال عليه السلام: يُعْتَبَرُ عَقْلُ الرَّجُلِ فِي ثَلَاثَةٍ: طَوْلِ لِحْيَتِهِ، وَفِي نَقْشِ خَاتَمِهِ، وَفِي كُنْيَتِهِ. (1)

3070. وقال عليه السلام: ثلاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ اسْتَكْمَلَ خِصَالَ الْإِيمَانِ: مَنْ صَبَرَ عَلَى الظُّلْمِ، وَكَظَمَ غَيْظَهُ، وَاحْتَسَبَ وَعَفَا وَغَفَرَ؛ كَانَ مِمَّنْ يُدْخِلُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، وَيُشَفِّعُهُ فِي مِثْلِ رَبِيعَةَ وَمُضَرَ. (2)

3071. وقال عليه السلام: مَنْ رَقَعَ جَبِيئَهُ، وَخَصَفَ نَعْلَهُ، وَحَمَلَ سِلْعَتَهُ؛ فَقَدْ أَمِنَ مِنَ الْكِبَرِ. (3)

3072. وقال عليه السلام: قَالَ إِبْلِيسُ - لَعَنَهُ اللَّهُ - لِجُنُودِهِ: إِذَا اسْتَمَكَنْتُمْ مِنْ ابْنِ آدَمَ فِي ثَلَاثَةٍ لَمْ أَبَالِ مَا عَمِلَ؛ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ مِنْهُ: إِذَا اسْتَكْثَرَ عَمَلَهُ، وَنَسِيَ ذَنْبَهُ، وَدَخَلَ الْعُجْبَ. (4)

3073. وقال أبو عبد الله عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: إِنِّي قَدْ تَطَوَّلْتُ عَلَى عِبَادِي بِثَلَاثٍ: أَلْقَيْتُ عَلَيْهِ الرِّيحَ (5) بَعْدَ الرُّوحِ؛ وَلَوْلَا ذَلِكَ مَا دَفَنْتُ حَمِيمًا (6) وَأَلْقَيْتُ عَلَيْهِمُ السَّلْوََةَ بَعْدَ الْمُصِيبَةِ؛ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يَتَّهَنَنَّ أَحَدٌ بِعَيْشِهِ، وَخَلَقْتُ هَذِهِ الدَّابَّةَ وَسَدَّ لَطْئَهَا عَلَى الْحِنِطَةِ وَالشَّعِيرِ؛ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَكُنَّزَهَا مُلُوكُهُمْ كَمَا يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ. (7)

3074. وقال عليه السلام: أُوْحِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ عِبَادِي لَمْ يَتَّقَرُّوا إِلَيَّ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ. قَالَ:

يَا رَبِّ، وَمَا هِيَ؟ قَالَ: يَا مُوسَى، الزُّهُدُ فِي الدُّنْيَا، وَالْوَرَعُ عَنِ الْمَعَاصِي، وَالْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَتِي. قَالَ مُوسَى: يَا رَبِّ، مَا لِمَنْ صَنَعَ ذَا؟ فَأُوْحِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: يَا مُوسَى، أَمَّا الزُّهُدُ فِي الدُّنْيَا فَمِنْ خَشْيَتِي فِي الْجَنَّةِ، وَأَمَّا الْبُكَاءُ مِنَ الْكَافِرِينَ مِنْ خَشْيَتِي فَمِنْ الرِّفْعِ الْأَعْلَى لَا يُشَارِكُهُمْ فِيهِ أَحَدٌ، وَأَمَّا الْوَرَعُونَ عَنِ الْمَعَاصِي فَمِنْ أَفْشَى النَّاسِ وَلَا أَفْشَاهُمْ. (8)

ص: 52

1- الخصال، ص 101، ح 56 و ص 103، ح 60، وفيه من «يعتبر عقل الرجل...».

2- الخصال، ص 104، ح 63.

3- الخصال، ص 109، ح 78.

4- الخصال، ص 112، ح 86.

5- لعل المراد من الريح هنا التنن؛ إذ الريح يطلق على الرائح، وهي هنا كريهه شديده. وبعد الروح: أي بعد خروج الروح من جسده.

6- الحميم: القريب (القاموس المحيط: 100/4).

7- الخصال، ص 112، ح 87.

8- الكافي، ج 2، ص 483، ح 6.



می فرماید: کسی که به خدا توکل کند خدا او را کفایت می کند. و می فرماید: اگر شکر کنید، بر نعمت شما می افزایم. و می فرماید: مرا بخوانید، شما را اجابت کنم.

حضرت فرمودند: عقل انسان با سه چیز آزموده می شود: بلندی ریش، نقش انگشتر و کنیه و لقب او. [انتخاب متعارف، نشانه عقل است.]

3070. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه خصلت در هر کس باشد صفات ایمان او کامل است: صبر کردن بر ظلم. فرو بردن خشم، عفو کردن و بخشیدن خطای دیگران. خداوند چنین کسی را بدون حساب به بهشت می برد. و شفاعت او را درباره [جمعیت های فراوان] به اندازه قبیله ربیعه و مضر قبول می کند.

3071. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که لباسش را وصله زند و کفش خود را پینه زند و متاع خود را خودش حمل کند از تکبر در امان است. [یعنی کسی که کارهای شخصی را خودش انجام دهد و به دیگران تحمیل نکند.]

3072. امام صادق علیه السلام فرمودند: شیطان - خدا لعنتش کند - به لشکریانش گفت: اگر در سه چیز بر انسان غلبه کنید دیگر باکی ندارم و عمل او در درگاه خداوند قبول نمی شود: کار خیرش را بزرگ شمارد. و گناهش را فراموش کند. و مغرور شود.

3073. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند متعال می فرماید: من بر بندگانم سه لطف نموده ام: بوی بد را بعد از مرگ بر آنان مسلط کرده ام. که اگر چنین نبود کسی نزدیکان خود را دفن نمی کرد. و فراموشی بعد از مصیبت، که اگر چنین نبود زندگی بر آنان دشوار می شد. و حشرات را بر گندم و جو مسلط کرده ام، که اگر چنین نبود قدرتمندان آن را ذخیره می کردند. همانطور که طلا و نقره را ذخیره می کنند.

3074. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند عزّ و جل بر موسی علیه السلام وحی فرمود: بندگان من با هیچ چیزی به اندازه این سه خصلت نمی توانند به من تقرّب جویند. موسی گفت: پروردگارا! آنها چیست؟ فرمود: ای موسی، زهد در دنیا، دوری از گناه، و گریه از ترس من.

موسی گفت: پروردگارا! کسی که چنین کند چه پاداشی دارد؟

خداوند وحی فرمود: یا موسی، زاهد در دنیا وارد بهشت می شود. گریه کنندگان در بالاترین مقام هستند که کسی به آن دست نیابد. و پرهیزکاران را هنگامی که اعمال مردم را در قیامت حسابرسی می کنم از آنان حساب رسی نمی کنم.

3075. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: إِنَّ الْإِمَامَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِلرَّجُلِ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ، وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ، وَحُسْنُ الْخِلَافَةِ عَلَى مَنْ وَلِيَ حَتَّى يَكُونَ لَهُ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ. (1)

3076. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ فِي قَمِيصِ يُونُسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثُ آيَاتٍ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ»، وَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ وَقَدْ مِنْ قَبْلٍ» الْآيَةَ، وَقَوْلُهُ تَعَالَى: «اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا». (2)

3077. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ: لَا يَطْعَنُ (3) الرَّجُلُ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: زَادٍ لِمَعَادٍ، أَوْ مَرَمَةٍ (4) لِمَعَاشٍ، أَوْ لَدَّهِ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ. ثُمَّ قَالَ: مَنْ أَحَبَّ الْحَيَاةَ ذَلَّ. (5)

3078. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى فِرَاشِ دَارِ رَجُلٍ، فَقَالَ: فِرَاشٌ لِلرَّجُلِ، وَفِرَاشٌ لِأَهْلِهِ، وَفِرَاشٌ لِصَنِيْفِهِ، وَالفِرَاشُ الرَّابِعُ لِلشَّيْطَانِ. (6)

3079. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: قَالَ لِقَمَانٍ لِابْنِهِ: يَا بَنِيَّ، لِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمَةٌ يُعْرَفُ بِهَا وَيَشْهَدُ عَلَيْهَا، وَإِنَّ لِلدِّينِ ثَلَاثَ عِلْمَاتٍ: الْعِلْمُ وَالْإِيمَانُ وَالْعَمَلُ.

وَلِلْإِيمَانِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: الْعِلْمُ بِاللَّهِ وَبِمَا يُحِبُّ وَمَا يَكْرَهُ. (7)

3080. وَلِلْعَاقِلِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: الصَّلَاةُ وَالصِّيَامُ وَالزَّكَاةُ. (8)

3081. وَلِلْمُتَكَلِّفِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: يُنَازِعُ مَنْ فَوْقَهُ، وَيَقُولُ مَا لَمْ يَعْلَمْ، وَيَتَعَاطَى مَا لَمْ يَنَلْ. (9)

3082. وَلِلظَّالِمِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: يَظْلِمُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ، وَمَنْ دُونَهُ بِالْعَلْبِ، وَيُعِينُ الظَّلْمَةَ. (10)

3083. وَلِلْمُنَافِقِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: يُخَالِفُ لِسَانُهُ قَلْبَهُ، وَقَلْبُهُ فِعْلَهُ، وَعَلَانِيَتُهُ سَرِيرَتَهُ. (11)

3084. وَلِلرَّائِي ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: يَجُورُ، وَيَكْذِبُ، وَيُخَالِفُ مَا يَقُولُ. (12)

3085. وَلِلْمُرَائِي ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ، وَيَنْشَطُ إِذَا كَانَ النَّاسُ عِنْدَهُ، وَيَتَعَرَّضُ فِي كُلِّ أَمْرٍ لِلْمَحْمَدَةِ. (13)

ص: 54

1- . الخصال، ص 116، ح 97.

2- . الخصال، ص 118، ح 104.

3- . ظعن: سار وارتحل (مجمع البحرين: 88/3).

4- . رمت الشيء رمًا ومرمًا: إذا أصلحته (الصحيح: 1936/5).

5- . الخصال، ص 120، ح 110.

6- . الخصال، ص 120، ح 111.

7- . الخصال، ص 121، ح 113.

8- . الخصال، ص 121، ح 113.

- 9- . الخصال، ص 121، ح 113.
- 10- . الخصال، ص 121، ح 113.
- 11- . الخصال، ص 121، ح 113.
- 12- . الخصال، ص 121، ح 113.
- 13- . الخصال، ص 121، ح 113.

3075. امام صادق علیه السلام فرمودند: پدرم فرمودند: رهبری، زینده نیست مگر بر کسی که سه صفت داشته باشد: پرهیزکاری که او را از گناه باز دارد. و بردباری که بر خشم خود غلبه کند. و خوشرفتاری بر مردم چون پدر مهربان.
3076. امام صادق علیه السلام فرمودند: در لباس یوسف سه علامت بود [که در قرآن ذکر شده است]: خون دروغین در پیراهن او، پاره شدن پیراهن یوسف از پشت، و آورده شدن آن برای شفای حضرت یعقوب.
3077. امام صادق علیه السلام فرمودند: در حکمت آل داود نوشته شده است، کسی سفر نکند جز برای سه کار: ره توشه آخرت، اصلاح امور زندگی، لذت بردن حلال. سپس حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که دلبستگی به زندگی داشته باشد. ذلیل شود.
3078. امام صادق علیه السلام نگاهش به فرشهای خانه مردی افتاد و فرمودند: فرشی برای مرد، فرشی برای خانواده اش، فرشی برای میهمان، فرش چهارم برای شیطان.
3079. امام صادق علیه السلام فرمودند: لقمان به پسرش گفت: پسر، هر چیزی نشانه ای دارد که آن را معرفی می کند، و دین سه نشانه دارد: علم و ایمان و عمل. ایمان هم سه نشانه دارد:
- شناختن خدا و آنچه خدا دوست دارد و آنچه خدا نفرت دارد.
3080. امام صادق علیه السلام فرمودند: عاقل سه علامت دارد: نماز و روزه و زکات.
3081. امام صادق علیه السلام فرمودند: متکلف سه علامت دارد: با مافوق خود درگیر می شود. و آنچه نمی داند می گوید. و بدنبال چیزی می رود که به آن نمی رسد.
3082. امام صادق علیه السلام فرمودند: ظالم سه علامت دارد: با نافرمانی به مافوق ظلم می کند. و با اعمال قدرت به زیر دست ستم می کند. و با ستمگران همکاری دارد.
3083. امام صادق علیه السلام فرمودند: منافق سه علامت دارد: زبانش با قلب او و قلبش با رفتارش و ظاهر او با باطنش فرق دارد.
3084. امام صادق علیه السلام فرمودند: گناهکار سه علامت دارد: ستم می کند. دروغ می گوید. رفتارش خلاف گفتار اوست.
3085. امام صادق علیه السلام فرمودند: ریاکار [دور] سه علامت دارد: در تنهایی کسل است. وقتی مردم نزد او هستند با نشاط است. و هر کاری را برای ستایش دیگران از خودش انجام می دهد.

3086. ولِلْحَاسِدِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَغْتَابُ إِذَا غَابَ، وَيَتَمَلَّقُ (1) إِذَا شَهِدَ، وَيَشْمَتُ بِالْمُصِيبَةِ. (2)

3087. وَلِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ، وَيَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ، وَيَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ (3). (4)

3088. وَلِلْكَسَلَانِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَتَوَانَى حَتَّى يُفَرِّطَ، وَيُفَرِّطُ حَتَّى يُضَيِّعَ، وَيُضَيِّعُ حَتَّى يَأْتَمَ (5).

3089. وَلِلْغَافِلِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: اللَّهْوُ وَالسَّهْوُ وَالنَّسْيَانُ. (6)

3090. قَالَ حَمَادُ بْنُ عَيْسَى: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْ هَذِهِ الْعِلَامَاتِ شُعْبٌ يَبْلُغُ الْعِلْمُ بِهَا أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ بَابٍ وَأَلْفِ بَابٍ وَأَلْفِ بَابٍ؛ فَكُنْ يَا حَمَادُ طَالِبًا لِلْعِلْمِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ؛ فَإِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَقَرَّرَ عَيْنَكَ وَتَبَالَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَاقْطَعْ الطَّمَعِ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ، وَعُدَّ نَفْسَكَ فِي الْمَوْتَى، وَلَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ أَنَّكَ فَوْقَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ، وَاخْزَنْ لِسَانَكَ كَمَا تَخْزُنُ مَالَكَ. (7)

3091. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَةٌ لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ فِيهَا: أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، وَبُرِّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ. (8)

3092. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُ بِشَيْءٍ أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنْ خِصَالِ ثَلَاثٍ يُحْرَمُهَا. قِيلَ: وَمَا هِيَ؟ قَالَ: الْمُوَاسَاةُ فِي ذَاتِ يَدَيْهِ، وَالْإِنْصَافُ مِنْ نَفْسِهِ، وَذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا؛ أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ لَكُمْ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» وَلَكِنْ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا أَحَلَّ لَهُ، وَذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ. (9)

3093. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلًّا فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ مَلَكًا يُنَادِي: مَهَلًا مَهَلًا عِبَادَ اللَّهِ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ! فَلَوْلَا بِهِائِمُ رُزْغٌ، وَصِيبَةٌ رُزْغٌ، وَشُيُوخٌ رُزْغٌ؛ لَصَبَّ عَلَيْكُمْ الْبَلَاءُ صَبًّا تُرْضَوْنَ بِهِ رِضًا. (10)

3094. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ لَا يُطِيقُهُنَّ النَّاسُ: الصَّفْحُ عَنِ النَّاسِ، وَالْمُوَاسَاةُ الْأَخِ أَخَاهُ فِي مَالِهِ، وَذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا. (11)

ص: 56

1- . الملق: هو المدح بما ليس في الممدوح فوق الحد. قال الجزري هو - بالتحريك - : الزيادة في التودد والدعاء والتضرع فوق ما ينبغي.

2- . الخصال، ص 121، ح 113.

3- . أى ليس أن يلبس ويشترى ويأكل، بل يفعل ذلك لرياء الناس.

4- . الخصال، ص 121، ح 113.

5- . الخصال، ص 122.

6- . الخصال، ص 122.

7- . الخصال، ص 122.

8- . الخصال، ص 123، ح 118.

9- . الخصال، ص 128، ح 130.

10- . الخصال، ص 128، ح 131.

11- . الخصال، ص 133، ح 142.

3086. امام صادق علیه السلام فرمودند: حسود سه علامت دارد: پشت سر غیبت می کند. و در حضور تملق می گوید. و در مصیبت شماتت می کند.

3087. امام صادق علیه السلام فرمودند: اسراف کار سه علامت دارد: چیزی که نیاز ندارد می خورد. و لباسی که مناسب او نیست می پوشد. و غذایی که مناسب او نیست می خورد.

3088. امام صادق علیه السلام فرمودند: تنبل سه علامت دارد: تا حد تقصیر و کوتاهی سستی می کند. و آنقدر کوتاهی می کند تا ضایع می کند. و آنقدر ضایع می کند تا گناه می کند.

3089. امام صادق علیه السلام فرمودند: غافل سه علامت دارد: سرگرمی بیهوده، اشتباه، فراموشی.

3090. حماد بن عیسی گفت: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کدام از این علامتها شعبه هایی دارد که علم به آنها به هزار باب و هزار باب و هزار باب می رسد. ای حماد: شب و روز بدنبال علم باش. و اگر آرامش و خیر دنیا و آخرت می خواهی به اموال مردم طمع نداشته باش. و خود را از مردگان بحساب آور [بزودی خواهی مُرد]. و گمان مبر که از مردم برتر هستی. و زبانت را چون مال خود حفظ کن.

3091. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه چیز است که کسی در آن عذر ندارد: رد امانت به نیکوکار یا گنه کار. نیکی به پدر و مادر خوب باشند یا بد. وفای به عهد با مردم خوب یا بد.

3092. امام صادق علیه السلام فرمودند: گرفتاری برای مؤمن شدیدتر از این نیست که به این سه خصلت گرفتار شود [و نتواند انجام دهد]. پرسیدند: کدام خصلتها؟ حضرت فرمودند: مالی که دارد با دیگران در میان گذارد. و با دیگران انصاف داشته باشد. و همیشه به یاد خدا باشد. یاد خدا فقط گفتن سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر نیست. بلکه هنگام مواجه شدن با حلال و حرام به یاد خدا باشد [و حرام را ترک کند].

3093. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند فرشته ای دارد که هر روز صدا می زند: بندگان خدا دست از گناه بردارید که اگر حیوانات چرنده و اطفال شیر خوار و پیران خمیده نبودند بلایی بر شما فرود می آمد که درهم شکنید.

3094. امام صادق علیه السلام فرمودند: مردم طاقت سه چیز ندارند: گذشت با مردم، تقسیم کردن اموال با دیگران، ذکر خدا در هر حال.

3095. وَعَنْ جَارُودِ بْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثَةٌ: إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى لَا تَرْضَى بِسَيِّئِهِ إِلَّا رَضِيَتْ لَهُمْ مِثْلَهُ، وَمُؤَاسَاةُ الْأَخِ فِي الْمَالِ، وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ لَيْسَ «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» فَقَطَّ، وَلَكِنْ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ شَيْءٌ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ أَخَذْتَ بِهِ، وَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ شَيْءٌ نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ تَرَكْتَهُ. (1)

3096. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَأَيْتُ الْمَعْرُوفَ لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِثَلَاثِ خِصَالٍ، تَصْغِيرُهُ، وَتَسْتِيرُهُ، وَتَعْجِيلُهُ؛ فَإِنَّكَ إِذَا صَغَّرْتَهُ عَظَّمْتَهُ عِنْدَ مَنْ تَصْنَعُهُ إِلَيْهِ، وَإِذَا سَتَرْتَهُ تَمَمْتَهُ، وَإِذَا عَجَّلْتَهُ هَنَأْتَهُ، فَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ سَخَفْتَهُ (2) وَنَكَّدْتَهُ. (3)

3097. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ رَجُلًا مَرَّ بِعُثْمَانَ وَهُوَ قَاعِدٌ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ، فَأَمَرَ لَهُ بِخَمْسَةِ دَرَاهِمٍ، فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: أُرْسِدْنِي، فَقَالَ لَهُ عُثْمَانُ: دُونَكَ الْفِتْيَةُ الَّذِينَ تَرَى - وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى نَاحِيَةِ مِنَ الْمَسْجِدِ فِيهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَمَضَى الرَّجُلُ نَحْوَهُمْ حَتَّى سَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَسَلَّطَهُمْ، فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا هَذَا! إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا فِي إِحْدَى ثَلَاثٍ: دَمٌ مُفْجِعٌ، أَوْ دَيْنٌ مُقْرِحٌ (4)، أَوْ فَقْرٌ مُدْقِعٌ (5)، فَفِي أَيِّهَا تَسَأَلُ؟ فَقَالَ: فِي وَجْهِ مِنْ هَذِهِ الثَّلَاثَةِ، فَأَمَرَ لَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَمْسِينَ دِينَارًا، وَأَمَرَ لَهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِتِسْعَةٍ وَأَرْبَعِينَ دِينَارًا، وَأَمَرَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ بِثَمَانِيَةٍ وَأَرْبَعِينَ دِينَارًا.

وَأَنَّصَرَ رَفَ الرَّجُلُ، فَمَرَّ بِعُثْمَانَ فَقَالَ لَهُ: مَا صَدَّعْتَنِي؟ فَقَالَ: مَرَرْتُ بِكَ فَسَأَلْتُكَ فَأَمَرْتَ لِي بِمَا أَمَرْتَ وَلَمْ تَسْأَلْنِي فِيمَا أَسْأَلُ، وَإِنَّ صَاحِبَ الْوَفْرَةِ (6) لَمَّا سَأَلْتُهُ فَقَالَ لِي: يَا هَذَا فِيمَا تَسَأَلُ؟ فَإِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا فِي إِحْدَى ثَلَاثٍ، فَأَخْبَرْتُهُ بِالْوَجْهِ الَّذِي لَهُ أَسْأَلُ مِنَ الثَّلَاثَةِ، فَأَعْطَانِي خَمْسِينَ دِينَارًا، وَأَعْطَانِي الثَّانِي تِسْعَةً وَأَرْبَعِينَ دِينَارًا، وَأَعْطَانِي الثَّلَاثَ ثَمَانِيَةً وَأَرْبَعِينَ دِينَارًا.

ص: 58

- 1- . الكافي، ج 2، ص 144، ح 3.
- 2- . السخف - بالفتح - رقة العيش، وبالضم: رقة العقل. وقيل: هي الخفة التي تعترى الإنسان من الجوع، والسخيف: الضعيف؛ أي إذا لم يجمع المعروف هذه الخصال فقد ضعفته ونقصته ونكدته؛ أي جعلته قليل الخير.
- 3- . الخصال، ص 133، ح 143.
- 4- . المفجع: الموجع والمؤلم، والمراد هنا الذي اللازمه من إهراق الدم. ودَيْن مُقْرِح - بالقاف - أي مؤلم، ويحتمل أو يكون بالفاء، يقال: أفرحه الدين: إذا أثقله. وفقر مدقع: أي شديد.
- 5- . مُدْقِع: أي شديد يغضى بصاحبه إلى الدقعاء [وهو التراب]. وقيل: هو سوء احتمال الفقر (النهاية: 127/2).
- 6- . الوفرة: شعر الرأس إذا وصل شحمه الأذن (النهاية: 210/5).

3095. امام صادق علیه السلام فرمودند: برترین کارها سه چیز است: انصاف با مردم بطوری که هر چه برای خود می پسندد برای دیگران پسندد. تقسیم کردن اموال با برادر دینی، و ذکر خدا در هر حال نه اینکه فقط بگوید سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر بلکه هر چه خدا امر کرده بپذیری و هر چه نهی فرموده ترک کنی.

3096. امام صادق علیه السلام فرمودند: به نظر من کار نیکو جز با سه خصلت اصلاح نمی شود: کوچک شمردن، مخفی کردن و با سرعت انجام دادن. چون اگر آن را کوچک شمردی نزد کسی که برایش کاری کرده ای در واقع آن را بزرگ کرده ای. و اگر مخفی کنی، کامل کرده ای. و اگر با سرعت انجام دهی، گوارا کرده ای. و اگر جز این باشد ضعیف و کم فایده است.

3097. امام صادق علیه السلام فرمودند: عثمان در کنار در مسجد نشسته بود، فقیری عبور کرد. دستور داد پنج درهم به او بدهند. فقیر گفت: مرا راهنمایی کن. عثمان گفت: برو نزد جوانانی که در گوشه مسجد نشسته اند. به امام حسن و امام حسین و عبدالله جعفر اشاره کرد. نزد آنها رفت و درخواست کرد: امام مجتبی علیه السلام فرمود: درخواست روا نیست مگر در سه حال:

خون بها، و قرض سنگین یا فقر طاقت فرسا.

تو به کدام درخواست می کنی؟ گفت: یکی از همین سه مورد.

حضرت دستور دادند، پنجاه درهم به او دادند. امام حسین دستور داد: چهل و نه دینار به او دادند. و عبدالله جعفر دستور داد چهل و هشت دینار به او دادند. وقتی فقیر برگشت عثمان پرسید: چه کردی؟ گفت: من از تو درخواست کردم بدون سؤال پنج درهم دادی. اما از آن جوان صاحب گیسوان درخواست کردم چنین پرسید و ماجرا را توضیح داد.



فَقَالَ عُثْمَانُ: وَمَنْ لَكَ بِمِثْلِ أَوْلِيكَ الْفِتْيَةِ؟! أَوْلِيكَ فَطَمُوا الْعِلْمَ فَطَمًا (1)، وَحَازُوا الْخَيْرَ وَالْحِكْمَةَ. (2)

قَالَ ابْنُ بَابُوَيْهٍ فِي الْخِصَالِ: مَعْنَى قَوْلِهِ: «فَطَمُوا الْعِلْمَ فَطَمًا» أَي قَطَعُوهُ عَنِ غَيْرِهِمْ قَطْعًا، أَوْ جَمَعُوهُ لِأَنْفُسِهِمْ جَمْعًا. (3)

3098. وَعَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ حَمَّادٍ، عَمَّنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِيَّاكُمْ وَسُؤَالَ النَّاسِ؛ فَإِنَّهُ ذُلٌّ فِي الدُّنْيَا، وَفَقْرٌ تُعَجِّلُونَهُ، وَحِسَابٌ طَوِيلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (4)

3099. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ يُسَمَّنَنَّ، وَثَلَاثَةٌ يُهْزَلَنَّ: فَأَمَّا الَّتِي يُسَمَّنَنَّ فَإِدْمَانُ الْحَمَّامِ، وَشَمُّ الرَّائِحَةِ الطَّيِّبَةِ، وَلُبْسُ الثِّيَابِ اللَّيِّبَةِ، وَأَمَّا الَّتِي يُهْزَلَنَّ فَإِدْمَانُ أَكْلِ الْبَيْضِ وَالسَّمَكِ وَالطَّلَعِ. (5)

قَالَ ابْنُ بَابُوَيْهٍ رَحِمَهُ اللَّهُ: يَعْنِي بِإِدْمَانِ الْحَمَّامِ أَنْ يَدْخُلَهُ يَوْمٌ وَيَوْمٌ لَا؛ لِأَنَّهُ إِنْ دَخَلَهُ كُلَّ يَوْمٍ نَقَصَ مِنْ لَحْمِهِ. (6)

3100. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّوا الْبَصَلَ؛ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَيَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَالْجَمَاعِ. (7)

3101. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ سُلِّطَ عَلَى الْبِنَاءِ وَالْمَاءِ وَالطَّيْنِ. (8)

3102. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهِنَّ رَاحَةٌ: دَارٌ وَسَاءٌ مَعَهُ تُؤَارَى عَوْرَتُهُ وَسُوءٌ حَالِهِ مِنَ النَّاسِ، وَامْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَابْنَةٌ أَوْ اخْتُ يُخْرِجُهَا مِنْ مَنْزِلِهِ بِمَوْتٍ أَوْ تَزْوِيجٍ. (9)

3103. وَعَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَهُ وَعِنْدَهُ جَفْنَةٌ (10) مِنْ رُطْبٍ، فَجَاءَ سَائِلٌ فَأَعْطَاهُ، ثُمَّ جَاءَ سَائِلٌ فَأَعْطَاهُ، ثُمَّ جَاءَ آخَرُ فَقَالَ: وَسَعَّ اللَّهُ عَلَيْكَ، ثُمَّ قَالَ: إِنْ رَجُلًا لَوْ كَانَ لَهُ مَالٌ يَبْلُغُ ثَلَاثِينَ أَوْ أَرْبَعِينَ أَلْفًا ثُمَّ شَاءَ أَنْ لَا يَبْقَى مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا قَسَمَهُ فِي حَقِّ فَعَلٍ فَيَبْقَى لَا مَالَ لَهُ، فَيَكُونُ مِنَ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ يَرُدُّ دَعَاؤُهُمْ عَلَيْهِمْ.

ص: 60

1- . الفطم: القطع وفطمت المرضع الرضيع فصلته عن الرضاع. والمراد هنا أنهم فطموا العلم وقطعوه فحازوه، أو فطموا: أى اعطوا العلم

كما يريزق الرضيع فى الصُّبا إلى الفطام الكامل.

2- . الخصال، ص 136، ح 149.

3- . الخصال، ص 136، ح 149.

4- . الكافى، ج 4، ص 20.

5- . الخصال، ص 155، ح 194.

6- . الخصال، ص 155، ح 194.

7- . الخصال، ص 158، ح 200.

8- . الخصال، ص 159، ح 205.

9- . الخصال، ص 159، ح 206.

10- . الجفنه: أعظم ما يكون من القصاع (لسان العرب: 89/13).

عثمان گفت: کجا مثل این جوانمردان پیدا می کنی؟ اینها صاحبان علم و خیر و حکمت هستند.

ابن بابویه در کتاب خصال گوید: معنای عبارت آخر حدیث این است که علم فقط نزد آنان است و بس.

3098. امام صادق علیه السلام فرمودند: در خواست کمک از مردم نکنید. چون ذلت در دنیا و فقر زودرس و حساب طولانی در قیامت است.

3099. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه کار انسان را چاق می کند: حمام مستمر، بوئیدن رایحهٔ خوش و پوشیدن لباس نرم. و سه کار لاغر می کند: هر روز خوردن تخم مرغ و ماهی و خرماي تازه به بار نشسته.

ابن بابویه رحمه الله گوید: حمام مستمر یعنی یک روز در میان حمام کنی. چون استحمام روزانه باعث لاغری می شود.

3100. امام صادق علیه السلام فرمودند: پیاز بخورید که سه خاصیت دارد: بوی دهان را برطرف می کند. لثه را محکم می کند. قدرت جماع را زیاد می کند.

3101. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که مال حرام بدست آورد، خداوند آن را گرفتار می کند که در ساختن و آب و خاک مصرف کند [و او را گرفتار خانه سازی می کند].

3102. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه چیز آرامش مؤمن است: خانهٔ وسیع که ناموس و بی پولی او را بپوشاند. همسر شایسته که در کار دنیا و آخرت به او کمک کند. دختر یا خواهر که به خانهٔ بخت بفرستد یا به قبر.

3103. ولید بن صبیح گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم، ظرف خرما نزد حضرت بود، فقیری آمد، حضرت مقداری به او داد. سپس فقیر دیگری آمد، حضرت مقداری به او داد، فقیر سوم آمد، حضرت فرمود: خدا بر تو گشایش دهد.

سپس فرمودند: اگر کسی سی یا چهل هزار درهم داشته باشد و بخواهد همه را در راه حق تقسیم کند می تواند ولی دعایش در میان سه نفر مستجاب نمی شود.

قال: قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! مَنْ هُمْ؟

قال: رَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ مَالاً فَأَنْفَقَهُ فِي وُجُوهِهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا رَبِّ ارزُقْنِي، فَيَقُولُ الرَّبُّ: أَلَمْ ارزُقْكَ؟ وَرَجُلٌ دَعَا عَلَى امْرَأَتِهِ وَهُوَ ظَالِمٌ لَهَا، فَيَقُولُ أَلَمْ أُجْعَلْ أَمْرَهَا بِيَدِكَ؟ وَرَجُلٌ جَلَسَ فِي بَيْتِهِ وَتَرَكَ الطَّلَبَ، يَقُولُ: يَا رَبِّ ارزُقْنِي، فَيَقُولُ الرَّبُّ عِزَّ وَجَلَّ: أَوْ لَمْ أُجْعَلْ لَكَ السَّبِيلَ إِلَى الطَّلَبِ لِلرِّزْقِ؟(1)

3104. وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ حَمَزَةَ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَّا جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ فِي الصَّوْمِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ: ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ: خَمِيسٌ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ، وَأَرْبَعَاءُ فِي الْعَشْرِ الْأَوْسَطِ، وَخَمِيسٌ فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ، تَعْدِلُ صِيَامَ مَنْ صَامَ الدَّهْرَ، لِقَوْلِ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ وَعَشْرٌ أَمْثَالِهَا»، فَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهَا لِضَعْفِ فَصْدَقِهِ دَرَاهِمٍ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ يَوْمٍ.(2)

3105. كَانَ مَالِكُ بْنُ أَنَسٍ بْنِ عَامِرٍ فَقِيهَ الْمَدِينَةِ يَقُولُ: كُنْتُ أَدْخُلُ عَلَى الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقْدِمُ عَلَيَّ مِخْدَةً وَيَعْرِفُ لِي قَدْرًا، وَيَقُولُ: يَا مَالِكُ، إِنِّي احْبُوكَ، فَكُنْتُ اسْتُرُّ بِذَلِكَ وَأَحْمَدُ اللَّهَ عَلَيْهِ، وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَخْلُو مِنْ إِحْدَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: إِمَّا صَائِمًا، وَإِمَّا قَائِمًا، وَإِمَّا ذَاكِرًا. وَكَانَ مِنْ عَظَمَاءِ الْعُبَادِ وَأَكَابِرِ الرَّهَادِ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ، وَكَانَ كَثِيرَ الْحَدِيثِ، طَيِّبَ الْمُجَالَسَةِ، كَثِيرَ الْفَوَائِدِ، فَإِذَا قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» أَصْفَرَ مَرَّةً وَاخْضَرَ أُخْرَى حَتَّى يُنْكِرَهُ مَنْ يَعْرِفُهُ.

وَلَقَدْ حَجَجْتُ مَعَهُ سَنَةً، فَلَمَّا اسْتَوَتْ بِهِ رَاحِلَتُهُ عِنْدَ الْإِحْرَامِ كَانَ كُلَّمَا هَمَّ بِالتَّلْبِيَةِ(3) انْقَطَعَ الصَّوْتُ فِي حَلْقِهِ، وَكَادَ أَنْ يَخْرَجَ عَنْ رَاحِلَتِهِ، فَقُلْتُ: قُلْ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَلَا بُدَّ لَكَ مِنْ أَنْ تَقُولَ، فَقَالَ: يَا بَنَ أَبِي عَامِرٍ! كَيْفَ أَجَسَرُ أَنْ أَقُولَ: لَيْتَكَ اللَّهُمَّ لَيْتَكَ، وَأَخْشَى أَنْ يَقُولَ لِي عِزَّ وَجَلَّ: لَا لَيْتَكَ وَلَا سَعْدَيْكَ!(4)

3106. وَعَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ، قَالَ: لَقِيتُ الصَّادِقَ بْنَ الصَّادِقِ مُحَمَّدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَوْصِنِي،

ص: 62

1- . الخصال، ص 159، ح 208.

2- . الخصال، ص 159، ح 209.

3- . التلبية: هي إجابة المنادي؛ أي إجابتي لك يا رب، وهو مأخوذ من لبّ بالمكان وألبّ به: إذا أقام به، وألبّ على كذا: أي لم يفارقه. ولم يستعمل إلا على لفظ التلبية في معنى التكرير: أي إجابته بعد إجابته. وهو منصوب على المصدر بعامل لا يظهر، كأنك قلت: ألبّ إلباباً بعد إلباب. والتلبية من لبيك كالتلهيل من لا- إله إلا الله. وقيل: معناه اتّجاهي وقصدي يا رب إليك... وقيل: معناه إخلاصي لك (النهاية: 222/4).

4- . الخصال، ص 167، ح 219.

گفتم: کدام سه نفر؟ حضرت فرمودند: یکی آنکه خدا مالی به او عطا کند و همه را خرج کند و بگوید خدایا به من روزی بده. جواب آید: مگر روزی تو را ندادم.

دوم: کسی که همسرش را نفرین کند و بر او ستم کند. خداوند می فرماید: مگر طلاق او را در اختیار تو قرار ندادم؟

سوم: مردی که در خانه بنشیند و کاری نکند و بگوید: خدایا روزی مرا برسان.

خداوند می فرماید: مگر راه بدست آوردن روزی را برای تو باز نکرده ام؟

3104. علی بن حمزه می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره روش پیامبر صلی الله علیه و آله در روزه پرسیدم. حضرت فرمودند: سه روز در هر ماه، پنج شنبه ای از ده روز اول ماه و چهار شنبه ای از ده روز دوم و پنج شنبه ای از ده روز سوم، که معادل روزه یک عمر است. چون خداوند می فرماید: «هر کس کار نیکو انجام دهد ده برابر پاداش دارد». پس هر کس به علت ضعف جسمانی قدرت روزه گرفتن ندارد یک درهم صدقه دادن بهتر از یک روز روزه گرفتن است.

3105. مالک بن انس فقیه مدینه می گفت: به حضور امام صادق علیه السلام شرفیاب می شدم، حضرت بالش برایم می آورد و از من پذیرایی می نمود. و می فرمود: ای مالک من تو را دوست دارم. من از این رفتار آن حضرت مسرور می شدم. و خدای را شکر می گذاردم.

امام صادق علیه السلام همیشه در یکی از این سه ویژگی بودند: یا روزه یا نماز یا ذکر خداوند. و آن حضرت از بزرگترین عبادت کنندگان و سرآمد زاهدان که از خدا می ترسند، بود. حدیث بسیار می فرمود. همنشینی با اولذت بخش بود. و فایده بسیار داشت.

هنگامی که امام صادق علیه السلام می فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرمود. [با یاد و نام پیامبر] گاهی چهره آن حضرت زرد و گاهی کبود می شد بطوری که تغییر می کرد و شناخته نمی شد. یک سال در سفر حج همراه آن حضرت بودم هنگامی که حضرت می خواستند احرام بپوشند و لبیک بگویند صدا در گلوی آن حضرت قطع می شد و نزدیک بود از مرکب به زمین بیفتند.

به او گفتم: یا بن رسول الله، ناچار باید لبیک بگوئید.

حضرت فرمودند: ای پسر ای عامر چگونه جسارت کنم و بگویم: لبیک اللهم لبیک. در حالی که می ترسم خدا در جوابم بگوید: لا لبیک و لا سعیدیک.

3106. سفیان ثوری گوید: امام صادق علیه السلام را زیارت کردم و گفتم: یا بن رسول الله به من توصیه ای بفرمائید.

فَقَالَ: يَا سُفْيَانُ، مَنْ أَرَادَ عِزًّا بِإِلَّا عَشِيرِهِ، وَغِنًى بِإِلَّا مَالٍ، وَهَيْبَةً بِإِلَّا سُلْطَانٍ فَلْيَنْتَقِلْ مِنْ ذَلِكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَتِهِ .

فَقُلْتُ: زِدْنِي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَقَالَ لِي: يَا سُفْيَانُ، أَمَرَنِي وَالِدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ بِثَلَاثٍ وَنَهَانِي عَنْ ثَلَاثٍ، وَكَانَ فِيمَا قَالَ لِي: يَا بُنَيَّ، مَنْ يَصْحَبْ صَاحِبَ السُّوءِ لَا يَسْلَمْ، وَمَنْ يَدْخُلْ مَدَاخِلَ السُّوءِ يُتَّهَمُ، وَمَنْ لَا يَمْلِكُ لِسَانَهُ يَأْتُمُ، ثُمَّ أَنْشَدَنِي:

عَوَّدَ لِسَانَكَ قَوْلَ الْحَقِّ تَحَظُّ بِهِ إِنَّ اللِّسَانَ لِمَا عَوَّدْتَ مُعْتَادُ

مُوكَّلٌ يَتَفَاضِي مَا سَنَنْتَ لَهُ فِي الْخَيْرِ وَالشَّرِّ فَانظُرْ كَيْفَ تَعْتَادُ(1)

3107. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّمَا ثَلَاثَةٍ مُؤْمِنِينَ اجْتَمَعُوا عِنْدَ أَخٍ لَهُمْ يَأْمَنُونَ بِوَأْتِقَهُ(2) ، وَلَا يَخَافُونَ غَوَائِلَهُ(3) ، وَيَرْجُونَ مَا عِنْدَهُ؛ إِنْ دَعَوْا اللَّهَ أَجَابَهُمْ، وَإِنْ سَأَلُوا أَعْطَاهُمْ، وَإِنْ اسْتَزَادُوا زَادَهُمْ، وَإِنْ سَكَنُوا ابْتَدَأَهُمْ(4).

3108. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ غَضِبَ عَلَيْكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَلَمْ يَقُلْ فِيكَ سُوءًا، فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا(5).

3109. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِبَعْضِ إِخْوَانِهِ: أَقَلُّلْ مِنْ مَعْرِفَةِ النَّاسِ، وَأَنْكُرْ مَنْ عَرَفْتَ مِنْهُمْ، وَإِنْ كَانَ لَكَ مِنْهُ صَدِيقٌ فَاطَّرِحْ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ، وَكُنْ مِنَ الْوَاحِدِ عَلَى حَذَرٍ(6).

3110. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمَالُ الْمُؤْمِنِ ثَلَاثٌ: تَقَفُّهُ فِي دِينِهِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ(7)، وَالتَّقْدِيرُ فِي الْمَعِيشَةِ(8).

3111. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ لَا يَرْفَعُ اللَّهُ لَهُمْ عَمَلًا: عَبْدٌ أَبَقَ، وَامْرَأَةٌ زَوَّجَهَا عَلَيْهَا سَاخِطًا، وَالْمُذْبَلُ إِزَارَةً(9).

3112. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ قَلِيلَةٌ فِي كُلِّ زَمَانٍ: الْإِخَاءُ فِي اللَّهِ، وَالزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ الْأَلِيفَةُ فِي دِينِ اللَّهِ، وَالْوَالِدُ

ص: 64

1- . الخصال، ص 169، ح 222.

2- . بوائقه: أي غوائله وشروره، واحدها بانقه؛ وهي الداهية (النهاية: 160/1).

3- . الغائله: الحقد الباطن والشَّرِّ (القاموس المحيط: 27/4).

4- . الكافي، ج 2، ص 178، ح 14.

5- . معدن الجواهر، ص 34.

6- . هذا مقطع من حديث: التحصين لابن فهد الحلِّي، ص 11.

7- . النائبة: ما ينوب الإنسان؛ أي تنزل به من المهمات والحوادث (مجمع البحرين: 387/4).

8- . معدن الجواهر، ص 32، عن رسول الله صلى الله عليه وآله مع اختلافٍ يسير.

9- . بحار الأنوار، ج 71، ص 145، ح 7.

فرمودند: ای سفیان کسی که می خواهد بدون داشتن اقوام عزّت و بدون داشتن مال ثروت و بدون سلطنت، هیبت داشته باشد از ذلت گناه به عزّت طاعت خدا منتقل شود.

گفتم: توصیه بیشتری بفرمائید. حضرت فرمودند: ای سفیان پدرم مرا به سه چیز امر فرمود. و از سه کار بازداشت. پدرم فرمود: پسرم کسی که دوست بد داشته باشد سالم نمی ماند. و کسی که به مکان بد برود متهم می شود. و کسی که زبانش را نگه ندارد، گناه می کند.

سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: زبان را به سخن حق عادت ده، و بهره ببر. چون زبان به هر چه عادت داده شود معتاد می شود. و هر خیر یا شر را بخواهی همان کند. پس دقت کن که زبان را چگونه عادت می دهی.

3107. امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه سه نفر مؤمن نزد کسی روند که از شرّ او در امان باشند و از فتنه او نهراسند و امید به نیکی او داشته باشند، چنین افرادی اگر دعا کنند خدا آنان را اجابت کند. و اگر از او کمک بخواهند دریغ نکند. و اگر بیشتر بخواهند بدهد. و اگر خودشان چیزی نطلبند خود خدا به آنان [نعمت] می دهد.

3108. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس سه بار از تو خشمگین شد و حرف بدی به تو نگفت، او را بهترین دوست خود بدان.

3109. امام صادق علیه السلام فرمودند: آشنایی با مردم را کم کن. و آشنایان را هم نشناخته بحساب آور. اگر صد نفر دوست داری نود و نه نفر را کنار بگذار. و از آن یکی هم بر حذر باش.

3110. امام صادق علیه السلام فرمودند: کمال مؤمن در سه چیز است: شناخت [معارف] دین، صبر در حوادث، و اندازه گیری در مخارج زندگی.

3111. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند عمل سه نفر را نمی پذیرد: بنده فراری، زنی که شوهرش از او خشمگین است. و متکبر.

3112. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه چیز در هر زمان کمیاب است: برادری در راه خدا و همسر شایسته که در دین با شوهر تفاهم داشته باشد. و فرزند رشید.

الرَّشِيدُ؛ فَمَنْ أَصَابَ أَحَدَ الثَّلَاثَةِ فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْحِطِّ الْأَوْفَرَ. (1)

3113. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَا يُرْجَى خَيْرُهُ أَبَدًا: مَنْ لَمْ يَخْشَ اللَّهَ فِي الْغَيْبِ، وَلَمْ يَرَعَوْا عِنْدَ الشَّيْبِ، وَلَمْ يَسْتَحِ مِنْ الْعَيْبِ. (2)

3114. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ عُمُومٍ: عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ سَهَرَتْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ. (3)

3115. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَجْوَى الْعَارِفِينَ تَدْوُرُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصُولٍ: الْخَوْفُ، وَالرَّجَاءُ، وَالْحُبُّ؛ فَالْخَوْفُ فَرَعُ الْعِلْمِ، وَالرَّجَاءُ فَرَعُ الْيَقِينِ، وَالْحُبُّ فَرَعُ الْمَعْرِفَةِ؛ فَدَلِيلُ الْخَوْفِ الْهَرَبُ، وَدَلِيلُ الرَّجَاءِ الطَّلَبُ، وَدَلِيلُ الْحُبِّ إِثَارُ الْمَحْبُوبِ عَلَى مَا سِوَاهُ، فَإِذَا تَحَقَّقَ الْعِلْمُ فِي الصَّدْرِ خَافَ، وَإِذَا صَدَّحَ الْخَوْفُ هَرَبَ، وَإِذَا هَرَبَ نَجَا، وَإِذَا أَشْرَقَ نُوْرُ الْيَقِينِ فِي الْقَلْبِ شَاهَدَ الْفَضْلَ، وَإِذَا تَمَكَّنَ مِنْهُ [مِنْ] رُؤْيِهِ الْفَضْلِ رَجَا، وَإِذَا وَجَدَ حَالَوَةَ الرَّجَاءِ طَلَبَ، وَإِذَا وُفِّقَ لِلطَّلَبِ وَجَدَ، وَإِذَا تَجَلَّى ضِيَاءُ الْمَعْرِفَةِ فِي الْفُؤَادِ هَاجَ رِيحُ الْمَحَبَّةِ، وَإِذَا هَاجَ رِيحُ الْمَحَبَّةِ اسْتَأْنَسَ فِي ظِلَالِ الْمَحْبُوبِ، وَإِذَا اسْتَأْنَسَ فِي ظِلَالِ الْمَحْبُوبِ آثَرَهُ عَلَى مَا سِوَاهُ وَبَاشَرَ أَمْرَهُ وَاجْتَنَبَ نَوَاهِيَهُ وَأَخْتَارَهُمَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ غَيْرِهِمَا، فَإِذَا اسْتَقَامَ عَلَى بَسَاطِ الْأَنْسِ بِالْمَحْبُوبِ مَعَ آدَاءِ أَمْرِهِ وَاجْتِنَابِ نَوَاهِيهِ وَصَلَ إِلَى رُوحِ الْمُنَاجَاةِ وَالْقُرْبِ.

وَمِثَالُ هَذِهِ الْأَصُولِ الثَّلَاثَةِ كَالْحَرَمِ وَالْمَسْجِدِ وَالْكَعْبَةِ؛ فَمَنْ دَخَلَ الْحَرَمَ أَمِنَ مِنَ الْخَلْقِ، وَمَنْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ أَمِنَتْ جَوَارِحُهُ أَنْ يَسْتَعْمِلَهَا فِي الْمَعْصِيَةِ، وَمَنْ دَخَلَ الْكَعْبَةَ أَمِنَ قَلْبُهُ مِنْ أَنْ يُشْغَلَ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى.

فَإَنْظُرْ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُ فَإِنْ كَانَتْ حَالَتُكَ حَالَةً تَرْضَاهَا لِحُلُولِ الْمَوْتِ فَاشْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى تَوْفِيقِهِ وَعِصْمَتِهِ، وَإِنْ تَكُنِ الْأُخْرَى فَانْتَقِلْ عَنْهَا بِصِحَّةِ الْعَزِيمَةِ، وَأَنْدَمْ عَلَى مَا سَلَفَ مِنْ عُمْرِكَ فِي الْغَفْلَةِ، وَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ عَلَى تَطْهِيرِ الظَّاهِرِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَتَنْظِيفِ الْبَاطِنِ مِنَ الْعُيُوبِ، وَأَقْطَعْ زِيَادَةَ الْغَفْلَةِ عَنْ

ص: 66

1- . مصباح الشريعة، ص 150.

2- . من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 558، ح 4918.

3- . عدّه الداعي، ص 157.

هر کس یکی از این سه نعمت را یافت، خیر دنیا و خوشبختی را یافته است.

3113. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه صفت در هر کس نباشد هرگز به خیر او امید نیست: در خلوت از خدا نترسد. و در پیروی رعایت تقوی نکند. و از عیب حیا نکند.

3114. امام صادق علیه السلام فرمودند: همه چشمها روز قیامت گریانند جز سه چشم: چشمی که به حرام نگاه نکرده، و چشمی که در طاعت خدا نخوابیده و چشمی که در نیمه شب از ترس خدا گریسته است.

3115. امام صادق علیه السلام فرمودند: نجوای عارفین سه محور دارد: خوف، رجاء، محبت. خوف از علم ناشی می شود. و رجاء از یقین بدست می آید. و محبت شاخه ای از معرفت است.

علامت خوف، فرار کردن [به سوی خداست] و علامت رجاء، طلبیدن، و علامت حب هم ایثار کردن همه چیز برای محبوب است.

پس اگر علم در سینه ای جا می گیرد، آن شخص خوف دارد. و اگر خوف صحیح باشد، فرار کند. و وقتی فرار کرد، نجات یابد.

و هنگامی که نور یقین بر قلب بتابد شاهد فضیلت شود. و همینکه توانست فضیلت را رؤیت کند امیدوار شود. و چون لذت امید را چشید طلب کند. و وقتی توفیق طلب یابد، پیدا کند.

و هنگامی که روشنی معرفت در دل تجلی کند، رایحه محبت استشمام کند. و وقتی رایحه محبت استشمام کرد، در سایه محبوب انس گیرد. و وقتی در سایه محبوب انس گرفت، او را بر همه چیز برگزیند. و اوامر او را اطاعت کند. و از نواهی او دوری گزیند. و امر و نهی او را بر همه چیز ترجیح دهد.

هنگامی که بر سفره انس محبوب نشست و امر و نهی او را اطاعت کرد، به روح مناجات و قرب می رسد. و دایره این سه اصل مانند حرم و مسجد الحرام و کعبه است. کسی که داخل حرم شود از مردم در امان است. کسی که وارد مسجد الحرام شد اعضای بدنش از حرام دوری می کنند. و کسی که وارد کعبه شد قلبش از اشتغال به غیر خدا در امان خواهد شد.

پس ای مؤمن؛ دقت کن اگر حال تو حالتی است که به رسیدن مرگ راضی است، خدا را شکر کن بر این توفیق و عصمت. و اگر حالت دیگری است پس به حالت صحیح تصمیم گیری [جدید] تغییر ده. و از عمری که در غفلت گذرانده ای پشیمان شو. و از



قَلْبِكَ، وَأُطْفِ نَارَ الشَّهْوَةِ مِنْ نَفْسِكَ. (1)

3116. عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ [أ] الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ثَلَاثَةٌ إِنْ يَعْلَمَهُنَّ (2) الْمُؤْمِنُ كَانَ زِيَادَةً فِي عُمُرِهِ وَبِقَاءِ النَّعْمِ عَلَيْهِ. فَقُلْتُ: وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: تَطْوِيلُهُ فِي زُكُوعِهِ وَسُدُّ جُودِهِ فِي صَدَلَاتِهِ، وَتَطْوِيلُهُ بِجُلُوسِهِ عَلَى طَعَامِهِ إِذَا طَعِمَ عَلَى مَا يَدْتِهِ، وَاصْطِنَاعُهُ الْمَعْرُوفَ إِلَى أَهْلِهِ. (3)

(بيان) الصَّمِيرُ فِي أَهْلِهِ إِنْ عَادَ إِلَى الْمَعْرُوفِ - وَهُوَ الظَّاهِرُ - فَالْمُرَادُ الْإِحْسَانُ إِلَى مَنْ يَسْتَحِقُّ الْإِحْسَانَ، وَإِنْ عَادَ إِلَى الرَّجُلِ فَالْمُرَادُ أَقَارِبُهُ وَعَشِيرَتُهُ.

3117. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَامَاتُ وَلَدِ الزَّانَا ثَلَاثٌ: سُوءُ الْمَحْضَرِ (4)، وَالْحَنِينُ إِلَى الزَّانَا، وَبُغْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (5)

3118. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّقْوَى عَلَى ثَلَاثَةٍ أَوْجُهٌ: تَقْوَى بِاللَّهِ فِي اللَّهِ؛ وَهُوَ تَرْكُ الْحَلَالِ فَضْلاً عَنِ الشُّبْهَةِ، وَهُوَ تَقْوَى خَاصٌّ الْخَاصِّ، وَتَقْوَى مِنَ اللَّهِ؛ وَهُوَ تَرْكُ الشُّبُهَاتِ فَضْلاً عَنِ الْحَرَامِ، وَهُوَ تَقْوَى الْخَاصِّ، وَهُوَ تَقْوَى مِنَ اللَّهِ؛ وَهُوَ تَرْكُ الشُّبُهَاتِ فَضْلاً عَنِ الْحَرَامِ، وَهُوَ تَقْوَى الْخَاصِّ، وَهُوَ تَقْوَى الْعَامِّ.

وَمَثَلُ التَّقْوَى كَمَا يَجْرِي فِي نَهْرٍ، وَمَثَلُ هَذِهِ الطَّبَقَاتِ الثَّلَاثِ فِي مَعْنَى التَّقْوَى كَأَشْجَارٍ مَغْرُوسَةٍ عَلَى حَافَةِ ذَلِكَ النَّهْرِ مِنْ كُلِّ لَوْنٍ وَجِنْسٍ، كُلُّ شَجَرَةٍ مِنْهَا تَسْتَمِصُّ الْمَاءَ مِنْ ذَلِكَ عَلَى قَدْرِ جَوْهَرِهِ وَطَعْمِهِ وَلَطْفَاتِهِ وَكثافتهِ، ثُمَّ مَنَافِعُ الْخَلْقِ مِنْ ذَلِكَ الْأَشْجَارِ وَالثَّمَارِ عَلَى قَدْرِهَا وَفِيْمَتِهَا. (6)

3119. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَرَضَى ثَلَاثَةٌ: عَنِ النَّفْسِ، وَعَنِ الْقَلْبِ، وَعَنِ الرُّوحِ؛ فَمَرَضُ الْمُنَافِقِ عَنِ النَّفْسِ، وَمَرَضُ الْمُؤْمِنِ عَنِ الْقَلْبِ، وَمَرَضُ الْعَارِفِ عَنِ الرُّوحِ؛ فَدَوَاءُ الْمُنَافِقِ دَارُ جَهَنَّمَ، وَدَوَاءُ الْمُؤْمِنِ مَعْرِفَتُهُ وَحُبُّهُ، وَدَوَاءُ الْعَارِفِ لِقَاؤُهُ وَقُرْبُهُ، وَقُرْبُهُ الْمُنَافِقِ فِي دَرَكِهِ الشَّقَاوَةِ وَالْمَطْبُوعِ عَلَيْهَا اللَّعْنَةُ، وَالْمُؤْمِنُ فِي دَرَجَةِ السَّلَامَةِ وَالْمَخْتَوْمِ عَلَيْهَا السَّعَادَةِ، وَالْعَارِفُ فِي دَرَجَةِ الْوَلَايَةِ الْمَخْتَوْمِ بِالرُّؤْيَةِ (7) وَالْكَرَامَةِ.

ص: 68

- 1- . مصباح الشريعة، ص 119.
- 2- . في وسائل الشيعة (ج 6، ص 305، ح 8037): «تَعْلَمُهُنَّ» بدل «يَعْلَمُهُنَّ».
- 3- . الكافي، ج 4، ص 49، ح 15.
- 4- . سوء المحضر: هو أن يكون مؤذياً للناس بمحضره بلسانه أو إشارات وأعماله.
- 5- . الأمالى للصدوق، ص 418، ح 22/555.
- 6- . مصباح الشريعة، ص 38.
- 7- . المراد هو رؤيته القلب؛ لأنه تعالى لا يُرى بالبالصه. أقول: هذه الرواية وأضرابها في النفس منها شيء كما لا يخفى.

خداوند کمک بخواه برای پاک کردن ظاهر از گناهان و باطن از عیبها. و غفلت را از قلب خود بیرون کن. و آتش شهوت را از خود خاموش کن.

3116. امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر مؤمن سه چیز را می دانست، عمرش طولانی و نعمتهایش پایدار می شد.

زراره پرسید: آن سه چیست؟ امام فرمودند: طولانی کردن رکوع و سجود در نماز. و طول دادن مدت نشستن بر سفره غذا. و نیکی کردن به خویشان.

3117. امام صادق علیه السلام فرمودند: علامت ولد زنا سه چیز است: بد مجلس بودن [یعنی همنشینی با او به علت رفتار و گفتار زشت آزار دهنده است]. تمایل به زنا. و دشمنی با ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله.

3118. امام صادق علیه السلام فرمودند: تقوی سه نوع است: 1 - برای خدا و در راه خدا؛ که عبارت است از ترک کردن قسمتی از کارهای حلال چه رسد به شبهه ناک. این تقوای خاص الخاص است.

2 - تقوا از خدا؛ یعنی ترک کردن شبهات چه رسد به حرام. این تقوای خاص است.

3 - تقوای از ترس آتش و عذاب؛ یعنی فقط ترک کردن حرام. این تقوای عام است.

مثل تقوا چون نهر جاری است. و این درجات مانند درختان رنگارنگ کاشته شده در کنار نهر است. همه از یک آب سیراب می شوند. اما جوهر و طعم و لطافت و ضخامت آنها متفاوت است. و بهره برداری مردم از این درختان و میوه ها به اندازه و ارزش آنها بستگی دارد.

3119. امام صادق علیه السلام فرمودند: بیماری و مرض سه دسته است: از نفس، از قلب، از روح. مرض منافق از نفس، و مرض مؤمن از قلب و مرض عارف از روح است. داروی منافق دوزخ است، درمان مؤمن معرفت و محبت است. و دواء عارف ملاقات و قرب خداست.

جایگاه منافق در درک بدبختی و سهم او لعنت است. و مؤمن در سلامت است. و به سعادت ختم می شود. و عارف در مرتبه ولایت است. و به رؤیت و کرامت ختم می شود.

3120. وقال أبو عبد الله عليه السلام: الشَّيْعَةُ ثَلَاثٌ: مُحِبُّ وَاذُّ فَهُوَ مِنَّا، وَمُتَزَيِّنٌ بِنَا؛ وَنَحْنُ زَيْنٌ لِمَنْ تَزَيَّنَ بِنَا، وَمُسْتَأْكِلٌ بِنَا النَّاسَ؛ وَمَنْ اسْتَأْكَلَ (1) بِنَا افْتَقَرَ. (2)

3121. وعنه عليه السلام قال: امتحنوا شيعتنا عند ثلاث: عند مواقيت الصلاة كيف محافظتهم عليها، وعند أسرارهم كيف حفظهم لها من عدونا، وإلى أموالهم كيف مواساتهم لإخوانهم فيها. (3)

3122. وعن الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام: ثلاث قليلهن كثير: النار، والفقير، والقرض. (4)

ص: 70

- 
- 1- . لعل المراد بالمستأكل من ليس في قلبه حب وود، وإنما يتظاهر بالحب لجمع الدنيا، وأما الذين يمدحون أو يرثون على الحقيقة ولا يعدمون الصلته من محبي أهل البيت عليهم السلام فليس بمستأكل، بل هو من القسم الأول.
  - 2- . الخصال، ص 103، ح 61.
  - 3- . الخصال، ص 103، ح 62.
  - 4- . الخصال، ص 238، ح 84. مع اختلاف.

3120. امام صادق علیه السلام فرمودند: شیعیان سه دسته اند: 1 - دوست دلباخته، این گروه از ما هستند. 2 - کسانی که خود را با ما زینت کرده اند. و ما زینت کسانی هستیم که خود را به ما تزین کنند.

3 - کسانی که بوسیله ما از مردم کسب می کنند و روزی می خورند. و هر کس چنین کند فقیر می شود.

3121. امام صادق علیه السلام فرمودند: شیعه ما را در سه مورد بیازماید: وقت نماز چگونه مراقبت می کنند که وقت نماز نگذرد. و حفظ اسرار از دشمنان ما. و بهره مند کردن برادران دینی از اموال او چگونه است.

3122. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه چیز است که کم آن هم زیاد است: آتش، فقر، قرض.

3123. قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلَكَ النَّاسُ فِي ثَلَاثٍ: الْكِبَرِ وَالْحَرِصِ وَالْحَسَدِ؛ فَالْكِبَرُ هَلَكَ الدِّينَ؛ وَبِهِ لُعِنَ إِبْلِيسُ، وَالْحَرِصُ عَدُوُّ النَّفْسِ؛ وَبِهِ أَخْرَجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ، وَالْحَسَدُ رَائِدُ السَّوَاءِ؛ وَمِنْهُ قَتَلَ قَابِيلُ هَابِيلَ. (1)

3124. وَعَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَرَجَ أَبُو حَنِيفَةَ ذَاتَ يَوْمٍ مِنْ عِنْدِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْتَقْبَلَهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لَهُ: يَا غُلَامُ مِمَّنِ الْمَعْصِيَةُ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَخْلُو مِنْ ثَلَاثَةٍ: إِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَيْسَتْ مِنْهُ؛ فَلَا يَنْبَغِي لِكَرِيمٍ أَنْ يُعَذِّبَ عَبْدَهُ بِمَا لَمْ يَكْتَسِبْهُ، وَإِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنْ الْعَبْدِ؛ فَلَا يَنْبَغِي لِلشَّرِيكِ الْقَوِيَّ أَنْ يَظْلِمَ الشَّرِيكَ الضَّعِيفَ، وَإِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ الْعَبْدِ وَهِيَ مِنْهُ، فَإِنْ عَاقَبَهُ اللَّهُ فَبَدَنِهِ، وَإِنْ عَفَا عَنْهُ فَبِكَرَمِهِ وَجُودِهِ. (2)

3125. وَعَنِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ: لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ، وَسُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ، وَسُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ. فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَكِتْمَانُ سِرِّهِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «عَلِمَ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا \* إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ».

وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمَدَارَاهُ النَّاسِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ نَبِيَّهَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَدَارَاهِ النَّاسِ فَقَالَ: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ».

وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَالصَّبْرُ فِي الْبِأَسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ (3) «أَوَّلُ - كِ الدِّينَ صَدَقُوا وَأَوَّلُ - كِ

ص: 72

1- . كشف الغمّة، ج 2، ص 194.

2- . عيون أخبار الرضا، ج 2، ص 126، ح 37.

3- . البأس: الشدّة والنكايه. والضراء: الشدّه. والنقص في الأموال والأنفس مقابل السراء، وفرّق بينهما بعض أهل التفسير فقال: والبأساء مصدر كالبأس وهو الشدّه والفقر، والضراء مصدر كالضّرّ وهو أن يتضرّر الإنسان بمرض أو ذهاب مال أو موت ولد، والبأس شدّه الحرب (تفسير الميزان - مجمع البيان).

## فصل هفتم: روایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده است

3123. امام حسن علیه السلام فرمودند: نابودی مردم در سه چیز است: تکبر، حرص و حسد. تکبر دین را نابود می کند، و شیطان برای تکبر لعنت می شود. حرص دشمن نفس است، و آدم برای حرص از بهشت رانده شد. و حسد زشتی بیار می آورد، و قابیل برای حسد هابیل را به قتل رساند.

3124. امام رضا علیه السلام فرمودند: روزی ابوحنیفه از حضور امام صادق علیه السلام بازمی گشت با حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام مواجه شد و گفت: پسر جان گناه از طرف کیست؟ امام کاظم علیه السلام فرمودند: از سه حال خارج نیست: یا فقط از طرف خداست و بنده نقشی ندارد، در این صورت سزاوار نیست خدای کریم بنده را به جرمی که در اختیار او نبوده عذاب کند.

یا از طرف خدا و بنده با هم که در این صورت هم نباید شریک قوی به شریک ضعیف و ناتوان ظلم کند.

یا از طرف بنده است که چنین است پس اگر خدا او را عذاب کند برای گناه اوست و اگر او را ببخشد با کرم و بخشش خداست.

3125. امام رضا علیه السلام فرمودند: تا سه ویژگی در کسی نباشد مؤمن نیست: یک ویژگی از پروردگار که پوشاندن اسرار است. خداوند در قرآن فرموده است: «دانای غیب است و کسی را از غیب خویش آگاه نسازد جز پیامبری که او را دوست دارد». ویژگی دوم از پیامبر صلی الله علیه و آله است که همان مدارا کردن با مردم است. خداوند به پیامبر فرمود: «عفو را پیشه کن و به کار نیکو امر کن و از مردم نادان روی گردان». ویژگی سوم از امامان علیهم السلام است که همان صبر کردن در سختی ها و تنگدستی ها و جنگ ها. خدا می فرماید: «ایشان راستگویند و ایشان با

وقد تقدّم مثل هذا الحديث عن عليّ عليه السلام غير أنّه اقتصر على ثلاث الخصال، ولم يذكر فيه الآيات المذكوره هنا.

3126. وَعَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعْطَى الْمُؤْمِنَ ثَلَاثَ خِصَالٍ: الْعِزَّةَ فِي الدُّنْيَا، وَالْفَلَاحَ (2) فِي الْآخِرَةِ، وَالْمَهَابَةَ فِي صُدُورِ الظَّالِمِينَ. (3)

3127. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِلَّهِ جَنَّةً لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا ثَلَاثَةٌ: رَجُلٌ حَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْحَقِّ، وَرَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ، وَرَجُلٌ آثَرَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ. (4)

3128. وَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا هِشَامَ بْنَ الْحَكَمِ، مَنْ سَاطَ ثَلَاثًا عَلَى ثَلَاثٍ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ: مَنْ أَظْلَمَ نَوْرَ تَقْوَاهُ بِطَوْلِ أَمَلِهِ، وَمَحَا طَرَائِفَ حِكْمَتِهِ بِفُضُولِ كَلَامِهِ، وَأَطْفَأَ نَوْرَ عِبْرَتِهِ (5) بِشَهْوَاتِ نَفْسِهِ؛ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ هَوَاهُ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ، وَمَنْ هَدَمَ عَقْلَهُ فَسَدَ عَلَيْهِ دِينُهُ وَدُنْيَاهُ. (6)

3129. وَقَالَ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ ابْنُ عَلِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: ثَلَاثُ دَرَجَاتٍ، وَثَلَاثُ كَفَّارَاتٍ، وَثَلَاثُ مَوْبِقَاتٍ، وَثَلَاثُ مُنْجِيَّاتٍ.

فَأَمَّا الدَّرَجَاتُ: فإِفْشَاءُ السَّلَامِ، وَإِطْعَامُ الطَّعَامِ وَالصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامًا.

وَالكَفَّارَاتُ: إِسْبَاغُ الوُضُوءِ فِي الشَّتَوَاتِ (7)، وَالْمَشْيُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَى الصَّلَوَاتِ، وَالْمُحَافَظَةُ عَلَى الْجَمَاعَاتِ.

وَالْمَوْبِقَاتُ: فَشْحُ مَطَاعٍ (8)، وَهَوَى مُتَّبَعٍ، وَإِعْجَابُ الْمَرءِ بِنَفْسِهِ.

وَالْمُنْجِيَّاتُ: خَوْفُ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ، وَكَلِمَةُ الْعَدْلِ فِي الرِّضَى وَالْغَضَبِ. (9)

ص: 74

1- . الكافي، ج 2، ص 241، ح 39.

2- . الفَلَاحُ - محرّكه -: الفورُ والنَّجَاءُ، والبقاء في الخير (القاموس المحيط: 240/1).

3- . الخصال، ص 152، ح 187.

4- . الكافي، ج 2، ص 178، ح 11.

5- . العِبره - بالكسر -: اسم من الاعتبار، أعنى الاتِّعَاط (مجمع البحرين: 111/3).

6- . الكافي، ج 1، ص 17، ح 12.

7- . الشَّتَوَات - كما في الأصل -: جمع شتاء ظاهراً وإن لم أجده في اللغة، بل قيل: إنَّ شتاء جمع شتوه، نحو كلبه وكراب.

8- . شَحَّ مطاع: أى البخل الذى يطيعه صاحبه فى منع الحقوق التى أوجبها الله فى ماله. وقد مضى معنى الشحّ.

9- . الخصال، ص 84، ح 11.

مشابه این حدیث از امیر المؤمنین علیه السلام گذشت. فقط در آن حدیث آیات قرآن ذکر نشده است.

3126. امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند به مؤمن سه خصلت داده است: عزت در دنیا و رستگاری در آخرت و مهابت در دل ستمکاران.

3127. امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند بهشتی دارد که جز سه گروه وارد آن نمی شوند: کسی که به علیه خود قضاوت بر حق کند. و کسی که برادر مؤمن را برای خدا ملاقات کند. و کسی که برادر مؤمن خود را به خاطر خدا بر خود مقدم دارد.

3128. امام کاظم علیه السلام فرمودند: ای هشام بن حکم کسی که سه چیز را بر سه چیز مسلط کند گویا به نابودی عقل خود کمک کرده است: کسی که نور تفکرش را با آرزوی دراز تیره کند. و مطالب حکمت آمیز را با سخن گزافه باطل کند. و نور عبرت را با شهوت خود خاموش کند. گویا هوس او بر نابودی عقلش کمک کرده است. و کسی که عقل خود را نابود کند، دین و دنیای او فاسد می شود.

3129. امام باقر علیه السلام فرمودند: سه چیز امتیاز است و سه چیز کفاره گناه و سه چیز کشنده و سه چیز نجات بخش است:

امتیاز در سلام کردن به همه، و غذا دادن، و نماز در نیمه شب وقتی مردم خوابند.

کفاره: وضو گرفتن در زمستانهای سرد، شب و روز به مسجد رفتن، و مواظبت بر نماز جماعت.

اما سه چیز کشنده است: بخلی که از آن پیروی شود. و هوس که از آن تبعیت شود. و خودپسندی.

اما سه چیز نجات بخش: ترس از خدا در نهان و آشکار، اعتدال در ثروت‌مندی و فقر، سخن عادلانه در حال خشنودی و خشم.



3130. وقال عليه السلام: العبد بين ثلاثه: بلاء وقضاء (1) ونعمه، فعليه في البلاء من الله الصبر فريضه، وعليه في القضاء من الله التسليم فريضه، وعليه في النعمه من الله عز وجل الشكر فريضه. (2)

3131. وقال أبو الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام: إن الأنبياء وأولاد الأنبياء وأتباعهم خصوا بثلاث خصال: السقم في الأبدان، وخوف السلطان، والفقر. (3)

3132. وقال أبو الحسن الرضا عليه السلام: إن أوحش ما يكون هذا الخلق في ثلاثه مواطن: يوم يولد ويخرج من بطن أمه فيرى الدنيا، ويوم يموت ويرى الآخرة وأهلها، ويوم يبعث فيرى أحكاماً لم يرها في دار الدنيا، وقد سأل الله على يحيى في هذه المواطن الثلاثه وآمن روعته، فقال: «وَسَلَّمَ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا»، وقد سأل عيسى بن مريم على نفسه في هذه المواطن الثلاثه وآمن روعته، فقال: «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا». (4)

3133. وقال علي بن موسى الرضا عليه السلام: من زارني على بعد داري أتيت يوم القيامة في ثلاثه مواطن حتى أخلصه من أهوالها: إذا تطايرت الكتب يميناً وشمالاً، وعند الصراط، وعند الميزان. (5)

3134. قال علي بن الحسين عليهما السلام: العامل بالظلم، والمعين له، والراضي به؛ شركاء ثلاثه. (6)

3135. وعنه عليه السلام قال: كان مما أوصى به الخضر موسى بن عمران عليهما السلام أن قال: لا تُعيرن أحداً بذنب. وإن أحب الأمور إلى الله عز وجل ثلاثه: القصد في الجده (7)، والعفو في القدره، والرّفق بعباد الله، وما رفق أحدٌ بأحدٍ في الدنيا إلا رفق الله عز وجل به يوم القيامة. ورأس الحكمة مخافة الله تبارك وتعالى. (8)

3136. وعن أبي مالك قال: قلت لعلي بن الحسين عليهما السلام: أخبرني بجميع شرائع الدين، قال: قول الحق والحكم بالعدل والوفاء بالعهد جميع شرائع الدين. (9)

3137. وقال علي بن الحسين عليهما السلام: أشد ساعات ابن آدم ثلاث ساعات: التي يُعابن فيها ملك الموت، والساعة التي يقوم فيها من قبره، والساعة التي يقوم فيها بين يدي الله عز وجل فأما إلى الجنة وإما إلى النار. (10)

ص: 76

1- أي الحوادث الواردة عليه إما بلاء واختبار يصير عليه العبد أو قضاء وحتم من الله فلا بد من التسليم.

2- الخصال، ص 86، ح 17.

3- الخصال، ص 88، ح 24.

4- الخصال، ص 107، ح 71.

5- الخصال، ص 168، ح 220.

6- الخصال، ص 107، ح 72.

7- وجد جده: استغنى، والوجد: الغنى (القاموس المحيط: 343/1).

8- الخصال، ص 111، ح 83.

9- . الخصال، ص 113، ح 90.

10- . الخصال، ص 119، ح 108.

3130. امام باقر علیه السلام فرمودند: بنده همیشه بین سه رویداد است: بلا، قضا و قدر، نعمت. در برابر بلائی که از خدا می رسد صبر کردن واجب است. و در برابر قضای خداوند تسلیم واجب است. و در برابر نعمت خدا هم شکر واجب است.

3131. امام کاظم علیه السلام فرمودند: پیامبران و فرزندان و پیروان آنان به سه خصلت ویژه شده اند:

بیماری بدن، ترس از سلطان و فقر.

3132. امام رضا علیه السلام فرمودند: وحشتناک ترین مرحله زندگی انسان سه وقت است:

روز تولد که چشم به دنیا می گشاید. زمان مرگ که دنیای دیگر و اهل آن را می بیند. و روز قیامت که چیزهایی را مشاهده می کند که در دنیا ندیده است.

خداوند در این سه زمان بر حضرت یحیی سلام فرستاده است و او را از ترس آن ایمن کرده است: «سلام بر او هنگام ولادت، و هنگام مرگ و هنگامی که از قبر بر می خیزد» و حضرت عیسی هم بر خودش در این سه زمان سلام فرستاده است: «سلام بر من هنگامی که به دنیا آمده ام و روزی که می میرم و روزی که زنده مبعوث می شوم».

3133. امام رضا علیه السلام فرمودند: کسی که مرا در غربت زیارت کند روز قیامت در سه جا به کمک او خواهم آمد: زمانی که نامه های عمل را به دست چپ یا راست افراد می دهند. هنگام عبور از صراط، و هنگام سنجش اعمال.

3134. امام سجاد علیه السلام فرمودند: ظالم و کسی که او را یاری کند و کسی که به ظلم او راضی باشد، هر سه در ظلم شریک هستند.

3135. امام سجاد علیه السلام فرمودند: از سفارشهای حضرت خضر به حضرت موسی علیه السلام این بود که فرمود:

کسی را به گناه سرزنش مکن. و محبوب ترین کارها نزد خدا سه کار است: اعتدال در توانگری، و عفو در قدرتمندی، و ارفاق به بندگان خدا. و کسی که در دنیا به دیگری ارفاق کند خداوند در قیامت به او ارفاق خواهد کرد. مهمترین حکمت، ترس از خداست.

3136. ابومالک از امام سجاد پرسید: همه برنامه های دین را بیان کنید. حضرت فرمودند: گفتار حق، حکم عادلانه، و وفاء به عهد.

3137. امام سجاد علیه السلام فرمودند: دشوارترین لحظات انسان سه وقت است: لحظه ای که عزرائیل را می بیند. و لحظه ای که از قبر بر می خیزد. و لحظه ای که در برابر خدا می ایستد تا فرمان بهشت یا جهنم صادر شود.

3138. وَقَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: إِنِّي لَأَرْجُو النَّجَاةَ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ لِمَنْ عَرَفَ حَقَّنَا مِنْهُمْ، إِلَّا لِأَحَدٍ ثَلَاثَةً: صَاحِبِ سِدِّ لَطَانٍ جَائِرٍ، وَصَاحِبِ هَوَىٍّ، وَالْفَاسِقِ الْمُعَلِنِ. (1)

3139. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ جَنَّةٌ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا ثَلَاثَةٌ: رَجُلٌ حَكَمَ نَفْسَهُ بِالْحَقِّ، وَرَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ، وَرَجُلٌ آتَرَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ. (2)

3140. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا دَعَا نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبَّهُ عِزُّ وَجَلٌّ عَلَى قَوْمِهِ أَتَاهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ: يَا نُوحُ، إِنَّ لَكَ عِنْدِي يَدًا أُرِيدُ أَنْ أَكْفَيْتَكَ عَلَيْهَا، فَقَالَ لَهُ نُوحٌ: وَاللَّهِ إِنِّي لَبَغِيضٌ إِلَيْكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ عِنْدِي يَدٌ؛ فَمَا هِيَ؟

قَالَ: بَلَى، دَعَوْتَ اللَّهَ عَلَى قَوْمِكَ فَأَغْرَقَهُمْ فَلَمْ يَبْقَ أَحَدٌ إِغْوِيهِ (3)، فَأَنَا مُسْتَرِيحٌ حَتَّى يَنْشَأَ قَرْنٌ آخَرُ فَأُغْوِيَهُمْ.

قَالَ لَهُ: فَمَا الَّذِي تُرِيدُ أَنْ تُكَافِنَنِي بِهِ؟

قَالَ لَهُ: اذْكُرْنِي فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ؛ فَإِنِّي أَقْرَبُ مَا أَكُونُ مِنَ الْعَبْدِ إِذَا كَانَ فِي إِحْدَاهُنَّ: اذْكُرْنِي عِنْدَ غَضَبِكَ، وَاذْكُرْنِي إِذَا حَكَمْتَ بَيْنَ اثْنَيْنِ، وَاذْكُرْنِي إِذَا كُنْتَ مَعَ امْرَأَةٍ جَالِسًا لَيْسَ مَعَكُمَا أَحَدٌ. (4)

3141. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ابْنَ آدَمَ: تَطَوَّلْتُ عَلَيْكَ بِثَلَاثٍ: سَتَرْتُ عَلَيْكَ مَا لَوْ يَعْلَمُ بِهِ أَهْلُكَ مَا وَارَوْكَ، وَأَوْسَعْتُ عَلَيْكَ فَاسْتَقْرَضْتُ مِنْكَ فَلَمْ تُقَدِّمْ خَيْرًا، وَجَعَلْتُ لَكَ نَظْرَةَ عِنْدَ مَوْتِكَ فِي ثُلُثِكَ (5) فَلَمْ تُقَدِّمْ خَيْرًا. (6)

3142. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عِزُّ وَجَلٌّ أَعْطَى الْمُؤْمِنَ ثَلَاثَ خِصَالٍ: الْعِزَّةَ فِي الدُّنْيَا، وَالْفَدَاحَ فِي الْآخِرَةِ، وَالْمَهَابَةَ فِي صَدُورِ الْعَالَمِينَ. ثُمَّ قَرَأَ: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» وَقَرَأَ: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» إِلَى قَوْلِهِ:

«هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ». (7)

3143. وَعَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عِزُّ وَجَلٌّ أَمَرَ بِثَلَاثَةٍ مَقْرُونَةٍ بِثَلَاثَةٍ أُخْرَى: أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ؛ فَمَنْ صَلَّى وَلَمْ يُزَكِّ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاةٌ، وَأَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَلِلْوَالِدَيْنِ؛ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ، وَأَمَرَ

ص: 78

1- . الخصال، ص 119، ح 107.

2- . الخصال، ص 131، ح 136.

3- . اغويته: أى اضلّه، والغى الفساد وخلاف الحق.

4- . الخصال، ص 132، ح 139.

5- . أى فى ثلث مالک، فتوصى فيه بما فيه نجاتک.

6- . الخصال، ص 136، ح 150.

7- . الخصال، ص 152، ح 187.

3138. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس از این امت که حق ما را بشناسد امید نجات او هست مگر سه نفر: پادشاه ستمگر، و هوسران، گناهکار علنی.

3139. امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند سه بهشت دارد که جز سه نفر وارد آن نمی شوند: کسی که بر علیه خود به حق قضاوت کند، و کسی که برای خدا، به دیدار برادر مؤمن برود. و کسی که به برادر مؤمن در راه خدا ایثار کند.

3140. امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که نوح قوم خود را نزد خدا نفرین کرد، شیطان نزد نوح آمد و گفت:

توبه من نیکی کرده ای و می خواهم پاداش تو را بدهم.

نوح گفت: به خدا قسم که من بدم می آید به تو کمک کنم. من چه خدمتی به تو کرده ام؟ شیطان گفت: آری تو نفرین کرده ای خدا قوم تو را غرق کرد و دیگر کسی نماند که من رنج گمراه کردن او را تحمل کنم. و من راحت هستم و تا قوم دیگری به دنیا بیاید و رشد کند تا من گمراهش کنم.

نوح گفت: چه پاداشی می خواهی به من بدهی؟ شیطان گفت: در سه حال به یاد من باش.

من در این سه حال به انسان نزدیک هستم:

هنگام خشم به یاد من باش. هنگام داوری بین دو نفر به یاد من باش. هنگام خلوت کردن با زن نامحرم به یاد من باش.

3141. امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند می گوید: ای آدمیزاده من به تو سه لطف کرده ام: گناهان تو را پوشاندم که اگر بستگان تو می فهمیدند جسد تو را دفن نمی کردند. به تو نعمت دادم سپس از تو قرض خواستم، اما تو خیری را ذخیره نکرده ای. هنگام مرگ تو ثلث اموال را برای تو قرار دادم اما تو خیری از پیش نمی فرستی.

3142. امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند به مؤمن سه خصلت عطا کرده است: عزت در دنیا و رستگاری در آخرت و ترس در دل‌های جهانیان. در قرآن فرموده: «عزت برای خدا و رسول خدا و مؤمنان است». و «قد أفلح المؤمنون» را قرائت کردند تا اینجای آیه: «هم فیها خالدون».

3143. امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند سه چیز را همراه سه چیز واجب فرمود: نماز را با زکات، پس کسی که نماز بخواند و زکات ندهد نمازش قبول نمی شود.

بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَصِلِهِ الرَّحِيمِ؛ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ. (1)

3144. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَهْوُ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: التَّمَتُّعُ بِالنِّسَاءِ، وَمُفَاكَهَةُ الْإِخْوَانِ، وَالصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ. (2)

3145. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ: ظُلْمَ يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَظُلْمَ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَظُلْمَ لَا يَدَعُهُ اللَّهُ؛ فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَالشَّرْكُ، وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ ظُلْمَ الرَّجُلِ نَفْسَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ، وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَدَعُهُ فَالْمُدَايَنَةُ بَيْنَ الْعِبَادِ. (3)

ص: 80

---

1- . عيون أخبار الرضا، ج 2، ص 234، ح 13.

2- . الخصال، ص 161، ح 210.

3- . الكافي، ج 2، ص 331، ح 1.

شکر خدا به همراه تشکر از پدر و مادر، کسی که از پدر و مادرش تشکر نکند خدا را شکر نکرده است. تقوا با صلهٔ رحم، کسی که با خویشان ارتباط ندارد تقوا ندارد.

3144. امام باقر علیه السلام فرمود: سرگرمی و تفریح مؤمن در سه چیز است: لذت بردن از همسر، شوخی با دوستان و نماز شب.

3145. امام باقر علیه السلام فرمود: ظلم سه نوع است: ظلمی که خدا نمی‌آمرزد که شرک است. ظلمی که خدا می‌آمرزد ظلم به خود است. یعنی بین خود و خدا گناهی مرتکب شود. ظلمی که خدا از آن صرف نظر نمی‌کند حقوق مردم است.

3146. عَنْ لُقْمَانَ الْحَكِيمِ أَنَّهُ قَالَ لِابْنِهِ: يَا بُنَيَّ، النَّاسُ ثَلَاثَةٌ أَثْلَاثٌ: ثُلُثٌ لِلَّهِ، وَثُلُثٌ لِنَفْسِهِ، وَثُلُثٌ لِلدُّوْدِ؛ فَأَمَّا مَا هُوَ لِلَّهِ فَرَوْحُهُ، وَأَمَّا مَا هُوَ لِنَفْسِهِ فَعِلْمُهُ، وَأَمَّا مَا هُوَ لِلدُّوْدِ فَجِسْمُهُ.

3147. وَقَالَ بَعْضُ هُم: الْإِخْوَانُ ثَلَاثٌ طَبَقَاتٍ: طَبَقَةُ كَالْغِذَاءِ الَّذِي لَا يَسْتَعْنِي عَنْهُ؛ وَهُمْ إِخْوَانُ الدِّينِ، وَطَبَقَةُ كَالدَّوَاءِ الَّذِي يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فِي وَقْتٍ وَيَسْتَعْنِي عَنْهُ فِي أَوْقَاتٍ كَثِيرَةٍ، وَهُمْ إِخْوَانُ الْمُعَاشَرَةِ عَلَى أَحْوَالِ الدُّنْيَا، وَطَبَقَةُ لِاتِّرَادٍ وَلَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِمْ؛ وَهُمْ إِخْوَانُ الطَّمَعِ. (1)

3148. وَقَالَ سَهْلُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: لَا يَسْتَحِقُّ الْإِنْسَانُ الرِّئَاسَةَ حَتَّى يَجْتَمِعَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: صَرَفُ جِهَلِهِ عَنِ النَّاسِ، وَيَتَحَمَّلُ جِهَلَ النَّاسِ، وَيَتْرَكَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ وَيَبْذُلُ مَا فِي يَدِهِ لَهُمْ.

3149. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْرِفَ وَفَاءَ الرَّجُلِ فَانظُرْ إِلَى حَنِينِهِ إِلَى إِخْوَانِهِ، وَشَوْقِهِ إِلَى أوطَانِهِ، وَبُكَائِهِ عَلَى مَا مَضَى مِنْ زَمَانِهِ.

3150. وَقَالَ آخَرُ: حُسْنُ السَّمْتِ وَطُولُ الصَّمْتِ وَمَشْيُ الْقَصْدِ (2) مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ. وَسَوْءُ السَّمْتِ وَقَلَّةُ الصَّمْتِ وَمَشْيُ الْخِيَلَاءِ (3) مِنْ أَخْلَاقِ الْأَشْقِيَاءِ. (4)

3151. وَقَالَ بَعْضُ الْعُقَلَاءِ:

ثَلَاثَةٌ لَيْسَ لَهَا نِهَآيَةٌ الْأَمْنُ وَالصِّحَّةُ وَالْكَفَآيَةُ

ص: 82

- 1- . مجموعه ورام، ج 2، ص 249.
- 2- . القصد: الوسط. والمراد أن تكون أعماله بين إفراط وتقریط، أو المشىء فى الطریق بین كبر وذله، والثانى أقرب.
- 3- . الخيلاء: الكبر والعجب (النهاية: 93/2).
- 4- . مجموعه ورام، ج 2، ص 251.



3146. لقمان حکیم گفت: فرزندم، انسان سه قسمت می شود: یک سوم برای خدا، یک سوم برای خود، یک سوم برای کرمها.

روح انسان سهم خداست و دانش او سهم انسان است و بدن انسان سهم کرمهاست.

3147. حکیمی گفته: دوستان سه دسته اند: گروهی چون غذا هستند که انسان از آنها بی نیاز نیست اینها برادران دینی هستند. گروهی چون دارو هستند که گاهی مورد نیازند و بیشتر اوقات نیاز به آنها نیست. اینها دوستان هم صحبت دنیایی هستند. دسته سوم آنهایی هستند که هیچگاه مورد نیاز نیستند، اینها دوستان طمع کارند.

3148. سهل گوید: انسان تا سه خصلت نداشته باشد صلاحیت ریاست ندارد: نادانی خود را به مردم تحمیل نکند. نادانی مردم را تحمّل کند. به اموال مردم طمع نکند و اموال خود را به دیگران بذل نماید.

3149. یکی از حکیمان گفته است: اگر خواستی وفاء کسی را ارزیابی کنی در سه خصلت او دقت کن: علاقه او به دوستان، اشتیاق او به وطن، گریستن او بر عمر از دست رفته.

3150. حکیم دیگر گوید: خوشرفتاری و کم حرفی و میانه روی از اخلاق پیامبران است. و بدرفتاری و پر حرفی و تکبر از اخلاق بدبختان است.

3151. عاقلی گفته است: سه چیز خوش باشد و بی نهایت، ایمنی و سلامت و کفایت.

3152. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: ثَلَاثَةٌ لَا يَنْبَغِي لِشَرِيفٍ أَنْ يَأْتَفَ (1) مِنْهَا وَإِنْ كَانَ مَلِكًا: قِيَامُهُ مِنْ مَجْلِسِهِ لِوَالِدَيْهِ، وَالْعَالِمُ يَسْتَقِيدُ مِنْهُ لِأَجْرَتِهِ، وَخِدْمَتُهُ لِلصَّيْفِ. (2)

3153. وَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: لِحَلِيسَى عَلَيَّ ثَلَاثٌ: أَنْ أَرْمِيَهُ بِطَرْفِي إِذَا أَقْبَلَ، وَأَوْسَعُ لَهُ إِذَا جَلَسَ، وَأُصْغِي لَهُ إِذَا حَدَّثَ. وَمُجَالَسَةُ الْأَحْمَقِ خَطْرٌ، وَالْقِيَامُ عَنْهُ ظَفَرٌ. (3)

3154. وَقَالَ أَيْضًا: لَمْ يَرِنَ (4) إِبْلِيسُ مِثْلَ ثَلَاثِ رَنَاتٍ فَطُ: رَنَّهُ حِينَ لُعِنَ فَأُخْرِجَ مِنْ مَلَكَوَاتِ السَّمَاوَاتِ، وَرَنَّهُ حِينَ وُلِدَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَنَّهُ حِينَ أَنْزَلَتِ الْحَمْدُ وَفِي ابْتِدَائِهَا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (5)

3155. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: ثَلَاثَةٌ تُذْهِبُ الْبَلْغَمَ وَتَزِيدُ فِي الْحِفْظِ: الصَّوْمُ، وَالسَّوَاكُ، وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ. (6)

3156. وَقَالَ الْغَزَالِيُّ: التَّوْبَةُ لَا تَسْتَقِيمُ وَلَا تَتِمُّ إِلَّا بِثَلَاثَةٍ: التَّرْكِ فِي الْحَالِ، وَالْعَزْمُ فِي الْإِسْتِقْبَالِ، وَالتَّنَادُكُ وَالْإِصْلَاحُ فِي الْمَاضِي.

3157. وَقَالَ أَرِسْطَاطَالِيْسٌ: السَّعَادَةُ ثَلَاثَةٌ: إِمَّا فِي النَّفْسِ؛ وَهِيَ الْمَعْرِفَةُ وَالْحِكْمَةُ وَالشَّجَاعَةُ، وَإِمَّا فِي الْبَدَنِ؛ وَهِيَ الْمَالُ وَالْجَاهُ وَالْحَسَبُ.

3158. عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَدَّ أَلْ طَائِفَةَ مِنْ أَصْحَابِهِ: مَا أَنْتُمْ؟ قَالُوا: مُؤْمِنُونَ، فَقَالَ: مَا عَلَامَةُ إِيْمَانِكُمْ؟ قَالُوا: نَصَبْنَا عَلَى الْبَلَاءِ، وَنَشَكَّرْنَا عِنْدَ الرَّخَاءِ، وَنَرْضَى بِمَوَاقِعِ الْقَضَاءِ، قَالَ: مُؤْمِنُونَ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ! (7)

3159. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: أَيُّمَا رَجُلٍ قَدَّمَ ثَلَاثَةَ أَوْلَادٍ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْتَ، أَوْ امْرَأَةٍ قَدَّمَتْ ثَلَاثَةَ أَوْلَادٍ؛ فَهَمْ جُنَّةٌ لَهُ يَسْتُرُونَهُ مِنَ النَّارِ. (8)

3160. وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَقْدِّمَانِ لَهْمَا ثَلَاثَةَ أَوْلَادٍ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْتَ إِلَّا أَدْخَلَهُمَا اللَّهُ الْجَنَّةَ بِفَضْلِهِ.

(الْحِنْتُ - بكَسْرِ الْحَاءِ الْمَهْمَلَةِ وَآخِرُهُ مِثْلُهُ -: الْإِثْمُ وَالذَّنْبُ، وَالْمَعْنَى أَنَّهُمْ لَمْ يَبْلُغُوا السِّنَّ الَّذِي يَكْتُبُ عَلَيْهِمْ فِيهِ الذُّنُوبُ). (9)

ص: 84

1- . أَنْفٌ مِنَ الشَّيْءِ يَأْتَفُ أَنْفًا: اسْتَكْفَى (الصَّحَاحُ: 1333/4).

2- . مَجْمُوعُهُ وَرَّامٌ، ج 2، ص 250.

3- . مَجْمُوعُهُ وَرَّامٌ، ج 1، ص 29.

4- . يَرِنُّ رَنِينًا: صَاحَ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ: 229/4).

5- . مَجْمُوعُهُ وَرَّامٌ، ج 1، ص 32.

6- . مِصْبَاحُ الْكِفْعَمِيِّ، ص 200.

7- . مَجْمُوعُهُ وَرَّامٌ، ج 1، ص 229.

8- . مَسْكَنُ الْفُوَادِ، ص 19.

9- . جَامِعُ الْأَخْبَارِ، ص 105.

3152. حکیم گفته: آدم شریف حتی اگر پادشاه باشد نباید از سه چیز خودداری کند: برخاستن جلوی پای پدر و مادر، بهره مندی از عالم و دانشمند برای آخرت، پذیرایی و خدمت مهمان.

3153. ابن عباس گفت: همنشین سه حق بر من دارد: چون رو به من کند به او بنگرم. و چون بنشیند به او جای دهم. و چون سخن گوید گوش دهم. و همنشینی با احمق خطر است. و برخاستن از کنار او پیروزی است.

3154. ابن عباس گفت: هرگز شیطان مانند سه لحظه ناله نکرده است: لحظه لعنت خدا و اخراج از ملکوت آسمانها. هنگام تولد حضرت محمد صلی الله علیه و آله. و هنگام نزول بسم الله الرحمن الرحیم در ابتدای سوره حمد.

3155. فرزانه ای گفته است: سه چیز بلغم را از بین می برد و حافظه را تقویت می کند: روزه، و مسواک، و قرائت قرآن.

3156. غزالی گفت: توبه جز با سه شرط حاصل نمی شود: ترک گناهان در حال حاضر، و تصمیم بر انجام ندادن در آینده، و جبران گذشته.

3157. ارسطاطیس گفت: سعادت روح و بدن سه چیز است: سعادت روح؛ معرفت و حکمت و شجاعت است. و سعادت بدن، مال و مقام و موقعیت است.

3158. پیامبر صلی الله علیه و آله از گروهی از یارانش پرسیدند شما که هستید؟ گفتند: مؤمن هستیم. حضرت فرمودند: علامت ایمان شما چیست؟ گفتند: صبر بر بلا، شکر در رفاه، و رضایت به قضاء. حضرت فرمودند: به خدای کعبه مؤمن هستید.

3159. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر مردی که سه فرزند نا بالغ او بمیرد و هر زنی که داغ سه فرزند ببیند، از آتش جهنم در امان است.

3160. ابوذر گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر پدر و مادر مسلمانی که سه فرزند خود را قبل از رسیدن به سن تکلیف از دست بدهند، خداوند آنان را به فضل خود وارد بهشت خواهد کرد.

3161. وقال آخر: مَنْ خَافَ اللَّهَ لَمْ يُشَفِّ غَيْظُهُ (1)، وَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ لَمْ يَصْنَعْ مَا يُرِيدُ، وَمَنْ حَذَرَ الْمُحَاسِبَةَ لَمْ يَطْعَمْ كُلَّ مَا يَشْتَهَى (2).
3162. وَعَنِ الْأَحْنَفِ بْنِ قَيْسٍ لَمَّا سَأَلَهُ مُعَاوِيَةُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: كَانَ آخِذًا بِثَلَاثٍ تَارِكًا لِثَلَاثٍ:
- آخِذًا بِقُلُوبِ الرِّجَالِ إِذَا حَدَّثَ، حُسْنِ الْإِسْتِمَاعِ إِذَا حَدَّثَ، أَيْسَرِ الْأَمْرَيْنِ عَلَيْهِ إِذَا حَلَفَ (3)؛ تَارِكًا لِمُقَارَبَةِ اللَّئِيمِ، تَارِكًا لِمَا يُعْتَدَّرُ مِنْهُ، تَارِكًا لِلْمِرَاءِ (4).
3163. وقال معاوية لخالده بن معمر: عَلَى مَا أَحْبَبْتَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ فَقَالَ: عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: عَلَى حِلْمِهِ إِذَا غَضِبَ، وَعَلَى صِدْقِهِ إِذَا قَالَ، وَعَلَى عَدْلِهِ إِذَا وُلِيَ (5).
3164. وقال الحسن البصري: إِنَّ فِي مُعَاوِيَةَ لثَلَاثًا مُهْلِكَاتٍ مَوْبِقَاتٍ: غَضَبَ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَمْرَهَا وَفِيهِمْ بَقَايَا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَوَلَّى عَلَيْهِمْ ابْنَهُ يَزِيدَ سَكِيرًا خَمِيرًا يَلْبَسُ الْحَرِيرَ وَيَضْرِبُ بِالطَّنْبُورِ، وَأَدَّعَى زِيَادًا وَوَلَّاهُ الْعِرَاقَ (6).
3165. وقال حكيم: تُطَلَّبُ الدُّنْيَا لِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: لِلغِنَى وَالْعِزِّ وَالرَّاحَةِ؛ فَمَنْ زَهَدَ فِيهَا عَزَّ، وَمَنْ قَنَعَ اسْتَغْنَى، وَمَنْ قَلَّ سَعِيُهُ اسْتَرَاحَ (7).
3166. وقال الأحنف بن قيس: مَا نَارَ عَنِي أَحَدٌ إِلَّا أَخَذْتُ فِي أَمْرِي بِأَحَدِي ثَلَاثٍ: إِنْ كَانَ فَوْقِي عَرَفْتُ قَدْرَهُ، وَإِنْ كَانَ دُونِي أَكْرَمْتُ نَفْسِي عَنْهُ، وَإِنْ كَانَ مِثْلِي تَفَضَّلْتُ عَلَيْهِ.
3167. وقال محمد بن السماك: طَلَبْتُ الْمَالَ سِنِينَ فَتَفَكَّرْتُ بِقَارُونَ، فَمَا رَأَيْتُ شَيْئًا يُقَرِّبُنِي إِلَى اللَّهِ أَفْضَلَ مِنْ ثَلَاثٍ: مِنْ قَلْبٍ وَرِعٍ، وَلِسَانٍ صَادِقٍ، وَبَدَنٍ صَابِرٍ.
3168. وقال يحيى بن معاذ: الْحِرْصُ أَسَدٌ، وَالتَّاسُ فِيهِ ثَلَاثُ رِجَالٍ: رَجُلٌ أَسَدُهُ مُطْلَقٌ؛ وَهُمْ أَبْنَاءُ الدُّنْيَا، وَرَجُلٌ أَسَدُهُ مَرْبُوطٌ بِالسَّلَاسِلِ؛ وَهُمْ الرُّهَادُ، وَرَجُلٌ أَسَدُهُ مَذْبُوحٌ؛ وَهُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ وَالصِّدِّيقُونَ.

ص: 86

- 1- . أى لم ينتقم من أعدائه؛ من أشفيت بالعدو وتشفيت به من ذلك؛ لأن الغضب الكامن كالداء فإذا زال ما يطلب الإنسان من عدوه فكأنه برئ من الداء.
- 2- . مجموعه ورام، ج 2، ص 243.
- 3- . كذا فى الأصل، وأصل الحلف: العقد لعزم والنيّة، فيكون المعنى: إذا عزم أخذ بأيسر الأمرين، وإن كان الحلف بمعنى اليمين فيحتمل أن يكون المراد أنه إذا حلف فرأى غيرها أيسر - أى خيراً - عدل إليه.
- 4- . مجموعه ورام، ج 2، ص 14.
- 5- . مجموعه ورام، ج 2، ص 75.
- 6- . مجموعه ورام، ج 1، ص 38.
- 7- . مجموعه ورام، ج 2، ص 23.

3161. بزرگی گفت: هر کس از خدا بترسد، خشم خود فرو برد. و کسی که از خدا پروا کند، به خواهش خود عمل نمی کند. و آنکه از محاسبه حذر می کند، هر چه دلش بخواهد نمی خورد.

3162. وقتی که معاویه از احنف بن قیس درباره حضرت علی علیه السلام پرسید، احنف گفت: او سه کار می کرد و سه کار نمی کرد: وقتی سخن می گفت قلبها را می ربود. سخنانش گوش نواز بود. و آسان ترین کار را انتخاب می کرد. با فرومایه معاشرت نمی کرد. هر کاری که باعث معذرت خواهی شود انجام نمی داد و ریاکاری نمی کرد.

3163. معاویه به خالد بن معمر گفت: علی علیه السلام را برای چه دوست داری؟ گفت: برای سه خصلت: بردباری او هنگام خشم، صداقت او هنگام سخن گفتن، و عدالت او در حکومت.

3164. حسن بصری گفت: معاویه سه کار هلاکت آور و بدبخت کننده انجام داد: حکومت را در حالی غصب کرد که از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله افراد شایسته ای بودند. پسرش یزید را که همیشه مست و اهل تشریفات و نوازنده بود جانشین خود کرد. و «زیاد» را برادر خود خوانده و به فرمانداری عراق نصب کرد.

3165. حکیمی گفت: دنیا را برای سه چیز می خواهند: بی نیازی، عزت، راحتی. پس هر که در دنیا زاهد باشد عزیز است. و هر که قانع باشد بی نیاز است. و هر که کمتر رنج دنیا برد راحت تر است.

3166. احنف بن قیس گفت: هر کس با من در افتاد با او یکی از این سه کار را کردم: اگر بالاتر از من بود قدر او را دانستم. و اگر پایین تر از من بود خود را از شر او حفظ کردم. و اگر مثل من بود به او نیکی کردم.

3167. محمد بن سماک گوید: چند سال دنبال مال بودم تا وقتی که به یاد قارون افتادم، دیدم چیزی بهتر از این سه مرا به خدا نزدیک نمی کند: قلب پرهیزکار، زبان راستگو، بدن صابر.

3168. یحیی بن معاذ گفت: حرص، شیر درنده است، و مردم نسبت به آن سه دسته اند: گروهی آن را رها کرده اند اینها دنیا پرستانند. گروهی آن را زنجیر کرده اند اینها زاهد هستند. گروهی آن را از پای در آورده اند اینها اولیاء خدا و صدیقان هستند. و به سه چیز توصیه می کردند و می نوشتند: کسی که برای آخرتش تلاش کند خداوند دنیای او را تأمین می کند. و کسی

وكانوا من قبل يتواصون بثلاثه أشياء ويكاتبون بها: من عمل لأخوته كفاه الله أمر دنياه، ومن أحسن سريره أحسن الله علاقته، ومن أصلح ما بينه وبين الله أصلح الله ما بينه وبين الناس.

3169. وعن ابن عباس: الرهد ثلاثة أحرف: زاء وهاء ودال؛ فالزاء زاد المعاد، والهاء هدى في الدين، والدال الدوام على طاعة الله تعالى.

3170. وعن بعض الحكماء: ثلاثة من كنوز الله تعالى لا يعطيها إلا لمن يحب: الفقر، والمرض، والصبر.

3171. وعن ابن عباس حين سئل: ما خير الأيام، وما خير الشهور، وما خير الأعمال؟ فقال: خير الأيام الجمعة، وخير الشهور شهر رمضان، وخير الأعمال الصلوات الخمس لوقتها.

فبلغ ذلك علياً عليه السلام فقال: لو سئل العلماء والحكماء من المشرق إلى المغرب لما أجابوا إلا بمثلها، ألا إني أنا أقول: خير الأعمال ما يتقبل الله منك، وخير الشهور ما تتوب فيه، وخير الأيام ما تخرج فيه إلى الله مؤمناً.

3172. وعن بعض حكماء اليونان: ثلاثة لا عار فيهن: المرض، والفقر، والموت.

3173. وقال وهب: مكتوب في التوراه: الحريص فقير وإن ملك الدنيا، والمطيع مطاع وإن كان مملوكاً، والقانع غني وإن كان جائعاً.

3174. ومما أوحاه الله إلى بعض أنبيائه: هب لي من قلبك الخشوع، ومن نفسك الخضوع، ومن عينك الدموع، وأسألني؛ فأني قريب مُجيب. (1)

3175. وقال بعضهم: علامه المُنَافِقِ ثلاثة: إذا أوْتِمنَ خان، وإذا حَدَثَ كَذِب، وإذا وَعَدَ أَخْلَف. (2)

3176. ورؤي أن رجلاً زار حكيماً، فلما لقيه ذكر له عن بعض أصحابه مقالاً فيه، فقال المزور: يا أخي! قد أبطأت في الزياره وأتيتني بثلاث جنابات: بَغَضتِ أليَّ أخي الحبيب، وأشغلتِ قلبي الفارغ، وأتَهَمَتِ نَفْسَكَ الأَمِينَةَ فيما أتيت به.

3177. وقال بعض الحكماء: ثلاث من كن فيهن استكمل عقله: أن يكون مالكا للسانه، عارفاً بزمانه، مُقبِلاً على شأنه.

ص: 88

1- . عدّه الداعي، ص 207.

2- . جاء مضمون هذا الكلام في حديث عن رسول الله صلى الله عليه وآله ذكره الكليني في الكافي، ج 2، ص 290، ح 8.

که باطن خود را نیکو گرداند، خداوند ظاهر او را نیکو نماید. و کسی که رابطه خود و خدا اصلاح کند، خداوند رابطه او با مردم را اصلاح می نماید.

3169. ابن عباس گفت: زهد سه حرف است: ز: یعنی زاد و توشه برای معاد و قیامت. ه: هدایت در دین، د: دوام طاعت خدا.

3170. حکیمی فرمود: سه چیز از گنجهای خداوند است و فقط به کسی که دوست دارد عطا می کند:

فقر، مرض، صبر.

3171. از ابن عباس پرسیدند: بهترین روز و بهترین ماه و بهترین عمل کدامند؟

گفت: بهترین روز جمعه، بهترین ماه رمضان و بهترین عمل نماز در اول وقت است.

این جواب به حضرت علی علیه السلام رسید حضرت فرمودند: اگر از دانشمندان و حکیمان مشرق تا مغرب می پرسیدند، جز مثل او جواب نمی داد. اما من می گویم: بهترین عمل آن است که خداوند بپذیرد. و بهترین ماه آن است که در آن توبه کنی. و بهترین روز، روزی است که با ایمان به سوی خدا بروی.

3172. حکیمی از یونان گفته است: سه چیز ننگ ندارد: فقر، مرض، مرگ.

3173. وهب گفت: در تورات آمده است: حریص گرچه مالک همه دنیا شود فقیر است. مطیع خدا، فرمانرواست گرچه غلام باشد. و قانع، بی نیاز است گرچه گرسنه باشد.

3174. خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود: با قلب خاشع و روح متواضع و چشم گریان به درگاه من بیا و از من درخواست کن، من نزدیک و اجابت کننده ام.

3175. گفته اند: علامت منافق سه چیز است: امانت نزد او بگذارند خیانت می کند. و زمانی که سخن بگویند دروغ می گویند. و هنگامی که وعده دهد تخلف می کند.

3176. مردی به دیدار حکیمی رفت و گفت: دوست تو سخن ناشایست درباره تو گفته است. حکیم گفت: پس از مدتی که به ملاقات من آمدی سه جنایت در حق من مرتکب شدی: دوست مرا در نظرم منفور کردی. قلب پاک مرا آلودی. خودت را که امین بودی با این سخنان متهم کردی.

3177. حکیمی گفت: هر کس سه چیز داشته باشد عقل او کامل است: کنترل زبان، شناختن زمان، و سرگرم کار خود باشد.

3178. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: إِلَهِي! أَجَلُ الطَّاعَاتِ فِي قَلْبِي رَجَاؤُكَ، وَأَعَذْبُ الكَلَامِ عَلَى لِسَانِي تَنَاؤُكَ، وَأَحَبُّ السَّاعَاتِ إِلَيَّ سَاعَةُ لِقَائِكَ.

3179. وَرُوِيَ أَنَّ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، لَوْ كَانَتْ عِبَادَتُنَا عَلَى وَجْهِ الأَرْضِ لَعَمِلْنَا ثَلَاثَ خِصَالٍ: سَقَى المَاءِ لِلْمُسْلِمِينَ، وَإِعَانَةَ أَصْحَابِ العِيَالِ، وَسَتَرَ الذُّنُوبَ. (1)

3180. وَعَنْ بَعْضِ الرَّبَّانِيِّينَ: وَقَالَ [تعالى]: التَّقَى وَالْعِلْمُ وَالْعَقْلُ ثَلَاثُ مَرَاتِبَ، وَمَا جَعَلْتُ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ فِي أَحَدٍ مِنْ خَلْقِي وَأَنَا أَرِيدُ هَلَاكَهُ. (2)

3181. وَرُوِيَ أَنَّهُ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى الحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، رُوِيَ عَن جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا كَانَ لِأَحَدِكُمْ حَاجَةٌ فَلْيَطْلُبْهَا مِنْ ثَلَاثَةِ نَفَرٍ: مِنْ رَجُلٍ قُرَشِيٍّ، أَوْ مِنْ رَجُلٍ حَامِلٍ كِتَابِ اللَّهِ، أَوْ مِنْ رَجُلٍ صَبِيحِ الوَجْهِ، وَقَدْ جُمِعَتْ فِيكَ هَذِهِ الخِصَالُ.

قَالَ: وَكَانَ مُتَكِنًا فَاسْتَوَى جَالِسًا فَقَالَ: إِنَّهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنْزِلُوا النَّاسَ مَنَازِلَهُمْ، وَأَنَا أَسْأَلُكَ عَن ثَلَاثِ خِصَالٍ إِنْ أُجِبْتَنِي أَعْطَيْتُكَ ثَلَاثِمِئَةَ دِينَارٍ، قَالَ: سَلْ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

فَقَالَ لَهُ: مَا زِينَةُ المَرْءِ؟ قَالَ: عِلْمٌ مَعَهُ حِلْمٌ، قَالَ: فَإِنَّ فَاتَهُ ذَلِكَ؟ قَالَ: كَرَمٌ مَعَهُ وَرَعٌ، قَالَ: فَإِنَّ فَاتَهُ ذَلِكَ؟ قَالَ: فَقَرٌّ مَعَهُ صَبْرٌ، قَالَ: فَإِنَّ فَاتَهُ ذَلِكَ؟ قَالَ: صَاعِقَةٌ مِنَ السَّمَاءِ تَهْشِمُ جِلْدَهُ وَعَظْمَهُ! فَتَبَسَّمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَضَاعَفَ لَهُ مَا طَلَبَ.

3182. وَقَالَ بَعْضُ الحُكَمَاءِ: مَنْ ادَّعَى ثَلَاثًا بغيرِ ثَلَاثِ فاعْلَمَ أَنَّ الشَّيْطَانَ يَسْخَرُ مِنْهُ: أَوَّلُهَا: مَنْ ادَّعَى حَلَاوَةَ الذِّكْرِ مَعَ حُبِّ الدُّنْيَا، وَالثَّانِي: مَنْ ادَّعَى رِضَى خَالِقِهِ مِنْ غيرِ سَخَطِ نَفْسِهِ، وَالثَّلَاثُ: مَنْ ادَّعَى الإِخْلَاصَ مَعَ حُبِّ ثَنَاءِ المَخْلُوقِينَ. (3)

3183. وَقِيلَ لِإِبْرَاهِيمَ بْنِ أَدْهَمَ: بِمَا وَجَدْتَ الرُّهْدَ؟ قَالَ: بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: رَأَيْتُ القَبْرَ مَوْحِشًا وَلَيْسَ لِي مُونِسٌ، وَرَأَيْتُ الطَّرِيقَ طَوِيلًا وَلَيْسَ مَعِيَ زَادٌ، وَرَأَيْتُ الجَبَّارَ قَاضِيًا وَلَيْسَ مَعِيَ حُجَّةٌ.

3184. وَقِيلَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِأَيِّ شَيْءٍ اتَّخَذَكَ اللَّهُ خَلِيلًا؟ قَالَ: بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: اخْتَرْتُ أَمْرَ اللَّهِ عَلَى أَمْرِ غَيْرِهِ، وَمَا

ص: 90

1- . مجموعه ورام، ج 1، ص 39.

2- . بحار الأنوار، ج 1، ص 206، ح 38، عن الزبور.

3- . جاء مضمون هذا الكلام في حديث في جامع الأخبار، ص 137.



3178. دیگری گفت: خدایا بزرگترین طاعت در قلب من امید به توست. و شیرین ترین سخن من مدح و ثنای توست. و بهترین ساعت ها نزد من ساعت دیدار توست.

3179. جبرئیل علیه السلام گفت: یا محمد، اگر عبادت ما فرشتگان، روی زمین بود سه کار را ترک نمی کردیم: آب دادن به مسلمانان، کمک به مردم عیالوار، پوشاندن گناه دیگران.

3180. شخصی ربّانی گفت: خداوند فرمود: پرهیزکاری و علم و عقل سه رتبه است. و کسی را که بخواهم هلاک کنم هیچ یک از آنها را در او قرار نخواهم داد.

3181. شخصی نزد امام حسن مجتبی علیه السلام آمد و گفت: از جدّ تو روایت شده است که اگر نیازی دارید از کسی درخواست کنید که از سادات باشد یا حامل کتاب خدا باشد یا خوش سیما باشد. هر سه خصلت در تو وجود دارد.

حضرت که تکیه کرده بود، نشست و فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس را در جایگاه خودش قرار دهید. من از تو سه سؤال می پرسم اگر جواب دادی سیصد دینار به تو می دهم.

گفت: بپرس ولا قوه الا بالله. [یعنی به حول و قوه خدا جواب می دهم]

حضرت فرمودند: زینت انسان چیست؟ گفت: علم که با بردباری همراه باشد.

حضرت فرمودند: اگر آن را نداشت چه؟ گفت: کرم که با پرهیزکاری باشد.

حضرت فرمودند: اگر آن را نداشت چه؟ گفت: فقر که با صبر همراه باشد.

حضرت فرمودند: اگر آن را نداشت چه؟ گفت: صاعقه ای از آسمان بیاید و پوست و استخوانش را در هم بریزد.

حضرت تبسمی فرمودند و دو برابر خواسته اش به او عطا کردند.

3182. حکیم گفت: هر کس سه برتری را بدون سه چیز ادعا کند، بدان که شیطان او را مسخره می کند.

اول: ادعای چشیدن شیرینی ذکر خدا بدون ترک محبت دنیا.

دوم: ادعای رضایت خدا بدون خشم بر خود.

سوم: ادعای اخلاص با تمایل به ستایش کردن مردم.

3183. از ابراهیم ادهم پرسیدند: زهد را از چه بدست آوردی؟ گفت: سه چیز: دیدم قبر وحشتناک است و من مونس ندارم. راه طولانی است و توشه ندارم. خداوند قاضی است و من دلیل و مدرک ندارم.

3184. از ابراهیم خلیل علیه السلام پرسیدند: برای چه خدا تو را خلیل خود برگزید؟ گفت: برای سه چیز:

ص: 91

اهتممت بما تكفل الله لي، وما تعشيت ولا تغديت إلا مع الضيف.

3185. وقيل: أسعد الناس من له قلب عالم، وبدن صابر، وقناعه بما في يده.

3186. وقيل: ثلاثه من لم تكن فيه فليس بفاضل؛ وهي: حلم يرد به جهل من جهل عليه، وورع يحجزه عن المحارم، وحسن خلق يدارى به الناس.

3187. وقيل: ثلاثه لا يعرفون إلا في ثلاثه مواطن: لا يعرف الجواد إلا في الجذب (1)، ولا الشجاع إلا في الحرب، ولا الحليم إلا عند الغضب (2).

3188. وقيل: جاء رجل إلى ابن عباس فقال لابن عباس: إني أريد أن أمر بالمعروف وأنهى عن المنكر، قال:

أبلغت ذلك؟ قال: أرجو، قال: إن لم تخش أن تفتضح بثلاث آيات في كتاب الله تعالى فافعل، قال:

وما هن؟ قال: قوله تعالى: «أتأمرون الناس بالبر وتنهون أنفسكم»، أحكمت هذه الآية؟ قال:

لا، قال: فالحرف الثاني؟ قال: قوله تعالى: «لم تقولون ما لا تفعلون \* كبر مقتاً عند الله أن تقولوا ما لا تفعلون» أحكمت هذه الآية؟ قال: لا، قال: فالحرف الثالث؟ قال: قول العبد الصالح شعيب عليه السلام: «وما أريد أن أخالفكم إلى ما أنهل - كم عنه» أحكمت هذه الآية؟ قال: لا، قال: فأبدأ بنفسك (3).

3189. وقيل: علامه العقل ثلاثه: تقوى الله، وصدق (الحق) الحديث، وترك ما لا يعنى.

3190. وقيل: يا رسول الله، بم يعرف المؤمن؟ فقال: بوقاره، ولبينه، وصدق حديثه (4).

3191. وقيل: دخل بعض الأدباء على ملك فاستأذنه في الكلام، فقال: بشرط، فقال: وما هو؟ قال: على أن لا تمدحني في وجهي؛ فإني أعرف منك بنفسى، وعلى أن لا تكذبني عن ضميرك، وعلى أن لا تغتاب عندي أحداً (5).

ص: 92

1- . الجذب: القحط (النهاية: 235/1).

2- . مجموعه ورام، ج 2، ص 247.

3- . مجموعه ورام، ج 2، ص 11.

4- . مجموعه ورام، ج 2، ص 292.

5- . مجموعه ورام، ج 2، ص 292.

من فرمان خدا را بر فرمان غیر خدا اختیار کردم. به دنبال روزی ای را که خدا بر عهده گرفته نرفتم و هرگز بدون مهمان نگذراندم و غذا نخوردم.

3185. گفته اند: خوشبخت ترین مردم کسی است که قلب دانا، بدن شکیبا، و قناعت بر آنچه که در دست دارد.

3186. گفته شده است: هر که سه صفت ندارد فضیلت ندارد: بردباری که نادانی جاهلان را تحمل کند. پرهیزکاری که او را از حرام باز دارد. رفتار خوش که با مردم مدارا کند.

3187. گفته اند: سه کس را جز در سه جا نمی توان شناخت: سخاوتمند را در قحطی، شجاع را در جنگ، بردبار را به هنگام خشم.

3188. شخصی نزد ابن عباس رفت و گفت: می خواهم امر بمعروف و نهی از منکر کنم.

ابن عباس گفت: آیا معروف و منکر را می شناسی؟ گفت: امیدوارم.

ابن عباس گفت: اگر نمی ترسی که با سه آیه از آیات قرآن مفتضح شوی انجام بده. پرسید:

کدام آیات؟ ابن عباس گفت: این آیه: «آیا دیگران را امر به نیکی می کنید و خود را فراموش کرده اید؟» به این آیه عمل کرده ای؟ گفت: نه.

پرسید: آیه دوم چیست؟ ابن عباس گفت: «چرا چیزی می گوید که خود عمل نمی کنید.

گناه بزرگی است نزد خدا آنچه را که انجام نمی دهید بگوئید». آیا به این آیه عمل کرده ای؟ گفت: نه.

پرسید: آیه سوم چیست؟ ابن عباس گفت: سخن بنده صالح شعیب علیه السلام است: «من قصد مخالفت با شما ندارم در آنچه که شما را از آن نهی می کنم». آیا به این آیه عمل کرده ای؟ گفت: نه. ابن عباس گفت: ابتدا از خودت شروع کن.

3189. گفته اند: علامت عقل سه چیز است: پرهیزکاری، راست گویی، ترک کردن هرزگی.

3190. از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: مؤمن با چه چیزی شناخته می شود؟ فرمودند: وقار، نرمخویی، و راستگویی.

3191. ادیبی نزد سلطان رفت و اجازه سخن خواست. سلطان گفت: به یک شرط. گفت: چه شرطی؟ سلطان گفت: در مقابل مرا ستایش نکنی چون خود را بهتر از تو می شناسم. و در دل خود از من بد نگوئی. و نزد من از کسی غیبت نکنی.

3192. وقيل: لا تَتَقَدَّمُ الأَصَاغِرُ عَلَى الأَكْبَرِ فِي ثَلَاثٍ: إِذَا سَارُوا لَيْلًا، وَخَاضُوا سَبِيلًا، وَوَجَّهُوا حَيَلًا.

3193. وقيل: صِفَاتُ الأَوْلِيَاءِ الكَامِلِينَ ثَلَاثَةٌ: فَأَوَّلُهَا: الصَّمْتُ وَحِفْظُ اللِّسَانِ؛ الَّذِي هُوَ بَابُ النَّجَاهِ، وَثَانِيهَا:

الجُوعُ؛ وَهُوَ مِفْتَاحُ الخَيْرَاتِ، وَثَالِثُهَا: إِتْعَابُ النَّفْسِ فِي العِبَادَاتِ وَصِيَامُ النَّهَارِ وَقِيَامُ اللَّيْلِ.

3194. وقيل: الصُّحْبَةُ مَعَ الخَلْقِ ضَلَالٌ، وَالإِشْتِغَالُ بِالحَقِّ كَمَالٌ، وَطَلَبُ العِلْمِ بِلا عَمَلٍ وَبِالْ(1).

3195. وقيل: مِنَ الحِكْمَةِ الإِعْرَاضُ عَن ثَلَاثَةٍ: سَفَاهَةِ الجَاهِلِ(2)، وَرَازِلَةِ العَاقِلِ، وَجَهْلَةِ الغَافِلِ.

3196. وقيل فِي الأمْثَالِ: ثَلَاثَةٌ تَجَلُّو البَصَرَ: النَّظَرُ إِلَى الخُضْرَةِ، وَالمَاءِ الجَارِي، وَإِلَى الوَجْهِ الحَسَنِ.

3197. وقيل فِيهِ شِعْرًا:

ثَلَاثَةٌ تَجَلُّو عَنِ القَلْبِ الحَزْنَ المَاءِ وَالخُضْرَةَ وَالْوَجْهَ الحَسَنَ

3198. وقيل: ثَلَاثَةٌ لا تَعْرِفُهُمُ إِلا عِنْدَ ثَلَاثٍ: الحَلِيمُ عِنْدَ الغَضَبِ، وَالشُّجَاعُ عِنْدَ الخَوْفِ، وَالأَخُ عِنْدَ حَاجَتِكَ إِلَيْهِ.(3)

3199. وَعَن عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عِلِمَ وَعَمِلَ وَعَلَّمَ، عُدَّ فِي المَمْلُوكَاتِ الأَعْظَمِ عَظِيمًا.(4)

3200. وَقَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: كَمَا يَضْطَرُّ المَرِيضُ إِلَى الطَّعَامِ فَلا يَلْتَدُّ بِهِ مِنْ شِدَّةِ الوَجْعِ، كَذَلِكَ صَاحِبُ الدُّنْيَا لا يَلْتَدُّ بِالعِبَادَةِ وَلا يَجِدُ حَلَاوَتَهَا مَعَ ما يَجِدُهُ مِنْ حَلَاوَةِ الدُّنْيَا.(5)

3201. بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ الدَّابَّةَ إِذَا لَمْ تُرْكَبْ نَصَبَتْ وَتَغَيَّرَ خُلُقُهَا، كَذَلِكَ القُلُوبُ إِذَا لَمْ تُرْفَقْ بِذِكْرِ المَوْتِ وَبِنَصَبِ(6) العِبَادَةِ تَقْسُو وَتَغْلُظُ.(7)

3202. بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ الرِّقَّ(8) إِذَا لَمْ يَتَخَرَّقْ يوشِكُ أَنْ يَكُونَ وَعَاءَ العَسَلِ، كَذَلِكَ القُلُوبُ ما لَمْ تَخْرِقْهَا الشَّهَوَاتُ وَيدَنْسَهَا الطَّمَعُ أَوْ يُتْسِئَهَا النِّعِيمُ فَسَوْفَ تَكُونُ أوعِيَةَ الحِكْمَةِ.(9)

ص: 94

1- . الوَبَالُ: الوَخَامَةُ وَسُوءُ العَاقِبَةِ. وَعَذَابٌ وَبِيلٌ: أَي شَدِيدٌ (مَجْمَعُ البَحْرِينَ: 4/461).

2- . سَفَاهَةُ الجَاهِلِ: أَعْمَالُهُ القَبِيحَةُ الدِّيَّةُ.

3- . شَرَحَ نَهْجَ البَلَاغَةِ، ج 11، ص 219.

4- . مَجْمُوعَةُ وِرَّامٍ، ج 1، ص 82.

5- . مَجْمُوعَةُ وِرَّامٍ، ج 1، ص 148.

6- . التَّصَبُّ: التَّعَبُ (النِّهَايَةُ: 5/62).

7- . مَجْمُوعَةُ وِرَّامٍ، ج 1، ص 148.

8- . الزَّقِّ: السَّقَاءُ أَوْ جِلْدٌ يُجَزَّ وَلَا يُنْتَفَ لِلشَّرَابِ وَغَيْرِهِ (القَامُوسُ الْمُحِيطُ: 241/3).

9- . مَجْمُوعُهُ وَرَّامٌ، ج 1، ص 148.

3192. گفته اند: کودکان در سه جا از بزرگان سبقت نگیرند: حرکت شبانه، ورود در سیل و مواجه شدن با سپاه دشمن.

3193. گفته اند: صفات اولیاء کامل سه چیز است: اول: سکوت و نگه داشتن زبان که در نجات است.

دوم: گرسنگی که کلید خوبیهاست. سوم: تحمل سختی در عبادتها و روزه داری در روز و نماز در شب.

3194. گفته اند: همراهی با مردم گمراهی است. ارتباط و پیوستگی با خدا کمال است. و آموختن علم بدون بکارگیری آن عذاب است.

3195. گفته اند: دوری از سه چیز نشانه حکمت است: رفتار زشت مردم نادان، و لغزش عاقل و نادانی غافل.

3196. ضرب المثلی می گوید: سه چیز باعث جلای چشم می شود: نگاه کردن به سبزه و آب روان و صورت زیبا.

3197. در شعر آمده است: سه چیز اندوه را از قلب می برد: آب، سبزه، چهره زیبا.

3198. گفته اند: سه کس را در سه جا می توان شناخت: انسان بردبار را هنگام خشم. شجاع را هنگام ترس. و دوست را هنگام احتیاج.

3199. حضرت عیسی علیه السلام فرمود: کسی که یاد بگیرد و بکار برد و به دیگران هم بیاموزد، در ملکوت اعظم بزرگ شمرده می شود.

3200. حضرت عیسی علیه السلام فرمود: به حق می گویم: همانطور که مریض از شدت درد از غذا خوردن لذت نمی برد. همانطور دنیاپرست هم از عبادت لذت نمی برد. و با چشیدن شیرینی دنیا، شیرینی عبادت را نخواهد چشید.

3201. حضرت عیسی علیه السلام: به حق می گویم: همانطور که اگر از حیوان سواری نگیری چموش و نافرمان می شود. قلب هم اگر با یاد مرگ و سختی عبادت نرم نشود، سخت و سنگدل می شود.

3202. حضرت عیسی علیه السلام: به حق می گویم: اگر مشک پاره نباشد ممکن است ظرف غسل شود.

همچنین اگر قلب با شهوت دریده نشود و با طمع آلوده نشود و یا نعمتها آن را سرسخت نکند، جایگاه حکمت خواهد شد.

3203. وَرَوَى أَنَّ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ اشْتَدَّ بِهِ الْمَطَرُ وَالرَّعْدُ وَالْبَرْقُ يَوْمًا، فَجَعَلَ يَطْلُبُ شَيْئًا يَلْبِغُ إِلَيْهِ، فَرَفَعَتْ لَهُ حَيْمَةٌ مِنْ بَعِيدٍ، فَأَتَاهَا فَإِذَا فِيهَا امْرَأَةٌ، فَجَارَ عَنْهَا فَإِذَا هُوَ بِكَهْفٍ فِي جَبَلٍ، فَأَتَاهُ فَإِذَا فِيهِ أَسَدٌ، فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ فَقَالَ: إِلَهِي! لِكُلِّ شَيْءٍ مَأْوَى، وَلَمْ تَجْعَلْ لِي مَأْوَى!

فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: مَأْوَاكَ فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِي، وَلَا زَوْجَنِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَنْتِهِ حَوْرَاءَ خَلَقْتَهَا بِيَدِي، وَلَا طَعْمَنَ فِي عُرْسِكَ أَرْبَعَةَ آلَافِ عَامٍ، يَوْمَ مِنْهَا كَعْمُرِ الدُّنْيَا، وَلَا مَرْنَ مُنَادِيًا يُنَادِي: أَيْنَ الزُّهَادُ فِي الدُّنْيَا؟ هَلُمُّوا إِلَى عُرْسِ الزَّاهِدِ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ. (1)

3204. وَقِيلَ: الدِّينُ يَخَافُ النَّارَ، وَالكَرِيمُ يَخَافُ الْعَارَ، وَالْعَاقِلُ يَخَافُ الشَّرَّ؛ فَمَنْ جُمِعَ فِيهِ الدِّينُ وَالكَرَمُ وَالْعَقْلُ فَقَدْ أَمِنَ مِنَ النَّارِ وَالْعَارِ وَالشَّرِّ.

3205. وَقَالَ جَالِينُوسُ: إِذَا سَلِمَ بَدَنُ الْإِنْسَانِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الَّتِي تَعُوقُهُ مِنَ الْكِتَابَةِ وَالْقِرَاءَةِ وَالتَّعْلِيمِ، وَسَلِمَ عَقْلُهُ، وَرُزِقَ كِفَايَتَهُ، فَحَزْنُهُ عَلَى مَا سِوَى ذَلِكَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ.

3206. (وَقَالَ آخَرُ): عَلَامَةُ الْعَاقِلِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى وَتُعَدَّ، أَمَّا عَلَامَةُ الْأَحْمَقِ عِنْدَنَا ثَلَاثُ خِصَالٍ: أَوَّلُهَا: لَا يُبَالِي مِنَ تَضْيِيعِ عُمُرِهِ، وَالثَّانِي: لَا يَشْبَعُ عَنْ فَضُولِ أَقَابِيلِهِ، وَالثَّلَاثُ: لَا يُطِيقُ صُحْبَةَ مَنْ يَرَى عَيْبَهُ.

3207. مِنْ كَلَامِ بَعْضِ الْعَارِفِينَ: ثَلَاثَةُ أَشْيَاءٍ تُفْسِدُ الْقُلُوبَ: الضُّحْكُ بِغَيْرِ عَجَبٍ، وَالْأَكْلُ مِنْ غَيْرِ جُوعٍ، وَالْكَلامُ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ.

3208. وَقَالَ أَفَلَاطُونُ: لَا تَزُرْ مَنْ يَسْتَتِقِلُكَ (2)، وَلَا تُحَدِّثْ مَنْ يَكْذِبُكَ، وَلَا تُخَاطِبْ مَنْ لَا يَسْمَعُ مِنْكَ.

3209. وَقَالَ أَفَلَاطُونُ: إِنَّ الْمَرْءَ يَتَغَيَّرُ فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ: فِي الْقُرْبِ مِنَ الْمُلُوكِ، وَفِي الْإِنَاثِ إِذَا تَوَلَّاهَا، وَفِي الْمَالِ إِذَا جَمَعَهُ؛ فَمَنْ لَمْ يَتَغَيَّرْ خُلُقُهُ فِي وَاحِدِهِ مِنْ هَذِهِ الثَّلَاثِ فَهُوَ صَاحِبُ الْحُكْمِ صَاحِبُ الْمُعَامَلَةِ.

3210. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: الْعِلْمُ لَهُ ثَلَاثَةُ أَشْبَارٍ: مَنْ دَخَلَ فِي شِبْرِهِ الْأَوَّلِ تَكَبَّرَ، وَمَنْ دَخَلَ فِي شِبْرِهِ الثَّانِي تَوَاضَعَ، وَمَنْ دَخَلَ فِي شِبْرِهِ الثَّلَاثِ عَلِمَ أَنَّهُ لَا يَعْلَمُ.

ص: 96

1- . مجموعه ورام، ج 1، ص 133.

2- . أى يعدّ زيارتك إياه أمراً ثقیلاً علیه، ويكره لقاءك.



3203. روزی حضرت عیسی علیه السلام در باران و رعد و برق شدید گرفتار شد. و بدنبال پناهگاه می گشت. از دور خیمه ای دید خود را به آن رسانید که در آن زنی بود. از آن خیمه عبور کرد. به غاری در کوه رسید. دید شیری در آن پناه گرفته است. دست بر غار نهاد و گفت:

خدای من برای هر چیزی پناهی قرار دادی، برای من پناه قرار نداده ای؟

خداوند به او وحی کرد: پناهگاه تو در سایه رحمت من است. و روز قیامت صد فرشته ای که بدست خود آفریده ام به تو تزویج کنم. و در جشن عروسی تو چهار هزار سال که هر روز آن به اندازه عمر دنیاست غذا بدهم. و فرمان دهم فرشته ای ندا دهد: کجایید کسانی که در دنیا زاهد زیستید. به جشن عروسی عیسی بن مریم زاهد بیایید.

3204. گفته اند: دین دار از جهنم و کریم از ننگ و عاقل از شر بیم دارد. کسی که اهل دین و کرم و عقل باشد از جهنم و ننگ و شر ایمن است.

3205. جالینوس گفت: اگر بدن انسان از بیماریهایی که مانع نوشتن و خواندن و آموختن است سلامت باشد و عقل سالم و رزق کافی داشته باشد، غصه خوردن برای چیزهای دیگر بی مورد است.

3206. کسی گفته است: علامت عاقل بیشتر از آن است که قابل شمردن باشد اما علامت احمق سه ویژگی است: اول، از ضایع شدن عمرش نگران نیست. دوم، از زیاده گویی سیر نمی شود.

سوم، طاقت کسی که عیب او را بگوید ندارد.

3207. عارفی گفته است: سه چیز قلب را سر سخت می کند: خنده بدون دلیل، خوردن بدون گرسنگی، و سخن گفتن غیر لازم.

3208. افلاطون گفت: به دیدار کسی که دیدارت برایش سنگین است، نرو. و با کسی که سخن تو را تکذیب می کند سخن مگو. و با کسی که به تو گوش فرا ندهد حرف نزن.

3209. افلاطون گفت: انسان در سه جا تغییر می کند: نزدیکی سلطان، دوست داشتن زنان و هنگام ذخیره کردن مال. کسی که اخلاقی در یکی از این سه مورد تغییر نکند قضاوت و معامله اش صحیح است.

3210. حکیمی گفت: علم سه وجه است: کسی که وارد وجه اول آن شود تکبر کند. کسی که به وجه دوم برسد فروتن شود. و کسی که به وجه سوم دست یابد می داند که چیزی نمی داند.

3211. أقول: ثلاث اعجوباتٍ ذَكَرَهَا اللهُ سُبْحَانَهُ فِي ثَلَاثِ سُورٍ مِنَ الْقُرْآنِ - وَهِيَ سُورَةُ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَالْكَهْفُ، وَمَرْيَمَ - مُتَعَابِقَةً؛ فَسُورَةُ بَنِي إِسْرَائِيلَ اشْتَمَلَتْ عَلَى الْإِسْرَاءِ بِجَسَدِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى، وَالسُّورَةُ الثَّانِيَةُ اشْتَمَلَتْ عَلَى قِصَّةِ أَهْلِ الْكَهْفِ وَنَوْمِ الْقَوْمِ فِيهِ مُدَّةً ثَلَاثِمِئَةٍ سَنَةٍ وَنِيفٍ (1)، وَسُورَةُ مَرْيَمَ اشْتَمَلَتْ عَلَى حُدُوثِ الْوَلَدِ مِنْ دُونِ أَبِي.

3212. وَقَالَ الشَّيْخُ نَجْمُ الدِّينِ: الْفَقْرُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ: فَقَرٌّ إِلَى اللَّهِ دُونَ غَيْرِهِ، وَقَرٌّ إِلَى اللَّهِ مَعَ غَيْرِهِ، وَقَرٌّ إِلَى الْغَيْرِ دُونَ اللَّهِ، وَقَدْ أَشَارَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى الْأَوَّلِ بِقَوْلِهِ: «الْفَقْرُ فَخْرِي»، وَإِلَى الثَّانِي: «كَأَدَّ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»، وَإِلَى الثَّلَاثِ: «الْفَقْرُ سَوَادُ الْوَجْهِ فِي الدَّارَيْنِ».

3213. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: لَا تَقْتَكِرْ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: لَا تَقْتَكِرْ فِي الْفَقْرِ فَيَكْثُرَ هَمُّكَ، وَلَا تَقْتَكِرْ فِي طَوْلِ الْبَقَاءِ فِي الدُّنْيَا فَتُحِبَّ الْجَمْعَ وَتُضَيِّعَ الْعُمْرَ، وَلَا تَقْتَكِرْ فِي ظُلْمٍ مَنْ ظَلَمَكَ فَيَغْلُظَ قَلْبُكَ وَيَزِيدَ غَضَبَكَ.

3214. وَقَالَ أَرِسْطَاطَالِيْسٌ: ثَلَاثَةٌ إِنْ لَمْ تَظْلِمْهُمْ ظَلَمُواكَ: وَلَذَلِكَ، وَعَبْدُكَ، وَزَوْجَتُكَ؛ فَسَبَبُ صَلَاحِ حَالِهِمْ التَّعَدَّى عَلَيْهِمْ (2).

3215. وَقَالَ آخَرٌ: أَيَّامُ الدَّهْرِ ثَلَاثَةٌ: يَوْمٌ مَضَى لَا يَعُودُ إِلَيْكَ، وَيَوْمٌ أَنْتَ فِيهِ لَا يَدُومُ عَلَيْكَ، وَيَوْمٌ مُسْتَقْبَلٌ لَمْ تَدْرِ مَا حَالُهُ، وَلَا تَدْرِ مَنْ أَهْلُهُ.

3216. وَقَالَ أَبُو دُرٍّ رَحِمَهُ اللهُ: الدُّنْيَا ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: سَاعَةٌ مَضَتْ، وَسَاعَةٌ أَنْتَ فِيهَا، وَسَاعَةٌ لَا تَدْرِ أَتَدْرِكُهَا أَمْ لَا، فَلَسْتَ تَمْلِكُ فِي الْحَقِيقَةِ إِلَّا سَاعَةً وَاحِدَةً؛ إِذِ الْمَوْتُ يُدْرِكُ سَاعَةً فَسَاعَةً (3).

3217. (وَمِنْ كَلَامِ بَعْضِ الْحُكَمَاءِ): أَفْضَلُ الْأُمُورِ ثَلَاثَةٌ: الْحَيَاةُ، وَضِعْفُ الْحَيَاةِ، وَمَا هُوَ خَيْرٌ مِنَ الْحَيَاةِ؛ فَأَمَّا الْحَيَاةُ فَالزَّاحَةُ وَحَسَنُ الْعَيْشِ، وَأَمَّا ضِعْفُ الْحَيَاةِ فَالْمَحْمَدَةُ وَحَسَنُ الثَّنَاءِ، وَأَمَّا مَا هُوَ خَيْرٌ مِنَ الْحَيَاةِ فَرِضْوَانُ اللهِ تَعَالَى وَالْجَنَّةُ.

وَشَرُّ الْأُمُورِ ثَلَاثَةٌ: الْمَوْتُ، وَضِعْفُ الْمَوْتِ، وَمَا هُوَ شَرٌّ مِنَ الْمَوْتِ؛ أَمَّا الْمَوْتُ فَالْفَاقَةُ وَالْفَقْرُ، وَأَمَّا ضِعْفُ الْمَوْتِ فَالْمَدَمَّةُ وَسُوءُ الثَّنَاءِ، وَأَمَّا مَا هُوَ شَرٌّ مِنَ الْمَوْتِ فَسَخَطُ اللهِ نَعُودُ بِاللَّهِ مِنْهُ!

ص: 98

1- . النَّيْفُ: الزِّيَادَةُ. يَخْفَفُ وَيَشَدُّدُ، وَأَصْلُهُ مِنَ الْوَاوِ. وَكُلُّ مَا زَادَ عَلَى الْعَقْدِ فَهُوَ نَيْفٌ حَتَّى يَبْلُغَ الْعَقْدَ الثَّانِي (الصَّحَاحُ: 1436/4).

2- . مَضَى حَدِيثٌ فِي هَذَا الْمَعْنَى وَلَيْسَ فِيهِ هَذَا الذَّلِيلُ: «فَسَبَبُ الْخِ» وَشَرْحَانَاهُ.

3- . مَجْمُوعُهُ وَرَّامٌ، ج 2، ص 20.

3211. مؤلف گوید: خداوند سه مطلب عجیب را در سه سوره پی در پی قرآن یعنی سوره های بنی اسرائیل و کهف و مریم بیان فرموده است: در سوره بنی اسرائیل سفر جسمانی پیامبر صلی الله علیه و آله به معراج از مکه به مسجد الاقصی را بیان فرموده است. در سوره کهف رویداد اصحاب کهف و خواب سیصد و چند ساله آنان را ذکر کرده است. و در سوره مریم تولد فرزند بدون پدر را بیان کرده است.

3212. شیخ نجم الدین گوید: فقر سه نوع است: فقر به خدا نه دیگران؛ پیامبر صلی الله علیه و آله به این فقر اشاره فرمود: فقر افتخار من است. فقر به خدا و غیر خدا؛ که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فقر نزدیک است که سبب کفر شود؛ فقر به غیر خدا که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: فقر روسیاهی دنیا و آخرت است.

3213. حکیمی گفته است: در سه چیز فکر نکن: در فقر نیندیش که غصه ات را زیاد می کند. به زندگانی طولانی در دنیا فکر نکن که عمر را با دوست داشتن جمع آوری مال تباه می کند. در ظلم کردن به کسی که به تو ستم کرده است فکر نکن که قلب ترا سخت و بر خشم تو می افزاید.

3214. ارسطاطالیس گوید: به سه نفر اگر ظلم نکنی بر تو ظلم می کنند: فرزند، غلام، همسر برای اصلاح حال آنان باید بر آنان غلبه کرد.

3215. دیگری گفته است: روزگار سه روز است: روزی که گذشت و بر نمی گردد. روزی که در آن هستی و دائمی نیست. روز آینده که معلوم نیست تو در آن باشی.

3216. ابوذر فرمود: دنیا سه ساعت است: ساعتی که گذشت و ساعتی که در آن هستی. و ساعت بعد که نمی دانی به آن خواهی رسید یا نه. و در حقیقت فقط یک ساعت را در اختیار داری.

چون مرگ ساعت به ساعت فرا می رسد.

3217. از سخنان حکمیان: بهترین ها سه چیز است: زندگی، دو برابر زندگی، و چیزی که بهتر از زنده بودن است.

زندگی عبارت است از آسایش و رفاه [در دنیا]. دو برابر زندگی، نام نیک است. [در زندگی و پس از آن]. بهتر از زنده بودن، رضایت خدا و بهشت است.

بدترین ها سه چیز است: مرگ که عبارت از فقر و تنگدستی است. دو برابر مرگ یعنی بدنامی. بدتر از مرگ، غضب و خشم خداوند است. پناه بر خدا.

3218. وقال لقمان لابنه: يا بُنَيَّ، إِذَا امْتَلَأَتِ الْمَعِدَةُ نَامَتِ الْفِكْرَةُ، وَخَرَسَتِ الْحِكْمَةُ، وَقَعَدَتِ الْأَعْضَاءُ عَنِ الْعِبَادَةِ. (1)

3219. وقال المُحَقِّقُ فِي الْأَخْلَاقِ النَّاصِرِيَّةِ: قَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: عِبَادَةُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى ثَلَاثَةِ أَنْوَاعٍ:

الأوَّلُ: مَا يَجِبُ عَلَى الْأَبْدَانِ؛ كَالصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ وَالسَّعْيِ فِي الْمَوَاقِفِ الشَّرِيفَةِ لِمُنَاجَاتِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ.

الثَّانِي: مَا يَجِبُ عَلَى النَّفْسِ؛ كَالِاعْتِقَادَاتِ الصَّحِيحَةِ مِنَ الْعِلْمِ بِتَوْحِيدِ اللَّهِ وَمَا يَسْتَحِقُّهُ مِنَ الشُّنَاءِ وَالتَّمَجِيدِ، وَالفِكْرِ فِيمَا أَفَاضَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَلَى الْعَالَمِ مِنْ وُجُودِهِ وَحِكْمَتِهِ، ثُمَّ الْإِتْسَاعُ فِي هَذِهِ الْمَعَارِفِ.

الثَّالِثُ: مَا يَجِبُ عِنْدَ مُشَارَكَاتِ النَّاسِ فِي الْمَدُنِ؛ وَهِيَ الْمُعَامَلَاتُ، وَالْمُزَارَعَاتُ، وَالْمَنَاكِحُ وَتَأْدِيَةُ الْأَمَانَاتِ، وَنُصْحُ الْبَعْضِ لِلْبَعْضِ بِضُرُوبِ الْمُعَاوَنَاتِ، وَجِهَادِ الْأَعْدَاءِ، وَالدَّبِّ عَنِ الْحَرِيمِ، وَحِمَايَةِ الْحَوَازِ (2).

3220. اعْلَمْ أَنَّ الصَّبْرَ فِي اللُّغَةِ حَبْسُ النَّفْسِ عَنِ الْفَزَعِ مِنَ الْمَكْرُوهِ، وَهُوَ ثَلَاثَةٌ أَنْوَاعٍ: الْأَوَّلُ: صَبْرُ الْعَوَامِّ؛ وَهُوَ حَبْسُ النَّفْسِ فِي النَّائِبَاتِ لِتَكُونَ حَالُهُ عِنْدَ النَّاسِ مَرْضِيَّةً، الثَّانِي: صَبْرُ الرَّهَادِ وَالْعِبَادِ لِتَوْقُوعِ ثَوَابِ الْآخِرَةِ، وَالثَّالِثُ: صَبْرُ الْعَارِفِينَ؛ وَإِنْ لَبِغَتْ بِهِمُ التَّيْدَادُ بِالْمَكْرُوهِ لِتَصَوُّرِهِمْ أَنَّ مَعْبُودَهُمْ خَصَّهُمْ بِهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ.

3221. اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ وَصَفَ الصَّابِرِينَ فِي نَبِيِّ وَسَبْعِينَ مَوْضِعًا، وَالْأَخْبَارُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى.

3222. وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثٌ مَنْ رُزِقَهُنَّ فَقَدْ رُزِقَ خَيْرَ الدَّارَيْنِ: الرِّضَى بِالْقَضَاءِ، وَالصَّبْرَ عَلَى الْبَلَاءِ، وَالدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ. (3)

3223. وَعَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَصَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ، وَصَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ؛ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمُصِيبَةِ حَتَّى يَرُدَّهَا بِحُسْنِ عَزَائِهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِسَبْتِهِ دَرَجَةً؛ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ.

ص: 100

- 1- . مجموعه ورام، ج 1، ص 102.
- 2- . حوزة الإسلام: أي حدوده ونواحيه، وفلان مانع لحوزته: أي لما في حيزه. والحوزه: فعله سميت بها الناحية.
- 3- . بحار الأنوار، ج 79، ص 138.

3218. لقمان به پسرش گفت: فرزندانم، وقتی معده پر شود، فکر به خواب رود. و حکمت از کار می افتد. و اعضای بدن از عبادت فروماند.

3219. محقق در اخلاق ناصری گوید: حکیمی گفت: عبادت خدا سه نوع است:

اول: عبادت بدن یعنی: نماز، روزه و رفتن به عبادتگاه برای مناجات با خدا.

دوم: عبادت روح: مثل اعتقاد صحیح به توحید و صفات خدا و فکر درباره وجود و حکمت خدا و توسعه در معارف.

سوم: عبادات اجتماعی یعنی معاملات و مزارعه و ازدواج و امانت داری، خیر خواهی، کمک به مسلمانان، جهاد با دشمنان، دفاع از ناموس، و حمایت از حوزه دین.

3220. بدان صبر در لغت به معنای خودداری از بی تابی و مقاومت در ناملایمات است که بر سه قسم است: صبر مردم عادی یعنی خودداری در ناملایمات به منظور حفظ آبرو نزد مردم. صبر زاهدان و عابدان به منظور ثواب در آخرت. صبر عارفان که گاه از سختی لذت می برند.

چون تصور می کنند خداوند آنان را از بین مردم برگزیده و مبتلا کرده است.

3221. خداوند صابران را در هفتاد و چند مورد توصیف فرموده است و روایات قابل شمارش نیست.

3222. ابن مسعود گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به هر کس سه چیز داده اند خیر دنیا و آخرت داده اند:

رضایت به قضا و قدر خداوند. صبر در بلا. دعا در حال رفاه.

3223. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: صبر سه نوع است: صبر در مصیبت. صبر در اطاعت از خدا. صبر برای خود داری از گناه.

کسی که در مصیبت صبر کند تا بخوبی سپری شود خداوند برای او ششصد درجه عنایت فرماید. که فاصله هر دو درجه به اندازه فاصله زمین تا آسمانهاست.

کسی که در طاعت خدا صبر کند خداوند به او ششصد درجه بدهد. که فاصله آن از اعماق زمین تا عرش است.

وَمَنْ صَبَرَ عَلَى الطَّاعَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتِّمَتَهُ دَرَجَةٍ؛ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَحْوِمِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ.

وَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَعْصِيَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سَبْعِمِئَةٍ دَرَجَةٍ؛ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَحْوِمِ الْأَرْضِ إِلَى مُنْتَهَى الْعَرْشِ. (1)

3224. وَقَالَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: الْبِرُّ ثَلَاثَةٌ: الْمَنْطِقُ، وَالنَّظَرُ، وَالصَّمْتُ؛ فَمَنْ كَانَ مَنْطِقُهُ فِي غَيْرِ ذِكْرٍ فَقَدْ لَغَا، وَمَنْ كَانَ نَظَرُهُ فِي غَيْرِ اعْتِبَارٍ فَقَدْ سَهَا، وَمَنْ كَانَ صَمْتُهُ فِي غَيْرِ فِكْرٍ فَقَدْ لَهَا.

3225. وَقَالَ خَالِدُ بْنُ صَفْوَانَ: لَيْسَ لِثَلَاثِ حَيْلَةٍ: فَقَرَّ يُخَالِطُهُ كَسَلٌ، وَخُصُومَةٌ يُدَاخِلُهَا حَسَدٌ، وَمَرَضٌ يُمَازِجُهُ هَرَمٌ.

3226. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: صَفَاءُ الْعَيْشِ فِي ثَلَاثَةٍ: سَعَةِ الْمَنْزِلِ، وَكَثْرَةِ الْخَدَمِ، وَمُوَافَقَةِ الْأَهْلِ.

3227. ثَلَاثَةٌ تَحِبُّ مُدَارَاتُهُمْ: السُّلْطَانُ، وَالْمَرِيضُ، وَالْمَرْأَةُ.

3228. وَقَالَ الْحَلِيلُ: إِنَّمَا يَجْمَعُ الْمَرْءُ الْمَالَ لِأَحَدٍ ثَلَاثَةً كُلُّهُمْ أَعْدَاؤُهُ: إِمَّا زَوْجَ امْرَأَتِهِ، أَوْ زَوْجَهُ ابْنَهُ، أَوْ زَوْجَ ابْنَتِهِ.

3229. وَقَالَ: قَالَ الْحَارِثُ الْمَحَاسِبِيُّ: ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ عَزِيزَةٌ أَوْ مَعْدُومَةٌ: حُسْنُ الْوَجْهِ مَعَ الصَّبِيَانَةِ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ مَعَ الدِّيَانَةِ، وَحُسْنُ الْإِحَاءِ مَعَ الْأَمَانَةِ.

3230. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: أَوَّلُ الْفُرُوضِ الْفَلَسَةُ فِيهِ طَاعَةُ اللَّهِ تَعَالَى، ثُمَّ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ، ثُمَّ إِكْرَامُ أَهْلِ الْفَضْلِ؛ فَمَنْ عَمِلَ ذَلِكَ جَعَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى كَرِيمًا جَلِيلًا عَظِيمًا.

3231. وَرُويَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا فَلْيَتَّجِرْ، وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ فَلْيَتَزَهَّدْ، وَمَنْ أَرَادَهُمَا فَلْيَتَعَلَّمْ.

3232. وَرُويَ فِي الْحَدِيثِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَبَأَ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ تَحْتَ ثَلَاثَةٍ؛ خَبَأَ رَحْمَتَهُ تَحْتَ طَاعَةٍ مِنْ طَاعَاتِهِ؛ فَلَا يَسْتَقِيلُ الْإِنْسَانُ شَيْئًا مِنْ طَاعَتِهِ كَيْمَا تَكُونُ هِيَ الَّتِي تَحْتَهَا رَحْمَةُ اللَّهِ.

وَخَبَأَ عِقَابَهُ تَحْتَ مَعْصِيَةٍ مِنْ مَعْاصِيهِ؛ فَلَا يَسْتَقِيلُ الْإِنْسَانُ شَيْئًا مِنْ مَعْاصِيِ اللَّهِ كَيْمَا يَكُونُ عِقَابُهُ تَحْتَ تِلْكَ الْمَعْصِيَةِ.

ص: 102

کسی که بر گناه صبر کند خداوند به او ششصد درجه بدهد. که فاصله هر درجه تا درجه بعدی از اعماق زمین تا انتهای عرش است.

3224. حضرت عیسی علیه السلام فرمود: نیکی سه نوع است: گفتار، کسی که گفتارش غیر از یاد خدا باشد بیهوده است.

نگاه، کسی که نگاهش عبرت آموزی نباشد غافل است.

سکوت، کسی که سکوتش در غیر تفکر باشد هرزه است.

3225. خالد بن صفوان گفت: سه چیز چاره ندارد: فقر آمیخته به تنبلی. دشمنی آمیخته به حسد. و بیماری همراه پیری.

3226. بعضی گفته اند: صفای زندگی در سه چیز است: خانه وسیع، و خادم بسیار، و تفاهم خانوادگی.

3227. گویند: با سه نفر باید مدارا کرد: سلطان، بیمار، زن.

3228. خلیل گوید: مال را برای سه نفر جمع می کنند که هر سه دشمن هستند: شوهر زن [یعنی پس انداز را زن ارث برده و به خانه شوهر می برد]، همسر پسر و همسر دختر.

3229. حارث محاسبی گفت: سه چیز کمیاب یا نایاب هستند: زیبایی همراه با عفت، خوشرفتاری همراه با دیانت و وظیفه شناسی و برادری همراه با امانت.

3230. حکیمی گوید: نخستین واجب از نظر فلسفه، اطاعت خداست. سپس نیکی به پدر و مادر، و سرانجام احترام به مردم با فضیلت. کسی که این سه واجب را ادا کند، خداوند او را کریم و جلیل و بزرگوار کند.

3231. از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: هر که دنیا خواهد تجارت کند. هر که آخرت خواهد زهد داشته باشد. و هر که دنیا و آخرت خواهد علم بیاموزد.

3232. در حدیث آمده است: خداوند سه چیز را در سه چیز پنهان فرموده است: رحمت خود را در طاعتی از طاعات پنهان کرده است. پس انسان نباید هیچ طاعتی را کوچک شمارد چون ممکن است همان موجب رضایت خدا شود.

عذاب را در گناهی از گناهان پنهان کرده است. پس نباید هیچ گناهی را کوچک شمارد چرا که شاید عذاب الهی در همان باشد.

وَحَبَابُ عَبْدِهِ الصَّالِحِ بَيْنَ عِبَادِهِ؛ فَلَا يَسْتَحْقِرَنَّ بِأَحَدٍ مِّنْ خَلْقِ اللَّهِ كَيْمَا يَكُونُ ذَلِكَ وَلِيُّ اللَّهِ، فَتَكُونُ قَدْ ذَلَّيْتُ (1) وَلِيُّ اللَّهِ وَاسْتَحْقَرْتَ بِهِ (2).

3233. وَقِيلَ لِمُحَمَّدِ بْنِ إِدْرِيسَ الشَّافِعِيِّ: مَا تَقُولُ فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ فَقَالَ: مَا أَقُولُ فِي شَخْصٍ اجْتَمَعَتْ لَهُ ثَلَاثَةٌ مَعَ ثَلَاثَةٍ لَا يَجْتَمِعْنَ قَطُّ لِأَحَدٍ مِّنْ بَنِي آدَمَ: الْجُودُ مَعَ الْفَقْرِ، وَالشَّجَاعَةُ مَعَ الرَّأْيِ، وَالْعَمَلُ مَعَ الْعِلْمِ!

ص: 104

---

1- . كذا في الأصل، ولكن الصحيح ظاهراً: أذلت.

2- . بحار الأنوار، ج 75، ص 187، ح 27.



خداوند بنده صالح خود را در میان بندگان مخفی کرده است. پس هیچکس را تحقیر نکنید. شاید او ولی خدا باشد. و شما ولی خدا را تحقیر و ملامت کرده باشید.

3233. به شافعی [رئیس یکی از چهار مذهب اهل تسنن] گفتند: درباره علی علیه السلام چه می گویی؟ جواب داد: چه بگویم در حق کسی که سه خصلت در وجودش با سه صفت جمع شده بود که در هیچ انسانی جمع نمی شود: سخاوت و فقر، شجاعت و عقل، علم و عمل.

ص: 105



البابُ الرابع: في المَواعِظِ الرُّباعِيَّاتِ

**باب چهارم: پندهای چهار گانه**

**اشاره**

ص: 107

3234. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ أَتَى الشَّفِيعُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ أَتَوْنِي بِذُنُوبِ أَهْلِ الْأَرْضِ: مُعِينٌ أَهْلَ بَيْتِي، وَالْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ عِنْدَمَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ، وَالْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ، وَالِدَافِعُ عَنْهُمْ بِيَدِهِ. رَوَاهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (1)

3235. وَرُوِيَ أَيْضًا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ: يَا عَلِيُّ، مَنْ أَطَاعَ امْرَأَتَهُ أَكَبَّهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ.

فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَمَا تِلْكَ الطَّاعَةُ؟ قَالَ: يَا ذُنُّ لَهَا فِي الذَّهَابِ إِلَى الْحَمَامَاتِ، وَالْعُرْسَاتِ، وَالنَّبِيَّاحَاتِ، وَبُسِّ الثِّيَابِ الدَّقَاقِ (2) (الرِّقَاقِ خ ل). (3)

3236. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ، أَرْبَعَةٌ لَا تَرُدُّ لَهُمْ دَعْوَةَ إِمَامٍ عَادِلٍ، وَوَالِدٌ لَوْ آدَاهُ، وَالرَّجُلُ يَدْعُو لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ، وَالْمَظْلُومُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي! لَا تَنْصِرَنَّ لَكَ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ (4). (5)

ص: 108

1- . الخصال، ص 196، ح 1.

2- . ورد النهي عن ذهاب النساء إلى الحمام والإذن لهنّ في ذلك، قال صلى الله عليه وآله: «أنهى نساء امتي عن دخول الحمام»، وقال: «من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يبعث بحليلته إلى الحمام». أخرج هذه الأحاديث في الوسائل والمستدرک في کتاب النکاح، وكذا سائر كتب الحديث وسفينه البحار في حمم، والخصال. ولعلّ الحمامات والعرسات والنائبحات لم تكن وقتذاك مأمونة عن دخول الرجال الأجانب، كما شاهدت ذلك في بعض الحمامات من جلوس الرجال والنساء في مكان واحد ينتظرون النوبه، أو كانت فيها وقتئذٍ نساء اليهود أو النصراني، فنهى عن الدخول فيها للزوم التكتشف بين يدي اليهوديه والنصرانيه، وذلك حرام أو مكروه، أو لأنّ الحمام يدخلن النساء فيها بغير منزر. والعرسات كانت فيها آلات اللهو. والنائبحات كانت يناح فيها بالباطل.

3- . الخصال، ص 196، ح 2.

4- . أى بعد مدّه. والتكثير هنا للتكثير؛ أى ولو بعد مدّه طويله.

5- . الخصال، ص 197، ح 4.

## فصل اول: روایاتی که شیعه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند

3234. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در قیامت چهار کس را شفاعت می کنم گرچه با گناه همه اهل زمین نزد من بیایند: کسی که اهل بیت مرا یاری کند. کسی که هنگام نیاز حاجت اهل بیت مرا برآورد. کسی که با قلب و زبان به آنان محبت ورزد. کسی که در عمل از آنها دفاع کند. این حدیث را حضرت علی علیه السلام نقل کرده است.

3235. پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیت خود فرمودند: یا علی؛ کسی که از زن اطاعت کند خدا او را به صورت در آتش افکند. حضرت علی علیه السلام پرسیدند: این چه اطاعتی است؟ حضرت فرمودند:

موافقت کردن با رفتن زن به حمام [یا استخرهایی که فساد بدنبال دارد] و عروسی و عزا و پوشیدن لباس نازک(1).

3236. پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیت فرمودند: یا علی؛ خدا دعای چهار کس را رد نمی کند: دعای پیشوای عادل، دعای پدر برای فرزند، دعای انسان برای برادرش در غیاب او. و دعای مظلوم که خداوند می فرماید به عزت و جلالم انتقام تو را خواهم گرفت گرچه مدتی بگذرد.

ص: 109

---

1- . از رفتن زنان به حمام (و استخر) و اجازه دادن شوهر برای رفتن به این مکانها نهی شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: من زنان امت خود را از رفتن به حمام عمومی نهی می کنم. و فرمودند: کسی که به خدا و قیامت ایمان دارد همسرش را به حمام نمی فرستد. از رفتن زنان مسلمان به مکانهایی مانند حمام و عروسی و عزا که احتمال ورود مرد هست (یا احتمال عسکبرداری و فیلم برداری مخفیانه وجود دارد) و یا زن و مرد در انتظار نوبت هستند، یا زنان یهودی و مسیحی تردد می کنند، نهی شده است و به همین جهت حرام یا مکروه است. یا به دلیل عریان شدن زنان بدون لنگ در حمام، و لهنو در عروسی، و اشعار باطل در مجالس عزا، نهی شده است.

3237. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: دَعَائِمُ الْإِيمَانِ أَرْبَعَةٌ: الْأُولَى: أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ. الثَّانِيَةُ: أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ (1). الثَّالِثَةُ: أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ. الرَّابِعَةُ: أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ. (2)

3238. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى يُؤْمِنَ بِأَرْبَعَةٍ: حَتَّى يَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ بَعَثَنِي بِالْحَقِّ، وَحَتَّى يُؤْمِنَ بِالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَحَتَّى يُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ (3). (4)

3239. وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ أَبُو بَكْرٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَسْرَعَ إِلَيْكَ الشَّيْبُ! قَالَ: شَيَّبْتَنِي هُوْدٌ، وَالْوَاقِعَةُ، وَالْمُرْسَلَاتُ، وَعَمَّ بِتِسَاءَلُونَ (5). (6)

3240. وَعَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَضِّلْتُ بِأَرْبَعٍ: جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهْرًا؛ وَأَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي أَرَادَ الصَّلَاةَ فَلَمْ يَجِدْ مَاءً وَوَجَدَ الْأَرْضَ فَقَدْ جُعِلَتْ لَهُ مَسْجِدًا وَطَهْرًا، وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ يَسِيرُ بَيْنَ يَدَيَّ، وَأُحِلَّتْ لِأُمَّتِي الْغَنَائِمُ، وَأُرْسِلَتْ إِلَيَّ النَّاسُ كَافَّةً. (7)

3241. وَعَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: عَاقٍ، وَمَنَانٍ، وَمُكَذِّبٍ بِالْقَدْرِ (8)، وَمُدْمِنٍ خَمْرٍ. (9)

3242. وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: خَطَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَرْبَعَ خُطَطٍ فِي الْأَرْضِ، وَقَالَ: أَتَدْرُونَ مَا هَذَا؟ فَقُلْنَا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَأَسَدِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ. (10)

3243. وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ: يَا عَلِيُّ، أَرْبَعَةٌ مِنْ قَوَاصِمِ الظَّهِيرِ (11): إِمَامٌ يَعَصِي اللَّهَ وَيُطَاعُ أَمْرُهُ، وَزَوْجَةٌ يَحْفَظُهَا زَوْجُهَا وَهِيَ تَخُونُهُ، وَقَفْرٌ لَا يَجِدُ صَاحِبَهُ لَهُ مُدَاوِيًا، وَجَارٌ سَوْءٌ فِي دَارٍ مُقَامٍ. (12)

ص: 110

- 1- . أَى أَحْسَنَ إِلَيْكَ مِنْ بَدْوِ انْعِقَادِ نَطْفَتِكَ، فَتَعْرِفَ بِذَلِكَ عَطْفَهُ وَرَحْمَتَهُ وَإِحْسَانَهُ؛ فَيَلْزَمُكَ شُكْرَهُ.
- 2- . الخصال، ص 239، ح 87.
- 3- . أَى بِتَقْدِيرِ اللَّهِ.
- 4- . الخصال، ص 198، ح 8.
- 5- . قيل: لما فيهما - أَى هود والواقعة - من أهوال يوم القيامة، والمثلاث بالنوازل بالأمام الماضيه. والحديث مروى في نور الثقلين في أول سورة هود عن الخصال. والعلله المذكوره مشتركه بين السور الأربعة.
- 6- . الخصال، ص 199، ح 10.
- 7- . الخصال، ص 201، ح 14.
- 8- . هم المفوضه الذين يقولون إن الله فوض أعمال العباد إليهم ليس له فيها المشيئه، ويقال لهم القدرية.
- 9- . الخصال، ص 203، ح 18.
- 10- . الخصال، ص 205، ح 22.
- 11- . القَصْمُ: كَسْرُ الشَّيْءِ وَإِبَانَتُهُ (النهايه: 74/4). وقد يستعار للبلايا المهلكه.



3237. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اساس ایمان چهار چیز است: خدای خود را بشناسی. بدانی با تو چه کرده است [چه نیروهایی در توبه و دیعت نهاده و خلقت تو را کامل ترین قرار داده است] بدانی از تو چه می خواهد. بدانی چه چیزی تو را از دین خارج می کند.

3238. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: انسان تا به چهار چیز ایمان نیاورد مؤمن نیست: شهادت به یگانگی خداوند و شهادت به اینکه من رسول خدا هستم و مرا به حق مبعث کرد. و ایمان به عالم بعد از مرگ. و ایمان به قضا و قدر.

3239. ابوبکر گفت: یا رسول الله زود پیر شدید. حضرت فرمودند: سوره های هود و واقعه و المرسلات و عمّ یتسائلون مرا پیر کرد.

3240. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند چهار امتیاز به من داده است: زمین را برایم سجده گاه و پاک کننده قرار داده و هر کس از امت من بخواهد نماز بپا دارد و آب پیدا نکند روی زمین تیمم کند و سجده کند. خداوند مرا با ترس در قلب دشمنانم یاری کرده است به هر طرف حرکت کنم به اندازه مسیر یک ماه جلوتر ترس در دلها می افتد. غنائم جنگی برای امت من حلال است. مرا پیامبر برای همه مردم قرار داده است.

3241. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند در قیامت به چهار گروه نظر نمی کند: عاق پدر و مادر. کسی که به دیگران مّت نهد. کسی که قضا و قدر را تکذیب کند. شراب خوار.

3242. ابن عباس گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله روی زمین چهار خط کشید و فرمود: آیا می دانید اینها چیست؟ گفتیم: خدا و رسولش می دانند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین زنان اهل بهشت خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون هستند.

3243. پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیت فرمودند: یا علی، چهار چیز پشت انسان را می شکنند: پیشوای گناهکار که مردم از او اطاعت کنند. و زنی که شوهرش از او مراقبت کند ولی او به شوهر خیانت کند. فقری که راه حل نداشته باشد. همسایه بد در محل سکونت.



3244. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَشْرَفَ عَلَى الدُّنْيَا فَاخْتَارَنِي مِنْهَا عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَكَ عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ بَعْدِي، ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّلَاثَةَ فَاخْتَارَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ بَعْدَكَ، ثُمَّ أَطَّلَعَ الرَّابِعَةَ فَاخْتَارَ فَاطِمَةَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. (1)

3245. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ، إِنِّي رَأَيْتُ اسْمَكَ مَقْرُونًا إِلَى اسْمِي فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ، فَأَنْسِتُ بِالنَّظَرِ إِلَيْهِ: إِنِّي لَمَّا بَلَغْتُ بَيْتَ الْمَقْدِسِ فِي مِعْرَاجِي إِلَى السَّمَاءِ وَجَدْتُ عَلَى صَخْرِهِ مَكْتُوبًا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ، وَنَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ، فَقُلْتُ لِجَبْرِئِيلَ: مَنْ وَزِيرِي؟ فَقَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى سِدْرِهِ الْمُنتَهَى وَجَدْتُ مَكْتُوبًا عَلَيْهَا: إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي، مُحَمَّدٌ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ، وَنَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ، فَقُلْتُ لِجَبْرِئِيلَ: مَنْ وَزِيرِي؟ فَقَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

فَلَمَّا جَاوَزْتُ السُّدْرَةَ انْتَهَيْتُ إِلَى عَرْشِ رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ جَلَالُهُ، فَوَجَدْتُ مَكْتُوبًا عَلَى قَوَائِمِهِ:

أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي، مُحَمَّدٌ حَبِيبِي، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ، وَنَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ.

فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي نَظَرْتُ إِلَى بُطْنَانِ الْعَرْشِ (2) مَكْتُوبًا: أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا، مُحَمَّدٌ عَبْدِي وَرَسُولِي، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ، وَنَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ. (3)

3246. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ فِي نَوْرِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ: مَنْ كَانَتْ عِصْمَةُ أَمْرِهِ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَمَنْ إِذَا أَصَابَ خَيْرًا قَالَ:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَمَنْ إِذَا أَصَابَتْهُ خَطِيئَةٌ قَالَ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ. (4)

3247. وَرَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: أَلَا خَيْرٌ كُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ؟ قَالُوا: بَلَى، قَالَ: الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ، وَالصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ،

ص: 112

1- . الخصال، ص 207، ح 25.

2- . من بطنان العرش: أى من وسطه. وقيل: من أصله. وقيل: البطان جمع بطن؛ وهو الغامض من الأرض، يريد من دواخل العرش (النهاية: 137/1).

3- . الخصال، ص 207، ح 26.

4- . الخصال، ص 222، ح 49.

3244. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ خدا نظری به دنیا انداخت و مرا بر همه مردم جهان برگزید.

بار دیگر نظر فرمود و تو را پس از من بر مردم عالم برگزید. و بار سوم نظر فرمود و امامان از نسل تو را بعد از تو بر مردم دنیا برگزید. بار چهارم نظر فرمود و فاطمه را بر زنان جهان برگزید.

3245. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ در چهار جا اسم تو را در کنار اسم خودم دیدم و با دیدن آن انس گرفتم: زمانی که برای معراج حرکت می کردم به بیت المقدس رسیدم و دیدم بر صخره نوشته شده است: لا اله الا الله، محمد رسول الله، او را به کمک وزیرش یاری و پیروزی دادیم. از جبرئیل علیه السلام پرسیدم وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابیطالب علیه السلام.

زمانی که به سدره المنتهی رسیدم و دیدم بر آن نوشته شده است: همانا من خداوند یگانه هستم و جز من خدایی نیست، محمد برگزیده من از مخلوقات من است. او را به وزیرش یاری و نصرت دادم. به جبرئیل گفتم: وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابیطالب علیه السلام.

وقتی از سدره گذشتم و به عرش پروردگار عالم جلّ جلاله رسیدم دیدم بر ستونهای عرش نوشته است: من خدای یگانه هستم جز من خدایی نیست. محمد حبیب من است، او را به کمک وزیرش یاری و نصرت دادم.

زمانی که سرم را بلند کردم و وسط عرش را دیدم نوشته بود: من خداوند یگانه هستم. جز من خدایی نیست، محمد بنده و رسول من است، او را به وزیرش تأیید کردم و نصرت بخشیدم.

3246. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار صفت در هر کس باشد او در نور خدای بزرگ بسر می برد: کسی که با شهادت لا اله الا الله و رسالت من از گناه دوری کند. کسی که هنگام مصیبت بگوید: انا لله و انا الیه راجعون [ما از خدا هستیم و بسوی او باز می گردیم]. کسی که هنگام رسیدن به نعمت بگوید: الحمد لله رب العالمین. کسی که اگر گناهی از او سر زد توبه کند و بگوید:

استغفر الله ربی و اتوب الیه.

3247. پیامبر صلی الله علیه و آله به یارانش فرمودند: آیا می خواهید کاری به شما بیاموزم که اگر انجام دهید شیطان به اندازه فاصله میان مشرق از مغرب از شما دور شود؟ گفتند: آری.

پیامبر فرمودند: روزه روی شیطان را سیاه می کند. و صدقه کمر او را می شکنند.

وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْمُؤَاوَزَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعُ دَابِرَهُ، وَالِاسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَتِينَهُ (1). وَلِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَزَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصِّيَامُ. (2)

3248. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ سَلِمَ مِنْ رِجَالِ أُمَّتِي مِنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ فَلَهُ الْجَنَّةُ: مِنَ الدُّخُولِ فِي الدُّنْيَا، وَاتِّبَاعِ الْهَوَى، وَشَهْوَةِ الْبَطْنِ، وَشَهْوَةِ الْفَرْجِ.

وَمَنْ سَلِمَ مِنْ نِسَاءِ أُمَّتِي مِنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ فَلَهَا الْجَنَّةُ: إِذَا حَفِظَتْ مَا بَيْنَ رِجْلَيْهَا، وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا، وَصَلَّتْ خَمْسَهَا، وَصَامَتْ شَهْرَهَا. (3)

3249. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - اخْتَارَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَرْبَعَةً:

اخْتَارَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ جِبْرَائِيلَ، وَمِيكَائِيلَ، وَإِسْرَافِيلَ، وَمَلَكَ الْمَوْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ.

وَاخْتَارَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ أَرْبَعَةً لِلسَّيْفِ: إِبْرَاهِيمَ، وَدَاوُدَ، وَمُوسَى، وَأَنَا.

وَاخْتَارَ مِنَ الْبُيُوتِ أَرْبَعَةً: فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ».

وَاخْتَارَ مِنَ الْبُلْدَانِ أَرْبَعَةً: فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالَّتَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ \* وَطُورِ سَيْنِينَ \* وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ»، فَالَّتَّيْنِ: الْمَدِينَةُ، وَالزَّيْتُونُ: بَيْتُ الْمَقْدِسِ، وَطُورُ سَيْنِينَ: الْكُوفَةُ، وَهَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينُ: مَكَّةُ.

وَاخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعَةً: مَرْيَمَ، وَأَسِيَةَ، وَخَدِيجَةَ، وَفَاطِمَةَ.

وَاخْتَارَ مِنَ الْحَجِّ أَرْبَعَةً: الْعَجَّةَ، وَالشَّجَّ، وَالْإِحْرَامَ، وَالطَّوَافَ؛ فَأَمَّا الشَّجُّ: فَالنَّحْرُ، وَالْعَجَّةُ: ضَجِيجُ النَّاسِ بِالتَّلْبِيَةِ.

وَاخْتَارَ مِنَ الْأَشْهُرِ أَرْبَعَةً: رَجَبًا، وَسُؤَالَ، وَذَا الْقَعْدَةِ، وَذَا الْحِجَّةِ.

وَاخْتَارَ مِنَ الْأَيَّامِ أَرْبَعَةً: يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَيَوْمَ التَّرْوِيحِ، وَيَوْمَ عَرَفَةَ، وَيَوْمَ النَّحْرِ. (4)

3250. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ يُمْتَنُ الْقَلْبُ: الدَّنْبُ عَلَى الدَّنْبِ، وَكَثْرَةُ مُنَاقَشَةِ النِّسَاءِ؛ يَعْنِي مُحَادَثَتَهُنَّ، وَمُمَارَاةَ الْأَحْمَقِ؛ يَقُولُ وَيَقُولُ وَلَا يَرْجِعُ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا، وَمُجَالَسَةُ الْمَوْتَى. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْمَوْتَى؟ فَقَالَ: كُلُّ غَنِيٍّ مُتْرَفٍ. (5)

ص: 114

1- . الوتين: عرق في القلب إذا انقطع مات صاحبه (النهاية: 150/5).

2- . الكافي، ج 4، ص 62، ح 2.

3- . الخصال، ص 223، ح 54.

4- . الخصال، ص 225، ح 58.

5- . الخصال، ص 228، ح 65.

و دوستی در راه خدا و همکاری در کار خیر ریشه او را قطع می کند. و استغفار رگ قلب او را قطع می کند. و هر چیز زکات دارد زکات بدن روزه است.

3248. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر مردی از امت من از چهار خصلت ایمن باشد بهشت پاداش اوست:

فرورفتن در دنیا، و پیروی از خواهش نفسانی و شکم پرستی، و شهوترانی.

و هر زنی از امت من چهار خصلت داشته باشد بهشت پاداش اوست: حفظ عفت و پاکدامنی، اطاعت شوهر، نمازهای پنج گانه، روزه ماه رمضان.

3249. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند تبارک و تعالی از هر چیز چهار مورد را برگزید: از فرشتگان جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل را برگزید.

از پیامبران چهار نفر را برای غلبه برگزید: ابراهیم و داود و موسی و من.

از خاندان ها چهار مورد برگزید و فرمود: خدا آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر عالمیان برگزید.

از شهرها چهار مورد برگزید و فرمود: والتّین والزیتون و طور سینین و هذا البلد الامین.

تین مدینه است، زیتون بیت المقدس و طور سینین کوفه و هذا البلد الامین مکه است.

از زنان چهار نفر برگزید: مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه.

از حج چهار چیز برگزید: عَجّ و ثَجّ و احرام و طواف. ثج یعنی قربانی کردن شتر. عَجّ یعنی ضحّه و ناله مردم هنگام لبیک گفتن.

از ماهها چهار ماه را برگزید: رجب، شوال، ذی قعدة و ذی حجه.

از روزها هم چهار روز را برگزید: جمعه و هشتم ذی حجه، نهم ذی حجه که روز عرفه است و دهم ذیحجه که عید قربان است.

3250. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز قلب را هلاک می کند: گناه روی گناه و گفتگوی زیاد با زنان و بحث کردن با احمق او بگوید و تو بگویی و هرگز به نتیجه نرسد. و همنشینی با مردگان.

پرسید: یا رسول الله مردگان چه کسانی هستند؟ فرمود: ثروتمندان عیاش.

3251. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ، أَرْبَعَةٌ أَسْرَعُ شَيْءٍ عَقُوبَةً: رَجُلٌ أَحْسَدَتْ إِلَيْهِ فَكَافَأَكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ إِسَاءَةً، وَرَجُلٌ لَا تَبْغَى عَلَيْهِ وَهُوَ يَبْغَى عَلَيْكَ، وَرَجُلٌ عَاهَدْتَهُ عَلَى أَمْرٍ فَوَفَّيْتَهُ لَهُ وَعَدَرْتَهُ بِكَ، وَرَجُلٌ وَصَلَ قَرَابَتَهُ وَقَطَعُوهُ. (1)

3252. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، مَنْ اسْتَوْلَى عَلَيْهِ الصَّبْرُ رَحَلَتْ عَنْهُ الرَّاحَةُ. (2)

3253. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَلْزِمُ الْحَقُّ لِأُمَّتِي فِي أَرْبَعٍ: يُحِبُّونَ التَّائِبَ، وَيَرْحَمُونَ الضَّعِيفَ، وَيُعِينُونَ الْمُحْسِنَ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلْمُذْنِبِ. (3)

3254. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: النَّسَاءُ أَرْبَعٌ: جَامِعٌ مُجْمِعٌ، وَرَبِيعٌ مُرْبِعٌ، وَكَرْبٌ مُقْمِعٌ، وَعُغْلٌ قَمِلٌ. (4)

3255. (قَالَ ابْنُ بَابُوَيْهٍ رَحِمَهُ اللَّهُ): جَامِعٌ مُجْمِعٌ: أَيُ كَثِيرُهُ الْخَلْفِ مُخَصَّيْبُهُ، وَرَبِيعٌ مُرْبِعٌ: الَّتِي فِي حِجْرِهَا وَلا دُ وَفِي بَطْنِهَا آخَرُ، وَكَرْبٌ مُقْمِعٌ: أَيُ سَيِّئَةُ الْخُلُقِ مَعَ زَوْجِهَا، وَعُغْلٌ قَمِلٌ: أَيُ هِيَ عِنْدَ زَوْجِهَا كَالْعُغْلِ الْقَمِيلِ، وَهُوَ عُغْلٌ مِنْ جِلْدٍ يَقَعُ فِيهِ الْقُمَّلُ فَيَأْكُلُهُ وَلَا يَتَهَيَّأُ لَهُ أَنْ يَحُلَّ مِنْهُ شَيْءٌ. وَهُوَ مَثَلٌ لِلْعَرَبِ. (5)

3256. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ: الْعِطْرُ، وَالنِّسَاءُ، وَالسُّوَاكُ، وَالْحِنَاءُ. (6)

3257. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَامَاتُ الشَّقَاءِ: جُمُودُ الْعَيْنِ، وَقَسْوَةُ الْقَلْبِ، وَشِدَّةُ الْحَرَصِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ، وَالْإِصْرَاءُ عَلَى الذَّنْبِ. (7)

3258. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ لَا تُمَاسِكْ فِي أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: فِي شِرَاءِ الْأَضْحِيَّةِ، وَالْكَفَنِ، وَالنِّسَمَةِ (8)، وَالْكِرَاءِ إِلَى مَكَّةَ. (9)

3259. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلْمَرِيضِ أَرْبَعُ خِصَالٍ: يُرْفَعُ عَنْهُ الْقَلَمُ، وَيَأْمُرُ اللَّهُ الْمَلَكَ فَيَكْتُبُ كُلَّ فَضْلٍ كَانَ يَعْمَلُهُ فِي صِحَّتِهِ، وَيَتَّبِعُ مَرَضُهُ كُلَّ عَضْوٍ مِنْ جَسَدِهِ فَيَسْتَخْرِجُ ذُنُوبَهُ مِنْهُ؛ فَإِنْ مَاتَ مَغْفُورًا لَهُ، وَإِنْ عَاشَ عَاشَ مَغْفُورًا لَهُ. (10)

ص: 116

1- . الخصال، ص 230، ح 72.

2- . الخصال، ص 230، ح 72.

3- . الخصال، ص 239، ح 88.

4- . الخصال، ص 241، ح 92.

5- . الخصال، ص 241، ح 92.

6- . الخصال، ص 242، ح 93.

7- . الخصال، ص 243، ح 96.

8- . النِّسَمَةُ: الْإِنْسَانُ، وَتُطْلَقُ عَلَى الْمَمْلُوكِ، ذَكَرَ كَانَ أَوْ انْتَى (مجمع البحرين: 306/4).

9- . الخصال، ص 245، ح 103.



3251. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ کیفر چهار کس به سرعت می رسد: کسی که به او نیکی کردی در مقابل بدی کرد. کسی که به او ظلم نکنی و او به تو ظلم کند. کسی که با او عهد و پیمان بسته ای و تو وفا کنی او وفا نکند. کسی که با خویشان صله رحم کند ولی آنان با او قطع رابطه کنند.

3252. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ کسی که کم تحمّلی بر او غلبه کند آرامش از کف بدهد.

3253. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: امت من چهار حق را رعایت کنند: توبه کننده را دوست دارند. و بر ضعیف ترحم کنند. و به نیکوکار یاری دهند. و برای گناهکار استغفار کنند.

3254. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: زنان چهار گروهند: زن پر خیر و خوش روزی. زن شیر ده که بلافاصله باردار شود. بد اخلاق و بد رفتار با شوهر. آزار دهنده و مزاحم.

3255. ابن بابویه در شرح حدیث قبلی گوید: جامع مجمع یعنی زنی که روزی فراوان دارد. ربیع مربع یعنی زنی که یک بچه در دامن دارد و یک بچه در رحم. کرب مقمع یعنی بد اخلاق با شوهر. و غلّ و قمل یعنی زن نسبت به شوهرش مثل شپش است که به پوست انگل می شود و اذیت می کند.

3256. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز از سنّت های پیامبران است: عطر، ازدواج، مسواک و حناء.

3257. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بدبختی چهار علامت دارد: خشکی چشم [گریه نکند]، سنگدلی، حرص و طمع زیاد برای بدست آوردن روزی. اصرار بر گناه.

3258. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ در چهار چیز چانه نزن: خرید قربانی، خرید کفن، غلام و کرایه سفر مکه.

3259. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بیمار چهار ویژگی دارد: تکلیفش آسان است. خداوند به فرشتگان دستور می دهد عبادتی که در سلامتی انجام می داده برایش بنویسند. بیماری در هر عضو باشد گناه آن عضو بخشیده می شود. پس اگر بمیرد، آمرزیده شود. و اگر زنده بماند گناهِش بخشیده شده است.

3260. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ كَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ، وَعَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (1)

3261. وَعَنْ بُرَيْدَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعَةٍ مِنْ أَصْحَابِي وَأَخْبَرَنِي أَنَّهُ يُحِبُّهُمْ، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَنْ هُمْ؟ فَكُنَّا نُحِبُّ أَنْ نَكُونَ مِنْهُمْ، فَقَالَ: أَلَا إِنَّ عَلِيًّا مِنْهُمْ، ثُمَّ سَكَتَ، ثُمَّ قَالَ: أَلَا إِنَّ عَلِيًّا مِنْهُمْ، وَأَبُو ذَرٍّ، وَسَلْمَانَ الْفَارِسِيُّ، وَالْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيُّ. (2)

3262. وَعَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَسَدَ مَنْ يَحْسِدُنِي، فَقَالَ:

يَا عَلِيُّ، أَمَا تَرْضَى أَنْ أَوَّلَ أَرْبَعَةٍ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ أَنَا وَأَنْتَ، وَذَرَارِينَا (3) خَلَفَ ظَهْرِنَا، وَشِيعَتُنَا عَنْ أَيْمَانِنَا وَعَنْ شِمَائِلِنَا؟ (4)

3263. وَرَوَتْ الْعَامَّةُ هَذَا الْحَدِيثَ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَسَدَ النَّاسِ لِي، فَقَالَ: أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ رَابِعَ أَرْبَعَةٍ أَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ؟ أَنَا وَأَنْتَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، وَأَزْوَاجُنَا عَنْ أَيْمَانِنَا وَشِمَائِلِنَا، وَذُرِّيَّتُنَا خَلَفَ أَزْوَاجِنَا؟ (5)

3264. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ يَخْرُجُونَ مِنَ الْقُبُورِ وَيَدْخُلُونَ فِي النَّارِ بِغَيْرِ حِسَابٍ: التَّائِمُونَ فِي الْغَدَاةِ، وَالْغَافِلُونَ فِي الْعَشِيَّاتِ (6)، وَالْمَانِعُونَ الزَّكَاةَ، وَالْمُصْرَبُونَ فِي السَّيِّئَاتِ. (7)

3265. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ، وَالْوَجْعُ، وَالْعَدَاوَةُ، وَالنَّازُ. (8)

3266. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قِوَامُ الدِّينِ أَرْبَعَةٌ: عَالِمٌ مُسْتَعْمِلٌ لِعِلْمِهِ، وَجَاهِلٌ لَا يَسْتَنْكِفُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَجَوَادٌ لَا يَمُنُّ بِمَعْرُوفِهِ، وَفَقِيرٌ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ.

وَرَوَتْ الْعَامَّةُ مِثْلَ هَذَا، وَسَيَجِيءُ. (9)

3267. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سُوءُ الْخُلُقِ سُوءٌ، وَطَاعَةُ الْمَرْأَةِ نِدَامَةٌ، وَحُسْنُ الْمَلَكَهَ بَهَاءٌ (10)، وَالصَّدَقَةُ تَمْنَعُ مِيتَةَ السُّوءِ. (11)

ص: 118

1- . الخصال، ص 253، ح 125.

2- . الخصال، ص 254، ح 127.

3- . جمع ذرّيته.

4- . الخصال، ص 254، ح 128.

5- . تفسير القرطبي، ج 16، ص 22.

6- . المراد من يترك صلاتي الفجر والعشاء.

7- . في مصادر أهل السنّة: يبايع الموده، ج 2، ص 243.

8- . يبايع الموده، ج 2، ص 243.

9- . يبايع الموده، ج 2، ص 250.



10- . يقال: فلان حسنُ المَلِكَة: إذا كان حسنُ الصنيعِ إلى ممالِكِه، وسَيِّئ المَلِكَة أى الذى يسىء صحبِه الممالِك (النهايه: 358/4).

11- . تفسير القرطبي، ج 5، ص 191. لم يرد فى مصادر الشيعة سوى صدر الحديث. من لايحضره الفقيه، ج 4، ص 364.

3260. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: روز قیامت کسی قدم از قدم بر نمی دارد تا چهار سؤال از او بپرسند: عمر را در چه راهی مصرف کردی؟ جوانی را چگونه گذراندی؟ مال خود را از چه راهی بدست آوردی و در چه راهی مصرف کردی؟ از محبت ما اهل بیت علیهم السلام؟

3261. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند به من دستور داد چهار نفر از اصحاب خود را دوست داشته باشم و خبر داد که خود آنها را دوست می دارد. پرسیدند: یا رسول الله آنها کیستند؟ همه دوست داشتیم از آنها باشیم. حضرت فرمودند: علی از آنهاست. ساکت شدند دوباره فرمودند:

علی از آنهاست و ابوذر و سلمان فارسی و مقداد بن اسود کندی.

3262. علی علیه السلام فرمود: از حسد کسانی که به من حسادت می کردند به پیامبر شکایت کردم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ تو خرسند نیستی که اولین چهار گروهی که وارد بهشت می شوند من و تو هستیم و فرزندانمان پشت سر ما و شیعیان در طرف راست و چپ ما هستند؟

3263. این روایت را اهل سنت هم چنین نقل کرده اند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند [در جواب شکایت حضرت علی علیه السلام از حسودان]: آیا خشنود نیستی از اینکه تو چهارمین نفر از اولین گروهی که وارد بهشت می شوند هستی. من و تو و حسن و حسین. و همسران ما از راست و چپ و فرزندان نسل ما در پی همسران ما.

3264. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار کس از قبر خارج می شوند و بدون حساب به دوزخ می روند: آنان که صبح بخوابند [نماز صبح را از دست بدهند]. آنانکه شب در غفلت باشند [نماز عشاء را از دست بدهند]. کسانی که زکات ندهند. کسانی که بر گناه کردن اصرار ورزند.

3265. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز اندکش بسیار است: فقر، درد، دشمنی، آتش.

3266. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پایداری دین بر چهار چیز استوار است: عالمی که به عمل خود عمل کند. و جاهلی که از یاد گرفتن خودداری نکند. و سخاوتمندی که منت نگذارد. و فقیری که آخرت خود را به دنیا نفروشد.

3267. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بد رفتاری شوم است. اطاعت از زن پشیمانی دارد. خوب سرپرستی کردن شخصیت می آورد. صدقه از مرگ بد جلوگیری می کند.

3268. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الرَّجَالُ أَرْبَعَةٌ: سَخِيٌّ، وَكَرِيمٌ، وَبَخِيلٌ، وَلَيْئِمٌ؛ فَالسَّخِيُّ الَّذِي يَأْكُلُ وَيُعْطَى، وَالكَرِيمُ الَّذِي لَا يَأْكُلُ وَيُعْطَى، وَالْبَخِيلُ الَّذِي يَأْكُلُ وَلَا يُعْطَى، وَاللَّيِّمُ الَّذِي لَا يَأْكُلُ وَلَا يُعْطَى.

3269. وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ أَوْ كَانَتْ فِيهِ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصَلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّى يَدْعَهَا: مَنْ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ، وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ (1). (2)

ص: 120

---

1- . فَجَرَ الْحَالِفُ: كَذَبَ وَمَالَ عَنِ الصِّدْقِ. وَيَحْمَلُ الْفُجُورَ هُنَا عَلَى الْبُذَاءِ، وَالْفَحْشَى فِي الْقَوْلِ، وَالْبُهْتِ عِنْدَ الْخُصُومَةِ (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ: 365/3).

2- . الْخُصَامُ، ص 254، ح 129.

3268. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مردان چهار گروه هستند: سخی، کسی است که می خورد و می بخشد.

کریم، کسی است که نمی خورد و می بخشد. بخیل کسی که می خورد و نمی بخشد. لثیم، کسی که نمی خورد و نه می بخشد.

3269. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار خصلت است که اگر یکی از آنها در وجود کسی باشد شعبه ای از نفاق است تا زمانی که آن را ترک کند: کسی که هنگام سخن گفتن دروغ بگوید. زمانی که وعده دهد تخلف کند. زمانی که عهد بندد نیرنگ کند. و هنگام دشمنی کردن مرتکب گناه شود.

ص: 121

3270. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَامَتِ الدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ: بِعَالِمٍ يَسْتَعْمِلُ عِلْمَهُ، وَبِعَنِيٍّ لَا يَبْخُلُ بِمَالِهِ، وَبِجَاهِلٍ لَا يَسْتَكْفِي عَنِ التَّعْلَمِ، وَبِفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ. (1)

3271. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ الْكَلَامِ أَرْبَعٌ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ. (2)

3272. وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: أَحَبُّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعٌ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ؛ لَا يَضُرُّكَ بِأَيِّهِنَّ بَدَأْتَ. (3)

3273. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَضَعَ أَرْبَعًا فِي أَرْبَعٍ: بَرَكَاتِ الْعِلْمِ فِي تَعْظِيمِ الْأُسْتَاذِ، وَبِقَاءِ الْإِيمَانِ فِي تَعْظِيمِ اللَّهِ، وَوَدَّعَ الْعَيْشِ فِي بَرِّ الْوَالِدَيْنِ، وَالنَّجَاةِ مِنَ النَّارِ فِي تَرْكِ إِذْيَاءِ الْخَلْقِ.

3274. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ يَبْغِضُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى: الْبَيَّاعُ الْحَلَّافُ، وَالْفَقِيهُ الْمُخْتَالُ، وَالشَّيْخُ الرَّزَانِي، وَالْإِمَامُ الْجَائِرُ. (4)

3275. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَانَتْ فِيهِ أَرْبَعُ خِصَالٍ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ: مَنْ كَانَتْ عِصْمَةُ أَمْرِهِ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَإِذَا أَصَابَتْهُ نِعْمَةٌ حَمَدَ اللَّهَ، وَإِذَا أَذْنَبَ ذَنْبًا اسْتَغْفَرَ اللَّهَ، وَإِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ اسْتَرْجَعَ اللَّهَ. (5)

3276. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيُزَكِّيهِمْ: مَنْ فَرَّجَ عَنِ لَهْفَانٍ (6) كُرْبَةً (7)، وَمَنْ أَعْتَقَ نَسَمَةً مُؤْمِنَةً، وَمَنْ رَوَّجَ عَزْبًا، وَمَنْ حَجَّ صَرُورَةً (8). (9)

ص: 122

- 1- . شرح نهج البلاغة، ج 19، ص 303، ح 378 عن الإمام علي عليه السلام.
- 2- . صحيح البخاري، ج 7، ص 229.
- 3- . السنن الكبرى، ج 6، ص 211، ح 1082.
- 4- . السنن الكبرى، ج 2، ص 46، ح 2357.
- 5- . الشكر لله، ابن أبي الدنيا، ص 169، ح 201.
- 6- . اللفهان: المظلوم المضطر يستغيث ويتحسر (القاموس المحيط: 197/3).
- 7- . الكربة: الغم الذي يأخذ بالنفس (الصحاح: 211/1).
- 8- . الصرورة: الذي لم يحج قط، وأصله من الصر: الحبس والمنع (النهاية: 22/3).
- 9- . معدن الجواهر، ص 39.

## فصل دوم: روایاتی که اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند

3270. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دنیا بر چهار چیز استوار است: عالم به علم خود عمل کند. ثروتمندی که بخل نورزد. جاهلی که از یادگرفتن خودداری نکند. فقیری که آخرت را به دنیا نفروشد.

3271. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین سخن چهار جمله است: سبحان الله، والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر.

3272. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: محبوب ترین سخن نزد خدا چهار جمله است: سبحان الله، والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و هر جمله را اول بگوئی اشکال ندارد.

3273. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند چهار چیز را در چهار چیز قرار داده است: برکت علم را در تعظیم استاد، و بقای ایمان را در تعظیم خدا، و لذت زندگی را در نیکی به پدر و مادر، و نجات از جهنم را در اذیت نکردن مردم.

3274. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند از چهار کس متنفر است. فروشنده ای که زیاد قسم می خورد و فقیه متکبر و پیر مرد زنا کار و فرمانروای ستمگر.

3275. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که چهار خصلت داشته باشد خدا برایش قصری در بهشت بنا می نهد: کسی که با شهادت به یگانگی خدا از گناه دوری کند. و هنگام برخورداری از نعمت خدا را شکر کند. و هنگام گرفتاری به گناه توبه کند. و هنگام مصیبت بگوید: انا لله و انا الیه راجعون.

3276. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند در قیامت به چهار کس نظر می کند و آنها را پاک می فرماید:

کسی که غصه ای را از دلی دور کند. و کسی که مؤمنی را آزاد کند. کسی که به جوانی مجرد همسر دهد [اسباب ازدواج او را مهیا کند]. و کسی که بار اول به حج برود.

3277. وقال صلى الله عليه وآله: أربَعٌ مَنْ عَمِلَ بِهِنَّ أُجْرَى اللَّهُ لَهُ نَهْرًا فِي الْجَنَّةِ: مَنْ أَصْبَحَ صَائِمًا، وَعَادَ مَرِيضًا، وَشَدَّ جَنَازَةً، وَتَصَدَّقَ عَلَى مِسْكِينٍ. (1)

3278. وقال صلى الله عليه وآله: أربَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ لَمْ يَهْلِكْ (2) عَلَى اللَّهِ بَعْدَهُنَّ إِلَّا هَالِكٌ: يَهُمُّ الْعَبْدُ بِالْحَسَنَةِ لِيَعْمَلَهَا؛ فَإِنْ هُوَ لَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً بِحَسَنِ نَبِيِّهِ، وَإِنْ هُوَ عَمِلَهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرًا، وَيَهُمُّ بِالسَّيِّئَةِ؛ فَإِنْ لَمْ يَعْمَلْهَا لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ شَيْءٌ، فَإِنْ عَمِلَهَا أَجَلَ سَبْعَ سَاعَاتٍ، وَقَالَ صَاحِبُ الْحَسَنَاتِ لِصَاحِبِ السَّيِّئَاتِ - وَهُوَ صَاحِبُ الشَّمَالِ -: لَا تَعْجَلْ عَسَى أَنْ يُتْبِعَهَا بِحَسَنَةٍ تَمْحوها؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»، فَإِنْ قَالَ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَإِنْ مَضَتْ سَبْعُ سَاعَاتٍ وَلَمْ يُتْبِعَهَا بِحَسَنَةٍ وَلَا اسْتَغْفَرَ قَالَ صَاحِبُ الْحَسَنَاتِ لِصَاحِبِ السَّيِّئَاتِ: اكْتُبْ عَلَى الشَّقِيِّ الْمَحْرُومِ. (3)

3279. وَعَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: اتَّقُوا اللَّهَ فِي الرِّيَاءِ؛ فَإِنَّهُ شَرِكٌ بِاللَّهِ؛ لِأَنَّ المُرَائِي يُدْعَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعِ أَسْمَاءٍ:

يَا كَافِرًا! يَا فَاجِرًا! يَا غَادِرًا! يَا خَاسِرًا! حَبِطَ عَمَلُكَ، وَبَطَلَ أَجْرُكَ، وَلَا خَلَاقَ (4) لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَالْتَمَسْ أَجْرَكَ مِمَّنْ كُنْتَ تَعْمَلُ لَهُ. (5)

3280. وقال صلى الله عليه وآله: أربَعٌ مِنْ سَعَادَةِ المَرْءِ: زَوْجَةٌ صَالِحَةٌ، وَوَلَدٌ أَبْرَارٌ، وَخُلَطَاءٌ (6) صَالِحُونَ، وَمَعِيشَةٌ فِي بِلَادِهِ. (7)

3281. وقال صلى الله عليه وآله: عَلَامَةُ الشَّقَاوَةِ أَرْبَعَةٌ: نِسْيَانُ الذُّنُوبِ المَاضِيَةِ وَهِيَ عِنْدَ اللَّهِ مَحْفُوظَةٌ، وَذِكْرُ الحَسَنَاتِ المَاضِيَةِ وَلَا يَدْرِي قَبِلَتْ أَوْ رُدَّتْ، وَنَظَرُهُ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَهُ فِي الدُّنْيَا، وَإِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فِي الدِّينِ.

وَعَلَامَةُ السَّعَادَةِ أَرْبَعَةٌ: ذِكْرُ الذُّنُوبِ المَاضِيَةِ، وَنِسْيَانُ الحَسَنَاتِ المَاضِيَةِ، وَنَظَرُهُ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَهُ فِي الدِّينِ، وَإِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فِي الدُّنْيَا.

ص: 124

1- . معدن الجواهر، ص 39.

2- . الهلاك في قوله: «يهلك» بمعنى الخسران واستحقاق العقاب، وفي قوله: «هالك» بمعنى الضلال والشقاوة الجبليَّة، وتعديته بكلمه «على» إمَّا بتضمين معنى الورد؛ أي لم يهلك حين وروده على الله، أو معنى الاجترار؛ أي مجترئاً على الله، أو معنى العلوِّ والرفعه؛ كأنَّ من يعصيه تعالى يترفع عليه ويخاصمه، ويحتمل أن يكون «على» بمعنى في.... (مرآة العقول: 294/11).

3- . الكافي، ج 2، ص 429، ح 4.

4- . الخلاق: الحظ والنصيب (النهاية: 70/2).

5- . معاني الأخبار، ص 341، ح 1.

6- . الخلطاء: الشركاء، وهو جمع خليط بمعنى الشريك (مجمع البحرين: 682/1).

7- . الجامع الصغير، ج 1، ص 141، ح 920.

3277. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار عمل است که هر کس انجام دهد خداوند برایش نهری در بهشت جاری می کند: روزه گرفتن، عیادت از مریض، تشییع جنازه، و صدقه به فقیر.

3278. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند چهار لطف به بندگان فرموده که با وجود آن کسی جز تبهکار هلاک نشود: کسی که به کار خیر همت گمارد اگر موفق به انجام نشد خداوند برای نیت او یک ثواب بدهد. و اگر انجام دهد خداوند ده ثواب بدهد.

کسی که به گناه همت گمارد اگر انجام نداد چیزی ننویسد و اگر انجام داد تا هفت ساعت مهلت می دهد که توبه کند. فرشته جمع آوری حسنات به فرشته جمع آوری گناهان می گوید: عجله نکن شاید کاری بکند که زشتی گناه را محو کند. خداوند می فرماید:

«نیکی بدی ها را از بین می برد». حال اگر توبه کرد به درگاه خداوند یگانه آگاه به غیب و شهادت خدای عزیز و حکیم و بخشنده و مهربان و صاحب جلال و کرامت، چیزی برای او نوشته نمی شود و اگر هفت ساعت گذشت و کار خیری انجام نداد و توبه نکرد فرشته خوبیها به فرشته مأمور گناهان می گوید: گناه این بنده بدبخت را ثبت کن.

3279. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به خدا پناه ببرید از ریا که شرک به خداوند است. چون در قیامت ریاکار را به چهار نام صدا می زنند: ای کافر، ای گنه کار، ای خیانت کار، ای زیانکار. عمل تو ضایع شد و پاداش تو باطل گردید. و روز قیامت بهره ای نداری. و پاداش خود را از کسی بگیر که برای او عمل را انجام دادی.

3280. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز از سعادت مرد است: همسر خوب، فرزندان شایسته، دوستان صالح، شغل مناسب در وطن.

3281. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز نشانه بدبختی است: فراموشی گناهان گذشته در حالی که نزد خدا محفوظ است. یادآوری خوبیهای گذشته که انسان نمی داند قبول شده یا رد شده است. در امور دنیا به مافوق نظر کردن. و در امور دین به پائین تر از خود نظر کردن.



3282. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْخَلْقُ أَرْبَعَةٌ أَصْنَافٍ: الْمَلَائِكَةُ، وَالشَّيَاطِينُ، وَالْجِنُّ، وَالْإِنْسُ، ثُمَّ جَعَلَ الْأَصْنَافَ الْأَرْبَعَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءً؛ فَتِسْعَةٌ مِنْهَا الْمَلَائِكَةُ وَجُزْءٌ مِنْهَا الشَّيَاطِينُ وَالْجِنُّ وَالْإِنْسُ، ثُمَّ جَعَلَ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءً؛ فَتِسْعَةٌ مِنْهَا الشَّيَاطِينُ وَجُزْءٌ وَاحِدٌ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ، ثُمَّ جَعَلَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ عَشْرَةَ أَجْزَاءً؛ فَتِسْعَةٌ مِنْهَا الْجِنُّ وَجُزْءٌ وَاحِدٌ الْإِنْسُ. (1)

3283. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: أَرْبَعَةٌ تُفْسِدُ (2) الصَّوْمَ وَأَعْمَالَ الْخَيْرِ: الْغَيْبَةُ، وَالْكَذِبُ، وَالنَّمِيمَةُ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْأَجْنَبِيِّ. (3)

3284. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الطَّعَامُ إِذَا اجْتَمَعَ فِيهِ أَرْبَعُ خِصَالٍ فَقَدْ تَمَّ: إِذَا كَانَ مِنْ حَلَالٍ، وَكَثُرَتِ الْأَيْدِي، وَسُمِّيَ فِي أَوَّلِهِ، وَحُمِدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي آخِرِهِ. (4)

3285. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا فَرَعَ أَحَدُكُمْ مِنَ الشَّهْرِ الْآخِرِ فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ أَرْبَعٍ: مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ شَرِّ الْمَسِيحِ (5) الدَّجَالِ. (6)

3286. وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يُعَلِّمُهُمْ هَذَا الدُّعَاءَ كَمَا يُعَلِّمُهُمُ السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ؛ يَقُولُ: قُولُوا: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ؛ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ.

وقيل: فِي الْمَسِيحِ الدَّجَالِ أَرْبَعَةٌ مَعَانٍ، قِيلَ: الْمَسِيحُ لَقَبُ الدَّجَالِ مَاخُوذٌ مِنْ مَسَاحَةِ الْأَرْضِ.

وقيل: الدَّجَالُ: الْكَذَابُ. وقيل: مَمْسُوحُ الْعَيْنِ؛ أَيِ إِحْدَى عَيْنَيْهِ ذَاهِبَةٌ. وقيل: ابْعَدَ عَنْ كُلِّ خَيْرٍ. (7)

3287. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَكْرَمُ الْبُيُوتِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَرْبَعَةٌ: الْكَعْبَةُ، وَبَيْتُ الْمَقْدِسِ، وَبَيْتُ يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ، وَالْمَسَاجِدُ؛ وَأَفْضَلُهَا مَسْجِدُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَسْجِدُ الْكُوفَةِ.

وَأَكْرَمُ الرِّجَالِ عِنْدَ اللَّهِ: الْأَنْبِيَاءُ، وَالْأَوْصِيَاءُ، وَالتَّائِبُونَ التَّادِمُونَ.

وَأَكْرَمُ النِّسَاءِ بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ: الْمُؤْمِنَاتُ، الْمُطِيعَاتُ لِأَزْوَاجِهِنَّ، الْجَالِسَاتُ فِي بُيُوتِهِنَّ.

ص: 126

1- . شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 93.

2- . المراد من الفساد هو عدم القبول.

3- . مواهب الجليل، ج 3، ص 303 وذكر الغيبة والكذب فقط.

4- . تهذيب الكمال، المزي، ج 3، ص 169.

5- . المسيح: قال الجزري: أما الدجال فسمي لأن عينه الواحدة ممسوحة (النهاية: 327/4). ويأتي من المصتف رحمه الله أيضاً.

6- . مسند أحمد، ج 2، ص 237.

7- . كتاب الموطأ، ج 1، ص 215، ح 33.

3282. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آفریدگان چهار گروه هستند: فرشتگان، شیطانها، جن و انسان. چهار گروه به ده دسته تقسیم می شوند که نه قسمت آنها فرشته و یک دهم باقی مانده شیطانها و جنّ و انسانها هستند. از این سه گروه نه قسمت شیطان و یک قسمت جن و انسان و از جن و انسان نه قسمت جنّ و یک قسمت انسان است.

[از هزار موجود 900 عدد فرشته + 90 عدد شیطان + 9 عدد جن + 1 نفر انسان است]

3283. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز روزه و اعمال خیر را تباه می کند: غیبت و دروغ و سخن چینی و نگاه به نامحرم.

3284. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر در غذا چهار نکته رعایت شود تغذیه کامل است: از حلال تهیه شود.

و افراد زیادی از آن بخورند. و با بسم الله الرحمن الرحیم شروع شود. و در پایان شکر خدا بجا آورده شود.

3285. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پس از اتمام نماز از چهار چیز به خدا پناه برید: عذاب جهنم و عذاب قبر و فتنه در زندگی و مرگ. و از شر مسیح دجال.

3286. ابن عباس گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله همچنان که قرآن می آموخت این دعا را به مردم می آموخت:

خدایا به تو پناه می برم از عذاب جهنم و عذاب قبر. و به تو پناه می برم از فتنه در زندگی و مرگ و به تو پناه می برم از مسیح دجال.

برای مسیح دجال چهار معنا گفته اند: بعضی گفته اند دجال یعنی دروغ گو.

بعضی گفته اند: مسیح لقب دجال است که از مساحت زمین گرفته شده است.

بعضی گفته اند: مسیح یعنی کسی که یک چشم او نابینا است. و بعضی گفته اند: مسیح یعنی تبهکاری که از هر خیری به دور است.

3287. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: گرمی ترین خانه ها روی زمین چهار خانه است: کعبه و بیت المقدس و خانه ای که در آن قرآن خوانده می شود. و مساجد که برترین مسجد، مسجد النبی صلی الله علیه و آله و مسجد کوفه است.

و گرمی ترین مردان نزد خدا، پیامبران و اوصیاء و توبه کنندگان و کسانی که از بدی پشیمانند. و گرمی ترین زنان بعد از پیامبران، زنان مؤمن و مطیع شوهر و و آنهایی که در خانه های خود می مانند هستند.

وَالنَّدَمَ عَلَى فِعْلِ الذَّنْبِ تَوْبَةً مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ وَالْعَزْمَ عَلَى تَرْكِ الْمُعَاوَدَةِ إِلَيْهِ .

وَمَنْ بَكَى عَلَى نَفْسِهِ حَشِيَةً مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَخَوْفًا مِنْ لِقَائِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ.

3288. وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْأَرْبَعِ: مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. (1)

3289. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ: التَّرْوِيحُ بِالْأَبْكَارِ، وَالِاغْتِسَالُ بِالْمَاءِ الْحَارِّ، وَالتَّوَمُّ عَلَى الْيَسَارِ، وَأَكْلُ التُّفَاحِ بِالْأَسْحَارِ.

3290. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُؤْمِنُ لَا يَنْجُو مِنْ عَذَابِ اللَّهِ حَتَّى يَتَرَكَ أَرْبَعَةً: الْبُخْلَ، وَالْكَذِبَ، وَسُوءَ الظَّنِّ بِاللَّهِ، وَالْكَبِيرَ.

3291. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ جَوَاهِرٌ تُزِيلُهَا أَرْبَعَةٌ: أَمَّا الْجَوَاهِرُ فَالْعَقْلُ، وَالِدَيْنُ، وَالْحَيَاءُ، وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ؛ أَمَّا الْغَضَبُ فَيُزِيلُ الْعَقْلَ، وَأَمَّا الْحَسَدُ فَيُزِيلُ الدِّينَ، وَأَمَّا الطَّمَعُ فَيُزِيلُ الْحَيَاءَ، وَأَمَّا الْغَيْبَةُ فَيُزِيلُ الْعَمَلَ الصَّالِحَ.

3292. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ مِنْ كُنَّ فِيهِ مِنْ يَوْمِ الْفَرَزِ الْأَكْبَرِ: إِذَا أُعْطِيَ شَيْئًا قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَإِذَا أُذْنِبَ ذَنْبًا قَالَ:

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ، وَإِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ قَالَ: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَإِنْ كَانَ لَهُ حَاجَةٌ سَأَلَ رَبَّهُ، وَإِذَا خَافَ شَيْئًا لَجَأَ إِلَى رَبِّهِ. (2)

3293. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُمَّتِي عَلَى أَرْبَعِهِ أَصْنَافٍ: صِيئَةٌ يُصَدِّقُونَ وَلَكِنَّهُمْ فِي صَدَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (3)، فَكَانَ لَهُمُ الْوَيْلُ؛ وَالْوَيْلُ اسْمٌ دَرَكَهُ مِنْ دَرَكَاتِ جَهَنَّمَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ \* الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ».

وَصِيئَةٌ يُصَدِّقُونَ أَحْيَانًا وَلَا يُصَلُّونَ أَحْيَانًا، فَكَانَ لَهُمُ الْعَيْ؛ وَالْعَيْ اسْمٌ دَرَكَهُ مِنْ دَرَكَاتِ جَهَنَّمَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَخَلَفَ مِنْ مِ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا».

وَصِيئَةٌ لَا يُصَدِّقُونَ أَبَدًا، فَكَانَ لَهُمْ سَقَرٌ؛ وَسَقَرٌ اسْمٌ دَرَكَهُ مِنْ دَرَكَاتِ جَهَنَّمَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ \* قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ».

وَصِيئَةٌ يُصَلُّونَ أَبَدًا وَهُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ \* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ».

ص: 128

1- . مسند أحمد، ج 2، ص 340.

2- . مجموعه ورام، ج 2، ص 237.

3- . سها في الشيء: تركه عن غير علم وسها عنه تركه مع العلم. قال أبو علي: هم الذين يؤخرون الصلاة عن أوقاتها. وقيل: يريد المنافقين الذين لا يرجون لها ثواباً إن صلوا، ولا يخافون عليها عقاباً إن تركوا. كذا في النهاية والمجمع.

و ندامت از گناه یعنی توبه کردن به همراه استغفار و عزم بر تکرار نکردن گناه است. و کسی که از ترس خدا و خوف ملاقات او بر حال خویش گریه کند، وارد بهشت شود.

3288. پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار می فرمودند: خدایا، من از چهار چیز به تو پناه می برم: علمی که نفع ندارد. و قلبی که خشوع ندارد. و بدنی که سیر نمی شود. و دعایی که شنیده نشود.

3289. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز عمر را زیاد می کند: ازدواج با دوشیزه، غسل با آب گرم، و خوابیدن به چپ و خوردن سیب در سحر.

3290. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مؤمن تا چهار خصلت را ترک نکند از عذاب نجات نمی یابد: بخل و دروغ و گمان بد به خدا و خود پسندی.

3291. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار گوهر را چهار صفت از بین می برد: خشم عقل را از بین می برد.

حسد دین را از بین می برد. طمع حیاء را از بین می برد. غیبت عمل صالح را از بین می برد.

3292. پیامبر صلی الله علیه و آله: چهار خوی در هر کس باشد روز قیامت در امان است: وقتی چیزی به او می دهند بگوید: الحمد لله. وقتی گناه کرد بگوید: استغفر الله. وقتی مصیبت دید بگوید: انا لله و انا الیه راجعون. وقتی حاجت داشت از پروردگارش درخواست کند. و اگر از چیزی می ترسد به پروردگارش پناه برد.

3293. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: امت من چهار گروه هستند: کسانی که نماز بجا می آورند، اما به اول وقت اهمیت نمی دهند. که ویل بر آنان باد. ویل اسم دره ای در جهنم است. خداوند فرمودند:

«ویل بر نمازگزارانی که به آن اهتمام ندارند».

«گروهی که گاهی نماز می خوانند، و گاهی ترک می کنند. غیّ بر آنان باد. غیّ اسم دره ای از جهنم است. خداوند می فرماید: گروهی نماز را ضایع می کنند و از شهوت پیروی می کنند اینان بزودی با غیّ مواجه می شوند».

کسانی که اصلاً نماز نمی خوانند، که سقر جای آنان است. سقر اسم دره ای از جهنم است.

خداوند می فرماید: «از آنان می پرسند: چه چیز شما را به سقر کشاند؟ می گویند: نماز بجا نیاوردیم».

گروهی که همیشه نماز بجا می آورند، و در نماز خاشع هستند. خداوند تعالی می فرماید:

«مؤمنان رستگارند. آنان در نماز خاشع هستند».

3294. وقال النبي صلى الله عليه وآله: مَنْ اعطِيَ أَرْبَعِ خِصَالٍ فَقَدْ اُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفَارَزَ بِحِطَّةٍ مِنْهُمَا: وَرَعٌ يَعْتَصِمُهُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَحُسْنُ خُلُقٍ يَعِيشُ بِهِ فِي النَّاسِ، وَحِلْمٌ يَدْفَعُ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ، وَرَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ. (1)

3295. وقال صلى الله عليه وآله: مَنْ جُمِعَ لَهُ أَرْبَعُ خِصَالٍ فَقَدْ جُمِعَ لَهُ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: قَلْبٌ شَاكِرٌ، وَلِسَانٌ ذَاكِرٌ، وَبَدَنٌ صَابِرٌ، وَرَوْجَةٌ صَالِحَةٌ. (2)

3296. وقال صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ يَحْتَجُّ بِأَرْبَعَةٍ أَنْفُسٍ عَلَى أَرْبَعَةِ أَجْنَاسٍ مِنَ النَّاسِ: عَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِسَدِّ لِيْمَانٍ، وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِعَيْسَى، وَعَلَى الْعَبِيدِ بِيُوسُفَ، وَعَلَى الْمَرْضَى بِأَيُّوبَ عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ.

3297. وقال النبي صلى الله عليه وآله: خُلِقَ أَرْبَعَةٌ لِأَرْبَعَةٍ: الْمَالُ لِلْإِنْفَاقِ لَا لِلِإِمْسَاكِ، وَالْعِلْمُ لِلْعَمَلِ لَا لِلْمُجَادَلَةِ، وَالْعَبْدُ لِلتَّعَبُّدِ لَا لِلتَّنَعُّمِ، وَالدُّنْيَا لِلْعِبْرَةِ لَا لِلْعِمَارَةِ.

3298. وعنه صلى الله عليه وآله يقول: ثَلَاثٌ أَقْسِمُ عَلَيْهِنَّ، وَأَحَدُنَّكُمْ حَدِيثًا فَاحْفَظُوهُ؛ فَأَمَّا الَّذِينَ أَقْسِمُ عَلَيْهِنَّ: فَإِنَّهُ مَا نَقَصَ مَالٌ عَبْدًا مِنْ صِدْقِهِ، وَلَا ظَلَمَ عَبْدٌ مَظْلَمَةً صَبَرَ عَلَيْهَا إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ بِهَا عِزًّا، وَلَا فَتَحَ عَبْدٌ بَابَ مَسْأَلَةٍ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ قَرِّ.

وَأَمَّا الَّذِي أَحَدْتُمْ فَاحْفَظُوهُ فَقَالَ: إِنَّمَا الدُّنْيَا لِأَرْبَعَةٍ نَفَرٍ:

عَبْدٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا وَعِلْمًا، فَهُوَ يَتَّقِي فِيهِ رَبَّهُ، وَيَصِلُ رَحِمَهُ، وَيَعْمَلُ لِلَّهِ فِيهِ بِحَقِّهِ؛ فَهَذَا بِأَفْضَلِ الْمَنَازِلِ.

وَرَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ عِلْمًا وَلَمْ يَرْزُقْهُ مَالًا، فَهُوَ صَادِقُ النَّيِّ يَقُولُ: لَوْ أَنَّ لِي مَالًا لَعَمِلْتُ بِعَمَلِ فُلَانٍ، فَأَجْرُهُمَا سَوَاءٌ.

وَعَبْدٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا - وَلَمْ يَرْزُقْهُ عِلْمًا، فَهُوَ يَتَخَبَّطُ فِي مَالِهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ؛ لَا يَتَّقِي فِيهِ رَبَّهُ، وَلَا يَصِلُ فِيهِ رَحِمَهُ، وَلَا يَعْمَلُ فِيهِ بِحَقِّ؛ فَهَذَا بِأَخْبَثِ الْمَنَازِلِ.

وَعَبْدٌ لَمْ يَرْزُقْهُ اللَّهُ مَالًا وَلَا عِلْمًا، فَهُوَ يَقُولُ: لَوْ أَنَّ لِي مَالًا لَعَمِلْتُ فِيهِ بِعَمَلِ فُلَانٍ، فَهُوَ كَذَا يَتَّبِعُهُ، وَوِزْرُهُمَا سَوَاءٌ. (3)

ص: 130

1- . الأمالى للطوسى، ص 577، ح 4/1190.

2- . الشكر لله، ص 81، ح 34.

3- . مسند أحمد، ج 4، ص 231.

3294. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به هر کس چهار ویژگی بدهند خیر دنیا و آخرت داده اند. و بهره خود را از دنیا و آخرت برده است: ورع که او را از حرام بازدارد. رفتار خوش که با مردم زندگی کند.

بردباری که نادانی مردم را تحمل کند. همسر صالح که او را یاری رساند.

3295. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در هر کس چهار خصلت باشد خیر دنیا و آخرت دارد: قلب شاکر و زبان ذاکر و بدن صابر و همسر صالح.

3296. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند سبحان چهار کس را حجت بر چهار گروه قرار داده است:

سلیمان حجت بر ثروتمندان، عیسی حجت بر فقیران، یوسف حجت بر بندگان و ایوب حجت بر بیماران. صلوات خداوند بر این چهار نفر.

3297. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز برای چهار کار آفریده شده است: مال برای خرج کردن نه ذخیره کردن. علم برای عمل نه جدل. بنده برای بندگی نه خوشگذرانی. دنیا برای عبرت نه برای آباد کردن.

3298. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بر سه چیز قسم می خورم و یک حدیث می گویم آن را حفظ کنید: قسم می خورم که مال کسی با صدقه کم نشود. کسی که بر ستمی صبر کند خداوند عزّت او را زیاد کند. کسی که در گدایی باز کند، خداوند در فقر را به روی او باز خواهد کرد.

اما حدیث: فرمودند: دنیا برای چهار نفر است: کسی که خدا به او مال و علم داده است و او از خدا پروا دارد و به خویشان خود رسیدگی می کند و حق خدا را بجا می آورد. این برترین جایگاه است. کسی که خدا به او علم داده ولی مال نداده است و با نیت صادق می گوید اگر مال داشتم فلان کار را انجام می دادم در پاداش آن عمل شریک است. کسی که خدا به او مال داده است و علم ندارد مالش را با نادانی تلف می کند و از خدا پروا ندارد و به نزدیکان خود رسیدگی نمی کند و حق خدا را بجا نمی آورد. این پست ترین جایگاه است.

کسی که خدا نه مال به او داده است و نه علم و می گوید اگر مال داشتم مثل آن پول دار نادان رفتار می کردم و این نیت اوست و او در گناه همانند اوست.

3299. وقال صلى الله عليه وآله: لا يؤمن عبد حتى يؤمن بأربع: يشهد أن لا إله إلا الله وأنى رسول الله بعثنى بالحق، ويؤمن بالموت وبالبعث بعد الموت، ويؤمن بالقدر. (1)

3300. وقال النبي صلى الله عليه وآله: لا بد للمؤمن من أربعه أشياء: دابته فارهاه (2)، ودار واسع، وثياب جميلة، وسراج منير.

قالوا: يا رسول الله، ليس لنا ذلك، فما هي؟

قال صلى الله عليه وآله: أما الدابة الفارهاه فعقله، وأما الدار الواسعة فصبره، وأما الثياب الجميلة فحياها، وأما السراج المنير فعلمه.

3301. وقال صلى الله عليه وآله: أربع لا يدخل بيتاً واحدة منها إلا خرب ولم يعمر بالبركة: الخيانة، والسرقه، وشرب الخمر، والزنا. (3)

3302. وقال النبي صلى الله عليه وآله في وصية لآبى ذر رضى الله عنه: يا أبا ذر، أربع لا يصيبهن إلا مؤمن: الصمت؛ وهو أول العباد، والتواضع لله عز وجل، وذكر الله على كل حال، وقلة الشيء - يعنى قلة المال - (4).

3303. وقال النبي صلى الله عليه وآله: إن الأمهات أربعه: أم الأدويه، وأم الآداب، وأم العبادات، وأم الأمانى (5)؛ أما جميع الأدويه قلة الأكل، وأما جميع الآداب قلة الكلام، وأما جميع العبادات قلة الذنوب، وأما جميع الأمانى الصبر.

3304. وروى أن النبي صلى الله عليه وآله قال لآبى ذر الغفارى: جدد السفينه فإن البحر عميق، وخذ الزاد كاملاً فإن السفر بعيد، وخفف الحمل فإن العقبة شديد، وأخلص العمل فإن التأقذ (6) بصير.

3305. وعن أبى امامه، عن النبي صلى الله عليه وآله: أربعه لعنهم الله من فوق عرشه فأمنت عليه ملائكته: الذى يحصه نفسه (7) فلا يتزوج ولا يتسرى (8) لئلا يولد له، والرجل يتشبه بالنساء وقد خلقه الله ذكراً، والمرأه تشبهه

ص: 132

- 1- . مسند أحمد، ج 1، ص 97.
- 2- . دابته فارهاه: أى نشيطه حاده قويه (النهايه: 441/3).
- 3- . الأمانى للطوسى، ص 439، ح 39/982.
- 4- . الأمانى للطوسى، ص 536، ح 1/1162.
- 5- . الأمانى: جمع امنيه - بضم الألف وكسر النون وتشديد الباء -؛ البغيه، وما يتمنى ويقدر، والكذب، والظاهر هنا الثانى، وكون الصبر امناً لها لعلة من جهة أن الصبر يوصل إليها ولا يمكن الوصول إلا به.
- 6- . الناقد: الذى يستخرج العيب. وهذه الجملة كلها لبيان شدائد الموت والبروج والقيامه ومواقفها.
- 7- . أى يحبس. والحصور الذى يحبس نفسه عن الجماع.
- 8- . هو مأخوذ من سرر، والاستسرار اتخاذ السرارى، والسريره - بضم السين وكسر الراء وفتح الباء المشددين، والجمع سرارى -: بمعنى الأمه.

3299. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی تا به چهار چیز ایمان نداشته باشد مؤمن نیست: شهادت به یگانگی خدا و اینکه من رسول خدا هستم و مرا به حق مبعوث کرد. ایمان به مرگ. ایمان به رستاخیز. و ایمان به قضا و قدر.

3300. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مؤمن از چهار چیز باید برخوردار باشد: مرکب سر حال و قوی و خانه وسیع و لباس زیبا و چراغ روشن.

مردم گفتند: یا رسول الله ما اینها را نداریم. مراد شما چیست؟

حضرت فرمودند: مرکب قوی عقل است. و خانه وسیع صبر است. و لباس زیبا حیاء است.

و چراغ روشن علم است.

3301. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز است که اگر یکی از آنها وارد خانه ای شود آن را ویران می کند.

و برکت را می برد: خیانت، سرقت، شراب، زنا.

3302. پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیت به اباذر فرمودند: یا اباذر، چهار صفت فقط در مؤمن است: سکوت که اولین عبادت است. تواضع برای خدا. یاد خدا در همه حال. تنگدستی.

3303. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز مادر است: مادر داروها کم خوری است. مادر همه ادب ها کم حرفی است. مادر همه عبادات گناه نکردن است. مادر همه آرزوها صبر است.

3304. پیامبر صلی الله علیه و آله به ابودر فرمودند: کشتی را آماده کن که دریا عمیق است. توشه بردار که سفر طولانی است. بار را سبک کن که گردنه سختی در پیش است. عمل را خالص گردان که بازرس دقیق و آگاه است.

3305. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند از فوق عرش چهار کس را لعنت می کند و فرشتگان آمین می گویند: مردی که از ترس بچه ازدواج نکند. مردی که خودش را شبیه زنان کند، با اینکه خدا او را مرد آفریده است. زنی که خود را شبیه مردان کند، با اینکه خدا او را زن آفریده



بِالرِّجَالِ وَقَدْ خَلَقَهَا اللَّهُ اثْنِي، وَمُضَهَّ لَمَلِّ النَّاسِ - يُرِيدُ الَّذِي يَهْزَأُ بِهِمْ - يَقُولُ لِلْمُسْلِمِ: هَلَمْ اعطَيْكَ، فَإِذَا جَاءَ يَقُولُ: لَيْسَ مَعِيَ شَيْءٌ، وَيَقُولُ لِلْمَكْفُوفِ: اتَّقِ الدَّابَّةَ، وَلَيْسَ بَيْنَ يَدَيْهِ شَيْءٌ، وَالرَّجُلُ يَسْأَلُ عَن دَارِ الْقَوْمِ فَيُضَلُّهُ. (1)

3306. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَنْسَهُ اللَّهُ بِقُرْبِهِ أَعْطَاهُ أَرْبَعَ خِصَالٍ: عِزًّا مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ، وَعِلْمًا مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ، وَغِنًى مِنْ غَيْرِ مَالٍ، وَأُنْسًا مِنْ غَيْرِ جَمَاعَةٍ. (2)

3307. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ فَرِحَ بِأَرْبَعَةٍ حَزَنَ فِي أَرْبَعَةٍ: مَنْ فَرِحَ بِطَوْلِ الْبَقَاءِ حَزَنَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَمَنْ فَرِحَ بِسَعَةِ الْبَيْتِ حَزَنَ عِنْدَ ضَيْقِ الْقَبْرِ، وَمَنْ فَرِحَ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ حَزَنَ عِنْدَ الْعُقُوبَةِ، وَمَنْ فَرِحَ بِأَكْلِ الْحَرَامِ حَزَنَ عِنْدَ الْحِسَابِ.

3308. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ إِذَا كُنَّ فِيكَ فَلَا عَلَيْكَ مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا: حِفْظُ أَمَانَةٍ، وَصِدْقُ حَدِيثٍ، وَحُسْنُ خَلِيقَةٍ (3)، وَعَقْفَةٌ فِي طَعْمَةٍ. (4)

3309. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَكُونُ الْغُرْبَاءُ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعَةً: قُرْآنٌ فِي جَوْفِ ظَالِمٍ، وَمَسْجِدٌ بَيْنَ قَوْمٍ لَا يُصَلُّونَ فِيهِ، وَمُصْحَفٌ فِي بَيْتٍ لَا يُقْرَأُ فِيهِ، وَرَجُلٌ صَالِحٌ فِي قَوْمٍ سَوْءٍ.

وقيل: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنَا بِالْخِصَالِ الَّتِي تَعْرِفُ بِهَا الْمُتَأَفِّقِينَ، قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ حَلَفَ فَفَجَرَ، وَمَنْ عَاهَدَ فَغَدَرَ، وَحَدَّثَ فَكَذَّبَ، وَوَعَدَ فَأَخْلَفَ. (5)

3310. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ لَا تَبْلَى: الْأَنْبِيَاءُ، وَالشُّهَدَاءُ، وَالْعُلَمَاءُ، وَحَمَلَةُ الْقُرْآنِ.

3311. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ فَرْجًا، وَمِنْ كُلِّ ضَيْقٍ مَخْرَجًا، وَمِنْ كُلِّ خَوْفٍ أَمْنًا، وَرِزْقَةً مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (6). (7)

ص: 134

1- . كنز العمال، ج 16، ص 72، ح 43980. توضيح: تفسير مجمع البيان، ج 7، ص 245.

2- . تاريخ مدينة دمشق، ج 20، ص 91.

3- . الخليفة: الطبيعه (العين: 151/4) والمراد ظاهر حسن الخلق.

4- . مسند أحمد، ج 2، ص 177.

5- . كنز العمال، ج 1، ص 617، ح 2845.

6- . ورد ذلك في أخبار كثيره واستشهد بقوله تعالى: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُوَ كَانَ غَفَّارًا \* يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا \* وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ لِي وَبَيْنٍ وَيَجْعَلَ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلَ لَكُمْ أَنْهَارًا» راجع نور الثقلين: 423/5-424 وسفينه البحار: 322/2.

7- . مسند أحمد، ج 1، ص 248.

است. و کسی که مردم را مسخره کند. مثل کسی که به مردم بگوید: بیا چیزی به تو بدهم وقتی آمد، بگوید چیزی ندارم. یا به آدم کور بگوید: مواظب باش حیوان تو را نیازارد، در حالی که حیوان نیست. یا کسی که آدرس اشتباه به مردم بدهد، و آنان را گمراه کند.

3306. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کسی که خدا او را به قرب خود مأنوس کند چهار خصلت بدهد: عزت بدون فامیل. علم بدون رنج تحصیل. ثروت بدون مال. آرامش بدون داشتن همراه و انیس.

3307. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که با چهار چیز شادمان شود با چهار چیز غمگین می شود: کسی که به عمر طولانی شاد شود، هنگام مرگ غمگین می شود. کسی که با خانه وسیع شاد شود، با تنگی قبر غمگین می شود. کسی که با گناه خوشحال شود با عذاب غمگین می شود. کسی که با خوردن مال حرام شاد شود، با حسابرسی غمگین می شود.

3308. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر گاه چهار خصلت در تو باشد هر چه از دنیا از دست بدهی باک نداشته باش: حفظ امانت، راست گویی، اخلاق خوش، عفت در غذا. [غذای حلال و پاک خوردن]

3309. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار کس در دنیا غریب هستند: قرآن در سینه ستمگر. مسجد در میان مردم بی نماز. قرآن در خانه ای که قرائت نشود. مرد صالح در میان مردم بد.

پرسیدند: یا رسول الله علامتهای منافق چیست؟ حضرت فرمودند: کسی که قسم بخورد و تخلف کند. عهد ببندد و پیمان شکنی کند. سخن دروغ بگوید. خلف وعده کند.

3310. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار کس پوسیده نشوند: پیامبران. شهیدان. علما و حاملان قرآن.

3311. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که زیاد استغفار کند، خدا از هر غم و غصه ای او را رها کند. و از هر تنگنا نجات دهد. و از هر خوف ایمن گرداند. و از جایی که فکر نمی کند، او را روزی دهد.

3312. وقال صلى الله عليه وآله: لا تصلح عوام أمتي إلا بخواصها. قيل: ما خواص أمتك يا رسول الله؟ فقال: خواص أمتي أربعة: الملوک، والعلماء، والعباد، والتجار. قيل: كيف ذلك؟

قال صلى الله عليه وآله: الملوک رعاة الخلق؛ فإذا كان الراعى ذنباً فمن يرعى الغنم؟ والعلماء أطباء الخلق؛ فإذا كان الطبيب مريضاً فمن يداوى المريض؟ والعباد دليل الخلق؛ فإذا كان الدليل ضالاً فمن يهدى السالك؟ والتجار أمناء الله فى الخلق؛ فإذا كان الأمين خائناً فمن يعتمد؟

ص: 136

3312. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: عوام امت مرا جز خواص اصلاح نمی کنند. پرسیدند: خواص امت شما چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: خواص امت من چهار گروه هستند: فرمانروایان، علما و عابدان و تاجران.

پرسیدند: چگونه غیر از اینها کسی اصلاح نمی کند؟ فرمودند: فرمانروایان نگهبان مردم هستند. اگر نگهبان گرگ باشد، چه کسی از گوسفند مراقبت کند؟

علما طیب مردم هستند. اگر طیب بیمار باشد، چه کسی بیمار را معالجه کند؟

عابدان راهنمای مردم هستند. اگر راهنما گمراه باشد، چه کسی رهرو را راهنمایی کند؟ تجّار امین خدا در بین مردم هستند. اگر امین خائن باشد، باید به چه کسی اعتماد کرد؟

ص: 137

3313. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قِيَامُ الدِّينِ بِأَرْبَعَةٍ: بِعَالِمٍ نَاطِقٍ مُسْتَعْمِلٍ لَهُ، وَبِغَنِيٍّ لَا يَبْحُلُ بِفَضْلِهِ عَلَى أَهْلِ دِينِ اللَّهِ، وَبِفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ، وَبِجَاهِلٍ لَا يَتَكَبَّرُ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ؛ فَإِذَا كَتَمَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، وَبِحِلِّ الْغَنِيِّ، وَبِاعِ الْفَقِيرِ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ، وَاسْتَكْبَرَ الْجَاهِلُ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ؛ رَجَعَتِ الدُّنْيَا عَلَى تَرَاثِمِهَا فَهَقَرَى (1)، فَلَا تُعْرَثُكُمْ كَثْرَةُ الْمَسَاجِدِ وَأَجْسَادِ قَوْمٍ مُخْتَلَفَةٍ.

قِيلَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، كَيْفَ الْعَيْشُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ؟ فَقَالَ: خَالِطُوهُمْ بِالْبِرَائِيَّةِ (2) - يَعْنِي فِي الظَّاهِرِ - وَخَالِفُوهُمْ فِي الْبَاطِنِ، لِلْمَرَّةِ مَا اكْتَسَبَ وَهُوَ مَعَ مَنْ أَحَبَّ، وَانْتَظِرُوا مَعَ ذَلِكَ الْفَرْجِ مِنَ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ (3).

3314. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَخْفَى أَرْبَعَةً فِي أَرْبَعَةٍ: أَخْفَى رِضَاهُ فِي طَاعَتِهِ؛ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئاً مِنْ طَاعَتِهِ فَرُبَّمَا وَافَقَ رِضَاهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ. وَأَخْفَى سَخَطُهُ فِي مَعْصِيَتِهِ؛ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئاً مِنْ مَعْصِيَتِهِ فَرُبَّمَا وَافَقَ سَخَطُهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ. وَأَخْفَى إِجَابَتَهُ فِي دَعْوَتِهِ؛ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئاً مِنْ دُعَائِهِ فَرُبَّمَا وَافَقَ إِجَابَتَهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ. وَأَخْفَى وِلْيَتَهُ فِي عِبَادِهِ؛ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبِيدِ اللَّهِ فَرُبَّمَا يَكُونُ وِلِيَّهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ. (4)

ص: 138

1- . أى إلى الجاهلية في الحقيقة وإن كانوا يصلون ويصومون. وفي بعض المصادر: «ورائها» بدل «تراثها».

2- . البرائي: العلانية، والألف والنون من زيادات النسب؛ كما قالوا في صنعاء: صنعاني. وأصله من قولهم خرج براً؛ أى خرج إلى البر والصحراء (النهاية: 117/1).

3- . الخصال، ص 197، ح 5.

4- . الخصال، ص 209، ح 31.

## فصل سوم: روایاتی که شیعیان از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند

3313. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: پایداری دین بر چهار پایه استوار است: عالم سخنور که به علم خود عمل کند. ثروتمندی که مازاد ثروت را بین مؤمنین توزیع کند. فقیری که آخرتش را به دنیا نفروشد. نادانی که از آموختن تکبر نداشته باشد.

زمانی که عالم عمل خود را کتمان کند و ثروتمند بخل ورزد و فقیر آخرتش را به دنیا فروشد و جاهل از آموختن تکبر داشته باشد، دنیا به قهقرا [عقب] برگردد. آن گاه تعداد زیاد مسجد و اجتماعات که دلها از هم جداست، شما را مغرور نکند.

گفتند: یا امیرالمؤمنین؛ در آن زمان چگونه باید زندگی کرد؟ فرمودند: در ظاهر با مردم زندگی کنید. اما در باطن با آنها مخالف باشید. که قرین انسان عمل اوست. و هر که را دوست دارد، با او محشور می شود. و در این حال از خداوند انتظار فرج داشته باشید.

3314. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: خدای تبارک و تعالی چهار چیز را در چهار چیز پنهان کرده است:

خشنودی خود را در اطاعت مخفی کرده است. پس هیچ اطاعتی را کوچک نشمار، بسا که همان موافق رضایت خدا باشد و تو ندانی.

خشم خود را در گناه مخفی کرده است پس هیچ گناهی را کوچک نشمار بسا که در همان گناه خشم خدا نهفته باشد و تو ندانی.

اجابت را در دعا نهاده است. پس هیچ دعایی را ناچیز میندار، بسا همان دعا اجابت شود و تو ندانی.

خداوند دوست خود را در میان بندگان مخفی کرده است. پس هیچ بنده ای را تحقیر مکن، بسا او ولیّ خدا باشد و تو ندانی.

3315. وقال عليه السلام: للدعاء شروط أربعة: الأول: إحضار النبي. الثاني: إخلاص السريره. الثالث: معرفه المسؤول. الرابع: الإنصاف في

المسأله (1). (2)

3316. وعن الأصمغ بن نباته، قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: قال الله - تبارك وتعالى - لِموسى عليه السلام: يا موسى، احفظ وصيتي إليك بأربعة أشياء: أولهن: ما دمت لا ترى ذنوبك قد غفرت فلا تشتغل بعيوب غيرك.

والثانيه: ما دمت لا ترى كنوزي قد نذت فلا تغتم بسبب رزقك. والثالثه: ما دمت لا ترى زوال ملكي فلا ترج أحداً غيري. والرابعه: ما دمت لا ترى الشيطان ميئاً فلا تأمن مكره. (3)

3317. وقال أمير المؤمنين علي عليه السلام: الإيمان أربعة أركان: الرضى بقضاء الله، والتوكل على الله، وتقويض الأمر إلى الله، والتسليم لأمر الله. (4)

3318. وقال عليه السلام: أصعب الأعمال أربعة: العفو عند الغضب، والجود من اليسير، والعفه في الخلو، وقول الحق عند من تخافه وترجوه. (5)

3319. وعن ابن المسيب قال: خرج علي عليه السلام يوماً من البيت، فاستقبله سلمان فقال له: كيف أصبحت يا أبا عبد الله؟ قال: أصبحت في غموم أربعة: غم العيال يطلبون الخبز والشهوات، والخالق يطلب الطاعه، والشيطان يأمر بالمعصيه، وملك الموت يطلب الروح.

فقال له: يا أبا عبد الله، فإن لك بكل خصله درجات. (6)

3320. وسئل أمير المؤمنين عليه السلام عن العلم، فقال: أربع كلمات: أن تعبد الله بقدر حاجتك إليه، وأن تعصيه بقدر صبرك على النار، وأن تعمل لِدنياك بقدر عمرك فيها، وأن تعمل لآخرتك بقدر بقائك فيها. (7)

3321. وقال علي عليه السلام: أربعة أشياء لا يعرف قدرها إلا الأربعة: السباب؛ لا يعرف قدره إلا الشيوخ، والعافيه؛ لا يعرف قدرها إلا أهل البلاء، والصحة؛ لا يعرف قدرها إلا المرضى، والحياه؛ لا يعرف قدرها إلا الموتى.

ص: 140

1- . لعل المراد من الإنصاف في المسأله أن لا يكون سؤاله خلاف زيّه وصلاحه، وغير لازم أو غير جائز أو يكون السؤال على كفيّه مناسبه من شرائط الدعاء كعدم كون السائل عاصياً أو ساهياً أو ظالماً لبعض العباد أو شاكاً.

2- . مجموعه ورام، ج 1، ص 302.

3- . التوحيد، ص 372، ح 14.

4- . الكافي، ج 2، ص 56، ح 5.

5- . في مصادر أهل السنه: ينابيع الموده، ج 2، ص 230.

6- . جامع الأخبار، ص 91.

7- . مجموعه ورام، ج 2، ص 37.

3315. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: دعا چهار شرط دارد: حضور قلب، اخلاص، شناختن خدا، انصاف در خواهش.

3316. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: خداوند متعال به موسی فرمود: یا موسی توصیه من درباره چهار چیز را به خاطر بسپار: تا زمانی که آمرزش گناه خود را ندیده ای، به عیب دیگران نپرداز.

تا زمانی که گنجهای مرا پایان یافته ندیدی، غصه روزی مخور. تا زمانی که پایان حکومت مرا ندیده ای، به غیر من امیدوار مشو. تا زمانی که مرگ شیطان را ندیده ای، از نیرنگ او ایمن مباش.

3317. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ایمان چهار رکن است، راضی شدن به قضا و حکم خدا. توکل بر خدا. و واگذاری کار به خدا. و تسلیم امر خدا.

3318. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: دشوارترین کارها چهار کار است: عفو کردن در حال خشم، بخشیدن از مال اندک، پاکدامنی در خلوت، و گفتن حق نزد کسی که از او می ترسی یا به او امید داری.

3319. امیرالمؤمنین علیه السلام از خانه خارج شد و با سلمان مواجه شد و از او پرسید: در چه حالی؟ سلمان گفت: چهار غم دارم: اهل و عیال، نان و چیزهای دیگر می خواهند. خداوند، اطاعت می خواهد. شیطان، گناه می خواهد. و عزرائیل، جان مرا می خواهد. حضرت فرمودند: یا ابا عبد الله؛ برای هر خصلت در جاتی داری.

3320. از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره علم پرسیدند. حضرت فرمودند: چهار کلمه است: خدا را به اندازه نیازت به او عبادت کن. خدا را به اندازه صبرت بر آتش نافرمانی کن. برای دنیا به مقدار عمر خود تلاش کن. برای آخرت به مقدار بقاء خود در آن تلاش کن.

3321. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: قدر چهار چیز را فقط چهار نفر می دانند: قدر جوانی را غیر از پیران نمی داند. قدر آسایش را غیر از گرفتار نمی داند. قدر سلامت را غیر از بیمار نمی داند. قدر زندگی را غیر از مردگان نمی داند.



3322. وقال عليه السلام لَوْلَدِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام: لَا تَلَمْ إِنْسَانًا يَطْلُبُ قُوَّتَهُ؛ فَمَنْ عُدِمَ قُوَّتَهُ كَثُرَتْ خَطَايَاهُ.

يَا بُنَيَّ، الْفَقِيرُ حَقِيرٌ لَا يُسْمَعُ كَلَامُهُ، وَلَا يُعْرَفُ مَقَامُهُ، لَوْ كَانَ الْفَقِيرُ صَادِقًا يُسْمَوْنَهُ كَاذِبًا، وَلَوْ كَانَ زَاهِدًا يُسْمَوْنَهُ جَاهِلًا.

يَا بُنَيَّ، مَنْ ابْتُلِيَ بِالْفَقْرِ فَقَدْ ابْتُلِيَ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ: بِالضَّعْفِ فِي يَمِينِهِ، وَالتَّقْصَانِ فِي عَقْلِهِ، وَالرَّقَّةِ فِي دِينِهِ (1)، وَقَلَّةِ الْحَيَاءِ فِي وَجْهِهِ، نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْفَقْرِ! (2)

3323. وقال عليُّ عليه السلام لَوْلَدِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام: يَا بُنَيَّ، إِذَا نَزَلَتْ بِكَ شِدَّةٌ فَادْكُرْهَا لِيَعُضَّ إِخْوَانُكَ، إِنَّكَ لَمْ تُعَدِّمْ مِنْهُمْ خَصْلَةً مِنْ أَرْبَعَةٍ: إِمَّا كِفَايَةً، أَوْ مَعُونَةً، أَوْ مَشُورَةً، أَوْ دَعْوَةً مُسْتَجَابَةً.

3324. وقال عليه السلام لَوْلَدِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام: يَا بُنَيَّ، احْفَظْ عَنِّي أَرْبَعًا وَأَرْبَعًا. قَالَ الْحَسَنُ: قُلْتُ: يَا أَبَتِ، وَمَا هُنَّ؟ قَالَ:

إِنَّ أَعْنَى الْغِنَى الْعَقْلُ، وَأَكْبَرَ الْفَقْرِ الْحُمُوقُ (3)، وَأَوْحَشَ الْوَحْشَةَ الْعُجْبُ، وَأَكْرَمَ الْحَسَبِ حُسْنَ الْخُلُقِ.

قُلْتُ: يَا أَبَتِ فَهَذِهِ أَرْبَعٌ فَأَعْطِنِي الْأَرْبَعَ الْأُخْرَى.

قَالَ: يَا بُنَيَّ، إِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ؛ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ، وَإِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ؛ فَإِنَّهُ يُرَبِّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعِدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ، وَإِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْبَخِيلِ؛ فَإِنَّهُ يَقْعُدُ بِكَ عِنْدَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ، وَإِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْفَاجِرِ؛ فَإِنَّهُ يَبِيعُكَ فِي نِفَاقِهِ (4). (5)

3325. وقال عليه السلام لابنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام: أَلَا اعْلَمُكَ أَرْبَعَ خِصَالٍ تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ؟ فَقَالَ: بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَقَالَ: لَا تَجْلِسَ عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا وَأَنْتَ جَائِعٌ، وَلَا تَقُمْ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَأَنْتَ تَشْتَهِيهِ، وَجُودِ الْمَضْغِ، وَإِذَا نِمْتَ فَأَعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الْخَلَاءِ، فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذِهِ اسْتَعْنَيْتَ. (6)

ص: 142

1- . الرِّقَّةُ: أَنْ يُظْهَرَ شَيْئًا وَهُوَ يَرِيدُ غَيْرَهُ، وَلَعَلَّهُ كِنَايَةٌ عَنِ الرِّيَاءِ أَوْ النِّفَاقِ، أَوْ الْمَرَادِ مِنَ الرِّقَّةِ الضَّعْفِ وَالْوَهْنِ وَفِي الدَّعَاءِ: «ارْحَمْ رِقَّةَ جِلْدِي» يَعْنِي أَنَّ الْفَقْرَ يَلْزَمُ ذَلِكَ إِلَّا فِيمَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى.

2- . جَامِعُ الْأَخْبَارِ، ص 110.

3- . لِأَنَّهُ فَقِيرٌ مِنْ أَفْضَلِ النِّعَمِ وَهُوَ الْعَقْلُ.

4- . يَحْتَمَلُ أَنْ يَكُونَ الْمَرَادُ أَنَّهُ يَبِيعُكَ لَوْجُودِ صِفَةِ النِّفَاقِ فِيهِ، أَوْ يَبِيعُكَ فِي نَفَقَتِهِ؛ لِأَنَّ النِّفَاقَ جَمْعُ النِّفَاقِ، وَفِي نَهْجِ الْبَلَاغَةِ، الْحِكْمَةُ 38: «وَإِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْفَاجِرِ؛ فَإِنَّهُ يَبِيعُكَ بِالنِّفَاقِ» أَيْ الشَّيْءِ الْقَلِيلِ.

5- . نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، ص 475، ح 38.

6- . الْخِصَالُ، 229، ح 67.

3322. امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش حسن علیه السلام فرمودند: کسی را که برای روزی خود تلاش می کند، ملامت مکن. کسی که خرج روزش را نداشته باشد، خطایش زیاد شود.

فرزندم؛ فقیر بی مقدار است. و به سخن او گوش ندهند. و ارزش او را نمی دانند. اگر راستگو هم باشد، او را دروغگو می پندارند. اگر دانا هم باشد، او را نادان می نامند.

فرزندم؛ کسی که به فقر مبتلا شود، به چهار خصلت مبتلا می شود: در یقین ضعیف می شود.

عقلش کم می شود. دینش سست می شود. حیاء در چهره اش کم می شود.

از فقر به خدا پناه می بریم.

3323. امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش حسن علیه السلام فرمودند: فرزندم وقتی گرفتار سختی شدی آن را با بعضی از دوستان در میان بگذار، یکی از این چهار فایده را دارد: یا آن را به عهده می گیرد. یا کمک می کند. یا مشورت می دهد، یا دعایش برای تو مستجاب می کند.

3324. امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش حسن علیه السلام فرمودند: پسرم چهار چیز و چهار چیز از من به خاطر بسپار. پرسید: پدر جان آنها چیستند؟

حضرت فرمودند: بالاترین ثروت، عقل است. بزرگترین فقر، حماقت است. و بدترین وحشت، خود پسندی و گرامی ترین حسب، اخلاق خوش است.

گفت: پدر جان این چهار مورد بود چهار مورد دیگر را بفرمایید.

حضرت فرمودند: پسرم، از دوستی با احمق بر حذر باش. چون می خواهد سود برساند ولی زیان می رساند. از دوستی با دروغگو بپرهیز. چون دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می دهد. از دوستی با بخیل دوری کن. چون در موقع نیاز تو را تنها می گذارد. و از دوستی با گناهکار و سرکش اجتناب کن. چون در اثر نفاق تو را خواهد فروخت.

3325. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: پسرم آیا می خواهی چهار چیز به تو بیاموزم تا از دکتر بی نیاز شوی؟ فرمود: بله یا امیرالمؤمنین.

حضرت فرمودند: تا گرسنه نشدی، سر سفره منشین. و تا میل به غذا داری، از غذا خوردن دست بردار. غذا را خوب بجو. و قبل از خواب به دستشویی برو. اگر به اینها عمل کنی از دکتر بی نیاز می شوی.

3326. وقيل: جاء رجلٌ إلى أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالبٍ عليه السلام فقال: أسألك عن أربع مسائل، فقال: سل وإن كانت أربعين. فقال: ما الواجب، وما الأوجب؟ وما القريب، وما الأقرب؟ وما العجيب، وما الأعجب؟ وما الصعب، وما الأصعب؟ (1)

قال عليه السلام: أمّا الواجبُ فطاعةُ الله تعالى، وأمّا الأوجبُ فتركُ الذنوب. وأمّا القريبُ فالقيامُ، والأقربُ منها الموت. وأمّا العجيبُ فالدنيا، والأعجبُ منها حبُّ الدنيا. وأمّا الصعبُ فالقبر، والأصعبُ منه الذهابُ بلا زاد. (2)

3327. قال عليه السلام: قدرُ الرجلِ على قدرِ همّتهِ، وصدفُهُ على قدرِ مروّتهِ، وشجاعتهُ على قدرِ أنفثتهِ (3)، وعفّتهُ على قدرِ غيرتهِ. (4)

3328. وعن الحسين (الحسن خ ل) بن عليّ عليه السلام قال: كان أمير المؤمنين عليه السلام بالكوفة في الجامع، إذ قام إليه رجلٌ من أهل الشام، فسأله عن مسائل، فكان فيما سأله أن قال له: أخبرني عن النوم على كم وجه هو؟ فقال:

النوم على أربعه أوجه: الأنبياء عليهم السلام تنام على أفقيتها (5) مستلقية؛ وأعينها لا تنام متوقفة لوحى الله عز وجل، والمؤمن ينام على يمينه مستقبل القبلة، والملوك وأبناؤها تنام على شمائلها ليستمرنوا (6) ما يأكلون، وإبليس وإخوانه وكلُّ مجنون وذى عاهة ينام على وجهه مُنبطحاً. (7)

3329. وقال عليّ عليه السلام: من يضمّن لى خصلةً واحدةً أضمن له أربعة: من يضمّن لى صلبة الرّحم أضمن بحب أهله، وبكثرة ماله، وبطول عمره، وبدخوله جنّة ربه. (8)

3330. وكتب [أمير المؤمنين عليه السلام] كتاباً لشريح القاضي لما ابتاع داراً بالكوفة:

هذا ما اشتري عبدٌ ذليلٌ من ميثٍ قد ازعج للرحيل داراً من دار الغرور من جانب الفانين وخطه الهالكين (9).

ص: 144

- 1- . جامع الأخبار، ص 138، مع اختلافٍ يسير.
- 2- . جامع الأخبار، ص 138، مع اختلافٍ يسير.
- 3- . الأنفة: حمية الأنف، وثوران الغضب لما يتخيّل من مكروه يعرض استنكاراً له واستنكافاً من وقوعه، وظاهر كونه مبدء اللشجاعه فى الإقدام على الأمور (مجمع البحرين: 123/1).
- 4- . نهج البلاغة، ج 4، ص 13، ح 47.
- 5- . القفا: وراء العنق، الجمع: أفضيه (القاموس المحيط: 379/4). والمراد النوم على الظهر.
- 6- . أى ليهضموا.
- 7- . الخصال، ص 263، ح 140.
- 8- . جامع الأخبار، ص 106.
- 9- . خطه - بكسر الخاء -: هى فى الأصل الأرض التى يخطها الإنسان لنفسه؛ أى يُعلم عليها علامه بالخط ليعمرها.

3326. شخصی به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: چهار سؤال دارم. حضرت فرمودند: بپرس حتی اگر چهل سؤال باشد. گفت: واجب چیست؟ و چه چیزی از آن واجب تر است؟ نزدیک چیست؟ و نزدیکتر کدام است؟ عجیب چیست؟ و عجیب تر چیست؟ دشوار چیست؟ و دشوارتر چیست؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: واجب اطاعت خداست. و ترک گناه واجب تر است. قیامت نزدیک است. و مرگ نزدیکتر از آن است. دنیا عجیب است. و علاقه به دنیا عجیب تر است. و دشوار قبر است. و دشوارتر از آن رفتن بدون توشه است.

3327. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ارزش انسان به قدر همت اوست. و صداقت او به اندازه جوانمردی او و شجاعتش به قدر مناعت او و پاکدامنی او به مقدار غیرت اوست.

3328. امام حسین علیه السلام فرمودند: امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه بودند، مردی از اهل شام بلند شد و چند سؤال پرسید، یکی از سؤالها این بود: خواب چند صورت دارد؟ حضرت فرمودند:

خواب چهار نوع است: خواب پیامبران که به قفا می خوابند. و چشمها نمی خوابند. و منتظر وحی هستند. خواب مؤمن که به پهلو راست می خوابد. و رو به قبله است. خواب شاهان و فرزندانشان به پهلو چپ است. تا آنچه خورده اند هضم شود. شیطان و دوستانش و دیوانگان و فجّار به رو می خوابند.

3329. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: هر کس به یک عمل متعهد شود من برای او چهار خصلت را تضمین می کنم: کسی که برای من متعهد شود با خویشان خود صلّه رحم کند، من تضمین می کنم که خویشان او وی را دوست بدارند. مالش بسیار شود. عمرش طولانی شود. و وارد بهشت گردد.

3330. وقتی که شریح قاضی خانه ای در کوفه خرید امیرالمؤمنین علیه السلام به او نامه ای نوشت:

این خانه ای است که بنده ای ذلیل از کسی که در چنگال مرگ است، خریده است. این خانه در سرزمین مرگ و وادی هلاکت است. چهار ضلع آن عبارتند از:

وَيَجْمَعُ هَذِهِ الدَّارَ حُدُودًا أَرْبَعَةً: الْأَوَّلُ يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي (1) الْآفَاتِ، وَالثَّانِي إِلَى دَوَاعِي الْمُصِيبَاتِ، وَالثَّلَاثُ إِلَى الْهَوَى الْمُرْدَى (2). وَالرَّابِعُ إِلَى الشَّيْطَانِ الْمُغْوَى.

يَشْرَعُ بِأَبْنِهِ إِلَى كَوَاذِبِ الْأَمَالِ، وَأَسِيرِ الْغُرُورِ الْمُزْعَجِ (3) بِالْخُرُوجِ مِنْ عِزِّ الْقَنَاعَةِ، وَالِدُخُولِ فِي ذُلِّ الطَّلَبِ، شَهْدَ بِذَلِكَ الْعِلْمِ وَالْعَقْلِ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَسْرِ الْهَوَى، وَسَلِمَ مِنْ عِلَاقِ الدُّنْيَا. (4)

3331. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اغْدُ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا أَوْ مُسْتَمِعًا أَوْ مُجْتَبًا، وَلَا تَكُنِ الْخَامِسَ فَتَهْلِكَ.

أَقُولُ: الْمُرَادُ مِنْ قَوْلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَلَا تَكُنِ الْخَامِسَ» هُوَ مَنْ عَادَى الْعُلَمَاءَ وَأَبْغَضَهُمْ، وَهُوَ مَأْخُودٌ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي ذَكَرَ؛ وَهُوَ قَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنْ اسْتَطَعْتَ فَكُنْ عَالِمًا، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَكُنْ مُتَعَلِّمًا، وَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَأَجِبهُمْ، وَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَلَا تَبْغِضَهُمْ». (5)

3332. وَرُوي عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقُلُوبُ أَرْبَعَةٌ: صَدْرٌ، وَقَلْبٌ، وَفُؤَادٌ، وَلُبٌّ؛ فَالْصَّدْرُ مَوْضِعُ الْإِسْلَامِ: «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ وَلِإِلَهِ لَمْ»، وَالْقَلْبُ مَوْضِعُ الْإِيمَانِ: «أَوَّلُ - كَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ»، وَالْفُؤَادُ مَوْضِعُ الْمَعْرِفَةِ: «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى»، وَاللُّبُّ مَوْضِعُ الذِّكْرِ: «وَلِيذَكَّرَ أَوْلُوهُ الْأَلْبَابِ». (6)

3333. وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَرَأْتُ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ، وَاخْتَرْتُ مِنْ كُلِّ كِتَابٍ كَلِمَةً؛ فَمِنْ التَّوْرَةِ: مَنْ صَمَتَ نَجَا. وَمِنْ الْإِنْجِيلِ: مَنْ قَنَعَ شَبَعَ. وَمِنْ الزَّبُورِ: مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ سَلِمَ مِنَ الْآفَاتِ. وَمِنَ الْفُرْقَانِ: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ». (7)

3334. وَمِمَّا يُنْسَبُ إِلَيْهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ:

ص: 146

1- . الداعية: السبب. ودواعي الدهر صروفه. ودواعي الصدر: همومه. والمراد هنا - ظاهراً - الأول.

2- . المردي: المهلك.

3- . هذه الجملة فيها سقط وتصحيف كما يظهر من روايه النهج والأمالى فيه: «وفيه يشرع باب هذه الدار، اشترى هذا المفتون بالأمل من هذا المزعج بالأجل جميع هذه الدار بالخروج من عز القنوع والدخول في ذل الطلب الخ» نقلناه عن الأمالى، وعبارة النهج قريبه منه.

4- . نهج البلاغه، ج 3، ص 5.

5- . مجموعه ورام، ج 1، ص 84.

6- . أقول: لعل المراد أنه أربعة بحسب اللفظ في مصطلح القرآن وإلا فالكل واحد؛ إذ شرح الصدر باعتبار كون القلب فيه وكذلك الفؤاد واللّب، والذي ينبغي التدبر فيه أن القرآن الكريم نسب العلم والزيغ والضيق والشرح والعمى و... إلى القلوب التي في الصدور، مع تصديق العلوم الطبيعيّة بأن كل ذلك في الدماغ، فراجع وتدبر. ولا بأس بأن يقال: إن المركز الوحيد هو القلب، والدماغ آله لذلك.

7- . جامع الأخبار، ص 183.

ضلع اول به اسباب آفت منتهی می شود. ضلع دوم به سرزمین مصیبت و ضلع سوم به خواهشهای مهلک و ضلع چهارم به ناحیه شیطان گمراه کننده منتهی می شود. درب خانه بسوی آرزوهای کاذب باز می شود. و قیمت آن خارج شدن خریدار اسیر غرور، از عزت قناعت و وارد شدن به ذلت حرص است.

گواه و شاهد این کلام علم و عقلی است که اسیر هوس نباشد. و از وابستگی های دنیا خلاص شده باشد.

3331. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: یا عالم باش یا جوینده علم و یا شنونده و یا دوستدار این گروه و نفر پنجم نباش که هلاک می شوی.

مؤلف گوید: نفر پنجم یعنی کسی که با علما دشمنی دارد. این معنا از سخن آن حضرت استفاده می شود که در جای دیگر فرمودند: اگر می توانی عالم باش اگر نمی توانی دنبال تحصیل علم برو. و اگر نمی توانی آنها را دوست بدار. و اگر نمی توانی با آنان دشمنی نکن.

3332. از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده: قلب چهار نوع است: سینه و قلب و دل و لب. سینه جایگاه اسلام است. قرآن می فرماید: «آن کسی که خدا سینه اش را برای اسلام وسعت داد».

قلب جایگاه ایمان است: «در قلوب آنان ایمان نوشته شده است».

دل جایگاه معرفت است: «دل دروغ نمی گوید و اشتباه نمی کند».

لب و فهم جایگاه یاد خداست: «صاحبان لب خدا را یاد کنند».

3333. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: تورات و انجیل و زبور و قرآن را قرائت کردم و از هر کتاب یک جمله برگزیدم. از تورات: کسی که سکوت کرد نجات یافت. از انجیل: کسی که قانع بود، سیر شد. از زبور: کسی که شهوت را ترک کرد، از آفت سالم ماند. از فرقان: «کسی که به خدا توکل کرد، خدا برای او بس است».

3334. جمالتی به آن حضرت نسبت داده شده است که اشعار عربی است:

أَرْبَعَةٌ فِي النَّاسِ مَيَّزَتْهُمْ أَحْوَالُهُمْ مَكْشُوفَةٌ ظَاهِرَةٌ

فَوَاحِدٌ دُنْيَاهُ مَذْمُومَةٌ يَتَّبِعُهَا آخِرَةٌ فَآخِرَةٌ

وَوَاحِدٌ دُنْيَاهُ مَسْرُورَةٌ لَيْسَ لَهُ مِنْ بَعْدِهَا آخِرَةٌ

وَوَاحِدٌ قَدْ حَازَ كِلْتَيْهِمَا قَدْ حَصَلَ الدُّنْيَا مَعَ الْآخِرَةِ

وَوَاحِدٌ قَدْ ضَاعَ مِنْ بَيْنِهِمْ لَأَحْصَلَ الدُّنْيَا وَلَا الْآخِرَةَ

3335. وَمِمَّا يُنْسَبُ أَيْضًا إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

حُسْنُ الْخِصَالِ مِنَ الصَّلَاةِ (1) مَقْصُودٌ وَالْمَرْءُ بِالْفِعْلِ مَمْدُوحٌ وَمَرْدُودٌ

وَإِنَّمَا يَرْفَعُ الْإِنْسَانَ أَرْبَعَةٌ الْحِلْمُ وَالْعِلْمُ وَالْإِحْسَانُ وَالْجُودُ

3336. قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِلْمُرَائِي أَرْبَعٌ عَلَامَاتٍ: يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ، وَيَسْطُ إِذَا كَانَ فِي النَّاسِ، وَيَزِيدُ فِي الْعَمَلِ إِذَا اثْبَى عَلَيْهِ، وَيَنْقُصُ مِنْهُ إِذَا لَمْ يُشْنِ عَلَيْهِ.

3337. رُوِيَ أَنَّ أَرْبَعَةً مِنَ الرَّهْبَانِيَّةِ أَتَوْا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَمْتَحِنُوهُ، فَقَالُوا: نَسَأَلُهُ عَنْ مَعْنَى وَاحِدٍ بِلَفْظٍ وَاحِدٍ، فَإِنْ أَجَابَ بِجَوَابٍ وَاحِدٍ فَهُوَ نَاقِصٌ.

فَدَخَلَ وَاحِدٌ وَقَالَ: أَجْمَعُ الْمَالَ أَفْضَلُ أَمْ جَمَعُ الْعِلْمِ؟ فَقَالَ: بَلِ جَمْعُ الْعِلْمِ؛ لِأَنَّ الْمَالَ يَنْقُصُ بِالْإِنْفَاقِ وَالْعِلْمُ يَزْدَادُ.

ثُمَّ دَخَلَ الثَّانِي فَسَأَلَهُ مِثْلَ ذَلِكَ، فَقَالَ: بَلِ الْعِلْمِ؛ إِذِ الْعِلْمُ يَحْفَظُ صَاحِبَهُ، وَصَاحِبُ الْمَالِ يَحْفَظُ مَالَهُ.

ثُمَّ دَخَلَ الثَّلَاثُ فَسَأَلَهُ كَذَلِكَ، فَقَالَ: بَلِ الْعِلْمِ؛ لِأَنَّ مَنْ جَمَعَ الْعِلْمَ يَزْدَادُ تَوَاضَعُهُ، وَمَنْ جَمَعَ الْمَالَ يَزْدَادُ تَكَبُّرُهُ.

ثُمَّ دَخَلَ الرَّابِعُ وَسَأَلَهُ كَذَلِكَ، وَقَالَ: بَلِ الْعِلْمِ؛ لِأَنَّ مَنْ جَمَعَ الْعِلْمَ يَزْدَادُ أَحْبَابًا، وَمَنْ جَمَعَ الْمَالَ يَزْدَادُ أَعْدَاؤُهُ. (2)

ص: 148

1- الصلصال: الطين اليابس الذي يصوت؛ أي حسن الخلق مطلوب حتى من الصلصال أو حتى من الإنسان حال كونه صلصالاً.

2- شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 180. (روى أن أربعه الخ...)

مردم را در چهار گروه متمایز دیدم که احوال آنان روشن است:

یک گروه دنیایش ناپسند است و آخرت فاخر بدنبال دارند.

گروه دیگر در دنیا مسرورند ولی آخرت ندارند.

گروه دیگر هم دنیا دارند و هم آخرت که هر دورا با هم بدست آورده اند.

گروه چهارم کسانی هستند که هم دنیا و آخرت خود را ضایع کرده اند، و چیزی ندارند.

3335. این جملات نیز به شکل رباعی عربی است به آن حضرت نسبت داده شده است:

هدف از خلقت، اخلاق و صفات نیکوست. و انسان به رفتار خود نکوهش یا ستایش می شود.

و چهار چیز انسان را بالا می برد: بردباری، علم، نیکوئی و بخشندگی.

3336. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ریاکار چهار علامت دارد: در تنهایی کسل است. در میان مردم با نشاط است. اگر او را

تعریف کنند، بیشتر کار می کند. و اگر تمجید نکنند، کم کاری می کند.

3337. چهار راهب نصرانی برای آزمایش کردن نزد آن حضرت رفتند. و با هم تباری کردند که از یک مسئله سؤال کنند. و گفتند: جداگانه

هر کدام از او می پرسیم، اگر به همه یک جواب داد، علم او ناقص است.

اولی رفت و پرسید: جمع کردن مال بهتر است یا اندوختن علم؟ حضرت فرمودند:

اندوختن علم بهتر است. چون مال با خرج کردن کم می شود. ولی علم بیشتر می شود.

دومی رفت و پرسید: حضرت جواب دادند: علم بهتر است. چون علم صاحبش را حفظ می کند. ولی صاحب مال باید از مال محافظت

کند.

سومی پرسید: حضرت جواب دادند: علم بهتر است. چون اندوختن علم تواضع و فروتنی را بیشتر می کند، اما اندوختن مال تکبر را زیاد

می کند.

چهارمی پرسید: حضرت جواب دادند: علم برتر است. چون اندوختن علم دوستان انسان را زیاد می کند، اما مال دشمنان انسان را بیشتر

می کند.



3338. وَعَنْ كُمْبِلِ بْنِ زِيَادٍ، قَالَ: سَأَلْتُ مَوْلَانَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَرِيدُ أَنْ تُعَرِّفَنِي نَفْسِي، قَالَ: يَا كُمْبِلُ، أَيُّ الْأَنْفُسِ تُرِيدُ أَنْ أَعْرِفَكَ؟ قُلْتُ: يَا مَوْلَايَ، وَهَلْ هِيَ الْإِنْفُسُ وَاحِدَةٌ؟ فَقَالَ: يَا كُمْبِلُ، إِنَّمَا هِيَ أَرْبَعَةٌ: النَّامِيَةُ النَّبَاتِيَّةُ، وَالْحَسِيَّةُ الْحَيَوَانِيَّةُ، وَالتَّاطِقَةُ الْقُدْسِيَّةُ، وَالْمَلَكَةُ (1) الْإِلَهِيَّةُ؛ وَلِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْ هَذِهِ خَمْسُ قُوَى وَخَاصِّيَّتَانِ:

فَالنَّامِيَةُ النَّبَاتِيَّةُ لَهَا خَمْسُ قُوَى: مَاسِكَةٌ، وَجَازِبَةٌ، وَهَاضِمَةٌ، وَدَافِعَةٌ، وَمُرِّيَّةٌ. وَلَهَا خَاصِّيَّتَانِ:

الرِّيَازَةُ وَالتَّقْصَانُ، وَانْبِعَاطُهَا (2) مِنَ الْكِبِدِ، وَهِيَ أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِأَنْفُسِ الْحَيَوَانِ.

وَالْحَسِيَّةُ الْحَيَوَانِيَّةُ لَهَا خَمْسُ قُوَى: سَمْعٌ، وَبَصَرٌ، وَشَمٌّ، وَذَوْقٌ، وَلَمْسٌ. وَلَهَا خَاصِّيَّتَانِ: الرِّضَى وَالْغَضَبُ، وَانْبِعَاطُهَا مِنَ الْكِبِدِ، وَهِيَ أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِأَنْفُسِ السَّبَاعِ.

وَالنَّاطِقَةُ الْقُدْسِيَّةُ لَهَا خَمْسُ قُوَى: فِكْرٌ، وَذِكْرٌ، وَعِلْمٌ، وَجِلْمٌ، وَنِبَاهَةٌ (3)، وَلَيْسَ لَهَا انْبِعَاطٌ، وَهِيَ أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِأَنْفُسِ الْمَلَائِكَةِ. وَلَهَا خَاصِّيَّتَانِ: التَّرَاهَةُ وَالْحِكْمَةُ.

وَالْمَلَكَةُ الْإِلَهِيَّةُ لَهَا خَمْسُ قُوَى: بَقَاءٌ فِي فَنَاءٍ، وَنَعِيمٌ فِي شَقَاءٍ، وَعِزٌّ فِي ذُلٍّ، وَفَقْرٌ فِي غِنَاءٍ، وَصَبْرٌ فِي بَلَاءٍ. وَلَهَا خَاصِّيَّتَانِ: الْجِلْمُ وَالْكَرْمُ، وَهَذِهِ الَّتِي مَبْدُؤُهَا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَإِلَيْهِ تَعَوْدُ؛ لِقَوْلِهِ تَعَالَى:

«فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا»، وَأَمَّا عَوْدُهَا فَلِقَوْلِهِ تَعَالَى: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَلِّ - نَهْ \* اِرْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً»، وَالْعَقْلُ وَسَطًا (4) لِكَيْلَا يَعْقِلُ أَحَدُكُمْ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ إِلَّا بِقِيَاسٍ مَعْقُولٍ (5).

3339. يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ، وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ، مَسَاجِدُهُمْ يَوْمَئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ، خَالِيَةٌ مِنَ الْهُدَى. غَارَ (6) الصِّدْقِ، وَفَاضَ (7) الْكُذْبِ، وَاسْتَعْمَلَتِ الْمَوَدَّةَ بِاللِّسَانِ، وَتَشَاجَرَ النَّاسُ بِالْقُلُوبِ. الْكَافِرُ: الدُّنْيَا جَنَّتُهُ، وَالْعَاجِلُ هَمَّتُهُ، وَالْمَوْتُ شَقَاؤُهُ، وَالتَّارُ غَايَتُهُ (8).

ص: 150

- 1- . بحار الأنوار: (الكَلِيَّةُ الْإِلَهِيَّةُ) هنا وفيما سيأتي.
- 2- . الانبعاث: قبول البعث والهيجان؛ أي نشوؤها من الكبد.
- 3- . نباهه - بالفتح -: الشرف والفظنه وضد الخمول، والظاهر هنا الفطنة.
- 4- . كذا، وفي بحار الأنوار: «والعقل في وسط الكل». وقال العلامة المجلسي بعد ذكر هذه الرواية: أقول: هذه الاصطلاحات لم تكن توجد في الأخبار المعتمدة المتداوله، وهي شبيهه بأضغاث أحلام الصوفيه (بحار الأنوار: 85/58).
- 5- . بحار الأنوار، ج 58، ص 84.
- 6- . غار الماء غوراً: ذهب في الأرض وسفل فيها (أقرب الموارد: غور).
- 7- . فاض الماء: كثر (لسان العرب: فيض).
- 8- . بحار الأنوار، ج 4، ص 369.

3338. کمیل از حضرت پرسید: یا امیرالمؤمنین نفس مرا به من معرفی فرمائید. حضرت فرمودند: یا کمیل؛ کدام نفس را می خواهی به تو معرفی کنم؟ کمیل پرسید: مگر بیشتر از یک نفس داریم؟

حضرت فرمودند: ای کمیل چهار نفس وجود دارد. و هر کدام پنج قدرت و دو خاصیت دارند.

نفس نامیه و روینده است که پنج قدرت دارد. قدرت نگه داری، جاذبه، هضم کننده و دفع کننده و پرورش دهنده. و این نفس دو خاصیت افزایش و نقصان دارد. و منشاء این نفس از کبد است و به حیوان بیشترین شباهت را دارد.

نفس حسی و حیوانی که قوای پنج گانه آن عبارتند از: گوش، چشم و بویایی و ذائقه و لامسه. دو خاصیت آن عبارتند از خشنودی و خشم. از کبد منبعث می شود. و به نفس درندگان بیشترین شباهت را دارد.

نفس ناطقه قدسی قوای پنج گانه آن عبارتند از: فکر و ذکر و علم و بردباری و زکاوت. این نفس انبعاث ندارد. و به فرشتگان بیشترین شباهت را دارد. و دو خاصیت آن عبارتند از:

پاکیزگی و حکمت.

نفس الهی، قوای پنج گانه آن عبارتند از: بقاء در فنا، و نعمت در بدبختی، و عزت در خواری، و فقر در ثروت، و صبر در بلا.

دو خاصیت آن بردباری و کرامت است. مبداء این نفس از خداوند متعال است. که خدا فرمود: «از روح خود در آن دمیدیم»، و بازگشت آن هم به سوی خداست که فرمود: «ای نفس مطمئن، بسوی پروردگارت بازگرد. در خشنودی و رضایت».

و عقل وسط است تا کسی از شما، جز با مقیاس عقلی چیزی از خیر و شر را نداند.

3339. زمانی خواهد آمد که برای مردم از قرآن جز رسم آن و از اسلام جز اسم آن باقی نماند.

ساختمان مسجدها آباد است، ولی از هدایت خالی می شوند. راستگویی می رود، و دروغگویی فراوان می شود. بر زبان دوستی جاری است، و در دلها مردم از هم متنفرند.

برای کافر دنیا بهشت است، و همشش صرف دنیا می شود، و مرگ بدبختی او و عاقبتش دوزخ است.

3340. عَادَةُ النَّبَلَاءِ (1) السَّخَاءُ وَالكَظْمُ وَالْعَفْوُ وَالْحِلْمُ. (2)

3341. مَا أَرَاكُمْ إِلَّا شَبَاحًا بِلَا أَرْوَاحٍ، وَأَرْوَاحًا بِلَا فَلَاحٍ، وَنَسَاكًا بِلَا صَلَاحٍ، وَتُجَارًا بِلَا أَرْبَاحٍ. (3)

3342. نَحْنُ أَمْنَاءُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَمُقِيمُو الْحَقِّ فِي بِلَادِهِ، بِنَا يَنْجُو الْمُوَالِي، وَبِنَا يَهْلِكُ الْمُعَادِي. (4)

3343. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، عَزِيمَةُ الْإِيمَانِ، وَفَاتِحَةُ الْإِحْسَانِ، وَمَرْضَاةُ الرَّحْمَنِ، وَمَدْحَرَةُ (5) الشَّيْطَانِ. (6)

3344. مَا أَسْرَعَ السَّاعَاتِ فِي الْأَيَّامِ، وَأَسْرَعَ الْأَيَّامِ فِي الشُّهُورِ، وَأَسْرَعَ الشُّهُورِ فِي السَّنَةِ، وَأَسْرَعَ السَّنَةِ فِي الْعُمُرِ. (7)

3345. قَدْ تَوَاحَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ، وَتَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ، وَتَحَابَبُوا عَلَى الْكُذْبِ، وَتَبَاعَضُوا عَلَى الصِّدْقِ.

قَدْ خَاضُوا بِحَارِ الْفِتَنِ، وَأَخَذُوا بِالْبِدَعِ دُونَ السُّنَنِ، وَتَوَعَّلُوا الْجَهْلَ، وَأَطْرَحُوا الْعِلْمَ. (8)

3346. (لَا تَكُنْ مِمَّنْ) يُبَالِغُ إِذَا سَأَلَ، وَيُقَصِّرُ إِذَا عَمِلَ، يَخْشَى الْمَوْتَ، وَلَا يُبَادِرُ الْفَوْتَ. (9)

3347. قَدْ ظَهَرَ أَهْلُ الشَّرِّ، وَبَطَنَ أَهْلُ الْخَيْرِ، وَفَاضَ الْكُذْبُ، وَغَاضَ (10) الصِّدْقُ. (11)

3348. لَا تَأْمَنَ عَدُوَّكَ، وَلَا تَقْرَعَ إِلَى صَدِيقِكَ (12)، وَاقْبَلِ الْعُذْرَ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا، وَدَعْ الْجَوَابَ عَنْ قُدْرِهِ وَإِنْ كَانَ لَكَ. (13)

3349. هُوَ هُدًى لِمَنْ اتَّخَذَهُ، وَزِينَةٌ لِمَنْ تَحَلَّى بِهِ، وَعِصْمَةٌ لِمَنْ اعْتَصَمَ بِهِ، وَحَبْلٌ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ. (14)

3350. مَا أَقْبَحَ الْقَطِيعَةَ بَعْدَ الصُّلْبِ، وَالْجَفَاءَ بَعْدَ الْإِخَاءِ، وَالْعَدَاوَةَ بَعْدَ الصَّفَاءِ، وَزَوَالَ الْأَلْفِ بَعْدَ اسْتِحْكَامِهَا. (15)

3351. يَسْتَدَلُّ عَلَى إِدْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعِ الْأُصُولِ، وَالتَّمَسُّكِ بِالْفُرُوعِ، وَتَقْدِيمِ الْأَرَاذِلِ، وَتَأْخِيرِ الْأَفْضَلِ. (16)

ص: 152

1- . النَّبْلُ: الذِّكَاؤُ وَالنَّجَابَةُ، وَقَدْ نَبِلَ وَهُوَ نَبِيلٌ، وَقِيلَ: نَبِيلٌ: أَي حَازِقٌ (لِسَانَ الْعَرَبِ: نَبِل).

2- . تَصْنِيفُ غُرَرِ الْحِكْمِ، ص 436، ح 9983.

3- . عِيُونَ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظُ، ص 480.

4- . عِيُونَ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظُ، ص 499.

5- . دَحْرَةٌ دَحْرًا وَمَدْحَرَةٌ: طَرْدَةٌ وَأَبْعَدَةٌ (أَقْرَبُ الْمَوَارِدِ: دَحْر).

6- . عِيُونَ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظُ، ص 543.

7- . عِيُونَ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظُ، ص 480.

8- . تَصْنِيفُ غُرَرِ الْحِكْمِ، ص 123، ح 2146.

9- . نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، ج 4، ص 39، ح 150.

10- . غَاضَ الْمَاءُ: نَقَصَ أَوْ غَارَ فَذَهَبَ (لِسَانَ الْعَرَبِ: غَيْض).

- 11- . عيون الحكم والمواعظ، ص 366.
- 12- . فى غرر الحكم: «ولا تَقْرَع صَدِيقَكَ»، والظاهر أنه الصواب.
- 13- . عيون الحكم والمواعظ، ص 529.
- 14- . عيون الحكم والمواعظ، ص 513.
- 15- . عيون الحكم والمواعظ، ص 484.
- 16- . تصنيف غرر الحكم، ص 342، ح 7835.

3340. عادت مردم نجیب و زیرک، سخاوت و فرو بردن خشم و عفو و بردباری است.

3341. شما را جز شیخ بدون روح و روح بدون رستگاری و عابدانی بدون صلاح و تجارت شما را بدون سود، نمی بینم.

3342. ما [اهل بیت] امین خداوند سبحان بر بندگان او و برپا دارنده حق در جوامع هستیم. دوستان ما نجات می یابند. و دشمنان ما نابود می شوند.

3343. ذکر لا اله الا الله سررشته ایمان و سرآغاز احسان و موجب رضایت خداوند و دور کننده شیطان است.

3344. ساعت ها در روز و روزها در ماه و ماهها در سال و سالها در عمر با سرعت می گذرند.

3345. مردم برای انجام دادن گناهان برادری می کنند. و به خاطر دین از هم دور می شوند. همدیگر را برای دروغ گفتن به هم دوست دارند. و از صداقت بیزارند.

در دریاهاى فتنه شناورند. و بجای سنتها بدعتها را می پذیرند، و در جهالت فرو رفته اند و علم را کنار می زنند.

3346. چنان مباش که هنگام درخواست، مبالغه و هنگام عمل، کوتاهی کنی و از مرگ بترسی و نگران از دست دادن فرصت نباشی.

3347. اهل شرارت، آشکار و اهل خیر، پنهان و دروغ، فراوان و صداقت، کمیاب شده است.

3348. از دشمن ایمن مباش. و به دوست خود مکر نکن. و عذر را بپذیر. گرچه دروغ باشد. و در هنگام قدرت جواب مده. گرچه حق با توست.

3349. او هدایت است برای کسی که به او اقتدا کند. و زینت است برای کسی که خود را به او بیاراید.

و نگه دارنده است برای کسی که به او چنگ زند. و رشته محکم است برای کسی که به او بیاویزد.

3350. چقدر زشت است قطع رابطه بعد از ارتباط و ستم بعد از برادری و دشمنی بعد از صفاء و نابودی الفت بعد از برقراری آن.

3351. دلیل افول دولتها چهار چیز است: ضایع کردن اصول، دست آویختن به فروع و مقدم کردن اراذل و کنار زدن نخبگان.

3352. يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِدْبَارِ بِأَرْبَعٍ: سَوْءِ التَّدْبِيرِ، وَقُبْحِ التَّبْدِيرِ، وَقَلَّةِ الْإِعْتِبَارِ، وَكَثْرَةِ الْإِعْتِرَارِ. (1)

3353. يُسْتَدَلُّ عَلَى الْعَاقِلِ بِأَرْبَعٍ: بِالْحَزْمِ، وَالْإِسْتِظْهَارِ، وَقَلَّةِ الْإِعْتِرَارِ، وَتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ.

3354. لَا تَتِمُّ مُرُوءَةُ الرَّجُلِ حَتَّى يَتَّفِقَهُ فِي دِينِهِ، وَيَقْتَصِدَ فِي مَعِيشَتِهِ، وَيَصْبِرَ عَلَى النَّائِبَةِ إِذَا نَزَلَتْ بِهِ، وَيَسْتَعْدِبَ مَرَارَةَ إِخْوَانِهِ. (2)

3355. قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَصِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مُرُوءَتِهِ، وَشَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ أَنْفَتِهِ (3)، وَعَفَّتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ. (4)

3356. (قال عليه السلام في وصف النار:) غَمْرٌ (5) قَرَاظُهَا، مُظْلِمَةٌ أَقْطَارُهَا، حَامِيَةٌ قُدُورُهَا، فَظِيغَةٌ أَمُورُهَا. (6)

3357. يُعْجِبُنِي أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ حَسَنَ الْوَرَعِ، مُتَنَزِّهًا عَنِ الطَّمَعِ، كَثِيرَ الْإِحْسَانِ، قَلِيلَ الْإِمْتِنَانِ. (7)

3358. الْكَرِيمُ (مَنْ) يَعْفُو مَعَ الْقُدْرَةِ، وَيَعْدِلُ مَعَ الْإِمْرَةِ، وَيَكُفُّ إِسَاءَتَهُ، وَيُبْدِلُ إِحْسَانَهُ. (8)

3359. (لَا تَكُنْ مِمَّنْ) يَقُولُ فِي الدُّنْيَا يَقُولِ الرَّاهِدِينَ، وَيَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاهِغِينَ، إِنْ أُعْطِيَ مِنْهَا لَمْ يَشْبِعْ، وَإِنْ مُنِعَ مِنْهَا لَمْ يَقْنَعْ. (9)

3360. يَنْبَغِي لِلْعَالِمِ أَنْ يَكُونَ صَدُوقًا لِيُؤْمَنَ عَلَى مَا قَالَ، وَأَنْ يَكُونَ شَكُورًا لِيَسْتَوْجِبَ الْمَزِيدَ، وَأَنْ يَكُونَ حَمُولًا لِيَسْتَحِقَّ السِّيَادَةَ، وَأَنْ يَعْمَلَ بِعِلْمِهِ لِيَقْتَدِيَ النَّاسَ بِهِ. (10)

3361. قِوَامُ الدُّنْيَا بِأَرْبَعٍ: عَالِمٍ يَعْمَلُ بِعِلْمِهِ، وَجَاهِلٍ لَا يَسْتَنْكِفُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَغَنِيِّ يَجُودُ بِمَالِهِ عَلَى الْفُقَرَاءِ، وَفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا؛ فَإِذَا لَمْ يَعْمَلِ الْعَالِمُ بِعِلْمِهِ اسْتَنْكَفَ الْجَاهِلُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَإِذَا بَخَلَ الْغَنِيُّ بِمَالِهِ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا. (11)

3362. مَا كَذَبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ، وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضُلِّتُ بِي. (12)

ص: 154

1- . عيون الحكم والمواعظ، ص 522.

2- . تحف العقول، ص 223.

3- . أَنْفَ مِنَ الشَّيْءِ أَنْفَهُ: حَمِيٌّ، اسْتَنْكَفَ (لسان العرب: أنف).

4- . نهج البلاغه، ج 4، ص 13، ح 47.

5- . غَمْرُ الْخُلُقِ: أَيْ وَاسِعُ الْخُلُقِ، وَغَمْرَةُ الْمَوْتِ: شِدَّةُ هُمُومِهِ (لسان العرب: غمر).

6- . عيون الحكم والمواعظ، ص 349.

7- . عيون الحكم والمواعظ، ص 554.

8- . عيون الحكم والمواعظ، ص 63.

9- . نهج البلاغه، ج 4، ص 38.

10- . تحف العقول، ص 364، مع اختلافٍ يسير.

11- . عيون الحكم والمواعظ، ص 370.



3352. دلیل عقب ماندگی چهار چیز است: تدبیر بد، زشتی اسراف، عبرت نگرفتن و غرور زیاد.

3353. به چهار چیز برای عاقل بودن استدلال می شود: دوراندیشی، پشت گرمی و فریب نخوردن و راز داری.

3354. جوانمردی کسی کامل نمی شود مگر با فهمیدن و آموختن دین، و میانه روی در معاش و صبر در مشکلاتی که پیش می آید و شریک شدن در غم برادر دینی او.

3355. ارزش انسان به اندازه همّت او و صداقتش به قدر جوانمردی او و شجاعتش به مقدار مناعتش و پاکدامنی او به قدر غیرت اوست.

3356. امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف دوزخ فرمودند: دامنه اش گسترده، زوایایش ظلمانی و شعله هایش فراگیر و عذابش جانکاه است.

3357. خوشم می آید از کسی که پرهیزکاری او زیبا و از طمع پیراسته و نیکوکاری او بسیار و منت نهادنش کم باشد.

3358. انسان کریم با وجود قدرت عفو می کند. و در حکومت عادل است. و از بدی خودداری می کند. و نیکی خود را به دیگران بذل می نماید.

3359. چنان مباش که درباره دنیا چون زاهد سخن گوید، و در عمل شیفته دنیا است. و اگر از دنیا هرچه به او بدهند سیر نمی شود. و اگر به او ندهند قانع نیست.

3360. شایسته است که عالم راستگو باشد. تا مردم در آنچه می گوید اعتماد کنند. و شکرگزار باشد تا بر نعمت او افزوده شود. و تحمل او زیاد باشد تا سزاوار بزرگی شود. و به علم خود عمل کند تا مردم به او اقتدا کنند.

3361. استواری دنیا به چهار چیز است: عالمی که علم خود را بکار گیرد، و جاهلی که از آموختن خودداری نکند. و ثروتمندی که از مال خود به فقرا ببخشد. و فقیری که آخرتش را به دنیا نفروشد. اگر عالم به علم خود عمل کند، جاهل از آموختن استتکاف می کند. و اگر ثروتمند از مال خود بخل ورزد، فقیر آخرتش را به دنیا می فروشد.

3362. دروغ نگفتم، و دروغ به من گفته نشده. و گمراه نشدم. و کسی را هم گمراه نکردم.



3363. عَقْلُ الْمَرْءِ نِظَامُهُ، وَأَدَبُهُ قِيَامُهُ، وَصِدْقُهُ إِمَامُهُ، وَشُكْرُهُ تَمَامُهُ. (1)

3364. الْعَقْلُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ، وَالْجِلْمُ وَزِيرُهُ، وَالرَّفْقُ وَالِدُهُ، وَاللِّينُ أَخُوهُ. (2)

3365. الْعِلْمُ أَفْضَلُ الْكُنُوزِ وَأَجْمَلُهَا؛ خَفِيفُ الْمَحْمَلِ، عَظِيمُ الْجَدْوَى (3)، فِي الْمَلَأِ جَمَالٌ، وَفِي الْوَحْدَةِ انْسٌ. (4)

3366. لَا تَغْضِبُوا وَلَا تُغْضِبُوا، أَفْشُوا السَّلَامَ، وَأَطِيبُوا الْكَلَامَ. (5)

3367. كُنْ بِالْمَعْرُوفِ أَمِراً، وَعَنِ الْمُنْكَرِ نَاهِياً، وَبِالْخَيْرِ عَامِلاً، وَلِلشَّرِّ مَانِعاً. (6)

3368. كُنْ بِالْمَعْرُوفِ أَمِراً، وَعَنِ الْمُنْكَرِ نَاهِياً، وَلِمَنْ قَطَعَكَ وَاصِلاً، وَلِمَنْ حَرَمَكَ مُعْطِياً. (7)

3369. الْمُصْطَبُ إِلَى اللَّئِيمِ كَمَنْ طَوَّقَ الْخِنْزِيرَ تَبِراً، وَقَرَّطَ (8) الْكَلْبَ دُزَّاً، وَالْبَسَ الْجِمَارَ وَشِياً، وَالْقَمَ الْأَفْعَى شَهْداً. (9)

3370. مَنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ؛ أَعْمَاهُ وَأَصَمَّهُ وَأَذَلَّهُ وَأَضَلَّهُ. (10)

3371. مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكْمَلَ إِيمَانَهُ فَلْيَكُنْ حُبُّهُ لِلَّهِ، وَبُغْضُهُ لِلَّهِ، (وَرِضَاهُ لِلَّهِ)، وَسَخَطُهُ لِلَّهِ. (11)

3372. مَنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَمْدَحَ نَفْسَهُ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ فَهُوَ خَلِيقٌ بِأَنْ لَا يَنْزِلَ بِهِ مَكْرُوهٌ أَبَداً. قِيلَ: وَمَا هُنَّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: الْعَجَلَةُ، وَاللَّجَاجَةُ، وَالْعُجْبُ، وَالتَّوَانِي (12). (13)

3373. مَنْ اشْتَقَّ خَدَمَ، وَمَنْ خَدَمَ اتَّصَلَ، وَمَنْ اتَّصَلَ وَصَلَ، وَمَنْ وَصَلَ عَرَفَ. (14)

3374. لَا يَزُولُ قَدَمُ ابْنِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ عُمْرِهِ فِيْمَ أَفْنَاهُ، وَعَنْ شَبَابِهِ فِيْمَ أَبْلَاهُ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيْمَ أَنْفَقَهُ، وَعَمَّا عَمِلَ فِيْمَا عَلِمَ. (15)

3375. مَنْ أَعْطَى فِي اللَّهِ، وَمَنَعَ فِي اللَّهِ، (وَأَحَبَّ فِي اللَّهِ)، (وَأَبْغَضَ فِي اللَّهِ)؛ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ. (16)

ص: 156

1- . تصنيف غررالحكم، ص 277، ح 6123.

2- . تحف العقول، ص 203.

3- . الجدوى: النَّفْعُ (أقرب الموارد: جدو).

4- . شرح نهج البلاغ، ج 20، ص 339، ح 885.

5- . الكافي، ج 2، ص 645، ح 7.

6- . عيون الحكم والمواعظ، ص 393.

7- . تصنيف غررالحكم، ص 332، ح 7641 مع طياً معطياً.

8- . قَرَّطَ الْجَارِيَةَ: الْبَسَّهَا الْقُرْطَ وَهُوَ الَّذِي يُعَلَّقُ فِي شَحْمَةِ الْأُذُنِ مِنْ دُرِّهِ وَنَحْوِهَا (أقرب الموارد: قرط).

- 9- . شرح نهج البلاغ، ج 20، ص 335، ح 841.
- 10- . تصنيف غررالحكم، ص 65، ح 836.
- 11- . تصنيف غررالحكم، ص 88، ح 1473.
- 12- . تَوَانِي فِي حَاجَتِهِ: قَصَّرَ وَفَتَّرَ وَلَمْ يُبَادِرْ إِلَى ضَبْطِهَا (أقرب الموارد: ونى).
- 13- . تحف العقول، ص 222.
- 14- . شرح نهج البلاغ، ج 20، ص 342، ح 933.
- 15- . شرح نهج البلاغ، ص 259، ح 33.
- 16- . تصنيف غررالحكم، ص 88، ح 1474.

3363. عقل انسان نظام اوست. و ادب قوام او. و صداقت امام او. و شکرگزاری تمام او.

3364. عقل، دوست صمیمی مؤمن است. بردباری، وزیر او و مدارا کردن، پدر او و ملایمت، برادر اوست.

3365. علم برترین و زیباترین گنجهاست، جابجایی آن آسان، نفع آن بسیار، و در آشکار زیبایی و در خلوت مونس انسان است.

3366. خشمگین نشوید. و دیگران را خشمگین نکنید. بلند سلام کنید. و سخن سنجیده بگویید.

3367. به کارهای خوب امر کن. و از کارهای بد نهی بنما. و به کار خیر مشغول باش. و از شرارت منع کن.

3368. به واجبات امر کنید. و از کارهای بد نهی نمایید. و با کسی که از شما بریده پیوند برقرار کنید.

و به کسی که شما را محروم کرده عطا کنید.

3369. کسی که به فرومایه احسان نماید چون کسی است که گردنبنده گردن خوک انداخته. و گوشواره در به گوش سگ کند. و لباس فاخر به الاغ بپوشاند. و انگشت عسل به دهان افعی کند.

3370. کسی که بدنبال هوس خود باشد، او را کور و کر و ذلیل و گمراه می کند.

3371. کسی که دوست دارد ایمانش را کامل کند، باید برای خدا دوست بدارد. برای خدا متنفر باشد. برای خدا خشنود شود. و برای خدا خشمگین گردد.

3372. کسی که بتواند خودش را از چهار چیز بازدارد شایسته است که هیچوقت گرفتار نشود.

پرسیدند: آن چهار چیز کدام است؟ فرمودند: عجله و لجاجت و خود پسندی و تنبلی.

3373. کسی که مشتاق است خدمت می کند. و کسی که خدمت می کند متصل می شود. و کسی که متصل می شود می رسد. و کسی که برسد معرفت یابد.

3374. در قیامت کسی قدم بر ندارد مگر اینکه از او سؤال شود: عمرش را چگونه گذرانده؟ جوانی را چگونه سپری کرده؟ و مالش را از کجا بدست آورده و چگونه مصرف کرده؟ و به آنچه می دانست عمل کرده است یا نه؟

3375. کسی که برای خدا عطا کند و برای خدا منع کند و برای خدا دوست بدارد و برای خدا نفرت دارد، ایمانش کامل است.

3376. مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ، وَمَنْ سَأَلَهُ أَعْطَاهُ، وَمَنْ أَوْضَعَهُ قَضَاهُ، وَمَنْ شَكَرَهُ جَزَاهُ. (1)

3377. لِلْمُؤْمِنِ عَقْلٌ وَفِيٌّ، وَجِلْمٌ مَرَضِيٌّ، وَرَغَبَةٌ فِي الْحَسَنَاتِ، وَفَرَارٌ مِنَ السَّيِّئَاتِ. (2)

3378. مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ: الْبِرُّ، وَإِخْفَاءُ الْعَمَلِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا، وَكِتْمَانُ الْمَصَائِبِ. (3)

3379. الْمَنْجَمُ كَالكَاهِنِ، وَالكَاهِنُ كَالسَّاحِرِ، وَالسَّاحِرُ كَالكَاْفِرِ، وَالكَاْفِرُ فِي النَّارِ. (4)

3380. (قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ الْأَمْرَيْنِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهِيْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ): مِنْهُمُ الْمُنْكَرُ لِلْمُنْكَرِ بِيَدِهِ وَلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ؛ فَذَلِكَ الْمُسْتَكْمِلُ لِخِصَالِ الْخَيْرِ، وَمِنْهُمُ الْمُنْكَرُ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ وَالتَّارِكُ بِيَدِهِ؛ فَذَلِكَ الْمُتَمَسِّكُ بِخَصَلَتَيْنِ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَمُضَيِّعُ خَصَلَةٍ، وَمِنْهُمُ الْمُنْكَرُ بَقَلْبِهِ وَالتَّارِكُ بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ؛ فَذَلِكَ مُضَيِّعُ أَشْرَفِ الْخَصَلَتَيْنِ مِنَ الثَّلَاثِ وَمُتَمَسِّكٌ بِوَاحِدَةٍ، وَمِنْهُمُ تَارِكٌ لِإِنْكَارِ الْمُنْكَرِ بَقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ وَيَدِهِ؛ فَذَلِكَ مَيِّتٌ [بَيْنَ] الْأَحْيَاءِ. (5)

3381. الْمُؤْمِنُ: الدُّنْيَا مِضْمَارُهُ، وَالْعَمَلُ هِمَّتُهُ، وَالْمَوْتُ تَحَفُّتُهُ، وَالْجَنَّةُ سَبَقَتُهُ. (6). (7)

3382. الْمُؤْمِنُ بَيْنَ نِعَمِهِ وَخَطِيئَتِهِ، لَا يُصْلِحُهُمَا إِلَّا الشُّكْرُ وَالِاسْتِغْفَارُ. (8)

3383. الْمُؤْمِنُ حَيٌّ، غَنِيٌّ، مَوْقِنٌ، تَقِيٌّ. (9)

3384. الْمُؤْمِنُ قَرِيبٌ أَمْرُهُ، بَعِيدٌ هَمُّهُ، كَثِيرٌ صَمْتُهُ، خَالِصٌ عَمَلُهُ. (10)

3385. الْمُؤْمِنُ مَنْ كَانَ حُبُّهُ لِلَّهِ، وَبُغْضُهُ لِلَّهِ، وَأَخْذُهُ لِلَّهِ، وَتَرْكُهُ لِلَّهِ. (11)

3386. الْمُؤْمِنُونَ أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ، وَحَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ، وَخَيْرَاتُهُمْ مَأْمُولَةٌ، وَشُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ. (12)

ص: 158

- 1- . نهج البلاغه، ج 1، ص 159.
- 2- . تصنيف غررالحكم، ص 91، ح 1564.
- 3- . تحف العقول، ص 200.
- 4- . نهج البلاغه، ج 1، ص 128.
- 5- . تصنيف غررالحكم، ص 332، ح 7651.
- 6- . السُّبُقَةُ: الْخَطَرُ يَوْضَعُ بَيْنَ أَهْلِ السَّبَاقِ وَهُوَ مَا يَتْرَاهُنُونَ عَلَيْهِ (أَقْرَبُ الْمَوَارِدِ: سَبَقُ).
- 7- . تصنيف غررالحكم، ص 90، ح 1534.
- 8- . تصنيف غررالحكم، ص 90، ح 1527.
- 9- . تصنيف غررالحكم، ص 90، ح 1530.
- 10- . تصنيف غررالحكم، ص 90، ح 1536.

11- . تصنيف غررالحكم، ص 89، ح 1524.

12- . تصنيف غررالحكم، ص 273، ح 5981.

3376. کسی که به خدا توکل کند، خدا او را کفایت کند. و کسی که از خدا طلبد، او عطا کند. و کسی که از خدا قرض بخواهد، خدا حاجتش را روا کند و کسی که شکر کند، خدا پاداش دهد.

3377. مؤمن عقل جامع و بردباری پسندیده و تمایل به حسنات دارد. و از بدیها فرار می کند.

3378. از گنجهای بهشت، نیکوکاری و پنهان داشتن عمل [خوب] و صبر در ناملایمات و کتمان مصیبت هاست.

3379. منجم مثل کاهن است. و کاهن مثل جادوگر. و جادوگر مثل کافر. و کافر هم در دوزخ است.

3380. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند فرمودند: بعضی از آنها کار زشت را با دست و زبان و قلب خود انکار می کنند. اینان خصلتهای خیر را بطور کامل دارند. بعضی با زبان و قلب انکار می کنند اما در عمل ترک می کنند. اینان دو خصلت از خصلتهای خیر را دارند و یک خصلت را ضایع کرده اند. بعضی فقط با قلب انکار می کنند اما با زبان و عمل کاری انجام نمی دهند. اینان دو خصلت برتر را ضایع کرده اند و فقط یک خصلت را نگه داشته اند. بعضی نهی از منکر را با قلب و زبان و عمل ترک کرده اند. اینان مرده هایی در بین زندگان هستند.

3381. برای مؤمن دنیا چون میدان مسابقه است. و همت او عمل کردن و مرگ برایش تحفه و بهشت جایزه است.

3382. مؤمن میان نعمت و خطاست. که جز شکر و استغفار آن را اصلاح نمی کند.

3383. مؤمن با حیا و بی نیاز و اهل یقین و پرهیزکار است.

3384. کار مؤمن نزدیک و همت او بلند و سکوت او بسیار و عمل او برای خداست.

3385. مؤمن کسی است که دوست داشتن او برای خدا و بغض او برای خدا و حرکت او برای خدا و ترک کردن او برای خدا باشد.

3386. مؤمنان خودشان پاکدامن هستند. و نیازشان اندک است. و امید به خیرات آنان هست. و از شرارت آنان ایمنی وجود دارد.

3387. قَالَ: مَنْ اعْطِيَ أَرْبَعًا لَمْ يُحْرَمَ أَرْبَعًا: مَنْ اعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الْإِجَابَةَ، وَمَنْ اعْطِيَ الْإِسْتِغْفَارَ لَمْ يُحْرَمِ التَّوْبَةَ، وَمَنْ اعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ، وَمَنْ اعْطِيَ الصَّبْرَ لَمْ يُحْرَمِ الْأَجْرَ. (1)

3388. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعَةٌ أَوْتُوا سَمَّ الْخَلَائِقِ: النَّبِيُّ، وَالْحَوْرُ الْعَيْنُ، وَالْجَنَّةُ، وَالنَّارُ؛ فَمَا مِنْ عَبْدٍ يُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ أَوْ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ إِلَّا بَلَغَهُ ذَلِكَ وَسَمِعَهُ، وَمَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ: اللَّهُمَّ زَوِّجْنِي مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ إِلَّا سَمِعْتَهُ وَقُلْنَ: يَا رَبَّنَا، إِنَّ فُلَانًا قَدْ خَطَبَنَا إِلَيْكَ فَزَوِّجْنَا مِنْهُ، وَمَا مِنْ أَحَدٍ يَقُولُ: اللَّهُمَّ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ إِلَّا قَالَتِ الْجَنَّةُ: اللَّهُمَّ أَسْكِنْهُ فِيَّ، وَمَا مِنْ أَحَدٍ يَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ إِلَّا قَالَتِ النَّارُ: يَا رَبِّ أَعِزَّهُ مِنِّي. (2)

3389. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ أَوْجِبْنَ لَهُ أَرْبَعًا عَلَى النَّاسِ: إِذَا حَدَّثْتَهُمْ لَمْ يَكْذِبْهُمْ، وَإِذَا خَالَطَهُمْ لَمْ يَظْلِمْهُمْ، وَإِذَا وَعَدَهُمْ لَمْ يُخْلِفْهُمْ؛ وَجَبَّ أَنْ يَظْهَرَ فِي النَّاسِ عَدَالَتُهُ، وَتَظْهَرَ فِيهِمْ مَوَدَّتُهُ، وَأَنْ يَحْرُمَ عَلَيْهِمْ غَيْبَتُهُ، وَأَنْ يَجِبَ عَلَيْهِمْ اخْوَاتُهُ. (3)

3390. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ: كِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ، وَكِتْمَانُ الْوَجْعِ، وَكِتْمَانُ الصَّدَقَةِ،

ص: 160

1- . الخصال، ص 202، ح 16.

2- . الخصال، ص 202، ح 17، وفيه: «يا ربِّ أجزه منِّي».

3- . الخصال، ص 208، ح 29.

## فصل چهارم: احادیثی از امام جعفر صادق علیه السلام

3387. امام صادق علیه السلام فرمودند: به کسی که چهار توفیق داده شود، از چهار چیز محروم نمی شود: به کسی که دعا داده شود، از اجابت محروم نمی شود. و کسی که به او استغفار داده شود، از توبه محروم نمی شود. و به کسی که شکر داده شود، از زیادت محروم نمی شود. و به کسی که صبر داده شود، از پاداش محروم نمی شود.

3388. امام صادق علیه السلام فرمودند: به چهار موجود قدرت شنیدن صدای مخلوقات داده شده است:

پیامبر صلی الله علیه و آله و حورالعین و بهشت و جهنم. پس هیچ بنده ای نیست که بر پیامبر و آل او صلوات بفرستد، مگر اینکه صدایش به آن حضرت می رسد و او می شنود.

و هیچ کس نیست که بگوید: خدایا حورالعین را به ازدواج من در آور. مگر اینکه آنها صدایش را بشنوند و بگویند: ای پروردگار ما، فلانی از ما خواستگاری کرد ما را به ازدواج او در آور.

و هیچ کس نیست که بگوید: خدایا مرا وارد بهشت کن. مگر اینکه بهشت صدای او را بشنود و بگوید: خدایا او را در من جای ده.

و هیچ بنده ای نیست که از دوزخ به خدا پناه برد. مگر اینکه دوزخ بگوید: پروردگارا او را از من پناه ده.

3389. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس سه صفت داشته باشد، چهار امتیاز به مردم دارد: زمانی که با مردم صحبت می کند دروغ نگوید. و هنگامی که با آنان معاشرت می کند ظلم نکند. و اگر به آنها وعده می دهد تخلف نکند، واجب است که عدالت او بر مردم آشکار شود. و محبت او در دلها قرار گیرد. و غیبت کردن او حرام و برادری با او واجب می شود.

3390. امام صادق علیه السلام فرمودند: چهار ویژگی از گنجهای بهشت است: پنهان کردن مصیبت، و پنهان



3391. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِأَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعُ عِلَامَاتٍ: وَجْهٌ مُنْبَسِطٌ، وَلِسَانٌ لَطِيفٌ، وَقَلْبٌ رَحِيمٌ، وَيَدٌ مُعْطِيَةٌ. (2)
3392. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعٌ لَا تَجُوزُ فِي أَرْبَعَةٍ: الْخِيَانَةُ، وَالْغُلُولُ، وَالسَّرِيقَةُ، وَالرِّيَاءُ، لَا يَجُزْنَ فِي حَجٍّ، وَلَا - عَمْرٍو، وَلَا - نِكَاحٍ، وَلَا صَدَقَةٍ. (3)
3393. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَمْ يُبَالِ بِمَا قَالَ وَمَا قِيلَ فِيهِ (لَهُ خ ل) فَهُوَ شَرِكُ الشَّيْطَانِ (4)، وَمَنْ [لَمْ] (5) يُبَالِ أَنْ يَرَاهُ النَّاسُ مُسِيئاً فَهُوَ شَرِكُ شَيْطَانٍ، وَمَنْ شُغِفَ (6) بِمَحَبَّةِ الْحَرَامِ وَالزُّنَا فَهُوَ شَرِكُ الشَّيْطَانِ، وَمَنْ اغْتَابَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ غَيْرِ تَرَوُّ (7) بَيْنَهُمَا فَهُوَ شَرِكُ شَيْطَانٍ. (8)
3394. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ لُوِّدَ الزُّنَا عِلَامَاتٍ: أَحَدُهَا: بُغْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَثَانِيهَا: أَنَّهُ يَحِنُّ إِلَى الْحَرَامِ الَّذِي خُلِقَ مِنْهُ، وَثَالِثُهَا: الْإِسْتِخْفَافُ بِالَّذِينَ، وَرَابِعُهَا: سُوءُ الْمَحْضَرِ (9) لِلنَّاسِ؛ وَلَا يُسَىءُ مَحْضَرٌ إِخْوَانِهِ إِلَّا مَنْ لَمْ يُوَلِّدْ عَلَى فِرَاشِ أَبِيهِ أَوْ مَنْ حَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ فِي حَيْضِهَا. (10)
3395. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعَةٌ لَا يَشْبَعْنَ مِنْ أَرْبَعَةٍ: الْأَرْضُ مِنَ الْمَطَرِ، وَالْعَيْنُ مِنَ النَّظَرِ، وَالْأُنْثَى مِنَ الذَّكْرِ، وَالْعَالِمُ مِنَ الْعِلْمِ. (11)
3396. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ يَضْمَنَ لِي أَرْبَعَةً أَضْمَنَ لَهُ بِأَرْبَعَةِ آيَاتٍ فِي الْجَنَّةِ: مَنْ أَنْفَقَ وَلَمْ يَخَفْ فَقَرَأَ، وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ، وَأَفْشَى السَّلَامَ فِي الْعَالَمِ (12)، وَتَرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا. (13)
3397. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعٌ خِصَالٍ لَا تَكُونُ فِي مُؤْمِنٍ: لَا يَكُونُ مَجْنُونًا، وَلَا يَسْأَلُ أَبْوَابَ النَّاسِ، وَلَا يُوَلِّدُ مِنَ الزُّنَا، وَلَا يُنْكَحُ فِي دُبُرِهِ. (14)

1- . الأُمَالِي لِلْمَفِيدِ، ص 8، ح 4، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَعَ اخْتِلَافٍ يَسِيرٍ.

2- . مَجْمُوعُهُ وَرَّامٌ، ح 2، ص 91.

3- . الْخِصَالُ، ص 216، ح 38، وَفِيهِ: «الرِّبَا» بَدَلَ «الرِّيَاءِ» وَ«جِهَادٌ» بَدَلَ «نِكَاحٍ».

4- . أَيْ شَرِكَ الشَّيْطَانِ فِيهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَسَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ»، وَفُسِّرَ بَحَثَ الشَّيْطَانِ إِيَّاهُمْ عَلَى التَّوَصُّلِ إِلَيْهَا بِالْأَسْبَابِ الْمَحْرَمَةِ مِنَ الزُّنَا وَنَحْوِهِ، أَوْ تَسْمِيَتِهِمْ بِعَبْدِ الْعِزَّى وَعَبْدِ اللَّاتِ، أَوْ تَضَلِيلِ الْأَوْلَادِ بِمَا يَحْمَلُ عَلَى الْأَدْيَانِ الزَّائِفَةِ وَالْأَفْعَالِ الْقَبِيحَةِ. وَتَوَجَّدَ هَذِهِ الْأَخْبَارُ فِي الْمَجْمَعِ: كَلِمَةُ شَرِكٍ، وَالْوَسَائِلُ: 97-96/7، وَنَقَلَهُ فِي نُورِ الثَّقَلَيْنِ: 185-181/3 فِي تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ.

5- . اضْفَنَّاها مِنَ الْخِصَالِ، وَلَا يَصِحُّ الْكَلَامُ بِدُونِهَا.

6- . شُغِفَ بِفُلَانٍ: ارْتَفَعَ حُبُّهُ إِلَى أَعْلَى الْمَوَاضِعِ مِنْ قَلْبِهِ (تَاجُ الْعُرُوسِ: 157/6). وَفِي الْكَثِيرِ مِنَ الْمَوَاضِعِ: شُغِفَ.

7- . وَتَرَهُ يَبْرَهُ وَتَرَهُ وَتَرَهُ: أَفْزَعَهُ وَأَدْرَكَهُ بِمَكْرُوهِ، وَوَتَرَهُ مَالَهُ: نَقَصَهُ إِيَّاهُ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ: 152/2).

8- . الْخِصَالُ، ص 216، ح 40.

9- . أَيْ يَسَىءُ إِلَيْهِمْ بِحَضُورِهِ بِإِشَارِهِ أَوْ فَحْشٍ أَوْ غِيْبِهِ أَوْ اسْتِهْزَاءٍ وَنَحْوِهَا.

- 10- . الخصال، ص 216، ح 40.
- 11- . الخصال، ص 221، ح 47.
- 12- . المراد ظاهراً أن يسلم على جميع الناس.
- 13- . الخصال، ص 223، ح 51.
- 14- . الخصال، ص 229، ح 68.

کردن درد، و صدقه دادن پنهانی، و مخفی کردن احتیاج.

3391. امام صادق علیه السلام فرمودند: اهل بهشت چهار علامت دارند: چهره ای گشاده، و زبان لطیف، و قلب مهربان، و دست بخشنده.

3392. امام صادق علیه السلام فرمودند: چهار کار در چهار مورد جایز نیست: خیانت و فریب و سرقت و ریاء در حج و عمره و ازدواج و صدقه، جایز نیست.

3393. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که اهمیت ندهد چه می گوید و دیگران درباره او چه می گویند و کسی که اهمیت ندهد که مردم او را گناهکار بشناسند و کسی که از رابطه حرام و زنا خوشحال شود و کسی که بدون سابقه از دیگری غیبت کند، شیطان در نطفه اش شرکت کرده است.

3394. امام صادق علیه السلام فرمودند: ولد زنا چهار علامت دارد: دشمن با اهل بیت پیامبر علیهم السلام. تمایل به زنا. سبک شمردن دین. بدرفتاری با مردم. و با مردم بدرفتاری نمی کند مگر کسی که فرزند پدرش نباشد یا مادرش در ناپاکی به او حامله شود.

3395. امام صادق علیه السلام فرمودند: چهار چیز از چهار چیز سیر نمی شود: زمین از باران، چشم از نگاه، زن از مرد و عالم از علم.

3396. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که چهار عمل را برای من تضمین کند، من چهار قصر در بهشت برایش ضامن شوم: انفاق کند و از فقر نهراسد. و در حق مردم نسبت به خود انصاف دهد. و به همه سلام کند. و جدال نکند گرچه بر حق باشد.

3397. امام صادق علیه السلام فرمودند: چهار خصلت در مؤمن نیست: دیوانه نشود. از مردم گدایی نکند. و از زنا متولد نشود. و از لواط بر حذر است.

3398. وَعَنْ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَنْ لَا يَقْبَلَ قَوْلُهُ، وَلَا يُصَدِّقَ (1) حَدِيثُهُ، وَلَا يَنْتَصِفَ (2) مِنْ عَدُوِّهِ، وَلَا يَشْفِيَ عَيْظَهُ إِلَّا بِفَضِيحَةِ نَفْسِهِ (3)؛ لِأَنَّ كُلَّ مُؤْمِنٍ مُلَجَمٌ (4).

3399. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: يَا سَمَاعُ، لَا يَنْفَكُ الْمُؤْمِنُ مِنْ خِصَالٍ أَرْبَعٍ: مِنْ جَارٍ يُؤْذِيهِ، وَشَيْطَانٍ يُغْوِيهِ، وَمُنَافِقٍ يَقْفُو أَثَرَهُ، وَمُؤْمِنٍ يَحْسُدُهُ. ثُمَّ قَالَ: يَا سَمَاعُ، أَمَا إِنَّهُ أَشَدُّهُمْ عَلَيْهِ. قُلْتُ: كَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: إِنَّهُ يَقُولُ فِيهِ الْقَوْلَ فَيُصَدِّقُ عَلَيْهِ (5).

3400. قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا - أَخْبِرُكُمْ مَنْ تَحْرُمُ عَلَيْهِ النَّازُ؟ قِيلَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: الْهَيْنُ (6) اللَّيِّنُ الْقَرِيبُ السَّهْلُ (7).

3401. وَعَنْ صَالِحٍ يَرْفَعُهُ بِإِسْنَادِهِ: أَرْبَعَةٌ الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ: النَّازُ؛ الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ، وَالنَّوْمُ؛ الْقَلِيلُ مِنْهُ كَثِيرٌ، وَالْمَرَضُ؛ الْقَلِيلُ مِنْهُ كَثِيرٌ، وَالْعَدَاوَةُ؛ الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ (8).

3402. وَعَنْ سَفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ كُلَّهُمْ فِي أَرْبَعٍ: أَوَّلُهَا: أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ. وَالثَّانِي: أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ. وَالثَّلَاثُ: أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ. وَالرَّابِعُ: أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ عَنْ دِينِكَ (9).

3403. وَعَنْ فَضِيلِ بْنِ عِيَاضٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْجِهَادِ أَسَنَّهُ هُوَ أَمْ فَرِيضَتُهُ؟ فَقَالَ: الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجُهُ: فَجِهَادَانِ فَرَضٌ (10) لِلَّهِ، وَجِهَادٌ سُنَّةٌ لِإِقَامِ الْإِمَامِ فَرَضٍ، وَجِهَادٌ سُنَّةٌ.

فَأَمَّا أَحَدُ الْفَرَضَيْنِ فَمُجَاهَدَةُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ، وَهُوَ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ. وَمُجَاهَدَةُ الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ فَرَضٌ.

ص: 164

1- . أَى [أَخَذَ مِيثَاقَهُ] عَلَى الصَّبْرِ عَلَى أَنْ لَا - تُصَدِّقَ مَقَالَتَهُ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ، أَوْ أَهْلِ الْبَاطِلِ مُطْلَقًا. وَالْإِنْتِصَافُ: الْإِنْتِقَامُ (بِحَارِ الْأَنْوَارِ: 216/65).

2- . أَى لَا يُؤْخَذُ حَقُّهُ مِنْ عَدُوِّهِ، وَلَا يَنْتَقِمُ مِنْهُ.

3- . وَلَعَلَّ الْمُرَادَ أَنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُجَازَى إِلَّا بِعَاقِبَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لَا لِلتَّشْفِي، فَإِذَا كَانَ عَمَلُهُ لِلتَّشْفِي يَفْضَحُ نَفْسَهُ، وَذَلِكَ تَنْبِيهُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لَهُ. وَقِيلَ: إِنَّ الْحَدِيثَ نَازِلًا إِلَى بَعْضِ الْأَزْمَنِ الَّتِي يَصِيرُ الْمُنْكَرُ فِيهَا مَعْرُوفًا وَبِالْعَكْسِ، فَإِذَا تَشَفَّى الْمُؤْمِنُ عِنْدَ النَّاسِ فَضِيحَةً.

4- . الْخِصَالُ، ص 229، ح 69.

5- . الْخِصَالُ، ص 229، ح 70.

6- . الْهَيْنُ: قَالَ الْجَزْرِيُّ فِيهِ: «الْمُسْلِمُونَ هَيِّنُونَ لَيِّنُونَ؛ هُمَا تَخْفِيفُ الْهَيِّنِ وَاللَّيِّنِ، قَالَ ابْنُ الْأَعْرَابِيِّ: الْعَرَبُ تَمْدَحُ بِالْهَيْنِ وَاللَّيِّنِ مَخْفَفَيْنِ وَتَذَمُّهُمَا بِمَثَلَيْنِ، وَهَيِّنٌ فَيَعْمَلُ مِنَ الْهَوَنِ وَهِيَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ وَالسَّهْوَلَةُ انْتَهَى. وَاللَّيِّنُ أَيْضًا فَسَّرَ بِالسَّكُونِ وَالْوَقَارِ، وَكَأَنَّ الْجَزْرِيَّ لَمْ يَقْبَلِ تَفْصِيلَ ابْنِ الْأَعْرَابِيِّ وَاعْتَقَدَ بَأَنَّهُمَا بِمَعْنَى الْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ مُشَدَّدًا وَمَخْفَفًا وَالْهَيِّنِ - فِي الْأَصْلِ - السَّهْلُ، وَكَذَا اللَّيِّنُ ضِدُّ الْخَشُونَةِ.

7- . الْخِصَالُ، ص 238، ح 83.

8- . الْخِصَالُ، ص 238، ح 84.

9- . الْخِصَالُ، ص 239، ح 87، مَعَ اخْتِلَافٍ يَسِيرٍ.

10- . فِي الْخِصَالِ وَالْكَافِي وَغَيْرِهِمَا: «فَرَضٌ».

3398. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند از مؤمن پیمان گرفته که سخنش را نپذیرند و خبرش را تصدیق نکنند و دشمن او با او با انصاف برخورد نکند و خشم او فرو نشانده نشود مگر با خواری خودش چون هر مؤمنی دهان بسته است.

3399. امام صادق علیه السلام فرمودند: ای سماعه، مؤمن از چهار بلا آسوده نمی شود: از همسایه مودی، و شیطان گمراه کننده، و منافق عیب جو، و مؤمن حسود. ای سماعه، مؤمن حسود از همه بدتر است.

سماعه پرسید: چگونه؟ حضرت فرمودند: چون سخنی که مؤمن می گوید همه می پذیرند.

3400. امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا خبر بدهم که آتش بر چه کسی حرام است؟ گفتند: آری یا رسول الله. حضرت فرمودند: بر آدم ملایم و نرم خوی و صمیمی و سهل گیر.

3401. از چهار چیز مقدار کم هم زیاد است: آتش، خواب، بیماری، دشمنی.

3402. امام صادق علیه السلام فرمودند: علم مردم در چهار چیز خلاصه می شود: اول: پروردگارت را بشناسی. دوم: بدانی با تو چه کرده است. سوم: بدانی از تو چه می خواهد. چهارم: بدانی چه چیزی تو را از دین خارج می کند.

3403. فضیل بن عیاض از امام صادق علیه السلام پرسید: جهاد واجب است یا مستحب؟ امام علیه السلام فرمودند:

جهاد چهار قسم است: دو قسم را خدا واجب فرمود. یک قسم مستحب است، اما با واجب انجام می شود. یک قسم هم مستحب است.

جهاد با نفس که از گناه خودداری کند، بزرگترین جهاد و واجب است. جهاد با کافران [که مسلمین را به خطر می اندازند] واجب است.

وَأَمَّا الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سُنَّةٌ لَا يُقَامُ إِلَّا مَعَ فَرَضٍ؛ فَإِنَّ مُجَاهَدَةَ الْعَدُوِّ فَرَضٌ عَلَى جَمِيعِ الْأُمَّةِ، وَلَوْ تَرَكَوا الْجِهَادَ لِأَتَاهُمُ الْعَذَابُ، وَهَذَا هُوَ مِنْ عَذَابِ الْأُمَّةِ، وَهُوَ سُنَّةٌ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَأْتِيَ الْعَدُوَّ مَعَ الْأُمَّةِ فَيُجَاهِدَهُمْ.

وَأَمَّا الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سُنَّةٌ؛ فَكُلُّ سُنَّةٍ أَقَامَهَا الرَّجُلُ وَجَاهَدَ فِي إِقَامَتِهَا وَبُلُوغِهَا وَأَحْيَاها، فَالْعَمَلُ وَالسَّعْيُ فِيهَا مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ؛ لِأَنَّهُ أَحْيَا سُنَّةً. (1)

3404. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ (2). (3)

3405. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعَةٌ لَا تُقْبَلُ لَهُمْ صَلَاةٌ: الْإِمَامُ الْجَائِرُ، وَالرَّجُلُ يَوْمَ الْقَوْمِ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ، وَالْعَبْدُ الْأَبْقَى مِنْ مَوَالِيهِ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ، وَالْمَرْأَةُ تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا بِغَيْرِ إِذْنِهِ. (4)

3406. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا فَشَتْ أَرْبَعَةٌ ظَهَرَتْ أَرْبَعَةٌ: إِذَا فَشَا الزَّنَا ظَهَرَتْ الزَّلَازِلُ، وَإِذَا امْسَكَتِ الزَّكَاةُ هَلَكَتِ الْمَاشِيَةُ، وَإِذَا جَارَ الْحُكَّامُ فِي الْقَضَاءِ امْسَكَ الْقَطْرُ مِنَ السَّمَاءِ، وَإِذَا حُقِرَتِ (5) الذِّمَّةُ نُصِرَ الْمُشْرِكُونَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ. (6)

3407. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْقَضَاءُ أَرْبَعَةٌ: قَاضٍ بِالْحَقِّ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ أَنَّهُ حَقٌّ؛ فَهُوَ فِي النَّارِ، وَقَاضٍ بِالْبَاطِلِ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ أَنَّهُ بَاطِلٌ؛ فَهُوَ فِي النَّارِ، وَقَاضٍ بِالْحَقِّ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ حَقٌّ؛ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ. (7)

3408. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الصَّبْرَ وَالْبِرَّ وَالْحِلْمَ وَحُسْنَ الْخُلُقِ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (8)

3409. سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْكُرَاثِ، فَقَالَ: كُلُّهُ؛ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعَ خِصَالٍ: يُطَيَّبُ النِّكْهَةَ (9)، وَيَطْرُدُ الرِّيَّاحَ، وَيَقْطَعُ الْبَوَاسِيرَ، وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ لِمَنْ أَدَمَّنَ عَلَيْهِ. (10)

ص: 166

1- . الخصال، ص 240، ح 89.

2- . الوسائل: كتاب الجهاد، باب أقسام الجهاد.

3- . الخصال، ص 240، ح 89.

4- . الخصال، ص 242، ح 94.

5- . كذا، وفي جميع المصادر التي روت الحديث: «حُفِرَتْ». حَفَرْتُ بِالرَّجُلِ: غَدَرْتُ بِهِ.

6- . الخصال، ص 242، ح 95.

7- . الخصال، ص 247، ح 108.

8- . الخصال، ص 251، ح 121.

9- . النكحه: ريح الفم (الصحيح: 2253/6).

10- . الخصال، ص 249، ح 114.

قسم سوم: جنگ با کفار بر همه مردم واجب است و اگر ترک کنند عذاب خدا نازل می شود و این عذاب امت است و آن بر امام مستحب است که همراه مردم شود با دشمن جهاد کند.

قسم چهارم که مستحب است: برپا داشتن سنت و تلاش برای برپایی و تبلیغ و زنده نگه داشتن و کوشش در راه آن، برترین اعمال است. چون زنده کردن سنت پیامبر است.

3404. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که سنت نیکویی بنا نهد از پاداش آن و پاداش تمام کسانی که به آن عمل کنند برخوردار می شود. بدون اینکه از پاداش آنان چیزی کاسته شود.

3405. امام صادق علیه السلام فرمودند: نماز از چهار نفر پذیرفته نمی شود: پیشوای ستمگر و امام جماعتی که مردم از او راضی نباشند. و غلامی که بی جهت فرار کند. و زنی که بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود.

3406. امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه چهار گناه فراوان شود چهار عذاب ظاهر می شود: زمانی که زنا آشکار شود، زلزله ها ظاهر می شود. زمانی که زکات پرداخت نشود چهار پایان تلف می شوند. زمانی که قضاوت در قضاوت ستم کنند باران قطع می شود. و هنگامی پیمان شکنی و خیانت رواج پیدا کند مشرکان بر مسلمین غلبه می کنند.

3407. امام صادق علیه السلام فرمودند: قضاوت، چهار گروه هستند: قاضی که بدون آگاهی به حق حکم کند.

این شخص اهل دوزخ است. قاضی که بدون آگاهی به باطل حکم کند. او هم در آتش است. قاضی که با آگاهی به باطل حکم کند. اهل آتش است. قاضی که با آگاهی به حق حکم کند. این شخص اهل بهشت است.

3408. امام صادق علیه السلام فرمودند: صبر و نیکوکاری و بردباری و خوش رفتاری از اخلاق پیامبران است.

3409. از امام صادق علیه السلام درباره تره [سبزی] پرسیدند: حضرت فرمودند: آن را بخور که چهار خاصیت دارد: بوی دهان را خوش می کند. نفخ را از بین می برد. بواسیر را درمان می کند. و کسی که دائماً از آن استفاده کند از جزام در امان است.

3410. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مِنْ مَخْزُونِ عِلْمِ اللَّهِ عِزٌّ وَجِلُّ الْإِتْمَامِ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ: حَرَمِ اللَّهِ عِزٌّ وَجِلُّ، وَحَرَمِ رَسُولِهِ، وَحَرَمِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ، وَحَرَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ. (1)

3411. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْعَزَائِمَ أَرْبَعٌ: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»، وَالنَّجْمُ، وَتَنْزِيلُ السَّجْدَةِ، وَحَمُّ السَّجْدَةِ. (2)

3412. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: رَنَّ (3) إِبْلِيسُ أَرْبَعَ زَنَاتٍ: أَوَّلُهُنَّ يَوْمَ لُعِنَ، وَحِينَ اهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ، وَحِينَ بُعِثَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى حِينِ فِتْرَتِهِ (4) مِنَ الرُّسُلِ، وَحِينَ أَنْزَلَتْ أُمُّ الْكِتَابِ.

وَنَخَرَ (5) نَخْرَتَيْنِ: حِينَ أَكَلَ آدَمُ مِنَ الشَّجَرَةِ، وَحِينَ اهْبَطَ مِنَ الْجَنَّةِ. (6)

3413. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعَةٌ يَذْهَبْنَ ضَيَاعًا: الْبَذْرُ فِي السَّبْخَةِ، وَالسَّرَاجُ فِي الْقَمَرِ، وَالْأَكْلُ عَلَى الشَّبِيعِ، وَالْمَعْرُوفُ إِلَى مَنْ لَيْسَ بِأَهْلِهِ. (7)

3414. وَعَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمْ لِلْمُسْلِمِينَ مِنْ عِيدٍ؟ فَقَالَ: أَرْبَعَةٌ أَعْيَادٍ. قَالَ:

قُلْتُ: قَدْ عَرَفْتُ الْعِيدَيْنِ وَالْجُمُعَةَ، فَقَالَ لِي: أَعْظَمُهَا وَأَشْرَفُهَا يَوْمُ الثَّامِنِ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ؛ هُوَ الَّذِي أَقَامَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ وَنَصَبَهُ لِلنَّاسِ عِلْمًا.

قَالَ: قُلْتُ: فَمَا يَجِبُ عَلَيْنَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ؟ قَالَ: يَجِبُ عَلَيْكُمْ صِيَامُهُ شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا لَهُ، مَعَ أَنَّهُ أَهْلٌ أَنْ يُشْكَرَ كُلَّ سَاعَةٍ، وَكَذَلِكَ أَمَرَتْ الْأَنْبِيَاءُ وَأَوْصِيَاءُهَا أَنْ يَصُومُوا (8) الْيَوْمَ الَّذِي يُقَامُ فِيهِ الْوَصِيُّ يَتَّخِذُونَهُ عِيدًا، وَمَنْ صَامَهُ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِ سِتِّينَ شَهْرًا. (9)

3415. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عِزٌّ وَجِلُّ: «فَخُذْ أَرْبَعَةَ مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ (10) إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا» الْآيَةَ، قَالَ: أَخَذَ الْهُدْهُدَ وَالصُّرْدَ (11) وَالطَّأَوْسَ وَالْغُرَابَ؛ فَذَبَحَهُنَّ، وَعَزَلَ (12) رَأْسَهُنَّ، ثُمَّ نَجَرَ (13) أَبْدَانَهُنَّ فِي الْمِنْجَارِ بِرَيْشِهِنَّ وَلُحُومَهُنَّ وَعِظَامَهُنَّ حَتَّى اخْتَلَطَتْ، ثُمَّ جَزَّاهُنَّ أَرْبَعَةَ أَجْزَاءٍ

ص: 168

- 1- . الخصال، ص 252، ح 123.
- 2- . الخصال، ص 252، ح 124.
- 3- . الرَّئَةُ: الصَّيْحَةُ الْحَزِينَةُ (العين: 254/8).
- 4- . المراد الزمان الذي انقطعت فيه الرسالة.
- 5- . نَخَرَ: مَدَّ الصَوْتَ فِي خِيَاشِيمِهِ (القاموس المحيط: 139/2).
- 6- . الخصال، ص 263، ح 141.
- 7- . الخصال، ص 263، ح 142.
- 8- . فِي الْأَصْلِ: «يَصُومُ»، وَصَحَّحْنَاهُ مِنَ الْخِصَالِ.
- 9- . الخصال، ص 264، ح 145.
- 10- . أَيِ اقْطَعْنَهُنَّ صُورَهُ صُورَهُ، قَالَ فِي التَّفْسِيرِ الْأَصْفَى: أَمْلَهُنَّ وَاضْمَمْنَهُنَّ إِلَيْكَ لِتَتَأَمَّلَهَا وَتَعْرِفَ شَأْنَهَا لِئَلَّا يَلْتَبِسَ عَلَيْكَ بَعْدَ الْإِحْيَاءِ.



الأصفي في تفسير القرآن، ج 1، ص 125.

11- . الصُّرْد: طائر ضخم الرأس أبيض البطن أخضر الظهر يصطاد صغار الطير.

12- . عزل: أى فرّق رأسه عن البدن.

13- . النجر: القّطع، ومنه نجر النّجار (لسان العرب: 193/5).

3410. امام صادق علیه السلام فرمودند: در خزانه علم خداست که نماز در چهار مکان تمام است: حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و حرم امیرالمؤمنین علیه السلام و حرم امام حسین علیه السلام.

3411. امام صادق علیه السلام فرمودند: سوره های عزائم [سجده] چهار سوره اند: سوره اقرء و سوره نجم و سوره الم سجده و سوره حم سجده.

3412. امام صادق علیه السلام فرمودند: شیطان در چهار موقع ناله زد: اول: روزی که خدا او را از رحمت خود دور کرد. دوم: زمانی که به زمین آمد، سوم: زمان بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و آله بعد از فاصله ای که از رسالت پیامبران گذشته بود. چهارم: هنگام نزول سوره حمد.

و دو بار باد به دماغ انداخت: یکی هنگام خوردن آدم از درخت. دوم: هنگام اخراج از بهشت.

3413. امام صادق علیه السلام فرمودند: چهار چیز ضایع می شود: بذر در شوره زار، چراغ در روشنی، خوردن هنگام سیری، و نیکی کردن به کسی که شایستگی ندارد.

3414. مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مسلمانان چند عید دارند؟

حضرت فرمودند: چهار عید. مفضل گوید: گفتم عید فطر و قربان و جمعه را می شناسم.

حضرت فرمودند: بزرگترین و شریفترین عیدها روز هیجدهم ذی حجه [عید غدیر] است. و آن روزی است که رسول الله صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را برافراشت. و به رهبری مردم نصب کرد.

مفضل گوید: گفتم: در این روز چه چیزی بر ما واجب است؟

حضرت فرمودند: بر شما روزه این روز به شکرانه و حمد خدا لازم است. با اینکه خداوند شایسته است در هر ساعت شکر شود.

[همچنین هر روزی که پیامبران گذشته وصی خود را نصب می کردند روزه می گرفتند.] کسی که عید غدیر روزه بگیرد برتر از عبادت شصت سال است.

3415. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «فَخَذَ مِنْهَا مِنْ الطَّيْرِ فَصُرُّهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا».

فرمودند: حضرت ابراهیم علیه السلام ههد و گنجشک و طاووس و کلاغ را گرفت. و سرهای آنان را جدا کرد. و بدنهای آنان را تکه تکه کرد. و حتی پرها و گوشت و استخوان آنها را خرد کرده و با هم مخلوط کرد. آنگاه آن را به چهار قسمت تقسیم کرد. و اجزاء را بر بالای

عَلَى عَشْرِهِ أَجْبُلٍ، ثُمَّ وَضَعَ عِنْدَهُ حَبًّا وَمَاءً، ثُمَّ جَعَلَ مَنَاقِيرَهُنَّ بَيْنَ أَصَابِعِهِ، ثُمَّ قَالَ: آتَيْنَ سَعِيًّا بِإِذْنِ اللَّهِ، فَتَطَايَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضِ اللَّحُومِ وَالرَّيْشِ وَالْعِظَامِ حَتَّى اسْتَوَتْ الْأَبْدَانُ كَمَا كَانَتْ، وَجَاءَ كُلُّ بَدَنٍ حَتَّى التَّرْقَ بِرَقَبَتِهِ الَّتِي فِيهَا رَأْسُهُ وَالْمَنْقَارُ، فَحَلَّى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَنَاقِيرِهِنَّ، فَوَقَعْنَ يَشْرِبْنَ مِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ وَيَلْقَطْنَ مِنْ ذَلِكَ الْحَبِّ، ثُمَّ قُلْنَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، أَحْيَيْتَنَا أَحْيَاكَ اللَّهُ! فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلِ اللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ. فَهَذَا تَفْسِيرُ الظَّاهِرِ.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَتَفْسِيرُهُ فِي الْبَاطِنِ: خُذْ أَرْبَعَهُ مِمَّنْ يَحْتَمِلُ الْكَلَامَ فَاسْتَوِدِعْهُنَّ عِلْمَكَ، ثُمَّ ابْعَثْهُنَّ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِينَ حُجَجًا لَكَ عَلَى النَّاسِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَأْتُوكَ دَعْوَتُهُمْ بِالْإِسْمِ الْأَكْبَرِ يَأْتُونَكَ سَعِيًّا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى.

وقال ابن بابويه رحمه الله: الذي عندي في ذلك أنه عليه السلام امر بالأمرين جميعاً. (1)

3416. وَرَوَى أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَذْبَحَ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ: طَاووساً وَنَسْرًا وَدِيكًا وَبَطًّا؛ فَالطَّاووسُ يُرِيدُ بِهِ زِينَةَ الدُّنْيَا، وَالنَّسْرُ يُرِيدُ بِهِ الْأَمَلِ الطَّوِيلَ، وَالبَطُّ يُرِيدُ بِهِ الْحِرْصَ، وَالدِّيكَ يُرِيدُ بِهِ الشَّهْوَةَ؛ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: إِنْ أَرَدْتَ أَنْ تُحْيِيَ قَلْبَكَ وَيَطْمَئِنَّ مَعِيَ فَأَخْرِجْ عَنْهُ هَذِهِ الْأَشْبَاهَ الْأَرْبَعَةَ؛ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَتْ هَذِهِ الْأَشْيَاءُ فِي قَلْبٍ لَا يَطْمَئِنَّ مَعِيَ.

وَسَأَلَهُ: كَيْفَ؟ قَالَ: أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ؟ - مَعَ عِلْمِهِ بِسِرِّهِ وَحَالِهِ - فَقَالَ: إِنَّهُ لَمَّا قَالَ: «رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى» كَانَ ظَاهِرُ هَذِهِ اللَّفْظَةِ تَوْهِيمًا أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ يَبْتَلِي، فَفَرَّرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِسُؤَالِهِ عَنْهُ إِسْقَاطًا لِلتُّهْمَةِ عَنْهُ وَتَنْزِيهًا لَهُ مِنَ الشَّكِّ. (2)

3417. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كِتَابُ اللَّهِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الْعِبَارَاتِ، وَالْإِشَارَاتِ، وَاللِّطَائِفِ، وَالْحَقَائِقِ؛ فَالْعِبَارَاتُ لِلْعَوَامِّ، وَالْإِشَارَاتُ لِلْخَوَاصِّ، وَاللِّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ، وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (3)

3418. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا آدَمُ، إِنِّي أَجْمَعُ لَكَ الْحِكْمَةَ فِي أَرْبَعِ كَلِمَاتٍ: وَاحِدَةٌ لِي، وَوَاحِدَةٌ لَكَ، وَوَاحِدَةٌ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ، وَوَاحِدَةٌ بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ.

ص: 170

1- . الخصال، ص 264، ح 146.

2- . الخصال، ص 264، ح 146.

3- . عوالي اللآلي، ج 4، ص 105، عن عليّ عليه السلام.

ده کوه قرار داد. آنگاه مقداری آب و دانه نزد خود گذاشت. و منقارهای آنها را بین انگشتان خود گرفت. و گفت: به فرمان خدا شتابان بیایید. ناگهان تکه های گوشت و پر و استخوان آنها به هم پیوستند تا بدنها کامل شد. و هر بدنی به سر خود متصل شد. آنگاه حضرت ابراهیم سرها را رها کرد. مرغان شروع به خوردن آب و دانه کردند. و گفتند: ای پیامبر خدا ما را زنده کردی. خدا تو را زنده کند. ابراهیم علیه السلام گفت: خداوند زنده می کند و می میراند.

این تفسیر ظاهر آیه است اما تأویل باطن آیه این است: چهار مردی را که تحمل سخن دارند پیدا کرده آنان را از علم خود بهره مند کن. سپس به چهار گوشه زمین بفرست. تا حجت تو بر مردم باشند. و زمانی که خواستی آنها را احضار کنی، اسم اعظم خدا را بخوان و صدا بزن به فرمان خدا. شتابان نزد تو می آیند.

صدوق رحمه الله گوید: به نظر من حضرت ابراهیم علیه السلام هر دو مأموریت [سر بریدن مرغان و فرستادن نماینده] را داشته است.

3416. روایت شده است: خداوند به ابراهیم علیه السلام دستور داد که چهار پرنده ذبح کند: طاووس و کرکس و خروس و مرغابی. طاووس چون سمبل زیبایی دنیاست. و کرکس به نشانه آرزوهای دراز و خروس نماد شهوت و مرغابی نشانه حرص است. یعنی اگر خواهی دل را زنده کنی و اطمینان خاطر داشته باشی، از این چهار خصلت خارج شو. و تا زمانی که این خصلتها در قلب باشند، قلب آرامش ندارد.

ابراهیم علیه السلام سؤال کرد: چگونه؟ خداوند فرمود: مگر ایمان نداری؟ [با اینکه ابراهیم علیه السلام علم داشت.] ابراهیم علیه السلام زمانی که گفت: خداوند! به من نشان ده چگونه مرده را زنده می کنی. از ظاهر عبارت به نظر می رسد که او یقین نداشته است. اما خداوند برای اینکه تهمت و شک را از او دفع کند فرمود: مگر ایمان نداری؟ ابراهیم علیه السلام جواب داد: آری. لکن برای اطمینان قلب من.

3417. امام صادق علیه السلام فرمودند: کتاب خدا چهار جزء است: عبارات، اشارات، لطیفه ها و حقیقت ها.

عبارات برای عموم مردم، اشارات برای علماء و لطائف برای اولیاء و حقائق برای پیامبران علیهم السلام است.

3418. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند به آدم وحی فرمود: ای آدم من حکمت را برای تو در چهار کلمه جمع می کنم. یکی برای من یکی برای تو یکی میان من و تو و یکی میان تو و مردم.

فَأَمَّا الَّتِي لِي؛ فَتَعْبُدُنِي لِتُشْرِكِ بِي شَيْئاً، وَأَمَّا الَّتِي لَكَ؛ فَأُجَازِيكَ بِعَمَلِكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ، وَأَمَّا الَّتِي فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ؛ فَعَلَيْكَ الدُّعَاءُ وَعَلَى الْإِجَابَةِ، وَأَمَّا الَّتِي بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ؛ فَتَرْضَى لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ. (1)

3419. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعَ عِلَامَاتٍ: وَجْهٌ مُنْبَسِطٌ، وَلسَانٌ لَطِيفٌ، وَقَلْبٌ رَحِيمٌ، وَيَدٌ مُعْطِيَةٌ. (2)

3420. وَعَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ وَكَنْزٌ لَهُمَا»؟ فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ مَا كَانَ ذَهَباً وَلَا فِضَّةً، وَإِنَّمَا كَانَ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا؛ فَمَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ لَمْ تَضْحَكْ سِوَهُ، وَمَنْ أَيْقَنَ بِالْحِسَابِ لَمْ يَفْرَحْ قَلْبُهُ، وَمَنْ أَيْقَنَ بِالْقَدْرِ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ، وَمَنْ يَرَى النَّشْأَةَ الْأُولَى فَكَيْفَ يُنْكِرُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ؟

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: أَرْبَعَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ: الْكَاهِنُ، وَالْمُنَافِقُ، وَمُدْمِنُ الْخَمْرِ، وَالْقَتَاتُ؛ وَهُوَ النَّمَامُ. (3)

3421. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَطْلُبْ مِنَ الدُّنْيَا أَرْبَعَةً فَإِنَّكَ لَا تَجِدُهَا، وَأَنْتَ لَا بُدَّ لَكَ مِنْهَا: عَالِماً يَسْتَعْمِلُ عِلْمَهُ؛ فَتَبْقَى بِلا عَالِمٍ، وَعَمَلًا بِلا رِيَاءٍ؛ فَتَبْقَى بِلا عَمَلٍ، وَطَعَامًا بِلا شُبْهَةٍ؛ فَتَبْقَى بِلا طَعَامٍ، وَصَدِيقًا بِلا عَيْبٍ؛ فَتَبْقَى بِلا صَدِيقٍ. (4)

3422. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرْبَعَةٌ لَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ: الرَّجُلُ جَالِسٌ فِي بَيْتِهِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي، فَيَقَالُ لَهُ أَلَمْ أَمُرْكَ بِالطَّلَبِ؟ وَرَجُلٌ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ (5) فَدَعَا عَلَيْهَا، فَيَقَالُ لَهُ: أَلَمْ أَجْعَلْ أَمْرَهَا إِلَيْكَ؟ وَرَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَفْسَدَهُ، فَيَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي، فَيَقَالُ لَهُ: أَلَمْ أَمُرْكَ بِالِاقْتِنَادِ؟ أَلَمْ أَمُرْكَ بِالِاصْلَاحِ؟ ثُمَّ قَالَ:

ص: 172

1- . الخصال، ص 243، ح 98.

2- . مجموعه ورام، ج 2، ص 91.

3- . الكافي، ج 2، ص 58، وفيه ذيله من: «و من يرى النشأة الأولى» الخ....

4- . جامع الأخبار، ص 180.

5- . لعل المراد منه الأمه.

آنکه برای من است: مرا عبادت کن. و برای من شریک تصور نکن.

آنکه برای توست: پاداش عمل تو را در چنان روزی [قیامت] به تو می دهم که از هر زمان دیگری به آن نیازمندتری.

آنکه میان من و توست: تو دعا کن و من اجابت نمایم.

آنکه میان تو و مردم است: برای مردم آنچه را پسند که برای خود می پسندی.

3419. امام صادق علیه السلام فرمودند: اهل بهشت چهار علامت دارند: چهره گشاده، زبان لطیف، قلب مهربان و دست بخشنده.

3420. صفوان جمال گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر آیه شریفه «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا» را پرسیدم.

حضرت فرمودند: آن گنج طلا- و نقره نبود. بلکه چهار کلمه بود: نیست خدائی جز من. پس هر کس به مرگ یقین دارد در عمرش نمی خندد. و کسی که به حساب یقین دارد شادی نمی کند. و کسی که یقین به قضا و قدر دارد جز خدا از کسی نمی ترسد. و کسی که زندگی دنیا را می بیند چگونه زندگی آخرت را انکار می کند؟

امام صادق علیه السلام فرمودند: چهار کس وارد بهشت نمی شوند: کاهن و منافق و شراب خوار و سخن چین.

3421. امام صادق علیه السلام فرمودند: در دنیا به دنبال چهار چیز نگرد که پیدا نخواهی کرد. و تو به آنها نیاز داری. عالم که علم خود را بکار گیرد. پس بدون عالم خواهی ماند. عمل بدن ریا، [اگر دنبال آن باشی] بدون عمل خواهی ماند. و اگر دنبال غذای بدون شبهه باشی، بدون غذا خواهی ماند. و اگر دنبال دوست بی عیب باشی، بدون دوست می مانی.

3422. امام صادق علیه السلام فرمودند: دعای چهار نفر مستجاب نمی شود:

کسی که در خانه بنشیند و بگوید خدایا روزی مرا برسان. جواب می آید: مگر دستور کسب به تو ندادم؟

مردی که زن خود را نفرین کند. جواب می آید: مگر طلاق او را به دست تو ندادم.

کسی که مال خود را تلف کند بعد دعا کند خدایا به من روزی بده. جواب می آید: مگر به تو فرمان میانه روی ندادم؟ مگر به تو فرمان ندادم اصلاح کنی؟ سپس حضرت این آیه

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»، وَرَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَآدَانَهُ رَجُلًا وَلَمْ يُشْهَدْ عَلَيْهِ فَجَحَدَهُ، فَيَقَالُ لَهُ: أَلَمْ أُمَرَكَ بِالشَّهَادَةِ؟! (1)

3423. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعِ مَوَاطِنَ: فِي الْوَتْرِ، وَبَعْدَ الْفَجْرِ، وَبَعْدَ الظُّهْرِ، وَبَعْدَ الْمَغْرَبِ.

وَفِي رِوَايَةٍ: أَنَّهُ يَسْجُدُ بَعْدَ الْمَغْرَبِ، وَيَدْعُو فِي سُجُودِهِ. (2)

3424. وَعَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِعْرَابُ الْقُلُوبِ عَلَى أَرْبَعِ أَنْوَاعٍ: رَفْعٌ، وَفَتْحٌ، وَخَفْضٌ، وَوَقْفٌ؛ فَرَفَعُ الْقَلْبُ فِي ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى، وَفَتْحُ الْقَلْبُ فِي الرِّضَى عَنِ اللَّهِ تَعَالَى، وَخَفْضُ الْقَلْبِ فِي الْإِشْتِغَالِ بِغَيْرِ اللَّهِ تَعَالَى، وَوَقْفُ الْقَلْبِ فِي الْغَفْلَةِ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى.

أَلَا تَرَى إِلَى الْعَبْدِ إِذَا ذَكَرَ اللَّهَ بِالتَّعْظِيمِ خَالِصاً ارْتَفَعَ كُلُّ حِجَابٍ كَانَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ؟

وَإِذَا انْقَادَ الْقَلْبُ لِمُورِدِ قِضَاءِ اللَّهِ تَعَالَى بِشَرَطِ الرِّضَى عَنْهُ كَيْفَ يَنْفَتِحُ الْقَلْبُ بِالسُّرُورِ وَالرَّاحَةِ وَالرَّوْحِ؟

وَإِذَا اشْتَغَلَ قَلْبُهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَسْبَابِ الدُّنْيَا كَيْفَ تَجِدُهُ إِذَا ذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى بَعْدَ ذَلِكَ وَأَنَابَ مُنْخَفِضاً مُظْلِماً كَبَيْتِ خَرَابٍ لَيْسَ فِيهِ عُمْرَانٌ وَلَا مُؤَنَسٌ؟

فَإِذَا غَفَلَ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى كَيْفَ تَرَاهُ بَعْدَ ذَلِكَ مَوْقُوفاً مَحْجُوباً قَدْ قَسَا وَأَظْلَمَ مُنْذُ فَارَقَ نَوْرَ التَّعَظُّمِ؟

فَعَلَامَةُ الرَّفْعِ ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ: [وُجُودُ الْمُوَافَقَةِ، وَفَقْدُ الْمُخَالَفَةِ، وَدَوَامُ الشُّوقِ. وَعَلَامَةُ الْفَتْحِ ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ: (3) التَّوَكُّلُ عَلَيْهِ، وَالصِّدْقُ، وَالْيَقِينُ. وَعَلَامَةُ الْخَفْضِ ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ: الْعُجْبُ، وَالرِّيَاءُ، وَالْحِرْصُ. وَعَلَامَةُ الْوَقْفِ ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ: زَوَالُ حَلَاوَةِ الطَّاعَةِ، وَمَرَارَةُ الْمَعْصِيَةِ، وَالتَّبَاسُّ عِلْمِ الْحَلَالِ بِالْحَرَامِ. (4)

ص: 174

1- . عوالي اللآلي، ج 4، ص 22، ح 65.

2- . مكارم الأخلاق، ص 271. عده الداعي، ص 59.

3- . هذه الزيادة نقلناها من بحار الأنوار.

4- . مصباح الشريعة، ص 121.

را تلاوت کردند: «کسانی که هنگام انفاق کردن، اسراف و سخت گیری نمی کنند و بین این دو را بر می گزینند».

کسی که مالش را به دیگری قرض بدهد و شاهد نگیرد و او هم انکار کند. به او می گویند:

مگر به تو امر نکردیم، شاهد بگیری؟

3423. امام صادق علیه السلام فرمودند: در چهار جا دعا مستجاب می شود: نماز وتر، بعد از اذان صبح، بعد از ظهر و بعد از مغرب. [آن حضرت بعد از مغرب سجده می کردند و در سجده دعا می کردند].

3424. امام صادق علیه السلام فرمودند: قلب چهار اعراب دارد:

رفع قلب در ذکر خداوند است. فتح قلب در خشنودی از خداوند متعال است. و کسر قلب در مشغول شدن به غیر خداست. و وقف قلب در غفلت از خداوند سبحان است. آیا نمی بینید که هنگامی که بنده با تعظیم خالصانه خدا را یاد می کند، تمام حجابها از میان او و خداوند سبحان برداشته می شود؟

و زمانی که قلب در برابر قضای خداوند تسلیم و خشنود باشد، چگونه قلب به سرور و راحتی و آسایش می رسد؟

و زمانی که قلب به یکی از امور دنیا مشغول شود. وقتی پس از آن به یاد خدا بیفتد و گریه کند، در هم شکسته است مانند خرابه ای که آبادی و سکنه ندارد؟

و هنگامی که از یاد خدا غافل می شود چگونه قلب را متوقف و راکد می بینی که سخت شده و چون از نور عظمت فاصله بگیرد ظلمانی می شود؟

علامت رفع قلب سه چیز است: داشتن موافقت، نداشتن مخالفت، و اشتیاق مداوم. و علامت فتح قلب سه چیز است: توکل بر خدا، صداقت و یقین. و علامت خفض قلب سه چیز است: خود پسندی و ریا و حرص. و علامت وقف قلب سه چیز است: از بین رفتن شیرینی اطاعت، و از بین رفتن تلخی معصیت و اشتباه در شناخت حلال از حرام.



3425. وقال الصادق عليه السلام: لا راحة لمؤمنٍ على الحقيقه إلا عند لقاء الله، وما سوى ذلك ففي أربعه أشياء:

صمت تعرف به حال قلبك ونفسك فيما يكون بينك وبين بارئك، وخلوه تنجوبها من آفات الزمان ظاهراً وباطناً، وجوع تُميت به الشهوات والوساوس، وسهر تنور به قلبك، ونصفي به طبعك، وتزكي به روحك. (1)

3426. وقيل: إن المنصور الخليفة العباسي أرسل إلى الصادق عليه السلام وقال له: لم لا تغشانا (2) كما يغشانا سائر الناس؟ فأرسل عليه السلام إليه في الجواب: ما عندنا من الدنيا ما نخافك عليه، ولا عندك من الآخرة ما نرجوك له، ولا أنت في نعمه فنهنيك عليها، ولا تعدها نعمة فنعزيك عليها، فلم نغشاك عليها؟

فأرسل إليه ثانيه: تصحبنا لتصححنا. فأرسل الإمام عليه السلام: من أراد الدنيا فلا يصححك، ومن أراد الآخرة فلا يصحبك. (3)

3427. وقال الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام: مطلوبات الناس في الدنيا الفانيه أربعه: الغنى، والدعه (4)، وقلة الاهتمام، والعز. فأما الغنى فموجود في الفنايه؛ فمن طلبه في كثرة المال لم يجده، وأما الدعه فموجوده في خفه المحمل (5)؛ فمن طلبها في ثقله لم يجدها، وأما قلة الاهتمام فموجود في قلة الشغل؛ فمن طلبها في كثرتة لم يجدها، وأما العز فموجود في خدمه الخالق؛ فمن طلبه في خدمه المخلوق لم يجده. (6)

3428. وعنه عليه السلام قال: عجب لمن فرغ من أربع كيف لا يفرغ إلى أربع؟! عجب لمن يخاف شيئاً من سوء كيف لا يفرغ إلى قوله عز وجل: «حسبنا الله ونعم الوكيل»؛ فإني سمعت الله عز وجل يقول بعقبيها: «فانقلبوا بنعمه من الله وفضل لم يمسسهم سوء». (7)

ص: 176

1- . مصباح الشريعه، ص 115.

2- . غشينا رفقاً: قصدناهم (مجمع البحرين: 314/3).

3- . كشف الغمه، ج 2، ص 427.

4- . الدعه: الراحة والسكون (تاج العروس: 26/5).

5- . كذا في الأصل، والمراد من المحمل ما يتحمّله الإنسان.

6- . الخصال، ص 198، ح 7.

7- . آل عمران: 174.

3425. امام صادق علیه السلام فرمودند: مؤمن آسایش حقیقی ندارد مگر در لقای پروردگار. و در غیر آن صورت در چهار چیز آسایش است: سکوتی که در آن حال قلب و روح خود را در ارتباط با خدا بشناسی. و خلوتی که از آفتهای ظاهر و باطن زمان نجات یابی. و گرسنگی که با آن شهوت و وسوسه را بمیرانی. و شب بیداری که با آن قلب خود را نورانی و طبع خود را با صفا و روح خود را پاک گردانی.

3426. منصور خلیفه عباسی برای امام صادق علیه السلام پیام فرستاد که چرا شما مثل دیگران به دربار رفت و آمد نمی کنید؟ حضرت جواب فرستادند: ما از دنیا چیزی نداریم که برای از دست دادن آن بوسيله تو نگران باشیم. و تو از آخرت چیزی نداری که به تو امیدوار باشیم. و تو در نعمت نیستی که به تو تبریک بگوئیم. و تو حکومت را بدبختی نمی دانی که به تو تسلیم گوئیم. پس برای چه به دربار رفت و آمد کنیم؟

منصور دوباره پیام فرستاد: برای نصیحت و ارشاد ما بیایید.

امام علیه السلام جواب فرستادند: کسی که دنیا را بخواهد تو را نصیحت نمی کند. و کسی که آخرت را بخواهد با تو همنشینی نخواهد کرد.

3427. امام صادق علیه السلام فرمودند: مردم در دنیای فانی در پی چهار چیز هستند: ثروت می خواهند که در قناعت است. و کسی که آن را در مال زیاد جستجو کند به آن نمی رسد. آسایش که در سبک باری است و کسی که آن را در بار سنگین بجوید به آن نمی رسد. غصه کم که در کم بودن گرفتاری و شغل است و کسی که آن را در گرفتاری زیاد جستجو کند به آن نمی رسد.

عزت که در خدمت به خداوند است. و کسی که آن را در خدمت به مردم جستجو کند نخواهد یافت.

3428. امام صادق علیه السلام فرمودند: عجیب است کسی که از چهار چیز می ترسد چرا به چهار چیز پناه نمی برد: کسی که از بدی می ترسد چرا به ذکر: حسبنالله و نعم الوکیل پناه نمی برد که پس از آن خداوند می فرماید: با «نعمت و فضل الهی بازگشتند و به آنها آسیب نرسید».

وَعَجِبْتُ لِمَنْ اغْتَمَّ كَيْفَ لَا يَفْرَعُ إِلَى قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ». (1)

وَعَجِبْتُ لِمَنْ مَكَّرَ بِهِ كَيْفَ لَا يَفْرَعُ إِلَى قَوْلِهِ: «وَأَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»؛ إِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «فَوَقَلَ - هُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَّرُوا». (2)

وَعَجِبْتُ لِمَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا كَيْفَ لَا يَفْرَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «إِن تَرَى أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا \* فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنَّ خَيْرًا مِنْ خَيْرِكَ» وَعَسَى مُوجِبُهُ (3). (4)

3429. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِأَزَادِ أَفْضَلٍ مِنَ التَّقْوَى، وَلَا شَيْءَ أَحْسَنُ مِنَ الصَّمْتِ، وَلَا عَدُوٌّ أَضَرُّ مِنَ الْجَهْلِ، وَلَا دَاءٌ أَدْوَأُ مِنَ الْكَذِبِ. (5)

3430. وَعَنْ سَهْلِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَقِيتُ الصَّادِقَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ: يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ أَوْصِيَنِي، فَقَالَ لِي: يَا سَهْلُ، لَا مَرُوءَةَ لِكُذُوبٍ، وَلَا أَحَاحَ لِمَلُولٍ، وَلَا رَاحَةَ لِحَسُودٍ، وَلَا سُودَدَ (6) لِسَيِّئِ الْخُلُقِ.

فَقُلْتُ: يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، زِدْنِي، فَقَالَ لِي: يَا سَهْلُ، ثِقْ بِاللَّهِ تَكُنْ مُؤْمِنًا، وَارْضَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ تَكُنْ غَنِيًّا، وَأَحْسِنِ مُجَاوِرَةَ مَنْ جَاوَرَكَ تَكُنْ مُسْلِمًا، وَلَا تَصَحَبِ الْفَاجِرَ فَيَعْلَمَكَ مِنْ فُجُورِهِ، وَشَاوِرِ فِي أَمْرِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ. (7)

ص: 178

1- . الأنبياء: 88.

2- . غافر: 45.

3- . موجه: أى توجب وتلزم كما فى النهايه، يعنى عسى فى قوله تعالى: «فَعَسَى أَنْ يُؤْتِيَنِي» تفيد حصول النتيجة حتماً، فمن توكل على الله سبحانه يصل إليه مطلوبه.

4- . الخصال، ص 218، ح 43.

5- . كشف الغمّه، ج 2، ص 400.

6- . السؤدد: المجد والشرف (مجمع البحرين: 449/2).

7- . تحف العقول، ص 376.

کسی که غصه دارد چرا پناه نمی برد به این آیه: «جز تو خدایی نیست تو پاکی و من از ستمکارانم». خداوند بدنبال آن می گوید: «ما دعای او را مستجاب کردیم و از غصه نجات دادیم و همه مؤمنان را اینچنین نجات می دهیم».

و کسی که از خدعه و مکر می ترسد چرا نمی گوید: «کار خود را به خدا واگذار کردم که او به بندگان بصیر است». و خداوند بدنبال آن می گوید: «خداوند او را از شر نیرنگها حفظ کرد».

و کسی که دنیا و زیباییهای آن را می خواهد چرا نمی گوید: «هر چه خدا خواهد همان شود. نیرویی جز خدا نیست». و خداوند بدنبال آن وعده برآوردن حاجات داده است.

3429. امام صادق علیه السلام فرمودند: هیچ توشه ای برتر از تقوی نیست. و هیچ چیز بهتر از سکوت نیست.

و هیچ دشمنی بدتر از جهل و نادانی نیست. و هیچ دردی بدتر از دروغ نیست.

3430. سفیان ثوری به امام صادق علیه السلام گفت: یابن رسول الله مرا نصیحت فرماید.

حضرت فرمودند: ای سفیان دروغگو، جوانمردی ندارد. زود رنج، دوست ندارد. و حسود، آسایش ندارد. و بداخلاق، بزرگواری ندارد.

سفیان گفت: یابن رسول الله باز هم نصیحت فرماید.

امام علیه السلام فرمودند: ای سفیان به خدا اعتماد کن تا مؤمن شوی. به آنچه خدا داده است راضی باش تا ثروتمند شوی. و با همسایگان خوشرفتاری کن تا مسلمان باشی. با گنهکار بی دین دوستی نکن که گناه را به تو می آموزد. در کارهایت با کسانی که از خدا می ترسند، مشورت کن.

3431. وَرَوَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلٌ إِسْلَامُهُ، وَمُحَصَّتٌ عَنْهُ ذُنُوبُهُ (1) ، وَلَقِيَ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ: مَنْ وَفَى لِلَّهِ عِزًّا وَجَلَّ مِمَّا يَجْعَلُ عَلَى نَفْسِهِ لِلنَّاسِ، وَصَدَقَ لِسَانُهُ مَعَ النَّاسِ، وَاسْتَحْيَى مِنْ كُلِّ قَبِيحٍ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ النَّاسِ، وَحَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ أَهْلِهِ. (2)

3432. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ: مَنْ أَوَى الْيَتِيمَ، وَرَحِمَ الضَّعِيفَ، وَأَشْفَقَ عَلَى الْوَالِدِيَّةِ، وَرَفَقَ بِمَمْلُوكِهِ. (3)

3433. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعَةٌ أَسْرَعُ شَيْءٍ عُقُوبَةً: الرَّجُلُ أَحْسَنَتْ إِلَيْهِ وَيُكَافِيكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ إِسَاءَةً، وَرَجُلٌ لَا تَبْغِي عَلَيْهِ وَبِغْيَ عَلَيْكَ، وَرَجُلٌ عَاهَدْتَهُ عَلَى أَمْرٍ؛ فَمِنْ أَمْرِكَ الْوَفَاءَ لَهُ وَمِنْ أَمْرِهِ الْغَدْرُ بِكَ، وَرَجُلٌ يَصِلُ قَرَابَتَهُ وَيَقْطَعُونَهُ. (4)

3434. وَقَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرْبَعٌ خِصَالٌ تُعِينُ الْمَرْءَ عَلَى الْعَمَلِ: الصَّحَّةُ، وَالْغِنَى، وَالْعِلْمُ، وَالتَّوْفِيقُ. (5)

3435. وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرْبَعٌ صَلَوَاتٍ يُصَلِّيهَا الرَّجُلُ فِي كُلِّ سَاعَةٍ: صَلَاةُ فَاتَتِكَ؛ فَمَتَى ذَكَرْتَهَا أَدَيْتَهَا، وَصَلَاةُ رَكَعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ، وَصَلَاةُ الْكُسُوفِ، وَالصَّلَاةُ عَلَى الْمَيِّتِ، هَؤُلَاءِ يُصَلِّيهِنَّ الرَّجُلُ فِي السَّاعَاتِ كُلِّهَا. (6)

ص: 180

1- . أصل المحصن: التخليص ومنه تمحيص الذنوب: أي إزالتها (النهاية: 302/4).

2- . الخصال، ص 222، ح 50.

3- . الخصال، ص 223، ح 53.

4- . الخصال، ص 230، ح 71.

5- . كشف الغم، ج 3، ص 138.

6- . الخصال، ص 247، ح 107.

## فصل پنجم: روایاتی که از امامان پاک‌علیهم‌السلام رسیده است

3431. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: پدرم امام سجاد علیه‌السلام فرمود: چهار صفت در هر کس باشد اسلامش کامل است. و گنااهش آمرزیده و هنگام مرگ خدا از او راضی است.

برای خدا به عهد خود با مردم وفا کند. راستگو باشد. از کارهای زشت نزد خدا و مردم حیا کند. با خانواده اش خوش اخلاق باشد.

3432. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: چهار خصلت در هر کس باشد خدا برای او قصری در بهشت بنا کند:

پناه دادن به یتیم، رحم کردن به ضعیف، ملاحظت با پدر و مادر، و مدارا با زیر دست.

3433. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: عقوبت چهار خصلت سریع فرا می‌رسد: کسی که به او نیکی کرده‌ای، در مقابل بدی کند. و کسی که به او ظلم نکرده‌ای، به تو ستم کند. و کسی که با او در کاری پیمان بسته‌ای، تو در کارت وفا کرده‌ای ولی او خیانت کند. کسی که با نزدیکان رابطه برقرار کند، اما آنان با او قطع رابطه کنند. [عقوبت آنان به سرعت فرا رسد].

3434. امام جواد علیه‌السلام فرمود: چهار خصلت به انسان برای عمل کردن کمک می‌کند: سلامتی و ثروت و علم و توفیق.

3435. امام باقر علیه‌السلام فرمود: چهار نماز را در هر ساعتی می‌توان به جای آورد: نماز قضا را هر وقت به یادت آمد بجای آور. و دو رکعت نماز طواف واجب، و نماز آیات برای خورشید گرفتگی و نماز میت. این چهار نماز را در هر ساعتی از شبانه روز می‌توان بجای آورد.

3436. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لَمْ يَبْعَثْ أَنْبِيَاءَ مُلُوكًا فِي الْأَرْضِ إِلَّا أَرْبَعَةً بَعْدَ نُوحٍ: ذُو الْقَرْنَيْنِ؛ وَاسْمُهُ عِيَّاشُ، وَدَاوُدُ، وَسُلَيْمَانُ، وَيُوسُفُ. فَأَمَّا عِيَّاشُ فَمَلِكٌ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَأَمَّا دَاوُدُ فَمَلِكٌ مَا بَيْنَ الشَّامَاتِ إِلَى بِلَادِ إِصْطَخَرَ(1)، وَكَذَلِكَ سُلَيْمَانُ، وَأَمَّا يُوسُفُ فَمَلِكٌ مِصْرَ وَبَرَارِيهَا وَلَمْ يُجَاوِزْهَا إِلَى غَيْرِهَا.

3437. أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ تَكَلَّمُوا بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ:

قَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَطَعَ قَرَيْنَ السَّوَاءِ(2) فَكَانَتْما عَمِلَ بِالتَّوْرَاهِ.

وَقَالَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ مَنَعَ نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ فَكَانَتْما عَمِلَ بِالتَّوْبِ.

وَقَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ رَضِيَ بِقِسْمِهِ اللَّهُ فَكَانَتْما عَمِلَ بِالتَّوْبِ.

وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ حَفِظَ لِسَانَهُ فَكَانَتْما عَمِلَ بِالتَّوْبِ(3).

3438. وَعَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرِّيحِ الْأَرْبَعِ: الشَّمَالِ وَالْجَنُوبِ وَالدَّبُورِ(4) وَالصَّبَا، وَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ النَّاسَ يَذْكُرُونَ أَنَّ الشَّمَالَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَالْجَنُوبَ مِنَ النَّارِ، فَقَالَ:

إِنَّ لِلَّهِ عِزَّ وَجَلَّ جُنُودًا مِنْ رِيَّاحٍ يُعَذِّبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عَصَاهُ، وَلِكُلِّ رِيَّاحٍ مَلِكٌ مُوَكَّلٌ بِهَا، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ أَنْ يُعَذِّبَ قَوْمًا بِنَوْعٍ مِنَ الْعَذَابِ أَوْحَى إِلَى الْمَلِكِ الْمُوَكَّلِ بِذَلِكَ النَّوْعِ مِنَ الرِّيحِ الَّتِي يُرِيدُ أَنْ يُعَذِّبَ بِهَا، قَالَ: فَيَأْمُرُهَا الْمَلِكُ فَتَهَيِّجُ كَمَا يَهَيِّجُ الْأَسَدُ الْمُغَضَّبُ، وَلِكُلِّ رِيَّاحٍ مِنْهَا اسْمٌ، أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ تَعَالَى: «كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَتَذْذِرُ» وَذَكَرَ رِيَّاحًا فِي الْعَذَابِ، ثُمَّ قَالَ: رِيَّاحُ الشَّمَالِ وَرِيَّاحُ الصَّبَا وَرِيَّاحُ الْجَنُوبِ وَرِيَّاحُ الدَّبُورِ أَيْضًا يُضَافُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ(5). (6)

ص: 182

1- . اصطخر: كانت من بلاد فارس القديمة تُعمل فيها الأكسجيه الاصطخريه الجياد السود كما في العقد الفريد.

2- . أى قطع الرابطه مع قرين السوء.

3- . الخصال، ص 248، ح 110.

4- . الرِيحُ الدَّبُورُ: الرِيحُ الَّتِي تَقَابِلُ الصَّبَا تَهَبُ مِنْ نَاحِيَةِ الْمَغْرِبِ، قِيلَ: سَمِّيَتْ بِذَلِكَ لِأَنَّهَا تَأْتِي مِنْ دُبُرِ الْكَعْبَةِ، قَالَ فِي النَّهَائِيَةِ: وَليْسَ بِشَيْءٍ (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ: 9/2).

5- . أى تسمّى كل رِيحٍ بِاسْمِ الْمَلِكِ الْمُوَكَّلِ بِهِ.

6- . الخصال، ص 260، ح 138.

3436. امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی بعد از حضرت نوح به هیچ پیامبری حکومت و فرمانروایی در روی زمین نداد جز چهار پیامبر: ذوالقرنین که اسم او عیاش بود. و داود و سلیمان و یوسف.

عیاش فرمانروایی غرب تا شرق زمین را در اختیار داشت. داوود از شام تا اصطخر و همچنین سلیمان [از شام تا اصطخر] حکومت کرد. یوسف هم بر سرزمین مصر و صحرای آن حکومت کرد.

3437. چهار نفر از پیامبران چهار سخن گفته اند: حضرت موسی علیه السلام فرمود: کسی که از دوست بد قطع رابطه کند گویا به تورات عمل کرده است. حضرت داود علیه السلام فرمود: کسی که از شهوت خودداری کند گویا به زبور عمل کرده است. حضرت عیسی علیه السلام فرمود: کسی که به قسمت خدایی خشنود باشد گویا به انجیل عمل کرده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که زبان خود را حفظ کند گویا به قرآن عمل کرده است.

3438. ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام درباره بادهای چهار گانه پرسیدم: باد شمال، باد جنوب و باد دَبُّور و باد صبا. و گفتم: مردم می گویند: باد شمال از بهشت می وزد. و باد جنوب از جهنم.

حضرت فرمودند: خداوند لشگریانی از بادهای دارد که بوسیله آن هر گنه کاری را که بخواهد عذاب می کند. و برای هر باد یک فرشته ای گمارده است. و زمانی که اراده کند گروهی را به نوعی عذاب کند به فرشته گمارده آن باد آنان را عذاب می کند.

هنگامی که خداوند به آن فرشته فرمان می دهد، او چون شیر خشمگین به هیجان در می آید. هر باد نام مخصوصی دارد. آیا این آیه را نشنیده ای: «قوم عاد کفر ورزیدند. و گرفتار عذاب شدند». و نام بادهای عذاب ذکر فرمود.

سپس حضرت فرمودند: شمال و جنوب و دَبُّور و صبا نام چهار فرشته است که هر باد به نام آن فرشته اضافه شده است.



3439. قَالَ حَامِدٌ: أَرْبَعَةٌ طَلَبْنَاهَا فِي أَرْبَعَةٍ فَأَخْطَأْنَا طُرُقَهَا وَوَجَدْنَاهَا فِي أَرْبَعَةٍ أُخْرَى: طَلَبْنَا الْغِنَى فِي الْمَالِ فَوَجَدْنَاهَا فِي الْقَنَاعَةِ، وَطَلَبْنَا الْجَاهَ فِي الْحَسَبِ فَوَجَدْنَاهَا فِي التَّقْوَى، وَطَلَبْنَا الرَّاحَةَ فِي ثَرْوَةِ الْمَالِ فَوَجَدْنَاهَا فِي قَلَّةِ الْمَالِ، وَطَلَبْنَا النِّعَمَةَ فِي اللَّبَاسِ وَالطَّعَامِ وَنَيْلِ الْمُشْتَهَى فَوَجَدْنَاهَا فِي الْبَدَنِ الصَّحِيحِ.

3440. وَقَالَ حَاتِمٌ: مَنْ سَوَّفَ أَرْبَعًا إِلَى أَرْبَعٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ: التَّوَمُّ إِلَى الْقَبْرِ، وَالْفَخْرُ إِلَى الْمِيزَانِ، وَالرَّاحَةَ إِلَى الصِّرَاطِ، وَالشَّهْوَةَ إِلَى الْجَنَّةِ.

3441. وَقَالَ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ: أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ: كِتْمَانُ الْفَاقَةِ، وَكِتْمَانُ الصَّدَقَةِ، وَكِتْمَانُ الْوَجْعِ، وَكِتْمَانُ الْبَلَابَا. (1)

3442. وَقَالَ بَعْضُ آخَرٍ: أَرْبَعٌ مِنْ عِلَامَاتِ الشَّقَاءِ: قَسْوَةُ الْقَلْبِ، وَجُمُودُ الْعَيْنِ (2)، وَكَثْرَةُ الْمَنْعِ (3)، وَطُولُ الْأَمَلِ (4).

3443. وَقَالَ آخَرٌ: أَرْبَعٌ مِنْ عِلَامَاتِ الْكَرَمِ: بَذْلُ النَّدَى (5)، وَكَفُّ الْأَذَى، وَتَعْجِيلُ الْمَثُوبَةِ، وَتَأْخِيرُ الْعُقُوبَةِ.

وَأَرْبَعٌ تَرْقَى بِهَا إِلَى أَرْبَعَةٍ: بِالْعَقْلِ إِلَى الرَّئِيسَةِ، وَبِالرَّأْيِ إِلَى السِّيَاسَةِ، وَبِالْعِلْمِ إِلَى التَّصْدِيرِ، وَبِالْحِلْمِ إِلَى التَّقْوِيرِ.

وَأَرْبَعَةٌ تُعْرَفُ بِأَرْبَعَةٍ: الْكَاتِبُ بِالْكِتَابَةِ، وَالْعَالِمُ بِجَوَابِهِ، وَالْحَكِيمُ بِأَفْعَالِهِ، وَالْحَلِيمُ بِاحْتِمَالِهِ.

[وَأَرْبَعَةٌ تُدَلُّ عَلَى السَّعَادَةِ: حُبُّ الْعِلْمِ، وَحُسْنُ الْجِلْمِ، وَصِحَّةُ الْجَوَابِ، وَكَثْرَةُ الصَّوَابِ.]

1- . تحف العقول، ص 295، نقلاً عن المعصوم عليه السلام.

2- . أى عن البكاء؛ فلا يبكى فى الله ولله.

3- . أى عن قبول الحق أو اعطاء المال.

4- . مجموعه ورام، ج 2، ص 241.

5- . أندى: كثرت عطاياه (القاموس المحيط: 395/4).

3439. حامد گوید: چهار چیز را در چهار مورد جستجو کردیم و نیافتیم. و در چهار جای دیگر یافتیم: ثروت را در مال جستجو کردیم، اما در قناعت یافتیم. مقام را در حسب و نسب طلب کردیم، اما در پرهیزکاری یافتیم. آسایش را در ثروت و مال دنبال می کردیم در کمی مال پیدا کردیم. نعمت را در لباس و غذا و رسیدن به خواسته ها جستجو می کردیم، اما در بدن سالم بدست آوردیم.

3440. حاتم گوید: کسی که چهار چیز را به چهار مورد تأخیر اندازد، وارد بهشت شود.

خواب را به قبر، و افتخار را به میزان، و آسایش را به صراط، و شهوت را به بهشت.

3441. عالمی گوید: پوشاندن چهار چیز از گنجهای نیکی است: احتیاج و صدقه و درد و بلا.

3442. یکی از علما می گوید: چهار صفت علامت بدبختی است: سنگ دلی و خشکی چشم و بخل و آرزوی طولانی.

3443. عالم دیگر گوید: چهار خصلت از نشانه های کرامت است: بخشش و بی آزاری و عجله در پاداش خوب دادن و تأخیر کیفر.

و چهار چیز وسیله ترقی به چهار مقام است: با عقل به ریاست و با تدبیر به سیاست و با علم به صدارت و با بردباری به وقار می توان رسید.

وَأَرْبَعَةٌ تَدُلُّ عَلَى الدَّهَاءِ: تَجَرُّعُ الغُصَصِ، وَانْتِهَازُ الفُرْصِ، وَاسْتِمْدَادُ الآرَاءِ، وَمُدَاهَنَةُ (1) الأعداءِ.

وَأَرْبَعَةٌ توصلُكَ إلى أَرْبَعَةٍ: الصَّبْرُ إلى المَحْبُوبِ، وَالجِدُّ إلى المَطْلُوبِ، وَالزُّهُدُ إلى التَّقَى، وَالقَنَاعَةُ إلى الغِنَى.

أَرْبَعَةٌ خِصَالٌ إِذَا اعطيتها دَفَعَتْ عَنْكَ كَثِيراً مِنَ الهَمِّ وَالغَمِّ وَالذَّمِّ: حُسْنُ الخَلْقِ، وَالقَنَاعَةُ، وَصِدْقُ الحَدِيثِ، وَأداءُ الأمانَةِ. (2)

3444. وَعَنْ بَعْضِ أَهْلِ المَعْرِفَةِ أَنَّهُ قَالَ: اغْسِدُوا أَرْبَعاً بِأَرْبَعٍ: وَجُوهَكُمْ بِماءِ أَعْيُنِكُمْ، وَالسِّدَّ بِذِكْرِ خالِقِكُمْ، وَقُلُوبَكُمْ بِخَشْيَةِ رَبِّكُمْ، وَذُنُوبَكُمْ بِالتَّوْبَةِ إلى مَوْلَاكُمْ.

3445. وَقَالَ بَعْضُ العُلَمَاءِ: ثَمَرَةُ العِلْمِ أَرْبَعَةٌ: أَحَدُهَا ما بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللّهِ وَهُوَ الخَشْيَةُ، والثَّانِي ما بَيْنَهُ وَبَيْنَ الخَلْقِ وَهُوَ الشَّفَقَةُ، والثَّالِثُ ما بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّفْسِ وَهُوَ الصَّبْرُ، والرَّابِعُ ما بَيْنَهُ وَبَيْنَ الدُّنْيَا وَهِيَ الرِّهَادَةُ.

3446. وَقِيلَ: الرِّجَالُ أَرْبَعَةٌ: فَرَجُلٌ يَدْرِي وَلَا يَدْرِي أَنَّهُ يَدْرِي؛ فَذَلِكَ ناسٌ فَذَكَرُوهُ، وَرَجُلٌ لَا يَدْرِي وَيَدْرِي أَنَّهُ لَا يَدْرِي؛ فَذَلِكَ مُسْتَرَشِدٌ فَأَرشِدُوهُ، وَرَجُلٌ لَا يَدْرِي وَلَا يَدْرِي أَنَّهُ لَا يَدْرِي؛ فَذَلِكَ جاهِلٌ فَأَرْفُضُوهُ، وَرَجُلٌ يَدْرِي وَيَدْرِي أَنَّهُ يَدْرِي؛ فَذَلِكَ عالِمٌ فَاتَّبِعُوهُ.

3447. وَقَالَ بقراطٌ: البلاءُ أَرْبَعَةٌ: كَثْرَةُ العِيالِ، وَقِلَّةُ المالِ، وَالجارُ السَّوْءُ، وَزَوْجَةٌ خائِنَةٌ.

3448. وَقَالَ أيضاً: أَرْبَعَةٌ تَهْدِمُ العُمُرَ: إِدخالُ الطَّعامِ عَلَى الطَّعامِ قَبْلَ الإِنْهَاضِ، وَالشُّرْبُ عَلَى الرِّيقِ، وَالسَّمُّعُ فِي الحَمَّامِ، وَنِكَاحُ العَجُوزِ.

3449. وَقَالَ بَعْضُ الحُكَمَاءِ: لاشِدَىءٌ أَضْيَعُ مِنَ أَرْبَعٍ: مَوَدَّةٌ تَمْنَحُها مَن لا وِفاءَ لَهُ، وَبِلاءٌ تَصْطَنِعُهُ عِنْدَ مَن لا شُكْرَ لَهُ، وَأَدبٌ تُؤدِّبُ بِهِ مَن لا يَنْتَفِعُ بِهِ، وَسِرٌّ تَسْتَوِدُّهُ مَن لا صِيانَةَ لَهُ.

ص: 186

1- . المداهنه: المداراه؛ وهي أن ترى منكراً تقدر على دفعه ولم تدفعه حفظاً لجانب مرتكبه، أو جانب غيره، أو لقله المبالاه بالدين.

2- . معدن الجواهر، ص 46.

و چهار کس را از چهار صفت می توان شناخت: کاتب را از نوشتن، عالم را از جواب سؤال و حکیم را از رفتارش و بردبار را از تحملش، می توان شناخت.

چهار چیز به سعادت رهنمون می کند: دوست داشتن علم و بردباری نیکو و جواب صحیح و فراوانی کار صحیح.

چهار چیز نشانه زیرکی است: فرو خوردن غصه و استفاده از فرصت و مشورت کردن با صاحبان رأی و مدارا با دشمن.

چهار صفت تو را به چهار چیز می رساند: صبر به محبوب و کوشش به مطلوب و زهد به پرهیزکاری و قناعت ترا به ثروت می رساند.

اگر چهار خصلت داشته باشی غم و غصه و اندوه را از تو دور می کنند: اخلاق خوش و قناعت و راستگویی و امانت داری.

3444. عارفی گوید: چهار چیز را با چهار چیز بشوئید: چهره را با اشک چشمان و زبان را با یاد پروردگار و قلب را با ترس از پروردگار و گناهان را با توبه و بازگشت به سوی مولای خود، بشوئید.

3445. یکی از علما گوید: ثمره علم چهار چیز است: یکی: خشیت است که میان انسان و خداست.

دوم: ملاحظت است که میان انسان و مردم است. سوم: صبر است که میان انسان و روح خود است. چهارم: زهد است که میان انسان و دنیا است.

3446. مردان چهار نفرند: کسی که می داند و نمی داند که می داند. به این شخص تذکر بدهید.

دوم: کسی که نمی داند و نمی داند که نمی داند. و ارشاد می خواهد. او را راهنمایی کنید.

سوم: کسی که نمی داند و می داند که نمی داند. او نادان است. او را رها کنید.

چهارم: کسی که می داند و می داند که می داند. او عالم است. از او پیروی کنید.

3447. بقراط گوید: چهار چیز بلاء است: زیادی عیال و کمی مال و همسایه بد و همسر خائن.

3448. بقراط گوید: چهار چیز عمر را تلف می کند: خوردن غذا قبل از هضم شدن غذای قبل، نوشیدن آب در ناشتا و نزدیکی کردن در حمام و ازدواج با پیر زن.

3449. حکیمی گفته است: چهار چیز از همه چیز بیشتر هدر می رود: دوست داشتن کسی که بی وفاء است. و تحمل گرفتاری برای کسی که قدرشناس نیست. و ادب کردن به کسی که از ادب سودی نبرد. و راز گفتن به کسی که رازدار نیست.

3450. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: مِنَ التَّمَسِّ أَرْبَعًا بِأَرْبَعِ التَّمَسِّ مَا لَا يَكُونُ: مِنَ التَّمَسِّ الْجَزَاءُ بِالرِّيَاءِ التَّمَسُّ مَا لَا يَكُونُ، وَمِنَ التَّمَسِّ مَوَدَّةَ النَّاسِ بِالْغِلْظَةِ التَّمَسُّ مَا لَا يَكُونُ، وَمِنَ التَّمَسِّ وَفَاءَ الْإِخْوَانِ بِغَيْرِ وَفَاءٍ لَهُمْ التَّمَسُّ مَا لَا يَكُونُ، وَمِنَ التَّمَسِّ الْعِلْمَ بِرَاحَةِ الْجَسَدِ التَّمَسُّ مَا لَا يَكُونُ.

3451. وَقَالَتْ حُكَمَاءُ الْهِنْدِ: أَرْبَعَةٌ لَا تَشْبَعُ مِنْ أَرْبَعَةٍ: عَاقِلٌ مِنْ أَدَبٍ، وَعَالِمٌ مِنْ كُتُبٍ، وَأَصِيلٌ مِنْ نَسَبٍ، وَجَاهِلٌ مِنْ لَعِبٍ.

3452. قَالَتْ حُكَمَاءُ الْفَرَسِ: أَرْبَعَةٌ لَا تَشْبَعُ مِنْ أَرْبَعَةٍ: عَيْنٌ مِنْ مَلِيحٍ (1)، وَأُذُنٌ مِنْ فَصِيحٍ، وَقَلْبٌ مِنْ نَصِيحٍ، وَمُسَافِرٌ مِنْ طَيِّبِ رِيحٍ.

3453. وَقَالَتْ حُكَمَاءُ الرُّومِ: أَرْبَعَةٌ لَا تَشْبَعُ مِنْ أَرْبَعَةٍ: عَيْنٌ مِنْ نَظَرٍ، وَأُذُنٌ مِنْ خَبْرٍ، وَأَرْضٌ مِنْ مَطَرٍ، وَأُنْثَى مِنْ ذَكَرٍ.

3454. وَقَالَتْ حُكَمَاءُ الْعَرَبِ: أَرْبَعَةٌ لَا تَشْبَعُ مِنْ أَرْبَعَةٍ: شَجَاعٌ مِنْ لِقَاءٍ، وَسَخِيٌّ مِنْ عَطَاءٍ، وَتَقِيٌّ مِنْ دُعَاءٍ، وَمُحْسِنٌ مِنْ ثَنَاءٍ.

3455. وَاخْتَارَ الْحُكَمَاءُ مِنْ أَرْبَعِ كُتُبٍ مِنَ السَّمَاءِ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ:

مِنَ التَّوْرَةِ: مَنْ رَضِيَ بِمَا أَعْطَاهُ اللَّهُ اسْتَرَاحَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

وَمِنَ الزَّبُورِ: مَنْ تَفَرَّدَ عَنِ النَّاسِ نَجَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

وَمِنَ الْإِنْجِيلِ: مَنْ هَدَمَ الشَّهَوَاتِ عَزَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

وَمِنَ الْفُرْقَانِ: مَنْ حَفِظَ اللِّسَانَ سَلِمَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

3456. وَقَالَ حَكِيمٌ: لَا تُصَاحِبِ إِلَّا أَحَدًا أَرْبَعَةً: رَجُلٌ تَرَجُو نَوَالَهُ، أَوْ تَخَافُ شَرَّهُ، أَوْ تَسْتَفِيدُ مِنْ عِلْمِهِ، أَوْ تَرَجُو بَرَكَهَ دُعَائِهِ.

3457. وَعَنْ بَعْضِ الْحُكَمَاءِ قَالَ: إِنَّ شِعَارَ حُكَمَاءِ الْإِسْلَامِ أَرْبَعَةٌ: التَّقْوَى، وَالْحَيَاءُ، وَالشُّكْرُ، وَالصَّبْرُ.

3458. وَمِنْ وَصَايَا لُقْمَانَ لِابْنِهِ: يَا بَنِيَّ، اعْلَمْ أَنَّكَ سَتُسْأَلُ غَدًا إِذَا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ عَنْ أَرْبَعٍ: شَدِّ بَابِكَ فِيمَ أَبْلَيْتَهُ؟ وَعُمُرِكَ فِيمَ أَفْنَيْتَهُ؟ وَمَالِكَ مِمَّا اكْتَسَبْتَهُ؟ وَفِيمَا أَنْفَقْتَهُ؟ فَأَعِدْ لَهُ جَوَابًا.

ص: 188

3450. یکی از حکیمان گفته است: کسی که برای چهار خصلت به چهار چیز متوسل شود بی بهره ماند: کسی که برای پاداش، به ریا متوسل شود. و کسی که برای دوست داشتن مردم، به خشونت متوسل شود. و کسی که به امید وفاداری مردم، بیوفائی کند. و کسی که برای بدست آوردن علم، به تن پروری متوسل شود.

3451. حکیمان هندی گویند: چهار نفر از چهار چیز سیر نمی شوند: عاقل از ادب و عالم از کتاب و اصیل از نسب و نادان از هرزگی.

3452. حکیمان فارس گویند: چهار چیز از چهار چیز سیر نمی شود: چشم از زیبایی و گوش از شنیدن و قلب از نصیحت و مسافر از بوی خوش.

3453. حکیمان روم گویند: چهار چیز از چهار چیز سیر نمی شود: چشم از دیدن و گوش از خبر و زمین از باران و زن از مرد.

3454. حکیمان عرب گویند: چهار نفر از چهار چیز سیر نمی شوند: شجاع از روبارویی، سخی از بخشیدن و پرهیزکار از دعا و نیکوکار از ستایش.

3455. حکیمان از چهار کتاب آسمانی چهار جمله برگزیده اند:

از تورات: کسی که به آنچه خدا قسمت او کرده خشنود باشد، در دنیا و آخرت آرامش دارد.

از زبور: کسی که از مردم کناره گیرد، در دنیا و آخرت نجات یابد.

از انجیل: کسی که شهوت ها را از بین ببرد، در دنیا و آخرت عزیز می شود.

از قرآن: کسی که زبانش را حفظ کند، در دنیا و آخرت به سلامت باشد.

3456. حکیمی گوید: همنشینی مکن مگر با یکی از این چهار نفر: کسی که به خیر او امیدواری. یا از شر او می ترسی. یا از علم او بهره ببری. یا از برکت دعایش برخوردار شوی.

3457. یک حکیم گفته است: شعار حکیمان مسلمان چهار چیز است: تقوی و حیاء و شکر و صبر.

3458. از وصیت لقمان به فرزندش: پسرم بدان وقتی که تو فردای قیامت در مقابل پروردگار بایستی به چهار سؤال باید پاسخ دهی: جوانی را در چه راهی گذراندی؟ عمر را چگونه فنا کردی؟ مال خود را از کجا بدست آوردی؟ و در چه کاری مصرف کردی؟ پس جواب را آماده کن.

3459. وقال أيضاً لابنه: يا بُنَيَّ، اعلم أني خَدَمْتُ أَرْبَعِمِئَةَ نَبِيٍّ وَأَخَذْتُ مِنْ كَلَامِهِمْ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ، وَهِيَ: إِذَا كُنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَاحْفَظْ قَلْبَكَ، وَإِذَا كُنْتَ عَلَى الْمَائِدَةِ فَاحْفَظْ حَلْقَكَ، وَإِذَا كُنْتَ فِي بَيْتِ الْغَيْرِ فَاحْفَظْ عَيْنَكَ، وَإِذَا كُنْتَ بَيْنَ الْخَلْقِ فَاحْفَظْ لِسَانَكَ.

3460. وسألوا بقراطاً: مَا الْإِنْسَانِيَّةُ؟ قَالَ: التَّوَاضُّعُ عِنْدَ الرَّفْعَةِ، وَالْعَفْوُ عِنْدَ الْقَدْرَةِ، وَالسَّخَاءُ عِنْدَ الْفِلْهِ، وَالْعَطَاءُ بِغَيْرِ الْمِنَّةِ.

3461. ويُقال: إِنَّ أَرْبَعَةَ مِنَ الْحُكَمَاءِ مَاتُوا بِأَرْبَعِهِ أَمْرًا؛ فَإِنَّ أَفْلَاطُونَ مَاتَ مُبْرَسًا مَأً (1)، وَإِنَّ أَرِسْطَاطَالِيَسَ مَاتَ مَجْدُومًا، وَيُقَالُ: مَاتَ بِالسَّلِّ، وَبُقْرَاطُ مَاتَ مَفْلُوجًا، وَجَالِينُوسُ مَاتَ مَبْطُونًا (2)، وَلَقَدْ أَجَادَ الشَّاعِرُ حَيْثُ قَالَ:

أَلَا يَا أَيُّهَا الْمَغْرُورُ تُبِّ مِنْ غَيْرِ تَأْخِيرِ

فَإِنَّ الْمَوْتَ قَدْ يَأْتِي وَلَوْ صُبِّرْتَ قَارُونََا

فَكَمْ قَدْ مَاتَ ذُو طِبِّ وَكَمْ قَدْ مَاتَ ذُو مَالٍ

يُلَاقِي بَطْشَهُ (3) الْجَبَّارِ ذَا عَقْلِ وَمَجْنُونَا

بِسِلِّ مَاتَ أَرِسْطَالِي سُسُ أَفْلَاطُونَ بِرِسَامِ

وَبُقْرَاطُ بِإِفْلَاجِ

وَجَالِينُوسُ مَبْطُونَا

3462. وقال أبو عليّ الثَّقَفِيُّ: أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ لَا بُدَّ لِلْعَاقِلِ مِنْ حِفْظِهَا: الْأَمَانَةُ، وَالصِّدْقُ، وَالْأَخُ الصَّالِحُ، وَالسَّرِيرَةُ.

3463. وسئل ابنُ جُمهورٍ عَن حَالِهِ فِي نَكْبَتِهِ فَقَالَ: عَوَّلْتُ عَلَى أَرْبَعِهِ أَشْيَاءَ هَوَّتْ عَلَيَّ مَا أَنَا فِيهِ: أَوْلَاهَا: أَنِّي قُلْتُ: الْقَضَاءُ وَالْقَدَرُ لَا بُدَّ مِنْ وَقُوعِهِمَا. الثَّانِي: قُلْتُ: إِنْ لَمْ أَصْبِرْ فَمَا أَصْنَعُ؟ الثَّلَاثُ: قَدْ كَانَ يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ أَشَدَّ مِنْ هَذَا. الرَّابِعُ: قُلْتُ: لَعَلَّ الْفَرَجَ قَرِيبٌ.

ص: 190

1- . البرسام - بالكسر -: التهاب في الحجاب الذي بين الكبد والقلب فارسي مركب معناه التهاب الصدر.

2- . أي بدء البطن أو من به اسهال يمتد أشهراً لضعف المعده.

3- . البطشه: السطوه والأخذ بالعنف (الصحاح: 996/3).

3459. لقمان گفت: فرزندانم، من به چهارصد پیامبر خدمت کرده‌ام. و از آنها چهار جمله برگزیده‌ام:

زمانی که به نماز می‌ایستی حضور قلب داشته باش. و زمانی که سر سفره می‌نشینی از گلویت محافظت کن [زیاد نخور]. و زمانی که به خانه دیگران می‌روی چشم خود را حفظ کن. و زمانی که در میان مردم هستی زبان خود را کنترل کن.

3460. از بقراط پرسیدند: انسانیت چیست؟ گفت: فروتنی در جایگاه مقام و عفو هنگام قدرت و سخاوت در تنگدستی و بخشش بدون منت گذاردن.

3461. گویند: چهار حکیم با چهار بیماری جان داده‌اند: افلاطون با بیماری کبد جان داد.

ارسطاطیس با بیماری خوره [جزام] جان باخت. بعضی گفته‌اند با سل جان داد. بقراط با فلج از پا درآمد. و جالینوس از بیماری اسهال جان سپرد.

شاعر چه نیکو گفته است: الا ای آدم مغرور بدون تأخیر توبه کن. که مرگ خواهد آمد.

گرچه قارون شوی. چه بسیار طبیبانی که مرده‌اند، چه بسیار ثروتمندانی که مرده‌اند. افراد عاقل و مجنون همه گرفتار اخذ خداوند شدند. ارسطاطیس با سل مرد و افلاطون با بیماری کبد. بقراط فلج شد و جالینوس از درد معده جان باخت.

3462. ابوعلی ثقفی گوید: عاقل باید چهار خصلت را حفظ کند: امانت، صداقت، دوست شایسته و باطن.

3463. از ابن جمهور پرسیدند: در زمان بدبختی چه حالتی داشتی؟ گفت: به چهار چیز اعتماد کردم.

و دشواری بر من آسان شد: اول: می‌گفتم که از قضا و قدر چاره‌ای نیست. دوم: می‌گفتم اگر صبر نکنم چه کنم؟ سوم: شاید حال من از این که هست بدتر شود. چهارم: می‌گفتم شاید گشایش نزدیک باشد.



3464. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: لَا يَكْمُلُ الرَّجُلُ حَتَّى يَسْتَوِيَ فِي قَلْبِهِ أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ: الْمَنَعُ وَالْعَطَاءُ، وَالْعِزُّ وَالذُّلُّ.

3465. وَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ وَاسِعٍ: أَرْبَعٌ يُمْتَنَ الْقَلْبُ: الذَّنْبُ عَلَى الذَّنْبِ، وَكَثْرَةُ مُنَافَسَةِ [\(1\)](#) النِّسَاءِ؛ وَهُوَ حَدِيثُهُنَّ، وَمُلاحَاةُ الْأَحْمَقِ؛ تَقُولُ لَهُ وَيَقُولُ لَكَ، وَمُجَالَسَةُ الْمَوْتَى. قِيلَ: وَمَا الْمَوْتَى؟ قَالَ: كُلُّ غَنِيٍّ مُتَرَفٍّ، وَسُلْطَانٍ جَائِرٍ.

3466. وَقَالَ بِلَالُ بْنُ سَعْدٍ: يَا عِبَادَ الرَّحْمَنِ! أَرْبَعُ خِصَالٍ جَارِيَاتٌ مِنْهُ عَلَيْكُمْ مَعَ خَطَايَاكُمْ: أَمَّا رِزْقُهُ فِدَاؤٌ عَلَيْكُمْ، وَأَمَّا رَحْمَتُهُ فَغَيْرُ مَحْجُوبَةٍ عَنْكُمْ، وَأَمَّا سِتْرُهُ فَسَابِغٌ عَلَيْكُمْ، وَأَمَّا عِقَابُهُ فَلَمْ يُعَجَّلْ لَكُمْ، ثُمَّ أَنْتُمْ الْيَوْمَ تَتَكَلَّمُونَ وَاللَّهُ سَاكِتٌ، وَيُوشِكُ اللَّهُ أَنْ يَتَكَلَّمَ وَتَسْكُتُونَ.

ص: 192

---

1- . كذا، وفي الخصال (ص 228): مناقشه، وهو الصواب.

3464. بعضی از حکیمان گفته اند: انسان کامل نمی شود مگر اینکه در قلب او چهار چیز مساوی گردد: خودداری با بخشش مساوی شود و عزّت با ذلّت.

3465. محمد فرزند واسع گوید: چهار چیز قلب را می میراند: گناه پس از گناه. و زیاد با زنان هم سخن شدن. دهان به دهان شدن با احمق و گفتگو با احمق. هم نشینی با مردگان. کسی پرسید: مردگان کیستند؟ گفت: هر ثروتمند خوشگذران و فرمانروای ستمگر.

3466. بلال فرزند سعد گوید: ای بنده های خدا، با وجود خطاهای شما چهار خصلت از او بر شما جاری است. رزق خدا برای شما برقرار است. و رحمت خدا شما را فرا گرفته است. و پرده پوشی خدا شامل شما شده است. و عذاب خدا عجله ای برای فرود آمدن ندارند.

پس شما امروز سخن می گوئید و خدا ساکت است. و بزودی او سخن می گوید و شما ساکت هستید.

3467. قيل: إِنَّ الْحِكْمَةَ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ فَلَا تَسْكُنُ قَلْبًا فِيهِ أَرْبَعَةٌ: الرُّكُونُ إِلَى الدُّنْيَا، وَهَمُّ الْغَدِ، وَحُبُّ الْفُضُولِ، وَحَسَدُ الْأَخِ.

3468. وقيل: اجْتَمَعَتِ الْعَرَبُ وَالْعَجَمُ عَلَى أَرْبَعِ كَلِمَاتٍ: الْأَوَّلُ: لَا تَحْمِلْ قَلْبَكَ مَا لَا يُطِيقُ. الثَّانِي: لَا تَعْتَرَّ بِالْمَالِ. الثَّلَاثُ: لَا تَتَّقِ إِلَى امْرَأَةٍ الرَّابِعُ: لَا تَعْمَلْ عَمَلًا لَا يَنْفَعُكَ.

3469. وقيل: اجْتَمَعَتِ الْعُلَمَاءُ عَلَى أَرْبَعِ كَلِمَاتٍ وَاخْتَارَتَهَا مِنْ أَرْبَعِ كُتُبٍ: مِنَ التَّوْرَةِ: مَنْ قَنَعَ شَدِيعَ. وَمِنَ الزَّبُورِ: مَنْ سَكَتَ سَلِيمَ. وَمِنَ الْإِنْجِيلِ: مَنْ اعْتَزَلَ نَجَا. وَمِنَ الْقُرْآنِ: «وَمَنْ يَعْتَصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

3470. وقيل: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْعَاقِلَ الْحَكِيمَ لَا يَخْلُو مِنْ أَرْبَعِ سَاعَاتٍ: سَاعَةٍ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ، وَسَاعَةٍ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ، وَسَاعَةٍ يَمْشِي فِيهَا إِلَى الْإِخْوَانِ الَّذِينَ يُخْبِرُونَهُ بِعُيُوبِهِ، وَسَاعَةٍ يَتَخَلَّى فِيهَا بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَذَائِهَا الْحَلَالِ.

3471. يُقَالُ: نَوَّرَ الْقَلْبَ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: بَطْنٍ جَائِعٍ، وَصَاحِبٍ صَالِحٍ، وَحِفْظِ الذَّنْبِ الْقَدِيمِ، وَقَصْرِ الْأَمَلِ.

3472. وقيل: الصَّدَقُ يَنْقَسِمُ إِلَى أَرْبَعَةِ أَقْسَامٍ: وَاجِبٍ، وَحَرَامٍ، وَمَكْرُوهٍ، وَحَسَنٍ؛ فَالصَّدَقُ الْوَاجِبُ أَدَاءُ الشَّهَادَةِ، وَالصَّدَقُ الْحَرَامُ النَّمِيمَةُ، وَالصَّدَقُ الْمَكْرُوهُ أَنْ تَمْدَحَ إِنْسَانًا وَهُوَ حَاضِرٌ، وَالصَّدَقُ الْحَسَنُ أَنْ تَمْدَحَ إِنْسَانًا وَهُوَ غَائِبٌ.

3467. گفته شده است: حکمت از آسمان فرود می آید و در قلبی که چهار چیز باشد جای نمی گیرد:

اعتماد به دنیا و غصه فردا و دوست داشتن زیادی و حسادت دوست.

3468. گفته اند: عرب و عجم در چهار جمله توافق دارند:

اول: بر قلب خود آنچه طاقت ندارد تحمیل نکن. دوم: به مال مغرور نشو. سوم: به زن اعتماد نکن. چهارم: کار بیهوده انجام نده.

3469. گفته اند: علما در چهار جمله که از چهار کتاب برگزیده اند توافق دارند:

از تورات: کسی که قانع باشد سیر می شود. از زبور: کسی که ساکت باشد سالم می ماند. از انجیل: کسی که [از مردم] کناره گیرد نجات یابد. از قرآن: «هر کس به خدا روی آورد به راه مستقیم هدایت شود».

3470. گفته اند: خداوند متعال به داود علیه السلام وحی کرد: وقت عاقل حکیم از چهار ساعت خالی نیست:

ساعتی برای مناجات با پروردگارش و ساعتی برای محاسبه رفتارش و ساعتی برای رفت و آمد با کسانی که عیب های او را گوشزد می کنند. و ساعتی برای لذت های حلال.

3471. گفته می شود: نور قلب از چهار چیزست: شکم گرسنه و دوست شایسته و یاد گناهان گذشته و کوتاهی آرزوها.

3472. گفته اند: صداقت چهار قسم است: واجب و حرام و مکروه و مستحب.

صداقت واجب، ادای شهادت است. صداقت حرام، سخن چینی است. صداقت مکروه، ستایشی کسی در حضور خودش است. اما صداقت مستحب ستایش کسی در غیاب اوست.

وقيل: أربعه فبيحه وهي في أربعه أقبح: البخل في الأغنياء، والفحش في النساء، والغضب في العلماء، والكذب في القضاء.

وأربعه لا يستقل قليلها: الدين، والتار، والعداوة، والمرض.

3473. وقيل: للعاقل أربعه أشياء: الحلم عن الجاهل، ورد النفس عن الباطل، وإنفاق المال في حقه، ومعرفة صديقه من عدوه.

3474. وقيل: وجد مكتوباً على صخره في جبال بيت المقدس: كل عاص مستوحش، وكل طائع مستأنس، وكل قانع عزيز، وكل حريص ذليل.

3475. وقيل: كتب يوسف عليه السلام على باب السجن الذي كان فيه أربع كلمات، وهي: هذه منازل أهل البلوى، وقبور الأحياء، وشماتة الأعداء، وتجربة الأصدقاء.

3476. وقيل: وجد في كتاب لجعفر بن يحيى أربعه أسطر مكتوبه بالذهب: الرزق مقسوم، والحريص محروم، والبخيل مذموم، والحسود مغموم.

3477. وذكر عن إبراهيم بن أدهم أن القراء قد اجتمعوا ليستمعوا ما عنده من الأحاديث، فقال: إني مشغول بأربعه أشياء فلا أتفرغ لروايه الحديث، فقيل له: وما ذلك الشغل؟ قال:

أحدُهُما: إني أتفكر في يوم الميثاق حيث قال: هؤلاء في الجنة ولا ابالي، وهؤلاء في النار ولا ابالي؛ فلا أدري من أي الفريقين كنت في ذلك الوقت.

والثاني: حين صورني في رجم امي فقال الملك الذي هو موكل على الأرحام: يا رب شقي هو أم سعيد؟ فلا أدري كيف كان الجواب في ذلك الوقت.

والثالث: حين يقبض ملك الموت رحي فيقول: يا رب، مع الكفر أم مع الإيمان؟ فلا أدري كيف يخرج.

والرابع: حين يقول: «وامتروا اليوم أيها المجرمون»، فلا أدري مع أي الفريقين أكون.

3478. وورد في الحديث القدسي: إني وضعت أربعه مواضع، والناس يطلبونها في غيرها فلا يجدون [ن] ها أبداً:

گفته اند: چهار صفت زشت است اما در چهار نفر زشت تر است: بخل در ثروتمندان و فحش در زنان و خشم در علماء و دروغ در قاضی.  
و چهار چیز اندکش هم کم نیست: بدهی و آتش و دشمنی و بیماری.

3473. گفته اند: عاقل چهار خصلت دارد: بردباری در برابر نادان و خودداری از باطل، مصرف کردن مال در مورد حق و شناختن دوست از دشمن.

3474. گفته اند: بر صخره ای از کوههای بیت المقدس نوشته ای یافته اند: هر گناهکاری وحشت دارد. و هر انسان مطیع خدا مأنوس است. هر کس قانع باشد عزیز است. و هر کس حریص باشد ذلیل است.

3475. گفته اند: یوسف علیه السلام بر در زندانی که در آن بود چهار جمله نوشت: اینجا محل مبتلایان و قبر زندگان و شماتت دشمنان و تجربه دوستان است.

3476. گفته اند: در کتاب جعفر بن یحیی چهار سطر با طلا نوشته شده است: روزی تقسیم شده است.

و طمع کار محروم و بخیل سرزنش شده و حسود غمگین است.

3477. قاریان نزد ابراهیم ادهم جمع شده بودند تا از او احادیث بشنوند، گفت: من به چهار چیز مشغول هستم. و فرصت ندارم برای شما حدیث نقل کنم. گفتند: به چه چیزی مشغول هستی؟ گفت: اول: من فکر می کنم به روزی که این گروه اهل بهشت و این گروه اهل دوزخ هستند و من نمی دانم در آن روز در کدام گروه هستم.

دوم: زمانی که در رحم مادر بودم فرشته ای که موکل بر رحمهاست گفت: پروردگارا، این بدبخت است یا سعادتمند؟ نمی دانم در آن روز چه جوابی شنید.

سوم: زمانی که عزرائیل روح مرا قبض می کند می گوید: این شخص کافر است یا مؤمن.

من نمی دانم چگونه روح از بدنم خارج می شود.

چهارم: زمانی که گفته می شود: «ای مردم مجرم از هم جدا شوید». نمی دانم در کدام گروه هستم.

3478. در حدیث قدسی آمده است [که خداوند می فرماید]: من چهار چیز را در چهار موضع قرار داده ام. و مردم آنها را در جای دیگری جستجو می کنند. و هرگز به آنها دست نمی یابند:

إِنِّي وَصَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ وَالْغُرْبَةِ، وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهُ فِي الشَّبَعِ وَالْوَطَنِ فَلَمْ يَجِدُوهُ أَبَدًا.

وَإِنِّي وَصَعْتُ الْعِزَّةَ فِي خِدْمَتِي، وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي خِدْمَةِ السَّلَاطِينِ فَلَمْ يَجِدُوهَا أَبَدًا.

وَإِنِّي وَصَعْتُ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ، وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهُ بِالْأَمْوَالِ فَلَمْ يَجِدُوهُ أَبَدًا.

وَإِنِّي وَصَعْتُ الرِّاحَةَ فِي الْجَنَّةِ، وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهُ فِي الدُّنْيَا فَلَمْ يَجِدُوهَا أَبَدًا.

3479. مَكْتُوبٌ فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ: حَقٌّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ لَا يَغْفَلَ عَنْ أَرْبَعِ سَاعَاتٍ: فَسَاعَةٌ فِيهَا يُنَاجِي رَبَّهُ، وَسَاعَةٌ فِيهَا يُحَاسِبُ نَفْسَهُ، وَسَاعَةٌ يُفَضِي (1) إِلَى إِخْوَانِهِ يَصَدِّدُونَهُ عَنْ عُيُوبِ نَفْسِهِ، وَسَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَذَّتِّهَا فِيمَا يَحْرَبُ وَيَجْمَلُ؛ فَإِنَّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ عَوْنًا لِتِلْكَ السَّاعَاتِ.

ص: 198

1- . أفضى إليه بسرّه: أعلمه به، أفضى إليه وصل. والمراد هنا الثاني.

علم را در گرسنگی و غربت قرار داده ام. در حالی که مردم علم را در سیری و وطن جستجو می کنند. و هرگز نمی یابند.

من عزت را در خدمت کردن به خودم قرار داده ام. و مردم در خدمت کردن به فرمانروایان می جویند. و هرگز به آن دست نمی یابند.

من ثروت را در فناخت قرار داده ام. و مردم آن را در مال می جویند. و به آن نمی رسند.

من آسایش را در بهشت قرار داده ام. و مردم آن را در دنیا طلب می کنند. و هرگز به آن دست نمی یابند.

3479. در حکمت آل داود آمده است: بر عاقل لازم است که از چهار ساعت غفلت نکند: ساعتی را با پروردگارش مناجات کند. و ساعتی به محاسبه رفتار خود پردازد. و ساعتی با دوستانی بنشیند که عیب او را گوشزد کنند. و ساعتی را برای لذتهای حلال و نیکو قرار دهد. که این ساعت فرصت را برای بقیه ساعتها آماده می کند.

ص: 199



الفصل الثامن: نذكر فيه أشياء من الحكيم الفارسيه

رَوَتْهَا الْفَرَسُ مِنْ كَلَامِ الْحُكَمَاءِ فَحَوَّلْتُهَا

إِلَى الْفَاظِ عَرَبِيَّةٍ، وَفِيهِ فَوَائِدُ آخَرُ

3480. أَرْبَعَةٌ تَجِبُ مُدَارَاتُهُمْ: الْأَوَّلُ: السُّلْطَانُ الْجَائِرُ. الثَّانِي: الْمَرِيضُ. الثَّلَاثُ: الشُّكَارَى الَّذِينَ هُمْ فِي غَمَرَاتِ الْجَهْلِ حَيَارَى. الرَّابِعُ: الْخَلِيلُ الْمُحْسِنُ إِلَيْكَ أَوْ مَنْ تَكُونُ أَعْمَالُهُ حَسَنَةً.

3481. أَرْبَعَةٌ أَشْيَاءٌ تُدَلُّ عَلَى الْبَخْتِ الْحَسَنِ (1): الْأَوَّلُ: أَصْلٌ طَاهِرٌ. الثَّانِي: قَلْبٌ طَاهِرٌ. الثَّلَاثُ: يَدٌ طَاهِرَةٌ.

الرَّابِعُ: رَأْيٌ مُسْتَقِيمٌ.

3482. أَرْبَعَةٌ أَشْيَاءٌ مَنِ ارْتَكَبَهَا زَلَّ: الْأَوَّلُ: النَّظْرُ إِلَى نَفْسِهِ بِعَيْنِ الرِّضَى وَالتَّكَبُّرُ عَلَى الْخَلْقِ. الثَّانِي: ذِكْرُ عُيُوبِ الْخَلْقِ وَالتَّلَذُّذُ بِالتَّهْمَةِ لِمَنْ يَحْسِدُهُ بِنَسْبِهِ الْعُيُوبِ إِلَيْهِ. الثَّلَاثُ: الْبُخْلُ عَلَى الْخَلْقِ بِمَا يَمْلِكُ.

الرَّابِعُ: التَّوَقُّعُ مِنَ السَّفَلَةِ.

3483. أَرْبَعَةٌ أَشْيَاءٌ تُدَلُّ عَلَى السَّعَادَةِ: الْأَوَّلُ: الْوَفَاءُ بِالْقَوْلِ وَالْعَهْدِ. الثَّانِي: التَّوَاضُّعُ عَلَى جَمِيعِ الْأَحْوَالِ.

الثَّلَاثُ: السَّعْيُ فِي طَلَبِ الْمَعَاشِ وَالْكَسْبِ الْحَالِلِ. الرَّابِعُ: الْمُوَظَبَةُ عَلَى إِكْرَامِ التُّجِبَاءِ الصُّلَحَاءِ.

3484. أَرْبَعَةٌ أَشْيَاءٌ تَوُولُ عَاقِبَتَهَا إِلَى أَرْبَعَةٍ: الْأَوَّلُ: عَاقِبَةُ الْغَيْظِ النَّدَمِ. الثَّانِي: عَاقِبَةُ اللَّجَاجِ الْفَضِيحَةِ. الثَّلَاثُ:

عَاقِبَةُ الْكَلَامِ الْقَبِيحِ الْعِدَاوَةِ. الرَّابِعُ: عَاقِبَةُ الْكَسَلِ الدُّلَّةِ.

ص: 200

1- . الْبَخْتُ: الْحِطُّ وَزَنًا وَمَعْنَى، وَهُوَ عَجْمِيٌّ (المصباح المنير: 37).

## فصل هشتم: حکمت‌های فارسی که به زبان عربی ترجمه شده اند

3480. مدارا کردن با چهار نفر لازم است: اول: فرمانروای ستمگر، دوم: بیمار، سوم: افراد مست که در حال مستی و نادانی بسر می‌برند. چهارم: دوستی که به تو نیکی می‌کند، یا رفتار نیکو دارد.

3481. چهار چیز نشانه خوشبختی است: اول: نژاد پاک دوم: قلب پاک سوم: دست پاک چهارم:

اندیشه صحیح.

3482. چهار خصلت است که هر کس به آن مبتلا شود دچار لغزش می‌شود:

اول: از خود راضی بودن و تکبر بر مردم. دوم: بیان کردن عیب مردم و لذت بردن از تهمت زدن به کسی که به او حسادت می‌ورزد. سوم: بخل ورزیدن از مال خود نسبت به مردم.

چهارم: انتظار داشتن از فرومایگان.

3483. چهار چیز نشانه سعادت است: اول: وفا کردن به قول و عهد. دوم: فروتنی در همه حال. سوم:

تلاش برای بدست آوردن مال از راه حلال. چهارم: مراقبت بر بزرگداشت و احترام به فرزندان شایسته.

3484. عاقبت چهار خصلت، چهار چیز است: اول عاقبت خشم، پشیمانی است. دوم: عاقبت لج بازی، رسوائی است. سوم: عاقبت سخن زشت، دشمنی است. چهارم: عاقبت تبلی، ذلت است.

3485. أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ تَتِمُّ بِأَرْبَعَةٍ: الْأَوَّلُ: الْعِلْمُ يَتِمُّ بِالْعَقْلِ، الثَّانِي: الطَّاعَةُ تَتِمُّ بِالزُّهْدِ وَالْوَرَعِ. الثَّلَاثُ: الْعَمَلُ يَتِمُّ بِصِدْقِ النِّيَّةِ. الرَّابِعُ: النَّعْمَةُ تَتِمُّ بِشُكْرِهَا. (1)

3486. أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ تَأْتِي بِأَرْبَعَةٍ: الْأَوَّلُ: السُّكُوتُ يَأْتِي بِالرَّاحَةِ. الثَّانِي: فَضُولُ الْكَلَامِ يَأْتِي بِالْمَلَامِ. الثَّلَاثُ:

السَّخَاوَةُ تَأْتِي بِالرَّفْعَةِ. الرَّابِعُ: الشُّكْرُ يَأْتِي بِالزِّيَادَةِ فِي الرِّزْقِ، وَذَلِكَ مِصْدَاقُ قَوْلِهِ تَعَالَى: «لَلَّ - نِ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ».

3487. أَرْبَعَةٌ تُضْعِفُ الرَّجُلَ وَتَذْهَبُ بِقُوَّتِهِ: الْأَوَّلُ: كَثْرَةُ الْعَدُوِّ. الثَّانِي: كَثْرَةُ الْقَرْضِ. الثَّلَاثُ: كَثْرَةُ الذُّنُوبِ.

الرَّابِعُ: كَثْرَةُ الْعِيَالِ.

3488. أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ تَضْحَكُ عَلَى أَرْبَعَةٍ: الْأَوَّلُ: التَّقْدِيرُ يَضْحَكُ عَلَى التَّدْبِيرِ. الثَّانِي: الْأَجَلُ يَضْحَكُ عَلَى الْأَمَلِ. الثَّلَاثُ: الْقَضَاءُ وَالْقَدَرُ يَضْحَكُ عَلَى الْحَذَرِ. الرَّابِعُ: الرِّزْقُ يَضْحَكُ عَلَى الْحَرِيصِ.

3489. أَرْبَعَةٌ مِنَ النَّاسِ لَا تَكُونُ فِيهِمْ أَرْبَعَةٌ: الْأَوَّلُ: لَا مَرُوءَةَ لِكَذُوبٍ. الثَّانِي: لَا رَاحَةَ لِحَسُودٍ. الثَّلَاثُ: لَا سَعَادَةَ لِبُخِيلٍ. الرَّابِعُ: لَا رِفْعَةَ لِسَيِّئِ الْخُلُقِ. (2)

3490. أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ تَوْجِبُ سَعَادَةَ الدَّارَيْنِ: الْأَوَّلُ: طَاعَةُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْإِئْتِمَاءُ الْمَعْصُومِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. الثَّانِي: طَاعَةُ الْوَالِدَيْنِ، الثَّلَاثُ: خِدْمَةُ الْعُلَمَاءِ، الرَّابِعُ: الشَّفَقَةُ عَلَى خَلْقِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى.

3491. وَقَالَ أَرْدَشِيرُ بْنُ بَابِكَ: أَرْبَعَةٌ تَحْتَاجُ إِلَى أَرْبَعَةٍ: الْحَسَبُ إِلَى الْأَدَبِ، وَالشُّرُورُ إِلَى الْأَمْنِ، وَالْقَرَابَةُ إِلَى الْمَوَدَّةِ، وَالْعَقْلُ إِلَى التَّجَرِبَةِ.

ص: 202

1- . الخصال، ص 272، ح 13.

2- . الخصال، ص 293، ح 58.

3485. چهار چیز، با چهار چیز کامل می شود: اول: علم با عقل کامل می شود. دوم: اطاعت خدا با زهد و پرهیزکاری کامل می شود. سوم: عمل انسان با نیت صادقانه کامل می شود. چهارم: نعمت با شکر کامل می شود.

3486. چهار خصلت، چهار نتیجه دارد: اول: سکوت، باعث آرامش است. دوم: سخن گزافه، موجب سرزنش می شود. سوم: سخاوت، بزرگی بدنبال دارد. چهارم: تشکر کردن، باعث اضافه شدن نعمت می شود. قرآن می فرماید: «اگر شکر کنید، بر نعمت می افزایم».

3487. چهار چیز، نیروی انسان را هدر می کند: اول: دشمن زیاد، دوم: بدهی زیاد، سوم: گناه زیاد، چهارم: عیال زیاد.

3488. چهار چیز، بر چهار چیز می خندد: اول: تقدیر، بر تدبیر. دوم: اجل، بر آرزوها. سوم: قضا و قدر، بر حذر. چهارم: روزی، بر حریص.

3489. چهار گروه از مردم، چهار خصلت ندارند: اول: دروغگو، جوانمردی ندارد. دوم: حسود، آسایش ندارد. سوم: بخیل، سعادت ندارد. چهارم: بداخلاق، سربلندی ندارد.

3490. چهار رفتار، موجب سعادت دنیا و آخرت می شود: اول: اطاعت از خدا و پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام. دوم: اطاعت پدر و مادر. سوم: خدمت به علماء. چهارم: مهربانی با بندگان خدا.

3491. اردشیر پسر بابک گفت: چهار چیز، به چهار چیز نیاز دارد: حسب به ادب، و شادی به امنیت، و خویشاوندان به دوستی، و عقل به تجربه نیاز دارد.



البابُ الخامس: في المَواعِظِ الخَماسيَّاتِ

**باب پنجم: پندهای پنج گانه**

**اشاره**

ص: 205

3492. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسٌ مَا أَثْقَلَهُنَّ فِي الْمِيزَانِ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَالْوَالِدُ الصَّالِحُ يُتَوَفَّى لِمُسْلِمٍ فَيَصْبِرُ وَيَحْتَسِبُ. (1)

3493. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَصِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ. (2)

3494. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسٌ مَنْ أَتَى بِهِنَّ أَوْ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ: مَنْ سَقَى هَامَةً صَادِيَةً (3)، أَوْ أَطْعَمَ كَبِدًا هَافِيَةً (4)، أَوْ كَسَا جِلْدَةً عَارِيَةً، أَوْ حَمَلَ قَدَمًا حَافِيَةً، أَوْ أَعْتَقَ رَقَبَةً عَانِيَةً (5). (6)

3495. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسٌ كَلِمَاتٍ فِي التَّوْرَةِ يَنْبَغِي أَنْ تُكْتَبَ بِمَاءِ الذَّهَبِ: أَوَّلُهَا حَجْرُ الْغَصْبِ فِي الدَّارِ رَهْنٌ عَلَى خَرَابِهَا، وَالْغَالِبُ بِالظُّلْمِ هُوَ الْمَغْلُوبُ، وَمَا ظَفِرَ مَنْ ظَفِرَ بِالْإِثْمِ، وَمِنْ أَقَلِّ حَقِّ اللَّهِ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَسْتَعِينَ بِنِعْمِهِ عَلَى مَعْاصِيهِ، وَوَجْهَكَ مَاءً جَامِدٌ يَقْطُرُ عِنْدَ السُّؤَالِ؛ فَانْظُرْ إِلَى مَنْ تُقْطِرُهُ.

3496. وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَلْقَاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ، قَالَ: سَأَلَهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِلَّا ثَبَتَ عَلَيٌّ؛ فَتَابَ عَلَيْهِ. (7)

ص: 206

1- . الخصال، ص 267، ح 1.

2- . الخصال، ص 278، ح 21، عن الإمام الصادق عليه السلام.

3- . يعني إنساناً عطشاناً.

4- . هفا: جاع (القاموس المحيط: 404/4).

5- . العاني: الأسير (النهاية: 314/3).

6- . شرح نهج البلاغة، ج 16، ص 86.

7- . الخصال، ص 270، ح 8.

## فصل اول: احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله که شیعیان نقل کرده اند

3492. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پنج چیز در میزان عمل گرانقدر است: سبحان الله، والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و فرزند صالح انسان که می میرد و انسان بر مصیبت او صبر می کند و ثواب می برد.

3493. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اسلام بر پنج پایه استوار شده است: شهادت بر یگانگی خدا، بر پا داشتن نماز، دادن زکات، حج، روزه ماه رمضان.

3494. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پنج چیز است که هر کس آنها را، یا یکی از آنها را داشته باشد وارد بهشت می شود: کسی که انسان تشنه ای را سیراب کند. سیر کردن گرسنه. پوشاندن لباس بر کسی که لباس ندارد. سوار کردن پیاده. آزاد کردن اسیر گرفتار.

3495. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پنج جمله از تورات را باید با آب طلا نوشت:

سنگ غصبی در خانه، گروگان خرابی است. کسی که با ظلم غلبه کند شکست خورده است. کسی که با گناه پیروز شود، پیروز نیست. کمترین حق خدا بر تو این است که با نعمتهای او گناه نکنی. آبروی تو، چون آب جامد است که هنگام خواهش تقطیر می شود.

[قطره قطره می ریزد.] ببین آبروی خود را نزد چه کسی می ریزی؟

3496. ابن عباس گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم: کلماتی که آدم آموخت و توبه اش پذیرفته شد چه بود؟

فرمودند: آدم، خدا را به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین قسم داد. توبه اش قبول شد.



3497. وَعَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسٌ لَسْتُ بِتَارِكِهِنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ: لِبَاسِي الصَّوْفِ، وَرُكُوبِي الْحِمَارَ مُؤَكَّفًا (1)، وَأَكْلِي مَعَ الْعَبِيدِ، وَخَصْفِي النَّعْلَ بِيَدِي، وَتَسْلِيمِي عَلَى الصَّبِيَّانِ لِيَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي. (2)

3498. وَعَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَى فَلْيَجْتَنِبْ خَمْسَ خِصَالٍ وَإِلَّا فَلَا يَبِيعَنَّ وَلَا يَشْتَرِيَنَّ:

الرِّبَا، وَالْحَلْفَ، وَكِتْمَانَ الْعَيْبِ، وَالْحَمْدَ إِذَا بَاعَ، وَالذَّمَّ إِذَا اشْتَرَى (3). (4)

3499. وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُعْطِيَتْ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ قَبْلِي: جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهْرًا، وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ، وَأُجِلَّ لِي الْمَغْنَمُ، وَأُعْطِيَتْ جَوَامِعَ الْكَلِمِ (5)، وَأُعْطِيَتْ الشَّفَاعَةَ (6).

3500. قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: أُعْطَانِي اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ خَمْسًا، وَأُعْطِي عَلِيًّا خَمْسًا: أُعْطَانِي جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَأُعْطِي عَلِيًّا جَوَامِعَ الْعِلْمِ، وَجَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَهُ وَصِيًّا، وَأُعْطَانِي الْكُوْثَرَ وَأَعْطَاهُ السَّلْسَبِيلَ (7)، وَأُعْطَانِي الْوَحْيَ وَأَعْطَاهُ الْإِلْهَامَ، وَأَسْرَى بِي إِلَيْهِ وَفَتَحَ لَهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَالْحُجُبَ حَتَّى نَظَرَ إِلَى مَا نَظَرْتُ (8).

3501. وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ، قَالُوا: وَمَا نَفَعَلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: فَإِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ فَلَا يَبِيتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَأَجْلُهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَلِيَحْفَظِ الرَّأْسَ وَمَا وَعَى، وَالْبَطْنَ وَمَا حَوَى، وَلِيَذْكُرَ الْقَبْرَ وَالْبَلَى، وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ فَلْيَدْعُ زِينَةَ الدُّنْيَا (9).

3502. وَعَنْ تَمِيمِ الدَّارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ يَضْمَنَ لِي خَمْسًا أَضْمَنَ لَهُ الْجَنَّةَ: النَّصِيحَةَ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلًّا،

ص: 208

1- . آكَفَ الدَّابَّةِ: وَضَعَهَا عَلَيْهَا الْإِكَافَ؛ وَالْإِكَافُ مِنَ الْمَرَاقِبِ: شَبُهَ الرَّحَالِ وَالْأَقْتَابِ (لسان العرب: 8/9 و 9).

2- . الْخِصَالُ، ص 272، ح 13.

3- . بَعْضُهَا حَرَامٌ، وَبَعْضُهَا مَكْرُوهٌ.

4- . الْخِصَالُ، ص 286، ح 38.

5- . جَوَامِعُ الْكَلِمِ: قَالَ الْجَزْرِيُّ: وَفِيهِ: «أَوْتَيْتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ» يَعْنِي الْقُرْآنَ؛ جَمَعَ اللَّهُ بِلُطْفِهِ فِي الْأَلْفَاظِ الْيَسِيرَةِ مِنْهُ مَعَانِي كَثِيرَةً وَاحِدَةً جَامِعَةً. وَمِنْهُ الْحَدِيثُ فِي صِفَتِهِ «أَنَّهُ كَانَ يَتَكَلَّمُ بِجَوَامِعِ الْكَلِمِ» أَيْ أَنَّهُ كَانَ كَثِيرَ الْمَعَانِي قَلِيلِ الْأَلْفَاظِ (النهاية: 284/1). وَالْمُرَادُ هُنَا بِقَرِينِهِ مَقَابِلَتُهُ فِي الْحَدِيثِ الْآتِي مَعَ جَوَامِعِ الْعِلْمِ: الْقُرْآنَ؛ إِذِ الْمُرَادُ مِنْ جَوَامِعِ الْعِلْمِ غَيْرِ الْقُرْآنِ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْجَامِعَةِ.

6- . الْخِصَالُ، ص 292، ح 56.

7- . السَّلْسَبِيلُ: عَيْنٌ فِي الْجَنَّةِ، أَيْ سَلَسَهُ لِيَنَّهُ سَائِغَةٌ (مجمع البحرين: 333/2).

8- . الْخِصَالُ، ص 293، ح 57.

9- . الْخِصَالُ، ص 293، ح 58.

3497. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: از پنج کار تا دم مرگ دست بر نمی دارم: لباس پشمینه. سواری دو ترکه با الاغ. غذا خوردن با غلامان. وصله زدن کفش با دستان خود. [مراد زندگی کردن در پائین تر سطح مادی و ساده زیستی است.] سلام کردن به کودکان. تا پس از من سنت شود.

3498. حضرت علی علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که خرید و فروش می کند، باید از پنج کار اجتناب ورزد. وگرنه خرید و فروش نکند: ربا، قسم، عیب پوشی [نکند]، تعریف جنس هنگام فروش، مذمت در موقع خرید.

3499. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به من پنج امتیاز داده شده که به احدی قبل از من نداده اند: زمین برای من سجده گاه و پاک کننده است. با ترس در دل دشمن پیروز می شوم. غنیمت جنگی، بر من حلال است. سخنان جامع گفتن و شفاعت.

3500. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند متعال پنج صفت به من و پنج صفت به علی داده است:

سخنان جامع به من و علوم جامع به علی. پیامبری به من و امامت به علی. کوثر به من و سلسبیل به علی. وحی به من و الهام به علی. معراج به من و گشایش درهای آسمان به روی علی، بطوری که آنچه را من دیدم او هم دید.

3501. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بطور شایسته از خدا شرم کنید. پرسیدند: چگونه یا رسول الله؟ حضرت فرمودند: اگر می خواهید کاری بکنید هرکس پیش از آنکه بخوابد، مرگ را پیش روی خود ببیند. سر و افکارش را حفظ کند. شکم و غذایش را حفظ کند. قبر و پوسیدن بدن را فراموش نکند. کسی که آخرت می خواهد، دنیا و زیورش را ترک کند.

3502. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس پنج کار را برای من تعهد کند، بهشت را برایش تضمین می کنم:

وَالنَّصِيحَةَ لِرَسُولِهِ، وَالنَّصِيحَةَ لِكِتَابِ اللَّهِ، وَالنَّصِيحَةَ لِدِينِ اللَّهِ، وَالنَّصِيحَةَ لِحَمَاةِ الْمُسْلِمِينَ (1). (2).

3503. وَعَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُعْطِيَتْ فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَمْسًا: أَمَّا وَاحِدَةٌ فَيُؤَارَى عَوْرَتِي، وَأَمَّا الثَّانِيَةُ فَيَقْضَى دِينِي، وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ فَإِنَّهُ مُتَّكَأٌ لِي (3) يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي طَوْلِ الْمَوْقِفِ، وَأَمَّا الرَّابِعَةُ فَهُوَ عَوْنِي عَلَى عُقْرِ (4) حَوْضِي، وَأَمَّا الْخَامِسَةُ فَأَيُّ لَا أَخَافُ عَلَيْهِ أَنْ يَرْجِعَ كَافِرًا بَعْدَ إِيمَانِي، وَلَا زَانِيًا بَعْدَ إِحْصَانِي (5).

3504. وَعَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ، إِنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ سَنَّ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خَمْسًا أَجْرَاهَا اللَّهُ لَهُ فِي الْإِسْلَامِ:

حَرَّمَ نِسَاءَ الْأَبَاءِ عَلَى الْأَبْنَاءِ؛ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ».

وَوَجَدَ كَنْزًا فَأَخْرَجَ مِنْهُ الْخُمْسَ وَتَصَدَّقَ بِهِ؛ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ» الْآيَةَ.

وَلَمَّا حَفَرَ زَمْزَمَ سَمَّاهَا سِقَايَةَ الْحَاجِّ؛ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: «أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» الْآيَةَ.

وَسَنَّ فِي الْقَتْلِ مِنْهُ مِنَ الْإِبْلِ فَأَجْرَى اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ فِي الْإِسْلَامِ.

وَلَمْ يَكُنْ لِلطَّوَافِ عِدَّةٌ عِنْدَ قُرَيْشٍ، فَسَنَّ فِيهِمْ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ، فَأَجْرَى اللَّهُ ذَلِكَ فِي الْإِسْلَامِ.

ص: 210

1- . قال ابن الأثير: وهي كلمة جامع لإرادته الخير للمنصوح، وأصل النصح في اللغة الخلوص، ومعنى نصيحه الله صحه الاعتقاد في وحدانيته وإخلاص النيه في عبادته والنصيحه لكتاب الله هو التصديق به والعمل بما فيه ونصيحه رسوله التصديق بنبوته ورسالته، والانقياد بما جاء به، ونصيحه الأئمة أن يطيعهم في الحق ولا يرى الخروج عليهم إذا جاروا ونصيحه عامه المسلمين إرشادهم إلى مصالحهم (النهاية: 63/5). وفي كلامه نظر لأن قوله «لا يرى الخروج...» هو خلاف النصيحة لله ولرسوله ولكتابه مع ان الاعتقاد والعمل هو اراده خير له لا للمنصوح له، بل معناها إرادته الخير فنصيحه الله أراده الخير لدينه وكذا الرسول والكتاب والإمام.

2- . الخصال، ص 294، ح 60.

3- . أى أتكى عليه يوم القيامة، ولعله كناية عن اعتماده عليه فى الأمور من الشفاعة والسقى فى الحوض والحساب والصراط.

4- . عُقْرِ الْحَوْضِ - بِالضَّم - : مَوْضِعُ الشَّارِبِ مِنْهُ (النهاية: 271/3).

5- . الخصال، ص 295، ح 61.

نصیحت و خیر خواهی برای خدا و رسول خدا و کتاب خدا و دین خدا و جامعه مسلمانان.

3503. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: درباره علی به من پنج چیز داده شده است:

بدن مرا می پوشاند. قرض مرا ادا می کند. روز قیامت در طول موقف [برای شفاعت و حساب و...] تکیه گاه من خواهد بود. او یاور من در کنار حوض کوثر است از او ترسی ندارم که بعد از ایمان کفر ورزد. و بعد از پاکدامنی آلوده شود.

3504. پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیت به حضرت علی علیه السلام فرمودند: یا علی؛ عبدالمطلب در جاهلیت پنج رسم را بنا نهاد. که خداوند آنها را در اسلام جاری نمود: همسران پدران را بر پسران حرام کرد.

خداوند آیه ای نازل فرمودند: «با زنانی که پدرانتان ازدواج کرده اند شما ازدواج نکنید».

عبدالمطلب گنجی پیدا کرد و خمس آن را صدقه داد. خداوند این آیه را نازل فرمود:

«بدانید غنیمتی که به دست می آورید یک پنجم آن مال خداست».

زمزم را حفر کرد. و نامش را آب دادن حجاج گذاشت. خداوند نازل کرد: «آیا آب دادن حجاج و تعمیر مسجد را چون ایمان به خدا و قیامت می دانید».

دیه قتل را صد شتر قرار داد. خداوند آن را در اسلام جاری کرد.

طواف در قریش عدد خاصی نداشت و او طواف را هفت دور تعیین کرد. خداوند آن را در اسلام جاری کرد.

يَا عَلِيُّ، إِنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ كَانَ لَا يَسْتَقْسِمُ (1) بِالْأَزْلَامِ (2)، وَلَا يَعْبُدُ الْأَصْنَامَ، وَلَا يَأْكُلُ مَا ذُبِحَ عَلَى النَّصْبِ (3)، وَيَقُولُ: أَنَا عَلَى دِينِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (4)

3505. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا وَليمةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ: فِي عُرْسٍ، أَوْ خُرْسٍ (5)، أَوْ عِذَارٍ (6)، أَوْ رِكَازٍ، أَوْ وِكَارٍ؛ فَأَمَّا الْعُرْسُ فَالْتَزْوِيجُ، وَالْخُرْسُ بِالْوَلَدِ (7)، وَالْعِذَارُ الْخِتَانُ، وَالرِّكَازُ الَّذِي يَقْدَمُ مِنْ مَكَّةَ، وَالْوِكَازُ الرَّجُلُ يَشْتَرِي الدَّارَ. (8)

3506. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، سَأَلْتُ رَبِّي فَيَكُ خَمْسَ خِصَالٍ فَأَعْطَانِي: أَمَّا أَوَّلُهَا فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ تَشَقَّى عَنْهُ الْأَرْضُ وَأَنْفُضَ الثَّرَابَ عَنْ رَأْسِي وَأَنْتَ مَعِيَ فَأَعْطَانِي، وَأَمَّا الثَّانِيَةُ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَقْفَنِي عِنْدَ كَفِّهِ الْمِيزَانَ وَأَنْتَ مَعِيَ فَأَعْطَانِي، وَأَمَّا الثَّالِثَةُ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ

ص: 212

- 1- . الاستقسام: طلب القسم الذي قسم له وقدر، مما لم يقسم له ولم يقدر. وهو استفعال منه (النهاية: 63/4).
- 2- . الأزلام: جمع الزلم؛ وهي القداح التي كانت في الجاهلية عليها مكتوب الأمر والنهي افعل ولا تفعل، كان الرجل منهم يضعها في وعاء له، فإذا أراد سفراً أو زواجاً أو أمراً مهماً أدخل يده فأخرج منها زلماً، فإن خرج الأمر مضى لشأنه، وإن خرج النهي كف عنه، وإذا خرج ما ليس فيه شيء أعادها. هذا أحد الوجهين في معنى الاستقسام بالأزلام. وقيل: إن المراد بالاستقسام بالأزلام هو أن الأزلام القداح العشرة المعروفة فيما بينهم في الجاهلية، والقصة في ذلك أنه كان يجتمع العشرة من الرجال فيشتركون بعيراً فيما بينهم وينحرونه ويقسمونه عشره أجزاء وكان لهم عده قداح لها أسماء: الفذ وله سهم، والتوأم وله سهمان، والرقيب وله ثلاثة، والحلس وله أربعة، والنافس وله خمسة، والمسبل وله ستة، والمعلّى وله سبعة، وثلاثة لا أنصباء لها وهي: المنيح والسفيح والوغد، وكانوا يجعلون القداح في خريطه ويضعونها على يد من يثقون به، فيحركها ويدخل يده في تلك الخريطه ويخرج باسم كل قدح؛ فمن خرج له قدح لا أنصباء له لم يأخذ شيئاً وألزم بأداء ثلث قيمه البعير، فلا يزال يخرج واحداً بعد واحد حتى يأخذ أصحاب الأنصباء السبعة أنصباء التي لهم ويغرم الثلاثة الذين لا أنصباء لهم قيمه البعير. راجع فيما ذكرنا مجمع البيان في تفسير الآيه 3 من المائدة ومجمع البحرين والميزان: 200/2 و 176/5 في تفسير الآيه 3 من المائدة و ص 204 و ج 125/6، فإن كان المراد الأول كان نهياً عن الطيره، وإن كان الثاني كان نهياً عن القمار. والأنصباء جمع النصيب، ويأتي بعض الكلام فيه.
- 3- . النصب: حجر كانوا ينصبونه في الجاهلية ويتخذونه صنماً يعبدونه والجمع أنصاب. وقيل: حجر كانوا ينصبونه ويذبحون عليه فيحمرّ بالدم كذا في النهاية والمجمع.
- 4- . الخصال، ص 313، ح 90.
- 5- . الخرس: طعام يدعى إليه عند الولاده.
- 6- . العذار: طعام يدعى إليه في الختان والبناء، وأن تستفيد شيئاً جديداً، فتتخذ طعاماً تدعو إليه إخوانك كذا في الأقرب. وفي النهاية والقاموس الأوّل. والركاز - كما في الخصال: 255/1 - الغنيمه، كأنه يريد أن في اتخاذ الطعام للقدوم من مكه غنيمه لصاحبه من الثواب الجزيل، ولم أجده في الكتب الموجوده عندي. وقال الجزري: الوكيره الطعام على البناء، والتوكير الإطعام، وكذا قال الفيروزآبادي، وأمّا الوكار فلم أجده. وفي الخصال: يقال للطعام الذي يُدعى إليه الناس عند بناء الدار وشرائها الوكير، والوکار منه.
- 7- . في الخصال و جميع المصادر التي أوردت الحديث؛ كالتهذيب والفتاوى والوسائل وغيرها: «والخرس النفاس بالولد»، فالظاهر سقوط كلمه «النفاس» هنا.



یا علی، عبدالمطلب نه قمار کرد و نه بت پرستید و نه از گوشت قربانی برای بت ها خورد. و می گفت: من بر دین ابراهیم علیه السلام هستم.

3505. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: جز پنج چیز ولیمه ندارد: عروسی، تولد فرزند، ختنه، بازگشت از مکه و خرید خانه.

3506. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی، درباره تو از خداوند پنج خصلت درخواست کردم. و به من عطا کرد:

از خداوند خواستم آن گاه که زمین شکافته می شود و من اولین نفر هستم که بر می خیزم تو در کنار من باشی، خدا عطا کرد. از خدا خواستم هنگام میزان تو در کنار من

ص: 213

يَجْعَلُكَ فِي الْقِيَامَةِ صَاحِبَ لِيَاثِي فَأَعْطَانِي، وَأَمَّا الرَّابِعَةُ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَسْقِيَ أُمَّتِي مِنْ حَوْضِي بِيَدِكَ فَأَعْطَانِي، وَأَمَّا الْخَامِسَةُ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَجْعَلُكَ قَانِدًا أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ فَأَعْطَانِي، فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيَّ بِذَلِكَ. (1)

3507. وَعَنْ أَبِي لُبَابَةَ بْنِ عَبْدِ الْمُنْذِرِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَيِّدُ الْأَيَّامِ، وَأَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ مِنْ يَوْمِ الْأَضْحَى وَيَوْمِ الْفِطْرِ، فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ: خَلَقَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ فِيهِ آدَمَ، وَأَهْبَطَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ فِيهِ آدَمَ إِلَى الْأَرْضِ، وَفِيهِ تَوَفَّى اللَّهُ آدَمَ، وَفِيهِ سَاعَةٌ لَا يَسْأَلُ الْعَبْدُ فِيهَا شَيْئًا إِلَّا آتَاهُ اللَّهُ؛ مَا لَمْ يَسْأَلْ حَرَامًا، وَمَا مِنْ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَلَا سَمَاءٍ وَلَا أَرْضٍ وَلَا رِيَّاحٍ وَلَا جِبَالٍ وَلَا بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا وَهُنَّ يُشْفِقْنَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ أَنْ تَقُومَ فِيهِ السَّاعَةُ. (2)

3508. وَعَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَدَّ نَيْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ خِيَارِ الْعِبَادِ، قَالَ: الَّذِينَ إِذَا أَحْسَسُوا اسْتَبَشَّرُوا، وَإِذَا أَسْأَوْا اسْتَغْفَرُوا، وَإِذَا أَعْطُوا شَكَرُوا، وَإِذَا ابْتَلُوا صَبَرُوا، وَإِذَا غَضِبُوا غَفَرُوا. (3)

3509. وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: أُعْطِيَتْ أُمَّتِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أُمَّهُ نَبِيُّ قَبْلِي:

أَمَّا وَاحِدَةٌ فَإِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ نَظَرَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ، وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ لَمْ يُعَذِّبْهُ أَبَدًا.

وَأَمَّا الثَّانِيَةُ فَإِنَّ خَلُوفَ أَفْوَاهِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ أَطْيَبُ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ.

وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُمْ فِي لَيْلِهِمْ وَنَهَارِهِمْ.

وَأَمَّا الرَّابِعَةُ فَإِنَّ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ يَأْمُرُ جَنَّتَهُ أَنْ اسْتَغْفِرَ وَتَزَيِّنَ لِعِبَادِي؛ فَيُوشِكُ أَنْ يَذْهَبَ عَنْهُمْ نَصَبُ (4) الدُّنْيَا وَأَذَاهَا، وَيَصِيرُوا إِلَى جَنَّتِي وَكَرَامَتِي.

وَأَمَّا الْخَامِسَةُ فَإِذَا كَانَ آخِرُ لَيْلَةٍ غُفِرَ لَهُمْ جَمِيعًا.

فَقَالَ رَجُلٌ: فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: أَلَمْ تَرَ إِلَى الْعُمَّالِ إِذَا فَرَّغُوا مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَقَوْا؟ (5)

ص: 214

1- . الخصال، ص 314، ح 93.

2- . الخصال، ص 315، ح 97.

3- . الخصال، ص 317، ح 99.

4- . نَصَبَ الرَّجُلِ - بِالْكَسْرِ - نَصَبًا: تَعَبَ (الصَّحَاحُ: 225/1).

5- . الخصال، ص 317، ح 101.



باشی و عطا کرد. از خدا خواستم در قیامت صاحب لوای من باشی و خدا عطا کرد. از خدا خواستم امت مرا به دست تو از حوض من سیراب کند و خدا عطا کرد. از خدا خواستم تو را پیشوای امت بسوی بهشت قرار دهد و خدا عطا کرد. سپاس خدای را که این منت بر من نهاد.

3507. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: جمعه بهترین روز نزد خداست. و از عید قربان و فطر بزرگتر است. و پنج امتیاز دارد: خداوند، آدم را در آنروز خلق فرمود. در روز جمعه آدم به زمین فرود آمد.

جمعه آدم فوت کرد. در جمعه ساعتی است که در آن انسان هر چه بخواهد اگر حرام نباشد خدا به او عطا می کند. و هر فرشته مقرب و آسمان و زمین و بادهای و کوهها و دریا و خشکی همه از روز جمعه نگرانند که مبادا قیامت در روز جمعه برپا شود.

3508. از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: بهترین بندگان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: کسانی که هنگامی که کار خوب انجام دهند، شاد شوند. و هنگام کار ناپسند استغفار کنند. و هنگام نعمت شکر گزارند. و هنگام بلا صبر کنند. و هنگام خشم گذشت کنند.

3509. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به امت من در ماه رمضان پنج امتیاز داده اند که به هیچ امتی قبل از من نداده اند:

اولین شب رمضان خداوند به امت من نظر کند. و کسی که خدا به او نظر کند هرگز او را عذاب نمی کند.

نزد خدا بوی دهان روزه داران بهتر از بوی مشک است.

ملائکه شبانه روز برای آنان استغفار می کنند.

خداوند به بهشت می فرماید خود را تزئین کن. و برای بندگان طلب رحمت کن. که به زودی از رنج و اذیت دنیاها می شوند. و بسوی بهشت و کرامت من می آیند.

آخرین شب رمضان همه آنان را می آمرزد. کسی پرسید: شب قدر پیامرزد؟ حضرت فرمودند: مگر نمی بینی که کارگران در آخر کار مزد می گیرند.

3510. وَعَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَنْ شَرَّ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: خَمْسَةٌ:

إِبْلِيسُ، وَابْنُ آدَمَ الَّذِي قَتَلَ أَخَاهُ، وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ(1)، وَرَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ رَدَّهُمْ عَنْ دِينِهِمْ، وَرَجُلٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يُبَايِعُ عَلِيَّ كُفْرًا عِنْدَ بَابِ لُدٍّ(2).

قَالَ: ثُمَّ قَالَ: إِنِّي لَمَّا رَأَيْتُ مُعَاوِيَةَ يُبَايِعُ عِنْدَ بَابِ لُدٍّ ذَكَرْتُ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَلَحِقْتُ بِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكُنْتُ مَعَهُ(3).

3511. وَعَنْ مُعَاذٍ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ يَدْخِلُنِي الْجَنَّةَ وَيُبَاعِدُنِي مِنَ النَّارِ، قَالَ: يَا مُعَاذُ، لَقَدْ سَأَلْتَ عَنْ شَيْءٍ عَظِيمٍ! إِنَّهُ لَيْسَ عَلَى مَنْ يَسْرَهُ اللَّهُ: تَعْبُدُ اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ، وَتَحُجُّ الْبَيْتَ الْحَرَامَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا(4).

ص: 216

1- . الأوتاد: جمع وتيد - بالكسر - وهو أفصح من الفتح. قيل: كان إذا عذب رجلاً بسطه على الأرض أو على خشب ووثد يديه ورجليه بأربعة أوتاد ثم تركه على حاله (مجمع البحرين: 4/461).

2- . لُد: موضع بالشام. وقيل: بفلسطين (النهاية: 4/245).

3- . الخصال، ص 319، ح 104.

4- . بحار الأنوار، ج 84، ص 123.

3510. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بدترین خلق خدا پنج موجود هستند: شیطان و قایل پسر آدم که برادرش را کشت. و فرعون که مردم بی گناه را با میخ به زمین می کوبید. شخصی از بنی اسرائیل که مردم را از دین بر می گرداند. و مردی از امت من که در شام از این امت بیعت بر کفر می گیرد. راوی گوید: زمانی که معاویه را در شام دیدم که بیعت می گیرد، به یاد سخن پیامبر صلی الله علیه و آله افتادم، و بسوی علی علیه السلام رفتم، و در کنار او ماندم.

3511. معاذ گوید: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم: یا رسول الله عملی به من بیاموز که مرا به بهشت برد و از جهنم دور کند.

حضرت فرمود: یا معاذ، مطلب عظیمی پرسیدی. اما برای هر که خدا خواهد آسان شود:

خداوند را عبادت کن. و شریک برای خدا قرار مده. نماز اقامه کن. زکات بده. رمضان را روزه بگیر. اگر مستطیع شدی حج بجای آور.

3512. رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَهَانَ خَمْسًا خَسِرَ خَمْسًا: مَنْ اسْتَخَفَّ بِالْعُلَمَاءِ خَسِرَ الدِّينَ، وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِالْأَمْرَاءِ خَسِرَ الدُّنْيَا، وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِالْجِيرَانِ خَسِرَ الْمَنَافِعَ، وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِالْأَقْرِبَاءِ خَسِرَ الْمُرُوءَةَ، وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِأَهْلِهِ خَسِرَ طَيْبَ عَيْشِهِ .

3513. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُعْطِي أَحَدًا خَمْسًا إِلَّا وَقَدْ أَعَدَّ لَهُ خَمْسًا آخَرَ: لَا يُعْطِيهِ الشُّكْرَ إِلَّا وَقَدْ أَعَدَّ لَهُ الزِّيَادَةَ، وَلَا يُعْطِيهِ الدُّعَاءَ إِلَّا وَقَدْ أَعَدَّ لَهُ الْإِجَابَةَ، وَلَا يُعْطِيهِ الْإِسْتِغْفَارَ إِلَّا وَقَدْ أَعَدَّ لَهُ الْقَبُولَ، وَلَا يُعْطِيهِ الصَّدَقَةَ إِلَّا وَقَدْ أَعَدَّ لَهُ الْخَلْفَ، وَلَا يُعْطِيهِ الْإِيمَانَ إِلَّا وَقَدْ أَعَدَّ لَهُ الْجَنَّةَ.

3514. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اغْتَنِمِ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ: شِدَّ بَابِكَ قَبْلَ شَيْبِكَ (1)، وَغِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ، وَفِرَاغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ، وَصِحَّتَكَ قَبْلَ سُقْمِكَ، وَحَيَاتَكَ قَبْلَ مَمَاتِكَ. (2)

3515. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسٌ بِخَمْسٍ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا خَمْسٌ بِخَمْسٍ؟ قَالَ: مَا تَقْضَى قَوْمَ الْعَهْدِ إِلَّا سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ، وَمَا حَكَمُوا بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا فَشَا فِيهِمْ الْفَقْرُ، وَمَا ظَهَرَتْ فِيهِمْ الْفَاحِشَةُ (3) إِلَّا فَشَا فِيهِمُ الْمَوْتُ، وَلَا طَفَّفُوا الْكَيْلَ إِلَّا مُنِعُوا النَّبَاتَ وَأُخِذُوا بِالسِّنِينَ، وَلَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ إِلَّا حَسِبَ عَنْهُمْ الْمَطْرُ. (4)

ص: 218

1- . رواه الشيخ في الأمالي في وصاياه صلى الله عليه وآله لأبي ذر.

2- . مسند الشهاب، ج 1، ص 425، ح 729، مع اختلافٍ يسير.

3- . وفي الوسائل في كتاب الجهاد باب تحريم التظاهر بالمنكرات: إذا ظهر الزُّنا من بعدى كثر موت الفجأة، ولعلَّ المراد من الفاحشه هنا: الزُّنا، ومن الموت: الفجأة.

4- . الجامع الصغير، ج 1، ص 609، ح 3945، مع اختلافٍ يسير.

## فصل دوم: روایاتی که اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند

3512. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس به پنج گروه اهانت کند، پنج ضرر ببیند: کسی که علماء را سبک شمارد، در دین خود ضرر می کند. کسی که به زمامداران توهین کند، دنیا را از دست بدهد.

کسی که به همسایه توهین کند، از منافی محروم شود. کسی که به خویشاوندان خود توهین کند، جوانمردی را از دست بدهد. کسی که همسر خود را تحقیر کند، لذت زندگی را از دست بدهد.

3513. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند به هر کس پنج توفیق عطا کند، پنج امتیاز برایش آماده می کند:

شکر گزاری نمی دهد مگر اینکه فراوانی نعمت برایش آماده کند. دعا کردن نمی دهد مگر اینکه اجابت را آماده کند. استغفار نمی دهد مگر اینکه پذیرش آن را آماده کند. توفیق صدقه دادن نمی دهد مگر اینکه عوض آن را آماده کند. ایمان نمی دهد مگر اینکه بهشت را برایش فراهم کند.

3514. حضرت فرمودند: پنج نعمت را قبل از پنج چیز غنیمت شمار: جوانی را قبل از پیری. ثروت را قبل از فقر. فراقت را قبل از گرفتاری. سلامت را قبل از بیماری. زندگی را قبل از مرگ.

3515. حضرت فرمودند: پنج چیز در برابر پنج چیز است: کسانی که پیمان شکنی کنند خداوند دشمن را بر آنان مسلط کند. کسانی که قانونی غیر از حکم خدا وضع کنند فقر بر آنان مسلط شود. در جامعه ای که فحشاء رواج یابد، مرگ و میر زیاد شود. هر جا کم فروشی شایع شود به قحطی دچار شوند. اگر زکات ندهند باران نبارد.

3516. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ فَعَلَ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ فَلَا بُدَّ لَهُ مِنْ خَمْسَةٍ، وَلَا بُدَّ لِصَاحِبِ الْخَمْسَةِ مِنَ النَّارِ:

الأول: مَنْ شَرِبَ الْمُثَلَّثَ (1) فَلَا بُدَّ لَهُ مِنْ شُرْبِ الْخَمْرِ، وَلَا بُدَّ لِشَارِبِ الْخَمْرِ مِنَ النَّارِ.

الثاني: مَنْ جَالَسَ النِّسَاءَ فَلَا بُدَّ لَهُ مِنَ الرَّبَا، وَلَا بُدَّ لِلزَّانِي مِنَ النَّارِ.

الثالث: مَنْ لَبَسَ الثِّيَابَ الْفَاحِشَةَ فَلَا بُدَّ لَهُ مِنَ التَّكْبُرِ، وَلَا بُدَّ لِلْمُتَكَبِّرِ مِنَ النَّارِ.

الرابع: مَنْ جَلَسَ عَلَى بَسَاطِ السُّلْطَانِ فَلَا بُدَّ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِهِوَی السُّلْطَانِ، وَلَا بُدَّ لِصَاحِبِ الْهَوَى مِنَ النَّارِ.

الخامس: مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَى بِلَا فِقْهِ فَلَا بُدَّ لَهُ مِنَ الرَّبَا، وَلَا بُدَّ لِأَكْبَلِ الرَّبَا مِنَ النَّارِ.

3517. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اجْلِسُوا عِنْدَ كُلِّ عَالِمٍ يَدْعُوكُمْ مِنْ خَمْسٍ إِلَى خَمْسٍ: مِنَ الشُّكِّ إِلَى الْيَقِينِ، وَمِنَ الرِّيَاءِ إِلَى الْإِخْلَاصِ، وَمِنَ الرَّغْبَةِ إِلَى الرَّهْدِ، وَمِنَ الْكِبَرِ إِلَى التَّوَاضُّعِ، وَمِنَ الْعِدَاوَةِ إِلَى الْمَحَبَّةِ. (2)

3518. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يُجِبُّونَ خَمْسًا وَيَنْسُونَ خَمْسًا: يُجِبُّونَ الدُّنْيَا وَيَنْسُونَ الْآخِرَةَ، وَيُجِبُّونَ الْمَالَ وَيَنْسُونَ الْحِسَابَ، وَيُجِبُّونَ النِّسَاءَ وَيَنْسُونَ الْحُورَ، وَيُجِبُّونَ الْقُصُورَ وَيَنْسُونَ الْقُبُورَ، وَيُجِبُّونَ النَّفْسَ وَيَنْسُونَ الرَّبَّ، أَوْلَيْكَ بَرِيئُونَ مِنِّي وَأَنَا بَرِيءٌ مِنْهُمْ.

3519. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمْرُكُمْ بِخَمْسٍ: بِالْجَمَاعَةِ، وَالسَّمْعِ، وَالطَّاعَةِ، وَالْهَجْرَةِ، وَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. وَإِنَّهُ مَنْ خَرَجَ مِنَ الْجَمَاعَةِ قَيْدًا (3) شَبْرٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ (4) مِنْ عُنُقِهِ إِلَّا أَنْ يَرْجِعَ، وَمَنْ أَدْعَى بِدَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ فَهُوَ مِمَّنْ جَثَا فِي جَهَنَّمَ وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى وَرَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ. (5)

3520. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِي خَمْسَةٌ أَسْمَاءٍ: مُحَمَّدٌ، وَأَحْمَدُ، وَالْمَاحِي (6)، وَالْحَاشِرُ (7)، وَالْعَاقِبُ (8). (9)

ص: 220

1- . المثَلَّث من الشراب: ما طَبَخ من عصير العنب حتَّى ذهب ثلثاه وبقي ثلثه ويسمَّى بالطلاء بالكسر والمد كما في القاموس والمجمع وغيرهما. والذي يظهر منه هنا هو ما ذهب ثلثه وبقي ثلثاه، كما ورد في روايات العصير أن بعض الناس كانوا يشربونه على الثلث.

2- . كنز العمال، ج 9، ص 147، ح 25450، مع اختلافٍ يسير.

3- . القيد - بالكسر -: القدر. ومعناه: قدر شبرٍ، يريد المبالغة في عدم المفارقة (مجمع البحرين: 574/3).

4- . الربقه - في الأصل -: عروءة في حبل تُجعل في عنق البهيمة أو يدها تمسكها، فاستعارها للإسلام يعني ما يشدُّ به المسلم نفسه من عرى الإسلام؛ أي حدوده وأحكامه وأوامره ونواهيته (النهاية: 190/2).

5- . كنز العمال، ج 15، ص 914.

6- . لمحوه آثار الجاهليَّة من شرك ونحوه.

7- . الحاشر: اسم له صلى الله عليه وآله؛ لأنَّه مجاهد أو لجلائه عن وطنه أو لحشره الناس وجمعهم على مله واحده أو لحشرهم إلى الجهاد.

8- . العاقب: الذى يخلف السيّد، ويتلوه، فهو صلى الله عليه وآله يخلف الأنبياء عليهم السلام.

9- . الجامع الصغير، ج 1، ص 372، ح 2437.

3516. کسی که پنج کار انجام دهد به پنج بلا گرفتار شود و نتیجه اش دوزخ است:

کسی که آب انگور جوشیده بنوشد، بناچار شراب خوار شود. و گرفتار دوزخ گردد.

کسی که با زنان نامحرم بنشیند، گرفتار زنا شود. و زناکار اهل آتش است.

کسی که لباس قیمتی بپوشد، به تکبر مبتلا شود. و متکبر اهل آتش است.

کسی که سر سفره سلطان ستمگر بنشیند، باید به میل او سخن گوید. و سرانجامش دوزخ است.

کسی که بدون آگاهی از احکام خرید و فروش کند دچار ربا شود، و ربا خوار چاره ای از دوزخ ندارد.

3517. حضرت فرمودند: با عالمی رفت و آمد کنید که شما را از پنج چیز به پنج چیز دعوت کند: از شک به یقین. از دورویی به اخلاص.

از دنیا پرستی به زهد. از خود پسندی به فروتنی. از دشمنی و کینه به محبت.

3518. حضرت فرمودند: زمانی بر امت من خواهد آمد که پنج چیز را دوست بدارند. و پنج چیز را فراموش کنند: دنیا را دوست دارند. و

آخرت را فراموش کنند. مال را دوست دارند. و حساب را فراموش کنند. زنان را دوست دارند. و حوریان را فراموش کنند. کاخ را دوست

دارند. و قبر را فراموش کنند. خود را دوست دارند. و پروردگار را فراموش کنند.

اینان از من بیزارند. و من از آنان بیزارم.

3519. حضرت فرمودند: شما را به پنج کار امر می کنم: جماعت، شنیدن [کلام حق]، طاعت، هجرت، جهاد.

کسی که یک وجب از جامعه اسلامی دور شود، از اسلام خارج شود. مگر اینکه بازگردد. و کسی که شعارهای جاهلیت سر دهد، در

جهنم زانو زده است. گر چه روزه بگیرد. و نماز بخواند. و گمان کند مسلمان است.

3520. حضرت فرمودند: من پنج اسم دارم: محمد، احمد، ماحی [محو کننده آثار شرک]، حاشر [جامع کمالات]، عاقب [آخرین

پیامبر].



الفصل الثالث: مِمَّا رَوَتْهُ الْخَاصَّةُ وَالْعَامَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

3521. وَمِمَّا أَوْصَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ: خَمْسَةٌ تُمِيتُ الْقَلْبَ: كَثْرَةُ الْأَكْلِ، وَكَثْرَةُ النَّوْمِ، وَكَثْرَةُ الضَّحِكِ، وَكَثْرَةُ هَمِّ الْقَلْبِ، وَأَكْلُ الْحَرَامِ يَطْرُدُ الْإِيمَانَ.

وَخَمْسَةٌ تَنْوِّرُ الْقَلْبَ: كَثْرَةُ قِرَاءَةِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، وَقَلَّةُ الْأَكْلِ، وَمُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ، وَالصَّلَاةُ فِي اللَّيْلِ، وَالْمَشْيُ فِي الْمَسَاجِدِ.

يَا عَلِيُّ، وَخَمْسَةٌ تَجْلُو الْقَلْبَ وَتُذْهِبُ الْقَسَاوَةَ: مُجَالَسَةُ الْعَالِمِ، وَمَسْحُ رَأْسِ الْيَتِيمِ، وَكَثْرَةُ الْإِسْتِغْفَارِ بِالْأَسْحَارِ، وَالسَّهْرُ الْكَثِيرُ، وَالصَّوْمُ.

يَا عَلِيُّ، وَخَمْسَةٌ تَزِيدُ فِي النَّظَرِ: النَّظَرُ إِلَى الْكَعْبَةِ، وَالنَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ، وَالنَّظَرُ إِلَى وَجْهِ الْعَالِمِ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي.

3522. يَا عَلِيُّ، خَمْسَةٌ تُسْرِعُ فِي الشَّيْبِ: كَثْرَةُ الدَّيْنِ، وَكَثْرَةُ الطَّيْبِ، وَكَثْرَةُ الْبُخُورِ، وَكَثْرَةُ الْبَلْغَمِ (1).

يَا عَلِيُّ، اصْنَعِ الْمَعْرُوفَ وَلَوْ إِلَى السَّفَلَةِ؛ الَّذِي إِذَا وَعِظَ لَمْ يَتَّعِظْ، وَإِذَا زُجِرَ لَمْ يَنْزَجِرْ، وَلَا يُبَالِي بِمَا قَالَ وَلَا بِمَا قِيلَ لَهُ. إِلَى آخِرِ الْوَصِيَّةِ.

3523. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا شَرِبَ الرَّجُلُ شَرْبَةً مِنَ الْخَمْرِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِخَمْسَةِ أَشْيَاءَ: الْأَوَّلُ: قَسَاوَةٌ قَلْبِهِ. الثَّانِي:

يَنْبَرُّ مِنْهُ جِبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَإِسْرَافِيلُ وَجَمِيعُ الْمَلَائِكَةِ. وَالثَّالِثُ: يَنْبَرُّ مِنْهُ جَمِيعُ الْأَنْبِيَاءِ. وَالرَّابِعُ:

يَنْبَرُّ مِنْهُ الْجَبَّارُ (2). وَالْخَامِسُ: أَدْخَلَهُ النَّارَ (3).

ص: 222

1- . كذا، ولم يُذَكَرِ الْخَامِسُ.

2- . من أسماء الله تعالى الجبار، ومعناه الذي يقهر العباد على ما أراد من أمر ونهي (النهاية: 228/1).

3- . جامع الأخبار، ص 150.

## فصل سوم: احادیثی که شیعه و اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند

3521. پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیت خود فرمودند: یا علی، پنج چیز قلب را می میراند: پر خوری، زیاد خوابیدن، زیاد خندیدن، زیاد غصه خوردن، حرام خوردن که ایمان را دور می کند.

پنج چیز قلب را نورانی می کند: زیاد قرائت کردن سوره توحید. کم خوردن. همنشینی علماء. نماز شب. رفتن به مسجد.

یا علی، پنج چیز قلب را جلا می دهد و سنگدلی را برطرف می کند: همنشینی با عالم، نوازش یتیم، زیاد استغفار کردن در سحر، شب زنده داری زیاد، روزه.

یا علی، پنج چیز دید چشم را زیاد می کند: نگاه به کعبه. نگاه به قرآن. نگاه به پدر و مادر.

نگاه به چهره عالم. نگاه به آب جاری.

3522. یا علی، پنج چیز پیری را تسریع می کند: بدهی زیاد. عطر زیاد. بخور زیاد. بلغم زیاد. [مورد پنجم ذکر نشده است]

یا علی، نیکی کن حتی با فرومایه ای که موعظه ناپذیر باشد. و نهی کردن او از زشتی اثر نداشته باشد. و به آنچه می گوید و آنچه درباره اش می گویند اهمیت نمی دهد.

3523. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خدا کسی را که جرعه ای شراب بنوشد، به پنج بلا گرفتار نماید:

سنگدلی، بیزاری جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و همه فرشتگان از او، بیزاری همه پیامبران از او، بیزاری خدا از او، عذاب جهنم.

3524. وقال صلى الله عليه وآله: حَمَسُ مَنْ خَانَ اللَّهَ فِيهَا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَدْ بَرَّئَ مِنْ رَحْمَتِهِ وَمَصِيرُهُ إِلَى النَّارِ: مَنْ خَانَ اللَّهَ فِي وُضُوئِهِ وَلَمْ يُتِمَّهُ كَمَا أَمَرَهُ نَبِيُّ اللَّهِ، وَمَنْ خَانَ اللَّهَ فِي صَدَاتِهِ فَلَمْ يُصَلِّهَا كَمَا أَمَرَهُ نَبِيُّ اللَّهِ، وَمَنْ خَانَ اللَّهَ فِي صَوْمِهِ فَلَمْ يَصُمْهُ كَمَا أَمَرَهُ نَبِيُّ اللَّهِ، وَمَنْ خَانَ اللَّهَ فِي حَجِّهِ فَلَمْ يَحِجَّ كَمَا أَمَرَهُ نَبِيُّ اللَّهِ، وَمَنْ خَانَ اللَّهَ فِي زَكَاتِهِ فَلَمْ يَقْضِهَا كَمَا أَمَرَهُ نَبِيُّ اللَّهِ.

3525. وقال صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُبَاهِي الْمَلَائِكَةَ بِخَمْسَةِ: الْمُجَاهِدِينَ، وَالْفُقَرَاءِ، وَالشَّبَابِ الَّذِينَ يُعْفَرُونَ نَوَاصِيهِمْ (1) لِلَّهِ تَعَالَى، وَغَنِيٌّ يُعْطَى الْفَقِيرَ كَثِيرًا وَلَا يَمُنُّ عَلَيْهِ، وَرَجُلٌ يَبْكِي مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ تَعَالَى فِي خَلْوِهِ.

3526. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسَةٌ أَشْيَاءٌ حَسَنَةٌ فِي خَمْسَةٍ مِنَ النَّاسِ: الْعَمَلُ، وَالْعَدْلُ، وَالسَّخَاوَةُ، وَالصَّبْرُ، وَالْحَيَاءُ؛ الْعَمَلُ فِي الْعُلَمَاءِ، وَالْعَدْلُ فِي السَّلَاطِينِ، وَالسَّخَاوَةُ فِي الْأَغْنِيَاءِ، وَالصَّبْرُ فِي الْفُقَرَاءِ، وَالْحَيَاءُ فِي النِّسَاءِ.

الْعِلْمُ بِلا- عَمَلٍ كَالْبَيْتِ بِلا سَقْفٍ، وَالسُّلْطَانُ بِلا عَدْلِ كَالنَّهْرِ بِلا مَاءٍ، وَالغَنِيُّ بِلا سَخَاوَةٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ، وَالْفَقِيرُ بِلا صَبْرٍ كَالْقِنْدِيلِ بِلا ضِيَاءٍ، وَالنِّسَاءُ بِلا حَيَاءٍ كَالطَّعَامِ بِلا مِلْحٍ.

3527. وقال صلى الله عليه وآله: حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ خَمْسٌ: رَدُّ السَّلَامِ، وَعِيَادَةُ الْمَرِيضِ، وَاتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ، وَإِجَابَةُ الدَّعْوَةِ، وَتَسْمِيَةُ الْعَاطِسِ (2).

3528. وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ يَأْخُذُ مِنِّي هُوَ لَاءِ الْكَلِمَاتِ فَيَعْمَلُ بِهِنَّ أَوْ يُعَلِّمُ مَنْ يَعْمَلُ بِهِنَّ؟ قُلْتُ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَأَخَذَ بِيَدِي فَعَدَّ خَمْسًا فَقَالَ: اتَّقِ الْمَحَارِمَ تَكُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ، وَارْضَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ تَكُنْ أَعْنَى النَّاسِ، وَأَحْسِنَ إِلَى جَارِكَ تَكُنْ مُؤْمِنًا، وَأَحِبَّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ تَكُنْ مُسْلِمًا، وَلَا تُكْثِرِ الضَّحِكَ فَإِنَّ كَثْرَةَ الضَّحِكِ يُمِيتُ الْقَلْبَ.

3529. وقال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَحَبُّ الصَّبِيَانِ لِخَمْسٍ: الْأَوَّلُ: أَنَّهُمْ هُمُ الْبَكَاءُونَ. وَالثَّانِي: يَتَمَرَّغُونَ بِالتُّرَابِ. وَالثَّلَاثُ: يَخْتَصِمُونَ مِنْ غَيْرِ حَقْدٍ. وَالرَّابِعُ: لَا يَدَّخِرُونَ لِعَدِيٍّ شَيْئًا. وَالخَامِسُ: يَعْمُرُونَ ثُمَّ يُخْرِبُونَ.

ص: 224

1- . الناصية: قصاص الشعر فوق الجبهة، والجمع النواصي (مجمع البحرين: 324/4).

2- . تسميت العاطس: الدعاء له بقول يرحمك الله، من سمت يسمت.

3524. حضرت فرمودند: هر کس در پنج چیز به خدا خیانت کند [خیانت یعنی آنگونه که پیامبر فرموده انجام ندهد.] روز قیامت از رحمت خدا بی نصیب خواهد شد. و سرانجامش آتش است: وضو، نماز، روزه، حج، زکات.

3525. حضرت فرمودند: خداوند به پنج گروه بر ملائکه مباحث می کند: مجاهدان، فقیران، جوانانی که برای خدا سجده می کنند، ثروتمندی که به فقیر کمک فراوان می کند و منت نمی گذارد.

کسی که در خلوت از ترس خدا گریه کند.

3526. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پنج چیز در پنج نفر نیکوست:

عمل کردن در علماء. عدالت در سلاطین. سخاوت در ثروتمندان. صبر در فقیران. حیاء در بانوان.

علم بدون عمل چون خانه بدون سقف است. سلطان بدون عدالت چون رود بدون آب است. ثروتمند بدون سخاوت چون درخت بی ثمر است. و فقیر بدون صبر مثل چراغ بی نور است. و بانوی بی حیاء مثل غذای بی نمک است.

3527. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مسلمان پنج حق بر مسلمان دارد: جواب سلام، عیادت مریض، تشییع جنازه، پذیرفتن دعوت. دعا کردن کسی که عطسه می کند با این جمله: یرحمکم الله.

3528. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چه کسی این جملات را از من می آموزد و بکار می بندد یا به کسی یاد می دهد که عمل می کند؟ ابوذر گفت: من یا رسول الله. حضرت دست او را گرفت و پنج مورد شمرد: از حرام دوری کن عابدترین مردم می شوی. به قسمت خداوندی راضی باش ثروتمندترین مردم می شوی. به همسایه نیکی کن تا مؤمن باشی. برای مردم آنچه دوست داشته باش که برای خود دوست داری. زیاد نخند چون خنده زیاد تو را دل مرده می کند.

3529. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کودکان را برای پنج چیز دوست دارم: زیاد گریه می کنند. با خاک بازی می کنند. با هم درگیر می شوند ولی کینه ندارند. برای فردا چیزی ذخیره نمی کنند.

می سازند و خراب می کنند.

3530. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: اِعْمَلْ بِفَرَايِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتَقَى النَّاسِ، وَارْضَ بِقِسْمِ اللَّهِ تَكُنْ أَعْنَى النَّاسِ، وَكُفَّ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ تَكُنْ أَوْرَعَ النَّاسِ، وَأَحْسِنَ مُجَاوِرَةَ مَنْ جَاوَرَكَ تَكُنْ مُؤْمِنًا، وَأَحْسِنَ مَصَاحِبَةَ مَنْ صَاحَبَكَ تَكُنْ مُسْلِمًا. (1)

3531. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: شِدَائِدُ الدُّنْيَا خَمْسَةٌ: الدَّيْنُ وَلَوْ كَانَ دِرْهَمًا، وَالْفِرْقَةُ وَلَوْ كَانَتْ سِنُورًا (2)، وَالسُّؤَالُ وَإِنْ كَانَ خَرْدَلًا (3)، وَالسَّفَرُ وَإِنْ كَانَ مِيَلًا، وَالْبِنْتُ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً.

3532. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُذَلِّكُمْ عَلَى أَكْسَلِ النَّاسِ، وَأَسْرَقِ النَّاسِ، وَأَبْخَلِ النَّاسِ، وَأَجْفَى النَّاسِ، وَأَعْجَزِ النَّاسِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: أَمَّا أَبْخَلُ النَّاسِ فَرَجُلٌ يَمُرُّ بِمُسْلِمٍ فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ، وَأَمَّا أَكْسَلُ النَّاسِ فَعَبْدٌ صَدَحِيحٌ فَارِعٌ لَا يَذْكُرُ اللَّهَ بِشَفَهٍ وَلَا يَلْسَانَ (4)، وَأَمَّا أَسْرَقُ النَّاسِ فَالَّذِي يَسْرِقُ مِنْ صَلَاتِهِ؛ تَلَفٌ كَمَا يُلْفُ الثَّوْبُ الخَلْقُ (5) فَيُضْرَبُ بِهَا وَجْهَهُ، وَأَمَّا أَجْفَى النَّاسِ فَرَجُلٌ ذَكَرْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ، وَأَمَّا أَعْجَزُ النَّاسِ فَمَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ. (6)

3533. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ذَهَبَ عُمُرٌ مَنْ لَمْ يَصْرِفْهُ فِي صَالِحِ العِلْمِ، وَذَهَبَ عِلْمٌ مَنْ لَمْ يَصْرِفْهُ فِي صَالِحِ العَمَلِ، وَذَهَبَ عَمَلٌ مَنْ لَمْ يَضْبِطْهُ بِالْإِخْلَاصِ، وَذَهَبَ إِخْلَاصٌ مَنْ لَمْ يُحِطْهُ (7) بِالْإِسْتِقَامَةِ، وَذَهَبَتْ إِسْتِقَامَةٌ مَنْ لَمْ يُحِطْهَا بِالْخَاتِمَةِ؛ وَذَلِكَ لِأَنَّ مَلَكَ الأَعْمَالِ حَوَاتِيمُهُ.

3534. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا وَإِنَّ القَبْرَ يُنَادِي بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ فيقولُ: يَا بَنَ آدَمَ، تَمْشَى عَلَى ظَهْرِي وَمَصِيرُكَ فِي بَطْنِي! تَفْرَحُ عَلَى ظَهْرِي ثُمَّ تَحْزَنُ فِي بَطْنِي! تُدْنِبُ عَلَى ظَهْرِي وَتُعَدِّبُ فِي بَطْنِي! تَضْحَكُ عَلَى ظَهْرِي وَتَبْكِي فِي بَطْنِي! تَأْكُلُ الحَرَامَ عَلَى ظَهْرِي ثُمَّ تَأْكُلُكَ الدَّيْدَانُ فِي بَطْنِي!

ص: 226

- 1- . الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ، ص 269، ح 16/295.
- 2- . السُّؤُورُ: حَيَوَانٌ مَعْرُوفٌ يَأْلَفُ البَيْوتَ، وَلَعَلَّ المَرَادَ أَنَّ المَفَارِقَةَ شَدِيدَةً مِنَ شِدَائِدِ الدُّنْيَا وَلَوْ كَانَ مَفَارِقُهُ سُنُورًا؛ إِذْ قَدْ يَحْصُلُ لِلإِنْسَانِ انْسٌ بِهِ.
- 3- . الخَرْدَلُ: حَبٌّ صَغِيرٌ جَدًّا أَسْوَدٌ مَقْرَّحٌ؛ أَيْ وَإِنْ كَانَ السُّؤَالُ طَلَبَ خَرْدَلٍ.
- 4- . لِأَنَّ مِنَ الأَذْكَارِ مَا لَا يَحْتَاجُ فِي التَّفَوُّهُ بِهِ إِلَى الشَّفَهَةِ نَحْوِ لَإِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ، وَيَا أَللَّهُ، وَمِنْهَا مَا يَحْتَاجُ إِلَى الشَّفَهَةِ إِذَا كَانَ فِيهِ مِنَ الحُرُوفِ الشَّفَوِيَّةِ.
- 5- . شَيْءٌ خَلَقَ: بِأَلٍ (لِسَانِ العَرَبِ: 88/10).
- 6- . عَدَّةُ الدَّاعِي، ص 34.
- 7- . أَحَاطَ بِالأَمْرِ أَيْ أَحْدَقَ بِهِ مِنْ جَوَانِبِهِ. وَالمَرَادُ الإِحَاطَةَ بِالإِخْلَاصِ مِنْ جَوَانِبِهِ بِحَيْثُ لَا يَشُوبُهُ شَرِكٌ مِنْ أَيْ جِهَةٍ.

3530. پیامبر صلی الله علیه و آله به حسین بن علی علیهما السلام فرمودند: به واجبات عمل کن، پرهیزکارترین مردم می شوی.

به قسمت الهی راضی باش، ثروتمندترین مردم می شوی. از حرام دوری کن، پاکیزه ترین مردم می شوی. به همسایه ات احسان کن، تا مؤمن باشی. و با همنشین خود خوشرفتار باش، که شرط مسلمانی است.

3531. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دشواریهای دنیا پنج چیز است: بدهی گرچه اندک باشد. جدایی گرچه جدایی گریه ای باشد که انسان به آن انس داشته است. درخواست کردن از دیگران گرچه یک خردل باشد. سفر گرچه به اندازه یک میل باشد. دختر گرچه یکی باشد.

3532. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا می خواهید تنبل ترین، دزدترین، بخیل ترین، جفاکارترین و عاجزترین مردم را معرفی کنم؟ گفتند: بلی یا رسول الله.

حضرت فرمودند: بخیل ترین مردم کسی است که از کنار مسلمان می گذرد و به او سلام نمی کند.

تنبل ترین مردم کسی است که بدنش سالم است و کاری ندارد و ذکر خدا نگوید.

دزدترین مردم کسی است که از نماز خود بدزدد. و چنین نمازی را چون لباس کهنه ای به صورت او پرتاب می کنند.

جفاکارترین مردم کسی است که نام مرا بشنود و صلوات نفرستد.

عاجزترین مردم کسی است که از دعا کردن عاجز باشد.

3533. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: عمری که در تحصیل علم مفید مصرف نشود تلف شده است. علمی که برای عمل نیکو مصرف نشود تلف شده است. عملی که با اخلاص نباشد تلف شده است.

اخلاصی که با مقاومت پایدار نشود تلف شده است. مقاومتی که سرانجام خیر نداشته باشد تلف شده است. چون ملاک هر کاری عاقبت آن است.

3534. حضرت فرمودند: آگاه باشید که قبر پنج جمله می گوید: ای آمیزاده، بر پشت من راه می روی و مسیر تو به درون من است. بر پشت من شادمانی و در درون من محزون خواهی شد. بر پشت من گناه می کنی و در درون من عذاب می شوی. بر پشت من می خندی و در درون من گریه می کنی. بر پشت من حرام می خوری و در درون من بوسيله کررها خورده می شوی.

3535. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْقَبْرِ يُنَادِي بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ: أَنَا بَيْتُ الْوَحْدَةِ؛ فَأَحْمِلُوا إِلَيَّ أَنْيسًا، وَأَنَا بَيْتُ الْحَيَاتِ؛ فَأَحْمِلُوا إِلَيَّ تَرِياقًا، وَأَنَا بَيْتُ الظُّلْمِ (1) فَأَحْمِلُوا إِلَيَّ سِرَاجًا، وَأَنَا بَيْتُ الثَّرَابِ فَأَحْمِلُوا إِلَيَّ فِرَاشًا، وَأَنَا بَيْتُ الْفَقْرِ فَأَحْمِلُوا إِلَيَّ كَنْزًا.

3536. وقال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَكْمُلُ إِيمَانُ الْعَبْدِ بِاللَّهِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ: التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ، وَالتَّقْوِيصُ إِلَى اللَّهِ، وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ، وَالرِّضَاءُ بِقَضَاءِ اللَّهِ، وَالصَّبْرُ عَلَى بَلَاءِ اللَّهِ؛ إِنَّهُ مَنْ أَحَبَّ فِي اللَّهِ، وَأَبْغَضَ فِي اللَّهِ، وَأَعْطَى لِلَّهِ، وَمَنَعَ لِلَّهِ؛ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ. (2)

3537. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَأَلْتُ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصَّدَقَةِ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، خَمْسَةٌ أَوْجُهُ: الْوَاحِدَةُ بَعَشْرَهُ، وَالوَاحِدَةُ بِسَبْعِينَ، وَالوَاحِدَةُ بِسَبْعِمِئَةٍ، وَالوَاحِدَةُ بِسَبْعِينَ أَلْفًا، وَالوَاحِدَةُ بِمِئَةِ أَلْفٍ. فَقُلْتُ: يَا جَبْرَيْلُ، أَخْبِرْنِي عَنِ الْوَاحِدَةِ بَعَشْرَهُ، فَقَالَ: تَدْفَعُهَا إِلَى رَجُلٍ صَدِّحِ الْيَدَيْنِ وَالرَّجْلَيْنِ وَالْعَيْنَيْنِ، وَالوَاحِدَةُ الَّتِي بِسَبْعِينَ: تَدْفَعُهَا إِلَى زَمَنِ (3)، وَالَّتِي بِسَبْعِمِئَةٍ تَدْفَعُهَا إِلَى الْوَالِدَيْنِ، وَالَّتِي بِسَبْعِينَ أَلْفًا:

تَدْفَعُهَا إِلَى الْأَمْوَاتِ، وَالَّتِي بِمِئَةِ أَلْفٍ: تَدْفَعُهَا إِلَى طَالِبِ الْعِلْمِ.

3538. وقال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَزَلَ الْقُرْآنُ عَلَى خَمْسَةِ أَوْجُهُ: حَلَالٍ، وَحَرَامٍ، وَمُحْكَمٍ، وَمُتَشَابِهٍ، وَأَمْثَالٍ؛ فَأَحْلُوا الْحَلَالَ، وَحَرِّمُوا الْحَرَامَ، وَاعْمَلُوا بِالْمُحْكَمِ، وَآمِنُوا بِالْمُتَشَابِهِ (4)، وَاعْتَبِرُوا بِالْأَمْثَالِ.

3539. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَامَةُ الْمُؤْمِنِ خَمْسَةٌ: الْوَرَعُ فِي الْخَلْوَةِ، وَالصَّدَقَةُ فِي الْقَلْبِ (5)، وَالصَّبْرُ عَلَى الْمُصِيبَةِ، وَالصِّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ، وَالْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ.

3540. وقال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَضَافَ وَاحِدًا فَكَانَتْهَا أَضَافَ آدَمَ، وَمَنْ أَضَافَ اثْنَيْنِ فَكَانَتْهَا أَضَافَ آدَمَ وَحَوَاءَ، وَمَنْ أَضَافَ ثَلَاثَةً فَكَانَتْهَا أَضَافَ جَبْرَيْلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَمَنْ أَضَافَ أَرْبَعَةً فَكَانَتْهَا قَرَأَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ، وَمَنْ أَضَافَ خَمْسَةً فَكَانَتْهَا صَدَّقَ لِي صَدَاقَةَ الْخَمْسِ فِي جَمَاعَةٍ.

ص: 228

1- . كذا، والظاهر أنه الظلمه كما في مصادر اخرى.

2- . بحار الأنوار، ج 74، ص 177، ح 10؛ مجمع الزوائد، ج 1، ص 90.

3- . الزمن: الذي أصابته الزمانه؛ وهي عاهه ومرض يدوم زماناً طويلاً، أو عدم بعض الأعضاء.

4- . معنى الكلام في معنى المحكم والمتشابه.

5- . أي قلّه المال والفقير.

3535. حضرت فرمودند: قبر پنج ندا دارد: من خانه تنهائیم با خود انیس بیاورید. من خانه مارهایم با خود پادزهر بیاورید. من خانه تاریکیم با خود چراغ بیاورید. من خانه خاکی هستم با خود فرش بیاورید. من خانه فقر هستم با خود گنج بیاورید.

3536. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: تا پنج خصلت در کسی نباشد ایمان او کامل نگردد: توکل به خدا، واگذاری کار به خدا، تسلیم در برابر او، خشنودی به قضاء خدا، و صبر در برابر بلاء خدا. کسی که دوست داشتن و نفرت داشتن و بخشیدن و منع کردن او برای خدا باشد، ایمانش کامل است.

3537. حضرت فرمودند: از جبرئیل سؤال کردم ثواب صدقه چقدر است؟

جبرئیل فرمود: یا محمد صدقه پنج نوع است: یکی به ده. یکی به هفتاد. یکی به هفتصد.

یکی به هفتاد هزار. یکی به صد هزار.

گفتم: یا جبرئیل یکی به ده را توضیح بده. گفت: صدقه به کسی است که دو دست و دو پا و دو چشم او صحیح باشد.

یکی به هفتاد، صدقه به کسی است که زمینگیر باشد. یکی به هفتصد، صدقه ای است که به پدر و مادر خود بدهی. یکی به هفتاد هزار، صدقه ای است که برای اموات بدهی. یکی به صد هزار صدقه ای است که به طالب علم بدهی.

3538. حضرت فرمودند: قرآن به پنج صورت نازل شده است: حلال، حرام، محکم و متشابه و مثلها.

پس حلال را حلال بدانید. حرام را تحریم کنید. به محکم عمل کنید. به متشابه ایمان بیاورید. و از مثلها عبرت بگیرید.

3539. حضرت فرمودند: علامت مؤمن پنج چیز است: پرهیزکاری در خلوت. صدقه در تنگدستی.

صبر بر مصیبت. راستگوئی هنگام ترس. بردباری هنگام خشم.

3540. حضرت فرمودند: کسی که یک نفر را میهمان کند، گویا حضرت آدم علیه السلام را میهمان کرده است.

کسی که دو نفر را میهمان کند، گویا آدم و حوا را میهمان کرده است. کسی که سه نفر را میهمان کند، گویا جبرئیل و میکائیل و اسرافیل را میهمان کرده است. کسی که چهار نفر را میهمان کند، گویا تورات و انجیل و زبور و قرآن را میهمان کرده است. کسی که پنج نفر میهمان کند، گویا نماز پنج گانه را به جماعت خوانده است.



3541. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ فِي جَمْعِ الْمَالِ خَمْسَةَ أَشْيَاءٍ: الْعَنَاءُ فِي جَمْعِهِ، وَالشُّغْلُ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ بِإِصْلَاحِهِ، وَالخَوْفُ مِنْ سَالِيهِ وَسَارِقِهِ، وَاحْتِمَالُ اسْمِ الْبُخْلِ لِنَفْسِهِ، وَمُفَارِقَةُ الصَّالِحِينَ لِأَجْلِهِ.

وَفِي تَفْرِيقِهِ خَمْسَةَ أَشْيَاءٍ: رَاحَةَ النَّفْسِ مِنْ طَلَبِهِ، وَالْفِرَاقَ لِذِكْرِ اللَّهِ مِنْ حِفْظِهِ، وَالْأَمْنَ مِنْ سَالِيهِ وَسَارِقِهِ، وَاكْتِسَابَ اسْمِ الْكِرَامِ لِنَفْسِهِ، وَمُصَاحَبَةَ الصَّالِحِينَ.

3542. وَرُوِيَ أَنَّ خَمْسَةَ أَشْيَاءٍ تَوَرَّثَ الْحِفْظُ: أَكَلَ الْحُلُوقِ، وَأَكَلَ اللَّحْمِ مِمَّا يَلِي الْعُنُقَ، وَأَكَلَ الْعَدَسِ، وَأَكَلَ الْخُبْزِ الْبَارِدِ، وَقِرَاءَةَ آيَةِ الْكُرْسِيِّ.

3543. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسَةٌ مِنْ مَصَائِبِ الْآخِرَةِ: فَوَاتُ الصَّلَاةِ، وَمَوْتُ الْعَالِمِ، وَرُدُّ السَّنَائِلِ، وَمُخَالَفَةُ الْوَالِدِينَ، وَفَوْتُ الزَّكَاةِ. وَخَمْسَةٌ مِنْ مَصَائِبِ الدُّنْيَا: فَوْتُ الْحَبِيبِ، وَذَهَابُ الْمَالِ، وَشِمَاتَةُ الْأَعْدَاءِ، وَتَرْكُ الْعَمَلِ، وَامْرَأَةُ السَّوَاءِ.

3544. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى تَحْتَ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: الْمُصَدِّقِينَ، وَالْمُزَكِّينَ أَمْوَالَهُمْ، وَالصَّائِمِينَ، وَالْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَالْحُجَّاجَ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ.

3541. حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: جمع کردن مال پنج عیب دارد:

رنج بدست آوردن. غفلت از یاد خدا به خاطر رسیدگی به مال. ترس از دزد و غیره. تحمل اسم بخیل. دوری از صالحان برای مال.

مصرف مال هم پنج نتیجه دارد: آسایش جان. فراغت خاطر برای ذکر خدا. ایمنی از دزد.

بدست آوردن صفت کریم. همنشینی صالحان.

3542. حضرت فرمودند: پنج چیز حافظه را تقویت می کند:

خوردن شیرینی. خوردن گوشت محل اتصال گردن به بدن. خوردن عدس. خوردن نان سرد. قرائت آیه الکرسی.

3543. حضرت فرمودند: پنج چیز از مصیبت های آخرت است: از دست رفتن نماز. مرگ عالم.

ناامید کردن سائل. نافرمانی پدر و مادر. ندادن زکات.

پنج چیز مصیبت دنیاست: مرگ دوست. از دست دادن مال. سرزنش دشمن. ترک عمل.

زن بد.

3544. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند در روزی که سایه ای جز عرش خدا نیست پنج نفر را در سایه عرش جای دهد: نماز

گزار زکات دهنده. روزه دار. مجاهد راه خدا. حجاج بیت الله حرام.

ص: 231

3545. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: لَوْلَا - خَمْسُ خِصَالٍ لَصَارَ النَّاسُ كُلُّهُمْ صَالِحِينَ: أَوَّلُهَا الْقَنَاعَةُ بِالْجَهْلِ، وَالْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا، وَالشُّحُّ بِالْفَضْلِ، وَالرِّيَاءُ فِي الْعَمَلِ، وَالْإِعْجَابُ بِالرَّأْيِ.

3546. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: رَأَيْتُ جَمِيعَ الْأَخِلَاءِ فَلَمْ أَرَ خَلِيلًا أَفْضَلَ مِن حِفْظِ اللِّسَانِ، وَرَأَيْتُ جَمِيعَ اللِّبَاسِ فَلَمْ أَرَ لِيَاسًا أَفْضَلَ مِنَ الْوَرَعِ، وَرَأَيْتُ جَمِيعَ الْأَمْوَالِ فَلَمْ أَرَ مَالًا - أَفْضَلَ مِنَ الْقَنَاعَةِ، وَرَأَيْتُ جَمِيعَ الْبِرِّ فَلَمْ أَرَ بِرًّا أَفْضَلَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَالشَّفَقَةِ، وَذُقْتُ جَمِيعَ الْأَطْعِمَةِ فَلَمْ أَرَ طَعَامًا أَلَذَّ مِنَ الصَّبْرِ.

3547. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: خُتِمَتِ التَّوْرَةُ بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ، فَأَنَا أَحِبُّ أَنْ أُطَالِعَهَا فِي صَبِيحِهِ كُلِّ يَوْمٍ: الْأَوَّلُ: الْعَالِمُ الَّذِي لَا يَعْمَلُ بِعِلْمِهِ فَهُوَ وَابِلِيسُ سَوَاءٌ.

وَالثَّانِي: سُلْطَانٌ لَا يَعْدِلُ بِرِعِيَّتِهِ فَهُوَ وَفِرْعَوْنُ سَوَاءٌ.

وَالثَّلَاثُ: فَكِيرٌ يَتَدَلَّلُ لِعَنِيٍّ طَمَعًا فِي مَالِهِ فَهُوَ وَالْكَلْبُ سَوَاءٌ.

وَالرَّابِعُ: غَنِيٌّ لَا يَنْتَفِعُ بِمَالِهِ فَهُوَ وَالْأَجْرُ سَوَاءٌ.

وَالخَامِسُ: امْرَأَةٌ تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ ضَرُورَةٍ هِيَ وَالْأُمَةُ سَوَاءٌ.

3548. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَام: احْفَظُوا عَنِّي خَمْسًا، فَلَوْ رَكِبْتُمُ الْإِبِلَ لَأَنْضَيْتُمُوهُنَّ (1) فِي طَلِبِهِنَّ قَبْلَ أَنْ تُدْرِكُوهُنَّ:

لَا يَرْجُونَ عَبْدَ الْإِرْبَةِ، وَلَا يَخَافَنَّ الْإِدْنَبَةَ، وَلَا يَسْتَحْيِي جَاهِلٌ أَنْ يَسْأَلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ، وَلَا يَسْتَحْيِي عَالِمٌ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ: اللَّهُ أَعْلَمُ، وَالصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، وَلَا إِيْمَانُ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ.

## فصل چهارم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام

3545. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اگر پنج خصلت نبود همه مردم صالح بودند:

قناعت به نادانی. طمع به دنیا. بخل از زیادی نعمت. تظاهر و دورویی. خودپسندی در عقیده.

3546. حضرت فرمودند: دوستی بهتر از حفظ زبان، در میان دوستان ندیدم. در میان لباسها، لباسی برتر از تقوا ندیدم. در میان اموال،

مالی برتر از قناعت ندیدم. در میان همه نیکی ها، برتر از مهربانی ندیدم. و در همه غذاها لذت بخش تر از صبر ندیدم.

3547. حضرت فرمودند: تورات به پنج جمله ختم شده است و دوست دارم هر روز صبح آن را مطالعه کنم:

اول: عالمی که به علم خود عمل نکند، با شیطان برابر است.

دوم: فرمانروایی که با مردم عدالت نداشته باشد، با فرعون برابر است.

سوم: فقیر طمع کاری که در برابر ثروتمند خضوع کند، با سگ برابر است.

چهارم: ثروتمندی که از مال خود بهره نبرد، با آجر مساوی است.

پنجم: زنی که بی مورد از خانه خارج شود، با کنیز یکسان است.

3548. حضرت فرمودند: پنج نصیحت از من فراگیرید. که اگر برای آموختن آن با شتر دور دنیا بگردید، شتر از پای در آید و به هدف

نرسید:

به هیچ کس غیر خدا امیدوار نباشید. از چیزی جز گناه نترسید. نادان از پرسیدن آنچه نمی داند شرم نکند. اگر از عالم چیزی پرسیدند که

نمی داند، شرم نکند و بگوید: خدا داناست. صبر نسبت به ایمان، مثل سر به بدن است و کسی که صبر ندارد ایمان ندارد.

3549. وَسُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعُبُودِيَّةِ، قَالَ: الْعُبُودِيَّةُ خَمْسَةٌ أَشْيَاءُ: حُلُّو الْبَطْنِ، وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ، وَقِيَامُ اللَّيْلِ، وَالتَّصَرُّعُ عِنْدَ الصُّبْحِ، وَالبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ. (1)

3550. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُؤْمِنُ يَتَقَلَّبُ فِي خَمْسَةٍ مِنَ النُّورِ: مَدَّخَلُهُ نُورٌ، وَمَخْرَجُهُ نُورٌ، وَعِلْمُهُ نُورٌ، وَكَلَامُهُ نُورٌ، وَمَنْظَرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى النُّورِ. (2)

3551. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خُصِّصْنَا بِخَمْسَةٍ: بِفَصَاحَةٍ، وَصَبَاحَةٍ، وَسَمَاحَةٍ (3)، وَنَحْوَةٍ (4)، وَحِظْوَةٍ عِنْدَ النَّاسِ (5). (6)

3552. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِلْمُ لَا يَحْصُلُ إِلَّا بِخَمْسَةِ أَشْيَاءَ: أَوَّلُهَا: بَكْتَرَةُ السُّؤَالِ. وَالثَّانِي: بَكْتَرَةُ الْإِشْتِغَالِ.

وَالثَّلَاثُ: بِتَطْهِيرِ الْأَفْعَالِ. وَالرَّابِعُ: بِخِدْمَةِ الرَّجَالِ. وَالخَامِسُ: بِاسْتِعَانَةِ ذِي الْجَلَالِ.

3553. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فِي جَهَنَّمَ رَحِيًّا تَطْحَنُ، أَفَلَا تَسْأَلُوْنِي مَا طَحْنُهَا؟ فَقَالُوا: مَا طَحْنُهَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ:

الْعُلَمَاءُ الْفَجْرَةُ، وَالْفُقَرَاءُ الْفَسَقَةُ، وَالْجَبَابِرَةُ الظُّلْمَةُ، وَالْوُزَرَاءُ النُّحُوتُ، وَالْعُرَفَاءُ الْكَذْبَةُ. (7)

3554. وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَتَبَ إِلَى عَمَّالِهِ: أَدِّقُوا أَفْلاَمَكُمْ، وَقَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ، وَاحْذِفُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ، وَأَقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي، وَإِيَّاكُمْ وَالْإِكْتَارَ؛ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ. (8)

3555. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَمْسَةٌ أَشْيَاءٌ يَجِبُ عَلَى الْقَاضِي الْأَخْذُ فِيهَا بِظَاهِرِ الْحُكْمِ: الْوَلَايَةُ، وَالْمَنَاكِحُ، وَالْمَوَارِيثُ، وَالذَّبَائِحُ، وَالشَّهَادَاتُ؛ إِذَا كَانَ ظَاهِرُ الشُّهُودِ مَأْمُونًا جَازَتْ شَهَادَتُهُمْ وَلَا يَسْأَلُ عَنْ بَاطِنِهِمْ. (9)

3556. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السُّبَابُ خَمْسَةٌ: أَنَا سَابِقُ الْعَرَبِ، وَسَلْمَانُ سَابِقُ فَارِسَ، وَصُهَيْبٌ سَابِقُ الرُّومِ، وَبِلَالٌ سَابِقُ الْحَبَشِ، وَخَبَّابٌ سَابِقُ النَّبَطِ. (10). (11)

ص: 234

1- . جامع الأخبار، ص 178.

2- . الخصال، ص 277، ح 20.

3- . السماحة: الجود (لسان العرب: 489/2).

4- . لعل المراد النخوة عند الباطل فيمرّ عليه مرور الكرام، ولا يقربه، أو المراد الفخر بالنبوة والإمامه وطهاره الآباء والأُمَّهات.

5- . الحظوة: المكانه والمنزله للرجل من ذى سلطان ونحوه (لسان العرب: 185/14). وفى الأصل: «حظوه عند النساء».

6- . الخصال، ص 286، ح 40، مع اختلافٍ يسير.

7- . الخصال، ص 296، ح 65.

8- . الخصال، ص 310، ح 85.

9- . الخصال، ص 311، ح 88.

10- . النبط: جيلٌ معروف، كانوا ينزلون بالبطائح بين العراقيين (النهاية: 9/5).



3549. از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره عبودیت پرسیدند. حضرت فرمودند: بندگی به پنج چیز است:

خالی نگهداشتن شکم. خواندن قرآن. نماز شب. گریه صبحگاهی. گریه از ترس خدا.

3550. حضرت فرمودند: مؤمن پنج نور دارد: محل ورودش. محل خروجش. علم مؤمن. سخن مؤمن. روز قیامت نگاه مؤمن به نور است.

3551. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: خداوند پنج ویژگی به ما داده است: فصاحت، جمال، کرم، بزرگی، احترام نزد مردم.

3552. حضرت فرمودند: علم، جز با پنج کار بدست نمی آید: زیاد پرسیدن. زیاد زحمت کشیدن.

پاکیزه کردن کارها. خدمت گذاری بزرگان. کمک گرفتن از خدا.

3553. حضرت فرمودند: در جهنم آسیایی است که می چرخد. آیا نمی پرسید چه چیزی را خرد می کند؟ گفتند: یا امیرالمؤمنین چه چیزی؟ حضرت فرمودند: علماء گنهکار و فقیران معصیت پیشه و حاکمان ستمگر و وزیران خائن و عارفان دروغگو.

3554. امیرالمؤمنین علیه السلام به فرمانداران خود نوشت: نوک قلمها را نازک تر کنید، سطرها را به هم نزدیکتر. و کلمات اضافی را حذف. و معانی متوسط را انتخاب کنید. و از زیاده روی و اسراف پرهیز کنید. که اموال مسلمانان ضرر نبیند.

3555. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: در پنج مورد بر قاضی لازم است که به ظاهر حکم کند: ولایت.

ازدواج. ارث. ذبح حیوانات. شهادت.

همینکه شهود ظاهراً امین بودند از باطن آنها جستجو نشود.

3556. حضرت فرمودند: پیشتازان پنج نفرند: من پیشتاز عرب هستم. و سلمان پیشتاز فارس و صهیب پیشتاز روم و بلال پیشتاز حبشه و خباب پیشتاز نبط.

3557. عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكُوفَةِ فِي الْجَامِعِ، إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ؛ فَكَانَ فِيمَا سَأَلَهُ أَنْ قَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ \* وَأُمِّهِ ي وَأَبِيهِ \* وَصَدِّجَتِي وَبَنِيهِ» مَنْ هُمْ (1)؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَابِيلُ يَفِرُّ مِنْ هَابِيلَ، وَالَّذِي يَفِرُّ مِنْ أُمَّهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَالَّذِي يَفِرُّ مِنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَالَّذِي يَفِرُّ مِنْ صَاحِبَتِهِ لَوْطُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَالَّذِي يَفِرُّ مِنْ ابْنِهِ نُوحٌ، وَالَّذِي يَفِرُّ مِنْ بَنِيهِ كَنْعَانُ. (2)

قَالَ ابْنُ بَابُوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ: إِنَّمَا يَفِرُّ مُوسَى مِنْ أُمَّهِ خَشْيَةً أَنْ يَكُونَ قَصَّرَ فِيمَا وَجَبَ عَلَيْهِ مِنْ حَقِّهَا، وَإِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا يَفِرُّ مِنَ الْآبِ الْمُشْرِكِ الْمُرَبِّي لَا مِنَ الْآبِ الْوَالِدِ وَهُوَ تَارِخٌ. (3)

3558. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكُوفَةِ فِي الْجَامِعِ، إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ، فَكَانَ فِيمَا سَأَلَهُ أَنْ قَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ خَمْسَةٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ تَكَلَّمُوا بِالْعَرَبِيَّةِ، فَقَالَ: هُودٌ، وَصَالِحٌ، وَشُعَيْبٌ، وَإِسْمَاعِيلُ، وَمُحَمَّدٌ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ». (4)

3559. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُسِّمَتِ أُمُورُ النَّاسِ إِلَى خَمْسَةٍ وَعِشْرِينَ قِسْمًا: خَمْسَةٌ بِالْقَضَاءِ وَالْقَدْرِ، وَخَمْسَةٌ بِالْإِجْتِهَادِ، وَخَمْسَةٌ بِالْعَادَةِ، وَخَمْسَةٌ بِالْجَوْهَرِ (5)، وَخَمْسَةٌ بِالْوَرَاثَةِ.

فَأَمَّا الَّتِي بِالْقَضَاءِ وَالْقَدْرِ فَالْعُمُرُ، وَالرِّزْقُ، وَالْأَجَلُ، وَالْوَلَدُ، وَالسُّلْطَانُ.

وَأَمَّا الَّتِي بِالْإِجْتِهَادِ فَالْعِلْمُ، وَالْكِتَابَةُ، وَالْفُرُوسِيَّةُ، وَالْجَنَّةُ، وَالنَّارُ.

وَأَمَّا الَّتِي بِالْعَادَةِ فَالْأَكْلُ، وَالنُّوْمُ، وَالْمَشْيُ، وَالنِّكَاحُ، وَالتَّعَوُّظُ.

وَأَمَّا الَّتِي بِالْجَوْهَرِ فَالْمُرُوءَةُ، وَالْأَمَانَةُ، وَالسَّخَاءُ، وَالصَّدْقُ، وَالتَّوَاضُلُ.

وَأَمَّا الَّتِي بِالْوَرَاثَةِ فَالشَّكْلُ، وَالْحِسْمُ، وَالْهَيْئَةُ، وَالذَّهْنُ، وَالْخَلْقُ (6).

3560. وَمِنْ كَلَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ صَدَرَ فِي يَوْمِهِ فِي غَيْرِ حَقِّ قِضَائِهِ أَوْ فَرَضِ إِدَائِهِ أَوْ حَمْدِ حَصَلَتِهِ أَوْ خَيْرِ أَسَسَهُ أَوْ عِلْمٍ اقْتَبَسَهُ؛ فَقَدْ عَقَّ يَوْمَهُ. (7)

ص: 236

1- . الخصال، ص 318، ح 102.

2- . الخصال، ص 318، ح 102.

3- . الخصال، ص 318، ح 102.

4- . الخصال، ص 319، ح 103.

5- . جوهر الشيء: ما وُضعت عليه جبلته، وكلَّ حجرٍ يستخرج منه شيءٌ ينتفع به، وما يقابل العرض. والمراد هنا المعنى الأول.



6- . الخلق بالضمّ السجّيه والطبع، وهذا معنى دقيق فى معرفه الإنسان وسجاياه وتأثير الوراثه فيه.

7- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 334، ح 833.

3557. امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه بودند، مردی از شام از آن حضرت چند سؤال پرسید. یکی از سؤالات این بود: در قرآن می فرماید: «روزی که انسان از برادر و مادر و پدر و همسر و فرزندش فرار می کند». اینان چه کسانی هستند؟

حضرت فرمودند: قایل از هابیل فرار می کند. موسی از مادرش. و ابراهیم از پدرش. و لوط از همسرش. و نوح از فرزندش. و کنعان هم از فرزندانش فرار می کنند.

ابن بابویه رحمه الله گوید: موسی از مادرش فرار می کند، برای اینکه می ترسد حق او را ادا نکرده باشد. ابراهیم هم از پدرش فرار نمی کند بلکه از مربی خود که پدر خوانده اوست و مشرک بود فرار می کند.

3558. امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه بودند مرد شامی سؤال کرد: پنج پیامبر که عربی صحبت کردند کدام بودند:

حضرت فرمودند: هود و صالح و شعیب و اسماعیل و محمد صلی الله علیه و آله.

3559. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: امور مردم به بیست و پنج قسمت تقسیم می شود:

پنج قسمت مربوط به قضا و قدر است که عبارتند از: عمر و رزق و مرگ و فرزند و سلطنت.

پنج قسمت مربوط به تلاش و کوشش است که عبارتند از: علم، نوشتن، زیرکی، بهشت و جهنم.

پنج قسمت مربوط به عادت است: خوردن، خوابیدن، راه رفتن، ازدواج و تخلیه شکم.

پنج قسمت مربوط به گوهر انسان است: جوانمردی، امانت داری، سخاوت، صداقت و رابطه اجتماعی.

پنج قسمت مربوط وراثت است: شکل و جسم و ترکیب و ذهن و خلقت.

3560. حضرت فرمودند: کسی که روز خود را در غیر این پنج مورد مصرف کند در حق آن روز ستم کرده است: ادای حق، انجام واجب، تحصیل ستایش، بنای خیر، فراگیری دانش.

3561. القرآن أمرٌ زاجرٌ، وصاميتٌ ناطقٌ، حُجَّه الله على خلقه. (1)

3562. العجزُ أفهٌ، والصبرُ شجاعهٌ، والزهدُ ثروةٌ، والورعُ جنهٌ، ونعمَ القرينُ الرضى.

3563. ينبغى أن يكونَ التَّفَاخُرُ بَعْلِيٌّ (2) الهِمَمِ، وَالْوَفَاءُ بِالذَّمَمِ، وَالْمُبَالَغَةُ فِي الْكَرَمِ، لَا بِبَوَالِي (3) الرَّمَمِ (4)، وَرِذَائِلُ الشَّيْمِ (5).

3564. الْعَجَلَةُ فِي الْأُمُورِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَذَلَّةِ، وَزِمَامٌ لِلنَّدَامَةِ، وَسَلْبٌ لِلْمُرُوءَةِ، وَشَيْنٌ لِلْحِجَى (6)، وَدَلِيلٌ عَلَى ضَعْفِ الْعَقِيدَةِ (7).

3565. يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَحْتَرِسَ [مِنْ] (8) سَكْرِ الْمَالِ، وَسَكْرِ الْعِلْمِ، وَسَكْرِ الْقُدْرَةِ، وَسَكْرِ الْمَدْحِ، وَسَكْرِ الشَّبَابِ؛ فَإِنَّ (9) لِكُلِّ (وَاحِدٍ مِنْ) (10) ذَلِكَ رِيحاً (11) خَبِيثَةً، تَسْلُبُ الْعَقْلَ وَتَسْتَحِفُّ الْوَقَارَ. (12)

3566. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ: نُوِّرَ لِمَنْ اسْتَضَاءَ بِهِ، وَشَاهِدَ لِمَنْ خَاصَمَ بِهِ، وَفَلَجَ (13) لِمَنْ حَاجَّ بِهِ، وَعِلْمٌ (14) لِمَنْ وَعَى (15)، وَحُكْمٌ لِمَنْ قَضَى (16).

3567. لَا تَصْحَبِ الْجَاهِلَ فَإِنَّ فِيهِ خِصَالاً، فَاعْرِفُوهُ بِهَا: يَغْضَبُ مِنْ غَيْرِ غَضَبٍ، وَيَتَكَلَّمُ فِي غَيْرِ نَفْعٍ، وَيُعْطَى فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْإِعْطَاءِ، وَلَا يَعْرِفُ صَدِيقَهُ مِنْ عَدُوِّهِ، وَيُعْشَى سِرَّهُ إِلَى كُلِّ أَحَدٍ. (17)

3568. مَا وَلَدْتُمْ فَلِلثَّرَابِ، وَمَا بَنَيْتُمْ فَلِلخَرَابِ، وَمَا جَمَعْتُمْ فَلِلذَّهَابِ، وَمَا عَمِلْتُمْ فَفِي كِتَابٍ مُدَّخِرٍ (18) لِيَوْمِ الْحِسَابِ. (19)

3569. لَيْسَ شَيْءٌ أَحْسَنَ مِنْ عَقْلِ زَانَهُ عِلْمٌ، وَمِنْ عِلْمٍ زَانَهُ حِلْمٌ، وَمِنْ حِلْمٍ زَانَهُ صِدْقٌ، وَمِنْ صِدْقٍ زَانَهُ رِفْقٌ، وَمِنْ رِفْقٍ زَانَهُ تَقْوَى. (20)

ص: 238

1- . نهج البلاغه، ج 2، ص 111.

2- . التاسخ: بعلو.

3- . بلى الثوب: خلق ورث (أقرب الموارد: بلى).

4- . الرمم: العظام البالية (أقرب الموارد: رمم).

5- . عيون الحكم والمواعظ، ص 555.

6- . الحجى: العقل والفتنه (لسان العرب: حجو).

7- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 272.

8- . أثبتناه من باقى التسخ.

9- . التاسخ: وإن.

10- . ليس فى التاسخ.

11- . الغرر - ط النجف - والتاسخ: ريحاً.

12- . تصنيف غرر الحكم، ص 66، ح 875.

13- . الفلج: الظفر والفوز (لسان العرب: فلج).

14- . الغرر - ط النجف - والترجمه: وحلم.

- 15- . وَعَى : حَفِظَ (المجمع: وعى).
- 16- . تصنيف غررالحكم، ص 110، ح 1967.
- 17- . شرح نهج البلاغ، ج 20، ص 277، ح 193.
- 18- . التّرجمه: الكِتَابِ مُدَّخَرٌ.
- 19- . تصنيف غررالحكم، ص 133، ح 2308.
- 20- . شرح نهج البلاغ، ج 20، ص 267، ح 99.

3561. حضرت فرمودند: قرآن امر می کند و باز می دارد، ساکت و ناطق و حجه خدا بر خلق است.

3562. حضرت فرمودند: عجز آفت است. و صبر شجاعت. و زهد ثروت. و پرهیزکاری سپر است. و بهترین همنشین رضایت است.

3563. حضرت فرمودند: سزاوار است که به همت عالی و وفای به عهد و کرامت بسیار فخر کنند. نه به استخوانهای پوسیده و خصلتهای ناپسند.

3564. حضرت فرمودند: عجله کردن در کارها باعث ذلت و پشیمانی و سلب جوانمردی و کاستن عقل می شود. و دلیل ضعف عقیده است.

3565. حضرت فرمودند: سزاوار است که عاقل از پنج مستی پرهیز کند: مستی مال. مستی علم.

مستی قدرت. مستی ستایش شدن. مستی جوانی.

هر یک از اینها بوی زشت دارند. و عقل را سلب می کنند. و باعث کم شدن وقار می شوند.

3566. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره قرآن فرمودند: نور است برای کسی که از آن روشنائی بخواهد. و شاهد است برای کسی که با آن مخاصمه کند. پیروزی است برای کسی که به آن استدلال کند. علم است برای کسی که آن را حفظ کند. و حکم است برای کسی که با آن قضاوت کند.

3567. حضرت فرمودند: با نادان همنشین مشو که پنج عیب دارد: بدون علت خشمگین می شود.

بی فایده سخن می گوید. بی مورد عطا می کند. و دوست خود را از دشمن نمی شناسد. و راز خود را با هر کس بازگو می کند.

3568. حضرت فرمودند: اولاد شما برای خاک و بناهای شما برای خرابی و آنچه جمع کرده اید برای از بین رفتن و اعمال شما در نامه ای برای روز حساب ذخیره می شود.

3569. حضرت فرمودند: چیزی بهتر از عقلی که با علم و علمی که با بردباری و بردباری ای که با صداقت و صداقتی که با مدارا و مدارایی که با تقوا زینت شده است، نیست. بردباری موازن با صداقت و صداقت موازن با رفق و رفق موازن با پرهیزکاری نیست.

3570. مَنْ عَلِمَ أَنَّهُ يُفَارِقُ الْأَحْبَابَ، وَيَسْكُنُ التُّرَابَ، وَيُوجِبُهُ الْحِسَابَ، وَيَسْتَعْنِي عَمَّا تَرَكَ، وَيَقْتَرِرُ إِلَى مَا قَدَّمَ؛ كَانَ حَرِيًّا بِقَصْرِ الْأَمَلِ، وَطُولِ الْعَمَلِ. (1)

3571. مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطَاؤُهُ، وَمَنْ كَثُرَ خَطَاؤُهُ قُبِلَ حَيَاؤُهُ، وَمَنْ قُبِلَ حَيَاؤُهُ قُبِلَ وَرَعُهُ، وَمَنْ قُبِلَ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ. (2)

3572. الْمَوْتُ رَاحَةٌ لِلشَّيْخِ الْفَانِي مِنَ الْعَمَلِ، وَلِلشَّابِّ السَّقِيمِ (3) مِنَ السُّقْمِ، وَلِلْغُلَامِ النَّاشِئِ مِنَ اسْتِقْبَالِ الْكَدِّ وَالْجَمْعِ لِغَيْرِهِ، وَلِمَنْ رَكِبَهُ الدَّيْنُ مِنْ غُرْمَائِهِ، وَلِلْمَطْلُوبِ بِالْوَتْرِ (4)، وَهُوَ فِي جُمْلَةِ الْأَمْرِ أَمْنِيَّةٌ كُلُّ مَلْهُوفٍ مَجْهُودٍ. (5)

3573. الْمُؤْمِنُ لَا يُعَيِّرُ أَخَاهُ، وَلَا يَخُونُهُ، وَلَا يَتَّهَمُهُ، وَلَا يَخْذُلُهُ، وَلَا يَتَّبِرُّ مِنْهُ. (6)

3574. الْمُؤْمِنُونَ لَا نَفْسِهِمْ مُتَّهَمُونَ، وَمِنْ فَاوِطِّ زَلَّيْهِمْ وَجَلُونَ، وَلِلدُّنْيَا عَائِفُونَ (7)، وَإِلَى الْآخِرَةِ مُشْتَاقُونَ، وَإِلَى الطَّاعَاتِ مُسَارِعُونَ. (8)

ص: 240

1- . شرح نهج البلاغه، ص 268، ح 107.

2- . تحف العقول، ص 89.

3- . الحكم: المسقام.

4- . الوتر: الجنايه التي يجنيها الرجل على غيره من قتل أو نهب أو سبي (لسان العرب: وتر).

5- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 260، ح 40.

6- . تحف العقول، ص 112.

7- . عائفون: كارهون (لسان العرب: عيف).

8- . عيون الحكم والمواعظ، ص 66.

3570. حضرت فرمودند: کسی که بداند از دوستانش جدا می شود و در خاک جای می گیرد و با حسابرسی روبرو می شود و از آنچه باقی گذاشته بی نیاز می شود و به اعمالی که از پیش فرستاده محتاج می شود. شایسته است که آرزو را کوتاه و عمل را طولانی کند.

3571. حضرت فرمودند: کسی که زیاد حرف بزند، خطایش زیاد می شود. و کسی که خطایش زیاد شود، حیاء او کم می شود. و کسی که حیاء او کم شود، تقوای او کم می شود. و کسی که تقوایش کم شود، قلبش می میرد. و کسی که قلبش بمیرد، اهل جهنم است.

3572. حضرت فرمودند: مرگ راحتی پنج نفر از پنج چیز است: پیرمرد از عمل. جوان بیمار از بیماری. جوان تازه کار از کار کردن برای دیگران. بدهکار از طلبکاران. جانی از مجازات.

خلاصه مرگ ایمنی هر گرفتار مبتلاست.

3573. حضرت فرمودند: مؤمن برادرش را سرزنش نمی کند. و به او خیانت نمی کند. و تهمت نمی زند. و برادرش را تنها نمی گذارد. و از برادرش بیزار نمی شود.

3574. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: مؤمنان نزد خود خویش را متهم می دانند. و از لغزش زیاد وحشت دارند. و به دنیا بی میل هستند. و به آخرت اشتیاق دارند. و بسوی طاعت سرعت می گیرند.

3575. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْكَبَائِرَ خَمْسًا: الشُّرْكَ بِاللَّهِ، وَعُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ، وَأَكْلَ الرَّبَا بَعْدَ الْبَيْتِ، وَالْفِرَارَ مِنَ الرَّحْفِ، وَالتَّعَرُّبَ بَعْدَ الْهَجْرَةِ. (1)

3576. وَعَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: أَخْبِرْنِي عَنِ الْكَبَائِرِ، فَقَالَ: هُنَّ خَمْسٌ، وَهِنَّ مِمَّا أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهِنَّ النَّارَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْفَى لَهُمْ سَعِيرًا»، وَقَالَ: «يَأْيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ، وَقَالَ: «يَأْيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا رَحُّوا رَحْفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأُدْبَارَ» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ، وَرَمَى الْمُحْصَنَاتِ (2) الْغَافِلَاتِ، وَقَتْلَ الْمُؤْمِنِ مُتَعَمِّدًا. (3)

3577. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الصَّدَاقَةُ مَحْدُودَةٌ؛ فَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ تِلْكَ الْحُدُودُ فَلَا تَنْسِبُهُ إِلَى كَمَالِ الصَّدَاقَةِ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ تِلْكَ الْحُدُودِ فَلَا تَنْسِبُهُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الصَّدَاقَةِ:

أَوَّلُهَا: أَنْ تَكُونَ سَرِيرَتُهُ وَعَلَانِيَتُهُ لَكَ وَاحِدَةً. وَالثَّانِيَةُ: أَنْ يَزِينَكَ زِينُهُ وَيَشِينَكَ شَيْنُهُ. وَالثَّلَاثَةُ:

أَنْ لَا يُغَيِّرَهُ مَالٌ وَلَا وِلَايَةٌ. وَالرَّابِعَةُ: لَا يَمْنَعُكَ شَيْئًا مِمَّا تَصِلُ إِلَيْهِ مَقْدَرَتُهُ. وَالخَامِسَةُ: لَا يُسَلِّمُكَ عِنْدَ النِّكَاحِ. (4)

ص: 242

1- . الخصال، ص 273، ح 16.

2- . الْمُحْصَنَاتِ: الْمُتَعَقِّفَاتِ وَذَوَاتِ الْأَزْوَاجِ.

3- . الخصال، ص 273، ح 17.

4- . الخصال، ص 277، ح 19.



## فصل پنجم: احادیثی از امام جعفر صادق علیه السلام

3575. امام صادق علیه السلام فرمودند: در کتاب علی بن ابیطالب علیه السلام دیدیم، گناهان کبیره پنج گناه است:

شرک به خدا و اذیت پدر و مادر و ربا خواری بعد از آگاهی از حکم و فرار از جنگ و بازگشت به کفر بعد از هجرت به اسلام.

3576. عبید بن زراره از امام صادق علیه السلام درباره گناهان کبیره پرسید. حضرت فرمودند: پنج گناه است که خدا وعده آتش به آن داده است:

«کسانی که مال یتیم می خورند، آتش به شکم خود می ریزند. و بزودی وارد جهنم می شوند».

ربا، خدا می فرماید: «ای مؤمنان از خدا بترسید و ربا را رها کنید».

فرار از جنگ، می فرماید: «ای مؤمنان هنگامی که با کفار روبرو می شوید، از جنگ فرار نکنید».

تهمت زدن به زنان شوهردار پاکدامن.

قتل عمدی مؤمن.

3577. امام صادق علیه السلام فرمودند: دوستی محدوده ای دارد. و هر کس همه این حدود در او نیست، دوست کامل نیست. و هر کس هیچ یک از این حدود در او نیست، اصلاً دوست نیست.

اول: ظاهر و باطن او برای تو یکی باشد. دوم: خوبی او خوبی تو و بدیش بدی تو باشد.

سوم: مال و مقام او را تغییر نمی دهد. چهارم: آنچه در توان دارد از تو مضایقه نمی کند.

پنجم: در سختیها تو را تنها نمی گذارد.

3578. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ خَصَلَةٌ مِنْهَا فَلَيْسَ فِيهِ كَبِيرٌ مُسْتَمْتَعٌ:

أَوَّلُهَا: الْوَفَاءُ. وَالثَّانِيَةُ: التَّوْبَةُ. وَالثَّلَاثَةُ: الْحَيَاءُ. وَالرَّابِعَةُ: حُسْنُ الْخُلُقِ. وَالخَامِسَةُ - وَهِيَ تَجَمُّعُ هَذِهِ الْخِصَالِ -: الْحُرِّيَّةُ. (1)

3579. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ مِنْهُنَّ وَاحِدَةً لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مَشْغُولَ الْقَلْبِ، فَأَوَّلُهَا:

صِحَّةُ الْبَدَنِ. وَالثَّانِيَةُ: الْأَمْنُ. وَالثَّلَاثَةُ: السَّعَةُ فِي الرَّزْقِ. وَالرَّابِعَةُ: الْأَنْيَسُ الْمُوَافِقُ؛ قُلْتُ: وَمَا الْأَنْيَسُ الْمُوَافِقُ؟ قَالَ: الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ، وَالْوَلَدُ (2) الصَّالِحُ، وَالْخَلِيطُ الصَّالِحُ. وَالخَامِسَةُ - وَهِيَ تَجَمُّعُ هَذِهِ الْخِصَالِ -: الدَّعَةُ. (3)

3580. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يُقَسِّمُ بَيْنَ الْعِبَادِ أَقْلٌ مِنْ خَمْسٍ: الْيَقِينُ، وَالْقَنُوعُ، وَالصَّبْرُ، وَالشُّكْرُ، وَالَّذِي يَحْمِلُ هَذَا كُلَّهُ الْعَقْلُ. (4)

3581. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ إِبْلِيسُ: خَمْسَةٌ أَشْيَاءَ لَيْسَ لِي فِيهِنَّ حِيلَةٌ وَسَائِرُ النَّاسِ فِي قَبْضَتِي: مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ مِنْ نَبِيٍّ صَادِقَةٍ فَأَتَكَ لَ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ أَمُورِهِ، وَمَنْ كَثُرَ تَسْبِيحُهُ فِي لَيْلِهِ وَنَهَارِهِ، وَمَنْ رَضِيَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مَا يَرْضَاهُ لِنَفْسِهِ، وَمَنْ لَمْ يَجْزَعْ عَلَى الْمُصِيبِ حِينَ تَصِيبُهُ، وَمَنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ وَلَمْ يَهْتَمْ لِرِزْقِهِ. (5)

3582. عَنْ عَدِيٍّ مِنْ أَصْحَابِنَا يَرْفَعُونَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: خَمْسَةٌ لَا يُعْطَوْنَ مِنَ الزَّكَاةِ: الْوَلَدُ، وَالْوَالِدَانِ، وَالْمَرْأَةُ، وَالْمَمْلُوكُ؛ لِأَنَّهُ يَجِبُ عَلَى الرَّجُلِ التَّفَقُّهُ عَلَيْهِمْ. (6)

3583. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَمْسَةٌ مِنْ فَاكِهَةِ الْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا: الرُّمَّانُ الْإِمْلِسِيُّ (7)، وَالنُّتَّاحُ، وَالسَّفَرَجَلُ، وَالْعِدْبُ، وَالرُّطْبُ الْمُشَانُ (8). (9)

3584. وَعَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَمْسَةٍ لَمْ يُطَّلِعِ اللَّهُ عَلَيْهَا أَحَدًا مِنْ خَلْقِهِ؟ قَالَ:

قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ، وَيُنزَّلُ الْغَيْثَ، وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ، وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا، وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ، إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. (10)

ص: 244

1- . الخصال، ص 284، ح 33.

2- . في الأصل: «الوالد» وصححناه من الخصال و البحار وغيرهما.

3- . الخصال، ص 284، ح 34.

4- . الخصال، ص 285، ح 36.

5- . الخصال، ص 285، ح 37.

6- . الخصال، ح 45، ص 288.

7- . الإمليس: الفلاة ليس بها نبات. والرمان الإمليسى كأنه منسوب إليه (القاموس المحيط: 252/2).

8- . المشان: نوع من التمر، أو هو أطيبه.

9- . الخصال، ص 289، ح 47.



3578. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس یکی از این پنج خصلت را نداشته باشد، از او فائده زیادی انتظار نمی رود: اول: وفاء. دوم: تدبیر. سوم: حیاء. چهارم: اخلاق خوش. پنجم: آزادگی، که همه خصلتها در آن جمع می شود.

3579. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس یکی از این پنج وصف را نداشته باشد، زندگی خوش ندارد.

و عقل او پریده و دغدغه فکری دارد: اول: سلامتی بدن. دوم: امنیت. سوم: مال کافی.

چهارم: انیس موافق. راوی پرسید: انیس موافق کیست؟ حضرت فرمودند: همسر شایسته و فرزند صالح و دوست صالح.

پنجم: آرامش خاطر که جامع همه موارد است.

3580. امام صادق علیه السلام فرمودند: آنچه کمتر از همه چیز، بین مردم تقسیم شده است پنج چیز است:

یقین. قناعت. صبر. شکر. عقل [که جامع همه موارد است].

3581. حضرت فرمودند: شیطان گفت: من برای پنج نفر چاره ای ندارم بقیه مردم در چنگ من هستند: کسی که در همه کار با نیت صادق توکل به خدا کند. کسی که در شبانه روز زیاد تسبیح گوید. کسی که برای برادرش آنچه پسندد که برای خود می پسندد. کسی که در مصیبت جزع نکند [صبر کند]. کسی که به قسمت الهی خشنود باشد. و غصه روزی نخورد.

3582. حضرت فرمودند: زکات را به پنج نفر نمی شود داد: فرزند، پدر، مادر، همسر، غلام. چون مخارج اینها بعهده انسان است.

3583. حضرت فرمودند: در دنیا پنج میوه بهشتی هست: انار. سیب. به. انگور. رطب.

3584. امام صادق علیه السلام فرمودند: آیا می خواهید از پنج چیز خبر بدهم که خدا احدی از مخلوقات را به آن آگاه نکرده است؟ ابو اسامه گفت: بلی.

حضرت فرمودند: علم ساعت قیامت، نزد خداست. نزول باران. آنچه در رحم مادران است. کسی نمی داند فردا چه می کند. کسی نمی داند در کجا می میرد. خدا به همه چیز آگاه است.

3585. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ الْمَعْرِفَةَ بِكَمَالِ دِينِ الْمُسْلِمِ تَرْكُهُ الْكَلَامَ فِيمَا لَا يَعْنيهِ، وَقَلُّهُ الْمِرَاءِ، وَحِلْمُهُ، وَصَبْرُهُ، وَحُسْنُ خُلُقِهِ. (1)

3586. عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا شِيعَةُ جَعْفَرٍ مَن كَفَّ بَطْنَهُ وَفَرَجَهُ، وَاشْتَدَّ جِهَادُهُ، وَعَمِلَ لِخَالِقِهِ، وَرَجَا ثَوَابَهُ، وَخَافَ عِقَابَهُ؛ وَإِذَا رَأَيْتَ أَوْلِيكَ فَأَوْلِيكَ شِيعَةُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (2)

3587. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَمْسَةٌ يُتَمَوْنَ فِي سَفَرٍ كَانُوا أَوْ فِي حَضَرٍ: الْمُكَارِيُّ، وَالْمُكَارِيُّ (3)، وَالْإِسْتِقَانُ؛ وَهُوَ الْبَرِيدُ، وَالرَّاعِي، وَالْمَلَّاحُ؛ لِأَنَّهُ عَمَلُهُمْ. (4)

3588. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْيَمَانِيُّ، وَالسُّفْيَانِيُّ، وَالْمُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ، وَخَسْفُ الْبَيْدَاءِ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الرَّكِيَّةِ. (5)

3589. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَاوِرْ فِي أُمُورِكَ مِمَّا يَفْتَضِلُّكَ الدِّينُ مَنْ فِيهِ خَمْسٌ خِصَالٍ: عَقْلٌ، وَعِلْمٌ، وَتَجْرِبَةٌ، وَنُصْحٌ، وَتَقْوَى. فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَاسْتَعْمِلِ الْخَمْسَةَ وَاعْزِمِ وَتَوَكَّلْ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُؤَدِّيكَ إِلَى الصَّوَابِ. (6)

3590. رُوِيَ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ مَالِكِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِلَّذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ»، قَالَ: أَمَّا خُمُسُ الرَّسُولِ فَلِأَقْرَابِهِ، وَخُمُسُ ذَوِي الْقُرْبَى فَهُمْ أَقْرَابُوهُ، وَالْيَتَامَى أَهْلُ بَيْتِهِ، فَجَعَلَ هَذِهِ الْأَرْبَعَةَ سَهْمًا فِيهِمْ، وَأَمَّا الْمَسَاكِينُ وَأَبْنَاءُ السَّبِيلِ فَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّا لَا نَأْكُلُ الصَّدَقَةَ وَلَا تَحِلُّ لَنَا، فَهِيَ لِلْمَسَاكِينِ وَأَبْنَاءِ السَّبِيلِ. (7)

ص: 246

1- . الخصال، ص 290، ح 50.

2- . الخصال، ص 295، ح 63.

3- . الكرى - بالفتح - : المكترى؛ فعيل بمعنى مفتعل، وقد يجيء بمعنى المكري.

4- . الخصال، ص 302، ح 77.

5- . الخصال، ص 303، ح 82.

6- . مصباح الشريعة، ص 152.

7- . الخصال، ص 324، ح 12.

3585. حضرت فرمودند: امام سجاد علیه السلام می فرمود: شناختن کمال دین مسلمان به پنج چیز است:

سخن بیهوده نگفتن. جدل نکند. بردباری او. صبر او. اخلاق خوش او.

3586. امام صادق علیه السلام فرمودند: شیعه من کسی است که: شکم و شهوت خود را کنترل کند. تلاش زیاد کند. کار برای خدا انجام دهد. امید به پاداش خدا داشته باشد. ترس از عذاب داشته باشد. اگر چنین کسی را دیدی، او شیعه جعفری است.

3587. امام صادق علیه السلام فرمودند: پنج نفر نماز را تمام بخوانند. در سفر باشند یا وطن: کرایه بر. دوره گرد. نامه رسان [پست چی]. چوپان. دریانورد چون اینان کارشان سفر است.

3588. امام صادق علیه السلام فرمودند: قبل از قیام امام زمان علیه السلام پنج علامت ظاهر می شود: خروج شخصی از یمن. خروج شخصی از آل سفیان. ندای آسمانی. فرورفتن بخشی از زمین بیداء [بین مکه و مدینه]. کشته شدن نفس زکیه.

3589. حضرت فرمودند: در امور دینی با کسی مشورت کن که پنج خصلت داشته باشد: عقل و علم و تجربه و خیرخواهی و تقوی. اگر چنین کسی پیدا نکردی خود این امور را بکار گیر. و به خدا توکل کن. راه درست را خواهی یافت.

3590. زکریا از امام صادق علیه السلام درباره این آیه قرآن سؤال کرد: «بدانید خمس آنچه غنیمت بدست آوردید برای خدا و رسول و سادات و یتیمان و مساکین و در راه ماندگان است».

حضرت فرمود: خمس پیامبر برای نزدیکان اوست. و خمس سادات هم بستگان آن حضرت هستند. و یتیمان هم از اهل بیت آن حضرت هستند. این چهار سهم را خدا برای آنان قرار داده است. اما مسکین و در راه مانده، بدان که ما صدقه مصرف نمی کنیم. و بر ما حلال نیست. و صدقه برای فقیران و در راه ماندگان است.

3591. عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: إِقَامَةِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَحُجِّجِ الْبَيْتِ، وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَالْوَلَايَةِ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَجَعَلَ فِي أَرْبَعٍ مِنْهَا رُخْصَةً، وَلَمْ يَجْعَلْ فِي الْوَلَايَةِ رُخْصَةً؛ مَنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَالٌ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَالٌ فَلَيْسَ عَلَيْهِ حُجٌّ، وَمَنْ كَانَ مَرِيضاً صَدَّقَ لِي قَاعِدًا، وَأَفْطَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ، وَالْوَلَايَةَ صَحِيحاً كَانَ أَوْ مَرِيضاً أَوْ ذُو مَالٍ أَوْ لَا مَالٌ لَهُ فَهِيَ لِأَزِمَةٍ. (1)

3592. وَعَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي: يَا أَبَا بَكْرٍ، أَتَدْرِي كَمْ الصَّلَاةُ عَلَى الْمَيِّتِ؟ قُلْتُ:

لا، قَالَ: اخَذَتِ الْخَمْسُ مِنْ خَمْسِ صَلَوَاتٍ؛ مِنْ كُلِّ صَلَاةٍ تَكْبِيرَةٌ. (2)

3593. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اشْتَهَى فَاكِهَةً، فَانْطَلَقَ هَبَّةَ اللَّهِ (3) يَطْلُبُ لَهَا فَاكِهَةً، فَاسْتَقْبَلَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: أَيْنَ تَذْهَبُ يَا هَبَّةَ اللَّهِ؟ فَقَالَ هَبَّةَ اللَّهِ: إِنَّ آدَمَ يَشْتَكِي، وَإِنَّهُ اشْتَهَى فَاكِهَةً، قَالَ:

ارْجِعْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ قَبِضَ رُوحَهُ، قَالَ: فَرَجَعَ فَوَجَدَهُ قَدْ قَبِضَهُ اللَّهُ تَعَالَى، فَغَسَلَتْهُ الْمَلَائِكَةُ، ثُمَّ وُضِعَ، وَأُمِرَ هَبَّةَ اللَّهِ أَنْ يَتَقَدَّمَ فَيُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَالْمَلَائِكَةُ خَلْفَهُ، وَأُوْحِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَنْ يُكَبِّرَ خَمْسًا وَأَنْ يَسْأَلَهُ (4) وَيَسْتَوِي (5) قَبْرَهُ، ثُمَّ قَالَ: هَكَذَا فَاصْنَعُوا بِمَوْتَاكُمْ. (6)

ص: 248

1- . الخصال، ص 278، ح 21.

2- . الخصال، ص 281، ح 26.

3- . هبة الله: هو شيث بن آدم وصيه.

4- . أي ويسأل الله سبحانه في التكبيرات ويدعو.

5- . كذا، وفي الخصال وغيره: «يُسَوِّي»، والظاهر أنه الصواب.

6- . الخصال، ص 281، ح 27.

3591. امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام بر پنج پایه بنا نهاده شده است: نماز گزاردن. و زکات دادن. و حج.

و روزه ماه رمضان. و ولایت اهل بیت علیهم السلام.

در چهار مورد رخصت داده اند، اما در ولایت رخصت نداده اند.

کسی که مال ندارد، زکات ندارد. و حج بر او واجب نیست. کسی که مریض باشد، نماز را نشسته می خواند. و روزه نمی گیرد.

اما ولایت بر مریض و سالم و فقیر و ثروتمند لازم است.

3592. ابوبکر حضرمی گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمودند: می دانی بر میت چند نماز خوانده می شود؟ گفتم: نه. حضرت

فرمودند: پنج تکبیر از پنج نماز گرفته شده است. از هر نمازی یک تکبیر گرفته شده است.

3593. امام صادق علیه السلام فرمودند: حضرت آدم هوس میوه کرد، هبه الله [فرزندش] برای آوردن میوه رفت و با جبرئیل علیه السلام

روبرو شد. جبرئیل علیه السلام گفت: ای هبه الله کجا می روی؟ هبه الله گفت:

آدم مریض است و میوه می خواهد.

جبرئیل گفت: برگرد. خداوند روح او را گرفت. هبه الله بازگشت و دید آدم مرده است.

ملائکه او را غسل دادند. به هبه الله امر شد که جلو بایست و نماز بخوان. ملائکه پشت سر او ایستادند. خداوند به او وحی فرستاد که پنج

تکبیر بگویند و پس از هر تکبیر دعا کند. و قبر آدم را [پس از دفن] هموار کند. سپس گفت: با مرده ها چنین کنید.



3594. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِقَوْمٍ فَأَمَرَ بِقَتْلِهِمْ، وَخَلَّى رَجُلًا مِنْ بَيْنِهِمْ، فَقَالَ الرَّجُلُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، كَيْفَ أَطَلَقْتَ عَنِّي مِنْ بَيْنِهِمْ؟ قَالَ: أَخْبَرَنِي جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ فِيكَ خَمْسَ خِصَالٍ يُجِبُّهَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ: الْغَيْرَةَ الشَّدِيدَةَ عَلَى حَرَمِكَ، وَالسَّخَاءَ، وَحُسْنَ الْخُلُقِ، وَصِدْقَ اللِّسَانِ، وَالشَّجَاعَةَ.

فَلَمَّا سَمِعَهَا الرَّجُلُ أَسْلَمَ وَحَسَنَ إِسْلَامُهُ، وَقَاتَلَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قِتَالًا شَدِيدًا حَتَّى اسْتُشْهِدَ. (1)

3595. وَقَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَاتَسَّ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» قَالَ: لَاتَسَّ صِحَّتَكَ، وَفُؤُوتَكَ، وَفِرَاعَكَ، وَشَبَابَكَ، وَشَاطِطَكَ؛ أَنْ تَطْلُبَ بِهَا الْآخِرَةَ. (2)

3596. عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ قَالَ: سَمِعْتُ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخَمْسِ خِصَالٍ: بِبُخْلِ شَدِيدٍ، وَأَمَلٍ طَوِيلٍ، وَحِرْصٍ غَالِبٍ، وَقَطِيعَةٍ رَحِيمٍ، وَإِيثارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ. (3)

3597. وَعَنْ أَبِي الصَّلْتِ عَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيٍِّّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ: إِذَا أَصْبَحْتَ فَأَوَّلُ شَيْءٍ يَسْتَقْبِلُكَ فَكُلْهُ، وَالثَّانِي فَارْتَمِهِ، وَالثَّلَاثُ فَاقْبَلْهُ، وَالرَّابِعُ فَلَا تُؤَيِّسْهُ، وَالخَامِسُ فَاهْرُبْ مِنْهُ.

قَالَ: فَلَمَّا أَصْبَحَ مَضَى فَاسْتَقْبَلَهُ جَبَلٌ أَسْوَدٌ عَظِيمٌ، فَوَقَّفَ وَقَالَ: أَمَرَنِي عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَكُلَ هَذَا! وَبَقِيَ مُتَحَيِّرًا، ثُمَّ رَجَعَ إِلَى نَفْسِهِ فَقَالَ: إِنَّ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ لَا يَأْمُرُنِي إِلَّا بِمَا أُطِيقُ، فَمَشَى إِلَيْهِ لِيَأْكُلَهُ، فَلَمَّا دَنَا مِنْهُ صَغُرَ حَتَّى انْتَهَى إِلَيْهِ فَوَجَدَهُ لُقْمَةً، فَأَكَلَهَا فَوَجَدَهَا أَطْيَبَ شَيْءٍ أَكَلًا.

ثُمَّ مَضَى فَوَجَدَ طَشْتًا مِنْ ذَهَبٍ، فَقَالَ: أَمَرَنِي رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَكْتُمَ هَذَا فَحَفَرَ لَهُ مَوْضِعًا وَجَعَلَهُ فِيهِ وَالْقَى عَلَيْهِ التُّرَابَ وَمَضَى، فَالْتَمَتَ فَإِذَا الطَّشْتُ قَدْ ظَهَرَ، فَقَالَ: قَدْ فَعَلْتُ مَا أَمَرَنِي رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ.

فَمَضَى فَإِذَا هُوَ بِطَيْرٍ وَخَلْفَهُ بَازِيٌّ، فَطَافَ الطَّيْرُ حَوْلَهُ فَقَالَ: أَمَرَنِي رَبِّي أَنْ أُقْبَلَ هَذَا، فَفَتَحَ كُمَّهُ فَدَخَلَ الطَّيْرُ فِيهِ، فَقَالَ لَهُ الْبَازِيٌّ: أَخَذْتَ مِنِّي صَيْدِي وَأَنَا خَلْفُهُ مُنْذُ أَيَّامٍ! فَقَالَ: أَمَرَنِي رَبِّي أَنْ لَا أُوَيِّسَ هَذَا، فَفَقَّعَ مِنْ فَخِذِهِ قِطْعَةً فَأَلْقَاهَا إِلَيْهِ.

ص: 250

1- . الخصال، ص 282، ح 28.

2- . الأُمالي للصدوق، ص 299، ح 10/336.

3- . الخصال، ص 282، ح 29.

3594. امام باقر علیه السلام فرمود: گروهی را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند. پیامبر دستور دادند همه را بکشند. و تنها یکی را از آنان آزاد کرد. آن مرد گفت: ای پیامبر خدا چگونه مرا از میان آنان رها کردی.

حضرت فرمودند: جبرئیل علیه السلام از طرف خدا به من خبر داد که در وجود تو پنج خصلت هست که خدا و پیامبر آنها را دوست دارند: غیرت. سخاوت. اخلاق خوش.

راستگویی. شجاعت.

وقتی که مرد این سخن را شنید اسلام آورد و مسلمان خوبی شد. و در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ با کفار شرکت کرد. و سرانجام به شهادت رسید.

3595. امام کاظم علیه السلام فرمودند: علی بن ابیطالب علیه السلام در تفسیر آیه قرآن که می فرماید: «سهم خود را از دنیا فراموش نکن».

فرمودند: سلامتی و نیرو و فراغت و جوانی و نشاط خود را فراموش نکن. و بوسیله آن آخرت خود را تأمین کن.

3596. اسماعیل بن بزیع گوید: شنیدم امام رضا علیه السلام فرمودند: مال جمع نمی شود، مگر با پنج صفت:

بخل شدید و آرزوی طولانی و طمع زیاد و قطع ارتباط با خویشان و برگزیدن دنیا بر آخرت.

3597. اباصلت از امام رضا علیه السلام نقل کرد حضرت فرمودند: خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود چون صبح شد اولین چیزی را که دیدی بخور، دومی را بپوشان. سومی را بپذیر. و چهارمی را ناامید نکن. و از پنجمین چیز بگریز.

صبح حرکت کرد و به کوه بزرگی رسید ایستاد و با خود گفت: خداوند به من امر کرده است.

این را بخورم، متحیر شد. پس از تفکر گفت: پروردگار من مرا به چیزی که طاقت ندارم امر نمی کند پس جلورفت تا بخورد. هرچه جلوتر رفت کوه کوچکتر شد تا به اندازه لقمه ای در آمد وقتی آن را خورد دید خوراک گوارایی است.

حرکت کرد و طشتی از طلا دید، آن را در گودالی گذاشت و خاک بر روی آن ریخت و حرکت کرد و به پشت سر نگاه کرد دید طشت بیرون افتاده است با خود گفت: من فرمان پروردگارم را انجام دادم.

به حرکت خود ادامه داد دید شاهبازی پرنده ای را تعقیب کرده است و پرنده اطراف او پرواز می کند، آستین خود را باز کرد پرنده را در آن مخفی کرد.

شاهین به او گفت: صید مرا گرفتی من چند روز است بدنبال آن هستم.

ثُمَّ مَضَى فَإِذَا هُوَ بِلَحْمٍ مَيْتَةٍ مَدُودٍ، فَقَالَ: أَمَرَنِي رَبِّي عِزُّ وَجَلُّ أَنْ أَهْرُبَ مِنْهُ، فَهَرَبْتُ.

وَرَجَعَ فَرَأَى فِي الْمَنَامِ كَأَنَّهُ قَدْ قِيلَ لَهُ: إِنَّكَ قَدْ فَعَلْتَ مَا أَمَرْتُ بِهِ، فَهَلْ تَدْرِي مَاذَا كَانَ؟ قَالَ: لَا، قِيلَ لَهُ: أَمَّا الْجَبَلُ فَهُوَ الْغَضَبُ؛ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا غَضِبَ لَمْ يَرِ نَفْسَهُ وَجَهْلَ قَدْرَهُ مِنْ عِظَمِ الْغَضَبِ، فَإِذَا حَفِظَ نَفْسَهُ وَعَرَفَ قَدْرَهُ وَسَكَّنَ غَضَبَهُ كَانَتْ عَاقِبَتُهُ كَاللَّقْمَةِ الطَّيِّبَةِ الَّتِي أَكَلَهَا.

وَأَمَّا الطُّشْتُ فَهُوَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ؛ إِذَا كَتَمَهُ الْعَبْدُ وَأَخْفَاهُ أَبِي اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ إِلَّا أَنْ يُظْهِرَهُ لِمَنْ يُزَيِّنُهُ بِهِ مَعَ مَا يَدَّخِرُهُ لَهُ مِنْ ثَوَابِ الْآخِرَةِ.

وَأَمَّا الطَّيْرُ فَهُوَ الرَّجُلُ الَّذِي يَأْتِيكَ بِنَصِيحَةٍ فَاقْبَلْهُ، وَاقْبَلْ نَصِيحَتَهُ.

وَأَمَّا الْبَازِيُّ فَهُوَ الَّذِي يَأْتِيكَ فِي حَاجَةٍ فَلَا تُؤَيِّسُهُ.

وَأَمَّا اللَّحْمُ الْمُتَيْنُّ فَهُوَ الْغَيْبَةُ فَاهْرُبْ مِنْهَا. (1)

3598. وَعَنْ طَاوُوسِ الْيَمَانِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ، قُلْتُ: وَمَا هُنَّ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: الْوَرَعُ فِي الْخَلْوَةِ، وَالصَّدَقَةُ فِي الْقَلْبِ، وَالصَّبْرُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَالْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ، وَالصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ. (2)

3599. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَمْسٌ خِصَالٍ إِذَا اجْتَمَعَتْ فِي الْمُؤْمِنِ كَانَ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُوجِبَ لَهُ الْجَنَّةَ: النَّوْرُ فِي الْقَلْبِ، وَالْفِيقَةُ فِي الْإِسْلَامِ، وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ، وَالْمَوَدَّةُ فِي النَّاسِ، وَحُسْنُ السِّيَمَةِ (3) فِي الْوَجْهِ. (4)

3600. وَعَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: خَمْسٌ مِنَ الشُّنَنِ فِي الرَّأْسِ، وَخَمْسٌ فِي الْجَسَدِ؛ فَأَمَّا الَّتِي فِي الرَّأْسِ:

فَالسُّوَاكُ، وَأَخْذُ الشَّارِبِ، وَفَرْقُ الشَّعْرِ، وَالْمَضْمَضَةُ، وَالِاسْتِشْقَاقُ؛ وَأَمَّا الَّتِي فِي الْجَسَدِ: فَالْخِتَانُ، وَحَلْقُ الْعَانَةِ، وَتَنْفُ الْإِبْطِينِ، وَتَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ، وَالِاسْتِنْجَاءُ.

3601. عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ خَمْسَةٍ: الطَّهْوَرِ، وَالْوَقْتِ، وَالْقِبْلَةِ، وَالرُّكُوعِ، وَالسُّجُودِ. (5)

ص: 252

1- . الخصال، ص 268، ح 2.

2- . الخصال، ص 269، ح 4.

3- . السِّيَمَةُ - بالكسر -: العلامة (القاموس المحيط: 133/4).

4- . معدن الجواهر، ص 49.

5- . الخصال، ص 285، ح 35.

پیامبر گفت: خداوند به من فرمان داده است که آن را ناامید نکنم، قطعه ای از گوشت پرنده را به شاهباز داد.

دوباره حرکت کرد به مرداری رسید که کررها از آن می خوردند به فرمان خداوند از آن گریخت.

شب وقتی به خانه بازگشت، در خواب دید گویا به او می گویند: مأموریت خود را انجام دادی.

آیا علت آن را می دانی؟ گفت: نه.

به او گفتند: آن کوه خشم تو بود. اگر انسان خشمگین شود و خودش را نبیند و عظمت خود را درک نکند، خشم بزرگ جلوه می کند. اما اگر اعتماد به نفس داشته باشد، و قدر خود را بشناسد، و خشم خود را کنترل کند، مثل لقمه ای گوارا قابل هضم است.

اما طشت طلا، عمل صالح است که اگر انسان آن را مخفی کند خدا آن را آشکار می کند. و ثواب آخرت را هم به او می دهد.

اما پرنده، کسی است که تو را نصیحت می کند آن را بپذیر.

اما شاهباز، کسی است که به تو نیاز دارد او را ناامید نکن.

اما مردار کرم زده، همان غیبت است که از آن باید فرار کرد.

3598. امام سجاد علیه السلام فرمودند: علامتهای مؤمن پنج چیز است: طاوس یمانی پرسید: آنها کدامند؟ حضرت فرمودند: پرهیزکاری در خلوت. و صدقه در تنگدستی. و صبر در مصیبت. و بردباری هنگام خشم. و راستگوئی هنگام ترس.

3599. امام سجاد علیه السلام فرمودند: اگر پنج خصلت در کسی وجود داشته باشد خداوند او را وارد بهشت می کند: نور در قلب. و فقه در اسلام. و پرهیزکاری در دین. و دوست داشتن مردم. و سیمای خوش.

3600. امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: پنج سنت اسلامی در سر و پنج سنت در سایر اعضا است: آداب مربوط به سر عبارتند: مسواک، و کوتاه کردن سبیل، و مرتب کردن موی سر، و شستن دهان [مضمضه]، و شستن بینی [استنشاق].

آداب مربوط به بدن عبارتند از: ختنه، و تراشیدن موی زیر شکم، و موی زیر بغل، و گرفتن ناخن، و پاک کردن بدن پس از دستشویی.

3601. امام باقر علیه السلام فرمودند: نماز را جز در پنج مورد اعاده [تکرار] نمی شود: نداشتن طهارت، خارج وقت، رو به قبله نخواندن، ترک رکوع، و سجده [در صورت خواندن نماز با یکی از این پنج حالت نماز صحیح نیست. و باید دوباره خوانده شود].

3602. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقِرَاءَةُ سُنَّةٌ وَالشَّهَادَةُ سُنَّةٌ، وَلَا تَنْقُضُ السُّنَّةَ الْفَرِيضَةَ. (1)

3603. عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسَةٌ يُجْتَنَّبُونَ عَلَى كُلِّ حَالٍ: الْمَجْدُومُ، وَالْأَبْرَصُ، وَالْمَجْنُونُ، وَوَلَدُ الزَّانَا، وَالْأَعْرَابِيُّ (2). (3)

3604. وَعَنْ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: فِي الدَّيْكَ الْأَبْيَضِ خَمْسُ خِصَالٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: مَعْرِفَتُهُ بِأَوْقَاتِ الصَّلَاةِ، وَالغَيْبَةُ، وَالسَّخَاءُ، وَالشَّجَاعَةُ وَكَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ (4). (5)

3605. عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ: قَوْلُكَ: «مَجِدُّوا اللَّهَ فِي خَمْسٍ» مَا هِيَ؟ قَالَ:

إِذَا قُلْتَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» رَفَعَتِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَمَّا يَقُولُ الْعَادِلُونَ (6) بِهِ، فَإِذَا قُلْتَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» وَهِيَ كَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ الَّتِي لَا يَقُولُهَا عَبْدٌ إِلَّا اعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِلَّا الْمُسْتَكْبِرِينَ وَالْجَبَّارِينَ، وَمَنْ قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فَوَضَعَ الْأَمْرَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، إِلَّا الْمُسْتَكْبِرَ الَّذِي يُصِرُّ عَلَى الذَّنْبِ الَّذِي قَدْ غَلَبَهُ هَوَاهُ وَأَثَرَ دُنْيَاهُ عَلَى آخِرَتِهِ، وَمَنْ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» فَقَدْ أَذَى شُكْرَ كُلِّ نِعْمَةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ. (7)

3606. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَوْلُوا الْعِزْمَ مِنَ الرُّسُلِ خَمْسَةٌ: نُوحٌ، وَإِبْرَاهِيمُ، وَمُوسَى، وَعِيسَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (8). (9)

3607. وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: الْقَوْلُ الْحَسَنُ يُثْرِي الْمَالَ، وَيُنْمِي الرِّزْقَ، وَيُنْسِي (10) فِي الْأَجَلِ، وَيُحَبِّبُ إِلَى الْأَهْلِ، وَيُدْخِلُ الْجَنَّةَ.

3608. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَا يَخْلُو الْمُؤْمِنُ مِنْ خَمْسَةٍ: مِسْوَاكِ، وَمُشْطٍ، وَسَجَادَةٍ، وَسُبْحَةٍ فِيهَا أَرْبَعٌ وَثَلَاثُونَ حَبَّةً، وَخَاتَمَ عَقِيقٍ. (11)

ص: 254

- 1- . الخصال، ص 285، ح 35.
- 2- . الأعرابي: سگان البادية خاصه.
- 3- . الخصال، ص 287، ح 42.
- 4- . كثره الطرقة: أى كثره الجماع لئلا يحصل لهم الميل إلى الحرام.
- 5- . الخصال، ص 298، ح 70.
- 6- . العادلون به: أى الذين يجعلون له عدلاً، وهم المشركون.
- 7- . الخصال، ص 299، ح 72.
- 8- . المراد بأولى العزم أصحاب الشرائع المستقلة والكتب السماوية.
- 9- . الخصال، ص 300، ح 73.
- 10- . نسأت الشيء: إذ آخرته (النهاية: 44/5).



3602. امام باقر علیه السلام فرمودند: قرائت حمد و سوره و تشهد در نماز سنت است، و فراموش کردن آنها نماز را باطل نمی کند.

3603. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در هر حال از پنج نفر باید مراقبت کرد: کسی که جذام گرفته است. بیمار مبتلا به برص [پسی]، دیوانه. ولد زنا. بیابانگرد.

3604. امام رضا علیه السلام فرمود: خروس سفید پنج خصلت پیامبران را دارد:

شناختن وقت نمازها. غیرت. سخاوت. شجاعت. آمیزش زیاد [که در انسان باعث پیشگیری از حرام می شود].

3605. ابو حمزه ثمالی از امام سجاد علیه السلام پرسید: شما فرمودید خداوند را در پنج مورد تمجید کنید کدام مورد است؟ حضرت فرمودند: وقتی بگویی: خداوند منزه است و او را سپاس می گویم، خداوند را از سخن مشرکان برتر دانسته ای. زمانی که بگویی: جز خداوند خدایی نیست یگانه است و شریک ندارد، این سخن اخلاص است کسی که آن را بزبان آورد خداوند او را از عذاب دوزخ نجات دهد جز مستکبران و ستمگران.

کسی که بگوید: قدرت و نیرویی جز خداوند نیست. کارهایش را به او واگذار کرده است.

به استثنای مستکبری که بر گناه خود اصرار دارد و دنیا را بر آخرت ترجیح داده است.

کسی که بگوید: الحمد لله شکر تمام نعمت هارا بجای آورده است.

[مورد پنجم ذکر نشده است].

3606. امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبران اولوالعزم پنج نفرند: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله.

3607. امام سجاد علیه السلام فرمودند: سخن نیکو مال را زیاد و روزی را فراوان و عمر را طولانی می کند. و باعث محبوبیت در خانواده و ورود به بهشت می شود.

3608. امام کاظم علیه السلام فرمودند: مؤمن همیشه پنج چیز همراه دارد: مسواک، شانه، سجاده، تسبیح، انگشتر عقیق.

3609. وَرَوَى عَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: صَلَاةُ إِحْدَى وَخَمْسِينَ، وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ، وَالْتِحَاتُ فِي الْيَمِينِ، وَتَغْفِيرُ الْجَبِينِ (1)، وَالْجَهْرُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. (2)

3610. وَعَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ جَاءَ رَجُلٌ وَقَالَ: أَنَا رَجُلٌ عَاصٍ وَلَا صَبْرَ لِي عَنْ (عَلَى خ ل) الْمَعْصِيَةِ بِهِ، يَبْفَعُظْنِي بِمَوْعِظِهِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفَعَلَ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ وَأَذِنَبَ مَا شِئْتَ: لَا تَأْكُلُ رِزْقَ اللَّهِ وَأَذِنَبَ مَا شِئْتَ، وَأَطْلُبُ مَوْضِعًا لَا يَرَاكَ اللَّهُ وَأَذِنَبَ مَا شِئْتَ، وَأَخْرَجَ مِنْ وِلَايَةِ اللَّهِ وَأَذِنَبَ مَا شِئْتَ، وَإِذَا جَاءَكَ مَلَكَ الْمَوْتِ لِيَقْبِضَ رُوحَكَ فَادْفَعْهُ عَنْ نَفْسِكَ وَأَذِنَبَ مَا شِئْتَ، وَإِذَا أَدْخَلَكَ مَالِكُ النَّارِ فَلَا تَدْخُلْ فِي النَّارِ وَأَذِنَبَ مَا شِئْتَ. (3)

3611. وَمِمَّا أَوْصَى بِهِ مَوْلَانَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ «صَلَاةُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا» لِجَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ: يَا جَابِرُ، اغْتَنِمْ مِنْ أَهْلِ زَمَانِكَ خَمْسًا: إِنْ حَضَرْتَ لَمْ تُعْرِفْ، وَإِنْ غَبْتَ لَمْ تُفْتَقِدْ، وَإِنْ قُلْتَ لَمْ يُقْبَلْ قَوْلُكَ، وَإِنْ شَهِدْتَ لَمْ تُشَاوِرْ، وَإِنْ خَطَبْتَ لَمْ تُرَوِّحْ.

أَوْصِيكَ بِخَمْسٍ: إِنْ ظَلَمْتَ فَلَا تَظْلِمَ، وَإِنْ خَانُوكَ فَلَا تَخُنْ، وَإِنْ كَذَّبْتَ فَلَا تَغْضَبَ، وَإِنْ مُدِحْتَ فَلَا تَفْرَحَ، وَإِنْ ذَمِمْتَ فَلَا تَجْزَعَ، وَفَكَّرَ فِيمَا قِيلَ فَيْكَ؛ فَإِنْ عَرَفْتَ مِنْ نَفْسِكَ مَا قِيلَ فَيْكَ فَسَقُوطُكَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ عِنْدَ غَضَبِكَ مِنَ الْحَقِّ أَعْظَمُ مُصِيبَةً مِمَّا خِفْتَ مِنْ سَقُوطِكَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ، وَإِنْ كُنْتَ عَلَى خِلَافِ ذَلِكَ فَثَوَابٌ اِكْتَسَبْتَهُ مِنْ غَيْرِ تَعَبٍ بِذَلِكَ. (4)

3612. وَقَالَ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْصَانِي أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: لَا تَصْحَبَنَّ خَمْسَةً وَلَا تُرَافِقُهُمْ فِي الطَّرِيقِ: لَا تَصْحَبَنَّ فَاسِقًا؛ فَإِنَّهُ بَايِعَكَ بِأَكْلِهِ فَمَا دُونَهَا، قُلْتُ: يَا أَبَتِ، وَمَا دُونَهَا؟ قَالَ: يَطْمَعُ فِيهَا ثُمَّ لَا يَنَالُهَا. وَلَا تَصْحَبَنَّ الْبَخِيلَ؛ فَإِنَّهُ يَقَطِّعُكَ فِي مَالِهِ أَحْوَجَ مَا كُنْتَ إِلَيْهِ. وَلَا تَصْحَبَنَّ كَذَّابًا؛ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ السَّرَابِ (5) يُبْعِدُ مِنْكَ الْقَرِيبَ وَيُقَرِّبُ مِنْكَ الْبَعِيدَ. وَلَا تَصْحَبَنَّ الْأَحْمَقَ؛ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرِّكَ. وَلَا تَصْحَبَنَّ

ص: 256

- 1- . التَّغْفِيرُ: أَنْ يَمْسَحَ الْمَصْلِيُّ جَبِينَهُ حَالَ السُّجُودِ عَلَى الْعَفْرِ؛ وَهُوَ التَّرَابُ. وَعَفَّرَهُ يُعَفِّرُهُ تَغْفِيرًا: أَي مَرَّغَهُ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: 207/3).
- 2- . تَهْذِيبُ الْأَحْكَامِ، ج 6، ص 52، ح (122) 37.
- 3- . جَامِعُ الْأَخْبَارِ، ص 130.
- 4- . تَحْفُ الْعُقُولِ، ص 284.
- 5- . السَّرَابُ: مَا يَشَاهَدُ عِنْدَ نِصْفِ النَّهَارِ فِي اشْتِدَادِ الْحَرِّ كَأَنَّهُ مَاءٌ، يَضْرِبُ بِهِ الْمَثَلُ فِي الْكُذْبِ وَالْخِدَاعِ.



3609. امام حسن عسگری علیه السلام فرمودند: علامت مؤمن پنج چیز است: پنجاه و یک رکعت نماز در روز [17 رکعت نماز واجب + 34 رکعت نافله]. زیارت اربعین. انگشتر در دست راست.

سجده بر خاک. بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم.

3610. شخصی نزد امام حسن علیه السلام آمد و گفت: من گناهکار هستم. و قدرت خودداری از گناه ندارم، مرا موعظه فرمایید.

حضرت فرمودند: پنج کار انجام بده بعد هر چه خواهی گناه کن:

از نعمتهای خدا نخور. مکانی پیدا کن که خدا نبیند. از ولایت خدا خارج شو. عزرائیل را از خود دور کن. وقتی مالک جهنم تو را به جهنم می اندازد به آتش نرو. آن گاه هر چه می خواهی گناه کن.

3611. توصیه امام حسین علیه السلام به جابر بن یزید جعفی: ای جابر از اهل زمان خود پنج چیز را غنیمت بدان: تا حاضر هستی تو را نمی شناسند. غایب شوی سراغ تو نمی آیند. گفتار تو را نمی پذیرند.

اگر شاهد باشی با تو مشورت نمی کنند. اگر خواستگاری کنی، کسی با تو ازدواج نمی کند.

پنج توصیه برای تو دارم: اگر به تو ظلم کردند تو ظلم نکن. اگر به تو خیانت کردند تو خیانت نکن. اگر تو را تکذیب کردند خشمگین نشو. اگر تو را مدح کردند خوشحال مشو.

و اگر تو را سرزنش کردند ناراحت نشو.

به آنچه درباره تو می گویند فکر کن اگر راست بگویند و تو خشمگین شوی، مصیبت رسوایی نزد خدا بزرگتر از رسوایی نزد مردم است. و اگر دروغ بگویند، تو بدون رنج ثواب بدست آورده ای.

3612. امام باقر علیه السلام فرمودند: پدرم امام سجاد علیه السلام به من توصیه فرمودند: با پنج نفر همنشینی و رفاقت نکن:

با گنه کار دوستی نکن. که تو را به یک لقمه یا کمتر می فروشد. پرسیدم: پدر جان کمتر از یک لقمه یعنی چه؟ حضرت فرمودند: به طمع لقمه که به آن نمی رسد.

با بخیل دوستی نکن. چون در هنگام احتیاج تو را از مال خود محروم می کند.

با دروغگو دوستی نکن. چون او مثل سراب است دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می دهد.

قَاتِعِ رَحِمٍ؛ فَأَتَى وَجَدْتُهُ مَلْعُونًا فِي كِتَابِ اللَّهِ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاضِعَ. (1)

3613. قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مُخَاطِبًا لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَحْمَدُ، هَلْ تَدْرِي مَتَى يَكُونُ الْعَبْدُ عَابِدًا؟ قَالَ: لَا يَا رَبِّ، قَالَ: إِذَا اجْتَمَعَ فِيهِ سَبْعٌ خِصَالٍ: وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ، وَصَمْتٌ يَكْفُهُ عَمَّا لَا- يَعْنِيهِ، وَخَوْفٌ يَزِدَادُ كُلَّ يَوْمٍ فِي بُكَائِهِ، وَحَيَاءٌ يَسْتَحْيِي فِي الْخَلَاءِ (2)، وَأَكْلٌ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ، وَبُغْضٌ الدُّنْيَا لِبُغْضِ لَهَا، وَمَحَبَّةٌ الْأَخْيَارِ لِحُبِّي إِيَّاهُمْ. (3)

3614. وَفِي الْحَدِيثِ: حَمْسٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كُنَّ عَلَيْهِ: النَّكْتُ، وَالْبَغْيُ، وَالْمَكْرُ (4)، وَالْخِدَاعُ، وَالظُّلْمُ؛ أَمَّا النَّكْتُ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَمَنْ نَكَّتْ فَائِدَةً يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ هِيَ»، وَأَمَّا الْمَكْرُ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلَا يَحِيقُ (5) الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ»، وَأَمَّا الْبَغْيُ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَأْيَيْهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ»، وَأَمَّا الْخِدَاعُ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَخْدَعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ»، وَأَمَّا الظُّلْمُ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَمَا ظَلَمْنَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ». (6)

3615. وَمِنْ كِتَابِ ابْتِلَاءِ الْأَخْيَارِ: أَنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَقِيَ إِبْلِيسَ وَهُوَ يَسُوقُ خَمْسَةَ أَحْمُرٍ (7) عَلَيْهَا أَحْمَالٌ، فَسَأَلَهُ عَنِ الْأَحْمَالِ فَقَالَ: تِجَارَةٌ أَطْلُبُ لَهَا مُشْتَرِينَ، فَقَالَ: وَمَا هَذِهِ التِّجَارَةُ؟ قَالَ: أَحَدَهَا الْجَوْرُ، قَالَ: وَمَنْ يَشْتَرِيهِ؟ قَالَ: السَّلَاطِينُ. وَالثَّانِي: الْكِبَرُ، قَالَ: وَمَنْ يَشْتَرِيهِ؟ قَالَ: الدَّهَاقِينُ (8). وَالثَّلَاثُ: الْحَسَدُ، قَالَ: وَمَنْ يَشْتَرِيهِ؟ قَالَ: الْعُلَمَاءُ. وَالرَّابِعُ: الْخِيَانَةُ، قَالَ: وَمَنْ يَشْتَرِيهِ؟ قَالَ: التُّجَّارُ. وَالْخَامِسُ:

الْكَيْدُ (9)، قَالَ: وَمَنْ يَشْتَرِيهِ؟ قَالَ: النِّسَاءُ. (10)

ص: 258

- 1- . كشف الغمه، ج 2، ص 293.
- 2- . الخلاء: المكان لاشيء فيه (مجمع البحرين: 698/1).
- 3- . بحار الأنوار، ج 74، ص 30. وهذا الحديث يناسب وضعه في باب الخامس.
- 4- . المكر: صرف الغير عمّا يقصده بحيله، وذلك ضربان: محمود؛ وذلك بأن يتحرى بذلك فعل جميل، وعلى ذلك قال: «وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» ومذموم؛ وهو أن يتحرى به فعل قبيح.
- 5- . حاق يحيق - يائي -: أى أحاط، حاق بهم العذاب أى نزل بهم أى لا يحيط المكر السيئ إلا بأهله، وهو الماكر.
- 6- . معدن الجواهر، ص 48.
- 7- . أحمر: جمع حمار.
- 8- . الدهقان - بثليث الدال وإن كان الضم أشهر الثلاثة -: رئيس القرية ومقدم أصحاب الزراعه (مجمع البحرين: 64/2).
- 9- . الكيد: ضرب من الاحتيال وهو مذموم ومحمود. وإن كان يستعمل في المذموم أكثر.
- 10- . بحار الأنوار، ج 61، ح 196.

با احمق دوستی نکن. چون می خواهد به تو کمک کند اما ضرر می رساند.

با کسی که از خویشان خود قطع رابطه کرده دوستی نکن. چون در سه جای قرآن لعنت شده است.

3613. خداوند تبارک و تعالی به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یا احمد آیا می دانی چه موقع بنده ای عابد می شود؟ فرمودند: پروردگارا، نمی دانم.

خدا فرمود: زمانی که در او هفت خصلت وجود داشته باشد: پرهیزکاری که او را از گناهان باز دارد. سکوتی که او را از گفتار بی فایده نگهدارد. ترسی که گریه اش را هر روز بیشتر کند. حیائی که در تنهایی هم از خدا شرم کند. خوردن به مقدار ضرورت. و بغض دنیا به خاطر دشمن داشتن خدا آن را، و دوستی نیکان به خاطر دوست داشتن خدا آنان را.

3614. در حدیث آمده است: پنج صفت در هر کس باشد به زیان اوست.

بیعت شکنی، خداوند می فرماید: «هر کس پیمان شکنی کند به زیان خود شکسته است».

مکر، خداوند می فرماید: «مکر بد جز مکار را گرفتار نمی کند».

تجاوز، خداوند می فرماید: «ای مردم تجاوز گری شما به زیان خودتان است».

فریب، خداوند می فرماید: «می خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند اما خود را فریب داده اند».

ظلم، خداوند می فرماید: «ما به آنان ظلم نکردیم بلکه خودشان به خویش ظلم کرده اند».

3615. در کتاب ابتلاء اخیار آمده است: حضرت عیسی علیه السلام شیطان را دید که دنبال پنج الاغ حرکت می کند که بارهایی حمل می کنند و پرسید این بارها چیست؟ شیطان گفت: تجارتی است که دنبال مشتری هستم.

حضرت عیسی پرسید: این چه تجارتی است؟ گفت: یکی از آنها ستم است. پرسید:

مشتری آن چه کسی است؟ شیطان گفت: سلاطین.

دوم: تکبر است. عیسی علیه السلام پرسید: مشتری آن کیست؟ شیطان گفت: کدخداهای روستاها.

سوم: حسد است. حضرت پرسید: مشتری آن کیست؟ شیطان گفت: علماء.

چهارم: خیانت است. حضرت پرسید: مشتری آن کیست؟ شیطان گفت: تجار.

پنجم: حيله گری است. حضرت پرسید: مشتری آن کیست؟ شیطان گفت: زنان.

3616. قَالَ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ: خَمْسٌ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُتَّقِينَ: أَوَّلُهَا لَا يُجَالِسُ إِلَّا مَنْ يَصْلُحُ مَعَهُ الدِّينُ وَيَغْلِبُ الْفَرْجَ وَاللِّسَانَ (1)، وَإِذَا أَصَابَهُ شَيْءٌ عَظِيمٌ مِنَ الدُّنْيَا رَأَى وَبِالْأَلْبَاءِ (2)، وَإِذَا أَصَابَهُ شَيْءٌ قَلِيلٌ مِنَ الدِّينِ اغْتَمَّ لِذَلِكَ، وَلَا يَمَلَأُ بَطْنَهُ مِنَ الْحَلَالِ خَوْفًا أَنْ يُخَالِطَهُ حَرَامٌ، وَيَرَى النَّاسَ قَدْ نَجَوْا وَيَرَى نَفْسَهُ قَدْ هَلَكَتْ.

3617. وَقَالَ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ: قَدْ خَصَّ اللَّهُ آدَمَ وَاخْتَارَهُ بِخَمْسَةِ أَشْيَاءَ: أَوَّلُهَا: أَنَّهُ خَلَقَهُ بِأَحْسَنِ صُورِهِ بِقُدْرَتِهِ .

وَالثَّانِي: أَنَّهُ عَلَّمَهُ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا. وَالثَّالِثُ: أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ بِأَنْ يَسْجُدُوا لَهُ. وَالرَّابِعُ: أَسْكَنَهُ الْجَنَّةَ.

وَالخَامِسُ: جَعَلَهُ أَبَا الْبَشَرِ.

3618. وَاخْتَارَ نُوْحًا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَمْسَةِ أَشْيَاءَ: أَوَّلُهَا: أَنَّهُ جَعَلَهُ أَبَا الْبَشَرِ؛ لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ غَرِقُوا وَصَارَ ذُرِّيَّتُهُ هُمُ الْبَاقِينَ. وَالثَّانِي: أَنَّهُ طَالَ عُمُرُهُ؛ وَيُقَالُ: طَوْبَى لِمَنْ طَالَ عُمُرُهُ وَحَسُنَ عَمَلُهُ. وَالثَّالِثُ: أَنَّهُ اسْتَجَابَ دُعَاءَهُ عَلَى الْكُفَّارِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ (3). وَالرَّابِعُ: أَنَّهُ حَمَلَهُ عَلَى السَّفِينَةِ. وَالخَامِسُ: أَنَّهُ كَانَ أَوَّلَ مَنْ نَسَخَ بِهِ الشَّرَائِعَ، وَكَانَ قَبْلَ ذَلِكَ لَمْ يُحْرَمَ تَرْوِيجُ الْأَخْوَاتِ وَالْعَمَّاتِ وَالْخَالَاتِ (4).

ص: 260

1- . أَى يَمْنَعَهَا عَنِ شَهَوَاتِهَا.

2- . الْوَبَالُ - فِي الْأَصْلِ - : التَّقَلُّ وَالْمَكْرُوهُ (النِّهَايَةُ: 146/5).

3- . أَى لِلْمُؤْمِنِينَ.

4- . عَلَى خِلَافِ فِيهِ بَيْنَ الْعُلَمَاءِ وَبَيْنَ الْأَخْبَارِ، وَإِنْ كَانَ ظَاهِرُ الْآيَةِ الْأُولَى مِنَ سُورَةِ النِّسَاءِ يُعْطَى مَا ذَكَرَ فِي الْمَتْنِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...» إِذْ ظَاهِرُ «بَثَّ مِنْهُمَا» أَنَّ النِّسْلَ كَانَ مِنْهُمَا مِنْ دُونِ دَخْلِ جَنَّتِي أَوْ حُورِ الْعِينِ.

3616. یکی از علماء گوید: پنج خصلت از علامتهای تقوا پیشگان است:

فقط با کسی ارتباط برقرار می کنند که دین آنها را اصلاح کند و بر شهوت و زبان خود کنترل دارد. مصیبتهای بزرگ دنیا را وبال [کیفر گناه] می دانند. اگر مصیبت اندکی در دین او وارد شود بسیار غمگین می شوند. شکم خود را از حلال پر نمی کنند مبادا دچار حرام شوند. مردم را راستگار و خود را هلاک شده می پندارند.

3617. عالمی گوید: خداوند آدم را برگزید و به او پنج امتیاز داد: به قدرت خود او را زیبا آفرید.

نامها را به او آموخت. به ملائکه فرمان داد به او سجده کنند. او را در بهشت جای داد. او را پدر بشر قرار داد.

3618. نوح را با پنج امتیاز برگزید: او را پدر بشر قرار داد. چون همه مردم غرق شدند و از نسل او جهانیان باقی ماندند. عمر طولانی به او داد گفته می شود: خوشا به حال کسی که عمرش طولانی و رفتارش نیکوست. دعای او را برای مؤمنین و نفرین او برای کفار مستجاب کرد. او را بر کشتی سوار کرد. برای نخستین بار بدست او دینهای گذشته را نسخ فرمود.

3619. واختار إبراهيم عليه السلام بخمسه أشياء: أولها: أنه جعله أبا الأنبياء؛ لأنه روى أنه خرج من صدره ألف نبي من وقت زمانه إلى زمن النبي صلى الله عليه وآله. والثاني: أنه اتخذ خليلاً. والثالث: أنه أنجاه من النار. والرابع: أنه جعله للناس إماماً. والخامس: أنه ابتلاه بكلمات فوفقه حتى أتمهن.

3620. وقيل: خمس خصال من أفبح خصال الناس: العشق من الشيخ، والجدّة (1) من السلطان، والكذب من ذوى الأحساب، والبخل من الغنى، والحرص من العلماء. (2)

3621. وقال بعض العلماء: إن التفكير على خمسة أوجه: فكره في آيات الله يتولد منها التوحيد واليقين، وفكره في نعمه الله يتولد منها الشكر والمحبة، وفكره في وعيد الله يتولد منها الرهبة، وفكره في وعد الله يتولد منها الرغبة، وفكره في تقصير النفس عن الطاعة مع إحسان الله يتولد منها الحياء.

3622. وقال بعضهم: من أراد العلم فعليه بخمس خصال: تقوى الله في السر والعلانية، وقراءة آية الكرسي، ودوام الوضوء، وصلاة الليل ولو بركعتين، والأكل للقوه لا للشهوه.

3623. قال سفيان الثوري: لا يجتمع في هذا الزمان لأحد مال إلا وعنده خمس خصال: طول الأمل، وحرص غالب، وشح شديد، وقلة الورع، ونسيان الآخر.

3624. وقال حاتم الأصم: العجالة من الشيطان إلا في خمس؛ فإتتها من سنة رسول الله صلى الله عليه وآله: إطعام الضيف إذا نزل، وتجهيز الميت إذا مات، وترويع البنت إذا أدركت، وقضاء الدين إذا وجب، والتوبة من الذنب إذا فرط (3).

3625. وقال محمد الدوري: شقى إبليس لعنه الله بخمسه أشياء: لم يقرب بالذنب، ولم يندم عليه، ولم يلم نفسه، ولم يعزم على التوبة، وقنط من رحمه الله.

3626. وسعد آدم عليه السلام بخمسه أشياء: أقر بذنبه، وندم عليه، ولا م نفسه، وأسرع في التوبة، ولم يقنط من رحمه الله.

ص: 262

1- الحدّه: ما يأخذ الإنسان من الغضب.

2- مجموعه ورام، ج 2، ص 251.

3- فرط: أى سبق وتقدم (النهاية: 434/3).

3619. ابراهیم علیه السلام را با پنج امتیاز برگزید: او را پدر پیامبران قرار داد چون روایت شده از زمان او تا زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هزار پیامبر از نسل او بودند. خدا او را خلیل خود قرار داد. او را از آتش نجات داد. او را امام مردم قرار داد. او را به آزمونهای بزرگ مبتلا کرد و از همه سرافراز بیرون آمد.

3620. گفته اند: پنج خصلت از زشت ترین خصلتهاست: عشق بازی پیران. خشونت فرمانروایان.

دروغ گفتن بزرگمردان. بخل از ثروتمند. حرص از علماء.

3621. عالمی گفته است: تفکر پنج صورت دارد: تفکر در نشانه های خدا که از آن توحید و یقین بدست می آید. تفکر در نعمت خدا که شکر و محبت به بار می آورد. تفکر در وعده عذاب که ترس بدنبال دارد. تفکر در ثواب الهی که رغبت ایجاد می کند. تفکر در تقصیر خود از اطاعت خدا با وجود احسان خدا که حیاء بوجود می آورد.

3622. یکی گفته است: هرکس علم می خواهد باید پنج خصلت داشته باشد: تقوای خدا در پنهان و آشکار. قرائت آیه الکرسی. وضوء همیشگی. نماز شب و لوبا دو رکعت. خوردن برای نیرو گرفتن نه برای شهوترانی.

3623. سفیان ثوری گفت: در این زمان برای کسی مال جمع نمی شود مگر با پنج صفت: آرزوی طولانی. طمع زیاد. بخل شدید. تقوای کم. فراموشی آخرت.

3624. حاتم اصم گوید: عجله از شیطان است، مگر در پنج مورد که رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است:

پذیرایی از میهمان. تجهیز میت. ازدواج دختر. پرداخت بدهی. توبه از گناه.

3625. محمد دوری گوید: شیطان ملعون برای پنج ویژگی بد بخت شد: اقرار به گناه نکرد. پشیمان نشد. خود را سرزنش نکرد. تصمیم به توبه نگرفت. از رحمت خدا ناامید شد.

3626. حضرت آدم علیه السلام با پنج ویژگی سعادتمند شد: به گناه خود اقرار کرد. پشیمان شد. خود را سرزنش کرد. بسرعت توبه کرد. از رحمت خدا ناامید نشد.

3627. وقال أبو زيد: علامه الانتباه خمس: إذا ذكر نفسه افتقر، وإذا ذكر ربه استغفر، وإذا ذكر الدنيا اعتبر، وإذا ذكر الآخرة استبشّر، وإذا ذكر المولى افتخر.

3628. وقال شقيق البلخي: عليكم بخمسه خصال فاعملوها: اعبّدوا الله بقدر حاجتكم إليه، وخذوا من الدنيا بقدر عمركم فيها، واعصوه بقدر طاقتكم بعذابه، وتزودوا بقدر مكثكم في القبر، واعملوا للجنة بقدر ما تريدون المقام فيها.

3629. وقال شقيق البلخي: اختار الفقراء خمسا، واختار الأغنياء خمسا؛ اختار الفقراء راحة النفس، وفراغ القلب، وعبودية الرب، وخفة الحساب، والدرجة العليا.

واختار الأغنياء تعب النفس، وشغل القلب، وعبودية الدنيا، وشدة الحساب، والدرجة السفلى. (1)

3630. وقال شقيق بن إبراهيم: سألت سة بعمته عالم عن خمسه أشياء، كلهم أجابوا بجواب واحد، فقلت: من العاقل؟ قالوا: من لم يحب الدنيا، فقلت: من الكيس؟ قالوا: من لم تغرّه الدنيا، فقلت: من الغني؟ قالوا: الذي يرضى بما قسم الله له، فقلت: من الفقير؟ قالوا: الذي قلبه مع طلب الزيادة، فقلت: من البخيل؟ قالوا: الذي يمنع حق الله من ماله.

3631. وكان يقال: كل الدنيا فضول إلا خمسا: حُبُّ شيعه، وماء يرويه، وثوب يستتر به، وبيت يسكنه، وعلم يستعمله.

3632. وقال ذو النون المصري: علامه أهل الجنة خمس: وجه حسن، وخلق حسن، وصله رجم، ولسان لطيف، واجتناب المحارم.

وعلامه أهل النار خمسه: سوء الخلق، وقلب قاس، وارتكاب المعاصي، ولسان سليط، ووجه حامض (2).

3633. وقال الأنطاكي: خمسه من دواء القلب: مجالسه الصالحين، وقراءة القرآن، وخلاء القلب، وقيام الليل، والتضرع عند الصبح.

ص: 264

1- . مجموعه ورام، ج 2، ص 112، بالمضمون.

2- . رجل حامض الفؤاد: متغيره فاسده (القاموس المحيط: 328/2).



3627. ابو زید گفت: علامت هوشیاری پنج چیز است: چون به خود فکر کند احساس نیاز کند. چون به یاد پروردگار افتد استغفار کند. وقتی به یاد دنیا افتد عبرت بگیرد. و با یاد آخرت خوشحال شود. به خداوندی خدا افتخار کند.

3628. شفیق بلخی گفت: پنج خصلت را بکار گیرید: خدا را به قدر نیازتان به او عبادت کنید. از دنیا به قدر زندگی در آن بهره گیرید. به قدر طاقت بر عذاب نافرمانی خدا کنید. توشه آخرت به قدر ماندن در قبر آماده کنید. به قدری که می خواهید در بهشت بمانید برای آن تلاش کنید.

3629. شفیق بلخی گفت: بینوایان پنج ویژگی برگزیده اند: راحت جان. فراغت دل عبادت پرورگار. آسانی حساب. درجه عالی.

ثروتمندان پنج ویژگی برگزیده اند: بلای جان. دغدغه خاطر. بندگی دنیا. سختی حساب. مقام پائین.

3630. شفیق ابراهیم گفت: از هفتصد عالم پنج مسئله را پرسیدم، همه یک جواب دادند:

پرسیدم: عاقل کیست؟ گفتند: کسی که دنیا را دوست نداشته باشد.

پرسیدم: زیرک کیست؟ گفتند: کسی که دنیا او را فریب ندهد.

پرسیدم: ثروتمند کیست؟ گفتند: کسی که به قسمت خدا خشنود باشد.

پرسیدم: فقیر کیست؟ گفتند: کسی که طمع دارد.

پرسیدم: بخیل کیست؟ گفتند: کسی که حق خدا را از مال خود نپردازد.

3631. گفته می شود: همه دنیا اضافه است جز پنج چیز: نانی برای سیر شدن. آبی برای نوشیدن.

لباسی برای پوشیدن. خانه ای برای سکونت. علمی برای کاربرد.

3632. ذوالنون مصری گفت: نشانه اهل بهشت پنج چیز است: سیمای زیبا. اخلاق خوش. صله رحم کردن با خویشاوندان. زبان شیرین. دوری از حرام.

علامت اهل دوزخ پنج چیز است: اخلاق بد. سنگدلی. گناهکاری. زبان خشن. چهره درهم کشیده.

3633. انطاکی گفت: پنج چیز داروی قلب است: رابطه با صالحان. قرائت قرآن. قلب آرام. نماز شب. زاری به درگاه خدا در سلامتی.

3634. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: مَنْ لَمْ يَخْشَ اللَّهَ لَمْ يَنْجُ مِنَ زَلَّةِ اللِّسَانِ، وَمَنْ لَمْ يَخْشَ قُدُومَهُ عَلَى اللَّهِ لَمْ يَنْجُ مِنَ الْحَرَامِ وَالشَّبَهَةِ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ عَنِ الْخَلْقِ أَيْسَاءً لَمْ يَنْجُ مِنَ الطَّمَعِ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى عَمَلِهِ حَافِظًا لَمْ يَنْجُ مِنَ الرِّيَاءِ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَيْقِنِ بِاللَّهِ عَلَى احْتِرَاسِ قَلْبِهِ لَمْ يَنْجُ مِنَ الْحَسَدِ.

3635. وَقِيلَ: إِنَّ الْحُكَمَاءَ نَظَرُوا فَرَأَوْا مَصَائِبَ الْعَالَمِ وَمِحَنَهَا فِي خَمْسٍ: الْمَرَضِ فِي الْغُرْبَةِ، وَالْفَقْرِ فِي الشَّيْبِ، وَالْمَوْتِ فِي الشَّبَابِ، وَالْعَمَى بَعْدَ الْبَصَرِ، وَالنَّكْرَهُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ.

3636. وَقِيلَ: اتَّفَقَ حُكَمَاءُ الْهِنْدِ وَالرُّومِ وَفَارِسٍ أَنَّ جَمِيعَ الْأَمْرَاضِ تَتَوَلَّدُ مِنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: الْأَوَّلُ: كَثْرَةُ الْأَكْلِ. الثَّانِي: كَثْرَةُ الْمُبَاشَرَةِ. الثَّلَاثُ: كَثْرَةُ النَّوْمِ فِي النَّهَارِ. الرَّابِعُ: قَلَّةُ النَّوْمِ فِي اللَّيْلِ. وَالخَامِسُ:

شُرْبُ الْمَاءِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ.

3637. وَمِمَّا رُوِيَ: أَنَّهُ وُجِدَ فِي خَزَائِهِ كِسْرَى أَنْوَشِيرَوَانَ لَوْحٌ مِنْ زَبْرَجِدٍ وَعَلَيْهِ خَمْسَةُ أُسْطُرٍ: الْأَوَّلُ: مَنْ لَوْلَدَ لَهُ لَا فُرَّةَ عَيْنٍ لَهُ. وَالثَّانِي: مَنْ لَا أَخَ لَهُ لَا عَضُدَ لَهُ. وَالثَّلَاثُ: مَنْ لَا زَوْجَ لَهُ لَا عَيْشَ لَهُ. وَالرَّابِعُ:

مَنْ لَا مَالَ لَهُ لَا جَاهَ لَهُ. وَالخَامِسُ: مَنْ لَا تَكُونَ لَهُ هَذِهِ الْأَشْيَاءُ لَا عُصَّةَ (قِسْطَ خ ل) لَهُ.

3638. وَقَالَ كِسْرَى: مَنْ قَدَّرَ أَنْ يَحْتَرِزَ مِنْ خَمْسِ خِصَالٍ لَمْ يَكُنْ فِي تَدْبِيرِهِ خَلَلٌ: الْحِرْصُ، وَالْأَمَلُ، وَالْعُجْبُ، وَاتِّبَاعُ الْهَوَى، وَالتَّوَانِي؛ فَالْحِرْصُ يَسْلُبُ الْحَيَاءَ، وَالْعُجْبُ يَجْلِبُ الْمَقْتَ، وَاتِّبَاعُ الْهَوَى يورِثُ الْفَضِيحَةَ، وَالتَّوَانِي يُكْسِبُ النَّدَامَةَ.

3639. وَقَالَ الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوَارِخِ خَمْسَةُ أَحْرُفٍ: أَوَّلُهَا أَنَّ الْغُنْيَةَ (1) فِي الْقِنَاعَةِ، وَأَنَّ السَّلَامَةَ فِي الْعُزْلَةِ، وَأَنَّ الْحُرِّيَّةَ فِي رَفْضِ الدُّنْيَا، وَأَنَّ التَّمَتُّعَ فِي أَيَّامِ طَوِيلِهِ، وَأَنَّ الصَّبْرَ فِي أَيَّامِ قَصِيرِهِ.

3640. وَقِيلَ: الْقِنَاعَةُ رَاحَةُ الْبَدَنِ، وَكَثْرَةُ التَّجَارِبِ زِيَادَةُ فِي الْعَقْلِ، وَمَنْ سَعَى بِالنَّمِيمَةِ حَذَرَهُ الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ، وَمَنْ يُشَاوِرُ النِّسَاءَ فَسَدَ رَأْيُهُ، وَمَنْ حَلَّمَ سَادَ.

وَمِنْ كِتَابِ الرِّيَاضِ الزَّاهِرَةِ وَالْأَنْوَارِ الْبَاهِرَةِ: رُوِيَ عَنِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ أَوْصَى ابْنَهُ شَيْثَ بِخَمْسَةِ أَشْيَاءَ، وَأَمَرَهُ بِأَنْ يُوَصِيَ بِهَا أَوْلَادَهُ بَعْدَهُ:

أَوَّلُهَا: قَالَ لَهُ: قُلْ لِأَوْلَادِكَ: لَا تَطْمَئِنُّوا بِالْدُّنْيَا؛ فَإِنِّي اطْمَأْنَنْتُ بِالْجَنَّةِ الْبَاقِيَةِ فَلَمْ يَرْضَيْنِيَ اللَّهُ

ص: 266

3634. حکیم گفت: کسی که از خدا نترسد از لغزش زبان نجات نمی یابد. و کسی که از جرأت بر خدا نترسد از حرام و شبهه نجات نمی یابد. و کسی که از مردم ناامید نباشد از طمع نجات نمی یابد. و کسی که مراقب علم خود نباشد از دورویی نجات نمی یابد. و کسی که برای حراست قلب خود به خدا یقین ندارد از حسد نجات نمی یابد.

3635. گفته اند: حکیمان مصیبتها و دشواریهای دنیا را در پنج چیز دیده اند: 1- بیماری در غربت 2- فقر در پیری 3- مرگ در جوانی 4- کوری بعد از بینایی 5- گمنامی بعد از شهرت.

3636. گفته اند: پزشکان هند و روم و فارس معتقدند که همه بیماری ها از پنج چیز ناشی می شوند:

1- پرخوری 2- آمیزش زیاد 3- خواب زیاد در روز 4- کم خوابی در شب 5- نوشیدن آب در نیمه شب.

3637. گفته اند: در خزانه انوشیروان بر لوحی پنج سطر نوشته بود:

1- کسی که فرزند ندارد، نور دیده ندارد. 2- کسی که برادر ندارد، یاور ندارد. 3- کسی که همسر ندارد، عیش ندارد. 4- کسی که مال ندارد، موقعیت ندارد. 5- کسی که هیچیک از اینها را ندارد، غصه ندارد.

3638. کسری گفت: کسی که بتواند از پنج چیز دوری کند در تدبیر او نقصی نیست: طمع که حیاء را سلب می کند. خود پسندی که خشم خدا بدنبال دارد. هوا پرستی که رسوایی بدنبال دارد.

سستی که پشیمانی بیار آرد.

3639. حسن بصری گوید: در تورات پنج جمله هست: 1- ثروت در قناعت است. 2- سلامت در گوشه گیری است. 3- آزادی در بریدن از دنیا است. 4- لذت بردن در زندگی ابدی است.

5- صبر در زندگی کوتاه دنیا است.

3640. گفته اند: قناعت آسایش بدن است. تجربه زیاد بر عقل می افزاید. کسی که سخن چینی کند دوست و دشمن از او دوری می کنند. کسی که با زنان مشورت کند به خطا رود. هر که بردباری کند بزرگوار شود.

در کتاب ریاض الزاهره و انوار الباهره آمده است: حضرت آدم علیه السلام به پسرش شیث پنج وصیت کرد و دستور داد که او هم وصیت کند:

1- به فرزندان بگو: به دنیا اطمینان نکنید چون من به بهشت اطمینان کردم و خدا را

تعالى، وأخرجني منها.

والثاني: قُلْ لَهُمْ: لَا تَعْمَلُوا بِهَوَاءِ نِسَائِكُمْ؛ فَإِنِّي عَمِلْتُ بِهَوَاءِ امْرَأَتِي وَأَكَلْتُ مِنَ الشَّجَرِ فَلَحِقَنِي النَّدَامَةُ.

والثالث: كُلِّ عَمَلٍ تُرِيدُونَهُ انظُرُوا عَاقِبَتَهُ؛ فَإِنِّي لَوِ نَظَرْتُ عَاقِبَةَ الْأَمْرِ لَمْ يُصِبنِي مَا أَصَابَنِي.

والرابع: إِذَا اضْطَرَبَتْ قُلُوبُكُمْ بِشَيْءٍ فَاجْتَنِبُوهُ؛ فَإِنِّي حِينَ أَكَلْتُ مِنَ الشَّجَرِ اضْطَرَبَ قَلْبِي فَلَمْ أَرْجِعْ، فَلَحِقَنِي النَّدَمُ وَالنُّعَاسُ.

والخامس: اسْتَشِيرُوا فِي الْأَمْرِ؛ فَلَوْ شَاوَرْتُ الْمَلَائِكَةَ لَمْ يُصِبنِي مَا أَصَابَنِي.

تَمَمَّةٌ: اعْلَمْ أَنَّ لِلْمُتَصَدِّقِينَ خَمْسَ كَرَامَاتٍ: الْأُولَى: قَضَاءُ الْحَوَائِجِ. الثَّانِيَةُ: الْخَلَاصُ مِنَ الشَّدَائِدِ. الثَّلَاثَةُ: زِيَادَةُ الرِّزْقِ وَالنَّجَاةُ مِنْ مِيتَةِ السُّوءِ. الرَّابِعَةُ: تَكْفِيرُ الْخَطِيئَاتِ، الْخَامِسَةُ: طَوْلُ الْعُمُرِ وَإِدْرَارُ الرِّزْقِ.

وَالْأَخْبَارُ فِي فَضْلِ الصَّدَقَةِ كَثِيرَةٌ:

3641. مِنْهَا: مَا رَوَى عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ سَأَلَ إِبْلِيسَ عَنِ الصَّدَقَةِ فَقَالَ لَهُ: يَا مَلْعُونُ! لِمَ تَمْنَعُ الصَّدَقَةَ؟ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، كَانَ الْمِنْشَارُ يَوْضَعُ عَلَى رَأْسِي، وَيُنْشَرُ كَمَا يُنْشَرُ الْخَشَبُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِمَاذَا؟ قَالَ: لِأَنَّ فِي الصَّدَقَةِ خَمْسَ خِصَالٍ: أَوْلَاهَا: يَزِيدُ فِي الْأَمْوَالِ. وَثَانِيهَا: شِفَاءٌ لِلْمَرِيضِ. وَثَالِثُهَا: تَدْفَعُ الْبَلَاءَ.

وَرَابِعُهَا: يَمْرُونَ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ. وَخَامِسُهَا: يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَلَا عَذَابٍ.

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: زَادَكَ اللَّهُ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ!

3642. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا خَرَجَتِ الصَّدَقَةُ مِنْ يَدِ صَاحِبِهَا تَتَكَلَّمُ بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ: أَوْلَاهَا: كُنْتُ فَايِنًا فَأَثْبَتَنِي، وَكُنْتُ صَغِيرًا فَكَبَّرْتَنِي، وَكُنْتُ عَدُوًّا فَأَحْبَبْتَنِي، وَكُنْتُ تَحْرُسُنِي وَالآنَ أَنَا أَحْرُسُكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ثُمَّ اعْلَمْ أَنَّ الصَّدَقَةَ عَلَى خَمْسَةِ أَقْسَامٍ:

الْأَوَّلُ: صَدَقَةُ الْمَالِ.

الثَّانِي: صَدَقَةُ الْجَاهِ؛ وَهِيَ الشَّفَاعَةُ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ صَدَقَةُ اللِّسَانِ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا صَدَقَةُ اللِّسَانِ؟ قَالَ: الشَّفَاعَةُ تُكْفَى بِهَا الْأَسِيرَ، وَتَحْقِنُ بِهَا الدَّمَ، وَتَجْرُ بِهَا الْمَعْرُوفَ

خشنود نکردم مرا از بهشت اخراج کرد.

2 - به آنان بگو: از شهوت زنان پیروی نکنید من به خواسته همسرم تن دادم و از درخت ممنوعه خوردم و پشیمان شدم.

3 - برای هر کاری به عاقبت آن بیندیشید اگر من چنین می کردم گرفتار نمی شدم.

4 - هرگاه در دل خود دغدغه احساس کردید آن کار را انجام ندهید چون من هنگام خوردن آن میوه دغدغه خاطر پیدا کردم ولی به آن اعتنا نکردم و پشیمان شدم.

5 - در کارها مشورت کنید اگر من با فرشتگان مشورت می کردم گرفتار نمی شدم.

بدانکه صدقه دهندگان پنج کرامت دارند: برآوردن نیاز دیگران. رهایی از سختی ها.

فراوانی رزق و نجات از مرگ بد. کفاره گناهان. عمر طولانی و رزق زیاد.

روایات درباره صدقه بسیارند از جمله آنها:

3641. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: که از شیطان پرسیدم: ای ملعون چرا از صدقه جلوگیری می کنی؟ جواب داد: ای محمد، کسی که صدقه می دهد گویا از بر سر من گذاشته و مثل چوب مرا می بُرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: چرا؟ گفت: چون در صدقه پنج امتیاز است: مال را زیاد می کند.

مریض را شفا می دهد. بلا را دور می کند. صدقه دهنده از صراط با سرعت برق عبور می کند. بدون حساب و عذاب وارد بهشت می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله به شیطان فرمودند: خدا عذاب تو را افزون نماید.

3642. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: وقتی که صدقه از دست انسان خارج می شود پنج جمله می گوید: من فانی بودم تو مرا جاوید کردی. کوچک بودم مرا بزرگ کردی. دشمن تو بودم مرا دوست خود کردی. تو مرا حفظ کردی. اینک من تو را تا قیامت حفظ می کنم.

اقسام صدقه:

صدقه پنج قسم است: 1 - صدقه مال 2 - صدقه مقام: یعنی شفاعت کردن از دیگران.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: برترین صدقه، صدقه زبان است. پرسیدند: یا رسول الله صدقه زبان

إلى أخيك، وتَدْفَعُ بِهَا الكَرِبَهَةَ، وقيل: المُوَاسَاةُ فِي الجَاهِ وَالْمَالِ عَوْدَهُ بَعَائِنِهِمَا.

الثَّالِثُ: صَدَقَهُ العَقْلُ وَالرَّأْيُ؛ وَهِيَ المَشُورَةُ، وَعَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَصَدَّقُوا عَلَيَّ أَخِيكُمْ بِعِلْمٍ يَرشُدُهُ، وَرَأْيٍ يُسَدِّدُهُ.

الرَّابِعُ: صَدَقَهُ اللِّسَانُ؛ وَهِيَ الوَسَاطَةُ بَيْنَ النَّاسِ، وَالسَّعْيُ فِيمَا يَكُونُ سَبَبًا لِإِطْفَاءِ النَّارِ (1) وَإِصْلَاحِ ذَاتِ البَيْنِ، قَالَ تَعَالَى: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَلٍ هُمْ إِلَّا مَنَ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ مَّ بَيْنَ النَّاسِ».

الخَامِسُ: صَدَقَهُ العِلْمُ؛ وَهِيَ بَدْلُهُ لِأَهْلِهِ، وَنَشْرُهُ عَلَيَّ مُسْتَحِقُّهُ.

3643. عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَمِنَ الصَّدَقَةِ أَنْ يَتَعَلَّمَ الرَّجُلُ العِلْمَ وَيُعَلِّمَهُ النَّاسَ. (2)

3644. وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: زَكَاهُ العِلْمُ تَعْلِيمُهُ مَنَ لَا يَعْلَمُهُ. (3)

3645. الأَصُولُ الَّتِي يَجِبُ تَقْرِيرُهَا فِي كُلِّ شَرِيْعَةٍ خَمْسَةٌ:

الأَوَّلُ: حِفْظُ النَّفْسِ بِالقِصَاصِ.

الثَّانِي: حِفْظُ الدِّينِ بِقَتْلِ المُرْتَدِّ.

الثَّالِثُ: حِفْظُ المَالِ بِقَطْعِ السَّارِقِ.

الرَّابِعُ: حِفْظُ العَقْلِ بِحَدِّ شُرْبِ المُسْكِرِ.

الخَامِسُ: حِفْظُ النَّسَبِ بِحَدِّ الزَّانِي.

3646. أَصُولُ الدِّينِ خَمْسَةٌ (4): التَّوْحِيدُ، وَالْعَدْلُ، وَالتَّنْبُوُّهُ، وَالْإِمَامَةُ، وَالْمَعَادُ.

3647. قَوَاعِدُ الدِّينِ خَمْسَةٌ: مَعْرِفَةُ المَعْبُودِ، وَالقَّنَاعَةُ بِالمَوْجُودِ، وَالوَقْفُ عَلَيَّ الحُدُودِ، وَالوَفَاءُ بِالعُهُودِ، وَالصَّبْرُ عَلَيَّ المَفْقُودِ.

3648. وَقَالَ الشَّاعِرُ:

لِي خَمْسَةٌ أَطْفَى بِهِم حَرَّ الجَحِيمِ الحَاطِمَةَ (5) المُصْطَفَى وَالمُرْتَضَى وَابْنَاهُمَا وَفَاطِمَةَ

ص: 270

1- . بينهم نائرة: أى عداوه (لسان العرب: 247/5).

2- . عدّه الدّاعى، ص 63.

3- . عدّه الدّاعى، ص 63.

4- . هذا على خلاف المصطلح؛ لأنّ اصول الدين ثلاثة: التوحيد والنبوّه والمعاد، وأصول المذهب اثنان: الإمامه والعدل، والحق أنّ اصول

المذهب أكثر من ذلك، وإنما اکتفوا بهما لأهميتهما.

5- . الحاطمه: اسم لجهنم.

چیست؟ حضرت فرمودند: شفاعتی که تو اسیری را آزاد کنی، یا خون بیگناهی را حفظ کنی، و به کسی نیکی برسانی و بدی را از کسی دور کنی.

گفته اند: در میان گذاردن مال و جاه برای استفاده دیگران باعث بقای مال و مقام می شود.

3 - صدقه عقل و فکر یعنی مشورت دادن. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به برادر خود با دانشی که او را ارشاد کند و فکری که او را راهنمایی کند، صدقه بدهید.

4 - صدقه زبان، یعنی میانجیگری بین مردم و تلاش برای خاموش کردن آتش فتنه و کینه، و برقراری آرامش بین مردم.

خداوند می فرماید: «سخنان در گوشی، اینان خیری ندارد، مگر اینکه دستور به صدقه یا کار نیک یا آشتی بین مردم باشد».

5 - صدقه علم، یعنی انتشار علم در بین جویندگان علم که صلاحیت آن را دارند.

3643. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یاد گرفتن و یاد دادن نوعی صدقه است.

3644. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: زکات علم آموختن آن به کسی است که نمی داند.

3645. اصول هر شریعت و دین این پنج چیز است:

اول: حفظ نفس با قصاص است. دوم: حفظ دین با کشتن مرتد است. سوم: حفظ مال با قطع کردن دست سارق است. چهارم: حفظ عقل با مجازات شرابخوار است. پنجم: حفظ نژاد با مجازات کردن زناکار است.

3646. اصول دین پنج چیز است: توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد.

3647. پایه های دین پنج چیز است: خداشناسی، قناعت به امکانات موجود، رعایت کردن حد و مرزها، وفا به عهد، صبر بر گمشده.

3648. شاعر گوید: پنج شفیع دارم که آتش دوزخ را به وسیله آنها فرو می نشانم. پیامبر و امیرالمؤمنین و فاطمه و دو فرزندشان علیهم السلام.



تَغْرَبَ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعُلَى وَسَافِرَ فِي الْأَسْفَارِ خَمْسُ فَوَائِدِ

تَفْرُحُ هَمٌّ وَكَتْسَابُ مَعِيشَةٍ وَعَقْلٌ (1) وَأَدَابٌ وَصُحْبَةٌ مَاجِدِ

فَإِنْ قِيلَ فِي الْأَسْفَارِ ذُلٌّ وَغُرْبَةٌ وَكَثْرَةٌ هَمٌّ وَارْتِكَابُ الشَّدَائِدِ

فَمَوْتُ الْفَتَى خَيْرٌ لَهُ مِنْ حَيَاتِهِ بِدَارِ هَوَانٍ بَيْنَ وَاشٍ وَحَاسِدِ

3650. وَرَوَى: أَنَّهُ مَنْ أَرَادَ الْجَنَّةَ فَعَلَيْهِ بِمَلَازِمِهِ خَمْسَةِ أُمُورٍ: فَالْأَوَّلُ: الْإِجْتِنَابُ عَنِ الْمَعَاصِي خَوْفًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى؛ لِقَوْلِهِ: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ الْهَوَىٰ \* فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ».

وَالثَّانِي: الرِّضَى مِنَ الدُّنْيَا بِقُوَّةٍ وَشِمْلَةٍ (2) وَتَرْكُ الْبَوَاقِي؛ فَإِنَّهُ قِيلَ: تَمَنُّ الْجَنَّةِ تَرَكَ حُطَامَ الدُّنْيَا.

وَالثَّلَاثُ: الْحِرْصُ عَلَى الطَّاعَاتِ وَالْعِبَادَاتِ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ يُطَنُّ فِيهِ رِضَاءُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ؛ لِقَوْلِهِ تَعَالَى: «وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».

وَالرَّابِعُ: الْجُلُوسُ مَعَ أَهْلِ الْعِلْمِ وَالصَّلَاحِ، وَمَحَبَّةُ الْفُقَرَاءِ؛ لِأَنَّ الْمَرْءَ يُحْشَرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ مَنْ أَحَبَّ.

وَالخَامِسُ: الْخُشُوعُ وَالْخُضُوعُ وَالِدُّعَاءُ لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى التَّوَاتُرِ وَالتَّوَالِي؛ لِأَنَّ فِي الْخَبَرِ: مَنْ طَلَبَ مِنَ اللَّهِ الْجَنَّةَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، تَقُولُ الْجَنَّةُ: يَا رَبِّ بَلِّغْهُ إِلَيَّ وَبَلِّغْنِي إِلَيْهِ.

3651. وَرَوَى أَنَّهُ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَأَلَهُ عَنِ عَمَلٍ يُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ: صَلِّ الْمَكْتُوبَاتِ، وَصُمْ شَهْرَ رَمَضَانَ، وَاغْتَسِلْ مِنَ الْجَنَابَةِ، وَأَحِبَّ عَلِيًّا وَأَوْلَادَهُ الْمَعْصُومِينَ؛ وَادْخُلِ الْجَنَّةَ مِنْ

1- . وعلم (خ ل).

2- . الشملة: كساء يتغطى ويتلف فيه (النهاية: 501/2).

3649. شافعی گوید: [بعضی از این اشعار را به امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده اند]

برای بدست آوردن شرف از وطن خود دور شو و غربت گزین.

و مسافرت کن که در سفر پنج فائده وجود دارد:

ناراحتی و غم و غصه بر طرف می شود، روزی بدست می آید.

علم و ادب و دوست خوب پیدا می شود.

اگر بگویند: در سفر خواری و غربت است.

و اندوه و رنج فراوان دارد.

اما برای جوانمرد مرگ بهتر است از زندگی

در خانه ذلت، میان سخن چینان حسود.

3650. در روایت آمده است: هر کس بهشت خواهد بر پنج چیز مداومت کند: 1 - از گناهان برای ترس از خدا اجتناب کند، چون خدا فرمود: «کسی که از مقام پروردگارش بترسد و از هوای نفس دوری کند جایگاه او بهشت خواهد بود».

2 - به مقدار نیاز روزانه از دنیا قناعت کند و مازاد را ترک کند. چون گفته اند: قیمت بهشت ترک متاع دنیا است.

3 - حرص در اطاعت خدا و عبادات و هر چیزی که گمان دارد خشنودی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله در آن است. خداوند فرموده است: «این بهشت را در مقابل اعمال آنان بدست آورده اید».

4 - همنشینی با علماء و صالحان و محبت به فقیران، چون انسان هر که را دوست دارد با او محشور می شود.

5 - خشوع و تضرع و دعا در درگاه خداوند متعال بطور متوالی و پیوسته. چون در حدیث آمده است: کسی که از خداوند سه بار بهشت را طلب کند. بهشت گوید: پروردگارا او را به من برسان و مرا به او برسان.

3651. شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: چه عملی مرا به بهشت می برد: حضرت فرمودند: نمازهای روزانه را بخوان. ماه رمضان روزه بگیر. غسل جنابت انجام بده. حضرت علی علیه السلام را

أَيُّ بَابٍ شِئْتَ، فَوَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَبِالرِّسَالَةِ نَجِيًّا! لَوْ صَلَّيْتَ أَلْفًا، وَحَجَجْتَ أَلْفًا، وَصُمْتَ أَلْفًا، وَعَزَوْتَ أَلْفًا، وَأَعْتَقْتَ أَلْفَ رَقَبَةٍ، وَقَرَأْتَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ، وَلَقِيتَ الْأَنْبِيَاءَ كُلَّهُمْ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ (تَعَالَى)، وَعَزَوْتَ مَعَ كُلِّ نَبِيٍّ أَلْفَ عَزْوَةٍ، وَحَجَجْتَ مَعَ كُلِّ نَبِيٍّ أَلْفَ حَجَّةٍ وَعُمُرَةٍ، وَلَمْ يَكُنْ فِي قَلْبِكَ حُبٌّ عَلَيَّ وَأَوْلَادِهِ الْمَعْصُومِينَ؛ دَخَلْتَ النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ.

فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ هَذَا الْكَلَامَ، فَتَقُولُوا(1) فِي عَلِيٍّ؛ فَإِنِّي مَا أَقُولُ فِي عَلِيٍّ إِلَّا بِأَمْرِ جَبْرِئِيلَ؛ وَجَبْرِئِيلُ لَا يُخْبِرُنِي إِلَّا عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِنَّ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَتَّخِذْ أَحَدًا فِي الدُّنْيَا إِلَّا عَلِيًّا، مَنْ شَاءَ فَلْيُحِبَّهُ، وَمَنْ شَاءَ فَلْيُبْغِضْهُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) آلَى عَلِيٍّ نَفْسِهِ إِلَّا يُخْرِجَ مُبْغِضَ عَلِيٍّ مِنَ النَّارِ مَا دَامَ مُحِبُّهُ فِي الْجَنَّةِ.

ص:274

1- . كذا.

دوست داشته باش. فرزندان معصوم حضرت علی علیه السلام را دوست داشته باش، از هر دری که خواهی وارد بهشت می شوی. قسم به خدایی که مرا به حق به پیامبری مبعوث کرد و به رسالت رساند، اگر هزار نماز و هزار حج و هزار روزه و هزار جنگ بجا آوری و هزار بنده آزاد کنی و تورات و انجیل و زبور و قرآن را قرائت کنی و همه پیامبران را زیارت کنی و خدا را عبادت کنی و با هزار پیامبر در هزار جنگ شرکت کنی و با هر پیامبر هزار حج و عمره بجا آوری. اما در قلب تو حبّ علی و اولاد معصوم او نباشد با دوزخیان وارد جهنم می شوی.

حاضران این سخنان را به غایبان برسانند و درباره علی بگویند: من این سخنان را درباره علی جز بفرمان جبرئیل نمی گویم و جبرئیل هم جز از طرف خدا خبر نمی دهد.

جبرئیل در دنیا جز علی علیه السلام کسی را به برادری برنگزید. هر کس می خواهد علی را دوست داشته باشد. و هر کس می خواهد او را دشمن دارد.

خداوند سوگند یاد کرده است دشمن علی را از جهنم رها نکند. تا زمانی که دوستان علی در بهشت هستند.



الباب السادس: في المَوَاعِظِ السُّداسِيَّاتِ

**باب ششم: پنجاهای شش گانه**

**اشاره**

ص: 277

3652. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ! إِيَّاكُمْ وَالزَّانَا؛ فَإِنَّ فِيهِ سِتَّةَ خِصَالٍ: ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا، وَثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ؛ أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا: فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ، وَيُورِثُ الْفَقْرَ، وَيَنْقُصُ الْعُمْرَ؛ أَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ يُورِثُ سَخَطَ الرَّبِّ، وَسُوءَ الْحِسَابِ، وَالْخُلُودَ فِي النَّارِ. (1)

(ثُمَّ) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَوَّلَتْ (2) لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ. (3)

3653. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكُمْ بِالصَّدَقَةِ؛ فَإِنَّ فِيهَا سِتَّةَ خِصَالٍ: ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ؛ أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا: تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ، وَتُدِيرُ الرِّزْقَ، وَتَعْمُرُ الدِّيَارَ.

وَأَمَّا الثَّلَاثُ الَّتِي فِي الْآخِرَةِ: فَتَسْتُرُ الْعَوْرَةَ، وَتُظَلِّلُ عَلَى الشَّخْصِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَتَكُونُ سِتْرًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ.

3654. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَقَبَّلُوا إِلَيَّ بِسِتِّ أَتَقَبَّلُ لَكُمْ بِالْجَنَّةِ: إِذَا تَحَدَّثْتُمْ فَلَا تَكْذِبُوا، وَإِذَا وَعَدْتُمْ فَلَا تُخْلِفُوا، وَإِذَا أَوْثَمْتُمْ فَلَا تَخُونُوا، وَغَضُّوا أَبْصَارَكُمْ، وَاحْفَظُوا فُرُوجَكُمْ وَكَفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَلْسِنَتَكُمْ. (4)

3655. وَعَنْ أَبِي إِمَامَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّهُ لَأَنْبِيَّ بَعْدِي، وَلَا أُمَّةَ بَعْدَكُمْ، أَلَا فَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ، وَصَلُّوا خَمْسَةَ كُفٍّ، وَصُومُوا شَهْرَكُمْ، وَحُجُّوا بَيْتَ رَبِّكُمْ، وَأَدُّوا زَكَاةَ أَمْوَالِكُمْ طَيِّبَةً (5) بِهَا أَنْفُسُكُمْ، وَأَطِيعُوا وُلاةَ أَمْرِكُمْ، تَدْخُلُوا جَنَّةَ رَبِّكُمْ. (6)

ص: 278

1- . الخصال، ص 320، ح 2.

2- . التسويل: تحسين الشيء وتزيينه وتحبيبه إلى الإنسان ليفعله أو يقوله (النهاية: 425/2).

3- . الخصال، ص 320، ح 2.

4- . الخصال، ص 321، ح 5.

5- . أي تعطون الزكاة وأنتم منسرحه صدوركم بحيث تلتدون بها.

6- . الخصال، ص 322، ح 6.

## فصل اول: روایاتی که شیعیان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند

3652. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای مسلمانان؛ از زنا دوری کنید. که شش کیفر دارد: سه کیفر در دنیا:

شخصیت را نابود می کند. فقر می آورد. عمر را کوتاه می کند.

و سه کیفر در آخرت: خشم پروردگار. دشواری حساب. جاودانگی در عذاب جهنم.

پیامبر صلی الله علیه و آله در ادامه فرمودند: نفس آنان گناه را در نظرشان جلوه داد، که خدا بر آنان غضب کرده و در عذاب جاویدند.

3653. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: صدقه بدهید که شش ثواب دارد:

سه پاداش در دنیا: عمر را زیاد می کند. روزی را زیاد می کند. شهرها را آباد می کند.

سه پاداش در آخرت: عورت را می پوشاند. سایبان در قیامت است. مانع از جهنم می شود.

3654. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: شش چیز را از من بپذیرید بهشت را برای شما تضمین می کنم: دروغ نگوئید. از وعده تخلف

نکنید. در امانت خیانت نکنید. چشم از گناه پوشید. عفت داشته باشید. دست و زبان خود را از گناه بازدارید.

3655. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: بعد از من پیامبری نیست. بعد از شما امتی نیست. خدا را عبادت کنید. نمازهای پنج گانه

را بجای آورید. ماه رمضان روزه بگیرید. حج بجا آورید. زکات اموال را با رغبت بپردازید. از امامان اطاعت کنید. وارد بهشت پروردگار

شوید.



3656. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ عَلَى بَابِهَا مَكْتُوباً بِالذَّهَبِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ، فَاطِمَةُ أُمُّهُ اللَّهُ، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ (1) اللَّهِ، عَلَى مُبْغِضِهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ. (2)

3657. وَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سِتُّ خِصَالٍ مِنَ الْمُرُوءَةِ: ثَلَاثٌ فِي السَّفَرِ، وَثَلَاثٌ فِي الْحَضَرِ؛ فَأَمَّا الَّتِي فِي الْحَضَرِ؛ فِتْلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ، وَعِمَارَةُ مَسَاجِدِ اللَّهِ، وَاتِّخَاذُ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا.

وَأَمَّا الَّتِي فِي السَّفَرِ؛ فَبَذَلُ الزَّادِ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ، وَالْمِزَاحُ فِي غَيْرِ الْمَعَاصِي. (3)

3658. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهَ لِي سِتَّ خِصَالٍ، وَكَرِهَتْهُنَّ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِي وَأَتْبَاعِهِمْ مِنْ بَعْدِي:

الْعَبَثُ فِي الصَّلَاةِ، وَالرَّفَثُ (4) فِي الصَّوْمِ، وَالْمَنْ بَعَدَ الصَّدَقَةَ، وَإِتْيَانَ الْجُنُبِ مَسْجِدًا، وَالتَّطَلُّعُ فِي الدَّوْرِ، وَالضَّحِكُ بَيْنَ الْقُبُورِ. (5)

3659. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ سِتِّ خِصَالٍ: مِنَ الشُّكِّ، وَالشَّرِكِ، وَالْحَمِيَّةِ (6)، وَالغَضَبِ، وَالْبَغْيِ، وَالْحَسَدِ. (7)

3660. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوَّلُ مَا عُصِيَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِسِتِّ خِصَالٍ: حُبُّ الدُّنْيَا، وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ، وَحُبُّ الطَّعَامِ، وَحُبُّ النِّسَاءِ، وَحُبُّ النَّوْمِ، وَحُبُّ الرَّاحَةِ. (8)

3661. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلدَّابَّةِ سِتُّ خِصَالٍ عَلَى صَاحِبِهَا: يَبْدَأُ بِعَلْفِهَا إِذَا نَزَلَ، وَيَعْرِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ [بِهَا]، وَلَا يَضْرِبُ وَجْهَهَا؛ فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا، وَلَا يَقِفُ عَلَى ظَهْرِهَا إِلَّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا، وَلَا يُكَلِّفُهَا مِنَ الْمَشْيِ إِلَّا مَا تُطِيقُ. (9)

3662. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى جَمَاعَةٍ فَقَالَ: عَلَى مَا اجْتَمَعْتُمْ؟ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا مَجْنُونٌ يُصْرَعُ فَاجْتَمَعْنَا عَلَيْهِ، فَقَالَ: لَيْسَ هَذَا بِمَجْنُونٍ حَقًّا الْمَجْنُونِ، وَلَكِنَّهُ الْمُبْتَلَى.

ثُمَّ قَالَ: أَلَا اخْبِرْكُمْ بِالْمَجْنُونِ حَقًّا الْمَجْنُونِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: إِنَّ الْمَجْنُونَ حَقًّا

ص: 280

1- . الصفوة من كل شيء خالصه. والمراد هنا من اختياره الله وأخذه صفوة: أي خالصه. واصطفي أي تناول صفوة الشيء.

2- . الخصال، ص 324، ح 10.

3- . الخصال، ص 324، ح 11.

4- . الرفث: كلام متضمن لما يستقبح من ذكر الجماع ودواعيه، وجعل كناية عن الجماع في قوله تعالى: «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَهَا الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ» تنبيهاً على جواز دعائهن إلى ذلك ومكالمتهن فيه.

5- . الخصال، ص 327، ح 19.

6- . الحمية: الأتفه والغيره (النهاية: 430/1).

7- . الخصال، ص 329، ح 24.

8- . الخصال، ص 330، ح 27.

9- . الخصال، ص 330، ح 28.

3656. رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: وارد بهشت شدم. دیدم بر در آن با آب طلا نوشته اند: لا اله الا الله، محمد حبيب الله، على ولي الله، فاطمه امه الله، الحسن و الحسين صفوه الله [برگزیده خدا].

بر دشمنان نشان لعنت خدا.

3657. رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: شش خصلت از جوانمردی است:

سه خصلت در وطن: تلاوت کتاب خدا، تعمیر مساجد، دوست پیدا کردن برای رضای خدا.

سه خصلت در سفر: بذل کردن توشه، اخلاق خوش، شوخی حلال.

3658. رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: خداوند شش کار را برای من و جانشینان من و پیروان آنان ناپسند شمرده است: بازی در نماز، آمیزش در روزه [شهوترانی]، متت گذاردن بعد از صدقه، با حال جنابت به مسجد رفتن، سرک کشیدن به خانه های مردم، خنده در قبرستان.

3659. رسول الله صلى الله عليه وآله: هر روز از شش گناه به خدا پناه می بردند:

شک و شرک و تعصب و خشم و ستم و حسادت.

3660. امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سبب اولین معصیت شش چیز بود: دوستی دنیا و دوستی ریاست و دوستی غذا و دوستی زنان و دوستی خواب و راحت طلبی.

3661. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: حیوان شش حق بر صاحبش دارد: به موقع علف او را بدهد. آب او را بدهد. بر صورت حیوان نزند چون تسبیح خدا می گوید. بر پشت حیوان سوار شده و نیایستد مگر در راه خدا. بیش از قدرت حیوان بار نکند. بیش از قدرت حیوان آن را حرکت ندهد.

3662. رسول الله صلى الله عليه وآله از جانی می گذشتند، پرسیدند: چرا جمع شده اید؟ گفتند: یا رسول الله این شخص دیوانه شده است. حضرت فرمودند: او دیوانه حقیقی نیست، بلکه بیمار است. آیا می خواهید بگویم دیوانه واقعی کیست؟ گفتند: بله یا رسول الله. حضرت فرمودند: دیوانه واقعی کسی است که: در هنگام راه رفتن تکبر دارد. و با غرور نگاه می کند. و با تکبر به دو

المَجْنُونِ: الْمُتَبَخِّرُ فِي مَشِيهِ، النَّاطِرُ فِي عِطْفِيهِ (1)، الْمُحَرِّكُ جَنْبِيهِ بِمَنْكَبِيهِ، يَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ جَنَّتَهُ وَهُوَ يَعْصِيهِ، الَّذِي لَا يُؤْمِنُ شَرَّهُ، وَلَا يُرْجَى خَيْرُهُ. فَذَلِكَ الْمَجْنُونُ وَهَذَا الْمُبْتَلَى. (2)

3663. عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَتَّةٌ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٍ: الزَّائِدُ (3) فِي كِتَابِ اللَّهِ، وَالْمُكَذِّبُ بِقَدْرِ اللَّهِ (4)، وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِي (5)، وَالْمُسْتَحِلُّ مِنْ عِتْرَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ (6)، وَالْمُسَلِّطُ بِالْجَبْرُوتِ (7) لِيَذِلَّ مَنْ أَعَزَّهُ اللَّهُ وَيُعِزَّ مَنْ أَذَلَّهُ اللَّهُ، وَالْمُسْتَأْتِرُ (8) بِفَيْءِ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْتَحِلُّ لَهُ. (9)

3664. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَالِمٌ وَرِعٌ أَجْرُهُ كَأَجْرِ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَغَنِيٌّ سَخِيٌّ أَجْرُهُ كَأَجْرِ الْخَلِيلِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَفَقِيرٌ صَبُورٌ أَجْرُهُ كَأَجْرِ النَّبِيِّ أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَمِيرٌ عَادِلٌ أَجْرُهُ كَأَجْرِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَشَابٌّ تَائِبٌ أَجْرُهُ كَأَجْرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَامْرَأَةٌ خَيِّبَةٌ (10) أَجْرُهَا كَأَجْرِ مَرْيَمَ ابْنَةِ عِمْرَانَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

3665. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُنَافِقُ مَنْ إِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا فَعَلَ أَسَاءَ، وَإِذَا قَالَ كَذَبَ، وَإِذَا أَوْثَمَنَ خَانَ، وَإِذَا رَزِقَ طَاشَ (11)، وَإِذَا مُنِعَ عَاشَ.

ص: 282

- 1- . عطف الرجل: جانبه من لدن رأسه إلى وركيه (الصحاح: 1405/4). ونظر في عطفيه: أى نظر فى جانبيه نظر متكبر معجب بنفسه، وهو كناية عن التكبر كالجمله الآتية.
- 2- . الخصال، ص 332، ح 31.
- 3- . أى من زاد فى كتاب الله.
- 4- . هم المفوضه وقد يعبر عنهم بالقدرية، ويقال لمخالفيهم الجبرية والمجبره.
- 5- . أى تارك السنه فى الواجب والحرام أو تارك السنه والمعرض عنها ولو كان فى المندوبات.
- 6- . وهو إذاؤهم وقطع صلتهم وترك مودتهم وإنكار ولايتهم وترك موالاتهم.
- 7- . الجبروت: فعلوت من الجبر - بفتح الجيم وسكون الباء وفتحها وضم الجيم مع سكون الباء - صيغه مبالغه بمعنى العظمه والكبر والقدرة والسلطنه.
- 8- . أى المستبد به الذى يخصه على نفسه ولا يعطيهم حقهم.
- 9- . الخصال، ص 338، ح 41.
- 10- . الخيبه كذا فى الأصل، ولعل المراد التى حرمت من الزوج، من الخيبه بمعنى الحرمان.
- 11- . أى ذهب عقله وخفّ وتعدى على الحدود الشرعيه.

طرف خود برمی گردد. و در حالی که گناه می کند آرزوی بهشت از خدا می کند. و از شر او ایمنی نیست. و امید خیر به او نیست. این دیوانه حقیقی است.

3663. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خدا و همه پیامبران شش نفر را لعنت می کنند:

کسی که به قرآن چیزی بیفزاید. و کسی که قضا و قدر را تکذیب کند. و کسی که سنت مرا ترک کند یا آنچه در مورد اهل بیت من خدا حرام کرده او حلال کند. و با زور بر مردم حکومت کند تا کسانی را که خدا عزیز کرده است ذلیل کند. و کسانی را که خدا ذلیل کرده است عزیز گرداند. و کسی که در اموال مسلمانان تصرف کند.

3664. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پاداش عالم پرهیزکار چون پاداش عیسی بن مریم علیه السلام است. پاداش ثروتمند سخاوتمند چون ابراهیم علیه السلام است. و پاداش فقیر صبور مانند ایوب است. و پاداش حاکم عادل مثل پاداش سلیمان بن داود علیه السلام است. و پاداش جوان توبه کننده مثل پاداش یحیی است. پاداش زن پاکدامن چون پاداش دختر عمران علیهما السلام است.

3665. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: منافق کسی است که: وعده دهد و تخلف کند. کار زشت انجام دهد. و دروغ بگوید و خیانت در امانت کند. و چون به نعمت رسد سبکسری کند. و چون تهیدست شود آرام گیرد.

3666. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سِتَّةٌ تَدْخُلُ النَّارَ بِسِتِّهِ أَشْيَاءُ: السُّلْطَانُ بِالْجَوْرِ، وَالْعَرَبُ بِالْعَصَبِيَّةِ، وَالذَّهَاقِيُّ بِالْكَذِبِ، وَالتَّاجِرُ بِالْخِيَانَةِ، وَأَهْلُ الْقُرَى بِالْجَهْلِ، وَالْعُلَمَاءُ بِالْحَسَدِ. (1)

3667. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتَّةٌ: إِذَا لَقِيْتَهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ، وَإِذَا دَعَاكَ فَأَجِبْهُ، وَإِذَا اسْتَنْصَحَكَ فَانصَحْ لَهُ، وَإِذَا عَطَسَ وَحَمِدَ اللَّهَ فَسَمِّتْهُ (2)، وَإِذَا مَرَضَ فَعُدَّهُ، وَإِذَا مَاتَ فَاتَّبِعْهُ. (3)

3668. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سِتَّةٌ أَشْيَاءٌ غَرِيبَةٌ فِي سِتِّهِ مَوَاطِنٌ: الْمَسْجِدُ غَرِيبٌ فِيمَا بَيْنَ قَوْمٍ لَا يُصَلُّونَ فِيهِ، وَالْمُصْحَفُ غَرِيبٌ فِي دَارِ قَوْمٍ لَا يَفْرَوُونَ مِنْهُ، وَالْقُرْآنُ غَرِيبٌ فِي جَوْفِ فَاسِقٍ (4)، وَالْمَرْأَةُ الْمُسْلِمَةُ غَرِيبَةٌ فِي يَدِ رَجُلٍ فَاسِقٍ ظَالِمٍ سَيِّئِ الْخُلُقِ، وَالرَّجُلُ الْمُسْلِمُ الصَّالِحُ غَرِيبٌ فِي يَدِ امْرَأَةٍ رَدِيَّةٍ سَيِّئَةِ الْخُلُقِ، وَالْعَالِمُ غَرِيبٌ فِي قَوْمٍ لَا يَسْتَمْعُونَ مِنْهُ؛ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

3669. وَقِيلَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: عَلَّمَنِي عَمَلًا إِذَا عَمِلْتُهُ أَحَبَّتَنِي اللَّهُ وَالنَّاسُ، وَيُثْرِي مَالِي، وَيُصِحِّحُ بَدَنِي، وَيُطِيلُ عُمُرِي، وَيَحْشُرُنِي مَعَكَ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هَذِهِ سِتُّ خِصَالٍ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللَّهُ فَخَفِّهِ وَأَتَّقِهِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ النَّاسُ فَاقْطَعْ عَن مَافِي أَيْدِيهِمْ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُثْرِيَ مَالَكَ فَأَكْثِرْ مِنَ الصَّدَقَةِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُصِحِّحَ بَدَنَكَ فَأَكْثِرْ مِنَ الصَّوْمِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُطِيلَ عُمُرَكَ فَصِلْ أَرْحَامَكَ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَحْشُرَكَ اللَّهُ مَعِيَ فَأَكْثِرْ مِنَ السُّجُودِ بَيْنَ يَدَيِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ. (5)

ص: 284

- 1- . كنز العمال، ج 16، ص 87، مع اختلافٍ يسير.
- 2- . سَمِّتْهُ: أَمْرٌ مِنَ التَّفْعِيلِ، يُقَالُ: سَمَّتَ فُلَانٌ لِّلْعَاطِسِ: دَعَا لَهُ بِقَوْلِهِ يَرْحَمُكَ اللَّهُ وَنَحْوَهُ، وَيُقَالُ أَيْضًا بِالشَّيْنِ بِهَذَا الْمَعْنَى.
- 3- . الْكَامِلُ فِي ضَعْفَاءِ الرِّجَالِ، ج 7، ص 246.
- 4- . أَيْ لَا يَسْتَقِرُّ فِيهِ، أَوْ إِنْ اسْتَقَرَّ فَحَيْثُ لَا يَعْمَلُ بِهِ فَهُوَ غَرِيبٌ لِأَنَّهُ لَيْسَ أَهْلًا لِذَلِكَ.
- 5- . بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج 82، ص 164، ح 12.

## فصل دوم: احادیثی که اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند

3666. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: شش گروه با شش گناه به دوزخ می روند: سران حکومت با ستم و عرب با تعصب و رعیت با دروغ و تاجر با خیانت و روستایی با نادانی و علما با حسد.

3667. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: مسلمان بر مسلمان شش حق مسلم دارد: هنگام روپرو شدن سلام کند. و دعوت او را بپذیرد. و اگر مشورت کند خیرخواهی نماید. و اگر عطسه کرد و گفت الحمد لله او را دعا کند و بگوید یرحمک الله. و اگر بیمار باشد از او عیادت کند. و در تشییع جنازه او شرکت کند.

3668. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: شش چیز در شش جا غریب است: مسجد در محله ای که نماز نمی خوانند. قرآن در خانه ای که قرآن نمی خوانند. قرآن در سینه گنهکار. زن مسلمان در خانه مرد گنهکار ظالم بد اخلاق. مرد مسلمان صالح در دست زن پست بد اخلاق. و عالم در میان کسانی که از علم او بهره نبرند. خداوند در قیامت به آنان نظر نمی کند.

3669. شخصی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: عملی به من بیاموز که اگر به آن عمل کنم خدا مرا دوست داشته باشد. مردم مرا دوست بدارند. و مال من زیاد و بدن سالم و عمرم طولانی شود. و در قیامت مرا با شما محشور کند.

3670. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَ اللهُ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ الْجَنَّةَ: طُوبَى لِلْمُؤْمِنِينَ - قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - فَسَدَّ جَمْعَتِ الْمَلَائِكَةُ حَمَلَهُ الْعَرْشِ فَقَالُوا: طُوبَى لِلْمُؤْمِنِينَ - ثَلَاثًا - ثُمَّ قَالَ: أَلَا وَمَنْ كَانَ فِيهِ سِتُّ خِصَالٍ فَهُوَ مِنْهُمْ: مَنْ صَدَّقَ (1) حَدِيثَهُ، وَأَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَأَدَّى أَمَانَتَهُ، وَبَرَّ وَالِدَيْهِ، وَوَصَلَ رَحِمَتَهُ، وَاسْتَغْفَرَ مِنْ ذَنْبِهِ .

3671. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلشَّهِيدِ عِنْدَ اللهِ سِتُّ خِصَالٍ: يُغْفَرُ لَهُ فِي أَوَّلِ وَقَعِهِ، وَيَرَى مَقْعَدَهُ فِي الْجَنَّةِ، وَيُجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَيَأْمَنُ مِنَ الْفَزَعِ (2) الْأَكْبَرِ، وَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ الْوَقَارِ؛ وَالْيَاقُوتَةُ مِنْهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا، وَيُزَوَّجُ ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِينَ زَوْجَةً مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، وَيُسَفَّعُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَقْرَبَائِهِ (3).

ص: 286

---

1- . أى كان صادقاً في حديثه، والمرادُ صدقُ المتكلم لا صدقُ الكلام كما يوهمه ظاهر العبارة.

2- . الفزع: الخوف، والمراد هنا القيامة وأهوالها.

3- . سنن الترمذى، ج 3، ص 106، ح 1712.



پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اینها که تو می خواهی شش مطلب است. و باید شش کار انجام دهی:

اگر می خواهی خدا تو را دوست بدارد از او بترس و پرهیزکار باش. اگر می خواهی مردم تو را دوست بدانند به اموال آنان طمع نداشته باش. اگر می خواهی مالت زیاد شود زیاد صدقه بده. و برای سلامتی بدن زیاد روزه بگیر. و برای طول عمر با خویشان خوش رفتار باش. و برای اینکه خدا تو را با من محشور کند برای خداوند قهار زیاد سجده کن.

3670. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند وقتی بهشت را آفرید سه مرتبه فرمود: خوشا به حال مؤمنان ملائکه حامل عرش شنیدند و سه بار گفتند: خوشا به حال مؤمنان. آنگاه خداوند فرمود:

کسی که شش خصلت داشته باشد از مؤمنان است: راستگویی، و وفا به عهد، و امانت داری، و نیکی به پدر و مادر، و به خویشاوندان خود رسیدگی کند، و استغفار از گناهان.

3671. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: شهید نزد خداوند شش امتیاز دارد: لحظه ای که بر زمین می افتد گناهانش را خدا می آمرزد. و جایگاه خود را در بهشت می بیند. از عذاب قبر رها می شود.

و از وحشت قیامت در امان است. و تاج وقاری بر سر او می گذارند که یک یاقوت آن از همه دنیا بهتر است. و هفتاد و دو حور العین با او ازدواج می کنند. و شهید هفتاد نفر از نزدیکان خود را شفاعت می کند.

3672. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا عِبَادِي، سَيِّئَةٌ مَنِيَّ وَسَيِّئَةٌ مَنِكُمْ: الْمَغْفِرَةُ مَنِيَّ وَالتَّوْبَةُ مَنِكُمْ، وَالْجَنَّةُ مَنِيَّ وَالطَّاعَةُ مَنِكُمْ، وَالرِّزْقُ مَنِيَّ وَالشُّكْرُ مَنِكُمْ، وَالْقَضَاءُ مَنِيَّ وَالرِّضَاءُ مَنِكُمْ، وَالْبَلَاءُ مَنِيَّ وَالصَّبْرُ مَنِكُمْ، وَالْإِجَابَةُ مَنِيَّ وَالدُّعَاءُ مَنِكُمْ.

3673. وَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: افْتِخَارُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا عَلَى سَيِّئَةٍ أَوْجُهُ:

أَوَّلُهُ: بِالْوَجْهِ الْحَسَنِ. وَالثَّانِي: بِالْفَصَاحَةِ. وَالثَّلَاثُ: بِالْمَالِ. وَالرَّابِعُ: بِالْحَسَبِ (1) وَالنَّسَبِ.

وَالخَامِسُ: بِالْقُوَّةِ. وَالسَّادِسُ: بِالْمُلْكِ.

3674. قُلْ يَا مُحَمَّدٌ لِمَنِ افْتَخَرَ بِالْوَجْهِ الْحَسَنِ: «تَلْفَحُ (2) وُجُوهُهُمُ النَّازُ وَهُمْ فِيهَا كَلِحُونَ (3)»، وَقُلْ لِمَنِ افْتَخَرَ بِالْمَالِ وَالْوَلَدِ: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ»، وَقُلْ لِمَنِ افْتَخَرَ بِالْقُوَّةِ: «عَلَيْهَا مَلَلٌ - كَهْ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»، وَقُلْ لِمَنِ افْتَخَرَ بِالْحَسَبِ وَالنَّسَبِ: «فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ - ذِوَا لَيْتَسَاءُلُونَ»، وَقُلْ لِمَنِ افْتَخَرَ بِالْمُلْكِ: «لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ».

ص: 288

1- . الحسب - فى الأصل - : شرف من جهة الآباء. وقيل: إنه مطلق الشرف يكسبه الإنسان لنفسه.

2- . لفحته النار: أى أصابت وجهه وأعالى جسده فأحرقته (العين: 234/3).

3- . الكالِح: العابس أو المفرط فى العبوس والظاهر أنه سقط من الأصل أيضاً هنا الإنذار لمن افتخر بالفصاحة.

3672. خداوند متعال فرمود: بندگان من شش چیز از من و شش چیز از شماست: آمرزش از من و توبه از شماست. بهشت از من و طاعت از شماست. رزق از من و شکر از شما. قضا از من و رضا از شما. بلا از من و صبر از شما. و اجابت از من و دعا از شما.

3673. خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: افتخار مردم در دنیا به شش چیز است: 1 - چهره زیبا.

2 - خوش زبانی. 3 - مال. 4 - حسب و نسب. 5 - قدرت. 6 - مقام.

3674. یا محمد به کسی که به چهره زیبا افتخار می کند بگو: «چهره های آنان را آتش می سوزاند و با عذاب درهم کشیده می شود».

و به کسانی که به مال و فرزند افتخار می کنند بگو: «روزی فرارسد که مال و فرزند نفعی ندارد».

و به کسانی که به نیرو و قدرت افتخار می کنند بگو: «آنجا فرشته های سخت گیر و خشن هستند که از دستورات خدا نافرمانی نمی کنند و به وظایف خود عمل می کنند».

و به کسانی که به حسب و نسب افتخار می کنند بگو: «در آن روز نسبتها از میان می رود».

و به کسانی که به ملک و مقام افتخار می کنند بگو: «امروز مُلک برای کیست؟ برای خداوند واحد فہّار».

الفصل الرابع: مِنْ وَصَايَا النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

3675. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، تُرِيدُ سِتِّمْتَهُ أَلْفَ شَاهٍ أَوْ سِتِّمْتَهُ أَلْفَ دِينَارٍ أَوْ سِتِّمْتَهُ أَلْفَ كَلِمَةٍ؟ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ سِتِّمْتَهُ أَلْفَ كَلِمَةٍ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اجْمَعِ سِتِّمْتَهُ أَلْفَ كَلِمَةٍ فِي سِتِّ كَلِمَاتٍ:

يَا عَلِيُّ، إِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يَشْتَغِلُونَ بِالْفَضَائِلِ (1) فَاشْتَغِلْ أَنْتَ بِإِتِمَامِ الْفَرَائِضِ.

وَإِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يَشْتَغِلُونَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا فَاشْتَغِلْ أَنْتَ بِعَمَلِ الْآخِرَةِ.

وَإِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يَشْتَغِلُونَ بِعُيُوبِ النَّاسِ فَاشْتَغِلْ أَنْتَ بِعُيُوبِ نَفْسِكَ.

وَإِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يَشْتَغِلُونَ بِتَرْيِينِ الدُّنْيَا فَاشْتَغِلْ أَنْتَ بِتَرْيِينِ الْآخِرَةِ.

وَإِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يَشْتَغِلُونَ بِكَثْرَةِ الْعَمَلِ فَاشْتَغِلْ أَنْتَ بِصَفْوَةِ الْعَمَلِ.

وَإِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يَتَوَسَّلُونَ بِالْخَلْقِ فَتَوَسَّلْ أَنْتَ بِالْخَالِقِ.

يَا عَلِيُّ، يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الْمُقَرَّبُ بِالْحَقِّ فِيهِ نَاجٍ (2)، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَأَيْنَ الْعَمَلُ؟ قَالَ: لَا عَمَلَ يَوْمَئِذٍ.

3676. وَقَالَ النَّبِيُّ فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، أَوْصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخِصَالٍ فَاحْفَظْهَا عَنِّي، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ أَعِنهُ:

أَمَّا الْأُولَى فَالْصِّدْقُ؛ لَا يَخْرُجَنَّ مِنْ فَيْكَ كَذِبَةٌ أَبَدًا.

ص: 290

1- . أَى النوافل فى مقابل الفرائض.

2- . الظاهر أنّ المراد منه يوم القيامة أو البرزخ، أو فى محيط الكفر فى الدنيا إذا أسلم بعضهم ولم يعلم الأحكام، أو لم يمكنه العمل بها.

## فصل چهارم: توصیه های پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام

3675. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی، ششصد هزار گوسفند یا ششصد هزار دینار می خواهی یا ششصد هزار کلمه؟ حضرت علی علیه السلام فرمود: یا رسول الله ششصد هزار کلمه. حضرت فرمودند:

ششصد هزار کلمه را در شش جمله خلاصه می کنم:

یا علی، زمانی که دیدی مردم به مستحبات مشغول هستند به تمام کردن واجبات پرداز.

و زمانی که دیدی مردم به کارهای دنیا مشغولند تو به کارهای آخرت پرداز.

و زمانی که دیدی مردم به عیب دیگران مشغولند تو به اصلاح عیب خود پرداز.

و زمانی که دیدی مردم به زینت دنیا مشغولند تو به تزین آخرت پرداز.

و زمانی که دیدی مردم به کارهای زیاد مشغولند تو به کارهای برگزیده پرداز.

و زمانی که دیدی مردم به مخلوق روی آورده اند تو به خالق توسل بجوی.

یا علی، زمانی خواهد آمد که کسانی که به حق اقرار کنند نجات می یابند.

گفتند: یا رسول الله پس عمل چه می شود؟ حضرت فرمودند: آن زمان عمل نیست.

3676. پیامبر در وصیت به حضرت علی علیه السلام فرمودند: یا علی، تو را توصیه می کنم به خصلتهایی که لازم است آنها را از من حفظ کنی. آنگاه دعا فرمودند: خدایا علی را یاری کن.

الثانى: الورع؛ لا تجترى على خيانه أبداً.

الثالث: الخوف من الله عز وجل كأنك تراه.

الرابع: كثرة البكاء من خشية الله عز وجل؛ يبني لك ألف بيت في الجنة.

الخامس: بذلك مالك ودمك دون دينك.

السادس: الأخذ بسنتي في صلاتي وصومي وصدقتي؛ أمّا الصلاة فالخمسون ركعة، وأمّا الصيام فتلاث أيام في الشهر: الخميس في أوله، والأربعاء في أوسطه، والخميس في آخره، وأمّا الصدقة فجهدك (1) حتى تقول: قد أسرفت، ولم تُسرف.

وعليك بصلاة الليل - ثلاثاً - وعليك بصلاة الزوال، وعليك بصلاة الزوال، وعليك بتلاوة القرآن على كل حال، وعليك برفع يديك في صلاتك وتقليبها (2)، وعليك بالسواك عند كل وضوء، وعليك بمحاسن الأخلاق فاركبها، ومساوي الأخلاق فاجتنبها؛ فإن لم تفعل فلا تلو من إلا نفسك. (3)

ص: 292

- 
- 1- . الجهد بالضم: الوسع والطاقة، وبالفتح: المشقة وقيل: المبالغه والغايه (النهايه: 308/1).
  - 2- . لعل المراد من التقليب ما مضى من أنحاء رفع اليد في الدعاء لطلب الرزق والتبتل والابتهاال.
  - 3- . المحاسن، ج 1، ص 17، ح 48.

1 - صداقت، هرگز از دهان تو دروغ خارج نشود. 2 - پرهیزکاری، هرگز جرأت خیانت نکن. 3 - ترس از خدا بطوری که گویا او را می بینی. 4 - گریه زیاد از ترس خدا برای تو هزار قصر در بهشت بنا می کند. 5 - مال و جان خود را در راه دین بده. 6 - سنت مرا در نماز و روزه و صدقه پیادار. اما نماز، پنجاه و یک رکعت [17 رکعت نماز واجب روزانه و 34 رکعت نوافل]. اما روزه، سه روز در هر ماه یعنی پنج شنبه اول هر ماه و چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه. اما صدقه آنقدر صدقه بده که گمان کنی اسراف کرده ای و اسراف در صدقه نیست.

نماز شب بجای آور. [این جمله را سه بار تکرار فرمودند] نماز ظهر، نماز ظهر، نماز ظهر بجای آور. در هر حال قرآن را تلاوت کن. در نماز دستهایت را بلند کن. هنگام وضو مسواک کن. رفتار خوش را ترک نکن. اخلاق زشت را ترک کن. اگر این توصیه ها را عمل نکنی کسی را جز خودت سرزنش نکن.

ص: 293

3677. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ غَابَتْ شَمْسُ يَوْمِهِ بِغَيْرِ حَقِّ يَقْضِيهِ، أَوْ فَرَضٍ يُؤَدِّيهِ، أَوْ عِلْمٍ اقْتَبَسَهُ، أَوْ خَيْرٍ أُسَّسَهُ، أَوْ حَمْدٍ حَصَلَهُ، أَوْ مَجْدٍ أَثَلَهُ (1)؛ فَقَدَ عَقَبَ يَوْمَهُ، وَظَلَمَ نَفْسَهُ، وَاسْتَوْجَبَ الْعُقُوبَةَ مِنْ رَبِّهِ.

3678. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا بَنَ آدَمَ، تَوَتَّى كُلَّ يَوْمٍ رِزْقَكَ وَأَنْتَ تَحْزَنُ، وَيَنْقُصُ كُلَّ يَوْمٍ عُمْرَكَ وَأَنْتَ تَفْرَحُ، آتَيْتَ فِيمَا يَكْفِيكَ وَأَنْتَ تَطْلُبُ مَا يُطْغِيكَ، لَا بِقَلِيلٍ تَقْنَعُ، وَلَا بِكَثِيرٍ تَشْبَعُ! (2)

3679. وَنَهَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ سِتِّهِ أَشْيَاءَ: التَّطْرِيقِ (3)، وَالتَّطْوِيقِ (4)، وَالتَّطْلِيقِ (5)، وَالتَّطْبِيقِ (6)، وَالتَّطْمِيقِ، وَالتَّطْفِيقِ.

ص: 294

1- . التَّائِيلُ: التَّأْصِيلُ (مجمع البحرين: 36/1).

2- . بحار الأنوار، ج 100، ص 27، ح 39.

3- . التطريق: لم أجده بهذا العنوان في كتب اللغته، ولعله إما نهى عن التكهّن، من طرق الكاهن: أى ضرب بالحصى، أو عن إتيان المسافر أهله ليلاً، يقال: فلان طرق القوم: أى أتاهم ليلاً، أو عن النهى عن الكلاء من قولهم طرق الراعى الإبل: حبسها عن الكلاء.

4- . التطويق: لعله من طوّقه الشيء تطويقاً؛ أى كلّفه إياه، فيكون نهياً عن إيجاد الكلفه والمشقّة للنفس أو للغير.

5- . التطلق: الظاهر أنّه نهى عن الطلاق.

6- . التطبيق في الصلاة: جعل اليدين بين الفخذين في الركوع (القاموس المحيط: 256/3).



## فصل پنجم: احادیثی که شیعیان و اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر کرده اند

3677. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که روزش غروب شود بدون اینکه حقی را ادا کند یا واجبی را بجا آورد یا علمی بیاموزد یا خیری بنا نهد یا ستایشی بدست آورد یا تمجیدی کند. به آن روز ستم کرده و به خود ظلم کرده و مستحق عذاب از پروردگارش گردیده است.

3678. حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند می فرماید: ای فرزند آدم هر روز روزی تو داده می شود ولی ناراحت هستی. اما از عمر تو هر روز کاسته می شود و خوشحالی! من بقدر کفایت به تو می دهم و تو بقدری می خواهی که ترا به طغیان وادار کند! نه به کم قناعت می کنی و نه با زیاد سیر می شوی!

3679. پیامبر صلی الله علیه و آله از شش چیز نهی فرمودند: 1 - شب دیر وقت از سفر به خانه رفتن، 2 - برده فروشی 3 - طلاق دادن 4 - هر دو دست را در رکوع میان ران قرار دادن 5 - [معنای تطمیق یافت نشد]. 6 - دست روی دست گذاشتن در نماز.

3680. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ جَمَعَ سِتَّ خِصَالٍ مَا يَدْعُ لِجَنَّةٍ مَطْلَبًا، وَلَا عَنِ النَّارِ مَهْرَبًا(1): مَنْ عَرَفَ اللَّهَ فَأَطَاعَهُ، وَعَرَفَ الشَّيْطَانَ فَعَصَاهُ، وَعَرَفَ الْحَقَّ فَاتَّبَعَهُ، وَعَرَفَ الْبَاطِلَ فَانْتَقَاهُ، وَعَرَفَ الدُّنْيَا فَرَفَضَهَا(2)، وَعَرَفَ الْآخِرَةَ فَطَلَبَهَا(3).

3681. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِلْجِسْمِ سِتَّةَ أَحْوَالٍ: الصَّحَّةَ، وَالْمَرَضَ، وَالْمَوْتَ، وَالْحَيَاةَ، وَالنَّوْمَ، وَالْيَقَظَةَ، وَكَذَلِكَ الرُّوحُ؛ فَحَيَاتُهَا عِلْمُهَا، وَمَوْتُهَا جَهْلُهَا، وَمَرَضُهَا شَكُّهَا، وَصِحَّتُهَا يَقِينُهَا، وَنَوْمُهَا غَفْلَتُهَا، وَيَقَظَتُهَا حِفْظُهَا(4).

3682. وَعَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: كَانَ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بِالْكَوْفَةِ فِي الْجَامِعِ، إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ، فَكَانَ فِيهَا سَأَلُهُ أَنْ قَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ سِتِّ تَهٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ لَهُمْ اسْمَانِ. قَالَ: يَوْشَعُ بْنُ نُونٍ؛ وَهُوَ ذُو الْكِفْلِ، وَيَعْقُوبُ؛ وَهُوَ إِسْرَائِيلُ؛ وَالْخَضِرُ؛ وَهُوَ خَلِيقًا، وَيُونُسُ؛ وَهُوَ ذُو النَّوْنِ، وَعِيسَى؛ وَهُوَ الْمَسِيحُ، وَمُحَمَّدٌ؛ وَهُوَ أَحْمَدُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ(5).

3683. عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بِالْكَوْفَةِ فِي الْجَامِعِ إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ، فَكَانَ فِيهَا سَأَلُهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ سِتِّ تَهٍ لَمْ يَرْكُضُوا(6) فِي رَحِمِ. فَقَالَ: آدَمُ، وَحَوًّا، وَكَبِشُ إِسْمَاعِيلَ، وَعَصَا مُوسَى، وَنَاقَةُ صَالِحٍ، وَالْخُفَّاشُ الَّذِي عَمِلَهُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَطَارَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ(7).

ص: 296

1- . أى لا يدع مطلباً إلا سلكه وعمل به، ولا مهرباً إلا استفاد منه.

2- . الرِّفْضُ: التُّرْكُ (الصَّحَاحُ: 1078/3).

3- . جامع الأخبار، ص 108.

4- . التوحيد، ص 300، ح 7.

5- . الخصال، ص 322، ح 7.

6- . ركض: أى حرك رجله، والمراد هنا أنهم لم يتحركوا فى رحم كناية عن عدم تكونهم فى الرحم.

7- . الخصال، ص 323، ح 8.

## فصل ششم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام

3680. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: کسی که شش خصلت داشته باشد دیگر چیزی برای طلب کردن بهشت و فرار کردن از جهنم باقی نگذاشته است: کسی که خدا را بشناسد و از او اطاعت کند. و شیطان را بشناسد و با او مخالفت کند. و حق را بشناسد و از آن پیروی کند. و باطل را بشناسد و از آن دوری کند. و دنیا را بشناسد و از آن کناره گیری کند. و آخرت را بشناسد و آن را طلب کند.

3681. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: بدن شش حالت دارد: سلامتی و بیماری و مرگ و زندگی و خواب و بیداری.

روح هم شش حالت دارد: زندگی آن علم و مرگ آن نادانی و بیماری آن شک و سلامتی آن یقین و خواب آن غفلت و بیداری آن مراقبت است.

3682. امام حسین علیه السلام فرمودند: در مسجد کوفه کسی از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال پرسید: شش پیامبری که هر کدام دو اسم داشتند کدامند؟ حضرت فرمود: یوشع بن نون ذوالکفل و یعقوب اسرائیل و خضر خلیقا و یونس ذوالنون و عیسی مسیح و محمد احمد صلوات خدا بر آنان باد.

3683. امام حسین علیه السلام فرمودند: در مسجد کوفه مردی از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید: شش موجودی که از شکم مادر متولد نشده اند کدامند؟ حضرت فرمودند: آدم و حوا و گوسفندی که به جای اسماعیل قربانی شد و عصای موسی و شتر صالح [که از کوه بیرون آمد]. خفاشی که حضرت عیسی علیه السلام [از گل] ساخت و به فرمان خدا پرواز کرد.

3684. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُعَذِّبُ سَيِّئَةً بِسَيِّئَةٍ: الْعَرَبَ بِالْعَصَبِيَّةِ (1)، وَالذَّهَاقِينَ بِالْكِبْرِ، وَالْأَمْراءَ بِالْجَوْرِ، وَالْفُقَهَاءَ بِالْحَسَدِ، وَالْتُّجَّارَ بِالْخِيَانَةِ، وَأَهْلَ الرُّسْتاقِ (2) بِالْجَهْلِ (3).

3685. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: السُّحْتُ تَمَنُّ الْمَيِّتِ، وَتَمَنُّ الْكَلْبِ، وَتَمَنُّ الْخَمْرِ، وَمَهْرُ الْبَغِيِّ، وَالرَّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ، وَأَجْرَةُ الْكَاهِنِ (4).

3686. عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: سِتُّ (5) لَا يَنْبَغِي أَنْ يُسَلَّمَ عَلَيْهِمْ، وَسِتَّةٌ لَا يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يُؤْمُوا، وَسِتَّةٌ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ أَخْلَاقِ قَوْمِ لُوطٍ.

(أَمَّا) الَّذِينَ لَا يَنْبَغِي السَّلَامُ عَلَيْهِمْ: فَالْيَهُودُ، وَالنَّصَارَى، وَأَصْحَابُ التَّرْدِ وَالشُّطْرَنْجِ، وَأَصْحَابُ الْخَمْرِ وَالْبَرَبِطِ (6) وَالطَّنْبُورِ، وَالْمُتَّفَكِّهُونَ (7) بِسَبِّ الْأُمَّهَاتِ، وَالشُّعْرَاءِ.

(وَأَمَّا) الَّذِينَ لَا يَنْبَغِي أَنْ يُؤْمُوا مِنَ النَّاسِ: فَوَلَدُ الزَّانِ، وَالْمُرْتَدُّ، وَالْأَعْرَابِيُّ بَعْدَ الْهَجْرَةِ (8)، وَشَارِبُ الْخَمْرِ، وَالْمَحْدُودُ، وَالْأَغْلَفُ.

(وَأَمَّا) الَّذِي مِنْ أَخْلَاقِ قَوْمِ لُوطٍ: فَالْجُلَاهِقُ (9)؛ وَهُوَ الْبُنْدُوقُ، وَالْخَضْفُ (10)، وَمَضْعُ الْعِلْكِ، وَإِرْخَاءُ الْإِزَارِ مِنَ الْقَبَا وَالْقَمِيصِ (11).

3687. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَرَجَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَطَلْحَةُ وَالزُّبَيْرُ وَسَعْدٌ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ وَغَيْرُ وَاحِدٍ مِنَ الصَّحَابَةِ يَطْلُبُونَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ، فَوَجَدُونِي عَلَى الْبَابِ جَالِسًا، فَسَأَلُونِي عَنْهُ

ص: 298

- 1- . الْعَصَبِيَّةُ: أَنْ يَدْعُو الرَّجُلَ إِلَى نَصْرِهِ عُسْبَتِهِ، وَالتَّأَلُّبُ مَعَهُمْ عَلَى مَنْ يَنَاقِبُهُمْ ظَالِمِينَ كَانُوا أَوْ مَظْلُومِينَ (لسان العرب: 606/1).
- 2- . الرُّسْتاقُ: فَارِسِي مَعْرَبٌ، وَالْجَمْعُ الرُّسَاتِيقُ؛ وَهِيَ السَّوَادُ. وَيُسْتَعْمَلُ الرُّسْتاقُ فِي النَّاحِيَةِ: طَرَفُ الْإِقْلِيمِ (مجمع البحرين: 175/2).
- 3- . الْخِصَالُ، ص 325، ح 14.
- 4- . الْخِصَالُ، ص 329، ح 25.
- 5- . فِي الْخِصَالِ: «سِتَّةٌ».
- 6- . الْبَرَبِطُ: مَلْهَاءٌ تُشَبِّهُ الْعُودَ، وَهُوَ فَارِسِي مَعْرَبٌ، وَأَصْلُهُ بَرَبَتٌ؛ لِأَنَّ الضَّارِبَ بِهِ يَضَعُهُ عَلَى صَدْرِهِ، وَاسْمُ الصَّدْرِ: بَر (النهاية: 112/1).
- 7- . هُمُ الَّذِينَ يَشْتُمُونَهُنَّ مِمَّا زَحِين (النهاية: 466/3).
- 8- . الْمُرَادُ أَنْ يَصِيرَ أَعْرَابِيًّا بَعْدَ الْهَجْرَةِ، وَالْأَعْرَابِيُّ سَاكِنُ الْبَادِيَةِ قَالَ الْجَزْرِيُّ: التَّعَرَّبَ بَعْدَ الْهَجْرَةِ هُوَ أَنْ يَعُودَ إِلَى الْبَادِيَةِ وَيَقِيمَ مَعَ الْأَعْرَابِ بَعْدَ أَنْ كَانَ مَهَاجِرًا، وَكَانَ مِنْ رَجَعِ بَعْدَ الْهَجْرَةِ إِلَى مَوْضِعِهِ مِنْ غَيْرِ عَذْرِ يَعْدُونَهُ كَالْمُرْتَدِّ. وَقَالَ فِي الْمَجْمَعِ: يَعْنِي التَّحَاقُّ بِبِلَادِ الْكُفْرِ وَالْإِقَامَةُ بِهَا بَعْدَ الْمَهَاجَرَةِ عَنْهَا إِلَى بِلَادِ الْإِسْلَامِ... وَفِي كَلَامِ بَعْضِ عُلَمَائِنَا التَّعَرَّبَ بَعْدَ الْهَجْرَةِ فِي زَمَانِنَا: أَنْ يَشْتَغَلَ الْإِنْسَانُ بِتَحْصِيلِ الْعِلْمِ ثُمَّ يَتْرُكُهُ... وَرَوَى: الْمَتَعَرَّبَ بَعْدَ الْهَجْرَةِ التَّارِكُ لِهَذَا الْأَمْرِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ (راجع معاني الأخبار ص 265).
- 9- . الْجُلَاهِقُ - بَضْمُ الْجِيمِ -: آلُهُ يَرْمِي بِهَا الْبُنْدُوقَ؛ وَهُوَ جِسْمٌ كَرُورِي يَصْنَعُ مِنَ الطِّينِ وَغَيْرِهِ، وَتَقْسِيرُهُ بِالْبُنْدُوقِ - كَمَا فِي كِتَابِ اللُّغَةِ - لَيْسَ عَلَى مَا يَنْبَغِي.
- 10- . خَضْفٌ: ضَرْطٌ (لسان العرب: 74/9). كَأَنَّهُ كَانَ شَائِعًا عِنْدَهُمْ فِي نَادِيهِمُ الْمُنْكَرِ.
- 11- . الْخِصَالُ، ص 331، ح 29.

3684. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: خداوند شش گروه را برای شش گناه عذاب می کند: عرب برای تعصب و کدخدایان برای تکبر و حاکمان برای ستم و علما برای حسد و تاجران برای خیانت و اهل روستا برای نادانی.

3685. حضرت فرمودند: پول حیوان مردار و پول سگ و پول شراب و مهریه زنا کار و رشوه و اجرت جادوگر حرام است.

3686. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: به شش نفر نباید سلام کرد: 1 - یهودی 2 - مسیحی 3 - کسانی که نزد و شطرنج بازی کنند 4 - اهل شراب و موسیقی 5 - کسانی که به مادرشان دشنام می دهند [به شوخی] 6 - شعراء [شاعری که اشعار مستهجن بسراید].

شش نفر نباید امام جماعت شوند: 1 - ولد زنا 2 - مرتد 3 - کسانی که بعد از اسلام آوردن دوباره به دوره جاهلیت برگردند. 4 - شراب خوار 5 - کسی که برای گناهی مجازات حد شده باشد. 6 - کسی که ختنه نکرده است.

شش چیز از اخلاق قوم لوط است: 1 - قمار بازی 2 - تیز دادن 3 - متلک گفتن 4 - جویدن صمغ 5 و 6 - طولانی کردن دنباله قبا و لباس بطوری که روی زمین کشیده شود.

3687. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ابوبکر و عمر و عثمان و طلحه و زبیر و سعد و عبدالرحمن بن عوف و چند نفر دیگر برای دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله بسوی خانه ام سلمه [همسر پیامبر] حرکت کردند و مرا دیدند که کنار در خانه نشسته ام. از من پرسیدند. و من گفتم: الان از خانه

فَقُلْتُ يَخْرُجُ السَّمَاعَةُ، فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ خَرَجَ وَصَدَّ رَبَّ يَدِيهِ عَلَى ظَهْرِي، فَقَالَ: كُنْ يَا بَنُ أَبِي طَالِبٍ؛ فَإِنَّكَ تُخَاصِمُ النَّاسَ بَعْدِي بِسِتِّ خِصَالٍ فَتَخْصِمُهُمْ؛ لَيْسَتْ فِي فُرَيْشٍ مِنْهَا شَيْءٌ: إِنَّكَ أَوْلَهُمْ إِيْمَانًا بِاللَّهِ وَأَقْوَمُهُمْ (1) بِاللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ، وَأَوْفَاهُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَأَرَأْفَهُمْ بِالرَّعِيَّةِ، وَأَعْلَمَهُمْ بِالْقَضِيَّةِ (2)، وَأَقْسَمَهُمْ بِالسَّوِيَّةِ، وَأَفْضَلَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ. (3)

3688. عَنْ نَوْفٍ قَالَ: بَثُّ لَيْلَةٍ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَكَانَ يُصَلِّيَ اللَّيْلَ كُلَّهُ وَيَخْرُجُ سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ فَيَنْظُرُ إِلَى السَّمَاءِ وَيَتْلُو الْقُرْآنَ، قَالَ: فَمَرَّ بِي بَعْدَ هَدْيٍ (4) مِنَ اللَّيْلِ (5) فَقَالَ: يَا نَوْفُ، إِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ عَشَارًا (6) أَوْ شَاعِرًا (7) أَوْ شُرْطِيًّا (8) أَوْ عَرِيفًا (9) أَوْ صَاحِبَ عَرَطٍ (10) - وَهِيَ الطَّنْبُورُ - أَوْ صَاحِبَ كَوْبَةٍ - وَهُوَ الطَّبْلُ - فَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ خَرَجَ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَنَظَرَ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: إِنَّهَا السَّاعَةُ الَّتِي لَا تَرُدُّ فِيهَا دَعْوَةٌ، إِلَّا دَعْوَةَ عَرِيفٍ، أَوْ دَعْوَةَ شَاعِرٍ، أَوْ دَعْوَةَ شُرْطِيٍّ أَوْ صَاحِبِ عَرَطٍ، أَوْ صَاحِبِ كَوْبَةٍ. (11)

3689. وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمَالَ الرَّجُلِ بِسِتُّ خِصَالٍ: بِأَصْغَرِيهِ، وَأَكْبَرِيهِ، وَبِقِيَّتِيهِ. فَأَمَّا أَصْغَرَاهُ: فَقَلْبُهُ وَلِسَانُهُ؛ إِنْ قَاتَلَ قَاتِلَ بَجَنَانٍ، وَإِنْ تَكَلَّمَ تَكَلَّمَ بِلِسَانٍ. وَأَمَّا أَكْبَرَاهُ: فَعَقْلُهُ وَإِيْمَانُهُ. وَأَمَّا بَقِيَّتَاهُ: فَمَالُهُ وَجَمَالُهُ.

3690. قِيلَ: سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْكَرِيمِ، فَقَالَ: مَنْ إِذَا دَعَوْتَهُ لَبَّأَكَ، وَإِذَا أَطَعْتَهُ

ص: 300

- 1- . أَى أَعْدَلَهُمْ بَعُونَ اللَّهُ تَعَالَى، أَوْ أَقْوَمَهُمْ فِي مَعْرِفَةِ اللَّهِ تَعَالَى حَقَّ مَعْرِفَتِهِ.
- 2- . أَى الْقَضَاءِ بَيْنَ النَّاسِ.
- 3- . الْخِصَالُ، ص 336، ح 39.
- 4- . أَتَانَا بَعْدَ هَدْيٍ مِنَ اللَّيْلِ، وَهُدْيٍ، وَهُدُوءٍ: أَى حِينَ هَدَأَ اللَّيْلَ وَالرَّجُلَ، أَوْ الْهَدْيُ: أَوَّلُ اللَّيْلِ إِلَى ثَلَاثَةِ (الْقَامُوسُ الْمَحِيْطُ: 33/1).
- 5- . أَى بَعْدَ طَائِفَةٍ مِنَ اللَّيْلِ وَبَعْدَ أَنْ سَكَنَ النَّاسُ، وَالْهُدْمُ: السُّكُونُ عَنِ الْحَرَكَاتِ.
- 6- . الْعَشَارُ الَّذِي يَأْخُذُ الْعَشُورَ؛ لِأَنَّ الْإِسْلَامَ لَيْسَ فِيهِ عَشُورٌ، بَلْ فِيهِ صَدَقَاتٌ وَاجِبَةٌ وَمَنْدُوبَةٌ عَلَى شُرَائِطٍ خَاصَّةٍ، وَكَانَ ذَلِكَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، فَهُوَ مِنْ عَمَلِ الْجَاهِلِيَّةِ. وَيُمْكِنُ أَنْ يَشْمَلَ هَذَا الْحَدِيثَ عَمَّالُ الصَّدَقَاتِ مِنْ قَبْلِ سُلْطَانِ الْجُورِ.
- 7- . الظَّاهِرُ أَنَّ الْمُرَادَ مِنَ الشَّاعِرِ هُنَا مَنْ يَهْجُو وَيَتَشَبَّبُ وَيُنَالُ مِنْ أَعْرَاضِ النَّاسِ وَيَقُولُ الْأَبَاطِيلَ، فَلَا يَشْمَلَ مِنْ يَقُولُ أَشْعَارَ الْحِكْمِ، وَفِي الْحَدِيثِ: «إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِكْمَهُ».
- 8- . الشَّرْطِيُّ: خِيَارُ أَعْوَانِ الْوَلَاةِ، وَفِي عَصْرِنَا هَذَا يُطْلَقُ عَلَى كُلِّ أَعْوَانِ الضَّبَّاطِ.
- 9- . الْعَرِيفُ - كَأَمِيرٍ -: قِيمَ أُمُورِ الْقَبِيلَةِ أَوْ الْجَمَاعَةِ مِنَ النَّاسِ بَلْ أُمُورِهِمْ، وَيَتَعَرَّفُ الْأَمِيرُ مِنْهُ أَحْوَالَهُمْ، فَعِيلٌ بِمَعْنَى فَاعِلٍ، وَالْعَرِيفَةُ عَمَلُهُ.
- 10- . فَسَّرْتُ بِالْعُودِ مِنَ الْمَلَاهِي، وَيُقَالُ: الطَّبْلُ، وَفُسِّرَتْ فِي بَعْضِ الْأَخْبَارِ بِالطَّنْبُورِ وَالْعُودِ. وَفُسِّرَتْ الْكُوبَةُ بِالطَّبْلِ، وَقِيلَ: الْعَرَطُ: الطَّبْلُ، وَالْكُوبَةُ: الطَّنْبُورُ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: 158/3).
- 11- . الْخِصَالُ، ص 337، ح 40.

خارج می شود، حضرت خارج شدند و با دست بر پشت من زدند و فرمودند: ای پسر ابوطالب پس از من تو با مردم [آن افراد] مخاصمه می کنی. توشش خصلت داری که در قریش وجود ندارد: تو اولین کسی هستی که ایمان آوردی. پایدارترین آنان در دین خدا.

وفادارترین مردم به عهد خدا، مهربانترین آنان با مردم، داناترین مردم در قضاوت، بهترین کسی که مساوات برقرار می کند، و برترین مردم نزد خدا هستی.

3688. نوف گوید: شبی را با امیرالمؤمنین علیه السلام گذراندم تمام شب را به نماز مشغول بود. و ساعت به ساعت از خانه خارج شده و به آسمان نگاه می کرد. و قرآن تلاوت می فرمود.

بعد از گذشت پاسی از شب نزد من آمد و گفت: ای نوف عشار [کسی که در زمان جاهلیت از مردم پول می گرفت] نباش، و نیز شاعر و شرطی [دستیار سلطان] و عریف [عامل حکومت ظالم] و صاحب عرطبه [نوازنده] و صاحب کوبه [کسی که بر طبل می کوبد] نباش.

بدرستی که پیامبر خدا شبی از خانه خارج شد و به آسمان نگاه کرد و فرمود: این ساعت زمانی است که هیچ دعایی در آن رد نمی شود. جز دعای عریف و شاعر و شرطی و صاحب عرطبه و صاحب کوبه.

3689. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: کمال انسان در شش خصلت است: دو عضو کوچک و دو چیز بزرگ و دو چیز بقیه اوست:

آن دو عضو کوچکش: قلب و زبان است. در جنگ قلب به کار آید. و در گفتار زبان.

اما دو چیز بزرگ: ایمان و عقل است. و دو چیز بقیه: مال و جمال است.

3690. از امیرالمؤمنین سؤال کردند کریم کیست؟ فرمودند: کسی که وقتی او را دعوت کنی قبول

جازاك، وإن عصيته أولاك، وإن أدبرت عنه ناداك، وإن أقبلت عليه أدناك، وإن توكلت عليه كفاك. (1)

3691. وقال أمير المؤمنين عليه السلام: سيته أشياء حسن ولكنها من سيته أحسن: العدل حسن وهو من الأمراء أحسن، والصبر حسن وهو من الفقراء أحسن، والورع حسن وهو من العلماء أحسن، والسخاء حسن وهو من الأغنياء أحسن، والتوبة حسن وهي من الشباب أحسن، والحياء حسن وهو من النساء أحسن.

وأمير لا عدل له كعمام (2) لا غيث (3) له، وفقير لا صبر له كمصباح لا ضوء له، وعالم لا ورع له كشجر لا ثمر لها، وغني لا سخاء له كمكان لا نبت له، وشاب لا توبة له كنهير لا ماء له، وامرأة لا حياء لها كطعام لا ملح له. (4)

3692. وقال عليه السلام: لا خير في صدحبه من اجتمع فيه سيئ خصال: إن حدثك كذبك وإن حدثت كذبك، وإن اتمنتك خانك وإن اتمنتك [أهانك]، وإن أنعمت عليه كفرك وإن أنعم عليك من ينعمته. (5)

3693. ما أصف من دار أولها عناء، وآخرها فناء، في حلالها حساب، وفي حرامها عقاب، من استغنى فيها فتن، ومن افتقر فيها حزن. (6)

3694. مسكين ابن آدم؛ مكتوم (7) الأجل، مكنون العليل، محفوظ العمل، تولى البقه، وتنته العرقه (8)، وتقتله الشرقه (9). (10)

3695. عليكم بتقوى الله في الغيب والشهادة، وكلمه الحق في الرضى والغضب، والقصد في الغنى والفقر، وبالعدل على العدو والصديق، وبالعمل في الشايط والكسل، والرضى عن الله في الشده والرخاء. (11)

ص: 302

- 1- . الخصال، ص 338، ح 42. (- قيل: سنل...)
- 2- . العمام: السحاب الأبيض (مجمع البحرين: 332/3).
- 3- . الغيث: المطر (النهايه: 400/2).
- 4- . كنز العمال، ج 15، ص 901، ح (43551 -).
- 5- . معدن الجواهر، ص 54.
- 6- . نهج البلاغه، ج 1، ص 130، ح 82.
- 7- . الترجمة: مكتوب.
- 8- . وفيه: وتفتيه العرقه.
- 9- . شرق فلان بريقه: غص به، ويقال: أخذته شرقه فكاد يموت (لسان العرب: شرق).
- 10- . نهج البلاغه، ج 4، ص 98، ح 419.
- 11- . تحف العقول، ص 99.



کند. و اگر اطاعت کنی پاداش دهد. و اگر مخالفت کنی به تو احسان کند. و اگر روی برگردانی تو را صدا زند. و اگر روی آوری به تو نزدیک شود. و اگر به او توکل کنی تو را کفایت کند.

3691. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: شش خصلت نیکوست، اما در شش نفر نیکوتر است:

عدالت نیکوست اما در حاکمان نیکوتر است. صبر نیکوست ولی در فقیران نیکوتر است.

پرهیزکاری نیکوست اما در علما نیکوتر است. سخاوت نیکوست ولی در ثروتمندان نیکوتر است. توبه نیکوست اما در جوانان نیکوتر است. حیاء نیکوست ولی در زنان نیکوتر است.

فرمانروایی که عادل نباشد مثل ابر بی باران است. و فقیر بی صبر مثل چراغ بی نور است.

و عالم بی تقوا مثل درخت بی ثمر است. و ثروتمند بی سخاوت مثل زمین بی حاصل است. جوان بی توبه مثل نهر بی آب است. و زن بی حیاء مثل غذای بی نمک است.

3692. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: صحبت با کسی که شش خصلت دارد نفعی ندارد: در گفتار به تو دروغ گوید. و اگر تو بگوئی تو را تکذیب کند. اگر او را امین قرار دهی به تو خیانت کند. و اگر برایش امانت داری کنی به تو امانت کند. اگر به او نعمت دهی ناسپاسی کند. و اگر به تو چیزی بدهد منت گذارد.

3693. چه گویم از دنیا که اولش سختی و آخرش نابودی و در حلال آن حساب و برای حرام آن عذاب است. کسی که از آن بی نیاز شود به سختی آزمایش می شود. و کسی که به آن محتاج باشد غمگین است.

3694. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: آمیزاد بیچاره اجلش پنهان، و بیماریهایش نهفته، اعمالش محفوظ است. پشه او را آزار می رساند. با فرورفتن در آب هلاک می شود، و با گرفتن گلویش خفه می شود.

3695. حضرت فرمودند: تقوا داشته باشید در نهان و عیان. و حق را بگوئید در خشنودی و خشم. و میانه روی کنید در ثروت و فقر. عدالت ورزید بر دشمن و دوست. کوشش کنید در نشاط و کسل. و از خدا خشنود باشید در سختی و رفاه.

3696. عَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ؛ فَإِنَّهُ الْحَبْلُ الْمَتِينُ، وَالنُّورُ الْمُبِينُ، وَالشِّفَاءُ النَّافِعُ، وَالرَّيُّ النَّافِعُ (1)، وَالْعِصْمَةُ لِلْمُتَمَسِّكِ، وَالنَّجَاهُ لِلْمُتَعَلِّقِ. (2)

3697. مَنْ أَمْضَى يَوْمَهُ فِي غَيْرِ حَقِّ قَضَاءٍ، أَوْ فَرَضٍ آدَاءٍ، أَوْ مَجْدٍ بِنَاءٍ، أَوْ حَمْدٍ حَصْلَةٍ، أَوْ خَيْرٍ أَسَّسَهُ، أَوْ عِلْمٍ اقْتَبَسَهُ (3)؛ فَقَدْ عَقَى يَوْمَهُ. (4)

3698. مَنْ جَمَعَ سِتَّ خِصَالٍ لَمْ يَدْعَ لِلْجَنَّةِ مَطْلَبًا، وَلَا عَنِ النَّارِ مَهْرَبًا (5): مَنْ عَرَفَ اللَّهَ فَأَطَاعَهُ، وَعَرَفَ الشَّيْطَانَ فَعَصَاهُ، وَعَرَفَ الْحَقَّ فَاتَّبَعَهُ، وَعَرَفَ الْبَاطِلَ فَاتَّقَاهُ، وَعَرَفَ الدُّنْيَا فَرَفَضَهَا، وَعَرَفَ الْآخِرَةَ فَطَلَبَهَا. (6)

3699. مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِيحًا، وَمَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرًا، وَمَنْ خَافَ أَمِنَ، وَمَنْ اعْتَبَرَ أَبْصَرَ، وَمَنْ أَبْصَرَ فَهِمَ، وَمَنْ فَهِمَ عَلِمَ. (7)

ص: 304

1- . نَقَعَ الْمَاءَ الْعَطَشَ: أَذْهَبَهُ وَسَكَّنَهُ (لسان العرب: نقع).

2- . نهج البلاغه، ج 2، ص 49.

3- . اقْتَبَسَ: اسْتَفَادَ (أقرب الموارد: قبس).

4- . شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 334، ح 833.

5- . الْمَهْرَبُ: الْمَوْضِعُ الَّذِي يُهْرَبُ إِلَيْهِ (المجمع: هرب).

6- . جامع الأخبار، ص 108.

7- . نهج البلاغه، ج 4، ص 47، ح 208.

3696. حضرت فرمودند: به قرآن تمسک کنید که: ریسمان محکم و نور روشن گر و داروی شفا بخش و جرعه آرامبخش است. و نگهدارنده کسی است به آن چنگ زند. و کسی که به آن آوزید نجات یابد.

3697. کسی که روز خود را در غیر شش مورد بگذراند به آن روز ستم کرده است: ادای حق یا انجام دادن واجب یا بنا کردن بزرگواری یا تحصیل ستایش یا تأسیس خیریه یا آموختن علم.

3698. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: کسی که شش خصلت داشته باشد دیگر چیزی برای طلب کردن بهشت و فرار کردن از جهنم باقی نگذاشته است: کسی که خدا را بشناسد و از او اطاعت کند. و شیطان را بشناسد و با او مخالفت کند. و حق را بشناسد و از آن پیروی کند. و باطل را بشناسد و از آن دوری کند. و دنیا را بشناسد و از آن کناره گیری کند. و آخرت را بشناسد و آن را طلب کند.

3699. حضرت فرمودند: کسی که به حساب خود رسیدگی کند سود برده. و کسی که از آن غافل شود زیان کرده است. و کسی که [از خدا] بترسد در امان است. و کسی که عبرت بگیرد بصیرت یابد. و کسی که بصیرت یابد بفهمد. و کسی که بفهمد دانا شود.

3700. عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْبَصْرِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: سِتَّةٌ لَا تَكُونُ فِي الْمُؤْمِنِ:

الْعِشُّ، وَالنَّكَدُ (1)، وَاللَّجَاجَةُ، وَالكَذِبُ، وَالْحَسَدُ، وَالْبَغْيُ.

سِتَّةٌ لَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِمُ: الْيَهُودِيُّ، وَالْمَجُوسِيُّ، وَالنَّصْرَانِيُّ، وَالرَّجُلُ عَلَى غَائِطِهِ، وَعَلَى مَوَائِدِ الْخَمْرِ، وَعَلَى الشَّاعِرِ الَّذِي يَقْذِفُ الْمُحْصَنَاتِ، وَعَلَى الْمُتَفَكِّهِينَ بِالْأَمْهَاتِ (2).

3701. عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ سَلْمَانُ رَحِمَهُ اللَّهُ: عَجِبْتُ لِسِتِّ ثَلَاثٍ أَضْحَكْتَنِي وَثَلَاثٍ أَبَكَّتَنِي؛ أَمَّا الَّتِي أَبَكَّتَنِي: فَفِرَاقُ الْأَجِيَّةِ مُحَمَّدٍ وَحِزْبِهِ، وَهَوْلُ الْمُطَّلَعِ (3)، وَالْوُقُوفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ.

وَأَمَّا الَّتِي أَضْحَكْتَنِي: فَطَالِبُ الدُّنْيَا وَالْمَوْتُ يَطْلُبُهُ، وَغَافِلٌ وَلَيْسَ بِمَغْفُولٍ عَنْهُ، وَضَاحِكٌ مِلءَ فِيهِ لَا يَدْرِي أَرْضَى اللَّهُ أَمْ سَخِطَ (4).

3702. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ سِتِّ خِصَالٍ: مِنَ الشُّكِّ وَالشَّرِكِّ وَالْحَمِيَّةِ وَالْعَضَبِ وَالْبَغْيِ وَالْحَسَدِ (5).

3703. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: النَّاسُ عَلَى سِتِّ فِرَاقٍ: مُسْتَضْعَفٍ، وَمُؤَلَّفٍ (6)، وَمُرْجِيٍّ (7)، وَمُعْتَرِفٍ بِذَنْبِهِ، وَنَاصِبٍ، وَمُؤْمِنٍ (8).

ص: 306

1- . النُّكْدُ: الشُّؤْمُ وَاللُّؤْمُ (لسان العرب: 427/3).

2- . الخصال، ص 325، ح 15 و 16.

3- . الهول: الفزع. والمطلع: موضع الاطلاع. والمراد ما يراه الإنسان عند الموت وبعده. قال الجزري: يريد به الموقف يوم القيامة أو ما يشرف عليه من أمر الآخرة عقيب الموت، فشبّهه بالمطلع الذي يشرف عليه من موضع عالٍ (النهاية: 133/3).

4- . الخصال، ص 326، ح 17.

5- . الخصال، ص 329، ح 24.

6- . هو المؤلّف قلبه إلى الإسلام بإعطاء الدنّي من المال والمقام.

7- . لعلّ المراد من خلط عملاً صالحاً وآخر سيئاً من المسلمين. ويحتمل أن يكون المراد الفرقة المعروفة منهم يعتقدون أنّه لا يضّرّ مع الإيمان معصية كما لا ينفع مع الكفر طاعه.

8- . الخصال، ص 333، ح 34.

3700. امام صادق علیه السلام فرمودند: شش ویژگی در مؤمن نیست: غش [یعنی مخلوط کردن جنس نامرغوب با مرغوب]. لثم بودن لج بازی. دروغ. حسادت. ظلم.

به شش نفر سلام نباید کرد: یهودی، مجوسی، مسیحی، کسی که در توالی یا بر سفره شراب نشسته است، شاعری که نسبت ناروا به زنه‌های شوهردار می‌دهد، و کسی که شوخی او فحش مادر است.

3701. امام صادق علیه السلام فرمودند: سلمان گفت: از شش چیز در شگفتم، سه چیز مرا به گریه انداخته و سه چیز مرا خندانده است اما سه چیز اول: فراق محمد صلی الله علیه و آله و اصحابش، و وحشت مردن و بعد از آن، و ایستادن در برابر خدا.

و اما سه چیز خنده دار: کسی که بدنبال دنیا و مرگ بدنبال اوست. غافلی که از او غفلت نمی‌کنند. کسی که خنده می‌کند و نمی‌داند خدا خشنود است یا خشمگین.

3702. امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز از شش خصلت به خدا پناه می‌برد: شک. شرک. تعصب. خشم. ظلم. حسد.

3703. امام صادق علیه السلام فرمودند: مردم شش دسته هستند: مستضعف. کسانی که به کمک زکات دل‌هایشان به اسلام متمایل می‌شود. امیدوار به بهشت. معترف به گناه. دشنام‌گو. مؤمن.

3704. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْفَى عَنْ شِيعَتِنَا مِنْ سِتِّ: الْجُنُونِ، وَالْجُذَامِ، وَالْبَرَصِ، وَالْأَبْنَةِ (1)، وَأَنْ يُولَدَ مِنَ الزَّانَا، وَأَنْ يَسْأَلَ النَّاسَ بِكُفِّهِ (2).

3705. وَعَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: أَلَا إِنَّ شِيعَتَنَا قَدْ أَعَادَهُمُ اللَّهُ مِنْ سِتِّ: أَنْ يُجَذَمُوا، أَوْ يَطْعَمُوا طَعْمَ الْغُرَابِ (3)، أَوْ يَهْرُوا هَرِيرَ الْكَلْبِ (4)، أَوْ يُنْكَحُوا فِي أَدْبَارِهِمْ، أَوْ يُلْدُوا (5) مِنَ الزَّانَا، أَوْ يَتَّصَدَّقُوا عَلَى الْأَبْوَابِ (6).

3706. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُحَمَّدِيَّةُ السَّمْحَةُ: إِقَامُ الصَّلَاةِ، وَإِتْيَاءُ الزَّكَاةِ، وَصِيَامُ يَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَحُجُّ الْبَيْتِ، وَالطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ، وَأَدَاءُ حُقُوقِ الْمُؤْمِنِ؛ فَإِنَّ مَنْ حَبَسَ حَقَّ الْمُؤْمِنِ أَقَامَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خَمْسَةَ عَشَرَ عَامًا عَلَى رِجْلَيْهِ حَتَّى يَسِيلَ مِنْ عَرَقِهِ أَوْ دَمِهِ، ثُمَّ يُنَادَى مُنَادٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا: هَذَا الظَّالِمُ الَّذِي حَبَسَ عَنِ اللَّهِ حَقَّهُ، قَالَ: فَيُوتَخُ أَرْبَعِينَ عَامًا ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ (7).

3707. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سِتُّ خِصَالٍ يَنْتَفِعُ بِهَا الْمُؤْمِنُ بَعْدَ مَوْتِهِ: وَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ، وَمُصْحَفٌ يَقْرَأُ فِيهِ، وَقَلِيبٌ (8) يَحْفَرُهُ، وَغَرْسٌ يَغْرِسُهُ، وَصَدَقَةٌ مُجْرَاءً، وَسُنَّةٌ حَسَنَةٌ يُؤْخَذُ بِهَا بَعْدَهُ (9).

3708. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلزَّانِي سِتُّ خِصَالٍ: ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا، وَثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ؛ فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا:

فَأِنَّهُ يَذْهَبُ بِنُورِ الْوَجْهِ، وَيُورِثُ الْفَقْرَ، وَيُعْجَلُ الْفَنَاءَ. وَأَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ: فَسَدُّ حُطِّ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ، وَسُوءُ الْحِسَابِ، وَالخُلُودُ فِي النَّارِ (10).

3709. وَرَدَّ فِي الْحَدِيثِ: سِتَّةٌ لَا تُتَارَفُهُمُ الْكَاذِبَةُ (11): الْحَقُّودُ، وَالْحَسُودُ، وَفَقِيرٌ قَرِيبُ الْعَهْدِ بِالْغِنَى، وَغَنِيٌّ يَخْشَى الْفَقْرَ، وَطَالِبٌ رُتْبَةً يَقْصُرُ عَنْهَا قَدْرًا (12)، وَجَلِيسٌ أَهْلِ الْأَدَبِ وَلَيْسَ مِنْهُمْ (13).

ص: 308

1- . الأبنه: العيب، والحدق، والجمع ابن ويقال: في حسبه ابن: عيوب. والمأبون: المتهم (المعجم الوسيط: 3/1).

2- . الخصال، ص 336، ح 37.

3- . كذا في الأصل، ولعل الصحيح: «أو يطمعوا طمع الغراب»؛ لأن طمع الغراب يضرب به المثل عند العرب. وفي الحديث عن الصادق عليه السلام: «شيعتنا من لا يهر هريير الكلب، ولا يطمع طمع الغراب» راجع سفينه البحار كلمه غرب، والخصال: 275/1.

4- . الهرير: صوت الكلب دون النباح، وقد يستعمل في النباح أيضاً؛ أي لا يهر في وجه مؤمن، بل يلاقه بلين وبشر.

5- . الظاهر أن الصحيح: «يولدوا من الزنا» كما مر.

6- . الخصال، ص 336، ح 38.

7- . الخصال، ص 328، ح 20.

8- . القليب: البئر.

9- . الخصال، ص 323، ح 9.

10- . الخصال، ص 321، ح 4.

11- . الكأبه: سوء الحال والانكسار من الحزن (الصحاح: 207/1).

12- . كذا، ولعل الصواب: «قدره».



3704. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند تعالی شیعیان ما را از شش عیب حفظ کرده است: جنون.

جذام. پیسی. لواط. ولد زنا. گدایی.

3705. امام صادق علیه السلام فرمودند: خدا شیعیان را از شش چیز حفظ کرده است: بیماری جذام. خوردن کلاغ. داد و فریاد کردن. لواط دادن. به دنیا آمدن از زنا. صدقه گرفتن از در خانه های مردم.

3706. امام صادق علیه السلام فرمودند: آئین سهل و ساده محمد صلی الله علیه و آله عبارت است از: اقامه نماز. پرداخت زکات. روزه رمضان. حج. اطاعت از امام معصوم علیه السلام. اداء حق مؤمن.

کسی که حق مؤمن را ادا نکند، روز قیامت خداوند او را پانصد سال برپا نگه می دارد تا عرق یا خون او جاری شود، آن گاه فرشته ای ندا می دهد: این ظالم کسی است که حق خدا را نپرداخته است. آنگاه چهل سال توبیخ می شود. سپس به جهنم رانده می شود.

3707. امام صادق علیه السلام فرمودند: مؤمن پس از مرگ از شش چیزی که بر جای گذاشته بهره می برد:

فرزند صالح که برای او استغفار کند. قرآنی که خوانده شود. چاه آبی که حفر کرده باشد.

درختی که کاشته است. صدقه جاریه [مانند وقف مدرسه، مسجد، امثال آن]. سنت نیکویی که برپا کرده است.

3708. امام صادق علیه السلام فرمودند: زنا کار شش مجازات می بیند، سه مورد در دنیا و سه مورد در آخرت:

در دنیا: نور چهره اش از بین می رود. و فقیر می شود. و عمرش کوتاه می گردد.

در آخرت: پروردگار از او خشمگین است. و حساب سخت دارد. و در جهنم جاوید می ماند.

3709. اندوه از شش گروه جدا نمی شود: کینه ورز و حسود. و فقیری که تازه مالش را از دست داده.

ثروتمندی که از فقر می ترسد. جویای مقام که به آن نرسیده است. و همنشین با اهل ادب که خود از آنان نیست.



3710. وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: النَّاسُ فِي زَمَانِنَا عَلَى سِتِّ طَبَقَاتٍ: أَسَدٌ، وَذئْبٌ، وَتَعَلَبٌ، وَكَلْبٌ، وَخَنزِيرٌ، وَشَاةٌ.

فَأَمَّا الْأَسَدُ فَمَلُوكُ الدُّنْيَا؛ يُحِبُّ كُلَّ وَاحِدٍ أَنْ يَغْلِبَ وَلَا يُغْلَبَ.

وَأَمَّا الذَّبُّ فَنَجَّارُكُمْ؛ يَذْمُونَ إِذَا اشْتَرَوْا وَيَمْدَحُونَ إِذَا بَاعُوا.

وَأَمَّا التَّعَلَبُ فَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ بِأَدْيَانِهِمْ وَلَا يَكُونُ فِي قُلُوبِهِمْ مَا يَصِفُونَ بِالسِّتَةِ.

وَأَمَّا الْخَنزِيرُ فَهَؤُلَاءِ مُحَنَّثُونَ (1) وَأَشْبَاهُهُمْ؛ لَا يُدْعَوْنَ إِلَى فَاحِشَتِهِ إِلَّا أَجَابُوا.

وَأَمَّا الْكَلْبُ يَهْرُ عَلَى النَّاسِ بِلِسَانِهِ، وَيُكْرِمُهُ النَّاسُ مِنْ شَرِّ لِسَانِهِ.

وَأَمَّا الشَّاةُ فَالْمُؤْمِنُ؛ يُجَزُّ شُعُورُهُمْ، وَتُؤْكَلُ لُحُومُهُمْ، وَيُكْسَرُ عَظْمُهُمْ؛ فَكَيْفَ تَصْنَعُ الشَّاةُ بَيْنَ أَسَدٍ وَذئْبٍ وَتَعَلَبٍ وَكَلْبٍ وَخَنزِيرٍ؟! (2)

ص: 310

---

1- . المَخْنَثُ - بفتح النون والتشديد - وهو من يوطأ في دبره لما فيه من الانحناث؛ وهو التَكْسَرُ والتثني (مجمع البحرين: 705/1).

2- . الخصال، ص 339، ح 43.

3710. امام سجاده علیه السلام فرمودند: مردم در زمان ما شش طبقه هستند:

شیر درنده؛ سران قدرت که هر کدام دوست دارند بر دیگری غلبه کنند.

گرگ؛ تاجر و بازاری که هنگام خرید جنس را مذمت و هنگام فروش مدح می کنند.

روباه؛ کسانی که از دین خود روزی می خورند. و در باطن آنان آنچه که با زبان می گویند وجود ندارد.

خوک؛ کسانی که اگر به فحشاء دعوت شوند، قبول می کنند.

سگ؛ کسانی که با زبان به مردم حمله می کنند. و مردم از شر زبان به آنها احترام می کنند.

گوسفند؛ مؤمن مانند گوسفند است که پشم و گوشت و استخوان او مفید است. پس گوسفند چگونه در میان شیر و گرگ و روباه و سگ و خوک چگونه زندگی کند؟

ص: 311

3711. قَالَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا وُضِعَ فِي الْمَنجَنِقِ غَضِبَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا جَبْرَائِيلُ مَا يُغْضِبُكَ؟ قَالَ: يَا رَبِّ، خَلِيلُكَ لَيْسَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَحَدٌ يَعْبُدُكَ غَيْرُهُ سَلَّطْتَ عَلَيْهِ عِدْوَكَ وَعَدُوَّهُ!

فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: اسْكُتْ؛ إِنَّمَا الْعَبْدُ الَّذِي هُوَ مِثْلُكَ يَخَافُ الْفَوْتَ، فَأَمَّا أَنَا فَهُوَ عَبْدِي أَخُذْهُ إِذَا شِئْتُ.

قَالَ: فَطَابَتْ نَفْسُ جَبْرَائِيلَ، ثُمَّ التَّفَّتَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فَقَالَ: هَلْ لَكَ حَاجَةٌ؟ فَقَالَ: أَمَا إِلَيْكَ فَلَا، فَأَهْبِطْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَهَا خَاتَمًا فِيهِ سَيِّدَتُهُ أَحْرَفٍ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، فَوَضَعْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، أَسْنَدْتُ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ.

قَالَ: فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ يَتَخَتَّمَ بِهَذَا الْخَاتَمِ فَإِنِّي أَجْعَلُ النَّارَ عَلَيْكَ بَرْدًا وَسَلَامًا. (1)

3712. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا بَأْسَ بِالْعَزْلِ فِي سِتِّهِ وَجُوهِهِ: الْمَرْأَةُ الَّتِي أَيْقَنَتْ أَنَّهَا لَا تَلِدُ، وَالْمُسْنِيَّةُ، وَالْمَرْأَةُ السَّلِيْطَةُ، وَالْبَدِيَّةُ، وَالْمَرْأَةُ الَّتِي لَا تَرْضَعُ وَلَدَهَا، وَالْأَمَةُ. (2)

3713. وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ يَقُولُ: فِينَا سِتُّ خِصَالٍ لَمْ تَكُنْ فِي أَحَدٍ مِمَّنْ كَانَ قَبْلَنَا وَلَا تَكُونُ فِي أَحَدٍ بَعْدَنَا:

مِنَّا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ، وَعَلِيُّ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَحَمْرَةُ سَيِّدَةُ الشُّهَدَاءِ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَجَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الْمُرَيَّنُ بِالْجَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ يَشَاءُ، وَمَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِي يُصَلِّي بِأَمْرِ خَلْفَتِهِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا. (3)

ص: 312

1- . الخصال، ص 335، ح 36.

2- . الخصال، ص 328، ح 22.

3- . الخصال، ص 320، ح 1.

3711. امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: ابراهیم علیه السلام را زمانی که در منجنیق گذاشتند جبرئیل غضب کرد و گفت: پروردگارا، بر دوست تو که کسی جز او در روی زمین تو را عبادت نمی کند، دشمنان سلطه یافته اند.

خداوند وحی فرستاد: خاموش باش، بنده ای چون تو می ترسد که فرصت از دست برود.

اما من بنده ام را هر وقت بخواهم نجات می دهم.

جبرئیل آرام شد و به ابراهیم گفت: آیا حاجتی داری؟ ابراهیم گفت: از تو چیزی نمی خواهم. آنگاه خداوند انگشتی برای او فرستاد که در آن شش کلمه بود: لا اله الا الله، محمد رسول الله، لا حول ولا قوه الا بالله [قدرتی جز خدا نیست]، فوّضت امری الی الله [کار خود را به خدا واگذارم]، اسندت ظهري الی الله [به خدا اتکا کردم]، حسبی الله [خدا مرا بس است].

خداوند به ابراهیم وحی کرد که این انگشت را در دست کن که من آتش را برای تو سرد و سلامت خواهم کرد.

3712. امام کاظم علیه السلام فرمود: بیرون ریختن نطفه در شش مورد اشکال ندارد: زن عقیم باشد. زن پیر باشد. زن بی ادب و بد زبان باشد. زن بی حیا باشد. زن به بچه شیر ندهد. کنیز.

3713. محمد بن حنفیه می گفت: ما شش امتیاز داریم که کسی قبل از ما نداشته و بعد از ما هم نخواهد داشت: محمد صلی الله علیه و آله سرور پیامبران از ما، و علی علیه السلام سرور اوصیاء از ما، و حمزه سرور شهیدان از ما، و حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت از ما، و جعفر بن ابیطالب که خدا او را با دو بال آراسته و در بهشت به هر جا که بخواهد می رود از ما، و مهدی علیه السلام که حضرت عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می گذارد از ما هستید.

3714. أوحى الله تعالى إلى موسى بن عمران عليه السلام قال: يا موسى، سيئته أشياء في سيئته مواضع، والناس يطلبونها في سيئته أشياء فلم يجدوه أبداً:

إني وضعت الراحة في الجنة، والناس يطلبونها في الدنيا.

إني وضعت العلم في الجوع، والناس يطلبونه في الشبع.

إني وضعت العز في قيام الليل، والناس يطلبونه في أبواب السلاطين.

إني وضعت الرفعة والدرجة في التواضع، والناس يطلبونها في التكبر.

إني وضعت إجابة الدعاء في لقمه الحلال، والناس يطلبونها في القيل والقال.

إني وضعت الغنى في الفناعة، والناس يطلبونه في كثرة العروض (1)، ولم يجدوه أبداً.

3715. وأوحى الله تعالى إلى داود عليه السلام: يا داود، من عرفني ذكرني، ومن ذكرني فصدني، ومن قصدني طلبني، ومن طلبني وجدني، ومن وجدني حفظني، ومن حفظني لا يختار علي غيري.

3716. وقال أمير المؤمنين عليه السلام: صدقت لسيئته الجنة: رجل خرج بصددقه فمات فله الجنة، ورجل خرج يعود مريضاً فمات فله الجنة، ورجل خرج مجاهداً في سبيل الله فمات فله الجنة، ورجل خرج حاجاً فمات فله الجنة، ورجل خرج إلى الجمعة فمات فله الجنة، ورجل خرج إلى جنازة مسلم فمات فله الجنة (2).

3717. وقال عليه السلام لقائل قال بحضرته: «استغفر الله»: ثكلتك (3) أمك، أتدرى ما الاستغفار؟! إن الاستغفار درجة العليين (4)، وهو اسم واقع على سيئته معان:

أولها: الندم على ما مضى.

والثاني: العزم على ترك العود إليه أبداً.

ص: 314

1- . العرض: متاع الدنيا وحطامها (مجمع البحرين: 155/3).

2- . من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 140.

3- . ثكلتك: فقدتك، كأنه دعا عليه بالموت لسوء عمله، والموت يعم كل أحد، فإذا الدعاء كلا دعاء، أو أراد إن كنت هكذا فاموت خير لك لئلا تزداد سوءاً. ويجوز أن يكون من الألفاظ التي تجرى على ألسنة العرب ولا يراد بها الدعاء كقولهم: تربت يداك، وقاتلك الله (النهاية: 212/1).

4- . قال الجزري: عليون اسم للسما السابعة. وقيل: هو اسم لديوان الملائكة الحفظة تُرفع إليه أعمال الصالحين من العباد. وقيل: أراد أعلى الأمكنة وأشرف المراتب وأقربها من الله في الدار الدنيا (النهاية: 294/3). قال الله تعالى: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْإِنسَانِ لَفِي عِلِّيِّينَ \* وَمَا

أَدْرَكَ مَا عَلَيْنَا \* كَتَبَ مَرْفُومٌ \* يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ» وراجع المجمع أيضاً.

3714. خداوند به موسی بن عمران وحی کرد: ای موسی شش چیز در شش جا قرار دارد و مردم در جای دیگر طلب می کنند و هرگز به آنها نمی رسند:

آرامش را در بهشت نهاده ام، و مردم در دنیا طلب می کنند.

علم را در گرسنگی نهاده ام، و مردم در سیری طلب می کنند.

عزت را در نماز شب قرار داده ام، و مردم در دربار فرمانروایان می جویند.

رفعت و مقام را در فروتنی نهاده ام، و مردم در تکبر طلب می کنند.

اجابت دعا را در غذای حلال قرار داده ام، و مردم در سر و صدا می جویند.

ثروت را در قناعت قرار داده ام، و مردم در زیادی مال می جویند. و هرگز نخواهند یافت.

3715. خداوند به داود علیه السلام وحی فرمود: ای داود هر کس مرا شناخت مرا یاد کند. و کسی که مرا یاد کند مرا قصد خواهد کرد. و هر کس که مرا قصد کند مرا می جوید. و کسی که مرا جوید مرا خواهد یافت. و هر کس مرا یافت مرا از دست ندهد. و هر که مرا از دست ندهد بسوی غیر من نخواهد رفت.

3716. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: بهشت را برای شش نفر تضمین می کنم:

کسی که برای دادن صدقه از خانه خارج شود و بمیرد. کسی که برای عیادت مریض خارج شود و بمیرد. کسی که برای جهاد در راه خدا خارج شود و بمیرد. کسی که برای سفر حج خارج شود و بمیرد. کسی که برای نماز جمعه خارج شود و بمیرد. کسی که برای تشییع جنازه مسلمان خارج شود و بمیرد.

3717. کسی در حضور امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: استغفرالله.

حضرت فرمود: مادرت در عزایت بگرید آیا می دانی استغفار چیست؟ استغفار درجه عالی رتبه است و شش معنا دارد: پشیمانی از گذشته. تصمیم بر اینکه هرگز آن گناه را تکرار نکنند. پرداختن حقوق مردم به طوری که هنگام مرگ حق کسی به عهده تو نباشد.

وَالثَّلَاثُ: أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ أَمَلَسَ لَيْسَ عَلَيْكَ تَبِعُهُ.

وَالرَّابِعُ: أَنْ تَعْمَدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ ضَيَّعْتَهَا فَتُؤَدِّيَ حَقَّهَا.

وَالخَامِسُ: أَنْ تَعْمَدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَى السُّحْتِ فَتُذَيِّبُهُ بِالْأَحْزَانِ حَتَّى تُلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ وَيَنْشَأَ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ.

وَالسَّادِسُ: أَنْ تُذَيِّقَ الْجِسْمَ أَلْمَ الطَّاعَةِ كَمَا أَذَقْتَهُ حَلَاوَةَ الْمَعْصِيَةِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ. (1)

3718. وَقِيلَ: إِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ جَالِسًا فِي مَوْضِعٍ فَأَتَاهُ سِتَّةُ أَشْخَاصٍ وَجَلَسُوا عِنْدَهُ؛ ثَلَاثَةٌ عَنْ يَمِينِهِ وَثَلَاثَةٌ عَنْ يَسَارِهِ، ثَلَاثَةٌ مِنْهَا بَيْضٌ وَثَلَاثَةٌ مِنْهَا سَوْدٌ، وَقَالَ آدَمٌ لِوَاحِدٍ مِنَ الْبَيْضِ: مَنْ أَنْتَ؟ فَقَالَ: أَنَا الْعَقْلُ، فَقَالَ: أَيْنَ مَقَامُكَ؟ فَقَالَ: فِي الدِّمَاغِ. فَقَالَ لِلثَّانِي: مَنْ أَنْتَ؟ فَقَالَ: أَنَا الشَّفَقَةُ، فَقَالَ: أَيْنَ مَقَامُكَ؟ فَقَالَ: فِي الْقَلْبِ. فَقَالَ لِلثَّلَاثِ: مَنْ أَنْتَ؟ فَقَالَ: أَنَا الْحَيَاءُ، فَقَالَ: أَيْنَ مَقَامُكَ؟ فَقَالَ: فِي الْعَيْنِ.

ثُمَّ رَجَعَ إِلَى يَسَارِهِ فَقَالَ لِوَاحِدٍ مِنَ السَّوَدِ: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: أَنَا الْكِبْرُ، فَقَالَ: أَيْنَ مَقَامُكَ؟ قَالَ: فِي الدِّمَاغِ، قَالَ: هَلْ يَكُونُ الْعَقْلُ فِيهِ؟ فَقَالَ: إِذَا دَخَلْتُ يَخْرُجُ الْعَقْلُ. فَقَالَ لِلثَّانِي: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: أَنَا الْحَسَدُ، فَقَالَ: أَيْنَ مَقَامُكَ؟ قَالَ: الْقَلْبُ، قَالَ: هَلْ يَكُونُ الشَّفَقَةُ فِيهِ؟ قَالَ: إِذَا دَخَلْتُ تَخْرُجُ الشَّفَقَةُ.

ثُمَّ قَالَ لِلثَّلَاثِ: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: أَنَا الطَّمَعُ، فَقَالَ: أَيْنَ مَقَامُكَ؟ قَالَ: فِي الْعَيْنِ، قَالَ: هَلْ يَكُونُ الْحَيَاءُ فِيهِ؟ قَالَ: إِذَا دَخَلْتُ يَخْرُجُ الْحَيَاءُ.

ص: 316



جبران واجباتی که از دست رفته اند. کاری کنی که گوشتی که از حرام در بدن توست آب شود و پوست به استخوان بچسبد و گوشت جدید از مال حلال بروید. بدن رنج طاعت را احساس کند همانطور که لذت گناه را احساس کرده. آن وقت بگو: استغفرالله.

3718. گویند: حضرت آدم علیه السلام نشسته بود سه نفر طرف راست او و سه نفر طرف چپ او نشستند که از آن شش نفر سه نفر سفید و سه نفر سیاه بودند.

آدم به یکی از سفیدها گفت: تو کیستی؟ گفت: من عقل هستم.

آدم گفت: جای تو کجاست؟ گفت: در مغز.

آدم به دومی گفت: تو کیستی؟ گفت: من مهربانی هستم. پرسید: جای تو کجاست؟ گفت:

در قلب. از سومی پرسید: تو کیستی؟ گفت: حیا. پرسید: جای تو کجاست؟ گفت: در چشم.

آدم به سمت چپ نگاه کرد و به یکی از سیاهان گفت: تو کیستی؟ گفت: تکبر. پرسید: جای تو کجاست؟ گفت: مغز. پرسید: با عقل در یک جا هستید؟ گفت: وقتی من بیایم عقل می رود. از دومی پرسید: تو کیستی؟ گفت: حسد. آدم گفت: جای تو کجاست؟ گفت: قلب آدم پرسید: با مهربانی در یک جا هستید؟ گفت: وقتی من بیایم، مهربانی می رود. از سومی پرسید: تو کیستی؟ گفت: طمع. پرسید: جای تو کجاست؟ گفت: چشم. پرسید آیا با حیا در یک جا هستی؟ گفت: وقتی من بیایم حیا می رود.

3719. وَقَالَ أَفَلَاطُونُ: الْعَالَمُ كُرَّةٌ، وَالْأَرْضُ مَرَكَزٌ، وَالْأَفْلَاكُ قِسِيٌّ، وَالْحَوَادِثُ سِهَامٌ، وَالْإِنْسَانُ هَدَفٌ، وَاللَّهُ الرَّامِي؛ فَأَيْنَ الْمَفْرُ؟! فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَفَرَّوْا إِلَى اللَّهِ. جَوَاباً لِأَفَلَاطُونِ.

3720. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: سِتُّ خِصَالٍ تُعْرِفُ مِنَ الْجَهْلِ: الْغَضَبُ فِي غَيْرِ شَيْءٍ، وَالْكَلَامُ فِي غَيْرِ نَفْعٍ، وَالْعَطِيَّةُ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ، وَإِفْشَاءُ السِّرِّ عِنْدَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالثَّقَّةُ بِكُلِّ أَحَدٍ، وَأَنْ لَا يَعْرِفَ صَدِيقَهُ مِنْ عَدُوِّهِ. (1)

3721. وَقَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: يَا بُنَيَّ، أَوْصِيكَ بِسِتِّ خِصَالٍ اجْتَمَعَ فِيهَا عِلْمُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ: لَا تَشْغَلْ قَلْبَكَ إِلَى الدُّنْيَا إِلَّا بِقَدْرِ بَقَائِكَ فِيهَا، وَاعْمَلْ لِلْآخِرَةِ بِقَدْرِ بَقَائِكَ فِيهَا، وَأَطِعْ رَبَّكَ بِقَدْرِ حَاجَتِكَ إِلَيْهِ، وَلْيَكُنْ سَعْيُكَ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِكَ مِنَ النَّارِ، وَلْيَكُنْ جُرْأَتُكَ عَلَى الْمَعَاصِي بِقَدْرِ صَبْرِكَ فِي النَّارِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْصِيَ مَوْلَاكَ فَاطْلُبْ مَكَاناً لَا يَرَاكَ.

3722. وَقَالَ بُرْجُمَهْرٌ: سِتُّ خِصَالٍ تَعْدِلُ جَمِيعَ الدُّنْيَا: أَوَّلُهَا: الطَّعَامُ الْمَرِيءُ (2). وَالثَّانِي: الْوَلَدُ الصَّالِحُ.

وَالثَّلَاثُ: الزَّوْجَةُ الْمُوَافِقَةُ. وَالرَّابِعُ: الْكَلَامُ الْمُحْكَمُ. وَالخَامِسُ: كَمَالُ الْعَقْلِ. وَالسَّادِسُ:

صِحَّةُ الْبَدَنِ.

ص: 318

1- . معدن الجواهر، ص 53، من كلام المعصومين عليهم السلام.

2- . يقال: مرأني الطعام: إذا لم يتقبل على المعده وانحدر عنها طيباً (النهاية: 313/4).

3719. افلاطون: عالم کروی است. و زمین مرکز آن. و افلاک چون کمان. و حوادث چون تیر. و انسان هدف. و خداوند هم تیر انداز است. پس به کجا باید فرار کرد؟ امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب فرموده اند: بسوی خدا فرار کنید.

3720. حکیمی گفته: شش چیز نشانه نادانی است: خشم بی مورد. سخن بی فایده. هدیه بی مورد.

فاش کردن سِر نزد هر کس. اعتماد به همه کس. نشناختن دوست از دشمن.

3721. لقمان به پسرش گفت: پسرم، شش توصیه دارم که عصاره علم اولین و آخرین است: قلب خود را به دنیا مشغول نکن مگر به اندازه ماندن تو در آن. برای آخرت به قدر بقاء در آن تلاش کن. به قدر نیاز به خدا از او اطاعت کن. برای رهایی از آتش کوشش کن. جرأت تو بر گناه به قدر صبر تو بر آتش باشد. هر گاه خواستی گناه کنی به جایی برو که پروردگارت تو را نبیند.

3722. بوذرجمهر: شش چیز معادل تمام دنیاست [یعنی هر کس داشته باشد گویا همه دنیا را دارد]:

1 - غذای گوارا 2 - فرزند صالح 3 - همسر مورد توافق 4 - سخن محکم 5 - کمال عقل 6 - سلامت بدن.

3723. مِنْ بَعْضِ التَّوَارِيخِ: سَخِطَ كِسْرَى عَلَى بُرْجَمَهَرَ فَحَبَسَهُ فِي بَيْتٍ مُظْلِمٍ وَأَمَرَ أَنْ يُصَفَّدَ بِالْحَدِيدِ، فَبَقِيَ أَيَّاماً عَلَى تِلْكَ الْحَالِ، فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ مَنْ يَسْأَلُهُ عَنْ حَالِهِ، فَإِذَا هُوَ مُنْشَرِحُ الصَّدْرِ مُطْمَئِنُّ النَّفْسِ، فَقَالُوا لَهُ: أَنْتَ فِي هَذِهِ الْحَالِ مِنَ التَّضْيِيقِ وَتَرَكَ نَاعِمَ الْبَالِ!

فَقَالَ: أَصَفْتُ سِنَّةَ أَخْلَاطٍ فَعَجَنْتُهَا وَاسْتَعْمَلْتُهَا فَهِيَ الَّتِي أَبْقَتْنِي عَلَى مَا تَرَوْنَ.

قالوا له: صِفْ لَنَا هَذِهِ الْأَخْلَاطَ لَعَلَّنَا نَنْتَفِعَ بِهَا عِنْدَ الْبَلْوَى.

فَقَالَ: نَعَمْ، أَمَّا الْخَلَطُ الْأَوَّلُ فَالثَّمَةُ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَمَّا الثَّانِي فَكُلُّ مُقَدَّرٍ كَائِنٌ، وَأَمَّا الثَّلَاثُ فَالصَّبْرُ خَيْرٌ مَا اسْتَعْمَلَهُ الْمُمْتَحَنُ، وَأَمَّا الرَّابِعُ فَإِذَا لَمْ أَصْبِرْ فَمَاذَا أَصْنَعُ وَلَا أَعِينُ عَلَى نَفْسِي بِالْجَزَعِ؟ وَأَمَّا الْخَامِسُ فَقَدْ يَكُونُ أَشَدُّ مِمَّا أَنَا فِيهِ، وَأَمَّا السَّادِسُ فَمِنْ سَاعَةٍ إِلَى سَاعَةٍ فَرَجٌ.

فَبَلَغَ مَا قَالَهُ كِسْرَى، فَأَطْلَقَهُ وَأَعَزَّهُ.

3724. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَاخْتَارَهَا عَلَى الْآخِرَةِ عَاقِبَهُ اللَّهُ بِسِتِّ عُقُوبَاتٍ: ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ؛ أَمَّا الثَّلَاثَةُ فِي الدُّنْيَا: فَأَمَلٌ لَيْسَ فِيهِ مُنْتَهَى، وَحِرْصٌ غَالِبٌ لَيْسَ فِيهِ قِنَاعَةٌ، وَأَخَذٌ مِنْهُ حَلَاوَةٌ الْإِيمَانِ فِي الْعِبَادَةِ. أَمَّا الثَّلَاثَةُ الَّتِي فِي الْآخِرَةِ: هَوْلُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَالْحِسَابُ الشَّدِيدُ، وَالْحَسْرَةُ الطَّوِيلَةُ.

3725. وَقَالَ أَرِسْطَاطَالِيْسٌ: اصْحَبِ السُّلْطَانَ بِالْحَذَرِ، وَالصَّدِيقَ بِالتَّوَاضُعِ، وَالْعَدُوَّ بِالْجَحْدِ (1)، وَالْعَامَّةَ بِالْبِشْرِ الْحَسَنِ، وَنَفْسَكَ بِرَفْضِ الْهَوَى، وَرَبِّكَ بِالتَّقْوَى. (2)

3726. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: سِتُّ خِصَالٍ لَا يُطِيقُهَا إِلَّا مَنْ كَانَتْ نَفْسُهُ شَدِيدَةً رَيفَةً: الثَّبَاتُ عِنْدَ حُدُوثِ النِّعَمِ الْجَسِيمِ، وَالصَّبْرُ عِنْدَ حُدُوثِ الْمُصِيبَةِ الْعَظِيمَةِ، وَجَذْبُ النَّفْسِ إِلَى الْعَقْلِ عِنْدَ دَوَاعِي الشَّهْوَةِ، وَكِتْمَانُ السَّرِّ عَنِ الْأَصْدِقَاءِ وَالْأَعْدَاءِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الْجُوعِ، وَاحْتِمَالُ الْجَارِ السُّوءِ. (3)

3727. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: عِمَارَةُ الدُّنْيَا مَنُوطَةٌ (4) بِسِتِّهِ أَشْيَاءُ:

ص: 320

- 1- . الْجَحْدُ: نَقِيضُ الْإِقْرَارِ (لسان العرب: 106/3).
- 2- . رَوَاهُ فِي الْبَحَارِ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: ج 71، ص 167 (- الحسن و نفسك الخ...).
- 3- . معدن الجواهر، ص 55.
- 4- . نَاطَ الشَّيْءُ يَنْوِطُهُ: عَلَّقَهُ (لسان العرب: 418/7 «نوط»).

3723. در تاریخ آمده: کسری از بوذر جمهر خشمگین شد و او را در خانه تاریک زندانی و به زنجیر کشید. پس از چند روز افرادی را فرستاد از او پرسند حالش چگونه است؟ دیدند در کمال آرامش و اطمینان خاطر است. گفتند: با این سختی ها حال خوشی داری؟ گفت:

معجونى از شش چیز را بکار برده ام، و در این حال هستم که می بینید. گفتند: به ما هم بیاموز تا در گرفتاریها بکار بریم.

گفت: اعتماد به خدا. هر چه در تقدیر باشد اتفاق می افتد. صبر بهترین وسیله برای گرفتار است. اگر صبر نکنم چه کنم؟ با ناله کردن خود را اذیت می کنم. از این حالت من بدتر هم وجود دارد. از این ساعت تا ساعت دیگر فرج است. وقتی به کسری گزارش دادند او را آزاد کرد و گرمی داشت.

3724. حکیمی گفته است: هر که دنیا را بر آخرت ترجیح دهد خداوند او را شش کیفر دهد: سه کیفر در دنیا: آرزوهای بی پایان. حرص شدیدی که به هیچ چیز قانع نشود. از دست دادن شیرینی ایمان در حال عبادت.

سه کیفر در آخرت: وحشت قیامت. حساب شدید. حسرت طولانی.

3725. ارسطاطیس: در همنشینی با سلطان بر حذر و با دوست متواضع و با دشمن انکارکننده بدگمان و با مردم خوشرو و با خود بر خلاف میل و با خدا پرهیزکار باش.

3726. یکی از حکما گفته است: شش خصلت جز برای شرافتمند امکان پذیر نیست:

ثبات [گم نکردن خود] هنگام رسیدن به نعمت بزرگ. صبر در مصیبتهای بزرگ.

پیروی از عقل در هیجان شهوت. راز داری از دوستان و دشمنان. صبر بر گرسنگی. تحمل همسایه بد.

3727. حکیم دیگر گفته است: آبادانی دنیا با شش چیز است:

أولها: التوفّر على المناجح، وقوّة الدّاعي إليها؛ إذ لو انقطعت لأنقطع التّناسل.

وثانيها: الحنو على الأولاد؛ إذ لولاها لزالّت البواعث على التّربيّه، وكان في ذلك هلاك الولد.

وثالثها: طول الآمال وإنسائها؛ إذ لولاها لتركّت الأعمال والعمارات.

ورابعها: عدم العلم لمبلغ الأجل ومدّه العُمُر؛ إذ لولا ذلك لم ينسبط الأمل.

وخامسها: اختلاف حال النّاس في الغنى والفقير، واحتياج بعضهم إلى بعضٍ لسبب ذلك؛ إذ لو تساوا في حاله واحده لم يتنظّم معاشهم البتّة.

وسادسها: وجود السُّلطان العادل؛ إذ لولاها لأهلك النّاس بعضهم بعضاً. (1)

ص: 322

- 1 - آمار بالای ازدواج و انگیزه قوی برای آن چون اگر ازدواج کم باشد نسل بشر منقطع می شود.
- 2 - مهرورزی با فرزند، چون اگر محبت نباشد تربیت فرزند آسیب می بیند و فرزندان فاسد می شوند.
- 3 - آرزوی طولانی، که اگر نباشد تلاش و کوشش و عمران کم می شود.
- 4 - ندانستن وقت مرگ و مدت عمر چون اگر بداند دیگر آرزو معنا ندارد.
- 5 - اختلاف طبقات فقیر و ثروتمند و نیاز بعضی به دیگران. چون اگر همه مساوی بودند نظام زندگی برقرار نمی شد.
- 6 - وجود پیشوای عادل، چون اگر حاکم عادل نباشد بعضی از مردم دیگران را هلاک می کردند.

3728. قَالَ بَعْضُهُمْ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَمَ سِتِّتَهُ فِي سِتِّتِهِ: رِضَاهُ فِي الطَّاعَةِ، وَغَضَبُهُ فِي الْمَعْصِيَةِ، وَالْإِسْمَ الْأَعْظَمَ فِي الْقُرْآنِ، وَأَوْلِيَاءَهُ فِيمَا بَيْنَ الْخَلْقِ، وَالْمَوْتَ فِي الْعُمْرِ، وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَالصَّلَاةَ الْوُسْطَى فِي الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ.

3729. وَقَالَ آخَرُ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي سِتِّتِهِ أَنْوَاعٌ مِنَ الْخَوْفِ:

أَحَدُهَا: مِنْ قِبَلِ اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَأْخُذَهُ بَغْتَةً. وَالثَّانِي: مِنْ قِبَلِ الْحَفْظِ أَنْ يَكْتُبُوا عَلَيْهِ مَا يُفْتَضِّحُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. وَالثَّلَاثُ: مِنْ قِبَلِ الشَّيْطَانِ أَنْ يُبْطِلَ عَلَيْهِ عَمَلَهُ. وَالرَّابِعُ: مِنْ قِبَلِ الْمَوْتِ أَنْ يَأْخُذَهُ فِي غَفْلَةٍ بَغْتَةً. وَالْخَامِسُ: مِنْ قِبَلِ الدُّنْيَا أَنْ يَغْتَرَّ بِهَا فَتَشْغَلَهُ عَنِ الْآخِرَةِ. وَالسَّادِسُ: مِنْ قِبَلِ الْأَهْلِ وَالْعِيَالِ أَنْ يَشْتَغِلَ بِهِمْ فَيَشْغَلُوهُ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ.

3730. وَثُقَلُ عَنْ ذِي النُّونِ أَنَّهُ قَالَ: وَجَدْتُ عَلَى صَخْرَةٍ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ مَكْتُوباً هَذِهِ الْكَلِمَاتُ: كُلُّ خَائِفٍ هَارِبٍ، وَكُلُّ رَاجٍ طَالِبٍ، وَكُلُّ عَاصٍ مُسْتَوْجِحٍ، وَكُلُّ طَائِعٍ مُسْتَأْنَسٍ، وَكُلُّ قَانِعٍ عَزِيزٍ، وَكُلُّ طَامِعٍ ذَلِيلٍ. فَظَنَرْتُ فَإِذَا هَذَا الْكَلَامُ أَصْلٌ لِكُلِّ شَيْءٍ. (1)

3731. وَقَالَ يَحْيَى بْنُ مُعَاذٍ: الْعِلْمُ ذَلِيلُ الْعَمَلِ، وَالْفَهْمُ وَعَاءُ الْعِلْمِ، وَالْعَقْلُ قَائِدُ الْخَيْرِ، وَالْهَوَى مَرْكَبُ الذُّنُوبِ، وَالْأَمَلُ زَادُ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَالْدُّنْيَا سَوْقُ الْآخِرَةِ. (2)

ص: 324

- 1- . مجموعه ورام، ج 2، ص 244.
- 2- . أعلام الدين، ص 96 عن علي بن الحسين عليه السلام.



3728. عابدی گفته است: خداوند شش چیز را در شش چیز پنهان کرده است: خشنودی خودش را در طاعت، و خشم خود را در گناه، و اسم اعظم را در قرآن، و دوستانش را در میان مردم، و مرگ را در عمر، و شب قدر را در رمضان، و نماز وسط [برتر] را در میان نمازهای پنج گانه.

3729. دیگری گفته: مؤمن از شش جهت بیم دارد:

1 - از خداوند که مبادا ناگهان او را بگیرد. 2 - از فرشتگان نویسنده اعمال که مبادا چیزی از او ثبت کنند که در قیامت او را رسوا کند. 3 - از شیطان که مبادا عمل او را باطل کند.

4 - از مرگ که مبادا در حال غفلت فرارسد. 5 - از دنیا که او را فریب دهد و از آخرت غافل کند. 6 - از خانواده خود که به آنها مشغول شود و از یاد خدا باز بماند.

3730. ذی النون گفت: بر صخره ای در بیت المقدس نوشته است:

هر ترسانی فرار می کند. و هر امیدواری جوینده است. و هر گنهکاری وحشت زده است. و هر مطیع مأنوس است. و هر قانع عزیز است. و هر طعمکاری ذلیل است. دقت کردم این جملات در هر چیز اصل است.

3731. یحیی بن معاذ گفت: علم راهنمای عمل است. و فهم ظرف علم و عقل پیشوای خیر و هوس مرکب گناهان، و آرزو توشه متکبران و دنیا بازار آخرت است.

3732. وَقَالَ الْأَحْنَفُ بْنُ قَيْسٍ: لَا رَاحَةَ لِحَسُودٍ، وَلَا مُرُوءَةَ لِكَذُوبٍ، وَلَا خُلَّةَ (1) لِبَخِيلٍ، وَلَا وِفَاءَ لِمُلُوكٍ، وَلَا سُودَدَ لِسَبِيِّ الْخُلُقِ، وَلَا رَادًّا لِقَضَاءِ اللَّهِ تَعَالَى... (2)

3733. وَقَالَ الْأَحْنَفُ بْنُ قَيْسٍ حِينَ سُئِلَ مَا خَيْرٌ مَا يُوتَى الْعَبْدُ؟ قَالَ: عَقْلٌ غَرِيظٌ. قِيلَ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟ قَالَ:

أَدَبٌ صَالِحٌ. قِيلَ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟ قَالَ: صَاحِبٌ مُوَافِقٌ. قِيلَ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟ قَالَ: فَقَلْبٌ مُرْتَبِطٌ (3). قِيلَ:

فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟ قَالَ: طَوْلُ الصَّمْتِ. قِيلَ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟ قَالَ: مَوْتُ حَاضِرٍ! (4)

3734. وَقَالَ (سَدِّيلُ خ ل) بَعْضُهُمْ: هَلْ يَعْرِفُ الْعَبْدُ إِذَا تَابَ أَنْ تَوْبَتَهُ قُبِلَتْ أَمْ رُدَّتْ؟ فَقَالَ: لَا حُكْمَ فِي ذَلِكَ، وَلَكِنَّ لِذَلِكَ عِلَامَاتٍ: إِحْدَاهَا: أَنْ لَا يَرَى نَفْسَهُ مَعْصُومَةً عَنِ الْمَعْصِيَةِ، وَيَرَى الْفَرَحَ عَنِ قَلْبِهِ غَائِبًا وَالْحُزْنَ شَاهِدًا، وَيُقَرِّبُ أَهْلَ الْخَيْرِ وَيُبَاعِدُ أَهْلَ الشَّرِّ وَالْفِسْقِ، وَيَرَى الْقَلِيلَ مِنَ الدُّنْيَا كَثِيرًا، وَيَرَى الْكَثِيرَ مِنْ عَمَلِ الْآخِرَةِ قَلِيلًا، وَيَرَى قَلْبَهُ مُشْتَغَلًا بِمَا لَمْ يَضْمَنْ اللَّهُ تَعَالَى، فَارِغًا عَمَّا ضَمَّنَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ (5)، وَيَكُونُ حَافِظَ اللِّسَانِ دَائِمَ الْفِكْرِ (6) لِأَزْمِ الْغَمِّ (7) وَالنَّدَامَةِ.

3735. وَقَالَ أَبُو سَلَمَانَ الدَّارَانِيُّ: مَنْ شَبِعَ دَخَلَ عَلَيْهِ (سِتُّ): فَقَدَ حَلَاوَةَ الْعِبَادَةِ، وَتَعَدَّرَ عَلَيْهِ حِفْظَ الْحِكْمَةِ، وَحُرِمَ الشَّفَقَةَ عَلَى الْخَلْقِ؛ لِأَنَّهُ إِذَا شَبِعَ ظَنَّ أَنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ شَيْءٌ بَاعٌ، وَثَقُلَ عَنِ الْعِبَادَةِ، وَزِيَادَةُ الشَّهَوَاتِ، وَأَنَّ سَائِرَ الْمُؤْمِنِينَ يَدُورُونَ حَوْلَ الْمَسَاجِدِ وَهُوَ يَدُورُ حَوْلَ الْمَزَابِلِ.

3736. وَكَتَبَ الْعَلَاءُ مَهَ الدَّوَانِي فِي آخِرِ رِسَالِهِ مِنْ رِسَائِلِهِ بِخَطِّهِ: قِيلَ: عَلَيْكَ بِكَيْتْمَانِ سَيِّئَةِ أَشْيَاءٍ؛ فَإِنَّهَا مِنْ أَعْمَالِ الصَّالِحِينَ وَجَوَاهِرِ الْمُتَّقِينَ: عَلَيْكَ بِكَيْتْمَانِ الْفَاقَةِ حَتَّى كَأَنَّكَ غَنِيٌّ، وَعَلَيْكَ بِكَيْتْمَانِ الصَّدَقَةِ حَتَّى كَأَنَّكَ بَخِيلٌ، وَعَلَيْكَ بِكَيْتْمَانِ الْبُغْضِ حَتَّى كَأَنَّكَ مُحِبٌّ، وَعَلَيْكَ بِكَيْتْمَانِ الْغَضَبِ حَتَّى كَأَنَّكَ رَاضٍ، وَعَلَيْكَ بِكَيْتْمَانِ التَّوَافُلِ حَتَّى كَأَنَّكَ مُقْصِرٌ، وَعَلَيْكَ بِكَيْتْمَانِ الْأَلَمِ حَتَّى كَأَنَّكَ مُعَافٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ص: 326

1- الخُلَّة: الصداقه (القاموس المحيط: 370/3).

2- الخصال، ص 169، ح 222 عن المعصوم عليه السلام بالمضمون.

3- قلب مرتبط: قوئى محكم.

4- هو الخلاص من شدائد الموت وعالم البرزخ والقيامة.

5- هو الرزق في الدنيا.

6- أى في آيات الله وعظمته وما يجب وما يحرم.

7- أى ملازم الغم لما أفرط في جنب الله.

3732. احنف بن قیس: حسود آرامش ندارد. دروغگو مروت ندارد. بخیل صداقت ندارد. فرمانروا وفا ندارد. بداخلاق بزرگواری ندارد. قضاء خداوند متعال چاره ندارد.

3733. از احنف بن قیس پرسیدند: بهترین چیزی که به بنده می دهند چیست؟ گفت: عقل فطری. گفتند: اگر نبود؟ گفت: ادب نیکو. گفتند: اگر نبود؟ گفت: دوست موافق. گفتند:

اگر نبود؟ گفت: قلب قوی. گفتند: اگر نبود؟ گفت: سکوت طولانی. گفتند: اگر نبود؟ گفت:

مرگ فوری.

3734. از کسی سؤال کردند اگر انسان توبه کند آیا می فهمد توبه اش قبول شده یا رد شده است؟

گفت: حکم قطعی ندارد اما علامتهایی وجود دارد: یک علامت این است که خود را دور از گناه نبیند و می بیند که شادی از قلب بیرون رفته و حزن در قلب نشسته است. به نیکان نزدیک می شود و از گناهکاران دوری می نماید. اندکی از دنیا را زیاد می بیند و کار زیاد برای آخرت را اندک می پندارد. قلبش از آنچه خدا نمی پسندد فارغ و به آنچه خدا می پسندد مشغول است. مراقب زبان و دائماً در تفکر و همیشه نالان و پشیمان است.

3735. ابو سلمان دارانی: کسی که سیر می شود شش حالت به او دست می دهد: شیرینی عبادت می رود. حفظ حکمت برایش ممکن نیست. از مهربانی با مردم محروم می شود، چون خودش سیر است گمان دارد همه سیر هستند. عبادت برایش سنگین می شود. شهوت او زیاد می شود. بقیه مؤمنین اطراف مساجد تردد می کنند، او اطراف زباله می گردد.

3736. علامه دوانی در آخر یکی از رساله هایش نوشته است: شش چیز را که از کارهای صالحان و گوهرهای پرهیزکاران است پنهان کن: فقر را چنان پنهان کن که همه تو را توانگر بدانند.

صدقه را کتمان کن تا همه تو را بخیل بحساب آورند. نفرت را پنهان کن گویا تو محبت داری. خشم را پنهان کن چنان که گویا خشنودی. نوافل را پنهان کن گویا نماز را شکسته می خوانی. درد را پنهان کن گویا سلامت هستی. الحمد لله رب العالمین.

ص: 327

3737. وَقَالَ شَقِيقُ الْبَلْخِيِّ: دَخَلَ الْفَسَادُ فِي الْخَلْقِ مِنْ سِتَّةِ أَشْيَاءَ: أَوْلَاهُ: ضَعْفُ النَّيِّهِ فِي الْعَمَلِ لِأَخْرِهِ.

وَالثَّانِي: صَارَتْ أِبْدَانُهُمْ رَهِينَةً بِشَهَوَاتِهِمْ. وَالثَّالِثُ: غَلَبَ طَوْلُ الْأَمَلِ عَلَى قُرْبِ أَجْلِهِمْ. وَالرَّابِعُ:

اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَبَدَّوْا سُنَّةَ رَسُولِهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ. وَالخَامِسُ: آثَرُوا رِضَى الْمَخْلُوقِينَ فِيمَا يَشْتَهُونَ عَلَى رِضَى خَالِقِهِمْ فِيمَا يَكْرَهُونَ. وَالسَّادِسُ: جَعَلُوا زَلَّاتِ السَّلَفِ دِينًا وَمَنَاقِبَ لِأَنْفُسِهِمْ.

3738. وَقَالَ سَدِّ هَلْ بِنُ عَبْدِ اللَّهِ: لَا يَكُونُ الْمُرِيدُ مُرِيدًا حَتَّى تَكُونَ فِيهِ سِتَّةُ أَشْيَاءَ: مُخَالَفَةُ النَّفْسِ، وَمُخَالَفَةُ الْأَشْيَاءِ، وَلُزُومُ الذِّكْرِ، وَحَلَاوَةُ الْإِيمَانِ، وَزِيَادَةُ الرَّغْبَةِ فِي الْإِحْسَانِ، وَالْخَشْيَةُ مِنَ الْمَعْصِيَةِ.

3739. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الْإِنْسَانُ مُسَافِرٌ وَمَنَازِلُهُ سِتَّةٌ، وَقَدْ قَطَعَ مِنْهَا ثَلَاثَةً وَبَقِيَ ثَلَاثَةٌ؛ فَالْتَمَى قَطْعَهَا؛ أَوْلَاهَا: مِنْ كَتَمِ الْعَدَمِ إِلَى صُلْبِ (1) الْأَبِ وَتَرَائِبِ (2) الْأُمِّ؛ كَمَا قَالَ تَعَالَى: «يَخْرُجُ مِنْ مِ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ». وَثَانِيهَا:

رَحِمُ الْأُمِّ؛ قَالَ سُبْحَانَهُ: «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ». وَثَالِثُهَا: مِنَ الرَّحِمِ إِلَى فِضَاءِ الدُّنْيَا؛ قَالَ عَزَّ مِنْ قَائِلٍ: «وَ حَمْلُهُ وَ وَ فَصْلُهُ وَ ثَلَاثُونَ شَهْرًا».

وَأَمَّا الْمَنَازِلُ الثَّلَاثُ الَّتِي لَمْ يَطْعَمَهَا؛ فَأَوْلَاهَا: الْقَبْرِ؛ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقَبْرُ أَوَّلُ مَنَزِلٍ مِنَ الْمَنَازِلِ الْآخِرَةِ وَآخِرُ مَنَزِلٍ مِنَ الْمَنَازِلِ الدُّنْيَا. وَثَانِيهَا: فِضَاءُ الْمَحْشَرِ؛ قَالَ سُبْحَانَهُ: «وَ عَرَضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا».

وَثَالِثُهَا: الْجَنَّةُ أَوْ النَّارُ؛ قَالَ سُبْحَانَهُ: «فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ».

وَنَحْنُ الْآنَ فِي قَطْعِ مَرَحَلَةِ الْمَنَزِلِ الرَّابِعِ، وَمُدَّةُ قَطْعِهَا مُدَّةُ عُمْرِنَا، فَأَيَّامُنَا فَرَاسِخٌ، وَسَاعَاتُنَا أَمْيَالٌ، وَأَنْفَاسُنَا خَطَوَاتٌ، فَكَمْ مِنْ شَخْصٍ بَقِيَ لَهُ فَرَاسِخٌ، وَآخِرُ بَقِيٍّ لَهُ خَطَوَاتٌ.

3740. وَقَالَ خُلَيْدٌ: تَلَقَى الْمُؤْمِنَ فِيهِ سِتُّ خِصَالٍ: عَفِيفًا سَوِيًّا، عَزِيزًا ذَلِيلًا، غَنِيًّا فَقِيرًا؛ عَفِيفًا مِنَ النَّاسِ سَوِيًّا لِرَبِّهِ، عَزِيزًا فِي نَفْسِهِ ذَلِيلًا لِرَبِّهِ، غَنِيًّا مِنَ النَّاسِ فَقِيرًا إِلَى رَبِّهِ، أَحْسَنَ النَّاسِ مَعُونَةً وَأَهْوَنَهُمْ مَوْنَةً.

3741. وَقَالَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَدَهَمَ: نَزَلَ عِنْدِي أَضْيَافٌ فَظَنَنْتُ أَنَّهُمْ بَدَلَاءُ (3)، فَقُلْتُ لَهُمْ: أَوْصُونِي بِوَصِيَّةٍ بِالْغَيْهِ حَتَّى أَخَافَ اللَّهُ تَعَالَى مِثْلَ خَوْفِكُمْ، قَالُوا: نَوَصِي بِسِتَّةِ أَشْيَاءَ:

ص: 328

1- . الصُّلْبُ: كُلُّ ظَهْرٍ لَهُ فَقَارٌ (المصباح المنير: 345).

2- . الترائب: ضلوع الصدر، الواحده تريبه (مفردات غريب القرآن: 74).

3- . قوم من الصالحين لا تخلو الدنيا منهم، إذا مات واحد منهم أبدل الله مكانه آخر. وفي القاموس: الأبدال: قوم يقيم الله بهم الأرض، وهم سبعون (مجمع البحرين: 1/165).

3737. شفیق بلخی: فساد از شش چیز به مردم رسوخ می کند:

1 - ضعف نیت در تلاش برای آخرت. 2 - بدنها در گرو شهوت باشند. 3 - غلبه کردن آرزوها بر نزدیکی مرگ. 4 - پیروی کردن از هوسها و رها کردن سنت پیامبر صلی الله علیه و آله.

5 - ترجیح دادن خشنودی مردم بر خشنودی خدا. 6 - لغزشهای گذشتگان را دین و افتخار خود بدانند.

3738. سهل بن عبدالله: کسی اراده ندارد مگر اینکه شش خصلت داشته باشد: مخالفت نفس.

مخالفت با هر چیز. به یاد خدا بودن. شیرینی ایمان. رغبت زیاد در نیکو کاری. ترس از گناه.

3739. بعضی گفته اند: انسان مسافر است و باید از شش مرحله بگذرد که سه مرحله را گذرانده: 1 - از نیستی به کمر پدر و پهلوی مادر. خداوند می فرماید: «از بین صلب پدر و استخوانهای پهلوی مادر خارج می شود». 2 - رحم مادر، خدا فرموده است: «خداوند شما را در رحم مادر صورت بخشید». 3 - از رحم به دنیا می آید. خداوند می فرماید: «حمل و شیرخواری او سی ماه بطول می انجامد». و سه مرحله را در پیش دارد: 4 - قبر است که در حدیثی فرموده اند: قبر آخرین منزل دنیا و اولین منزل آخرت است. 5 - محشر، خداوند می فرماید: «در محشر صف کشیده و به خداوند عرضه می شوند». 6 - بهشت یا جهنم، خداوند می فرماید: «گروهی در بهشت و گروهی در جهنم».

ما اینک بسوی مرحله چهارم در حرکت هستیم. و مدت آن به اندازه عمر ماست. روزهای ما فرسنگها و ساعتهای ما میل ها و نفس های ما قدمهای این حرکت است. گروهی چند فرسنگ در پیش دارند و جمعی چند قدم.

3740. خلید: مؤمن را با شش صفت متضاد می بینی: عقیف و پرخواهش، عزیز و ذلیل، بی نیاز و فقیر. از مردم عقیف و از خداوند پرخواهش، در نفس خود عزیز و در مقابل خدا ذلیل، و از مردم بی نیاز و از پروردگار فقیر.

مؤمن از همه بیشتر کمک می کند. و از همه کم هزینه تر است.

3741. ابراهیم ادهم گفت: گروهی به میهمانی من آمدند و گمان کردم آنها ابدال هستند، گفتم:

اندرزی به من بگویند که چون شما از خدا بترسم. گفتند: شش توصیه می کنیم.

أولها: مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ فَلَا يَطْمَعُ فِي رِقَّةِ قَلْبِهِ . وثانيها: مَنْ كَثُرَ نَوْمُهُ فَلَا يَطْمَعُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ .

وثالثها: مَنْ كَثُرَ اخْتِلَاطُهُ مَعَ النَّاسِ فَلَا يَطْمَعُ فِي حَلَاوَةِ الْعِبَادَةِ، ورابعها: مَنْ اخْتَارَ الظَّالِمِينَ فَلَا يَطْمَعُ فِي اسْتِقَامَةِ الدِّينِ . وخامسها: مَنْ كَانَتِ الْغَيْبَةُ وَالْكَذِبُ عَادَتَهُ فَلَا يَطْمَعُ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْإِيمَانِ . وسادسها: مَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ فَلَا يَطْمَعُ فِي رِضَا اللَّهِ .

فَتَأَمَّلْتُ هَذِهِ الْمَوْعِظَةَ فَوَجَدْتُ فِيهَا عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ .

3742. وَقَالَ الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ: قَسَاوَةُ الْقَلْبِ مِنْ سِتَّةِ أَشْيَاءَ:

أولها: يُذْنِبُونَ بِرَجَاءِ التَّوْبَةِ . والثاني: يَتَعَلَّمُونَ وَلَا يَعْمَلُونَ . والثالث: إِذَا عَمِلُوا لَا يُخْلِصُونَ .

والرابع: يَأْكُلُونَ وَلَا يَشْكُرُونَ . والخامس: لَا يَرْضَوْنَ بِقِسْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى . والسادس: يَدْفِنُونَ أَمْوَالَهُمْ وَلَا يَعْتَبِرُونَ .

ص: 330

1 - از کسی که زیاد سخن می گوید، انتظار نرم دلی نداشته باش. 2 - کسی که زیاد می خوابد، انتظار نماز شب نداشته باشد. 3 - کسی که زیاد با مردم در آمیزد، آرزوی شیرینی عبادت نکند. 4 - کسی که با ظالمین همکاری کند، طمع دین داری نکند. 5 - کسی که به غیبت و دروغ عادت کرده است، امید نداشته باشد با ایمان بمیرد. 6 - کسی که خشنودی مردم را می خواهد، خشنودی خدا را نخواهد.

چون در این پندها دقت کردم دیدم علم اولین و آخرین در آن نهفته است.

3742. حسن بصری: سنگ دلی از شش چیز بوجود می آید:

1 - به امید توبه گناه کنند. 2 - آموختن علم و بکار نبستن آن. 3 - عمل بدون اخلاص. 4 - خوردن و شکر نکردن. 5 - راضی نبودن به تقدیر الهی. 6 - دفن کردن مردگان و عبرت نگرفتن.

ص: 331





الباب السابع: في المَوَاعِظِ السَّبْعِيَّاتِ

**باب هفتم: پندهای هفت گانه**

**اشاره**

ص: 333

3743. عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ: أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسَبْعِ: بِاتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ، وَعِيَادَةِ الْمَرِيضِ، وَتَسْمِيَةِ الْعَاطِسِ، وَنُصْرِهِ الْمَظْلُومِ، وَإِفْشَاءِ السَّلَامِ، وَإِجَابَةِ الدَّاعِي، وَإِبْرَارِ الْقَسَمِ (1). (2)

3744. وَنَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُصَلَّى فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ: فِي الْمَرْبَلِ، وَالْمَجْزَوِ، وَالْمَقْبَرِ، وَقَارِعَةِ الطَّرِيقِ (3)، وَفِي الْحَمَامِ، وَفِي مَعَاظِنِ (4) الْإِبِلِ، وَفَوْقَ ظَهْرِ بَيْتِ اللَّهِ. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صَلُّوا فِي مَرَابِضِ (5) الْغَنَمِ، وَلَا تُصَلُّوا فِي أَعْطَانِ الْإِبِلِ (6).

3745. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيٍّ: يَا عَلِيُّ حُرِّمَ مِنَ الشَّيْءِ سَبْعَةٌ أَشْيَاءَ: الدَّمُ، وَالْمَذَاكِيرُ (7)، وَالْمَثَانَةُ، وَالنُّخَاعُ (8)، وَالْغُدُّ، وَالطَّحَالُ، وَالْمَرَاةُ (9).

3746. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيٍّ: يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَانِي فِيكَ سَبْعَ خِصَالٍ: أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَقِفُ عَلَى الصِّرَاطِ مَعِيَ، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يُكْسَى إِذَا كُسِيَتْ وَتَحْيَى إِذَا حَيِّيَتْ، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَسْكُنُ مَعِيَ عَلِّيَّيْنِ، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَشْرَبُ مَعِيَ مِنَ الرَّحِيقِ الْمُخْتَمِ (10) الَّذِي خِتَامُهُ مِسْكٌ (11).

ص: 334

- 1- . أى العمل على طبق يمينه.
- 2- . الخصال، ص 341، ح 2.
- 3- . قارعه الطريق: هى وسطه، وقيل: أعلاه. والمراد به هاهنا نفس الطريق ووجهه (النهاية: 45/4).
- 4- . العطن: وطن الإبل ومبركها حول الحوض (القاموس المحيط: 248/4).
- 5- . ربض الغنم: مأواها (لسان العرب: 149/7).
- 6- . سنن الترمذى، ج 1، ص 217، ح 344. مع اختلافٍ يسير.
- 7- . أى آله الذكوره من القضيب والأنثيين.
- 8- . النخاع: عرق أبيض فى داخل العنق يمتد فى فقار الصلب إلى عجب الذنب.
- 9- . الخصال، ص 341، ح 3.
- 10- . الرحيق: الخالص من الشراب، وعن الخليل: أفضل الخمر وأجودها. والمختوم: أى يختم أوانيه بمسك، يدل عليه قوله تعالى: «خَتَمَهُوْ مِسْكَ» أى آخر ما يجدون منه رائحه المسك (مجمع البحرين: 257/2).
- 11- . الخصال، ص 342، ح 5.

## فصل اول: احادیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

3743. رسول الله صلی الله علیه و آله به هفت کار توصیه فرمودند: تشییع جنازه، عیادت مریض، دعا کردن به کسی که عطسه کند. یاری مظلوم، سلام کردن به همه، قبول کردن دعوت، عمل کردن به سوگند.

3744. رسول الله صلی الله علیه و آله از نماز خواندن در هفت مکان منع فرمودند: زباله دان، کشتارگاه حیوان، مقبره، خیابان، حمام، آبشخوار شتر، بام کعبه.

حضرت فرمودند: در آغل گوسفندان نماز خواندن اشکال ندارد اما در جایگاه شتر نماز نخوانید.

3745. در وصیت به حضرت علی علیه السلام فرمودند: یا علی، از گوسفند هفت جزء حرام است: 1 - خون 2 - بیضه و آلت حیوان 3 - مثانه 4 - نخاع 5 - غدد 6 - طحال 7 - کیسه صفراء.

3746. در وصیت به حضرت علی علیه السلام فرمودند: یا علی، خداوند متعال با وجود تو هفت خصلت به من عطا فرموده است: تو اولین کسی هستی که بعد از من از قبر بیرون خواهی آمد. تو اولین کسی هستی که بر صراط در کنار من خواهی بود. تو اولین کسی هستی که مرا می پوشانی.

زمانی که من زنده می شوم زنده خواهی شد. تو اولین کسی هستی که در عالیترین درجه بهشت با من ساکن می شوی. تو اولین کسی هستی که همراه من از نوشیدنی های بهشت که با مشک مهر و موم شده اند، خواهی نوشید.

3747. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَبَعَهُ يُظِلُّهُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: إِمَامٌ عَادِلٌ، وَشَابُّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُتَعَلِّقٌ بِالْمَسْجِدِ إِذَا خَرَجَ مِنْهُ حَتَّى يَعُودَ إِلَيْهِ، وَرَجُلَانِ كَانَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاجْتَمَعَا عَلَى ذَلِكَ وَتَقَرَّفَا، وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ، وَرَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ حَسَبٍ وَجَمَالٍ فَقَالَ:

إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ، وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالُهُ مَا يَتَصَدَّقُ بِمِثْلِهِ. (1)

3748. وَعَنْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكُمْ بِالزَّبِيبِ؛ فَإِنَّهُ يَكْشِفُ الْمِرَّةَ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَيَشُدُّ الْعَصَبَ، وَيَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ، وَيُحَسِّنُ الْخُلُقَ، وَيُطَيِّبُ النَّفْسَ، وَيَذْهَبُ بِالْغَمِّ. (2)

3749. وَقَالَ أَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَوْصَانِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ دُونِي، وَلَا أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقِي، وَأَوْصَانِي بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ وَالِدُّنُوِّ مِنْهُمْ، وَأَوْصَانِي أَنْ أَقُولَ الْحَقَّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا، وَأَوْصَانِي أَنْ أَصِلَ رَجْمِي وَإِنْ أَدْبَرْتُ (3)، وَأَوْصَانِي أَنْ لَا أَخَافَ فِي اللَّهِ لَوْمَةَ لَائِمٍ، وَأَوْصَانِي أَنْ اسْتَكْبَرْتُ مِنْ قَوْلِي: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»؛ فَإِنَّهَا مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ. (4)

3750. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ، سَبَعَهُ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدِ اسْتَكْمَلَ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ وَأَبْوَابَ الْجَنَّةِ مَفْتُوحَةً لَهُ: مَنْ أَسْبَغَ وُضُوءَهُ، وَأَحْسَنَ صَلَاتَهُ، وَأَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ، وَكَفَّ غَضَبَهُ، وَسَجَنَ لِسَانَهُ، وَاسْتَغْفَرَ لِذَنْبِهِ، وَأَدَّى النَّصِيحَةَ (5) لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ. (6)

3751. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ احْتِسَابًا إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لَهُ سَبْعَ خِصَالٍ:

أَوَّلُهَا: يَذُوبُ الْحَرَامُ مِنْ جَسَدِهِ. وَالثَّانِيَةُ: يَقْرُبُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَالثَّلَاثَةُ: يَكُونُ قَدْ كَفَّرَ خَطِيئَةَ أَبِيهِ آدَمَ. وَالرَّابِعَةُ: يَهْوَنُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - عَلَيْهِ سَبْعَ كِرَاتٍ الْمَوْتِ، وَالْخَامِسَةُ: أَمَانٌ مِنَ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. وَالسَّادِسَةُ: يُطْعِمُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ طَيِّبَاتِ الْجَنَّةِ. وَالسَّابِعَةُ: يُعْطِيهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ. (7)

ص: 336

1- . الخصال، ص 343، ح 7.

2- . الخصال، ص 344، ح 9.

3- . المراد من الأدبار القطع، أى أمرنى بالصلة للرحم وإن قطع؛ كما ورد: «صل من قطعك».

4- . الخصال، ص 345، ح 12.

5- . النصيحة: هى كلمه يعبر بها عن جملة هى إرادته الخير للمنصوح له، وأصل النصح فى اللغة الخلوص (النهاية: 62/5).

6- . الخصال، ص 345، ح 13.

7- . الخصال، ص 346، ح 14.

3747. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند بر روی هفت نفر سایه می افکند در روزی که سایه ای جز سایه رحمت خدا نیست: امام عادل. جوانی که با عبادت خدا رشد کند. کسی که از وقتی که از مسجد خارج می شود تا بازگردد دلش در مسجد است. کسانی که برای عبادت خدا با هم در یک جا جمع می شوند و سپس پراکنده می شوند. کسی که در خلوت از ترس خدا بگرید. مردی که اگر زن زیبا روی او را به هوسرانی دعوت کند بگوید: من از خدا می ترسم. کسی که چنان مخفیانه صدقه بدهد که اگر با دست راست می دهد دست چپ خودش خبر دار نشود.

3748. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کشمش بخورید که: تلخی مزاج را می برد، بلغم [خلط] را می برد، عصب را تقویت می کند، خستگی مفاصل را می برد، اخلاق را خوش می کند، دهان را خوش بو می کند، غصه را می برد.

3749. ابوذر گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله به من توصیه فرمودند: به زیر دست خود بنگرم، به مافوق خود نگاه نکنم، فقیران را دوست داشته باشم و به آنها نزدیک شوم، حق را بگویم گرچه تلخ باشد، به خویشان خود رسیدگی کنم گرچه آنان رابطه برقرار نکنند، و در راه خدا از سرزنش کسی نترسم، لا حول ولا قوه الا بالله العظیم را زیاد بگویم که از گنجهای بهشت است.

3750. فرمودند: یا علی، هفت خصلت اگر در کسی باشد ایمانش کامل و درهای بهشت بروی او باز است: وضوی کامل گرفتن. نیکو نماز خواندن. پرداختن زکات مال. فرو بردن خشم. نگه داشتن زبان. استغفار از گناه. خیرخواهی را نسبت به اهل بیت پیامبر علیهم السلام ادا کند.

3751. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: هر مؤمن که ماه رمضان را برای خاطر خدا روزه بگیرد، خداوند برای او هفت امتیاز قرار می دهد: 1 - حرام را از بدن او ذوب می کند. 2 - به رحمت خدا نزدیک می کند. 3 - کفاره خطاهای پدرش آدم حساب می شود. 4 - خداوند مرگ را بر او آسان می کند. 5 - از گرسنگی و تشنگی قیامت ایمن است. 6 - از غذاهای گوارای بهشت بهره مند شود. 7 - خداوند او را از آتش دوزخ نجات دهد.

3752. وقال رسول الله صلى الله عليه وآله: إني لعنت سبعة لعنهم الله وكل نبي مجاب قبلي، فقيل: ومن هم يا رسول الله؟ قال:

الزائد في كتاب الله، والمكذب بقدر الله، والمخالف لسنن نبي، والمستحل من عترتي ما حرم الله، والمتسلط بالجبر ليعز من أذل الله ويذل من أعز الله، والمستأثر على المسلمين بغيرهم مستحلاً له، والمستحل لما حرم الله والمحرّم ما أحل الله عز وجل. (1)

3753. عن علي عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا غضب الله على أمّة ولم ينزل بها العذاب؛ غلت أسعارها، وقصرت أعمارها، ولم تريح تجارتها، ولم تزك أثمارها، وحبس عنها أمطارها، ولم تجر أنهارها، وسلط عليها أشرارها. (2)

3754. وقال صلى الله عليه وآله: حبي وحب أهل بيتي نافع في سبعة مواطن أهوالهنّ عظيمه: عند الوفاة، وفي القبر، وعند الشور، وعند الكتاب، وعند الحساب، وعند الميزان، وعند الصراط. (3)

3755. وقال صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام: اخصمك بالنبوة ولا نبي بعدى، وتخصم الناس بسبع ولا يحاجك فيهم أحد من قریش: إنك لأنت أولهم إيماناً، وأوفاهم بعهد الله، وأقومهم بأمر الله، وأقسّمهم بالسويّة، وأعدلهم في الرعيّة، وأبصرهم بالقضيّة. (4)، وأعظمهم عند الله مزيّة. (5). (6)

ص: 338

1- . الخصال، ص 349، ح 24.

2- . الخصال، ص 360، ح 48.

3- . الخصال، ص 360، ح 49.

4- . أي بالقضاء بين الناس.

5- . المزيّة: الفضيله، ولا يبنى منه فعل (الصحيح: 249/6): والفضيله أعم من الكرم والشجاعه والسخاء والشرف ونحو ذلك ممّا يمتاز به الإنسان.

6- . الخصال، ص 363، ح 54.

3752. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: من هفت گروه را که خدا و پیامبران آنان را لعنت کرده اند، لعنت می کنم. پرسیدند: آنان کیستند؟ حضرت فرمودند: کسی که به قرآن چیزی اضافه کند.

کسی که تقدیر خداوند را تکذیب کند. مخالف با سنت من. کسی که به عترت من تعدی کند. کسی که با زور بخواهد عزیزان را ذلیل و ذلیل نزد خدا را عزیز کند. ستمگری که اموال مسلمین را به نفع خود ضبط کند. کسی که حلال خدا را حرام یا حرام را حلال کند.

3753. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی که خداوند بر گروهی غضب کند و عذاب نازل نشود: قیمت ها گران می شود. عمرها کوتاه می شود. تجارت آنان سود ندارد. میوه ها نامرغوب می شوند. باران نمی بارد. نهرها خشک می شوند. و افراد شرور بر آنها مسلط می شوند.

3754. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: دوستی من و اهل بیت من در هفت موقعیت وحشتناک مفید است:

هنگام مرگ. در قبر. هنگام زنده شدن. موقع دادن نامه عمل. هنگام حساب. سنجش اعمال. در صراط.

3755. به علی علیه السلام فرمودند: در پیامبری از تو برترم و بعد از من پیامبری نیست. و تو هم در هفت چیز از دیگران برتری و هیچ کس از قریش این امتیازها را ندارد؟

تو اولین مؤمن، و وفادارترین آنها به عهد خدا، و پایدارترین آنها در کار خدا، و برقرار کننده مساوات در تقسیم اموال، و عادل ترین آنها با مردم، و داناترین مردم در قضاوت، و والاترین آنها نزد خدا هستی.

3756. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الشَّهْدَاءُ سَبْعَةٌ سِوَى الْمَقْتُولِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: الْمَبْطُونُ شَهِيدٌ، وَالْمُحْتَرَقُ شَهِيدٌ، وَالْمَيِّتُ تَحْتَ الْهَدَمِ شَهِيدٌ، وَالْغَرِيقُ، وَصَاحِبُ ذَاتِ الْجَنْبِ (1) شَهِيدٌ، وَالْمَطْعُونُ (2)، وَالْمَرْأَةُ إِذَا مَاتَتْ عَلَى الْوِلَادَةِ... (3)

3757. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَبْعَةُ بُيُوتٍ لَا تَنْزِلُ عَلَيْهَا الرَّحْمَةُ: بَيْتٌ فِيهِ مُطْلَقَةٌ (4)، وَبَيْتٌ فِيهِ عَاصِيَةٌ لِزَوْجِهَا، وَبَيْتٌ فِيهِ خِيَانَةٌ لِلْأَمَانَةِ، وَبَيْتٌ فِيهِ مَالٌ لَا يُرَكَّى، وَبَيْتٌ فِيهِ وَصِيَّةٌ لِلْمَيِّتِ، وَبَيْتٌ فِيهِ خَمْرٌ، وَبَيْتٌ فِيهِ امْرَأَةٌ سَارِقَةٌ لِمَالِ زَوْجِهَا....

3758. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ الْخَمْسَ، وَاجْتَنَبَ الْكَبَائِرَ السَّبْعَ، نُوْدِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنْ أَيِّ بَابٍ شَاءَ.

قال الراوى: ما هي الكبائر السبع؟ قال صلى الله عليه وآله: الشرك بالله، وعقوق الوالدين، وقذف المحصنات (5)، والقتل، والفراغ من الرِّحْفِ، وأكل مال اليتيم، والزنا. (6)

3759. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَنْظُرُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى سَبْعَةٍ نَفَرٍ وَيُؤْمَرُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ: اللَّوْطِيُّ (7)، وَالَّذِي يُمْنَى بِيَدِهِ، وَالَّذِي يَأْتِي الْبَهَائِمَ، وَالَّذِي فَجَرَ بِغُلَامٍ (8)، وَالَّذِي يَجْتَمِعُ مَعَ ابْنِهِ زَوْجَتِهِ، وَالَّذِي يَزْنِي بِالْجَارِ، وَالَّذِي يُؤْذِي الْجَارَ....

ص: 340

- 1- . ذات الجنب: هي الدبيلة والدملته الكبيره التي تظهر في باطن الجنب وتنفجر إلى داخل، وقلما يسلم صاحبه (النهايه: 293/1).
- 2- . يقال: طعن الرجل فهو مطعون وطعين: إذا أصابه الطاعون؛ وهو المرض العام والوباء الذي يفسد له الهواء فتفسد به الأمزجه والأبدان (النهايه: 127/3).
- 3- . المحلّي، ج 11، ص 108.
- 4- . لعل المراد من كانت مكرهه زوجها للطلاق وكانت سبباً لذلك، أو مطلق المطلقه.
- 5- . المحصنات: أى المتعفّفات، أو ذوات البعول، وقذفهنّ عبارة عن نسبه الزنا أو السحق إليهنّ.
- 6- . الدرّ المنثور، ج 2، ص 146.
- 7- . اللوطي: الذي يلوط أو يفعل به ذلك.
- 8- . أى لاط به وأوقبه، وذلك قرينه على أنّ اللوطي هو من يفعل به.



## فصل دوم: روایات اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله

3756. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: جز کشته شدگان در راه خدا، شهیدان هفت گروه هستند: کسی که با دل درد بیمرد. سوخته. زیر آوار. غرق شده. کسی که با سینه پهلو بمیرد. کسی که با طاعون بمیرد. زنی که هنگام زایمان بمیرد.

3757. فرمودند: در هفت خانه رحمت نازل نمی شود: خانه ای که زن مطلقه در آن است. خانه ای که زن نافرمان از شوهر باشد. خانه ای که در آن به امانت خیانت کنند. خانه ای که در آن مال زکات نپرداخته باشد. خانه ای که در آن وصیت برای میت باشد [که عمل نکرده اند].

خانه ای که شراب وجود داشته باشد. خانه ای که زن از مال شوهر سرقت کند.

3758. فرمودند: به کسی که نماز پنج گانه بجا آورد و از هفت گناه دوری کند در قیامت ندا می دهند:

از هر دری که می خواهی وارد بهشت شو. پرسیدند: هفت گناه کدام است؟ فرمودند: شرک به خدا، عاق والدین، نسبت زنا دادن به زنان پاکدامن، قتل، فرار از جنگ، خوردن مال یتیم، زنا.

3759. فرمودند: روز قیامت خداوند به هفت نفر نظر نمی کند و دستور می دهد آنها را به دوزخ اندازند: لواط دهنده، کسی که با دست استمناء کند، کسی که با حیوانات نزدیکی کند، لواط کننده، کسی که با دختر همسرش نزدیکی کند، کسی که با همسایه زنا کند، کسی که همسایه خود را آزار دهد.

3760. وقال صلى الله عليه وآله: لعن الله سبعه؛ كل واحد ثلاث مرات: ملعون ملعون ملعون من عمل قوم لوط، ملعون - ثلاثاً - من أتى بهيمه، ملعون - ثلاثاً - من شتم والديه، ملعون - ثلاثاً - من سرق نخوم الأرضين (1)، ملعون ملعون ملعون من جمع بين امرأه وأمه، ملعون - ثلاثاً - من ادعى إلى غير أبيه، ملعون - ثلاثاً - من ذبح لغير الله. (2)

3761. وقال النبي صلى الله عليه وآله: سبعه أسباب يكتب للعبد ثوابها بعد وفاته: رجل غرس نخلاً، أو حفر بئراً، أو أجرى نهراً، أو بنى مسجداً، أو كتب مصحفاً، أو ورث علماً، أو خلف ولدًا صالحاً يستغفر له بعد وفاته. (3)

3762. وقال صلى الله عليه وآله: يا علي، تمتى جبرئيل أن يكون من بنى آدم بسبع خصال: وهي الصلاة في الجماعة، ومجالسة العلماء، والصلح بين الاثنين، وإكرام اليتيم، وعيادة المريض، وتشيع الجنائز، وسقى الماء في الحج؛ فأحرص على ذلك.

3763. وقال النبي صلى الله عليه وآله: يا علي، إن الله أعطى شيعتك سبع خصال: الرفق عند الموت، والأنس عند الوحشه، والتور عند الظلمه، والأمن عند الفزع (4)، والقسط عند الميزان، والجواز على الصراط، ودخول الجنة قبل الأمم بأربعين عاماً. (5)

3764. وعنه صلى الله عليه وآله أنه قال: إنا أهل البيت اعطينا سبع خصال لم تجمع لأحد بعدنا: الصباحة (6)، والفصاحة، والسماحة، والشجاعة، والعلم، والحلم، والمحبة في النساء. (7)

3765. وقال صلى الله عليه وآله: سبع خصال من عمل بها من امتي حشره الله مع النبيين والصديقين والشهداء والصالحين.

فقيل: وما هي يا رسول الله؟ فقال: من زود حاجاً، وأعان ملهوفاً، ورعى يتيماً، وهدى ضالاً، وأطعم جائعاً، وأروى عطشاناً، وصام في يوم حرّ شديد. (8)

ص: 342

1- . نخوم الأرض: أى معالمها وحدودها، واحدها نخم. وقيل: أراد بها حدود الحرام خاصه. وقيل: هو عام في جميع الأرض، وأراد المعالم التى يهتدى بها فى الطرق. وقيل: هو أن يدخل الرجل فى ملك غيره فيقطعها ظلماً (النهاية: 1/1800). والمراد من السرقة أن يدخل أحد الشريكين حدود الأرض فى ملكه ويجعل الحد فى ملك صاحبه.

2- . المستدرک، ج 4، ص 356.

3- . مجموعه ورام، ج 2، ص 110.

4- . أى فزع القيامة.

5- . الخصال، ص 403، ح 112. فيه «ودخول الجنة قبل الناس، نورهم يسعى بين أيديهم وأيمانهم».

6- . الصباحة: الجمال (القاموس المحيط: 1/233).

7- . النوادر للراوندى، ص 123.

8- . معدن الجواهر، ص 62.

3760. فرمودند: خداوند هفت گروه را سه بار لعنت فروده است: ملعون است ملعون است ملعون است کسی که لواط کند. ملعون است ملعون است ملعون است کسی که با حیوانات نزدیکی کند. ملعون است ملعون است ملعون است کسی که به پدر و مادرش دشنام دهد. ملعون است ملعون است ملعون است کسی که با دختر و مادرش جمع کند [ازدواج کند]. ملعون است ملعون است ملعون است کسی که زمین سرقت کند. ملعون است ملعون است ملعون است کسی که خود را به غیر پدرش نسبت دهد. ملعون است ملعون است ملعون است کسی که هنگام سر بریدن حیوان نام غیر خدا را ببرد.

3761. فرمودند: ثواب هفت عمل بعد از مرگ هم ثبت می شود: کاشت نخل، حفر چاه آب، جاری کردن نهر، ساخت مسجد، نوشتن قران، باقی گذاشتن علم، باقی گذاشتن فرزند صالح که برایش استغفار کند.

3762. فرمودند: یا علی، جبرئیل برای هفت عمل آرزو داشت انسان باشد: نماز جماعت. همنشینی با علماء. آشتی بین دو نفر. سرپرستی یتیم. عیادت مریض. تشییع جنازه. آب دادن به حجاج. پس در این کارها کوشا باش.

3763. فرمودند: یا علی، خداوند به شیعیان تو هفت امتیاز داده است: راحتی هنگام مرگ، آرامش هنگام وحشت، نور در هنگام ظلمت، ایمنی در قیامت، کمک در میزان، عبور از صراط، ورود بهشت چهل سال قبل از بقیه امتها.

3764. فرمودند: به اهل بیت ما هفت ویژگی داده شده که هرگز در کسی بعد از ما جمع نمی شود:

جمال، فصاحت، کرامت، شجاعت، علم، بردباری، علاقه به همسر.

3765. فرمودند: کسی که به هفت کار مشغول شود خداوند او را با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان محشور کند. پرسیدند: چه کارهایی یا رسول الله؟

فرمودند: کسی را به حج بفرستد، به ستمدیده ای کمک کند، یتیمی را سرپرستی کند، گمراهی را هدایت کند، گرسنه ای را سیر کند، به تشنه ای آب بدهد، در روز گرم روزه بگیرد.

3766. قَالَ اللَّهُ: يَا أَحْمَدُ، أَلَمْ تَعَلِّمْ مَتَى يَكُونُ الْعَبْدُ عَابِدًا؟ قَالَ: لَا، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِذَا اجْتَمَعَ فِيهِ سَبْعُ خِصَالٍ:

وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ، وَصَمْتٌ يَكْفُهُ عَمَّا لَا يَعْنِيهِ، وَخَوْفٌ يَزِدَادُ كُلَّ يَوْمٍ فِي بُكَائِهِ، وَحَيَاءٌ يَسْتَحْيِي مَنِّي فِي الْخَلَاءِ، وَأَكْلٌ مَا لَا يَبْدَأُ مِنْهُ، وَيُبْغِضُ الدُّنْيَا لِبُغْضِي لَهَا، وَيُحِبُّ الْأَخْيَارَ. (1)

3767. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ طَيِّبَةً بِهَا نَفْسُهُ لِلَّهِ تَعَالَى لَا يُرِيدُ بِهِ سِوَاهُ؛ سَمِيَ فِي سَمَاءِ الدُّنْيَا سَخِيًّا، وَفِي الثَّانِيَةِ جَوَادًا، وَفِي الثَّلَاثَةِ مُطِيعًا، وَفِي الرَّابِعَةِ بَارًّا، وَفِي الْخَامِسَةِ مُعْطِيًّا، وَفِي السَّادِسَةِ مُبَارَكًا مَحْفُوظًا عَلَيْهِ، وَفِي السَّابِعَةِ مَغْفُورًا.

وَمَنْ لَمْ يُؤَدِّ الزَّكَاةَ سَمِيَ فِي سَمَاءِ الدُّنْيَا بَخِيلًا، وَفِي الثَّانِيَةِ لَيْمًا، وَفِي الثَّلَاثَةِ مُمَسِّكًا، وَفِي الرَّابِعَةِ مَمْقُوتًا (2)، وَفِي الْخَامِسَةِ عَابِسًا، وَفِي السَّادِسَةِ مَنْزُوعًا بَرَكَهَ مَالِهِ غَيْرَ مَحْفُوظٍ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ وَلَا جَبَلٍ، وَفِي السَّابِعَةِ مَرْدُودًا عَلَيْهِ صَلَاتُهُ مَضْرُوبًا بِهَا وَجْهُهُ. (3)

3768. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الدُّنْيَا دَارٌ لِمَنْ لَا دَارَ لَهُ، وَمَالٌ لِمَنْ لَا مَالَ لَهُ، وَلَهَا يَجْمَعُ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ، وَيَطْلُبُ شَهْوَاتِهَا مَنْ لَا فَهْمَ لَهُ، وَعَلَيْهَا يُعَاقِبُ مَنْ لَا عِلْمَ لَهُ، وَلَهَا يَحْسُدُ مَنْ لَا بَقَاءَ لَهُ، وَلَهَا يَسْعَى مَنْ لَا يَقِينَ لَهُ. (4)

3769. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا زَالَ جَبْرِيْلٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُوَصِّنِي بِالنِّسَاءِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ يُحَرِّمُ طَلَاقَهُنَّ، وَمَا زَالَ يُوصِّنِي بِالمَمَالِكِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ يُجْعَلُ لَهُمْ وَقْتًا يُعْتَقُوا فِيهِ، وَمَا زَالَ يُوصِّنِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ يُجْعَلُ لِي وَاثِرًا، وَمَا زَالَ يُوصِّنِي بِالسُّوَاكِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ فَرِيضَةٌ، وَمَا زَالَ يُوصِّنِي بِالصَّلَاةِ فِي الْجَمَاعَةِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ الْإِنْفِي الْجَمَاعَةِ، وَمَا زَالَ يُوصِّنِي بِذِكْرِ اللَّهِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ لَا يَنْفَعُ قَوْلٌ إِلَّا بِهِ، وَمَا زَالَ يُوصِّنِي بِقِيَامِ اللَّيْلِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ لَا نَوْمَ بِاللَّيْلِ. (5)

ص: 344

1- . مسند الرضا، ص 82.

2- . مَقْتَهُ: أَبْغَضُهُ، فَهُوَ مَقِيْتُ وَمَمْقُوتٌ (الصحيح: 266/1).

3- . مستدرک الوسائل، ج 7، ص 12، ح 7522، نقلًا عن لبّ اللباب لقطب الدين الراوندى.

4- . كشف الخفاء، العجلوني، ج 1، ص 410، ح 1315.

5- . تفسير القرطبي، ج 5، ص 191 و من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 13 مع اختلافٍ يسير.

3766. خداوند فرمود: یا احمد، آیا می دانی چه موقع بنده ای عابد می شود؟ فرمودند: نه.

خداوند فرمود: زمانی که هفت خصلت داشته باشد: پروایی [تقوا] که او را از حرام باز دارد. سکوتی که او را از گفتار بیجا بازدارد. ترسی که هر روز بر گریه او بیفزاید. حیاء که در خلوت از من شرم کند. خوردن به مقدار ضروری. نفرت از دنیا برای نفرت من از آن.

دوست داشتن نیکان.

3767. رسول الله فرمودند: کسی که زکات مالش را با میل قلبی برای خدا بدهد و هدف دیگر نداشته باشد در آسمان اول سخاوتمند، و در آسمان دوم جواد، و در آسمان سوم مطیع، و در آسمان چهارم نیکوکار، و در آسمان پنجم بخشنده، و در آسمان ششم مبارک، و بیمه شده و در آسمان هفتم آمرزیده، خوانده می شود.

و کسی که زکات ندهد در آسمان دنیا بخیل، و در آسمان دوم پست، و در آسمان سوم خودداری کننده، و در آسمان چهارم غضب شده، و در آسمان پنجم روی در هم کشیده، و در آسمان ششم بی برکت و مالش در خشکی و دریا و کوه بدون نگهبان است. و در آسمان هفتم نمازش رد شده و به صورت او زده شده است.

3768. فرمودند: دنیا خانه کسی است که خانه ندارد. و مال کسی است که مال ندارد. کسی که عقل ندارد برای دنیا ذخیره می کند. و کسی که فهم ندارد بدنبال شهوات آن می رود. و نادان برای رسیدن دنیا شکنجه کند. و کسی که ناپایدار است برای دنیا حسد ورزد. و کسی که یقین ندارد برای دنیا تلاش کند.

3769. فرمودند: جبرئیل چندان سفارش زنان را فرمود که من گمان کردم طلاق دادن آنان حرام باشد. و آنقدر سفارش بردگان فرمود که گمان کردم وقتی معین می کند خود آزاد شوند. و به حدی همسایه را توصیف نمود که تصور کردم ارث می برد. و آنقدر تأکید بر مسواک داشت که گمان کردم واجب است. و آنقدر توصیه به نماز جماعت نمود که گمان کردم نماز بدون جماعت را خدا نمی پذیرد. و آنقدر به یاد خدا توصیه کرد که گمان کردم سخنی جز یاد خدا فایده ندارد. و آنقدر توصیه به نماز شب کرد که گمان کردم شب نباید خوابید.

3770. رُوِيَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِدَفْعِ كُلِّ دَاءٍ إِلَى السَّنَةِ الْقَابِلَةِ سَبْعُ سِنِينَ (1): تَكَتَبُ بِمَاءِ الْوَرْدِ وَالزَّعْفَرَانِ وَالْمِسْكِ عَلَى ظَرْفِ صَيْبِي (2) يَوْمَ النَّيروزِ وَيُشْرَبُ، وَهِيَ هَذِهِ: «سَلِّمْ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ»، «سَلِّمْ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَلَمِينَ»، «سَلِّمْ عَلَى إِبْرَاهِيمَ»، «سَلِّمْ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ»، «سَلِّمْ عَلَى إِبْرَاهِيمَ»، «سَلِّمْ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَلْدِينَ»، «سَلِّمْ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ».

3771. رُوِيَ عَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: الْمُؤْمِنُ مَن طَابَ مَكْسَبُهُ، وَحَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ، وَصَحَّتْ سَرِيرَتُهُ، وَأَنْفَقَ الْفَضْلَ مِمَّا مَالَهُ، وَأَمْسَكَ الْفَضْلَ مِمَّا قَوْلُهُ، وَكَفَى النَّاسَ مِنْ شَرِّهِ، وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِمَّنْ نَفْسِهِ (3).

3772. وَعَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: سَبْعَةٌ لَا يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ: الرَّاحِعُ، وَالسَّاجِدُ، وَفِي الْكَنَيْفِ (4)، وَفِي الْحَمَامِ، وَالْجُنْبُ، وَالْحَائِضُ، وَالنَّفْسَاءُ (5).

3773. وَسُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَثْقَلُ مِنَ السَّمَاءِ؟ وَمَا أَوْسَعُ مِنَ الْأَرْضِ؟ وَمَا أَغْنَى مِنَ الْبَحْرِ؟ وَمَا أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ؟ وَمَا أَحْرُّ مِنَ النَّارِ؟ وَمَا أَبْرَدُ مِنَ الزَّمْهَرِيرِ؟ وَمَا أَمْرٌ مِنَ السَّمِّ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْبُهْتَانُ عَلَى الْبَرِيِّ أَثْقَلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَالْحَقُّ أَوْسَعُ مِنَ الْأَرْضِ، وَقَلْبُ الْفَانِعِ أَغْنَى مِنَ

ص: 346

1- . أي سبع كلمات أو آيات أولها سين.

2- . الصيبي: الأنيه المنسوبه إلى «الصين»، يسمى بالفارسيه «چيني» في قبال الظروف المصنوعه من الحديد أو الحجر أوغير ذلك.

3- . الخصال، ص 351، ح 30.

4- . الكنيف: الخلاء (لسان العرب: 310/9).

5- . الخصال، ص 357، ح 42.

## فصل سوم: احادیثی از امیرالمؤمنین و امام صادق علیهما السلام

3770. از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است، برای دور کردن بلا تا سال بعد، نوروز هفت سین را با گلاب و زعفران و مشک بر ظرف چینی بنویسند و بنوشند، هفت سین عبارتند از:

1 - سلام قولاً من ربِّ رحیم [سلام گفتار پروردگار مهربان است].

2 - سلام علی نوح فی العالمین [سلام بر نوح در جهانیان]

3 - سلام علی ابراهیم [سلام بر ابراهیم]

4 - سلام علی موسی و هارون [سلام بر موسی و هارون]

5 - سلام علی آل یاسین [سلام بر الیاس]

6 - سلام علیک طبتم فادخلوها خالدین [سلام بر شما وارد بهشت شوید و جاودان بمانید].

7 - سلام هی حتی مطلع الفجر [سلامت است شب قدر تا طلوع فجر].

3771. امیرالمؤمنین علیه السلام: مؤمن کسی است که: کسب حلال، و اخلاق خوش، و باطن پاک دارد. و مال اضافه خود را می بخشد. و سخن اضافه نمی گوید. و به مردم شر نمی رساند. و با دیگران انصاف دارد.

3772. امیرالمؤمنین علیه السلام: هفت نفر قرآن قرائت نکنند: در حال رکوع، در سجده، در توالی، در حمام، جُنُب، حائض، و زنی که در نفاس است.

3773. از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند: چه چیزی سنگین تر از آسمان و پهناورتر از زمین و بی نیازتر از دریا و سخت تر از سنگ و داغ تر از آتش و سردتر از زمهریر و تلخ تر از سمّ است؟

فرمودند: تهمت به بی گناه، سنگین تر از آسمان، و حق وسیع تر از زمین، و قلب قانع

البحر، وَقَلْبُ الْمُنَافِقِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ، وَالسُّلْطَانُ الْجَائِرُ أَحْرَقَ مِنَ النَّارِ، وَالْحَاجَةُ إِلَى الْبَخِيلِ أَبْرَدُ مِنَ الرَّمْهَرِيرِ، وَالصَّبْرُ أَمْرٌ مِنَ السَّمِّ.

3774. وَرَوَى عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ قَالَ: الْعِلْمُ أَفْضَلُ مِنَ الْمَالِ بِسَبْعَةٍ:

الأوَّلُ: إِنَّ الْعِلْمَ مِيرَاثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَالُ مِيرَاثُ الْفِرَاعِنَةِ.

الثَّانِي: الْعِلْمُ لَا يَنْقُصُ بِالْتَّفَقُّهِ، وَالْمَالُ يَنْقُصُ بِهَا.

الثَّلَاثُ: يَحْتَاجُ الْمَالُ إِلَى الْحَافِظِ، وَأَمَّا الْعِلْمُ يَحْفِظُ صَاحِبَهُ.

الرَّابِعُ: الْعِلْمُ يَدْخُلُ فِي الْكَفَنِ، وَالْمَالُ لَا يَدْخُلُ.

الخَامِسُ: الْمَالُ يَحْصُلُ لِلْمُؤْمِنِ وَالْكَافِرِ، وَالْعِلْمُ لَا يَحْصُلُ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ (1).

السَّادِسُ: جَمِيعُ النَّاسِ يَحْتَاجُونَ إِلَى الْعِلْمِ فِي أُمُورِ دِينِهِمْ، وَلَا يَحْتَاجُونَ إِلَى صَاحِبِ الْمَالِ.

السَّابِعُ: الْعِلْمُ يَقْوَى صَاحِبَهُ عَلَى الْمُرُورِ عَلَى الصَّرَاطِ، وَالْمَالُ يَمْنَعُهُ (2).

3775. يَا أَهْلَ الْغُرُورِ! مَا أَلْهَجَكُمْ (3) بِدَارِ خَيْرِهَا زَهِيدٌ (4)، وَشَدَّ رُهَا عَتِيدٌ، وَنَعِيمُهَا مَسْلُوبٌ [وَعَزِيْزُهَا مَنْكُوبٌ] وَمُسَالِمُهَا مَحْرُوبٌ،

وَمَالِكُهَا مَمْلُوكٌ، وَتَرَاثُهَا مَتْرُوكٌ (5).

3776. نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ، وَمَحَاطَةُ الرَّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَيَسَابِغُ الْحُكْمِ، وَمَعَادِنُ الْعِلْمِ، نَاصِرُونَ وَمُحِبُّونَ يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ، وَعَدُونَا

وَمُبْغِضُنَا يَنْتَظِرُ السَّطْوَةَ (6).

3777. الْمُؤْمِنُ دَابَّةٌ زَهَادَةٌ، وَهَمُّهُ دِيَانَتُهُ، وَعِزُّهُ قَنَاعَتُهُ، وَجِدُّهُ لَأَخِرَتِهِ، قَدْ كَثُرَتْ حَسَنَاتُهُ، وَعَلَتْ دَرَجَاتُهُ، وَشَارَفَ خَلَاصُهُ وَنَجَاتُهُ (7).

3778. عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ الرَّبِيعِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةٌ حُقُوقٍ وَاجِبَةٌ لَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ

وَجَلَّ، وَاللَّهُ سَائِلُهُ مَا صَنَعَ فِيهَا: الْإِجْلَالُ لَهُ فِي عَيْنِهِ، وَالْوُدُّ لَهُ فِي صَدْرِهِ (8)، وَالْمُؤَاسَاةُ لَهُ

ص: 348

1- . الظاهر أنَّ المراد هو علم الدين من المعارف الإلهية والأحكام والأخلاق؛ لأنَّ العلم في الاصطلاح والأخبار ذلك، والباقي فضل كما في الحديث.

2- . منيه المريد، ص 110.

3- . أَلْهَجَ: أُولِعَ بِهِ وَاعْتَادَهُ (لسان العرب: لهج).

4- . الرَّهِيدُ: الْقَلِيلُ (أقرب الموارد: زهد).

5- . عيون الحكم والمواعظ، ص 556.

6- . نهج البلاغ، ج 1، ص 215.



7- . تصنيف غررالحكم، ص 90، ح 1542.

8- . الإجلال له في العين، والودّ له، وأن يحبّ له ما يحبّ لنفسه امورٌ قلبيه لابدّ من تحصيلها وإن كانت صعبه لأنّ مقدماتها اختياريه، وكذا كلّ ما كان من الأمور القلبيه كالأمور الاعتقاديه، وكحبّ الله وحبّ أوليائه وبغض أعدائه، وكذا تزكيه النفس عن الصفات الرذيله الكامنه في النفس أعاننا الله على ذلك.

بی نیازتر از دریا، و قلب منافق سخت تر از سنگ، و فرمانروای ستمگر سوزان تر از آتش، و نیاز به بخیل سردتر از زمهریر، و صبر تلخ تر از سم است.

3774. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: علم از ثروت بهتر است به هفت دلیل:

1 - علم میراث پیامبران است و مال میراث فرعون ها. 2 - علم با دادن به دیگران کم نمی شود ولی ثروت کم می شود. 3 - علم تو را حفظ می کند ولی تو باید ثروت را حفظ کنی. 4 - علم پس از مرگ هم مفید است، ثروت مفید نیست. 5 - ثروت را مؤمن و کافر بدست می آورند ولی علم فقط بدست مؤمن می رسد. 6 - همه مردم در امور دینی به علم نیاز دارند ولی به ثروت نیاز ندارند. 7 - علم صاحب خود را در عبور از صراط یاری می دهد ولی ثروت مشکل آفرین است.

3775. فرمودند: ای مردم فریب خورده! چه چیزی شما را به خانه ای [دنیا] عادت داده است. که خیر آن اندک، و شر آن مداوم، و نعمتهایش ناپایدار، و عزت آن سرکوب شده، و سلامتی آن نا امن، و مالک آن مملوک، و میراث آن رها شده است.

3776. فرمودند: ما اهل بیت درخت نبوت و جایگاه رسالت و محل تردد فرشتگان و چشمه های حکمت و معدن علم هستیم. دوستان و یاران ما در انتظار رحمت، و دشمن و مخالف ما در انتظار بدبختی هستند.

3777. فرمودند: مؤمن کسی است که: رفتارش زهد و همش دیانت و عزتش قناعت و تلاش او برای آخرت است. نیکی او بسیار و درجات او والا و در شرف خلاصی و نجات است.

3778. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند برای مؤمن هفت حق بر مؤمن قرار داده است و از او سؤال خواهد کرد که چه کرده است ؟

او را در حضورش احترام کند. در قلب او را دوست داشته باشد، از نظر مالی به او کمک کند. آنچه برای خود می پسندد برای او هم پسندد. غیبت او را حرام بدانند. در

فى ماله ، وأن يُحبَّ له ما يُحبُّ لنفسه ، وأن يُحرِّمَ غيبتهُ ، وأن يعودَه فى مرضه ، وأن يُشيعَ جنازتهُ ، وأن لا يقولَ بعدَ موتهِ إلاّ خيراً. (1)

3779. وعنه عليه السلام قال: المؤمنون على سبع درجات: صاحبُ درجته منهم فى مزيدٍ من الله عز وجل لا يُخرجهُ ذلكَ المزيّدُ من درجته إلى درجته غيره، [و] منهم شُهداءُ الله على خلقه ، ومنهم الثّجباءُ ، ومنهم الممتحنه (2) ، ومنهم النّجداء (3) ، ومنهم أهل العبر (4) ، ومنهم أهل التّقوى ، ومنهم أهل المغفره (5).

خاتمه

3780. قال الإمامُ عليُّ بنُ موسى الرضا عليه السلام: سبعةُ أشياء من الاستهزاء: من استغفرَ الله بلسانه ولم يندم قلبه فقد استهزأ بنفسه ، ومن سألَ الله التّوفيقَ ولم يجتهد فقد استهزأ بنفسه ، ومن سألَ الله الجنه ولم يصبر على الشّدائد فقد استهزأ بنفسه ، ومن تَعوَّذَ بالله من النار ولم يترك شَهواتِ الدنيا فقد استهزأ بنفسه ، ومن ذكّر الموت ولم يستعد له فقد استهزأ بنفسه ، ومن ذكّر الله ولم يشق إلى لقائه فقد استهزأ بنفسه ، ومن أصرَّ على المعاصى وطلبَ العفو من ربه ولم يتب فقد استهزأ بنفسه (6).

3781. وروى عن العالم عليه السلام أنّه قال: سبعٌ من كُنَّ فيه فقد استكملَ حقيقه الإيمان وفُتحت له أبواب الجنان: من أسبغَ وضوءه ، وأحسنَ صلاته ، وأدى زكاة ماله ، وكفَّ غضبه ، وسجنَ لسانه ، وتقّه لدينه ، وأدى النّصيحة لأهل بيته عليهم السلام.

وأصولُ مُعامله النفس سبعة: الجُهد (7) ، والخوفُ ، وحملُ الأذى ، والرّياضه ، وطلبُ الصّدق ، والإخلاصُ ، وإخراجها من محبوبها ، وربطها فى الفقر.

ص: 350

1- . جامع الأخبار، ص 85.

2- . الذين اختبروا بالبليه.

3- . النّجد: الشجاع الماضى فيما يعجز غيره.

4- . أى الذين يعتبرون من الدنيا وأحوالها.

5- . الخصال، ص 352، ح 31.

6- . معدن الجواهر، ص 59.

7- . الجُهد - بالضم - : الطاقه والمشقه؛ أى حملها على ما يشق عليها.

بیماری از او عیادت کند. در تشییع جنازه او شرکت کند. پس از مرگ او هم جز خوبی چیزی از او نگوید.

3779. امام صادق علیه السلام فرمودند: مؤمنان هفت درجه هستند که صاحب هر درجه از الطاف خداوند برخوردار است و امتیاز ویژه دارد:

گروهی شهیدان خدا بر خلق هستند. گروهی نجیب، و گروهی آزموده شده، و گروهی شجاعان، و گروهی اهل عبرت، و گروهی اهل تقوی، و گروهی اهل آمرزش.

خاتمه

3780. حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: هفت چیز مسخره هست:

کسی که با زبان استغفار کند، ولی قلب او پشیمان نباشد، خود را مسخره کرده است.

کسی که از خداوند توفیق بخواهد، ولی کوشش نکند، خود را مسخره کرده است.

کسی که از خداوند بهشت درخواست کند، ولی در سختی ها صبر نکند، خود را مسخره کرده است.

کسی که از آتش به خداوند پناه برد، ولی شهوت را ترک نکند، خود را مسخره کرده است.

کسی که به یاد مرگ باشد، ولی خود را آماده برای مرگ نکند، خود را مسخره کرده است.

کسی که به یاد خدا باشد، ولی شوق دیدار او ندارد، خود را مسخره کرده است.

کسی که از پروردگار عفو می خواهد، ولی بر گناه اصرار دارد، خود را مسخره کرده است.

3781. از امام رضا علیه السلام روایت شده است: هفت خصلت در هر کس باشد ایمان او کامل و درهای بهشت به روی او باز می شود: وضویش را نیکو، و نمازش را با حضور قلب بجا آورد.

زکات مالش را بپردازد. خشم خود را کنترل کند. و زبانش را حبس کند. و دین خود را بیاموزد. و حق اهل بین پیامبر علیهم السلام را ادا کند.

اصول کنترل نفس هفت چیز است: کوشش، و ترس، و تحمل اذیت، و تحمل مشکلات به دنبال صداقت بودن، و اخلاص و خارج کردن نفس از کارهایی که دوست دارد، و تمرین دادن نفس به فقر.

وأصولُ مُعامَلِهِ الخَلْقِ سَبْعَةٌ: الحِلْمُ، والعَفْوُ، والتَّوَأُّعُ، والسَّخَاءُ، وَالشَّفَقَةُ، والنُّصْحُ، والعَدْلُ، وَالإِنصَافُ.

وأصولُ مُعامَلاتِ الدُّنْيَا سَبْعَةٌ: الرِّضَى بالدُّونِ، وَالإِثَارُ بالمَوْجودِ، وَتَرَكَ طَلَبِ المَفقودِ، وَبُغْضِ الكَثْرَةِ، وَاخْتِيَارُ الزُّهدِ، وَمَعْرِفَةُ آفاتِها، وَرَفْضُ شَهواتِها، مَعَ رَفْضِ الرِّئاسَةِ.

فَإِذَا جُعِلَتْ هَذِهِ الخِصَالُ بِحَقِّها في نَفْسٍ، فَهِيَ مِنَ خاصَّةِ اللَّهِ وَعِبادِهِ المُقَرَّبِينَ وَأولِيائِهِ. (1)

3782. وَقَالَ سَدِّ لِمَانُ الفارِسِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: لا يَخْلُو البَخِيلُ مِنْ إِحْدَى سَبْعٍ: إِما أَنْ يَموتَ وَيرِثَهُ مَنْ بَعْدَهُ وَيُنْفِقُهُ في غَيْرِ طاعَةِ اللَّهِ، أَوْ يُسَلِّطَ اللَّهُ جَائِراً فَيَأْخُذُهُ مِنْهُ بَعْدَ تَدْلِيلِ نَفْسِهِ، أَوْ تَهيجَ بِهِ شَهْوَةٌ تُفسِدُ عَلَيْهِ مالَهُ، أَوْ يَدُو لَهُ رَأْيٌ في بِناءِ دارِهِ أَوْ عِمارِهِ خَرابٌ فَيَذْهَبَ فيهِ مالُهُ، أَوْ يُصِيبُهُ نَكْبَةٌ مِنَ نَكباتِ الدُّنْيَا أَوْ عَرَقٌ أَوْ حَرَقٌ أَوْ سَرِقَةٌ وَما أَشَبَّهُ ذَلِكَ، أَوْ يُصِيبُهُ عِلَّةٌ دائِمَةٌ فَيُنْفِقَ مالَهُ في أَدويَةٍ، أَوْ يَدْفِنُهُ في مَوْضِعٍ مِنَ المَواضِعِ فَيَنسَاهُ فلا يَجِدُهُ.

3783. وَعَنْ بَعْضِ الحُكَماءِ: العَجَبُ كُلُّ العَجَبِ لِمَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَلَمْ يُطعُهُ، وَلِمَنْ رَجَا ثَوابَهُ وَلَمْ يَعمَلْ لَهُ، وَلِمَنْ خَافَ عِقابَهُ وَلَمْ يَحْتَرِزْ، وَلِمَنْ عَلِمَ شَرَفَ العِلْمِ وَرَضِيَ لِنَفْسِهِ بِالجَهْلِ، وَلِمَنْ صَرَفَ جَميعَ هِمَّتِهِ إِلى عِمارَةِ الدُّنْيَا مَعَ عِلْمِهِ بِفِراقِها، وَلِمَنْ أَلهى عَنِ الآخِرَةِ وَخَرَّبَ مُسْتَقَرَّةَ فيها مَعَ عِلْمِهِ بِانْتِقالِهِ إِليها، وَلِمَنْ جَرى في مِيدانِ آمِلِهِ ولا يَعلَمُ مَتى يَعتَرُّ بِأَجَلِهِ.

3784. وَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بنُ مَسعودٍ: يَبْغى لِحامِلِ القُرْآنِ أَنْ يُعَرَفَ بِلِيلِهِ إِذا النَّاسُ نائِمونَ، وَبَنهارِهِ إِذا النَّاسُ يَفيطونَ، وَبِبيكائِهِ إِذا النَّاسُ يَضْحَكونَ، وَبِوَرَعِهِ إِذا النَّاسُ يَخْلِطونَ، وَبِخُشوعِهِ إِذا النَّاسُ يَخْتالونَ، وَبِحُزْنِهِ إِذا النَّاسُ يَفْرَحونَ، وَبِصَمْتِهِ إِذا النَّاسُ يَخوضونَ. (2)

3785. وَقَالَ بَعْضُ هُم: سَبْعَةٌ تُزَيِّنُ الصَّدَقَةَ وَتَرفَعُها: الأَوَّلُ أَنْ تَكونَ مِنَ الحَلالِ كَما قالَ اللَّهُ تَعالَى: «أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبِ ما كَسَبْتُمْ»، وَمِنْ القَليلِ، وَأَنْ تَكونَ قَبْلَ المَوْتِ، وَأَنْ تَكونَ مِنَ الجَيِّدِ، وَأَنْ

ص: 352

1- . مصباح الشريعة، ص 5-6، مع اختلافٍ يسير.

2- . المجموع، ج 2، ص 169.

اصول معامله با مردم هفت چیز است: بردباری، و عفو، و فروتنی، و سخاوت، و مهربانی، و خیرخواهی، و عدالت، و انصاف.

اصول معاملات دنیا هفت چیز است: خشنودی به اقل امکانات، و ایثار کردن آنچه داری، و آنچه نداری طلب نکنی، و نفرت از مال زیاد، و انتخاب زهد، و شناختن آفتهای دنیا، کنار گذاشتن شهوت و ریاست.

اگر این خصلتها را بطور کامل در خود بوجود آورد، از بندگان خاص و مقرب و اولیاء خدا خواهد شد.

3782. سلمان فارسی: بخیل یکی از حالت ها را دارد: یا پس از مرگ کسی از او ارث می برد که در راه خدا مصرف نمی کند. یا خداوند ستمگری را بر او مسلط می کند و پس از خوار کردن او اموالش را می گیرد. یا هوس می برد که مالش را از بین می برد. یا به فکر نوسازی و تعمیر ویرانه می افتد و مالش را مصرف می کند. یا گرفتار نکبت یا غرق یا آتش سوزی یا سرقت و امثال آن می شود. یا به مرضی مبتلا می شود که اموالش را برای درمان مصرف کند. یا در مکانی دفن می کند و فراموش می کند و دیگر آن را پیدا نمی کند.

3783. حکیم: تعجب از کسی است که: خدا را بشناسد و اطاعت نکند. امید ثواب داشته باشد و کاری نکند. از عذاب بترسد ولی مراقبت نکند. شرف علم را بداند ولی به نادانی تن بدهد.

تمام همت خود را برای دنیا بکار گیرد با اینکه می داند آن را ترک می کند. آخرت را از دست بدهد و جایگاه خود را ویران کند با اینکه می داند به آنجا منتقل می شود. در میدان آرزو می تازد و خبر از مرگ ندارد.

3784. عبدالله بن مسعود: حافظ قرآن شایسته است که: قدر شب را بداند وقتی که مردم خوابند [نماز شب بخواند]. قدر روز را بداند وقتی که مردم می خورند [روزه بگیرد]. گریه کند وقتی که مردم می خندند. و وقتی که مردم به خوش گذرانی مشغولند پرهیزکار باشد. وقتی مردم توجه ندارند خشوع داشته باشد. وقتی مردم شادی می کنند محزون باشد. وقتی دیگران سرگرم گفتگو هستند سکوت کند.

3785. هفت چیز صدقه را زینت می دهد و آن را بالا می برد:

از مال حلال باشد خداوند فرماید: «از مال پاک خود انفاق کنید». از مال کم هم صدقه

تكونَ مَحْفِيًّا، وَتَرَكَ الْمِنِّهَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى»، وَأَنْ لَا يَجُورَ عَلَيْهِ .

3786. وَمِمَّا يُنسَبُ إِلَى الإِمَامِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الأَيَّامِ النَّحْسَةِ فِي كُلِّ شَهْرٍ:

تَوَقَّ سَبْعَةَ أَيَّامٍ قَدْ اطَّرَدَتْ فِي كُلِّ شَهْرٍ هِلَالِيٍّ مَنَاحِسُهَا

فَثَالِثُ الشَّهْرِ مَذْمُومٌ وَخَامِسُهُ وَثَالِثُ العَشْرَةِ الوُسْطَى وَسَادِسُهَا

ثُمَّ اخْتَشَ حَادِي عِشْرِينَ فَخَشِيئَتُهُ حَتْمٌ وَرَابِعُهَا أَيْضًا وَخَامِسُهَا

وَجَمَعَ بَعْضُ الشُّعْرَاءِ الأَيَّامَ النَّحْسَةَ فِي كُلِّ شَهْرٍ فَقَالَ:

سَبْعَةٌ لِأُحْمَدُ فِيهَا حَرَكَهَ مِثَالَهَا جِهَ يَجُ يُوكَ كَدُ كَهَ

3787. وَقَالَ بَعْضُ المُوَحِّدِينَ: إِسْكَائِ النَّفْسِ عَنِ البَاطِلِ صَوْمٌ، وَاسْتِغَالِهَا بِالحَقِّ صَدَقَةٌ، وَإِصَالِ النَّفْعِ إِلَى الغَيْرِ زَكَاةٌ، وَطَلْبُ أَهْلِ الحَقِّ

حِجٌّ، وَالكُفُّ عَنِ الأَذَى صَدَقَةٌ، وَحِفْظُ الجَوَارِحِ عَمَّا لَا يَنْبَغِي عِبَادَةٌ، وَتَرْكُ هَوَى النَّفْسِ جِهَادٌ.

3788. رُوِيَ فِي بَعْضِ الأَخْبَارِ: أَنَّ النَّاسَ يَنْقَسِمُونَ فِي جَوَازِ الصَّرَاطِ سَبْعَةَ أَقْسَامٍ:

فَيَجُوزُ أَوَّلُ قِسْمٍ مِنَ الرِّجَالِ والنِّسَاءِ كَطَرَفِهِ عَيْنٍ، وَالقِسْمُ الثَّانِي كَالْبَرْقِ الخَاطِفِ، وَالقِسْمُ الثَّلَاثُ كَالرِّيْحِ القَاصِفِ (1)، وَالقِسْمُ الرَّابِعُ كَالطَّيْرِ المُجِدِّ، وَالقِسْمُ الخَامِسُ كَالجَوَادِ فِي جَرِيهَا، وَالقِسْمُ السَّادِسُ كَالمَاشِي، وَالقِسْمُ السَّابِعُ كَالْمَهْزُولِ.

فَأَمَّا القِسْمُ الأَوَّلُ فَهُمُ أَصْحَابُ الصَّدَقَاتِ وَقَوَّامُ اللَّيْلِ وَالعُلَمَاءُ يقدِّمُونَهُمْ.

وَالقِسْمُ الثَّانِي هُمُ الَّذِينَ اسْتَقَامُوا عَلَى أداءِ الفَرَائِضِ وَلَمْ يُفَرِّطُوا فِيهَا وَأَدَّوْهَا فِي أوقَاتِهَا.

وَالقِسْمُ الثَّلَاثُ هُمُ الَّذِينَ أَدَّوْا الزَّكَاةَ وَلَزِمُوا صُحْبَةَ العُلَمَاءِ وَأَحْبَبُوهُمْ.

ص: 354

بدهد. قبل از مرگ بدهد. بهترین چیز را بدهد. مخفیانه بدهد. منت نگذارد. خداوند می فرماید:

«صدقات خود را با منت گذاشتن و اذیت، باطل نکنید». ستم نکند.

3786. به امام صادق علیه السلام نسبت داده اند که روزهای نحس در هر ماه قمری:

مراقبت کن هفت روز را عموماً

در هر ماه قمری از نحوست آن

سوم و پنجم مذمت شده است

سیزدهم و شانزدهم

سپس از نحوست روز بیست و یکم بترس که ترس آن

و بیست و چهارم و بیست و پنجم حتمی است.

شاعری ایام نحس هر ماه را به حروف ابجد در آورده است: هفت روز است که حرکت در آن خوب نیست روزهای 3، 5، 13، 16، 21، 24، 25.

3787. یکی از موحدین گفته است: خودداری از باطل، روزه است. و پرداختن به حق، نماز است. و نفع رساندن به دیگران، زکات است. و جستجوی اهل حق، حج است. و خودداری از آزار مردم، صدقه است. و نگهداری اعضاء بدن از کارهای بیهوده، عبادت است. و ترک کردن هوسها، جهاد است.

3788. در روایتی آمده است: مردم هنگام عبور از صراط هفت گروه هستند:

1 - گروهی از زنان و مردان در چشم بهم زدن عبور می کنند. 2 - گروهی مثل برق عبور می کنند. 3 - گروه مثل صوت. 4 - گروهی مثل پرونده تیز پرواز. 5 - گروهی مثل اسب.

6 - گروهی مثل افراد پیاده. 7 - گروهی مانند آدم لاغر و بیمار.

اما گروه اول اهل صدقه دادن و نماز شب هستند که پیشاپیش آنها علما هستند.

گروه دوم: در انجام واجبات استقامت کرده اند و کوتاهی نکرده اند و هر واجب را در وقت خود انجام داده اند.

گروه سوم: زکات داده اند و علما را دوست داشته اند و با آنان معاشرت کرده اند.



وَالْقِسْمُ الرَّابِعُ هُمُ الَّذِينَ وَصَلُوا أَرْحَامَهُمْ وَطَلَبُوا بِصِلَتِهَا رِضَى مَوْلَاهُمْ.

وَالْقِسْمُ الْخَامِسُ هُمُ الَّذِينَ غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَصَانُوا فُرُوجَهُمْ عَنِ الْفَوَاحِشِ، وَحَفِظُوا أَزْوَاجَهُنَّ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَهُنَّ.

وَالْقِسْمُ السَّادِسُ هُمُ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ الرِّبَا وَالْحَرَامَ وَيَجْتَنِبُونَ الْخِيَانَةَ فِي الْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانِ.

وَالْقِسْمُ السَّابِعُ هُمُ الَّذِينَ بَرُّوا الْوَالِدَيْنِ وَبَرُّوا الْأَزْوَاجَ وَبَرُّوا الْجِيرَانَ وَبَرُّوا الْإِخْوَانَ، وَلَزِمُوا الْمَسَاجِدَ، وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ، وَحَفِظُوا حُدُودَ اللَّهِ وَلَمْ يَأْخُذْهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ وَعَمِلُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

ص: 356

گروه چهارم: به خویشان خود صله داده اند و با آن رضایت خدا را طلب کرده اند.

گروه پنجم: چشم از گناه پوشیده و از فحشاء دوری کرده و همسران خود را از حرام حفظ کرده اند.

گروه ششم: از ربا و حرام و خیانت در خرید و فروش خودداری کرده اند.

گروه هفتم: به پدر و مادر نیکی، به همسر و همسایه و اقوام نیکی کرده اند، عبادات خود را در مسجد بجا آورده اند. امر به معروف و نهی از منکر و حدود خدا را رعایت کرده اند و در راه خدا از سرزنش کسی بیم به دل راه نداده اند و به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کرده اند.

ص: 357



الباب الثامن: في الموعظ الثمانيات

**باب هشتم: پندهای هشت گانه**

**اشاره**

ص: 359

3789. رَوَى جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ فِي الْمُؤْمِنِ ثَمَانُ خِصَالٍ: وَقَارٌّ عِنْدَ الْهَزَاهِزِ (1)، وَصَبْرٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ، وَشُّكْرٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ، وَقُنُوعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ، لَا يَظْلِمُ الْأَعْدَاءَ، وَلَا يَتَحَامَلُ لِلْأَصْدِقَاءِ (2)، بَدَنُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ، وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ (3).

3790. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَمَانِيَةُ أَشْيَاءَ لَا تَشْبَعُ مِنْ ثَمَانِيَةٍ: الْعَيْنُ مِنَ النَّظَرِ، وَالْأَرْضُ مِنَ الْمَطَرِ، وَالْأَنْثَى مِنَ الذَّكَرِ، وَالْعَالِمُ مِنَ الْعِلْمِ، وَالسَّائِلُ مِنَ الْمَسْأَلَةِ، وَالْحَرِيصُ مِنَ الْجَمْعِ، وَالْبَحْرُ مِنَ الْمَاءِ، وَالنَّارُ مِنَ الْحَطَبِ (4).

3791. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَمَانِيَةٌ لَا تُقْبَلُ لَهُمْ صَلَاةٌ: الْعَبْدُ الْأَبْقَى حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَوْلَاهُ، وَالنَّاسِيَةُ عَنْ زَوْجِهَا وَهُوَ عَلَيْهَا سَاخِطٌ، وَمَانِعُ الزَّكَاةِ، وَتَارِكُ الصَّلَاةِ، وَالْجَارِيَةُ الْمُدْرِكَةُ تُصَلِّيَ بِغَيْرِ خِمَارٍ، وَإِمَامٌ قَوْمٌ يُصَلِّيَ بِهِمْ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ، وَالزَّبِينُ (5)؛ - قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَمَا الزَّبِينُ؟ قَالَ: الَّذِي يُدْفِعُ الْبَوْلَ وَالْغَائِطَ - وَالسَّكَرَانُ، فَهَؤُلَاءِ ثَمَانِيَةٌ لَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ صَلَاةٌ.

أَقُولُ: لَعَلَّ الْمُرَادَ مِنَ الرَّابِعِ مَنْ قَدْ يُصَلِّيَ وَقَدْ يَتْرِكُ (6).

ص: 360

- 1- . الهزاهز: هي الفتن، وتحريك البلايا والحروب بين الناس (مجمع البحرين: 428/4).
- 2- . ولا يتحامل للأصدقاء: في القاموس: تحامل في الأمر وبه: تكلفه على مشقته، وعليه: كلفه ما لا يطيق. فالكلام يحتمل وجوهاً: الأول: أنه لا يظلم الناس لأجل الأصدقاء. الثاني: أنه لا يتحمل الوزر لأجلهم، كأن يشهدهم بالزور، أو يكتم الشهادة لرعايتهم، أو يسعى لهم في حرام. الثالث: أنه يراد به أنه لا يحمل على نفسه للأصدقاء ما لا يمكنه الخروج عنه (بحار الأنوار: 269/64).
- 3- . من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 354، ح 5762.
- 4- . الموضوعات، ج 1، ص 235.
- 5- . الزبِين: في بعض النسخ بالباء الموحدة، وفي بعضها بالنون، وكلاهما صحيحان. قال في النهاية: الزبِين: هو الذي يدافع الأخبيين، وهو بوزن السجين، هكذا رواه بعضهم، والمشهور بالنون كما روى: «لا يصلين أحدكم هوزنين» أي حاقن (بحار الأنوار: 319/81).
- 6- . الهداية للصدوق، ص 167، ح 72.

## فصل اول: احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله

3789. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی، سزاوار است که در مؤمن هشت ویژگی باشد: وقار در گرداب‌ها و فتنه‌ها، صبر در بلا، شکرگزاری در رفاه، قناعت به آنچه خدا داده، ظلم نکردن به دشمن، تحمیل نکردن بر دوست، بدن مؤمن در سختی است، و مردم از او در آسایش هستند.

3790. فرمودند: هشت چیز از هشت چیز سیر نمی‌شود: چشم از دیدن، زمین از باران، زن از مرد، عالم از علم، سائل از درخواست، حریص از جمع کردن مال، دریا از آب، آتش از هیزم.

3791. فرمودند: نماز هشت نفر پذیرفته نمی‌شود: بنده ای که از مولای خود فرار کند تا زمانی که برگردد. زنی که از شوهر نافرمانی کرده و شوهر از او خشمگین باشد. مانع زکات، ترک کننده نماز، دختر بالغ اگر بدون حجاب نماز بخواند. امام جماعتی که مردم از او راضی نباشند. وزین. پرسیدند: یا رسول الله زین کیست؟ حضرت فرمودند: کسی که ادرار و مدفوع خود را تخلیه نکرده به نماز بایستد و مسّت. توضیح: شاید مراد از تارک نماز کسی باشد که گاهی نماز بخواند و گاهی ترک کند.

3792. رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: تَمَانُ خِصَالٍ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ أُمَّتِي حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، فَقِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قال: مَنْ زَوَّدَ حَاجًّا، وَزَوَّجَ عَزَبًا، وَأَغَاثَ مَلْهُوفًا، وَرَبَّى يَتِيمًا، وَهَدَى ضَالًّا، وَأَطْعَمَ جَائِعًا، وَأَرَوَى عَطْشَانًا، وَصَامَ فِي يَوْمٍ حَرٍّ شَدِيدٍ. (1)

3793. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَلْهَمَهُ ثَمَانِي خِصَالٍ، قِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قال: غَضُّ الْبَصَرِ عَنِ مَحَارِمِ الدَّاسِ، وَالْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا، وَالْحَيَاءُ، وَالتَّخَلُّقُ بِأَخْلَاقِ الصَّالِحِينَ، وَالصَّبْرُ، وَأَدَاءُ الأَمَانَةِ، وَالصَّدْقُ، وَالسَّخَاءُ. (2)

3794. وَرَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا اسْرَى بِي إِلَى السَّمَاءِ أَمَرَ بِعَرْضِ الْجَنَّةِ وَالتَّارِ عَلَيَّ فَرَأَيْتُهُمَا جَمِيعًا، وَرَأَيْتُ الْجَنَّةَ وَالأَوَانَ نَعِيمَهَا، وَرَأَيْتُ النَّارَ وَالأَوَانَ عَذَابِهَا، فَلَمَّا رَجَعْتُ قَالَ لِي جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَرَأْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا كَانَ مَكْتُوبًا عَلَى أَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَمَا كَانَ مَكْتُوبًا عَلَى أَبْوَابِ النَّارِ؟ فَقُلْتُ: لَا يَا جِبْرِئِيلُ، فَقَالَ: إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ، عَلَى كُلِّ بَابٍ مِنْهَا أَرْبَعُ كَلِمَاتٍ؛ كُلُّ كَلِمَةٍ مِنْهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا لِمَنْ تَعَلَّمَهَا وَعَرَفَهَا، فَقُلْتُ: يَا جِبْرِئِيلُ، ارْجِعْ مَعِيَ لِأَقْرَأَهَا، فَرَجَعَ مَعِيَ جِبْرِئِيلُ، فَبَدَأَ بِأَبْوَابِ الْجَنَّةِ:

فَإِذَا عَلَى الْبَابِ الأَوَّلِ مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ. لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ وَحَلِيَّةُ طَيْبِ العَيْشِ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعُ خِصَالٍ: القَنَاعَةُ، وَبُذُّ الحِقْدِ، وَتَرْكُ الحَسَدِ، وَمُجَالَسَةُ أَهْلِ الخَيْرِ.

وعَلَى الْبَابِ الثَّانِي مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ. لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ وَحَلِيَّةُ السُّرُورِ فِي الآخِرَةِ أَرْبَعُ خِصَالٍ: مَسْحُ رَأْسِ الْيَتِيمِ، وَالتَّعَطُّفُ عَلَى الأَرَامِلِ، وَالسَّعْيُ فِي قِضَاءِ حَوَائِجِ المُسْلِمِينَ، وَتَقَدُّمُ الفُقَرَاءِ وَالمَساكِينِ.

وعَلَى الْبَابِ الثَّالِثِ مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ. لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ وَحَلِيَّةُ الصَّحَّةِ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعُ خِصَالٍ: قَلَّةُ الطَّعَامِ، وَقَلَّةُ الكَلَامِ، وَقَلَّةُ المَنَامِ، وَقَلَّةُ الشَّهْوَةِ.

ص: 362

1- . معدن الجواهر، ص 62.

2- . معدن الجواهر، ص 63.

3792. فرمودند: هشت خصلت است که هر کس از امت من به آن عمل کند خدا او را با پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحان محشور می کند. پرسیدند: یا رسول الله چه خصلتهایی؟

فرمودند: کسی را به حج فرستادن. برای جوانی ازدواج برپا کردن. فریادرسی مظلوم.

سرپرستی یتیم. هدایت کردن گمراه. غذا دادن به گرسنه. آب دادن به تشنه. روزه گرفتن در روز گرم.

3793. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر خدا کسی را دوست داشته باشد به او هشت صفت الهام می کند:

پرسیدند: یا رسول الله آن صفات کدامند؟ حضرت فرمودند: چشم پوشی از نامحرم. ترس از خدا. حیا. اخلاق صالحان. صبر. امانت داری. صداقت. سخاوت.

3794. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی که مرا به معراج بردند بهشت و جهنم را به من نشان دادند. و همه را دیدم. بهشت و نعمت های رنگارنگ آن و جهنم و عذابهای گوناگون آن را دیدم. وقتی بازگشتم جبرئیل گفت: یا رسول الله آیا دیدی بر درهای بهشت و جهنم چه نوشته بود؟ گفتم: نه، ای جبرئیل.

جبرئیل گفت: بهشت هشت در دارد و بر هر دری چهار جمله نوشته اند که هر جمله از تمام دنیا و نعمتهای آن بهتر است برای کسی که یاد بگیرد و بشناسد.

گفتم: ای جبرئیل بازگردیم تا من آنها را بخوانم. جبرئیل با من بازگشت. و از درهای بهشت آغاز کردیم. بر در اول بهشت نوشته شده بود: لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله، هر چیزی زینتی دارد و زینت زندگی خوب در دنیا چهار خصلت است: قناعت و ترک کینه و ترک حسادت و همنشینی با نیکان.

بر در دوم نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله، هر چیزی زینت دارد و زینت شادی در آخرت چهار چیز است: دست نوازش بر سر یتیم کشیدن و ملاحظت با افراد بی کس و تلاش برای انجام کارهای مسلمانان و رسیدگی به فقرا و مساکین.

بر در سوم نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله، هر چیزی زینت دارد و زینت سلامتی در دنیا چهار خصلت است، کم خوری، کم گویی، کم خوابی، کم شهوت بودن.



وَعَلَى الْبَابِ الرَّابِعِ مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلَيَّ وَوَلِيُّ اللَّهِ. مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكَلِّمْ خَيْرًا أَوْ يَسْكُتْ.

وَعَلَى الْبَابِ الْخَامِسِ مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلَيَّ وَوَلِيُّ اللَّهِ. مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَدَّخُلَ فَلَا يَدَّخُلْ، وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَشْتَمَ فَلَا يَشْتَمِ، وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يُظَلَّمَ فَلَا يُظَلِّمْ، وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى فَلْيَسْتَمْسِكْ بِقَوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ.

وَعَلَى الْبَابِ السَّادِسِ مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلَيَّ وَوَلِيُّ اللَّهِ. مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ قَبْرُهُ وَاسِعًا فَسَيُحَافِلِيَاتِ الْمَسَاجِدِ. مَنْ أَحَبَّ أَنْ لَا تَأْكُلَهُ الدِّيدَانُ تَحْتَ الْأَرْضِ فَلْيَكُنْ مِنَ الْمَسَاجِدِ.

مَنْ أَحَبَّ أَنْ لَا يُظَلَّمَ لِحُدَّةِ فَلْيَنْوِرِ الْمَسَاجِدِ. مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَبْقَى طَرِيًّا تَحْتَ الْأَرْضِ فَلْيَشْتَرِ بُسْطَ الْمَسَاجِدِ.

وَعَلَى الْبَابِ السَّابِعِ مِنْهَا مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلَيَّ وَوَلِيُّ اللَّهِ. بِيَاضِ الْقَلْبِ فِي أَرْبَعِ خِصَالٍ: فِي عِبَادَةِ الْمَرِيضِ، وَاتِّبَاعِ الْجَنَازَةِ، وَشِرَاءِ أَكْفَانِ الْمَوْتَى، وَأَدَاءِ الْقَرْضِ.

وَعَلَى الْبَابِ الثَّامِنِ مِنْهَا مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلَيَّ وَوَلِيُّ اللَّهِ. مَنْ أَرَادَ الدُّخُولَ مِنْ هَذِهِ الْأَبْوَابِ الثَّمَانِيَةِ فَلْيَسْتَمْسِكْ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ: بِالصَّدَقَةِ، وَالسَّخَاءِ، وَحُسْنِ الْخُلُقِ، وَكَفِّ الْأَذَى عَنِ عِبَادِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

ثُمَّ جِئْنَا إِلَى النَّارِ فَإِذَا عَلَى الْبَابِ الْأَوَّلِ مِنْهَا مَكْتُوبٌ ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ: لَعْنَةُ اللَّهِ الْكَاذِبِينَ، لَعْنَةُ اللَّهِ الْبَاخِلِينَ، لَعْنَةُ اللَّهِ الظَّالِمِينَ.

وَعَلَى الْبَابِ الثَّانِي مِنْهَا مَكْتُوبٌ: مَنْ رَجَا اللَّهَ سَعِدَ، وَمَنْ خَافَ اللَّهَ أَمِنَ، وَالْهَالِكُ الْمَغْرُورُ مَنْ رَجَا سِوَى اللَّهِ وَخَافَ غَيْرَهُ.

وَعَلَى الْبَابِ الثَّلَاثِ مِنْهَا مَكْتُوبٌ: مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ فِي الْقِيَامَةِ عُرْيَانًا فَلْيَكُنْ الْجُلُودَ الْعَارِيَةَ (1) ، وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ عَطْشَانًا فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلْيَسْقِ الْعَطْشَانَ فِي الدُّنْيَا، وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ جَائِعًا فِي الْقِيَامَةِ فَلْيُطْعِمِ الْجَائِعَ فِي الدُّنْيَا.

ص: 364

1- . أى فليعط ثوباً لمن كان عارياً.

بر در چهارم نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله، هر کس به خدا و قیامت ایمان دارد به پدر و مادر نیکی کند و کسی که به خدا و قیامت ایمان دارد سخن نیکو بگوید یا ساکت بماند.

بر در پنجم نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله، کسی که می خواهد ذلیل نشود کسی را ذلیل نکند. و کسی که می خواهد دشنام داده نشود دشنام ندهد. کسی که می خواهد به او ظلم نشود، ظلم نکند. و کسی که می خواهد به ریسمان محکم چنگ بزند، لا اله الا الله و محمد رسول الله را بگوید.

بر در ششم نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله، کسی که می خواهد قبر او وسیع و راحت باشد به مساجد برود و کسی که می خواهد کرمها بدن او را در قبر نخورند مسجد را نظافت کند. و کسی که می خواهد قبر او تاریک نباشد مسجد را روشن کند. و کسی که می خواهد در قبر بدنش سالم بماند فرش های مسجد را بخرد.

بر در هفتم نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله، سفیدی قلب در چهار خصلت است: عیادت مریض و تشییع جنازه و خریدن کفن برای مرده و دادن بدهی.

بر در هشتم نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله، کسی که می خواهد از این هشت در بهشت وارد شود چهار خصلت داشته باشد: صدقه، سخاوت، اخلاق خوش، اذیت نکردن مردم.

سپس به طرف جهنم رفتیم بر در اول آن سه جمله نوشته بود: لعنت خدا بر دروغگو، لعنت خدا بر بخیل، لعنت خدا بر ظالم.

بر در دوم نوشته بود: کسی که به خدا امیدوار بود سعادت مند شد و کسی که از خدا ترسید ایمن شد و کسی که به غیر خدا امید بست و از غیر خدا ترسید فریب خورد و هلاک شد.

بر در سوم نوشته بود: کسی که می خواهد در قیامت عریان نباشد در دنیا به بی لباس، لباس بپوشاند. و کسی که می خواهد در قیامت تشنه نباشد در دنیا به تشنه ای آب بدهد. و کسی که می خواهد در قیامت گرسنه نباشد در دنیا به گرسنه ای غذا بدهد.

وعلى الباب الرابع منها مكتوب: أذلَّ اللهُ مَنْ أهَانَ الإسلامَ، أذلَّ اللهُ مَنْ أهَانَ أهلَ بيتِ نبيِّ اللهِ، أذلَّ اللهُ مَنْ أهَانَ الظَّالمينَ على ظلمِ المخلوقينَ.

وعلى الباب الخامس منها مكتوب: لا تتَّبِعِ الهوى؛ فَإِنَّ الهوى يُجَانِبُ الإيمانَ، ولا تُكثِرْ مَنْطِقَكَ فيما لا يعنيكَ فَتَسْقُطَ مِنْ عَيْنِ رَبِّكَ، ولا تُكُنْ عَوْنًا لِلظَّالمينَ؛ فَإِنَّ الجَنَّةَ لَمْ تُخْلَقْ لِلظَّالمينَ.

وعلى الباب السادس منها مكتوب: أنا حرامٌ على المُجتهدينَ (1)، أنا حرامٌ على المُتصدِّقينَ، أنا حرامٌ على الصَّائمينَ.

وعلى الباب السابع منها مكتوب: حاسبوا أنفسكم قبل أن تُحاسَبوا، وَوَبِّخُوا أنفسكم قبل أن تُوبَّخوا، وَادْعُوا اللهَ قبل أن تُردوا عليهِ فلا تقدروا على ذلك. (2)

3795. وقال رسولُ اللهِ صلى اللهُ عليه وآله: أعبُدُ النَّاسَ مَنْ أقامَ الفرائضَ، وأزهَّدُ النَّاسَ مَنْ اجتنَبَ الحرامَ، وأتقى النَّاسَ مَنْ قالَ الحقَّ في ما له وعليه، وأورعُ النَّاسِ مَنْ تركَ المراء (3) وإن كانَ مُحققاً، وأشدُّ النَّاسِ اجتهاداً مَنْ تركَ الذُّنوبَ، وأكرمُ النَّاسِ اتقاهم، وأعظمُ النَّاسِ قدراً مَنْ تركَ ما لا يعنيه، وأسعدُ النَّاسِ مَنْ خالطَ كرامَ النَّاسِ. (4)

3796. وقال أيضاً: مَنْ جَلَسَ مَعَ ثَمَانِيَةِ أَصْنَافٍ مِنَ النَّاسِ زَادَهُ اللهُ تَعَالَى ثَمَانِيَةَ أَشْيَاءَ:

مَنْ جَلَسَ مَعَ الأَغْنِيَاءِ زَادَهُ اللهُ تَعَالَى حَبَّ الدُّنْيَا والرَّغْبَةَ فِيهَا.

وَمَعَ الفُقَرَاءِ حَصَلَ لَهُ الشُّكْرُ والرِّضَى بِقِسْمِ اللهِ تَعَالَى.

وَمَعَ السُّلْطَانَ زَادَهُ اللهُ تَعَالَى القِسْوَةَ والكِبَرَ.

وَمَعَ النِّسَاءِ زَادَهُ اللهُ تَعَالَى الجَهْلَ والشَّهْوَةَ.

وَمَعَ الصِّبْيَانِ ازدادَ مِنَ الجُرْأَةِ عَلَى الذُّنُوبِ وَتَسْوِيفِ التَّوْبَةِ.

ص: 366

1- . أى الذين يجتهدون فى إتيان ما يرضى الربَّ سبحانه وترك ما يسخطه.

2- . مدنيه المعاجز، ج 2، ص 358، ح 605.

3- . المراء: الجدل مع الشكِّ والريبه، أو النزاع بعد إبانه الحقِّ، أو الجدل مطلقاً.

4- . روضه الواعظين، ص 432.

بر در چهارم نوشته بود: خدا کسی را که به اسلام توهین کند ذلیل نماید. خدا ذلیل می کند کسی را که به اهل بیت پیامبر علیهم السلام توهین کند. خدا ذلیل می کند کسی را که به ظالمین کمک کند.

بر در پنجم نوشته بود: هوسرانی نکنید که مخالف ایمان است. سخن بیهوده نگویند که از چشم پروردگار می افتید. به ستمگران کمک نکنید که بهشت برای ستمگران آفریده نشده است.

بر در ششم نوشته بود: من بر کسانی که در راه خدا تلاش می کنند حرام هستم. من بر کسانی که صدقه بدهند حرام هستم. من بر کسانی که روزه بگیرند حرام هستم.

بر در هفتم نوشته بود: قبل از اینکه به حساب شما رسیدگی شود به حساب خود رسیدگی کنید. و خودتان را توبیخ کنید قبل از اینکه شما را توبیخ کنند. خدا را بخوانید قبل از اینکه قدرت دعا را از دست بدهید و شما را به سوی خدا برگردانند.

3795. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: عابدترین مردم کسی است که واجبات را بجا آورد. زاهدترین مردم کسی است که از حرام دوری کند. با تقواترین مردم کسی است که حق را بگوید به نفع یا ضرر خود. و پرهیزکارترین مردم کسی است که جدال نکند گرچه بر حق باشد. و پر تلاش ترین مردم کسی است که گناهان را ترک کند. و گرامی ترین مردم پرهیزکارترین آنان است. ارزشمندترین مردم کسی است که کارهای بیهوده را ترک کند. و سعادت‌مندترین مردم کسی است که با مردم بزرگووار معاشرت کند.

3796. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که با هشت گروه از مردم بنشیند خدای متعال هشت خصلت او را زیاد می کند:

کسی که با ثروتمندان بنشیند خداوند علاقه و میل به دنیا را در او زیاد می کند.

کسی که با فقیران بنشیند خداوند شکرگزاری و خشنودی از خدا را در او زیاد می کند.

کسی که با فرمانروایان بنشیند خداوند سنگدلی و تکبر را در او زیاد می کند.

کسی که با زنان بنشیند خداوند نادانی و شهوت را در او زیاد می کند.

کسی که با کودکان بنشیند خداوند جرأت بر گناه و تأخیر توبه را در او زیاد می کند.

وَمَعَ الصَّالِحِينَ ازْدَادَ رَغْبَةً فِي الطَّاعَاتِ.

وَمَعَ الْعُلَمَاءِ ازْدَادَ مِنَ الْعِلْمِ.

وَمَعَ الرَّهَادِ ازْدَادَ رَغْبَةً فِي الْآخِرَةِ.

وإِيَّاكَ وَمُصَاحَبَةَ مَنْ طَبَعَهُ يَمِيلُ إِلَى خِلَافِ مَا تُرِيدُ وَرُبَّمَا خَالَفَ جَمِيعَ أَقْوَالِكَ، وَلَقَدْ أَحْسَنَ الْقَائِلُ حَيْثُ قَالَ:

وَإِذَا صَاحَبْتَ فَاصْحَبْ مَا جَدَّ ذَا حَيَاءٍ وَوَفَاءٍ وَكَرَمِ

وَقَوْلُهُ لِلشَّيْءِ: لَا إِنْ قُلْتَ: لَا وَإِذَا قُلْتَ: نَعَمْ قَالَ: نَعَمْ (1)

ص: 368

---

1- . منيه المرید، ص 123. وردت الإشارة إلى هذا الحديث ولم يأت كاملاً.

کسی که با صالحان بنشیند خداوند تمایل به طاعتها را در او زیاد می کند.

کسی که با علما بنشیند خداوند علم را در او زیاد می کند.

کسی که با مردم زاهد بنشیند خداوند تمایل به آخرت را در او زیاد می کند.

از همنشینی با کسی که طبع او مخالفت با دوست پرهیز و چه بسا با همه سخنان تو مخالفت کند. و چه زیبا گفته اند:

اگر دوستی می کنی با انسان بزرگوار دوستی کن که حیاء و وفاء و کرم داشته باشد

و اگر در موردی گفتی: نه او هم بگوید: نه و اگر گفتی: بله او هم بگوید: بله

ص: 369

3797. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: إِنَّ لِلجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ: بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ النَّبِيُّونَ وَالصَّادِقُونَ، وَبَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ الشُّهَدَاءُ وَالصَّالِحُونَ، وَخَمْسَةٌ أَبْوَابٍ تَدْخُلُ مِنْهُ شِيعَتُنَا وَمُحِبُّونَا، فَلَا أَزَالُ وَاقِفًا عَلَى الصِّرَاطِ أَدْعُو وَأَقُولُ:

«رَبِّ سَلِّمْ شِيعَتِي وَمُحِبِّي وَأَنْصَارِي وَمَنْ تَوَلَّأَنِي فِي دَارِ الدُّنْيَا»، فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ بَطْنَانِ العَرْشِ: «قَدْ أُجِبْتُ (1) دَعْوَتِكَ وَشُفِّعْتَ (2) فِي شِيعَتِكَ». وَيَشْفَعُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْ شِيعَتِي وَمَنْ تَوَلَّأَنِي وَنَصَرَنِي وَحَارَبَ مِنْ حَارِبَتِي بِفِعْلٍ أَوْ قَوْلٍ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا مِنْ جِيرَانِهِ وَأَقْرَبَائِهِ.

وَبَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ سَائِرُ المُسْلِمِينَ مِمَّنْ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَلَمْ يَكُنْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ بُغْضِنَا أَهْلَ البَيْتِ. (3)

3798. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَام: لَا خَيْرَ فِي صَلَاةٍ لَا خُشُوعَ فِيهَا، وَلَا خَيْرَ فِي صَوْمٍ لَا امْتِنَاعَ فِيهِ مِنَ اللُّغْوِ، وَلَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَا تَدَبَّرَ فِيهَا، وَلَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا وَرَعَ فِيهِ، وَلَا خَيْرَ فِي مَالٍ لَا سَخَاءَ فِيهِ، وَلَا خَيْرَ فِي حَلْوَةٍ لَا حِفْظَ فِيهَا، وَلَا خَيْرَ فِي نِعْمَةٍ لَا بَقَاءَ فِيهَا، وَلَا خَيْرَ فِي دُعَاءٍ لَا إِخْلَاصَ فِيهِ وَلَا إِجْلَالَ (4).

3799. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَام: ثَمَانِيَةٌ إِنْ أَهِنُوا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ: الْجَالِسُ عَلَى مَا يَدِينَهُ لَمْ يَدْعَ إِلَيْهَا، وَالْمُتَأَمِّرُ عَلَى رَبِّ الدَّارِ، وَطَالِبُ الخَيْرِ مِنْ أَعْدَائِهِ، وَطَالِبُ الفَضْلِ مِنَ اللَّنَامِ، وَالدَّاخِلُ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي حَدِيثٍ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَدْخُلَاهُ فِيهِ، وَالْمُسْتَخِفُّ بِالسُّلْطَانِ، وَالْجَالِسُ فِي مَجْلِسٍ لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ، وَالْمُقْبِلُ بِحَدِيثِهِ عَلَى مَنْ لَا يَسْمَعُهُ. (5)

ص: 370

1- . في الخصال والبحار: اجبيت.

2- . أى قبلت شفاعتك.

3- . الخصال، ص 408، ح 6.

4- . الإجلال: التعظيم بالحمد والثناء وذكر عظمه الله تعالى.

5- . الخصال، ص 410، ح 12.

## فصل دوم: احادیثی از امیرالمؤمنین و امام صادق علیهما السلام

3797. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: بهشت هشت در دارد: دری که پیامبران و صدیقان وارد می شوند.

دری که شهدا و صالحان وارد می شوند. پنج در برای ورود شیعیان و دوستان ما. من در صراط ایستاده ام و دعا می کنم و می گویم: پروردگارا شیعه و دوستدار و یاور من و کسی که در دنیا ولایت مرا پذیرفته به سلامت دار.

و از عرش جواب می آید که دعا و شفاعت تو را در حق شیعه تو پذیرفتم.

و هر شیعه و هر کسی که ولایت مرا پذیرفته و مرا یاری کرده و با دشمنان من با عمل و زبان جنگیده است، هفتاد هزار نفر از همسایگان و بستگان خود را شفاعت می کند.

و یک در هم برای ورود بقیه مسلمانانی که شهادت لا اله الا الله داده اند و در قلب آنان ذره ای از بغض ما اهل بیت نیست قرار داده شده است.

3798. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: نمازی که با خشوع نباشد خیری ندارد. و روزه ای که با پرهیز از کار بیهوده نباشد خیری ندارد. و قرائت که با تدبّر نباشد خیر ندارد. و علمی که با پرهیزکاری نباشد خیری ندارد. و مالی که با سخاوت نباشد خیری ندارد. و خلوتی که با مواظبت بر ترک گناه نباشد خیری ندارد. نعمتی که پایدار نباشد خیر ندارد. و دعایی که با اخلاص و تعظیم پروردگار نباشد خیری ندارد.

3799. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: هشت گروه اگر اهانت دیدند جز خود کسی را ملامت نکنند: کسی که بی دعوت بر سفره ای حاضر شود. و کسی که بر صاحب خانه دستور بدهد. و کسی که از دشمن خیر بخواهد. و کسی که از فرومایگان چیزی بخواهد. و کسی که بدون اجازه وارد سخنان محرمانه دیگران شود. و کسی که به فرمانروا توهین کند. و کسی که در مجلسی که اهل آن نیست بنشیند. و آن که برای کسی سخن بگوید که گوش فرا نمی دهد.



3800. وَرَوَى أَنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ: كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا أَبَا الْحَسَنِ؟ فَقَالَ:

يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَصْبَحْتُ مُطَالِبًا بِثَمَانِ خِصَالٍ: اللَّهُ يُطَالِبُنِي بِالْفَرَضِ، وَأَنْتَ بِالسُّنَّةِ، وَالْمَلَكَانِ بِصِدْقِ اللِّسَانِ، وَمَلَكُ الْمَوْتِ بِالرُّوحِ، وَالْعِيَالُ بِالْقُوَّةِ، وَالشَّيْطَانُ بِالْمَعْصِيَةِ، وَالنَّفْسُ بِالشَّهْوَةِ، وَالدُّنْيَا بِالرَّغْبَةِ (1).

3801. وَرَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ يَقُولُ: مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ: أَخًا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْمًا مُسْتَطْرَفًا (2)، أَوْ آيَةً مُحَكَّمَةً، أَوْ رَحِمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدَى (3)، أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدًى، أَوْ يَتْرِكُ ذَنْبًا خَشِيئَةً أَوْ حَيَاءً (4).

3802. (قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ جَهَنَّمَ: نَارٌ شَدِيدٌ كَلْبُهَا (5)، عَالٍ لَجَبُهَا (6)، سَاطِعٌ لَهَبُهَا، مُتَأَجِّجٌ (7) سَدَّ عَيْرُهَا، مُتَغَيِّظٌ زَفِيرُهَا، بَعِيدٌ خُمُودُهَا، ذَاكٍ (8) وَقُودُهَا، مُتَخَوِّفٌ وَعِيدُهَا (9).

3803. مَغْرَسُ الْكَلَامِ الْقَلْبُ، وَمُسْتَوْدَعُ الْفِكْرِ، وَمَقْوِيهِ الْعَقْلُ، وَمُبْدِيهِ اللِّسَانُ، وَجِسْمُهُ الْحُرُوفُ، وَرُوحُهُ الْمَعْنَى، وَحَلِيئَتُهُ الْإِعْرَابُ، وَنِظَامُهُ الصَّوَابُ (10).

3804. عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ: قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرَى هَذَا الْخَلْقَ، كُلَّهُمْ مِنَ النَّاسِ؟ فَقَالَ: أَلَيْسَ مِنْهُمْ التَّارِكُ لِلسُّوَاكِ، وَالْمُتَرَبِّعُ فِي مَوْضِعِ الصَّيْقِ، وَالذَّاخِلُ فِيهَا لَا يَعْنِيهِ، وَالْمُمَارِي فِيهَا لَا عِلْمَ لَهُ، وَالْمُسْتَمْرِضُ مِنْ غَيْرِ عِلْمٍ، وَالْمُسْتَشْعَثُ (11) مِنْ غَيْرِ مُصِيبَةٍ، وَالْمُخَالِفَ عَلَى أَصْحَابِهِ فِي الْحَقِّ وَقَدْ اتَّفَقُوا عَلَيْهِ، وَالْمُفْتَخِرَ الَّذِي يَفْتَخِرُ بِآبَائِهِ وَهُوَ خَلَعٌ مِنْ صَالِحِ أَعْمَالِهِمْ؛ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الْخَلْنَجِ (12) يُقْسَرُ لَحِيَّ (13) عَنْ لَحِيٍّ حَتَّى يُوَصَلَ إِلَى جَوْهَرِيَّتِهِ، وَهُوَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (14).

ص: 372

- 1- . الأُمَالِي لِلطُّوسِي، ص 640، ح 8/1322 عن الإمام زين العابدين عليه السلام
- 2- . علماً مستطرفاً: أى علماً يُعَدُّ حَسَنًا طَرِيفًا بَدِيعًا، أَوْ عِلْمًا لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ، فَيَكُونُ عِنْدَهُ طَرِيفًا، قَالَ فِي الْقَامُوسِ: الْمُسْتَطْرَفُ: الْحَدِيثُ مِنَ الْمَالِ. وَامْرَأَةٌ طَرِفُ الْحَدِيثِ: حَسَنَتُهُ يَسْتَطْرِفُهُ مِنْ يَسْمَعُهُ (بحار الأنوار: 352/80).
- 3- . الرَّدَى: الْهَلَاكُ (النهاية: 216/2).
- 4- . الْخِصَالُ، ص 409، ح 10.
- 5- . دَفَعْتُ عَنْكَ كَلْبَ فُلَانٍ: أَيْ أَذَاهُ وَشَرَّهُ (لسان العرب: كلب).
- 6- . اللَّجَبُ: الصَّوْتُ وَالصِّيَاخُ (لسان العرب: لجب).
- 7- . مُتَأَجِّجٌ: مُلْتَهَبٌ (أقرب الموارد: أجاج).
- 8- . ذَكَتِ النَّارُ: إِشْتَدَّ لَهَبُهَا (أقرب الموارد: ذكو).
- 9- . عِيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ، ص 499.
- 10- . تَصْنِيفُ غُرَرِ الْحِكْمِ، ص 211، ح 4080.
- 11- . الشَّعْثُ: الْمَغْبِرُّ الرَّأْسِ، الْمُنْتَفِطُ الشَّعْرُ، الْحَافُّ الَّذِي لَمْ يَدُهْنِ (لسان العرب: 160/2) وَهَذَا كُنَايَةٌ عَنْ عَدَمِ الزِّيْنَةِ.
- 12- . الْخَلْنَجُ: شَجَرٌ فَارِسِيٌّ مَعْرَبٌ تُتَّخَذُ مِنْ خَشْبِهِ الْأَوَانِي (لسان العرب: 261/2).
- 13- . اللَّحْيُ: قَشْرُ الْعُودِ أَوْ الشَّجَرِ؛ أَيْ يَنْحَتُ قَشْرٌ بَعْدَ قَشْرِ.



3800. رسول الله صلی الله علیه و آله روزی از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند: در چه حالی؟ فرمود: در حالی که هشت طلبکار دارم: خداوند واجبات را از من می خواهد. شما سنت را می خواهید. دو فرشته ای که اعمال را ثبت می کنند راستگویی می خواهند. فرشته مرگ روح مرا می خواهد. خانواده امکانات می خواهد. و شیطان گناه می خواهد. و نفس شهوت می خواهد. و دنیا تمایل می خواهد.

3801. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: کسی که به مسجد رفت و آمد کند یکی از این هشت خصلت را بدست می آورد: برادری که در راه خدا با او دوستی کند. یا علم جدید. یا آیه محکم. یا رحمتی که در انتظارش بود. یا جمله ای که او را از هلاکت نجات دهد. یا شنیدن سخنی که او را هدایت کند. یا گناهی را از ترس خدا ترک کند. یا حیاء.

3802. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره جهنم فرمودند: آتشی است که اذیت آن شدید، و صدای غرش آن بلند، و شعله آن سرکش، و زبانه آن ملتهب، و نالیدن آن خشمگین، و فروکش کردن آن بعید است. و هیزم آن سخت، و وعید آن وحشتناک است.

3803. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: سخن در قلب می نشیند. و در فکر پرورش می یابد. و در عقل تقویت می شود. و در زبان ظاهر می گردد.

جسم سخن از حروف، و روح آن معنا، و زینت آن حرکات، و نظام آن صواب است.

3804. ابو یحیی واسطی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتند: آیا شما همه مردم را انسان می دانید؟ فرمودند: گروه زیر را از آنان جدا کن: بعضی که مسواک نمی زنند. و در جای تنگ چهار زانو می نشینند. در کارهایی که مهم نیست وارد می شود. به جایی که نمی خواهند می روند.

و در آنچه نمی دانند اظهار نظر می کنند. و بدون بیماری تظاهر به بیماری می کنند. بدون مصیبت جزع و ناله می کنند. و با حق دوستان خود مخالفت می کنند، در حالی که قبلاً آن حق را قبول کرده اند. و کسی که به پدران خود افتخار می کند، در حالی که از اعمال صالح آنان جدا شده است. مثل خدنگ [خار شتر] است که تا مغز خود پوسته پوسته می شود.

این افراد همانطور که خداوند می فرماید «مثل چهار پایان بلکه گمراهند».

3805. وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا لَنَا نَشْهَدُ عَلَى مَنْ خَالَفَنَا بِالْكَفْرِ وَالنَّارِ، وَلَا نَشْهَدُ لِأَنْفُسِنَا وَلَا لِأَصْحَابِنَا أَنَّهُمْ فِي الْجَنَّةِ؟ قَالَ: مَنْ ضَعَفِكُمْ، إِنْ لَمْ يَكُنْ فِيكُمْ شَيْءٌ مِنَ الْكِبَائِرِ فَاشْهَدُوا أَنْكُمْ فِي الْجَنَّةِ. فَقُلْتُ: وَأَيُّ شَيْءٍ الْكِبَائِرُ جُعِلْتُ فِدَاكَ؟

قَالَ: الْكِبَائِرُ: الشُّرْكُ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ، وَالتَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ، وَقَذْفُ (1) الْمُحْصَنَةِ، وَالْفِرَازُ مِنَ الرَّحْفِ (2)، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا، وَالرِّبَا بَعْدَ الْبَيْتَةِ، وَقَتْلُ الْمُؤْمِنِ.

فَقُلْتُ لَهُ: وَالزُّنَا وَالسَّرْفَةُ؟ فَقَالَ: لَيْسَ مِنْ ذَلِكَ.

قَالَ ابْنُ بَابُوَيْهٍ رَحِمَهُ اللَّهُ: الْأَخْبَارُ فِي الْكِبَائِرِ لَيْسَتْ بِمُخْتَلِفَةٍ وَإِنْ كَانَ بَعْضُهَا وَرَدَ بِأَنَّهَا خَمْسٌ وَبَعْضُهَا سَبْعٌ وَبَعْضُهَا بِثَمَانٍ وَبَعْضُهَا بِأَكْثَرٍ؛ لِأَنَّ كُلَّ ذَنْبٍ بَعْدَ الشُّرْكِ كَبِيرٌ بِالْإِضَافَةِ إِلَى مَا هُوَ أَصْغَرُ مِنْهُ. (3)

3806. وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَنَّبُوا مَسَاجِدَكُمْ الشُّرَاءَ، وَالْبَيْعَ، وَالْمَجَانِينَ، وَالصَّبِيَانَ، وَالصَّالَةَ (4)، وَالْأَحْكَامَ، وَالْحُدُودَ، وَرَفَعَ الصَّوْتِ (5).

3807. وَرَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِ تَلَامِيذِهِ يَوْمًا: أَيُّ شَيْءٍ تَعَلَّمْتَ مِنِّي؟

فَقَالَ: ثَمَانُ مَسَائِلَ، قَالَ: فَصِّهَا عَلَيَّ لِأَعْرِفَهَا.

قَالَ: الْأُولَى: رَأَيْتُ كُلَّ مَحْبُوبٍ يُفَارِقُهُ حَبِيْبُهُ عِنْدَ الْمَوْتِ؛ فَصَرَفَتْ هِمَّتِي إِلَى مَا لَا يُفَارِقُنِي بَلْ يُؤْنِسُنِي فِي وَحْدَتِي وَهُوَ فِعْلُ الْخَيْرِ.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَحْسَنْتَ وَاللَّهِ! وَالثَّانِيَةُ؟

قَالَ: رَأَيْتُ قَوْمًا يَفْتَخِرُونَ بِالْحَسَبِ، وَآخَرُونَ بِالْمَالِ وَالْوَالِدِ، وَإِذَا ذَلِكَ الْفَخْرُ لَا فَخْرَ فِيهِ، فَرَأَيْتُ الْفَخْرَ الْعَظِيمَ فِي قَوْلِهِ: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَلُّ - كُمْ»، فَاجْتَهَدْتُ لَهُ أَنْ أَكُونَ عِنْدَ اللَّهِ كَرِيمًا.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَحْسَنْتَ وَاللَّهِ! وَالثَّالِثَةُ؟

قَالَ: رَأَيْتُ لِهَوِّ النَّاسِ وَسَمِعْتُ قَوْلَهُ تَعَالَى: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ

ص: 374

1- . أى نسبة الزنا أو السحق إلى المتعففه أو المتزوجه.

2- . الزحف أصله انبعث مع جرّ الرجل، يقال: زحف العسكر إلى العدو: إذا مشوا إليهم في ثقل لكثرتهم، ويطلق على الجهاد ولقاء العدو.

3- . بحار الأنوار، ج 85، ص 28.

4- . أى إنشاد الصّالة وإعلامها.

5- . الخصال، ص 410، ح 13.

3805. محمد بن مسلم به امام صادق علیه السلام گفت: فدایت شوم چرا ما بر کفر و جهنم مخالفین خود [مخالفین شیعه] شهادت می دهیم اما برای خود و دوستانمان شهادت به ایمان و بهشت نمی دهیم؟

حضرت فرمودند: از ضعف شماس است. اگر گناه کبیره نکنید، شهادت بدهید که اهل بهشت هستید.

پرسیدم: گناهان کبیره کدامند؟ فرمودند: گناهان کبیره: شرک به خدا، و ظلم به پدر و مادر، و بازگشت به جاهلیت پس از هجرت به اسلام، و نسبت ناروا به زن پاکدامن، و فرار از جنگ، و خوردن ظالمانه مال یتیم، و ربا پس از دانستن، و قتل مؤمن.

پرسیدم: زنا و سرقت چطور؟ فرمودند: از اینها نیست.

ابن بابویه رحمه الله گوید: روایات مربوط به گناهان کبیره مختلف نیستند. گرچه در بعضی پنج گناه و در بعضی هفت گناه و در بعضی روایات هشت گناه یا بیشتر شمرده شده است. چون هر گناهی بعد از شرک به خدا نسبت به گناه کوچکتر از خود گناه بزرگ شمرده می شود.

3806. امام صادق علیه السلام فرمودند: از مساجد خود، خرید و فروش و دیوانه و بچه و معرفی گمشده و قضاوت و اجرای حد و سر و صدا را دور کنید.

3807. روزی امام صادق علیه السلام به یکی از شاگردان خود فرمودند: از من چه چیزی یاد گرفته ای؟ گفت:

هشت مسئله. حضرت فرمودند: بگو ببینم. گفت: اول: دیدم هر کس هنگام مرگ از محبوب خود جدا می شود پس همت خود را صرف چیزی کردم که از من جدا نشود و بلکه در تنهایی همراه من باشد و آن کار خیر است. خداوند می فرماید: «هر کس کار خیر انجام دهد پاداش گیرد».

امام علیه السلام فرمودند: بخدا نیکو گفتمی. دومی چیست؟ گفت: گروهی را دیدم که به اقوام خود افتخار می کنند. گروهی به مال و فرزند. در حالی که اینها افتخار ندارند. افتخار بزرگ در تقواست که خداوند می فرماید: «گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست». لذا کوشیدم نزد خدا گرامی تر باشم.

امام علیه السلام فرمودند: احسنت واللّه. اما سومی؟

گفت: سرگرمی مردم را دیدم و آیه قرآن را شنیدم که می فرماید: «کسی که از مقام

الهُوَى \* فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى»، فَاجْتَهَدْتُ فِي صَرْفِ الْهُوَى عَنِ نَفْسِي حَتَّى اسْتَقَرَّتْ فِي مَرْضَاهِ اللَّهِ.

قال عليه السلام: أَحَسَنْتَ وَاللَّهِ! وَالرَّابِعَةُ؟

قال: رَأَيْتُ كُلَّ مَنْ وَجَدَ شَيْئاً مُكْرَماً اجْتَهَدَ فِي حِفْظِهِ، وَسَمِعْتُ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: «مَنْ ذَا الَّذِي يُعْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا نَأْيُضَعُ عَفْوَ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ»، فَأَحْبَبْتُ الْمُضَاعَفَةَ وَلَمْ أَرِ أَحْفَظَ مِمَّا يَكُونُ عِنْدَهُ، فَلَمَّا وَجَدْتُ شَيْئاً مُكْرَماً عِنْدِي وَجَّهْتُ بِهِ إِلَيْهِ لِيَكُونَ لِي ذُخْراً إِلَى وَقْتِ حَاجَتِي.

قال عليه السلام: أَحَسَنْتَ وَاللَّهِ! وَالخَامِسَةُ؟

قال: رَأَيْتُ حَسَدَ النَّاسِ بَعْضِهِمْ لِبَعْضٍ فِي الرِّزْقِ، وَسَمِعْتُ قَوْلَهُ تَعَالَى: «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سَخِرِيًّا (1)» وَرَحِمْتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ»، مَا حَسَدْتُ أَحَداً وَلَا أَسِفْتُ عَلَيَّ مَا فَاتَنِي.

قال عليه السلام: أَحَسَنْتَ وَاللَّهِ! وَالسَّادِسَةُ؟

قال: رَأَيْتُ عَدَاوَةَ النَّاسِ بَعْضِهِمْ لِبَعْضٍ فِي دَارِ الدُّنْيَا، وَالْحَزَازَاتِ (2) الَّتِي فِي صَدُورِهِمْ، وَسَمِعْتُ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»، فَاشْتَعَلْتُ بِعَدَاوَةِ الشَّيْطَانِ عَنِ عَدَاوَةِ غَيْرِهِ.

قال: أَحَسَنْتَ وَاللَّهِ! وَالسَّابِعَةُ؟

قال: رَأَيْتُ كَدْحَ (3) النَّاسِ وَاجْتِهَادَهُمْ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ، وَسَمِعْتُ قَوْلَهُ تَعَالَى: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ \* مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ \* إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (4) فَعَلِمْتُ أَنَّ وَعْدَهُ حَقٌّ، وَقَوْلُهُ صِدْقٌ، فَسَكَنْتُ إِلَى وَعْدِهِ، وَرَضِيْتُ بِقَوْلِهِ، وَاشْتَعَلْتُ بِمَا لَهُ عَلَيَّ مِمَّا لِي عِنْدَهُ.

ص: 376

1- . التسخير: سياقه إلى الغرض المختص قهراً (مفردات غريب القرآن: 227).

2- . الحزازات: جمع الحزازه؛ وهي وجع القلب من غيظ ونحوه (لسان العرب: 334/5).

3- . الكدح: العمل والسعي والكسب (الصحاح: 398/1).

4- . الذاريات: 56-58.

پروردگارش بترسد و خود را از هوس بازدارد در بهشت جای دارد». پس تلاش کردم که هوس را از خود دور کنم تا در رضایت خدا جای گیرم.

حضرت فرمودند: احسنت واللّه. اما چهارم؟

گفت: دیدم هر کس چیز گران بها پیدا می کند در حفظ آن تلاش می کند و آیه قرآن را شنیدم که می فرماید: «کیست که به خدا قرض نیکویی بدهد تا خداوند آن را مضاعف کند و پاداش بزرگ بدهد».

من پاداش مضاعف را دوست داشتم و محفوظتر از نزد خدا جایی را نیافتم. پس هر چیز گرانبهایی یافتم آن را نزد خدا برای هنگام نیازم ذخیره کردم.

امام علیه السلام فرمود: احسنت واللّه. اما پنجم؟

گفت: دیدم بعضی از مردم نسبت به روزی دیگران حسادت می کنند و آیه قرآن را شنیدم:

«ما روزی مردم را در میان آنان تقسیم می کنیم و بعضی را از دیگران بالاتر می بریم تا دیگران را مسخره کنند. اما رحمت پروردگارت بهتر از آن است که آنان جمع می کنند».

بنابراین به کسی حسادت نکردم و برای آنچه از دست داده ام تأسف نمی خورم.

امام علیه السلام فرمودند: احسنت واللّه. ششم؟

گفت: دیدم بعضی از مردم در دنیا با دیگران دشمنی می کنند. و سخنان خدا را شنیدم:

«شیطان دشمن شماست پس با او دشمنی کنید».

من به جای دشمنی با کسی به دشمنی با شیطان پرداختم.

امام علیه السلام فرمودند: احسنت واللّه. هفتم؟

گفت: زحمت مردم را دیدم که برای بدست آوردن روزی تلاش می کنند. و سخنان خدا را شنیدم: «من انسان و جن را جز برای عبادت نیافریدم از آنان رزق و غذا نمی خواهم خدا روزی ده است و نیرومند و متین است». پس دانستم که وعده خدا حق است و گفتار او راست. پس به وعده او تسکین یافته و به سخن او راضی شدم و به آنچه به من داده است مشغول شدم.

قال عليه السلام أحسنت والله! والثامنة؟

فقال: رأيتُ قوماً يتكلمون على صيحه أبدانهم، وقوماً على كثرة أموالهم، وقوماً على خلقٍ مثلهم، وسَمِعْتُ قولَهُ تَعَالَى: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ وَمَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»، فَاتَّكَلْتُ عَلَى اللَّهِ وَزَالَ اتِّكَالِي عَلَى غَيْرِهِ.

فقال عليه السلام له: وَاللَّهِ، إِنَّ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ وَسَائِرَ الْكُتُبِ تَرْجِعُ إِلَى هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ. (1)

ص: 378

1- . مجموعه ورام، ج 1، ص 303.



امام علیه السلام فرمودند: احسنت واللّه. هشتم؟

گفت: گروهی را دیدم که به سلامتی خود و گروهی به مال زیاد و گروهی به افرادی مثل خود تکیه دارند و سخنان خدا را شنیدم: «کسی که از خدا پروا داشته باشد، خدا برایش راه رهایی قرار می دهد و از جایی که حساب نمی کرد روزی می رساند و کسی که به خدا توکل کند خدا او را کفایت کند». پس من هم به خدا توکل کردم و از اعتماد به غیر خدا دوری کردم.

امام علیه السلام فرمودند: بخدا قسم تورات و انجیل و زبور و قرآن و بقیه کتابها به همین مسائل بر می گردد.

ص: 379

3808. قَالَ بَعْضُ الزُّهَادِ لِأَحَدِ الْقُضَاةِ: قَدْ كُنْتُ أَحِبُّ لَكَ الْخَلَاصَ مِنَ التَّعَرُّضِ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ، فَإِذَا قَدْ بُلِيتَ بِذَلِكَ فَيَجِبُ أَنْ تَتَفَيَّ عَنْ نَفْسِكَ تَمَانِيًا خِصَالًا: يَجِبُ أَنْ لَا تَكْرَهُ اللَّوَائِمَ، وَلَا تُحِبَّ الْمَحَامِدَ، وَلَا تَخَافَ الْعَزْلَ (1)، وَلَا تَأْتَفَ عَنِ الْمُشَاوَرَةِ وَإِنْ كُنْتَ عَالِمًا، وَلَا تَتَوَقَّفَ عَنِ الْقَضَاءِ إِذَا كُنْتَ بِالْحَقِّ عَارِفًا، وَلَا تَقْضِيَ وَأَنْتَ غَضْبَانٌ، وَلَا تَتَّبِعَ الْهَوَى، وَلَا تَسْمَعَ شَكْوَى أَحَدٍ لَيْسَ مَعَهُ خَصْمُهُ. (2)

3809. تَمَانِيَةٌ أَشْيَاءٌ هِيَ زِينَةُ تَمَانِيَةٍ: الْعِفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ، وَالشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى، وَالصَّبْرُ زِينَةُ الْبَلَاءِ، وَالتَّوَاضُّعُ زِينَةُ الْحَسَبِ، وَالْحِلْمُ زِينَةُ الْعَالِمِ، وَالتَّدَلُّلُ زِينَةُ الْمُتَعَلِّمِ، وَالْبُكَاءُ زِينَةُ الْخَوْفِ، وَالْحُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ. (3)

3810. وَقَالَ آخَرُ: مَنْ تَرَكَ تَمَانِيَةً مُنِيحَ تَمَانِيَةٍ: مَنْ تَرَكَ فُضُولَ الْكَلَامِ مُنِيحَ الْحِكْمَةِ، وَمَنْ تَرَكَ فُضُولَ النَّظَرِ مُنِيحَ خُشُوعِ الْقَلْبِ، وَمَنْ تَرَكَ فُضُولَ الطَّعَامِ مُنِيحَ لَذَّةِ الْعِبَادَةِ، وَمَنْ تَرَكَ حُبَّ الدُّنْيَا مُنِيحَ حُبِّ الْآخِرَةِ، وَمَنْ تَرَكَ الْإِشْتِغَالَ بِعُيُوبِ غَيْرِهِ مُنِيحَ الْإِشْتِغَالَ بِإِصْلَاحِ عُيُوبِ نَفْسِهِ، وَمَنْ تَرَكَ التَّجَسُّسَ فِي كَيْفِيَّةِ اللَّهِ تَعَالَى مُنِيحَ الْبِرَاءَةِ مِنَ التَّفَاقِقِ، وَمَنْ تَرَكَ عِدَاوَةَ النَّاسِ مُنِيحَ الْمَحَبَّةِ، وَمَنْ تَرَكَ الْحَسَدَ مُنِيحَ الرَّاحَةِ.

3811. وَقَالَ الشَّيْخُ بَهَاءُ الدِّينِ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى: اَعْلَمْ أَنَّ نِعْمَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى وَإِنْ جَلَّتْ عَنْ أَنْ يُحِيطَ بِهَا نِطَاقٌ

ص: 380

1- . أى أن يعزلك السلطان.

2- . مجموعه ورام، ج 2، ص 111.

3- . بحار الأنوار، ج 75، ص 91، ح 96، بالمضمون.

3808. زاهدی به یک قاضی گفت: دوست دارم از این مقام قضاوت بین مردم کناره گیری کنی. حال که گرفتار شده ای بر تو واجب است از هشت چیز خود را حفظ کنی:

از ملامت کسی نترسی. مدح کردن را دوست نداشته باش. از بر کنار شدن نترس. گرچه عالم هستی اما از مشورت کردن امتناع نکن. وقتی که حق را شناختی در قضاوت توقف نکن. در حال خشم قضاوت نکن. از هوس پیروی نکن. به کسی که یطرفه شکایت می کند گوش نده تا هر دو طرف حاضر شوند.

3809. هشت چیز زینت هشت چیز است: عفت زینت فقر. و شکرگزاری زینت ثروت. و صبر زینت بلا. و فروتنی زینت حسب [نژاد نیکو]. و بردباری زینت عالم. و کوچکی زینت شاگرد. و گریه زینت خوف. و خشوع زینت نماز است.

3810. کسی که هشت چیز را ترک کند به هشت چیز دست یابد:

کسی که زیاده گویی را ترک کند به حکمت دست یابد. و کسی که نگاه بی جا را ترک کند خشوع قلب بدست می آورد. و کسی که پرخوری نکند لذت عبادت را می چشد. و کسی که حب دنیا را ترک کند به حب آخرت دست می یابد. و کسی که به عیب دیگران نپردازد عیب خود را اصلاح می کند. و کسی که در کیفیت خدا جستجو نکند از نفاق رها می شود.

و کسی که دشمنی مردم را ترک کند به محبت دست یابد. و کسی که حسد را ترک کند آسوده شود.

3811. شیخ بهاء الدین رحمه الله فرمود: نعمتهای خداوند سبحان گرچه از شمارش خارج است چنانکه

الْحَصْرِ كَمَا قَالَ جَلَّ شَأْنُهُ: «وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» لِكِنَّهَا ثَمَانِيَةُ أَنْوَاعٍ؛ لِأَنَّهَا إِمَّا دُنْيَوِيَّةٌ أَوْ آخِرَوِيَّةٌ، وَكُلُّ مِنْهُمَا إِمَّا مَوْهَبِيٌّ أَوْ كَسْبِيٌّ، وَكُلُّ مِنْهُمَا إِمَّا رُوحَانِيٌّ؛ كَتَحْلِيهِ النَّفْسِ بِالْأَخْلَاقِ الزَّكِيَّةِ، أَوْ جِسْمَانِيٌّ؛ كَتَزْيِينِ الْبَدَنِ بِالْهَيْئَاتِ الْمَطْبُوعَةِ، آخِرَوِيٌّ مَوْهَبِيٌّ إِمَّا رُوحَانِيٌّ؛ كَغُفْرَانِ ذُنُوبِنَا مِنْ غَيْرِ سَبَقِ تَوْبَةٍ، أَوْ جِسْمَانِيٌّ؛ كَالْأَنْهَارِ مِنَ اللَّبَنِ وَالْعَسَلِ فِي الْجَنَّةِ، آخِرَوِيٌّ كَسْبِيٌّ إِمَّا رُوحَانِيٌّ؛ كَغُفْرَانِ الذُّنُوبِ بَعْدَ التَّوْبَةِ، أَوْ جِسْمَانِيٌّ؛ كَالْمَلَذَاتِ الْجِسْمَانِيَّةِ الْمُتَسَجِّلَةِ بِفِعْلِ الطَّاعَاتِ.

3812. وَرَوَى الْكَلْبِيُّ قَالَ: إِنَّ آدَمَ وَحَوَّاءَ لَمَّا اهْبِطَا إِلَى الْأَرْضِ كَانَا عُرْيَانَيْنِ، فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ تَعَالَى عُرَى آدَمَ وَحَوَّاءَ أَنْزَلَ مِنَ الْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الضَّأْنِ (1) اثْنَيْنِ، وَمِنَ الْمَعَزِ اثْنَيْنِ، وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ، وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ، وَأَمَرَ آدَمَ أَنْ يَأْخُذَ صُوفَ الْكَبِشِ، فَأَخَذَهُ فَغَزَلَتْهُ حَوَّاءُ وَنَسَجَتْهُ هِيَ وَآدَمُ، فَجَعَلَ مِنْهُ آدَمُ جُبَّةً لِنَفْسِهِ، وَجَعَلَ لِحَوَّاءَ دِرْعاً وَخِمَاراً، فَلَبِسَاهُ، وَجَاءَ جِبْرَائِيلُ بِحَبَّاتٍ مِنَ الشَّجَرَةِ الَّتِي أَكَلَ مِنْهَا وَعَلَّمَهُ الزَّرْعَ وَالْحَرْفَ (2) كُلَّهَا وَقَالَ: يَا آدَمُ، لَا تَأْكُلْ خُبْزاً بِزَيْتٍ إِلَّا بَعَرَقِ الْجَبِينِ.

فَيَنْبَغِي لَوْلَدِهِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا الْحَرْفَ لِيَسْتَعْنُوا بِهَا عَنِ الطَّمَعِ وَأَكْلِ أَمْوَالِ النَّاسِ. نَسَأَلُ اللَّهَ أَنْ يُغْنِيَنَا بِفَضْلِهِ وَجُودِهِ، وَأَنْ يُلْهِمَنَا التَّوَكُّلَ عَلَيْهِ وَتَقْوِيصَ أَمْرِنَا إِلَيْهِ.

3813. قَالَ الشَّاعِرُ:

رَضِيْتُ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لِي وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى خَالِقِي

لَقَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ فِيمَا مَضَى كَذَلِكَ يُحَسِّنُ فِيمَا بَقِيَ (3)

ص: 382

1- . الضأن: هو خلاف المعز من ذوات الصوف من الغنم (مجمع البحرين: 3/3).

2- . الحرف: جمع الحرفة؛ أي الصنعة ووجهة الكسب (النهاية: 355/1).

3- . مصباح الشريعة، ص 175.

قرآن فرمود: «اگر نعمتهای خدا را حساب کنید نمی توانید آنها را بشمارید». اما هشت نوع هستند: چون نعمتها یا دنیایی هستند یا آخرتی. و هر کدام یا موهبتی هستند یا اکتسابی. و هر کدام از این چهار صورت یا روحی هستند مثل آراستن خود به اخلاق نیکو یا جسمی مثل آراستن بدن به صورتهای دلخواه.

آخرتی موهبتی روحانی مثل بخشیدن گناه بدون توبه. آخرتی موهبتی جسمی مثل نهرهای شیر و عسل در بهشت. آخرتی اکتسابی روحی مثل آمرزش گناهان بعد از توبه و آخرتی اکتسابی جسمی مثل لذتهای جسمی که با انجام طاعت بدست می آیند.

3812. کلبی گفت: آدم و حوا وقتی به زمین هبوط کردند عریان بودند. وقتی خداوند متعال عریان بودن آنها را دید از بهشت هشت حیوان جفت یعنی یک جفت بز و یک جفت گوسفند و یک جفت شتر و یک جفت گاو را فرستاد و به آدم امر فرمود از پشم گوسفند نر بچیند و حوا آن را ریسید و با کمک آدم بافت. و آدم از آن جبه ای برای خود و پائین پوش و چادر برای حوا درست کرد و پوشیدند.

جبرئیل از دانه های درختی که در بهشت خوردند و از آنجا رانده شدند آورد و زراعت و شغل های دیگر را به آدم آموخت. و گفت: ای آدم نان نخور مگر از عرق پیشانی خود.

بر اولاد آدم لازم است که حرفه ای بیاموزند تا از طمع و خوردن مال دیگران بی نیاز شوند.

از خداوند می خواهیم ما را به فضل خود بی نیاز کند و توکل به خود و واگذاری کار به خودش را به ما الهام فرماید.

3813. شاعر گوید:

خشنودم به آنچه خدا نصیب من فرموده و کار خود را به خالق خود واگذار نمودم

در گذشته خداوند به من احسان کرده است همچنین در بقیه عمر هم احسان می کند

ص: 383

فِي حِفْظِ اللِّسَانِ:

3814. أَقُولُ: عَلَيْكَ - أَيُّهَا الْأَخ - بِحِفْظِ اللِّسَانِ، فَإِنَّمَا خُلِقَ لَكَ لِتُكَثِّرَ بِهِ ذِكْرَ اللَّهِ تَعَالَى وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ، وَتُرْشِدَ بِهِ خَلْقَ اللَّهِ إِلَى طَرِيقِهِ، وَتُظْهِرَ بِهِ مَا فِي صَدْرِكَ مِنْ حَاجَاتِ دِينِكَ وَدُنْيَاكَ، فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَهُ فِي غَيْرِ مَا خُلِقَ لَهُ فَقَدْ خَسِرْتَ خُسْرَانًا مُبِينًا. فَالْوَاجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَحْفَظَهُ مِنْ تَمَانِيهِ أَشْيَاءَ:

الْأَوَّلُ: الكَذِبُ؛ فَاحْفَظْ لِسَانَكَ فِي الجِدِّ وَالهَزْلِ، وَلَا تُعَوِّدْ نَفْسَكَ الكَذِبَ هَزْلًا فَتَتَدَاعَى إِلَى الجِدِّ، فَالْكَذِبُ مِنْ أَمَّهَاتِ الكَبَائِرِ.

الثَّانِي: الخُلْفُ فِي الوَعْدِ، فَإِذَا كَانَ أَنْ تَعِدَ بِشَيْءٍ، بَلْ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ إِحْسَانُكَ إِلَى النَّاسِ فِعْلًا، بَلْ أَقُولُ: فَإِنْ اضْطُرِرْتَ إِلَى الوَعْدِ، فَإِذَا كَانَ أَنْ تُخْلِفَ إِلَّا بِعَجْزٍ أَوْ ضَرُورَةٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَمَارَاتِ النِّفَاقِ وَخَبَائِثِ الْأَخْلَاقِ.

الثَّالِثُ: حِفْظُ اللِّسَانِ مِنَ الغَيْبِ.

الرَّابِعُ: المِرَاءُ وَمُنَاقَشَةُ النَّاسِ فِي الكَلَامِ، فَذَلِكَ فِيهِ إِيْدَاءٌ لِلْمُخَاطَبِ وَتَجْهِيلٌ لَهُ وَطَعْنٌ فِيهِ، وَفِيهِ ثَنَاءٌ عَلَى النَّفْسِ وَتَرْكِيَةٌ لَهَا بِمَزِيدِ الفِطْنَةِ وَالعِلْمِ.

الخَامِسُ: تَرْكِيَةُ النَّفْسِ، وَهُوَ قَبِيحٌ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَلَا تَزُكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اتَّقَى».

وقِيلَ لِبَعْضِ الْحُكَمَاءِ: مَا الصِّدْقُ القَبِيحُ؟ قَالَ: ثَنَاءُ المَرءِ عَلَى نَفْسِهِ.

السَّادِسُ: اللُّعْنُ؛ فَإِذَا كَانَ أَنْ تَجْتَرِيَّ عَلَى لَعْنِ الْمُؤْمِنِينَ وَالمُسْلِمِينَ.

3814. درباره نگهداری زبان می گویم: برادر تا توانی زبان خود را نگه دار. چون این عضو را برای تو آفریده اند تا بوسیله آن به یاد خدا باشی. و قرآن تلاوت کنی. و بندگان خدا را به راه خدا ارشاد کنی. و خواسته های خود را در دنیا و آخرت با زبان بگویی.

پس اگر در غیر این موارد بکارگیری سخت زیان کرده ای. بر تو واجب است که زبان را از هشت چیز نگه داری:

1 - دروغ، در شوخی و جدی مراقب باش و زبان خود را در شوخی به دورغ عادت نده که به هنگام جدی دروغ بگویی. دروغ از مادر گناهان است.

2 - خلف وعده، پرهیز کن که وعده ای بدهی و تخلف کنی. باید احسان تو به مردم با عمل باشد نه با حرف. اگر در وضعیت اضطراری مجبور شدی وعده بدهی، تخلف نکن مگر از روی ناتوانی و ضرورت. چون تخلف از وعده از نشانه های نفاق و اخلاق زشت است.

3 - حفظ زبان از غیبت.

4 - جدال و کشمکش لفظی با مردم، که موجب آزار مردم و عیب جوئی و از علائم جهل است و خودستایی، از این قبیل است. و خود را پاک از جهل و با زکاوت و دانش نشان دادن است.

5 - خودستایی هم زشت است. خداوند متعال می فرماید: «خودستایی نکنید. خداوند به پرهیزکاران داناست».

به حکیمی گفتند: راستگویی زشت کدام است؟ گفت: ستایش خود.

6 - لعنت کردن، از لعنت کردن مؤمنان و مسلمانان خودداری کن.

السَّابِعُ: أَحْفَظْ لِسَانَكَ عَنِ الدُّعَاءِ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى وَإِنْ ظَلَمَكَ، وَكِلَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، فَفِي الْحَدِيثِ: «إِنَّ الْمَظْلُومَ لَيَدْعُو عَلَى ظَالِمِهِ حَتَّى يُكَافِئَهُ اللَّهُ، ثُمَّ يَبْقَى لِلظَّالِمِ فَضْلٌ عِنْدَهُ يُطَالِبُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

الثَّامِنُ: المَرْحُ وَالسُّخْرِيَّةُ وَالإِسْتِهْزَاءُ بِالنَّاسِ فَاحْفَظْ لِسَانَكَ مِنْهُ؛ فَإِنَّهُ يُرِيْقُ مَاءَ الْوَجْهِ وَيُسْقِطُ الْمَهَابَةَ، وَهُوَ مَبْدَأُ الْعِدَاوَةِ وَيَعْرِسُ الْحَقْدَ فِي الْقُلُوبِ؛ فَلَا تُمَازِحْ أَحَدًا، وَإِنْ مَازَحَكَ غَيْرَكَ فَلَا تُجِبْهُ وَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثِ غَيْرِهِ، وَكُنْ مِنَ الَّذِينَ إِذَا مَرَّوَا بِاللَّغْوِ مَرَّوَا كِرَامًا.

فَهَذِهِ مَجَامِعُ آفَاتِ اللُّسَانِ، وَلَا يُغْنِيكَ عَنْهُ وَلَا يَقِيكَ مِنْ آفَاتِهِ إِلَّا الْعُرْلَةُ وَمُلَازِمَةُ الصَّمْتِ إِلَّا بِدَرِ الصَّرْوَرَةِ، فَاحْتَرِزْ مِنْهُ؛ فَإِنَّهُ أَقْوَى أَسْبَابِ هَلَاكِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (1)

3815. تَبِمَّةٌ: قَالَ بَعْضُهُمْ: طَلَبْتُ ثَمَانِي خِصَالٍ، فَوَجَدْتُ بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: طَلَبْتُ الْقَدْرَ وَالْمَتْرَلَةَ فَمَا وَجَدْتُ إِلَّا بَعْلِيمًا؛ تَعَلَّمُوا لِيَعْظُمَ قَدْرُكُمْ فِي الدَّارَيْنِ.

وطلبت الكرامة فما وجدت إلا بالتقوى؛ اتقوا لتكروا.

وطلبت الغنى فما وجدت إلا بالقناعة؛ عليكم بالقناعة تستغنوا.

وطلبت الراحة فما وجدت إلا بترك مخالطة الناس ليقوم عيش الدنيا؛ اتركوا مخالطة الناس تستريحوا في الدارين، وتأمّنوا من العذاب.

وطلبت السلامة فما وجدت إلا بطاعة الله؛ أطيعوا الله تسلموا.

وطلبت الخضوع فما وجدت إلا بقبول الحق؛ اقبلوا الحق، فإن قبول الحق يبعد من الكبر.

وطلبت العيش فما وجدت إلا بترك الهوى؛ فاتركوا الهوى ليطيب عيشكم.

وطلبت المدح فما وجدت إلا بالسخاوة؛ كونوا من الأسخياء تمدحوا.

ولقد طلبت نعيم الدنيا والآخرة فما وجدت لها إلا في هذه الخصال التي ذكرناها.

ص: 386



7 - نفرین، زبان خود را از دعا کردن بر علیه کسی گرچه به تو ظلم کرده باشد حفظ کن. و او را به خدا واگذار کن. در حدیث آمده است:

مظلوم آنقدر بر علیه ظالم دعا می کند تا خداوند ظالم را مکافات کند. با این کار حقی برای ظالم پیدا می شود که در قیامت از مظلوم طلب می کند.

8 - شوخی و مسخره کردن مردم، زبان را از این حفظ کن چون آبروی افراد ریخته می شود.

و مهابت از بین می رود. و آن شروع دشمنی است. و تخم کینه را در دل می کارد. پس با کسی شوخی نکن گرچه با تو شوخی کند. و به او جواب نده تا به دیگران مشغول شود. و چنان باش که هنگام مرور بر کار بیهوده با کرامت مرور کنی.

اینها جمعی از آفتهای زبان است. پس از آفتهای رها نمی شوی مگر اینکه سکوت اختیار کنی و فقط بقدر ضرورت سخن بگویی. چون زبان قویترین سبب هلاکت تو در دنیا و آخرت است.

3815. حکیمی گفته است: هشت خصلت را جستجو کردم و با کمک آنها خیر دنیا و آخرت را یافتم:

دنبال قدر و منزلت بودم و در چیزی جز علم نیافتم. علم بیاموزید تا قدر شما در دنیا و آخرت بالا رود.

دنبال کرامت بودم که در چیزی جز تقوا نیافتم. تقوا داشته باشید تا گرامی داشته شوید.

در جستجوی ثروت بودم که در چیزی جز قناعت نیافتم. قانع باشید تا بی نیاز شوید.

در جستجوی راحتی بودم که آن را فقط در ترک معاشرت با مردم برای امور دنیا یافتم. با مردم کمتر معاشرت کنید در دو سرا راحت زندگی کنید و از عذاب ایمن شوید.

در جستجوی سلامتی بودم که آن را فقط در طاعت خدا یافتم. از خدا اطاعت کنید سلامت شوید.

در جستجوی خضوع بودم که آن را فقط در قبول کردن حق یافتم. حق را بپذیرید که قبول کردن حق انسان را از تکبر دور می کند.

در جستجوی عیش بودم که آن را فقط در ترک هوس یافتم. هوس را ترک کنید تا خوش بگذرانید.

در جستجوی ستایش بودم که آن را فقط در سخاوت یافتم. سخی باشید تا ستایش شوید.

در جستجوی نعمتهای دنیا و آخرت بودم که آنها را فقط در این خصلتها یافتم که ذکر شد.

3816. وَقِيلَ لِحَكِيمٍ: مَا النَّعْمَةُ؟ فَقَالَ: فِي ثَمَانٍ: الْغِنَى، وَالْأَمْنُ، وَالصَّحَّةُ، وَالشَّبَابُ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ، وَالْعِزُّ، وَالْإِخْوَانُ، وَالزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ. (1)

3817. وَقِيلَ لِحَكِيمٍ: مَا الَّذِي لَا يَمَلُّ مِنْهُ وَإِنْ تَكَرَّرَ؟ فَقَالَ: ثَمَانِيَةٌ: الْخُبْزُ الْبَارِدُ، وَلَحْمُ الضَّأْنِ، وَالْمَاءُ الْبَارِدُ، وَالثَّوْبُ اللَّيِّنُ، وَالْفِرَاشُ الْوَطِيُّ، وَالرَّائِحَةُ الطَّيِّبَةُ، وَالنَّظَرُ إِلَى مَنْ تُحِبُّ، وَمُحَادَثَةُ إِخْوَانِ الصِّدْقِ.

3818. وَقَالَ فَيَصْرُ لِنَفْسٍ: مَا أَفْضَلُ الْحِكْمَةِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ بِقَدْرِهِ.

قَالَ: فَمَا أَكْمَلُ الْعَقْلِ؟ قَالَ: وَقُوفُ الْإِنْسَانِ عِنْدَ عِلْمِهِ .

قَالَ: فَمَا أَوْفَرُ الْجِلْمِ؟ قَالَ: حِلْمُ الْإِنْسَانِ عِنْدَ شَتْمِهِ .

قَالَ: فَمَا أَصَوْنُ الْمُرُوءِ؟ قَالَ: اسْتِبْقَاءُ الْإِنْسَانِ مَاءَ وَجْهِهِ .

قَالَ: فَمَا أَكْمَلُ الْمَالِ؟ قَالَ: مَا اعْطِيَ الْحَقُّ مِنْهُ.

قَالَ: فَمَا أَحْسَنُ السَّخَاءِ؟ قَالَ: الْبَدْلُ قَبْلَ السُّؤَالِ.

قَالَ: فَمَا أَنْتَقِعُ (2) الْأَشْيَاءِ؟ قَالَ: تَقْوَى اللَّهِ وَإِخْلَاصُ الْعَمَلِ لَهُ.

قَالَ: فَأَيُّ الْمُلُوكِ خَيْرٌ؟ قَالَ: أَقْرَبُهُمْ مِنَ الْجِلْمِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ، وَأَبْعَدُهُمْ مِنَ الْجَهْلِ عِنْدَ الْغَضَبِ، وَمَنْ يَرَى أَنَّهُ لَا يَمْلِكُ أَمْرَهُ إِلَّا بِالْعَدْلِ بَيْنَ رَعِيَّتَيْهِ

ص: 388

1- . معدن الجواهر، ص 68.

2- . الظاهر أنفع بالفاء، وإن كان أنقع بالقاف فهو بمعنى أروى، أى فما هو أروى للإنسان وأدفع لعطشه.

3816. از حکیم پرسیدند: نعمت چیست؟ گفت: در هشت چیز: بی نیازی، امنیت، سلامت، جوانی و اخلاق خوش و عزت و برادران و همسر شایسته.

3817. از حکیمی پرسیدند: چه چیزی گرچه تکراری شود ملال آور نیست؟ گفت: هشت چیز: نان سرد و گوشت گوسفند و آب سرد و لباس نرم و همسر و عطر خوش و نگاه کردن کسی که دوست داری و گفتگو با دوستان صمیمی.

3818. قیصر روم به کشیشی گفت: برترین حکمت چیست؟ گفت: شناختن قدر خویش.

پرسید: کامل ترین عقل کدام است؟ گفت: به آنچه علم دارد استوار بماند.

پرسید: بیشترین بردباری کدام است؟ گفت: بردباری در هنگامی که به او فحش بدهند.

پرسید: بهترین نگهبان جوانمردی چیست؟ گفت: نگهداشتن آبرو.

پرسید: کامل ترین مال چیست؟ گفت: آن که حقوقش پرداخته شود.

پرسید: بهترین سخاوت چیست؟ گفت: بخشش قبل از تقاضا.

پرسید: سودمندترین چیز کدام است؟ گفت: تقوای خدا و اخلاص عمل برای او.

پرسید: کدام حاکم خوب است؟ گفت: آنکه در هنگام قدرت بردبار و هنگام خشم نادانی او از همه کمتر و آنکه بداند حکومت جز با عدالت برقرار نمی ماند.



البابُ التَّاسِعُ: فِي الْمَوَاعِظِ الشُّعَائِيَّاتِ

**باب نهم: پندهای نه گانه**

**اشاره**

ص: 391

3819. رُوِيَ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: آفَةُ الْحَدِيثِ الْكَذِبُ، وَآفَةُ الْعِلْمِ النَّسْيَانُ، وَآفَةُ الْحِلْمِ السَّفَهُ، وَآفَةُ الْعِبَادَةِ الْفِتْرَةُ (1)، وَآفَةُ الظَّرْفِ الصَّلْفُ (2)، وَآفَةُ الشَّجَاعَةِ الْبَغْيُ، وَآفَةُ السَّخَاءِ الْمَنُّ، وَآفَةُ الْجَمَالِ الْخِيَلَاءُ، وَآفَةُ الْحَسَبِ الْفَخْرُ. (3)

3820. وَعَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا افْتَتَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَيْبَرَ دَعَا بِقَوْسِيهِ فَاتَّكَى عَلَى سَيْتِهَا (4)، ثُمَّ حَمَدَ اللَّهَ وَأَثَى عَلَيْهِ وَذَكَرَ مَا فَتَحَ اللَّهُ لَهُ وَنَصَرَهُ بِهِ، وَنَهَى عَنِ خِصَالٍ تِسْعٍ: عَنِ مَهْرِ الْبَغْيِ، وَعَنِ عَسَبِ الدَّابَّةِ؛ يَعْنِي كَسَبَ الْفَحْلِ (5)، وَعَنِ خَاتَمِ الذَّهَبِ، وَعَنِ ثَمَنِ الْكَلْبِ، وَعَنِ مِيَاثِرِ الْأَرْجَوَانِ (6) - قَالَ أَبُو عُرْوَةَ: الْأَرْجَوَانُ مِيَاثِرُ الْحُمْرِ (7) - وَعَنِ لَبُوسِ ثِيَابِ الْقَسِيِّ - وَهِيَ ثِيَابٌ تُسَجُّ بِالسَّامِ - وَعَنِ أَكْلِ لُحُومِ السَّبَاعِ، وَعَنِ صَرْفِ الذَّهَبِ بِالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ بِالْفِضَّةِ وَبَيْنَهُمَا فَضْلٌ، وَعَنِ النَّظْرِ فِي النُّجُومِ. (8)

3821. وَعَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رُفِعَ عَنِ أُمَّتِي تِسْعَةٌ: الْخَطَأُ، وَالنَّسْيَانُ، وَمَا أَكْرَهُوا عَلَيْهِ، وَمَا لَا يَعْلَمُونَ، وَمَا لَا يُطِيقُونَ، وَمَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ، وَالْحَسَدُ، وَالطَّيْرَةُ (9)، وَالتَّفَكُّرُ، وَالْوَسْوَسَةُ فِي الْخَلْقِ مَا لَمْ يَنْطِقْ بِشَفْهِهِ (10). (11)

ص: 392

- 1- . الفتره: الضعف والتواني. والمراد أن آفتها التواني المفضى إلى تركها.
- 2- . الظرف: الكياسه والحذاقه والبراعه وحسن الأدب، قال الجزري: الظرف في اللسان: البلاغه، وفي الوجه: الحسن، وفي القلب: الذكاء. والصلف: التمدح بما ليس فيه والعجب والتكبر والغلو في الظرف.
- 3- . الخصال، ص 416، ح 7.
- 4- . سية القوس: ماعطف من طرفيها (النهايه: 435/2).
- 5- . أي أخذ الثمن على إرسال الفحل على الأثني.
- 6- . ميثره الأرجوان: وطاءً محشوً يترك على رجل البعير تحت الراكب. والأرجوان: صبغ أحمر كالفراش الصغير ويحشى بقطن أو صوف يجعل الراكب تحته على الرجال فوق الجمال (لسان العرب: 278/5).
- 7- . كذا.
- 8- . الخصال، ص 417، ح 10.
- 9- . الطيرة: التشأم بالشيء (النهايه: 152/3).
- 10- . أي في خالقه بأن يقول له الشيطان: من خلقك؟ فيقول: الله، فيقول: فمن خلقه؟ أو الوسوسه في الخلق بسوء الظن في الناس - كما ورد في الحديث -.
- 11- . الخصال، ص 417، ح 9.

## فصل اول: احادیث شیعه از رسول الله صلی الله علیه و آله

3819. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: آفت گفتار دروغ و آفت علم فراموشی و آفت بردباری بی خردی و آفت عبادت تبلی و آفت طبع خوش گزافه گویی و آفت شجاعت ظلم و آفت سخاوت منت گذاری و آفت زیبایی تکبر و آفت نژاد پاک افتخار کردن است.

3820. زمانی که رسول الله صلی الله علیه و آله خبیر را فتح کردند به کمان تکیه کردند و پس از حمد و ثناء خداوند و یادآوری فتح و پیروزی که نصیب آنها نموده است. از نه خصلت نهی فرمودند: اجرت زنا و کرایه دادن حیوان برای جفت گیری و انگشتر طلا و بهای سگ ولگرد یا تزئینی. و زیر انداز قدیمی که روی شتر می اندازند و لباس حریر و خوردن گوشت درندگان. صرافی طلا به طلا یا نقره به نقره که یک طرف بهتر باشد. [مثلاً طلای مرغوب به طلای شکسته خرید و فروش کنند] و مطالعه در نجوم.

3821. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: نه چیز [تکلیف] از امت من برداشته شده است: خطا و فراموشی و آنچه به اجبار مبتلا شوند و آنچه نمی دانند و آنچه طاقت ندارند و حال اضطراب و حسد [در مواردی که اختیاری نباشد] و فال بد زدن و فکر [گناه] و وسوسه بین مردم تا وقتی که بزبان نیامده باشد.

3822. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ وَرَدَ عَلَيْهِ وَفَدُّ عَبْدِ الْقَيْسِ، فَسَدَّ لَمَوْا عَلَيْهِ ثُمَّ وَصَدَّ عَوَا بَيْنَ يَدَيْهِ جُلَّةَ تَمْرٍ (1)، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَصَدَقَهُ أَوْ هَدَيْتَهُ؟ قَالُوا: بَلْ هَدَيْتَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: مِنْ أَى تَمْرَاتِكُمْ؟ قَالُوا: الْبَرْنِيُّ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فِي تَمْرَتِكُمْ هَذِهِ تِسْعُ خِصَالٍ: إِنَّ هَذَا جَبْرَيْلُ يُخْبِرُكُمْ أَنَّ فِيهِ تِسْعُ خِصَالٍ: تُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَتُطَيِّبُ الْفَمَ، وَيُقَوِّى الْمَعِدَةَ، وَتَهْضِمُ الطَّعَامَ، وَتَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَالْبَصَرِ، وَتُقَوِّى الظَّهْرَ، وَتَخْتَلِ (2) الشَّيْطَانَ، وَتُقَرِّبُ مِنَ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ، وَتُبَاعِدُ مِنَ الشَّيْطَانِ.

تِسْعُ خِصَالٍ أَعْطَاهَا اللَّهُ نَبِيَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: (3)

3823. عَنْ أُمِّ هَانِي بِنْتِ أَبِي طَالِبٍ، قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَظْهَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْإِسْلَامَ عَلَى يَدِي، وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ عَلَيَّ، وَفَتَحَ الْكَعْبَةَ عَلَى يَدِي، وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ، وَجَعَلَنِي فِي الدُّنْيَا سَيِّدَ وُلْدِ آدَمَ، وَفِي الْآخِرَةِ زَيْنَ الْقِيَامَةِ، وَحَرَّمَ دُخُولَ الْجَنَّةِ عَلَيَّ الْأَنْبِيَاءِ حَتَّى أَدْخُلَهَا أَنَا، وَحَرَّمَهَا عَلَى أُمَّهِمْ حَتَّى تَدْخُلَ أُمَّتِي، وَجَعَلَ الْخِلَافَةَ فِي أَهْلِ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي إِلَى النَّفْخِ فِي الصُّورِ؛ فَمَنْ كَفَرَ بِمَا أَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ. (4)

3824. عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: كُنْتُ ذَاتَ يَوْمٍ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَيَّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: الْإِبْرَئِيلُ يَا أَبَا الْحَسَنِ؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: هَذَا جَبْرَيْلُ يُخْبِرُنِي عَنِ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ قَالَ: قَدْ أُعْطِيَ شِيعَتَكَ وَمُجَبِّيكَ تِسْعَ خِصَالٍ: الرَّفْقَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَالْأَنَسَ عِنْدَ الْوَحْشَةِ (5)، وَالتَّوَرَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ (6)، وَالْأَمْنَ عِنْدَ الْفَرْعِ، وَالْقِسْطَ عِنْدَ الْمِيزَانِ، وَالْجَوَازَ عَلَيَّ الصِّرَاطِ، وَدُخُولَ الْجَنَّةِ قَبْلَ سَائِرِ النَّاسِ، وَنُورَهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ.

أَعْطَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عَلَيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ تِسْعَ خِصَالٍ: (7)

3825. عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَعْطَيْتُ فَيْكَ يَا عَلِيُّ تِسْعَ خِصَالٍ: ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا،

ص: 394

1- . الْجِلِّ - بكسر الجيم - من المتاع: البسط والأكيسه. والجُلَّة - بضمها - وعاء التمر.

2- . ختلته: أى خدعه، وختل الذئب الصيد إذا تخفى له ليأخذه.

3- . الخصال، ص 416، ح 8.

4- . الخصال، ص 413، ح 1.

5- . لعل المراد وحشه القبر، أو القيامة، أو الأمن والاطمئنان فى حياتهم الدنيوية.

6- . لعل المراد ظلمه يوم القيامة أو الأعم منها ومن ظلمات الدنيا من ضلالتها وشبهاتها.

7- . الخصال، ص 402، ح 112.



3822. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: در حضور رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم که فرستاده عبدالقیس وارد شدند و سلام کردند و طبقی از خرما را جلوی حضرت گذاشتند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: این صدقه است یا هدیه؟ گفتند: هدیه است یا رسول الله. فرمودند: از کدام نوع خرما شماس است؟ گفت: برنی.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در این نوع خرما شما نه ویژگی وجود دارد: این جبرئیل است که از نه ویژگی به شما خبر می دهد: نفس را خوشبو می کند. و دهان را خوشبو می کند. و معده را تقویت می کند. غذا را هضم می کند. گوش و چشم را تقویت، و کمر را محکم می کند. و شیطان را فریب می دهد. و به خدا نزدیک، و از شیطان دور می کند.

3823. ام هانی دختر ابوطالب گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند اسلام را بدست من ظاهر کرد.

و قرآن را بر من نازل فرمود. کعبه را به دست من فتح کرد. و مرا بر همه مخلوقات برتری داد. و مرا در دنیا سرور فرزندان آدم و در آخرت زینت قیامت قرار داد. و ورود به بهشت را قبل ورود من بر پیامبران حرام کرد. بر امتهای دیگر تا امت من وارد نشود ورود به بهشت را ممنوع کرد. خلافت را پس از من تا قیامت در اهل بیت من قرار داد. پس هر کس به آنچه می گویم کفر ورزد، به خدای عظیم کفر ورزیده است.

3824. جابر بن عبدالله انصاری گوید: روزی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که به علی بن ابیطالب علیه السلام رو کرد و فرمود: ای ابوالحسن می خواهی به تو مژده ای بدهم؟ گفت: بله یا رسول الله. فرمودند: این جبرئیل است که از طرف خدای عزّ و جل خبر می دهد که به شیعه تو و دوست دار تو نه امتیاز عطا شده است: راحتی هنگام مرگ، و انس در وحشت، و نور در ظلمت، و ایمنی از ترس در قیامت، و عدالت در میزان، و عبور از صراط، و ورود به بهشت قبل از بقیه مردم، و نور آنها پیشاپیش و از طرف راست آنها می شتابد.

3825. رسول الله صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند: با وجود توبه به من نه خصلت داده اند:

سه خصلت در دنیا: تو وصی من و جانشین من در امت و ادا کننده دین من هستی.

وَالثَّلَاثُ فِي الْآخِرَةِ، وَالثَّنَانِ لَكَ، وَوَاحِدَةً أَخْفَاهَا عَلَيْكَ:

فَأَمَّا الثَّلَاثُ الَّتِي فِي الدُّنْيَا؛ فَإِنَّكَ وَصِيٌّ، وَخَلِيفَتِي فِي أَهْلِي، وَقَاضِي دِينِي.

وَأَمَّا الثَّلَاثُ الَّتِي فِي الْآخِرَةِ؛ فَإِنِّي أَعْطَى لِرِوَاءِ الْحَمْدِ فَأَجْعَلُهُ فِي يَدِكَ وَأَدُمُّ وَذُرِّيَّتُهُ يَمْشِيَانِ تَحْتَ لِيوَانِي، وَتُعِينُنِي عَلَى مَفَاتِيحِ الْجَنَّةِ، وَأُحْكَمُكَ فِي شَفَاعَتِي لِمَنْ أَحَبَّيْتُ.

وَأَمَّا الثَّنَانِ لَكَ، فَإِنَّكَ لَنْ تَرْجِعَ مِنْ بَعْدِي كَافِرًا، وَلَا ضَالًّا.

وَأَمَّا الَّتِي أَخْفَاهَا عَلَيْكَ فَغَدْرُهُ (1) قُرَيْشٍ بِكَ مِنْ بَعْدِي يَا عَلِيُّ (2).

3826. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا وَجَعَلَ لَهُ سَيِّدًا: فَالْتَسْرُ سَيِّدُ الطُّيُورِ، وَالبَقْرُ سَيِّدُ البَهَائِمِ، وَالأَسَدُ سَيِّدُ السَّبَاعِ وَالْوُحُوشِ، وَإِسْرَافِيلُ سَيِّدُ المَلَائِكَةِ، وَأَدَمُ سَيِّدُ البَشَرِ، وَالجُمُعَةُ سَيِّدُ الأَيَّامِ، وَرَمَضَانُ سَيِّدُ الشُّهُورِ، وَأَنَا سَيِّدُ الأنْبِيَاءِ، وَعَلِيُّ سَيِّدُ الأَوْصِيَاءِ. (3)

3827. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوْصَانِي رَبِّي بِتِسْعٍ، وَأَنَا أَوْصِيكُمْ بِمَا أَوْصَانِي بِهِ رَبِّي: بِالْإِخْلَاصِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالعَدْلِ فِي الرِّضَى وَالْغَضَبِ، وَالفَصْدِ فِي الغِنَى وَالفَقْرِ، وَأَنْ أَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَنِي، وَأَعْطَى مَنْ حَرَمَنِي، وَأَصِلَ مَنْ قَطَعَنِي، وَأَنْ يَكُونَ صَدِّقِي فِكْرًا، وَنُطْقِي ذِكْرًا، وَنَظْرِي عِبْرًا. (4)

3828. وَعَنْ صَدِّقِ بَنِي عَسَّالٍ قَالَ: قَالَ يَهُودِيٌّ لِصَاحِبِهِ: إِذْهَبْ بِنَا إِلَى هَذَا النَّبِيِّ، فَقَالَ لَهُ صَاحِبُهُ: لَا تُثْقَلْ لَهُ نَبِيٌّ، إِنَّهُ لَوْ سَمِعَكَ لَكَانَ لَهُ أَرْبَعَةٌ أَعْيُنٌ!! فَأَتَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَأَلَهُ عَنْ تِسْعِ آيَاتٍ بَيَّنَّتْ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

لَا تُشْرِكُوا بِاللَّهِ شَيْئًا، وَلَا تُسْرِفُوا، وَلَا تَزْنُوا، وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ، وَلَا تَمْشُوا بِبِرْيٍ إِلَى ذِي سُلْطَانٍ لِيَقْتُلَهُ، وَلَا تَسْحَرُوا، وَلَا تَأْكُلُوا الرِّبَا، وَلَا تَقْذِفُوا مُحْصَنَةً، وَلَا تَوَلُّوا لِلْفِرَارِ يَوْمَ الرَّحْفِ، وَعَلَيْكُمْ خَاصَّةَ الْيَهُودِ أَنْ لَا تَعْتَدُوا فِي السَّبْتِ. وَقَالَ: فَتَبَّلا يَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ وَقَالَ: نَشْهَدُ أَنَّكَ نَبِيٌّ، قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَمَا يَمْنَعُكُمْ أَنْ تَتَّبِعُونِي؟ قَالُوا: إِنَّ دَاوُدَ دَعَا رَبَّهُ أَنْ لَا يَزَالَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ نَبِيٌّ وَإِنَّا نَخَافُ أَنْ يَتَّبِعَنَا أَنْ يَفْتَنَنَا الْيَهُودُ.

ص: 396

1- . أى تقضهم العهد.

2- . الخصال، ص 415، ح 5.

3- . شرح الأخبار، ج 1، ص 223.

4- . تحف العقول، ص 36.

سه خصلت در آخرت: پرچم حمد را که به من داده اند در دست توست و آدم و فرزندانش زیر پرچم من حرکت می کنند. تو در کلیدهای بهشت مرا یاری می کنی. تو را حاکم می کنم در شفاعت من برای هر که دوست داری.

دو خصلت برای توست: تو بعد از من گمراه و کافر نخواهی شد.

از یک خصلت در مورد تو ترس دارم: قریش بعد از من با تو مکر و پیمان شکنی می کنند.

3826. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند برای هر چه آفریده سروری قرار داده است:

کرکس سرور پرندگان است. و گاو سرور چهار پایان، و شیر سرور درندگان وحشی، و اسرافیل سرور فرشتگان، و آدم سرور بشر، و جمعه سید روزها، و رمضان سید ماهها، و من سید پیامبران، و علی سید اوصیاء است.

3827. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: پروردگارم مرا به نه چیز توصیه فرمود. و من شما را به آنچه پروردگارم فرموده توصیه می نمایم: اخلاص در نهان و آشکار، عدالت در خشنودی و خشم، میانه روی در ثروت و فقر، بیخشم کسی را که به من ظلم کرد، عطا کنم به کسی که مرا محروم کرد. صلۀ رحم کنم با کسی که از من قطع رابطه کرد. و سکوت من فکر، و گفتار من ذکر، و نظر من عبرت باشد.

3828. یک یهودی به دوستش گفت: برویم نزد این پیامبر. دوستش گفت: نگو پیامبر، اگر بشنود به خود می بالد.

آمدند و پرسیدند: نه نشانه روشن کدامند؟ حضرت فرمودند: به خدا شرک نوزید. اسراف نکنید. زنا نکنید. کسی را به ناحق به قتل نرسانید. بی گناه را به دام حاکم زورگو نیندازید تا او را بکشد. جادو نکنید. ربا نخورید. به زنان پاکدامن تهمت نزنید. از جنگ فرار نکنید.

شما یهودیان در روز شنبه تعدی نکنید.

دو یهودی دست و پای پیامبر صلی الله علیه و آله را بوسیدند و گفتند: شهادت می دهیم که تو پیامبر هستی.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: چرا از من پیروی نمی کنید؟ گفتند: می ترسیم اگر به تو ایمان آوریم یهودیان ما را بکشند.

قال بعضهم: المراد بتسع آيات معجزات موسى عليه السلام، وقال آخرون: التسع المذكورة في الحديث كما ذكره النبي صلى الله عليه و آله، والأخير مخصوص باليهود، وهو قوله: لا تعتدوا؛ لئلا يلزم أن الآيات عشر.

وقولهما: لا يزال في ذريته نبي؛ أي لا تنقطع النبوة في ذريته إلى يوم القيامة فيكون دعاؤه مستجاباً، فيكون في ذريته نبي، وهو افتراء على داود، ولم يكن اليهوديان مؤمنين حقيقاً.

3829. قال عليه السلام: الكبائر في الإسلام تسع: أربع في اللسان: الشرك، وشهادة الزور، وقذف المحصنة، والسحر، واثنان في الباطن: أكل الربا، وأكل أموال اليتامى ظلماً؛ وواحدة في اليد: قتل النفس بغير حق؛ وواحدة في الرجل: الفراء من الزحف؛ وواحدة في الجسد كله: عقوق الوالدين. فإن أردت النجاة من الهلاك فاترك هذه الكبائر التسع.

برخی گفته اند: منظور از نه آیه، معجزه های موسی علیه السلام است. دیگرانی گفته اند: نه تایی ذکر شده در حدیث، - همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده - و این آخری، ویژه یهودند، و آن آخری، گفته «تجاوز نکنید است»، و این از آن روست که آیه ها، ده نشود.

اما این گفته آن دو نفر که همواره در ذریه داود، پیامبری خواهد بود، یعنی نبوت در نسل او تا روز قیامت قطع نخواهد شد، و بنابراین، دعای او اجابت شده است، و در نسلش پیامبری خواهد بود. این حرف، افترای بر داود است. و آن دو یهودی مؤمن واقعی نبودند.

3829. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: گناهان بزرگ [کبیره] در اسلام نه گناه است:

چهار گناه مربوط به زبان: شرک و شهادت دروغ و تهمت ناروا به افراد پاکدامن و سحر.

دو گناه مربوط به شکم: خوردن ربا و خوردن مال یتیم.

یک گناه مربوط به دست: کشتن انسان بی گناه.

یک گناه مربوط به پا: فرار از جنگ.

یک گناه مربوط به تمام بدن: ستم به پدر و مادر.

اگر خواهی از هلاکت نجات یابی این نه گناه را ترک کن.

ص: 399

3830. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ! لَقَدْ أَعْطَانِي اللَّهُ تِسْعَةَ أَشْيَاءَ لَمْ يُعْطِهَا أَحَدًا قَبْلِي خِلا النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَدْ دُفِّحَتْ لِي السُّبُلُ (1)، وَعُلِّمْتُ الْأَسْبَابَ (2)، وَأَجْرِي إِلَى السَّحَابِ (3)، وَعُلِّمْتُ الْمَنَايَا وَالْبَلَايَا (4)، وَفَصَلَ الْخِطَابِ (5)، وَلَقَدْ نَظَرْتُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ بِإِذْنِ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ؛ فَمَا غَابَ مِنِّي حَتَّى عَلِمْتُ مَا كَانَ قَبْلِي وَمَا يَأْتِي مِن بَعْدِي، وَإِنَّ بَوْلَايَتِي أَكْمَلَ اللَّهُ تَعَالَى لِهَذِهِ الْأُمَّةِ دِينَهُمْ، وَأَتَمَّ عَلَيْهِمُ النَّعْمَ، وَرَضِيَ إِسْلَامَهُمْ، إِذْ يَقُولُ يَوْمَ الْوَلَايَةِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا مُحَمَّدُ، أَخْبِرْهُمْ أَنِّي الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَهُمْ دِينَهُمْ، وَأَتَمَمْتُ عَلَيْهِمْ نِعْمَتِي، وَرَضَيْتُ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا. كُلُّ ذَلِكَ مِنْ مَنْ اللَّهِ بِهِ عَلِيٌّ، فَلَهُ الْحَمْدُ. (6)

3831. وَعَنْ عَامِرِ الشَّعْبِيِّ قَالَ: تَكَلَّمَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِتِسْعِ كَلِمَاتٍ ارْتَجَلَهُنَّ ارْتِجَالًا (7) فَقَاتَ عِيُونَ الْبَلَاغَةِ، وَأَيْتَمَنَ (8) جَوَاهِرَ الْحِكْمَةِ، وَقَطَعَنَ جَمِيعَ الْأَنْامِ عَنِ اللَّحَاقِ بِوَاحِدِهِ مِنْهُنَّ (9)؛ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْمُنَاجَاةِ، وَثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْحِكْمَةِ، وَثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْأَدَابِ:

ص: 400

- 1- . لَعَلَّ الْمُرَادَ سَبِيلَ الْعِلْمِ.
- 2- . لَعَلَّ الْمُرَادَ بِالْأَسْبَابِ الْعِلْلَ.
- 3- . أَيْ سَخَّرَ لَهُ السَّحَابَ فَتَجْرَى بِأَمْرِهِ.
- 4- . الْمَنَايَا: جَمْعُ الْمَنِيَةِ: أَيْ الْمَوْتِ، وَالْبَلَايَا: الْحَوَادِثُ، جَمْعُ الْبَلِيَةِ، يَعْنِي أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَّمَ أَجَالَ النَّاسِ أَوْ مُطْلَقَ الْأَجَالِ، وَعَلِمَا الْحَوَادِثِ مَتَى وَكَيْفَ وَأَيْنَ تَقَعُ.
- 5- . فَصَلَ الْخِطَابِ: مَا فِيهِ قَطْعُ الْحُكْمِ، فَالْمُرَادُ إِذَا الْقَضَاءُ بَيْنَ النَّاسِ أَوْ كُلِّ مَطْلَبٍ يَقِينِي.
- 6- . الْخِصَالُ، ص 414، ح 4.
- 7- . ارْتَجَلَ الْكَلَامَ: تَكَلَّمَ بِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَهَيِّئَهُ.
- 8- . أَيْ جَعَلَ جَوَاهِرَ الْحِكْمَةِ أَيْتَامًا ضَعْفًا.
- 9- . أَيْ قَطَعَهُمْ عَنِ الْإِتْيَانِ بِأَمْثَالِهِنَّ.

3830. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: بخدا قسم، خداوند به من نه امتیاز داده است که قبل از من جز به پیامبر صلی الله علیه و آله به کسی نداده است: راهها به روی من باز شده است. و از اسباب [و علت کارها] خبر دارم. ابر برای من به حرکت افتاد. از مرگ و گرفتاریها اطلاع دارم. و حق و باطل را می شناسم. با اذن پروردگار به ملکوت نگرستم و آگاه شدم به آنچه قبل از من بوده و آنچه بعد از من می آید. و با ولایت من خداوند متعال دین این امت را کامل کرد و نعمت را بر آنها تمام فرمود. و از اسلام آنان خشنود شد. چون در روز ولایت [عید غدیر] به محمد صلی الله علیه و آله فرمود: یا محمد به آنها بگو: امروز دین شما را کامل کردم. و نعمت را بر شما تمام و اسلام را برای شما برگزیدم.

همه اینها از منتهای خداوند بر من است. پس حمد سزاوار اوست.

3831. امیرالمؤمنین علیه السلام بالبداهه و بدون آمادگی قبلی نه جمله فرمودند که چشمان بلاغت را حیرت زده و گوهرهای حکمت را ناتوان و همه مردم را از درک جمله ای از آن عاجز نمودند:

سه جمله در رابطه با مناجات: خدایا این عزت مرا بس که بنده توام. و این افتخار مرا بس که تو پروردگار منی. تو چون آنی که من دوست دارم، مرا چنان قرار ده که دوست داری.

فَأَمَّا اللَّاتِي فِي الْمُنَاجَاةِ: إلهي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا، وَكَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا، أَنْتَ كَمَا أَحْبَبْتَ فَاجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ.

وَاللَّاتِي فِي الْحِكْمَةِ فَقَالَ: قِيمَهُ كُلُّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ، وَمَا هَلَكَ امْرُؤٌ عَرَفَ قَدْرَهُ، وَالْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ.

وَاللَّاتِي فِي الْأَدَابِ فَقَالَ: اأمنن (1) عَلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَمِيرَهُ، وَاحْتَجِ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أُسِيرَهُ، وَاسْتَغْنِ عَمَّنْ شِئْتَ تَكُنْ نَظِيرَهُ.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ! ازْهَدُوا فِي الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ عَيْشَهَا قَصِيرٌ، وَخَيْرُهَا يَسِيرٌ، وَإِنَّهَا لِدَارٌ شُخُوصٌ (2)، وَمَحَلَّةٌ تَنْغِيصٌ (3)، وَإِنَّهَا لَتُدْنِي الْأَجَالَ، وَتَقَطُّعُ الْأَمَالَ، أَلَا وَهِيَ الْمُتَصَدِّيقَةُ (4) الْعَنُونُ، وَالْجَامِحَةُ الْحَرُونُ (5)، وَالْمَائِيَّةُ (6) الْخَوُونُ (7).

ص: 402

1- . أمنن: أى مَنْ عَلَيْهِ بِالْإِعْطَاءِ، وَبِمَا يَكُونُ لَكَ الْفَضْلُ وَالْمِنَّةُ عَلَيْهِ، كَمَا يُقَالُ فِي أَسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى: مَنْآنُ، وَلَيْسَ الْمُرَادُ الْمِنَّةَ الْمُبْطَلَةَ لِلْعَمَلِ، بَلْ كُنَايَهُ عَنِ الْإِعْطَاءِ.

2- . شَخَصَ شُخُوصًا: ذَهَبَ (لِسَانَ الْعَرَبِ: شَخَصَ).

3- . نَغَصَّ عَلَيْهِ الْعَيْشَ تَنْغِيصًا: كَدَّرَهُ (الْمَجْمَعُ: نَغَصَّ).

4- . الْمُتَصَدِّيقَةُ الْعَنُونُ: أَى الَّتِي تَتَعَرَّضُ لِلنَّاسِ (لِسَانَ الْعَرَبِ: عَنَنْ).

5- . الْحَرُونُ: الَّذِي لَا يَنْقَادُ (الْمَجْمَعُ: حَرَنْ).

6- . الْمَائِيَّةُ: الْكَاذِبُ (لِسَانَ الْعَرَبِ: مِين).

7- . الْخَوْنُ، ص 420، ح 14؛ عِيُونَ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ، ص 556.



سه جمله در حکمت: قیمت هر کس به قدر معرفت و دانش اوست. و کسی که قدر خود را بشناسد نابود نمی شود. آدمی در پس زبان خود نهفته است.

سه جمله در آداب: به هر که خواهی عطا کن، بر او امیر خواهی شد. و از هر کس طلب کنی اسیر او می شوی. و از هر کس بی نیاز باشی با او برابر خواهی بود.

ای مردم در دنیا زاهد باشید، چون عیش آن کوتاه و خیر آن اندک است. و دنیا خانه گذر و محله کدورت است. و دنیا مرگ را نزدیک و آرزوها را قطع می کند. بدانید دنیا خود را عرضه می کند اما فرمانبردار نیست. و دروغگو و خائن است.

ص: 403

3832. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَعَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ: الْحِنْطَةَ، وَالشَّعِيرَ، وَالتَّمْرَ، وَالزَّرْبِيبَ، وَالذَّهَبَ، وَالْفِضَّةَ، وَالْبَقْرَ، وَالغَنَمَ، وَالْإِبِلَ.

فَقَالَ السَّائِلُ: فَالذُّرَّةُ؟ فَغَضِبَ ثُمَّ قَالَ: كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّمَّاسِمُ (1) وَالذُّرَّةُ وَالذُّخْنُ (2) وَجَمِيعُ ذَلِكَ.

فَقِيلَ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَإِنَّمَا وَضَعَ عَلَى التَّسْعَةِ لَمَّا لَمْ يَكُنْ بِحَضْرَتِهِ غَيْرُ ذَلِكَ.

فَغَضِبَ وَقَالَ: كَذَبُوا! وَهَلْ يَكُونُ الْعَفْوُ إِلَّا عَنِ شَيْءٍ قَدْ كَانَ؟! وَلَا وَاللَّهِ، مَا عَرَفْنَا شَيْئاً عَلَيْهِ الزَّكَاةَ غَيْرَ هَذَا «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ». (3)

3833. رَوَى هَارُونُ بْنُ حَمَزَةَ الْغَنَوِيُّ الصَّدِيقِيُّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّسْعِ الْآيَاتِ الَّتِي أُوتِيَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: الْجَرَادُ، وَالْقَمَلُ، وَالضَّفَادِعُ، وَالذَّمُّ، وَالطُّوفَانُ، وَالْبَحْرُ، وَالْحَجَرُ، وَالْعَصَا، وَيَدُهُ. (4)

3834. وَرَوَى يُونُسُ بْنُ ظَبْيَانَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تِسْعَةُ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَاطِمَةُ، وَالصَّدِيقَةُ، وَالْمُبَارَكَةُ، وَالطَّاهِرَةُ، وَالزَّكِيَّةُ، وَالرَّضِيَّةُ، وَالْمَرْضِيَّةُ، وَالْمُحَدَّثَةُ، وَالزَّهْرَاءُ.

1- . السَّمَّاسِمُ: جَمْعُ سَمْسَمٍ (النِّهَايَةُ: 400/2).

2- . الذُّخْنُ: حَبُّ الْجَاوَرِسِ، أَوْ حَبُّ أَصْغَرِ مِنْهُ، أَمْلَسَ جَدًّا حَابِسًا لِلطَّبْعِ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ: 221/4).

3- . الْخِصَالُ، ص 421، ح 19.

4- . الْخِصَالُ، ص 229، ح 459.

## فصل سوم: احادیثی که شیعه و اهل تسنن روایت کرده اند

3832. امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله در نه چیز زکات واجب فرمودند. و سایر اموال را از زکات معاف نمودند: آن نه چیز عبارتند: از گندم و جو و خرما و کشمش و طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر.

شخصی پرسید: ذرت چطور؟ حضرت برآشفتند و فرمودند: در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله کنجد و ذرت و ارزن و امثال اینها هم وجود داشت. [ولی حضرت زکات را در آنها واجب نفرمودند.]

گفتند: مردم می گویند: اینها در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله وجود نداشته است. و زکات را در نه چیز واجب کردند، چون فقط همان نه چیز در آن زمان بوده است.

امام علیه السلام فرمودند: دروغ گفته اند. معاف کردن در مورد چیزهایی است که وجود داشته باشند. و بخدا قسم غیر از اینها چیزی را نمی شناسیم که زکات داشته باشد. هر کس می خواهد ایمان بیاورد. و هر کس می خواهد کفر ورزد.

3833. هارون بن حمزه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: نه نشانه ای که خدا به حضرت موسی علیه السلام داده چیست؟ فرمودند: ملخ و شپش و قورباغه و خون و طوفان و دریا [شکافتن نیل و عبور حضرت] و شکافتن سنگ [بیرون آمدن چشمه] و عصا و ید بیضاء.

3834. امام صادق علیه السلام فرمودند: فاطمه زهرا علیها السلام نزد خداوند نه اسم دارند: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، رضیه، مرضیه و محدثه و زهراء.

ثُمَّ قَالَ: تَدْرِي لِأَيِّ شَيْءٍ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا -؟ قُلْتُ: أَخْبِرْنِي يَا سَيِّدِي، قَالَ:

فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ: لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - تَرَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ مِنْ آدَمَ فَمَنْ دُونَهُ. (1)

3835. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ صُورِهِ رَأْسُهَا الْكَبِيرُ، وَعَيْنُهَا الْحَرِصُ، وَأُذُنُهَا الطَّمَعُ، وَلِسَانُهَا الرِّيَاءُ، وَيَدُهَا الشَّهْوَةُ، وَرِجْلُهَا الْعُجْبُ، وَقَلْبُهَا الْغَفْلَةُ، وَكُونُهَا الْفَنَاءُ، وَحَاصِدُهَا الرِّوَالُ؛ فَمَنْ أَحَبَّهَا أَوْرَثَتْهُ الْكِبَرُ، وَمَنْ اسْتَحَسَدَهَا أَوْرَثَتْهُ الْحَرِصَ، وَمَنْ طَلَبَهَا أَوْرَثَتْهُ الطَّمَعُ، وَمَنْ مَدَحَهَا أَلْبَسَتْهُ الرِّيَاءَ، وَمَنْ أَرَادَهَا مَكَّنَتْهُ مِنَ الْعُجْبِ، وَمَنْ اطمَأَنَّ إِلَيْهَا أَوْلَتْهُ (2) الْغَفْلَةَ، وَمَنْ أَعْجَبَهُ مَتَاعَهَا أَفْتَنَتْهُ وَلَا يَبْقَى، وَمَنْ جَمَعَهَا وَبَخَلَ بِهَا رَدَّتْهُ إِلَى مُسْتَقَرِّهَا وَهِيَ النَّارُ. (3)

3836. وَرَوَى أَنَّ مِنْ كَمَالِ إِيْمَانِ الْعَبْدِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ تِسْعَةُ خِصَالٍ: لَا يَدْخُلُهُ الرَّضَى فِي بَاطِلٍ، وَلَا يُخْرِجُهُ الْغَضَبُ عَنْ حَقٍّ، وَلَا تَحْمِلُهُ الْقُدْرَةُ عَلَى تَنَاوُلِ مَا لَيْسَ لَهُ، وَأَنْ يُمَسِكَ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ، وَيُخْرِجَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ، وَيُحْسِنَ تَقْدِيرَ مَعِيشَتِهِ، وَيَكُونَ ذَا تَقْيِيهِ جَمِيلِهِ، وَحُسْنِ خُلُقٍ، وَسَخَاءِ نَفْسٍ. (4)

3837. وَرَوَتْ الْعَامَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي التَّوْرَةِ: أَنَّ امْتَهَاتِ الْخَطَايَا ثَلَاثَةٌ: الْكِبَرُ، وَالْحَرِصُ، وَالْحَسَدُ؛ فَانْتَشَرَ مِنْهَا سِتَّةٌ فَصَارَتْ تِسْعَةً: الشُّبُعُ، وَالتَّوْمٌ (5)، وَحُبُّ الْمَالِ، وَحُبُّ الْمَحْمَدِ وَالشَّنَاءِ، وَحُبُّ الرَّئِيسِ. (6)

3838. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْبُكَاءُ ثَلَاثَةٌ: أَحَدُهَا مِنْ خَوْفِ اللَّهِ، وَمِنْ هَرَبِ (7) الْخَطِيئَةِ، وَمِنْ خَشْيَةِ الْقَطِيعَةِ (8)؛ فَأَمَّا الْأَوَّلُ فَهُوَ كَفَّارَةُ الذُّنُوبِ، وَالثَّانِي فَهُوَ طَهَارَةُ الْعُيُوبِ، وَالثَّلَاثُ فَهُوَ الْوَلَايَةُ مَعَ رِضَاءِ الْمَحْبُوبِ؛ فَثَمَرَةُ كَفَّارَةِ الذُّنُوبِ النَّجَاةُ مِنَ الْعُقُوبَاتِ، وَثَمَرَةُ طَهَارَةِ الْعُيُوبِ النَّعِيمُ الْمُقِيمُ وَالذَّرَجَةُ الْعُلْيَا، وَثَمَرَةُ الْوَلَايَةِ مَعَ رِضَاءِ الْمَحْبُوبِ الرُّؤْيَةُ وَالزِّيَادَةُ.

ص: 406

1- . الأما لي للصدوق، ص 592؛ الخصال، ص 414، ح 3.

2- . أولته: أي أعطته ابتداء من غير مكافأة.

3- . مصباح الشريعة، ص 139.

4- . الكافي، ج 2، ص 239، ح 29 وفيه جزء من الحديث.

5- . في بعض المصادر: «والراحة» بعد «والنوم».

6- . تهذيب الكمال، المزي، ج 23، ص 168.

7- . أي بكاء ناش من الفرار عن الخطيئة حيث ندم وتاب. والظاهر أنه مصحّف والصحيح «قرب».

8- . أي من خشية أن يقطع عنه رحمته وعطاءه.

سپس فرمودند: می دانی چرا فاطمه نامیده شده اند علیها السلام؟ گفتم: سرورم شما بفرمایید.

فرمودند: چون از شر جدا شده اند. [یعنی وجود نازنین ایشان خیر محض است].

و آنگاه فرمودند: اگر امیرالمؤمنین علیه السلام با ایشان ازدواج نمی کرد، در روی زمین تا قیامت کسی از فرزندان آدم همتای او یافت نمی شد.

3835. امام صادق علیه السلام فرمودند: دنیا مثل تصویری است که سر آن تکبر و چشم آن حرص و گوش آن طمع و زبان آن دورویی و دست آن شهوت و پای آن خود پسندی و قلب آن غفلت و وجود آن فنا و حاصل آن نابودی است.

کسی که دنیا را دوست بدارد، تکبر را ارث می برد. و کسی که دنیا را تحسین کند، حرص را ارث می برد. و کسی که دنبال آن رود، طمع نصیبش می شود. و کسی که دنیا را مدح کند، لباس ریا بر او بپوشاند. و کسی که دنیا را بخواهد، او را خود پسند می کند. و کسی که به دنیا اطمینان کند، دچار غفلت شود. و کسی که متاع دنیا در چشمش جلوه کند، فریفته شود و باقی نماند. و کسی که مال دنیا را جمع کند و بخل ورزد، به مقرّ دنیا یعنی دوزخ روانه شود.

3836. نشانه کمال ایمان انسان داشتن نه خصلت است: خوشی او را به باطل نمی کشد. و خشم او را از حق خارج نمی کند. و قدرت سبب تجاوز به حقوق دیگران نمی شود. و سخن گزافه نمی گوید. و مازاد مال خود را انفاق می کند. و میانه روی در زندگی را می داند. و بخوبی مدارا می کند. و اخلاق خوب، و سخاوت دارد.

3837. اهل تسنن از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل کرده اند: خداوند متعال در تورات به حضرت موسی علیه السلام فرمود: اساس گناهان سه چیز است: تکبر و حرص و حسد. از این ها شش خوی بد تولید می شود. که مجموعاً نه خصلت زشت می شوند: پرخوری، پرخواهی، مال دوستی، علاقه به ستایش و چاپلوسی، و عشق به ریاست.

3838. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: گریه سه نوع است: 1 - از ترس خدا، که کفاره گناهان و ثمره اش نجات از کیفر است.

2 - از شرم گناه، که از عیب پاک می کند و ثمره اش نعمت جاویدان و درجه عالی است.

3 - ترس از دور شدن خدا، که پیوند با خدا و خشنودی اوست. و ثمره اش رؤیت و فزونی است.

3839. وَقَالَ بَعْضُ الصَّحَابَةِ: مَنْ حَفِظَ الصَّلَاةَ (1) الْخَمْسَ بِوَقْتِهَا وَدَاوَمَ عَلَيْهَا أَكْرَمَهُ اللَّهُ بِتِسْعِ كَرَامَاتٍ: أَوَّلُهَا أَنَّهُ يُجِبُّهُ اللَّهُ، وَيَكُونُ بِدَنُّهُ صَاحِحًا، وَتَحْرُسُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَتَنْزِلُ الْبَرَكَاتُ فِي دَارِهِ، وَيُظَهَّرُ فِي وَجْهِهِ سَيِّمَاءُ الصِّدِّيقِينَ، وَيَلِينُ قَلْبُهُ، وَيَمُرُّ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ، وَيُنَجِّيهِ اللَّهُ مِنَ النَّارِ، وَيُنزِلُهُ فِي جِوَارِهِ مَعَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

3840. وَقِيلَ: لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ، وَلَا عَمَلٍ لِمَنْ لَا دِينَ لَهُ، وَلَا نِيَّةَ لِمَنْ لَا عِلْمَ لَهُ، وَلَا رَاحَةَ لِمَنْ لَا قَنَاعَةَ لَهُ، وَلَا تَوْفِيقَ لِمَنْ خَبِثَتْ سَرِيرَتُهُ.

مَنْ اسْتَعْمَلَ الْجَزْمَ فَازَ بِالسَّلَامَةِ، وَمَنْ اسْتَوْلَى عَلَيْهِ التَّوَانِي أَحَاطَتْ بِهِ النَّدَامَةُ. مَنْ لَا يَتَّقِي الذَّنْبَ لَا يَتَّقِي الرَّبَّ. مَنْ لَا يَعِصِي هَوَاهُ لَا يَطِيعُ (2) عَقْلَهُ. مَنْ لَا يُبْغِضُ الرِّذَائِلَ لَمْ يُحِبِّ الْفَضَائِلَ.

وَأَعْلَمُ أَنَّ النَّمَامَ يَنْبَغِي أَنْ يُبْغِضَ وَلَا يُوَثَّقَ بِصِدَاقَتِهِ، وَكَيْفَ لَا يُبْغِضُ وَهُوَ لَا يَنْفَكُ عَنْ تِسْعَةِ خَبَائِثٍ مُهْلِكَاتٍ: وَهِيَ الْكَذِبُ، وَالْغَيْبَةُ، وَالْعَدْوُ، وَالْخِيَانَةُ، وَالْغُلُّ، وَالْحَسَدُ، وَالنَّفَاقُ، وَالْإِفْسَادُ بَيْنَ النَّاسِ، وَالْخَدِيعَةُ، وَهُوَ مَنْ سَدَّ عَيْنَهُ فِي قَطْعِ مَا أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ أَنْ يُوَصَلَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوَصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ».

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ».

وَالنَّمَامُ مِنْهُمْ.

ص: 408

1- . الظاهر أنّ الصواب: «الصلوات».

2- . كذا، ولعلّ الصواب: «لم يطع» أو: «لا يطيع».

3839. یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: کسی که پنج نماز را همیشه اول وقت بخواند. خداوند او را با نه کرامت گرامی دارد: 1 - خدا او را دوست دارد. 2 - بدنش صحیح ماند. 3 - ملائکه او را حفظ می کنند. 4 - برکت در خانه اش نازل می شود. 5 - در چهره او سیمای صالحان ظاهر می شود. 6 - قلبش نرم می شود. 7 - از صراط چون برق جهنده می گذرد. 8 - خدا او را از آتش نجات می دهد. 9 - در جوار خدا با کسانی که نه ترس دارند و نه اندوه مأنوس شود.

3840. گفته اند: کسی که عقل ندارد دین ندارد. کسی که دین ندارد عمل ندارد. و کسی که علم ندارد فکر صحیح ندارد. و کسی که قانع نیست آسایش ندارد. و کسی که باطن پلید دارد توفیق نیابد. کسی که احتیاط کند سالم بماند. و کسی که تنبلی بر او چیره شود پشیمانی او را احاطه کند. کسی که از گناه پرهیز نکند از خدا نمی ترسد. کسی که با هوس مخالفت نکند از عقل اطاعت نکرده است. کسی که از رذائل اخلاقی نفرت ندارد فضائل اخلاقی را دوست ندارد.

بدان: باید سخن چین منفور باشد و به صداقت او اعتماد نشود. چون از نه صفت زشت و مهلک جدا نمی شود: دروغ، غیبت، پیمان شکنی، خیانت، مکر، حسد، نفاق، فتنه انگیزی و فریبکاری.

سخن چین کسی است که تلاش می کند رابطه ای را که خدا امر فرموده برقرار شود، قطع کند.

خداوند می فرماید: «قطع می کنند آنچه را که خدا امر فرموده برقرار شود. و در زمین فساد می کنند».

خداوند می فرماید: «کسانی که به مردم ظلم می کنند و در روی زمین بناحق ستم می کنند محکوم هستند». و سخن چین از آنان است.

وقال الله: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ» قيل: الهَمْزَةُ التَّمَامُ.

وقال تعالى عن امرأة نوح وامرأة لوط: «فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ»، قيل: كانَ امرأهُ لوطٍ تُخْبِرُ بِالصِّيفَانِ (1)، وامرأهُ نوحٍ تُخْبِرُ بِأَنَّهُ مَجْنُونٌ. (2)

3841. وقيل: لَمَّا مَاتَ وَزِيرٌ كَسْرَى بوزر جمهرٌ وَوَجِدَ مَكْتُوباً عَلَى مِنْطَقَتِهِ تِسْعَ كَلِمَاتٍ، وهى: إن كَانَ اللهُ تَكْفَلَ بِأَرْزَاقِ الْعِبَادِ فَالْهَمُّ لِمَاذَا؟  
وإن كَانَتِ الْأَرْزَاقُ قُسِّمَتْ فَالْحِرْصُ لِمَاذَا؟ وإن كَانَتِ الدُّنْيَا غَرَارَةً فَالرُّكُونُ إِلَيْهَا لِمَاذَا؟ وإن كَانَتِ الْجَنَّةُ حَقًّا فَتَرْكُ الْعَمَلِ لِمَاذَا؟ وإن كَانَتِ الْقَبْرُ حَقًّا فَتَشْيِيدُ الْبُنْيَانِ لِمَاذَا؟ وإن كَانَتِ النَّارُ حَقًّا فَكَثْرَةُ الصُّحُكِ لِمَاذَا؟ وإن كَانَ الْحِسَابُ حَقًّا فَجَمْعُ الْمَالِ لِمَاذَا؟ وإن كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ حَقًّا فَقَلَّةُ جَزَعِ إِبْلِيسَ عَدُوَّكَ فَاتِّبَاعُكَ عَدُوَّكَ لِمَاذَا؟

ص: 410

1- . جمع ضيف.

2- . لعل الصواب: «لم يطع».



خداوند می فرماید: «وای بر هُمَزَه». همزه نَمَام است.

خداوند درباره همسر نوح و لوط می فرماید: «آن دوزن به همسران خود خیانت کردند. و چیزی آنها را از دوزخ نجات نمی دهد و به آنها گفته می شود با داخل شوندگان به جهنم داخل شوید».

گفته اند: همسر لوط مردم را از آمدن میهمان برای لوط آگاه کرد. و زن نوح او را دیوانه معرفی می کرد.

3841. وقتی که بوذر جمهر وزیر کسری مُرد. نه جمله روی کمر بند او نوشته بود:

1 - خداوند کفیل روزی بندگان است. غصه برای چه؟

2 - اگر روزی تقسیم شده است، دیگر حرص برای چه؟

3 - اگر دنیا فریبنده است، پس اعتماد به آن برای چه؟

4 - اگر بهشت حق است، پس چرا عمل برای آن ترک شود؟

5 - اگر قبر حق است، ساختمانهای محکم برای چه؟

6 - اگر دوزخ حق است، خندیدن زیاد چرا؟

7 - اگر حساب حق است، جمع کردن مال برای چه؟

8 - اگر قیامت حق است، چرا کم جزع کنیم؟

9 - اگر شیطان دشمن توست، پیروی از دشمن برای چه؟

ص: 411



الباب العاشر: في الموعظ العشاريّه

**باب دهم: پندهای ده گانه**

**اشاره**

ص: 413

3842. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكُمْ بِالصَّدَقَةِ؛ فَإِنَّ فِيهَا عَشْرَ خِصَالٍ: خَمْسَةٌ فِي الدُّنْيَا وَخَمْسَةٌ فِي الْآخِرَةِ؛ أَمَّا الدُّنْيَا: تَطْهِيرُ أَمْوَالِكُمْ، وَتَطْهِيرُ أَسْدَانِكُمْ، وَدَوَاءُ مَرَضَاتِكُمْ، وَدُخُولُ الْمَسْرُورَةِ فِي الْقُلُوبِ، وَزِيَادَةُ الْأَمْوَالِ، وَسَدُّهُ الرِّزْقِ، وَأَمَّا فِي الْآخِرَةِ: ظِلٌّ فِي الْقِيَامَةِ، وَسُهُولَةٌ الْحِسَابِ، وَرُجْحَانُ الْمِيزَانِ بِالثَّوَابِ، وَجَوَازٌ عَلَى الصِّرَاطِ، وَدَرَجَةٌ الْأَعْلَى (1).

3843. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا ظَهَرَتْ فِي أُمَّتِي عَشْرُ خِصَالٍ عَاقَبَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِعَشْرٍ. قِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا قَلَّلُوا الدُّعَاءَ نَزَلَ الْبَلَاءُ، وَإِذَا تَرَكَوا الصَّدَقَاتِ كَثُرَتِ الْأَمْرَاضُ، وَإِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ هَلَكَتِ الْمَوَاشِي، وَإِذَا جَارَ السُّلْطَانُ مَنَعَ الْمَطْرَ، وَإِذَا كَثُرَ فِيهِمُ الرِّيَاءُ كَثُرَ الزَّلَازِلُ، وَإِذَا حَكَمُوا بِخِلَافِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى سَلَطَ عَلَيْهِمْ عَدُوُّهُمْ، وَإِذَا نَقَضُوا الْعَهْدَ ابْتَلَاهُمُ اللَّهُ بِالْقَتْلِ، وَإِذَا طَفَفُوا الْكَيْلَ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ. ثُمَّ قَرَأَ: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»

3844. وَرَوَى قَتَادَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: خَافُوا مِنَ اللَّهِ، وَصَلُّوا الرَّحِمَ؛ فَإِنَّهُمَا فِي الدُّنْيَا بَرَكَةٌ، وَفِي الْعُقُوبِ مَغْفِرَةٌ.

وَفِي صِلَةِ الرَّحِمِ عَشْرُ خِصَالٍ: رِضَاءُ الرَّبِّ، وَفَرْحُ الْقُلُوبِ، وَفَرْحُ الْمَلَائِكَةِ، وَثَنَاءُ النَّاسِ، وَتَرْغِيمُ (2) الشَّيْطَانِ، وَزِيَادَةُ الْعُمُرِ، وَزِيَادَةُ الرِّزْقِ، وَفَرْحُ الْأَمْوَالِ، وَزِيَادَةُ الْمُرُوءِ، وَزِيَادَةُ الثَّوَابِ.

ص: 414

1- . كَذَا، وَلَعَلَّ الصَّوَابُ: «وَالدَّرَجَةُ الْعُلْيَا».

2- . الرَّغَامُ: التَّرَابُ. وَيُقَالُ: أُرْغِمَ اللَّهُ أَنْفَهُ: أَيُ الصَّقَةِ بِالرَّغَامِ (الصَّحَاحُ: 1934/5).

## فصل اول: احادیث شیعه و اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله

3842. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: صدقه بدهید که ده اثر دارد پنج اثر در دنیا که عبارتند از: پاک کردن مال، پاک کردن بدن، داروی بیماران، شادی بخش دلها و زیادی مال و توسعه رزق. و پنج اثر در آخرت دارد که عبارتند از: سایبان قیامت، آسانی حساب، سنگینی کفّه ثواب، عبور از صراط، و درجه اعلا.

3843. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه ده خصلت در امت من پدیدار شود خداوند آنان را به ده چیز کیفر می دهد: اگر کم دعا کنند، بلا نازل می شود. اگر صدقه ندهند، بیماری زیاد می شود. اگر زکات ندهند، چهارپایان هلاک می شوند. اگر حکومت ستم کند، باران نمی بارد. اگر زنا زیاد شود، مرگ ناگهانی زیاد می شود. اگر دورویی و ریا زیاد شود، زلزله زیاد می شود. اگر قضاوت بر خلاف حکم خدا کنند، دشمن بر آنان مسلط شود. اگر پیمان شکنند، آدم کشی شایع شود. اگر کم فروشی کنند، خداوند آنان را به قحطی مبتلا کند.

سپس این آیه را تلات فرمودند: «فساد در زمین و دریا ظاهر شود. خدا به سبب آنچه کرده اند قسمتی از کارهای زشت را به آنان بنمایاند شاید بازگردند».

3844. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: از خدا بترسید و با خویشان رابطه برقرار کنید. که در دنیا موجب برکت می شوند. و در آخرت موجب آمرزش. و در صله رحم ده اثر وجود دارد: خشنودی پروردگار، شادی قلبها، شادی فرشتگان، ستایش مردم، خفت شیطان، و طول عمر، و زیادی رزق، و شادی اموات، و زیادی جوانمردی، و فزونی ثواب.

3845. مَتَقَوْلٌ مِنْ كِتَابِ لُبِّ اللَّبَابِ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَهُ: أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَتَمَنَّى الْمَوْتَ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

الْمَوْتُ شَيْءٌ لَا بَدَّ مِنْهُ، وَسَفَرٌ طَوِيلٌ يَنْبَغِي لِمَنْ أَرَادَهُ أَنْ يَرْفَعَ عَشْرَ هَدَايَا، فَقَالَ: وَمَا هِيَ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

هَدِيَّةُ عِزْرَائِيلَ، وَهَدِيَّةُ الْقَبْرِ، وَهَدِيَّةُ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ، وَهَدِيَّةُ الْمِيزَانِ، وَهَدِيَّةُ الصِّرَاطِ، وَهَدِيَّةُ مَالِكِ (1)، وَهَدِيَّةُ رِضْوَانَ (2)، وَهَدِيَّةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَهَدِيَّةُ جِبْرَائِيلَ، وَهَدِيَّةُ اللَّهِ تَعَالَى.

أَمَّا هَدِيَّةُ عِزْرَائِيلَ فَأَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ: رِضَاءُ الْخُصَمَاءِ، وَقَضَاءُ الْفَوَائِتِ، وَالشُّوقُ إِلَى اللَّهِ، وَالتَّمَنَّى لِلْمَوْتِ (3).

وَهِدِيَّةُ الْقَبْرِ أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ: تَرْكُ التَّمِيمَةِ، وَاسْتِيرَاؤُهُ مِنَ الْبَوْلِ، وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ، وَصَلَاةُ اللَّيْلِ (4).

وَهِدِيَّةُ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ: صِدْقُ اللِّسَانِ، وَتَرْكُ الْغَيْبِ، وَقَوْلُ الْحَقِّ، وَالتَّوَاضُّعُ لِكُلِّ أَحَدٍ (5).

وَهِدِيَّةُ الْمِيزَانِ أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ: كَظْمُ الْغَيْظِ، وَوَرَعٌ صَادِقٌ، وَالْمَشْيُ إِلَى الْجَمَاعَاتِ، وَالتَّدَاعَى (6) إِلَى الْمَغْفِرَاتِ.

وَهِدِيَّةُ الصِّرَاطِ أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ، وَكَثْرَةُ ذِكْرِ اللَّهِ، وَاحْتِمَالُ الْأَذَى (7).

وَهِدِيَّةُ مَالِكِ أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ: الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَصَدَقَةُ السَّرِّ، وَتَرْكُ الْمَعَاصِي، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ.

وَهِدِيَّةُ رِضْوَانَ أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ: الصَّبْرُ عَلَى الْمَكَارِهِ، وَالشُّكْرُ عَلَى نِعَمِهِ، وَإِنْفَاقُ الْمَالِ فِي طَاعَتِهِ، وَحِفْظُ الْأَمَانَةِ فِي الْوَقْفِ.

وَهِدِيَّةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ: مَحَبَّةُهُ، وَالِاقْتِدَاءُ بِسُنَّتِهِ، وَمَحَبَّةُ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَحِفْظُ اللِّسَانِ عَنِ الْفَحْشَاءِ.

وَهِدِيَّةُ جِبْرَائِيلَ أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ: قَلَّةُ الْأَكْلِ، وَقَلَّةُ النَّوْمِ، وَمُدَاوَمَةُ الْحَمْدِ، وَقَلَّةُ الْكَلَامِ.

وَهِدِيَّةُ اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ: الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَالنَّصِيحَةُ لِلْخَلْقِ، وَالرَّحْمَةُ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ (8).

ص: 416

1- . خازن النار.

2- . خازن الجنة.

3- . أى الراحة عند الموت تحصل بهذه الأربعة.

4- . أى هذه الخصال الأربعة ترفع ضغطه القبر.

5- . يعنى هذه الخصال ترفع سؤالهما أو تسهله.

6- . التداعى: التتابع (مجمع البحرين: 41/2).

7- . أى إن هذه الأربعة تسهل المرور على الصراط.

8- . مستدرک سفینه البحار، ج 10، ص 498 (نقلًا عن الاثنى عشرية عن لب اللباب)

3845. در کتاب لب اللباب آمده است: شخصی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: آیا به من اجازه می دهید آرزوی مرگ کنم؟ حضرت فرمودند: مرگ که چاره ای ندارد و سفر طولانی است و کسی که مرگ می خواهد، باید ده تحفه با خود ببرد.

پرسید: چه چیزهایی؟ حضرت فرمودند: هدیه ای برای عزرائیل، هدیه ای برای قبر، هدیه ای برای نکیر و منکر، هدیه ای برای میزان، هدیه ای برای صراط، هدیه ای برای مالک، و هدیه ای برای رضوان، و هدیه ای برای پیامبر صلی الله علیه و آله، و هدیه ای برای جبرئیل علیه السلام، و هدیه ای برای خداوند متعال.

اما هدیه عزرائیل چهار چیز است: رضایت طلبکاران، قضای واجباتی که ترک شده اند. و شوق به خداوند و آرزوی مرگ.

هدیه قبر چهار چیز است: ترک سخن چینی، استبراء از ادرار، تلاوت قرآن و نماز شب.

هدیه منکر و نکیر چهار چیز است: راستگویی، ترک غیبت، سخن حق، فروتنی در برابر همه.

هدیه میزان چهار چیز است: فروبردن خشم، پروای واقعی، رفتن به جماعت و دعا برای مغفرت.

هدیه صراط چهار چیز است: اخلاص در عمل، اخلاق خوش، زیاد به یاد خدا بودن، تحمل اذیت.

هدیه مالک [فرشته دوزخ] چهار چیز است: گریه از ترس خدا، صدقه مخفی، ترک گناهان، نیکی به پدر و مادر.

هدیه رضوان [فرشته بهشت] چهار چیز است: صبر در سختی، شکر در نعمت، انفاق مال در طاعت خدا و حفظ امانت در وقف.

هدیه پیامبر صلی الله علیه و آله چهار چیز است: دوست داشتن او، پیروی از سنت او، محبت اهل بیت او علیهم السلام، نگهداری زبان از گناهان.

هدیه جبرئیل علیه السلام چهار چیز است: کم خوردن، کم خوابیدن، حمد مداوم، کم حرفی.

هدیه خداوند متعال چهار چیز است: امر بمعروف، نهی از منکر، خیر خواهی برای مردم و مهربانی با همه.

3846. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرَةٌ مِنْ أُمَّتِي يَسْحَطُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَأْمُرُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: شَيْخُ زَانٍ، وَإِمَامٌ ضَالٌّ، وَمُدْمِنُ الْخَمْرِ، وَعَاقٌ وَالِدِيهِ، وَقَازِفُ الْمُحْصَنَةِ، وَالْمَاشِي بِالنَّمِيمَةِ، وَشَاهِدُ الزُّورِ، وَمَانِعُ الزَّكَاةِ، وَالظَّالِمُ، وَتَارِكُ الصَّلَاةِ؛ أَلَا وَإِنَّ تَارِكَ الصَّلَاةِ يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَيَأْتِي وَقَدْ غَلَّتْ يَدَاؤُهُ إِلَى عُنُقِهِ، وَالْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَهُ عَلَى حُرٍّ (1) وَجْهَهُ وَجَبِينَهُ بِمَقَامِعٍ (2) مِنْ نَارٍ، وَتَقُولُ لَهُ الْجَنَّةُ: لَسْتَ مِنِّي وَلَا أَنْتَ مِنْ أَهْلِي، وَتَقُولُ لَهُ النَّارُ: ادْنُ مِنِّي فَلَا عَذَابَ لَكَ عَذَابًا شَدِيدًا، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَصِيحُ لَهُ جَهَنَّمُ فَيَدْخُلُهَا كَالسَّهْمِ الْمُسْرِعِ، فَيَهْوِي عَلَى أَمِّ رَأْسِهِ إِلَى عِنْدِ قَارُونَ إِلَى الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ.

3847. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا عَزِدَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَّا بِالْعَقْلِ، وَلَا يَتِمُّ عَقْلُ الْمَرْءِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ: الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ، وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ، يَسْتَقِلُّ كَثِيرَ الْخَيْرِ مِنْ عِنْدِهِ، وَيَسْتَكْثِرُ قَلِيلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ، وَلَا يَتَّبِعُ مَنْ طَلَبَ الْحَاجَةَ، وَلَا يَسْأَلُ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ طَوْلَ عُمُرِهِ، الْفَقْرُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنَى، وَالذُّلُّ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِزِّ، نَصِيْبُهُ مِنَ الدُّنْيَا الْقَوْتُ، وَالْعَاشِرُ الَّذِي لَا يَرَى أَحَدًا مِنَ النَّاسِ إِلَّا قَالَ: هُوَ خَيْرٌ مِنِّي. (3)

3848. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرَةٌ أَشْيَاءٌ تَوَرَّثُ الشَّيْبَ: كَثْرَةُ مُعَانَقَةِ النِّسَاءِ، وَغَسْلُ الرَّأْسِ بِالطَّيْنِ، وَطَوْلُ الْمَقَامِ عَلَى الْخَلَاءِ، وَالْكَلَامُ عَلَى رَأْسِ الْحَدَثِ، وَكَثْرَةُ الطَّيْبِ، وَشُرْبُ الْمَاءِ بِاللَّيْلِ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْفَرْجِ، وَالتَّوَمُّ عَلَى الْوَجْهِ، وَشُرْبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ، وَمَسْحُ الْوَجْهِ بِالْكَمَّيْنِ.

ص: 418

1- . حُرُّ الْوَجْهِ: مَا أَقْبَلَ عَلَيْكَ وَبَدَأَ لَكَ مِنْهُ (النهاية: 351/1).

2- . الْمَقَامِعُ: سِيَاطُ تَعْمَلُ مِنْ حَدِيدٍ رُؤُوسُهَا مَعْوَجَةٌ (النهاية: 110/4).

3- . معدن الجواهر، ص 70.



3846. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ده گروه از امت من در قیامت مورد غضب خداوند هستند و به دوزخ رانده می شوند. پرسیدند: آنان کیستند یا رسول الله؟

حضرت فرمودند: پیر زناکار، پیشوای گمراه، شراب خوار، ستمکار به پدر و مادر، تهمت زننده به زنان پاک دامن، سخن چین، کسی که شهادت دروغ دهد، کسی که زکات ندهد، ظالم، کسی که نماز را ترک کند، بدانید که عذاب کسی که نماز را ترک کند در قیامت مضاعف می شود. او را در حالی که دستانش به گردن آویخته می آورند. و فرشتگان با تازیانه های آتشین بر صورت و پیشانی او می زنند. و بهشت به او می گوید: تو از من و اهل من نیستی. و دوزخ به او می گوید: نزدیک شو که تو را به عذاب سخت شکنجه می کنم. و در این حال جهنم فریاد بر می آورد و نگون بخت چون تیر با سر به جهنم پرتاب می شود و در کنار قارون در بدترین جای درک می افتد.

3847. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند را جز با عقل نمی تواند عبادت کرد. و عقل انسان کامل نمی شود مگر اینکه ده خصلت در او باشد:

مردم به خیر او امیدوار باشند. و از شر او در امان باشند. و کارهای خیر فراوان خود را اندک بشمارد. و اندک کار خیر دیگران را بزرگ بشمارد. و از اینکه مردم از او کمک بخواهند ناراحت نشود. و از تحصیل علم در تمام عمر خود خسته نشود. و فقر را بیشتر از ثروت دوست داشته باشد. و ذلت را بیشتر از عزت دوست داشته باشد. و سهم او از دنیا بقدر قوت او باشد. و دهم اینکه همه را از خود بهتر بداند.

3848. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ده چیز انسان را پیر می کند:

زیاد نزدیکی کردن با زنان، شستن سر با گِل [گل سرشوی]، توقف طولانی در توالت، سخن گفتن هنگام قضای حاجت، استعمال زیاد عطر، نوشیدن آب در شب، نگاه کردن به آلت تناسلی زن، خوابیدن به صورت، نوشیدن آب در حال ایستاده، و پاک کردن صورت با آستین لباس.

3849. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمْ يُعْبَدِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ، وَلَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ عَاقِلًا حَتَّى يُجْمَعَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ: الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ، وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ، وَيَسْتَكْبِرُ قَلِيلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ، وَيَسْتَقْبَلُ كَثِيرَ الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ، لَا يَسَامُ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طَوْلَ عُمُرِهِ، وَلَا يَتَبَرَّمُ بِطَلَّابِ الْحَوَائِجِ قَبْلَهُ، وَالذُّلُّ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِزِّ، وَالْفَقْرُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنَى، نَصِيْبُهُ مِنَ الدُّنْيَا الْقَوْتُ، وَالْعَاشِرَةُ - وَمَا الْعَاشِرَةُ! - أَنْ لَا يَرَى أَحَدًا إِلَّا قَالَ: هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَأَنْتَقَى.

إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ: فَرَجُلٌ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ وَأَنْتَقَى، وَآخَرُ هُوَ شَرٌّ مِنْهُ وَأَدْنَى، فَإِذَا رَأَى مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ وَأَنْتَقَى تَوَاضَعَ لَهُ لِيَلْحَقَ بِهِ، وَإِذَا لَقِيَ الَّذِي هُوَ شَرٌّ مِنْهُ وَأَدْنَى قَالَ: عَسَى خَيْرٌ هَذَا بَاطِنٌ وَشَرُّهُ ظَاهِرٌ وَعَسَى أَنْ يُخْتَمَ لَهُ بِخَيْرٍ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدِ اعْتَلَى مَجْدُهُ (1)، وَسَادَ أَهْلَ زَمَانِهِ (2).

3850. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مُدْمِنٌ خَمْرٍ سِوَا كَيْبَرٍ، وَلَا عَاقٍ، وَلَا شَدِيدُ السَّوَادِ، وَلَا دَيُّوْتُ، وَلَا قَلَّاحٌ (3)؛ وَهُوَ الشَّرْطِيُّ، وَلَا ذَنُوقٌ (4)؛ وَهُوَ الْخُنْثَى، وَلَا جَيِّوْفٌ؛ وَهُوَ النَّبَّاشُ، وَلَا عَشَّارٌ، وَلَا قَاطِعٌ

ص: 420

1- . المجد في كلام العرب: الشرف الواسع، ورجل ماجد: مفضل كثير الخير شريف. وقيل: هو الكريم الفعال، وقيل: إذا قارن شرف الذات حسن الفعال سمى مجداً (النهاية: 298/4) وقيل المجد: العز والرفعه.

2- . الخصال، ص 433، ح 17.

3- . قلاح، ويأتي في ح 3867: القلاح بالعين بدل الحاء، وهو الصحيح؛ لأن القلاح ليس له معنى مناسب للمقام، إذ القلح صفره تعلقو الأسنان، مع أن المصنف نقل فيما تقدم أن القلاح هو الذي يمشى بين يدي الأمراء، وفسر القلاح هنا بالشرطي، وهو يؤيد ما ذكرنا.

4- . نقل في معاني الأخبار ص 330 «ولانزوق» بالزاء، وهو المختث. والحيوف - بالحاء المهملة -: وهو النبَّاش.

## فصل دوم: احادیث شیعیان از پیامبر صلی الله علیه و آله

3849. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند با چیزی بهتر از عقل عبادت نشود و مؤمن تا در وجودش ده خصلت نباشد عاقل نیست:

به خیر او امیدوار باشند. و از شر او در امان باشند. و اندک خیر دیگران را بزرگ شمارد. و خیر فراوان خود را اندک بیند. و از تحصیل علم در تمام عمر خسته نشود. و از درخواست نیاز دیگران ناراحت نشود. و ذلت نزد او محبوبتر از عزت باشد. و فقر نزد او محبوبتر از ثروت باشد. و از دنیا بقدر قوت خود سهم بگیرد. و دهمین که مهم است اینکه هر که را می بیند بگوید: او از من بهتر و با تقواتر است.

چون مردم دو دسته هستند، دسته ای از او بهتر و با تقواتر و دسته ای بدتر و پائین تر. وقتی که مردم بهتر از خود را می بیند اظهار فروتنی کند تا به آنها ملحق شود. و زمانی که مردم بدتر از خود را می بیند بگوید: شاید خیر اینها از من مخفی است و شر اینها عیان است و شاید عاقبت به خیر باشند.

پس اگر چنین کند مجد خود را عالی نموده و سرور اهل زمان خود شود.

3850. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: نه شراب خوار وارد بهشت شود و نه عاق والدین و نه سیاه دل و نه دیوث و نه شرطی [مأمور مالیاتی ظالمان] و نه لواط دهنده و نه کسی که قبر مؤمنی را

ص: 421

قَالَ ابْنُ بَابُوَيْهٍ رَحِمَهُ اللَّهُ: يَعْنِي بِشَدِيدِ السَّوَادِ الَّذِي لَا يَبْيَضُّ شَيْءٌ مِنْ شَعْرِ رَأْسِهِ وَلَا مِنْ شَعْرِ لِحْيَتِهِ، وَيُسَمَّى الْغَرِيبُ.

أَقُولُ: لَيْسَ هَذَا أَمْرًا اخْتِيَارِيًّا لِيَكُونَ مَانِعًا عَنِ دُخُولِ الْجَنَّةِ، بَلِ الظَّاهِرُ أَنَّ الْمُرَادَ مِنْ اشْتِدَادِ سَوَادِ قَلْبِهِ لِكَثْرَةِ الْمَعْصِيَةِ. (1)

3851. عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَنِ حُذَيْفَةَ بْنِ اسَدِّ بْنِ عَدِيٍّ، قَالَ: أَطَّلَعَ عَلَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ غُرْفَهُ لَهُ وَنَحْنُ نَتَذَاكُرُ السَّاعَةَ، فَقَالَ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَكُونَ عَشْرُ آيَاتٍ: الدَّجَالُ، وَالدُّخَانُ، وَطُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَدَابَّةُ الْأَرْضِ، وَيَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ، وَثَلَاثُ خُسُوفَاتٍ: خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَخَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ وَخَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ، وَنَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَرْنِ عَدْنٍ (2) تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ، تَنْزِلُ مَعَهُمْ إِذَا نَزَلُوا، وَتُقِيلُ مَعَهُمْ إِذَا قَالُوا. (3)

3852. وَمِنْ مَجْمُوعِ الْغَرَائِبِ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ السَّاعَةِ لَا بَدَّ مِنْهَا: السُّفْيَانِيُّ، وَالدَّجَالُ، وَالدُّخَانُ، وَالدَّابَّةُ، وَخُرُوجُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَطُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَنُزُولُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَخَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ، وَخَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ، وَنَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدْنٍ تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ. (4)

3853. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، اقْرَأ «يس»؛ فَإِنَّ فِي «يس» عَشْرَ بَرَكَاتٍ: مَا قَرَأَهَا جَانِعٌ إِلَّا شَبِعَ، وَلَا ظَمَانٌ إِلَّا رَوِيَ، وَلَا عَارٍ إِلَّا كَسِيَ، وَلَا عَزْبٌ إِلَّا تَزَوَّجَ، وَلَا خَائِفٌ إِلَّا آمَنَ، وَلَا مَرِيضٌ إِلَّا بَرِيَ، وَلَا مَحْبُوسٌ إِلَّا أُخْرِجَ، وَلَا مُسَافِرٌ إِلَّا أُعِينَ عَلَى سَفَرِهِ، وَلَا يَفْرُوقُهَا عِنْدَ مَيِّتٍ إِلَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُ، وَلَا قَرَأَهَا رَجُلٌ عَلَى ضَالِّهِ إِلَّا وَجَدَ طَرِيقَهَا. (5)

3854. وَعَنْ مُعَاذِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَقَالَ: يَا مُعَاذُ سَأَلْتَ عَنْ أَمْرٍ عَظِيمٍ مِنَ الْأُمُورِ، ثُمَّ أَرْسَلَ عَيْنَهُ بِالْذَّمُوعِ وَقَالَ: يُحْشَرُ عَشْرَةُ أَصْنَافٍ مِنَ أُمَّتِي؛ بَعْضُهُمْ عَلَى صُورِهِ الْقَرْدَةِ،

1- . الخصال، ص 436، ح 23.

2- . كذا، وفي أكثر المصادر: «قعر عدن»، وفي بعضها: «قيل عدن».

3- . الخصال، ص 431، ح 13.

4- . الخرائج و الجرائح، ج 3، ص 1148، ح 57.

5- . الدعوات للراوندي، ص 215، ح 579.

بشکافد و نه باجگیر و نه کسی که با خوبشاوندان قطع رابطه کند. و نه قَدَری [منکر قضا و قدر].

ابن بابویه رحمه الله گوید: شدید السواد یعنی کسی که در سر و صورت او هیچ موی سفید نباشد که غریب نامیده می شود.

مؤلف گوید: سپیدی مو امری اختیاری نیست تا مانع از ورود به بهشت شود. بلکه منظور کسی که بعلت گناه زیاد قلبش سیاه است [و به همین دلیل سیاه دل ترجمه شد].

3851. حذیفه گوید: ما درباره الساعه گفتگو می کردیم که پیامبر صلی الله علیه و آله از غرفه خود به ما توجه نموده و فرمودند: تا ده نشانه ظاهر نشود ساعه فرا نمی رسد: دجال، و دخان، و طلوع خورشید از مغرب، و دابه الارض، و یاجوج و ماجوج، و سه فرورفتن زمین: یکی در مشرق، یکی در مغرب، و یکی در جزیره العرب، و آتشی که از طرف عدن خارج می شود و مردم را بسوی محشر سوق می دهد. زمانی که فرود آیند با آنها فرود می آید و زمانی که بگویند به آنها روی می آورد.

3852. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: قبل از ساعه ده علامت باید اتفاق بیفتد: سفیانی، دجال و دخان و دابه و قیام حضرت مهدی علیه السلام و طلوع خورشید از مغرب و فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام و فرورفتن زمین در مشرق و در جزیره العرب و آتشی که از اعماق عدن مردم را بسوی محشر سوق می دهد.

3853. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی سوره یس را قرائت کن که در آن ده برکت وجود دارد: اگر گرسنه ای قرائت کند سیر شود. اگر تشنه ای قرائت کند سیراب شود. اگر عریان قرائت کند لباس به او پوشیده شود. اگر فرد مجرّدی قرائت کند ازدواج می کند. اگر ترسان قرائت کند ایمنی یابد. و اگر مریض قرائت کند خوب شود. و اگر زندانی قرائت کند آزاد شود. و اگر مسافر قرائت کند یاری شود. و اگر نزد میت قرائت کنند خداوند به آن میت تخفیف دهد. و اگر بر گمشده ای قرائت کنند راه را پیدا کند.

3854. معاذ از وحشت های قیامت پرسید. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا معاذ از یک امر بزرگ پرسیدی.

آنگاه اشک حضرت از چشم های مبارک جاری شد و فرمودند: امت من در ده

وَبَعْضُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْخِنْزِيرِ، وَبَعْضُهُمْ عَلَى وُجُوهِهِمْ مُنْكَسُونَ؛ أَرْجُلُهُمْ (1) فَوْقَ رُؤُوسِهِمْ يُسْحَبُونَ عَلَيْهَا، وَبَعْضُهُمْ عَمِيَانٌ، وَبَعْضُهُمْ صُمٌّ وَبُكْمٌ، وَبَعْضُهُمْ يَمْضَغُونَ أَلْسِنَتَهُمْ فِيهِ مَمْدُودَةً عَلَى صُدُورِهِمْ يَسِيلُ الْقَيْحُ [مِنْهُمْ] يَتَأَذَى مِنْهُمْ أَهْلُ الْجَمْعِ، وَبَعْضُهُمْ مُقَطَّعَةٌ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ، وَبَعْضُهُمْ مُصَلَّبُونَ عَلَى جُدُوعٍ مِنَ النَّارِ، وَبَعْضُهُمْ أَشَدُّ نَتْنًا مِنَ الْجَيْفَةِ، وَبَعْضُهُمْ مُلَبَّسُونَ جَبَابًا (2) سَابِغَةً مِنَ قَطْرَانٍ (3) لِأَرْزَقَهُ بِجُلُودِهِمْ.

فَأَمَّا الَّذِينَ عَلَى صُورَةِ الْقِرَدَةِ فَالْقَتَاتُ مِنَ النَّاسِ، وَأَمَّا الَّذِينَ عَلَى صُورَةِ الْخَنَازِيرِ فَأَهْلُ الشُّحْتِ، وَأَمَّا الْمُنْكَسُونَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ فَأَكَلَهُ الرَّبَابُ، وَأَمَّا الْعُمَى الَّذِينَ يَجُورُونَ فِي الْحُكْمِ، وَأَمَّا الصُّمُّ الْبُكْمُ فَالْمُعْجَبُونَ بِأَعْمَالِهِمْ، وَأَمَّا الَّذِينَ يَمْضَغُونَ أَلْسِنَتَهُمْ فَهُمْ الْمُغْتَابُونَ، وَأَمَّا الَّذِينَ قُطِّعَتْ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ فَهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْجِيرَانَ، وَأَمَّا الْمُصَلَّبُونَ عَلَى جُدُوعٍ مِنَ النَّارِ فَالسُّعَاءُ (4) بِالنَّاسِ إِلَى السُّلْطَانِ، وَأَمَّا الَّذِينَ هُمْ أَشَدُّ نَتْنًا مِنَ الْجَيْفِ فَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ وَمَنَعُوا حَقَّ اللَّهِ مِنْ أَمْوَالِهِمْ، وَأَمَّا الَّذِينَ يَلْبَسُونَ الْجَبَابَ أَهْلُ الْكِبَرِ وَالْفَخْرِ وَالْخِيَلَاءِ. (5)

3855. وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ [عَنْ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ] (6) عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ، كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَشْرَةٌ: الْقَتَاتُ، وَالسَّاحِرُ، وَالذَّيْوُثُ، وَنَاكِحُ الْمَرَأَةِ حَرَامًا فِي دُبْرِهَا، وَنَاكِحُ الْبَيْمَةِ، وَمَنْ نَكَحَ ذَاتَ مَحْرَمٍ مِنْهُ، وَالسَّاعَى فِي الْفِتْنَةِ، وَبَانِعُ السَّلَاحِ مِنْ أَهْلِ الْحَرْبِ، وَمَانِعُ الزَّكَاةِ، وَمَنْ وَجَدَ سَعَةً فَمَاتَ وَلَمْ يَحُجَّ. (7)

3856. رُوِيَ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، بَشِّرْ شِيعَتَكَ وَأَنْصَارَكَ بِخِصَالٍ عَشْرٍ:

أَوَّلُهَا: طَيْبُ الْمَوْلِدِ. وَثَانِيهَا: حُسْنُ إِيْمَانِهِمْ بِاللَّهِ. وَثَالِثُهَا: حُبُّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ. وَرَابِعُهَا: الْفُسْحَةُ فِي

ص: 424

- 1- . أَى مَقْلُوبُونَ بِحَيْثُ يَكُونُونَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ.
- 2- . الْجَبَابُ - بِالْكَسْرِ -: جَمْعُ الْجَبَّةِ؛ وَهِيَ ثَوْبٌ مَقْطُوعُ الْكَمِّ طَوِيلٌ يُلْبَسُ فَوْقَ الثِّيَابِ وَالِدْرَعِ.
- 3- . الْقَطْرَانُ - بَفَتْحِ الْقَافِ وَسُكُونِ الطَّاءِ -: النِّحَاسُ الْمَذَابُ. وَفِي الْمَجْمَعِ: الْقَطْرَانُ... الَّذِي يُطْلَى بِهِ الْإِبِلُ الَّتِي فِيهَا الْجَرَبُ فَيَحْرَقُ بِحَدِّتِهِ وَحَرَارَتِهِ الْجَرَبُ، يُتَّخَذُ مِنْ حَمَلِ شَجَرِ الْعُرْعُرِ. وَقَدْ أَوْعَدَ اللَّهُ الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهِ لِمَعَانٍ أَرْبَعَةٍ: لِلذَّعَةِ، وَحَرْقَتِهِ، وَاشْتِعَالِ النَّارِ فِيهِ وَاسْرَاعِهَا فِي الْمَطْلَى بِهِ، وَسَوَادِ لَوْنِهِ.
- 4- . السَّعَاءُ: جَمْعُ السَّاعَى.
- 5- . الدَّرُّ الْمُنْتَوِرُ، ج 6، ص 307.
- 6- . أَضْفَنَّا مَا بَيْنَ الْمَعْقُوفِينَ مِنَ الْخِصَالِ.
- 7- . الْخِصَالُ، ص 451، ح 56.

گروه محشور می شوند: بعضی به صورت میمون، بعضی به صورت خوک، بعضی وارونه که پاهای آنان روی سرشان و با صورت آنان را بر زمین می کشند، بعضی کورند، بعضی کر و لال، و بعضی زبان خود را که تا روی سینه شان آویخته و از آن عفونت جاری است و اهل محشر را اذیت می کند می جوند، و بعضی دست و پای قطع شده، و بعضی بر دارهای آتشین آویخته، و بعضی از مردار متعفن ترند، و بعضی هم تن پوش آتشین دارند که به پوست بدنشان چسبیده است.

آنان که به صورت میمون هستند، مردم سخن چین هستند. آنان که به صورت خوک هستند، حرام خوارند. آنان که صورتشان روی زمین کشیده می شود و پاهای آنان به طرف بالاست اینان ربا خوارند. آنان که کورند، قضات ستمگرند. آنان که کر و لال هستند مردم خود پسند بودند. آنان که زبان خود را می جوند زبانشان تا روی سینه آویخته و عفونت از آن جاری است بطوری که همه اذیت می شوند، غیبت می کردند. آنان که دست و پایشان بریده است، همسایه را آزار می دادند. آنان که به دارهای آتشین آویخته اند، جاسوسی مردم را نزد حاکمان ظالم می کرده اند. آنان که از مردار متعفن ترند، شهوترانی می کرده اند. آنان که تن پوش آتشین به تن دارند که به پوست بدنشان چسبیده است، مردم متکبر و فخر فروش و خیال پرداز بوده اند.

3855. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی، ده گروه از این امت به خداوند بزرگ کفر ورزیده اند:

سخن چین و جادوگر و دیوث و کسی که به حرام با زنی از پشت نزدیکی کند. و کسی که با حیوان نزدیکی کند. و کسی که با محارم خود زنا کند. و فتنه گر و فروشنده سلاح به دشمنان در حال جنگ. و کسی که زکات ندهد. و کسی که توانایی داشته باشد و بدون انجام حج بمیرد.

3856. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی، به شیعیان و یاران خود ده خصلت را بشارت ده: 1 - حلال زادگی 2 - ایمان صحیح به خدا 3 - خدا آنان را دوست دارد. 4 - وسعت قبر 5 - روشنی

قُبُورِهِمْ. وَخَامِسَتُهَا: النَّورُ عَلَى الصَّرَاطِ بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ. وَسَادِسُهَا: نَزْعُ الْفَقْرِ مِنْ بَيْنِ أَعْيُنِهِمْ، وَغْنَى قُلُوبِهِمْ. وَسَابِعُهَا: الْمَمْتُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِأَعْدَائِهِمْ. وَثَامِنُهَا: الْأَمْنُ مِنَ الْجُذَامِ. يَا عَلِيُّ، وَتَاسِعُهَا: انْحِطَاطُ الذُّنُوبِ وَالسَّيِّئَاتِ عَنْهُمْ، وَعَاشِرُهَا: هُمْ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ وَأَنَا مَعَهُمْ. (1)

3857. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ لِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَشْرُ خِصَالٍ مَا أَحِبُّ أَنْ لِي بِإِحْدَاهُنَّ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ؛ قَالَ لِي: أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَقْرَبُ الْخَلَائِقِ مِنِّي فِي الْمَوْقِفِ، وَأَنْتَ الْوَزِيرُ، وَالْوَصِيُّ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ، وَأَنْتَ آخِذٌ لِوَائِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَلِيَّتِكَ وَلِيَّتِي، وَعَدُوُّكَ عَدُوِّي، وَعَدُوُّكَ عَدُوُّ اللَّهِ. (2)

3858. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرَةَ أَشْيَاءَ تَوَرَّثَ الْفَرَحَ وَالنَّجَاةَ مِنَ الْغَمِّ: قِرَاءَةُ «يَس»، وَتَقْلِيمُ الْأَطْفَارِ، وَحَلْقُ الْعَانَةِ، وَالِإِعْتِسَالُ، وَالرَّكُوبُ عَلَى الْفَرَسِ، وَالسُّوَاكُ، وَمُؤَنَّةُ الْإِخْوَانِ، وَتَمَشِيطُ اللَّحْيَةِ عِنْدَ الْغَسْلِ، وَالْوُضُوءُ.

3859. وَسَدَّالُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جِبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ تَنْزِلُ إِلَى الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِي؟ قَالَ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ أَنْزِلُ إِلَى الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِكَ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَأَرْفَعُ عَشْرَ جَوَاهِرٍ مِنْ وَجْهِ الْأَرْضِ. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا هَذِهِ الْجَوَاهِرُ؟

فَقَالَ: الْأَوَّلُ: أَنْزِلُ إِلَى الْأَرْضِ وَأَرْفَعُ الْبَرَكَهَ مِنْهَا. وَالثَّانِي: أَرْفَعُ مِنْهَا الرَّحْمَةَ. وَالثَّلَاثُ: أَرْفَعُ مِنْهَا الْحَيَاءَ مِنْ عَيُونِ النِّسَاءِ. وَالرَّابِعُ: أَرْفَعُ الْحَمِيَّةَ مِنْ رُؤُوسِ الرِّجَالِ. وَالخَامِسُ: أَرْفَعُ الْعَدْلَ مِنْ قُلُوبِ السَّلَاطِينِ. وَالسَّادِسُ: أَرْفَعُ الصِّدْقَ مِنْ قُلُوبِ الْأَصْدِقَاءِ. وَالسَّابِعُ: أَرْفَعُ السَّخَاوَةَ مِنْ قُلُوبِ الْأَغْنِيَاءِ. الثَّامِنُ: أَرْفَعُ الصَّبْرَ عَنِ الْفُقَرَاءِ. التَّاسِعُ: أَرْفَعُ الْحِكْمَةَ مِنْ قُلُوبِ الْحُكَمَاءِ. الْعَاشِرُ: أَرْفَعُ الْإِيمَانَ مِنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ. أَقُولُ: يُوْجِدُ فِي كُلِّ مَرَّةٍ أَثْرًا مِنْ تِلْكَ الْآثَارِ بِأَمْرِ رَبِّهِ جَزَاءً بِمَا عَمِلُوا مِنْ صُنُوفِ الْمَعَاصِي.

3860. وَسُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا لَنَا نَدْعُو اللَّهَ فَلَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَنَا وَقَالَ تَعَالَى: «أَدْعُونِي اسْتَجِبْ لَكُمْ»؟! فَأَجَابَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ: إِنَّ قُلُوبَكُمْ مَاتَتْ بِعَشْرَةِ أَشْيَاءَ:

أَوَّلُهَا: أَنْكُمْ عَرَفْتُمْ اللَّهَ فَلَمْ تُؤَدِّوْا طَاعَتَهُ. وَالثَّانِي: أَنْكُمْ قَرَأْتُمْ الْقُرْآنَ فَلَمْ تَعْمَلُوا بِهِ. وَالثَّلَاثَةُ:

ص: 426

1- . الخصال، ص 430، ح 10.

2- . الخصال، ص 420، ح 6.



صراط 6 - نترسیدن از فقر و بی نیازی قلب آنان 7 - خشم خدا بر دشمنان آنان 8 - ایمنی از جدام.

یا علی، نهمین مورد آموزش گناهان و بدیهای آنان و 10 - آنان در بهشت با من و من با آنان هستم.

3857. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ده افتخار از رسول الله صلی الله علیه و آله به من رسیده است که هر یک از آنها را از همه آنچه خورشید بر آن تابیده است بیشتر دوست دارم:

به من فرمودند: تو در دنیا و آخرت برادرم هستی. در محشر از همه به من نزدیکتر هستی.

تو وزیر، وصی، و جانشین من در اهل و مال من هستی، تو پرچمدار من در دنیا و آخرت هستی، دوست تو دوست من، و دشمن تو دشمن من و دشمن تو دشمن خداست.

3858. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ده چیز موجب شادی و رهایی از غم می شود: قرائت سوره یس و گرفتن ناخن و تراشیدن موی زیر شکم و غسل و اسب سواری و مسواک و یاری کردن مردم و شانه کردن ریش هنگام شستن و وضوء.

3859. رسول الله صلی الله علیه و آله از جبرئیل پرسیدند: آیا پس از من هم به زمین فرود می آیی؟ فرمود: بله یا رسول الله پس از شما ده بار به زمین فرود می آیم. و ده گوهر را از زمین می برم.

پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: این گوهرها کدامند؟

گفت: اول فرود می آیم و برکت را از روی زمین بر می دارم. دوم: مهربانی را بر می دارم.

سوم: حیاء را از چشمان زنان بر می دارم. چهارم: غیرت را از سر مردان می برم. پنجم:

عدالت را از قلب فرمانروایان می برم. ششم: صداقت را از قلب دوستان می برم. هفتم:

سخاوت را از قلب ثروتمندان می برم. هشتم: صبر را از فقیران می برم. نهم: حکمت را از قلب حکیمان می برم. دهم: ایمان را از قلب مؤمنان بر می دارم.

مؤلف گوید: هر بار به امر پروردگار یکی از آثار رفتار مردم و سزای عمل آنان پیدا می شود.

3860. از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیدند: چرا دعا می کنیم ولی مستجاب نمی شود؟ در حالی که خداوند متعال فرموده است: «بخوانید مرا. اجابت کنم شما را».

حضرت فرمودند: چون ده چیز قلبهای شما را میرانده است.

1 - خدا را شناختن و ولی اطاعت نکردید. 2 - قرآن را قرائت کردید ولی عمل نکردید.

ادَّعَيْتُمْ مَحَبَّةَ لِرَسُولِهِ وَأَبْغَضْتُمْ أَوْلَادَهُ. وَالرَّابِعَةُ: ادَّعَيْتُمْ عَدَاوَةَ الشَّيْطَانِ وَوَأَفْقَتُمُوهُ. وَالْخَامِسَةُ:

ادَّعَيْتُمْ مَحَبَّةَ الْجَنَّةِ فَلَمْ تَعْمَلُوا لَهَا. وَالسَّادِسَةُ: ادَّعَيْتُمْ مُخَافَةَ النَّارِ وَرَمَيْتُمْ أَبْدَانَكُمْ فِيهَا. وَالسَّابِعَةُ:

اشْتَغَلْتُمْ بِعُيُوبِ النَّاسِ عَنِ عُيُوبِ أَنْفُسِكُمْ. وَالثَّامِنَةُ: ادَّعَيْتُمْ بُغْضَ الدُّنْيَا وَجَمَعْتُمُوهَا. وَالتَّاسِعَةُ:

أَقْرَرْتُمْ بِالْمَوْتِ فَلَمْ تَسْتَعِدُّوا لَهُ. وَالْعَاشِرَةُ: دَفَنْتُمْ مَوْتَاكُمْ فَلَمْ تَعْتَبِرُوا بِهِمْ.

فَلِهَذَا لَا يُسْتَجَابُ دُعَاؤُكُمْ. (1)

3861. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْإِحْتِكَازُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ: الْبُرِّ، وَالشَّعِيرِ، وَالتَّمَرِ، وَالزَّيْبِ، وَالذُّرِّ، وَالسَّمْنِ، وَالْعَسَلِ، وَالْجُبْنَ، وَالْجَوْزِ، وَالزَّيْتِ. (2)

3862. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الشَّرِيعَةُ أَقْوَالِي، وَالطَّرِيقَةُ أَعْمَالِي، وَالْحَقِيقَةُ أَحْوَالِي، وَالْمَعْرِفَةُ رَأْسُ عَقْلِي، وَالْعِلْمُ صِلَاحِي، وَالتَّوَكُّلُ رِدَائِي، وَالْقِنَاعَةُ كَنْزِي، وَالصَّدْقُ مَنْزِلِي، وَالْيَقِينُ مَأْوَايَ، وَالْفَقْرُ فَخْرِي، وَبِهِ افْتَحِرُّ عَلَى سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ. (3). (4)

ص: 428

- 1- . روى الطبرسى هذا عن إبراهيم بن أدهم: مجمع البيان، ج 2، ص 19.
- 2- . بحار الأنوار، ج 59، ص 292.
- 3- . هذه الرواية فيها أثر الافتعال بين، بل هو أشبه بكلام بعض العرفاء.
- 4- . عوالى اللالى، ج 4، ص 124، ح 212.

3 - ادعای محبت رسول خدا دارید ولی با اولاد او دشمنی کردید. 4 - ادعای دشمنی شیطان دارید ولی از او پیروی کردید. 5 - ادعا می کنید بهشت را دوست دارید ولی برای آن تلاش نمی کنید. 6 - ادعا می کنید از آتش می ترسید ولی بدن خود را در آن می اندازید. 7 - بجای عیب خود به عیب دیگران پرداختید. 8 - ادعا کردید دنیا را دوست ندارید ولی به جمع اموال پرداختید. 9 - به مرگ اعتراف می کنید ولی برای آن آماده نیستید.

10 - مردگان را دفن کردید ولی عبرت نگرفتید. بنابراین دعای شما مستجاب نمی شود.

3861. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: احتکار در ده چیز است:

گندم و جو و خرما و کشمش و ذرت و روغن و عسل و پنیر و بادام یا گردو و روغن زیتون.

3862. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

شریعت گفتار من است. و طریقت رفتار من. و حقیقت احوال من. و معرفت بنیان عقل من است. و علم صلاح من. و توکل ردای من. و قناعت گنج من. و صداقت منزل من. و یقین جایگاه من. و فقر افتخار من است. و من بر سایر پیامبران و رسولان به فقر افتخار می کنم.

ص: 429

3863. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكُمْ بِالسَّوَاكِ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ: يُطَهِّرُ الْفَمَ، وَيَرْضَى الرَّبَّ، وَيُسَخِّطُ الشَّيْطَانَ، وَيُحِبُّهُ الْحَفِظَةَ، وَيَشُدُّ اللَّثْمَ، وَيَقْطَعُ الْبَلْغَمَ، وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَيُطْفِئُ الْمِرَّةَ، وَيُجَلِّي الْبَصَرَ، وَيُذْهِبُ الصُّفْرَةَ مِنَ السِّنِّ - وَفِي بَعْضِ النُّسخِ: وَيُذْهِبُ الْحَفْرَةَ (1) - وَهُوَ مِنَ السُّنَنِ (2).

3864. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرَةٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ كُفَّرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُؤْمِنُونَ: الْقَاتِلُ بِغَيْرِ حَقٍّ، وَالذَّيُّوثُ، وَمَانِعُ الزَّكَاةِ، وَشَارِبُ الْخَمْرِ، وَمَنْ وَجَدَ إِلَى الْحَجِّ سَبِيلًا فَلَمْ يَحْجَّ، وَالسَّاعِي فِي الْفِتَنِ، وَبَائِعُ السَّلَاحِ لِأَهْلِ الْحَرْبِ، وَنَاكِحُ الْمَرْأَةِ فِي دُبْرِهَا، وَنَاكِحُ الْبَيْهَمَةِ، وَنَاكِحُ ذَاتَ مَحْرَمٍ.

3865. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعَافِيَةُ عَلَى عَشْرَةِ أَوْجُهٍ: خَمْسَةٌ فِي الدُّنْيَا، وَخَمْسَةٌ فِي الْآخِرَةِ، فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا: الْعِلْمُ، وَالْعِبَادَةُ، وَالرِّزْقُ الْحَلَالُ، وَالصَّبْرُ عَلَى الشَّدَّةِ، وَالشُّكْرُ عَلَى النِّعَمَةِ.

وَأَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ: فَإِنَّهُ يَأْتِيهِ مَلَكُ الْمَوْتِ بِلُطْفٍ وَرَحْمَةٍ، وَلَا يُرْوَعُهُ (3) مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ فِي الْقَبْرِ، وَيَكُونُ آمِنًا مِنَ الْفِرْعِ الْأَكْبَرِ (4)، وَيُمْحَى سَيِّئَاتُهُ، وَحَسَنَاتُهُ مَقْبُولَةٌ، وَيَمُرُّ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ، وَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ فِي السَّلَامَةِ.

ص: 430

1- الحفرة - بالتحريك - سلاق (أى تقشّر) فى أصول الأسنان، أو صفره تعلوها، ويسكن (القاموس المحيط: 12/2).

2- تلخيص الحبير، ج 1، ابن حجر، ص 384، مع اختلافٍ يسير.

3- أى لا يخوفه.

4- شذائد يوم القيامة أو دخول النار أو انطباق بابها على العاصين، وهو انقباض ونفار يعتري الإنسان من الشىء المخيف، وهو من جنس الجزع.

## فصل سوم: روایات اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله

3863. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: مسواک بزنید که ده اثر دارد: دهان پاک می شود. و پروردگار خشنود.

و شیطان خشمگین می شود. و ملائکه مسواک زدن را دوست دارند. و لثه محکم می شود. و بلغم را قطع می کند. و بوی دهان را خوش، و صفرا را قطع می کند. و بینایی را زیاد، و دندان را سفید می کند. و مسواک زدن سنت [پیامبر صلی الله علیه و آله] است.

3864. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ده گروه از این امت به خداوند عظیم کافرند و خود را مؤمن می پندارند: قاتل انسان بی گناه، دیوث، مانع زکات، شراب خوار، کسی که بتواند حج به جا آورد ولی به جا نیاورد. و فتنه گر، و فروشنده اسلحه به دشمن مسلمان در حال جنگ.

کسی که از پشت با زن نزدیکی کند. و کسی که با حیوان نزدیکی کند. کسی که با محارم خود زنا کند.

3865. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: عافیت ده صورت دارد:

پنج صورت در دنیا: علم و عبادت و رزق حلال و صبر در سختی و شکر بر نعمت.

پنج صورت در آخرت: فرشته مرگ با لطف و مهربانی روبرو می شود. نکیر و منکر در قبر نمی ترسانند. ایمنی از وحشت قیامت و از بین رفتن خطاها و پذیرش اعمال نیکو، از صراط چون برق جهنده عبور می کند و به سلامتی وارد بهشت می شود.

3866. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرٌ مِمَّا عَلَّمَهُنَّ أَبُوكُمْ إِبْرَاهِيمُ: حَمْسٌ فِي الرَّأْسِ وَحَمْسٌ فِي الْجَسَدِ؛ فَأَمَّا اللَّوَاتِي فِي الرَّأْسِ: فَالسُّوَاكُ، وَالْمَضْمَضَةُ، وَالِاسْتِشْقَاقُ، وَقَصُّ الشَّارِبِ، وَإِعْفَاءُ (1) اللَّحْيَةِ.

وَالْحَمْسَةُ الَّتِي فِي الْجَسَدِ: فَالْحِثَانُ، وَالِاسْتِحْدَادُ (2)، وَالِاسْتِنْجَاءُ، وَتَنْفُ الْإِبطِ، وَقَصُّ الْأَطْفَارِ. (3)

3867. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرَةٌ أَصْنَافٍ مِنْ أُمَّتِي لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا أَنْ يَتَوَبُوا: أَوْلَهُمُ الْقَلَاعُ، وَالْجَيُوفُ، وَالْقَتَاتُ، وَالْدِّيُوثُ، وَصَاحِبُ الْعَرَطِيَّةِ، وَصَاحِبُ الْكُوبَةِ، وَالْعُتْلُ، وَالزَّرْنِيمُ، وَالْمُغْتَابُ، وَالْعَاقُ وَالِدِيهِ.

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا الْقَلَاعُ؟ قَالَ: الَّذِي يَمْشِي بَيْنَ يَدَيِ الْأَمْرَاءِ. قِيلَ: وَمَا الْجَيُوفُ؟ قَالَ:

النَّبَّاشُ. قِيلَ: وَمَا الْقَتَاتُ؟ قَالَ: النَّمَامُ. قِيلَ: وَمَا الدِّيُوثُ؟ قَالَ: الَّذِي لَا يَغَارُ عَلَى أَهْلِهِ. قِيلَ: وَمَا صَاحِبُ الْعَرَطِيَّةِ؟ قَالَ: الَّذِي يَضْرِبُ بِالطَّبْلِ. قِيلَ: وَمَا صَاحِبُ الْكُوبَةِ؟ قَالَ: الَّذِي يَضْرِبُ بِالطَّنْبُورِ.

قِيلَ: فَمَا الْعُتْلُ؟ قَالَ: الَّذِي لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ وَلَا يُقْبِلُ الْعَثْرَةَ. قِيلَ: فَمَا الزَّرْنِيمُ؟ قَالَ: وَلَدُ الزَّنَا. قِيلَ: وَمَا الْمُغْتَابُ؟ قَالَ: الَّذِي يَقْعُدُ عَلَى الطَّرِيقِ فَيَغْتَابُ النَّاسَ. وَالْعَاقُ لَوَالِدِيهِ مَشْهُورٌ.

3868. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرَةٌ نَفَرٌ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاتَهُمْ: رَجُلٌ صَلَّى وَاحِدًا (4) بِغَيْرِ قِرَاءَةٍ، وَرَجُلٌ صَلَّى وَلَا يُؤَدِّي الزَّكَاةَ، وَرَجُلٌ يُؤْمُ قَوْمًا وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ، وَرَجُلٌ مَمْلُوكٌ أَبَقَ إِلَى أَنْ يَرَجَعَ، وَرَجُلٌ شَارِبُ الْخَمْرِ مُدْمِنٌ، وَامْرَأَةٌ بَاتَتْ وَرُوجُهَا سَاخِطٌ عَلَيْهَا، وَامْرَأَةٌ حُرَّةٌ تُصَلِّي بِغَيْرِ خِمَارٍ، وَالْإِمَامُ الْجَائِرُ، وَآكِلُ الرِّبَا، وَرَجُلٌ لَا تَنْتَهَاهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ لَا يَزِدَادُ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بَعْدًا. (5)

3869. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلدَّخْلِ فِي الْمَسْجِدِ عَشْرُ خِصَالٍ: أَوْلَاهَا أَنْ يَتَعَاهَدَ خُفْيَهُ (6) أَوْ نَعْلَيْهِ، وَأَنْ يَبْدَأَ بِالرَّجْلِ الْيُمْنِيِّ، وَإِذَا دَخَلَ يَقُولُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لَنَا أَبْوَابَ فَضْلِكَ وَأَبْوَابَ رَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»، وَأَنْ يَسَلَّمَ عَلَى أَهْلِ الْمَسْجِدِ، وَأَنْ يَقُولَ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِي الْمَسْجِدِ أَحَدٌ: «السَّلَامُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا

ص: 432

1- . هو أن يوفّر شعرها، من عفا الشيء: إذا كثر.

2- . الاستحداد: حلق العانة بالحديد (النهاية: 340/1). وقيل: مطلق الحلق بالحديد.

3- . المستدرک، ج 2، ص 266.

4- . كذا في الأصل، ولعل المراد صلى حال كونه إماماً لأحد بغير قراءة. وفي العبارة نقص أو تصحيف.

5- . الاختصاص للمفيد، ص 142 مع اختلافٍ يسير.

6- . الخفّ: ما يستر القدم من فوق وتحت وخلف. والنعل: ما يستر تحت القدم مع قليل من فوق.

3866. رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: ده سنت از پدرتان ابراهیم علیه السلام مانده است:

پنج سنت در سر: مسواک و مضمضه [شستن دهان] و استنشاق [شستن بینی] و کوتاه کردن سیبیل و بلند کردن ریش.

پنج سنت در بدن: ختنه کردن و نوره و تراشیدن موی زیر شکم و طهارت گرفتن با کلوخ و تراشیدن موی زیر بغل و گرفتن ناخن.

3867. رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: ده گروه از این امت به بهشت نمی روند مگر اینکه توبه کنند: القلاء یعنی کسانی که زمامداران [ظالم] را اسکورت می کنند. جیوف یعنی کسی که قبر مسلمان را بشکافد. قئات یعنی سخن چین. دیوث یعنی بی غیرت که دیگران با همسر او زنا کنند.

صاحب عرطبه یعنی کسی که طبل می زند. صاحب الکوبه یعنی نوازنده. عتُلّ یعنی کسی که گناه را نمی بخشد و پوزش را نمی پذیرد. زنیم یعنی حرامزاده. مغتاب یعنی کسی که غیبت می کند. بد رفتار با پدر و مادر.

3868. رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: نماز ده نفر پذیرفته نمی شود:

کسی که فرادی نماز بخواند و قرائت نکند. کسی که نماز بخواند ولی زکات ندهد. امام جماعتی که مردم به امامت او راضی نباشند. بنده ای که فراری باشد تا برگردد. شراب خوار. زنی که شوهرش از او راضی نباشد. زنی که بدون چادر نماز بخواند. پیشوای ستمگر. ربا خوار. کسی که نمازش او را از فحشاء و منکر باز ندارد بلکه از خدا دورتر شود.

3869. رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: آداب ورود به مسجد ده چیز است:

کفشها را کنترل کند [نجاست یا کثافت به مسجد نرسد]. با پای راست وارد مسجد شود.

هنگام ورود بگوید: بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله و الحمد لله و السلام على رسول الله و الملائكة اللهم افتح لنا ابواب فضلك و ابواب رحمتك انك انت الوهاب. به اهل مسجد سلام کند و اگر کسی در مسجد نیست بگوید: السلام على عباد الله الصالحين اشهد ان

اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»، وَأَنْ لَا يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّي، وَأَنْ لَا يَدْخُلَ إِلَّا بِوُضوءٍ، وَأَنْ لَا يَعْمَلَ فِيهِ بِعَمَلِ الدُّنْيَا، وَأَنْ لَا يَتَكَلَّمَ بِكَلَامِ الدُّنْيَا، وَأَنْ لَا يَخْرُجَ حَتَّى يُصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ، وَأَنْ يَقُولَ إِذَا قَامَ لِيَخْرُجَ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ».

3870. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ، وَفِيهَا عَشْرُ خِصَالٍ: زَيْنُ الْوَجْهِ، وَنُورُ الْقَلْبِ، وَرَاحَةُ الْبَدَنِ، وَأَنْسُ الْقُبُورِ، وَمَنْزِلُ الرَّحْمَةِ، وَمَصْبَاحُ السَّمَاءِ، وَثِقَلُ الْمِيزَانِ، وَمَرْضَاةُ الرَّبِّ، وَثَمَنُ الْجَنَّةِ، وَحِجَابٌ مِنَ النَّارِ، وَمَنْ أَقَامَهَا فَقَدْ أَقَامَ الدِّينَ، وَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ هَدَمَ الدِّينَ.

3871. وَرَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِلْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ: يَا عَمَاهُ! أَلَا أَعْلَمُكَ؟ أَلَا أَحْبُوكَ عَشْرَ خِصَالٍ إِذَا أَنْتَ فَعَلْتَ ذَلِكَ غُفِرَ لَكَ ذَنْبُكَ أَوَّلُهُ وَآخِرُهُ، قَدِيمُهُ وَحَدِيثُهُ، خَطْوُهُ وَعَمْدُهُ، صَدِيقُهُ وَكَبِيرُهُ، سِرُّهُ وَعَلَانِيَتُهُ؟ أَنْ تُصَلِّيَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَسُورَةَ، فَإِذَا فَرَعْتَ مِنَ الْقِرَاءَةِ قُلْتَ وَأَنْتَ قَائِمٌ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، ثُمَّ تَرَكَّ فَتَقُولُهَا عَشْرًا، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ فَتَقُولُهَا عَشْرًا، ثُمَّ تَسْجُدُ فَتَقُولُهَا عَشْرًا، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ فَتَقُولُهَا عَشْرًا قَبْلَ أَنْ تَقُومَ، فَذَلِكَ خَمْسُ وَسَبْعُونَ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ، إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُصَلِّيَهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً فَافْعَلْ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فِي كُلِّ شَهْرٍ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فِي كُلِّ سَنَةٍ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فِي عُمْرِكَ مَرَّةً.

[أقول: رَوَتْ عُلَمَاؤُنَا - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ - هَذِهِ الصَّلَاةَ عَنْ أَيْمَةِ الْهُدَى صَدِّقَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمُ، وَهِيَ مَشْهُورَةٌ عِنْدَنَا بِصَدِّقَاتِ جَعْفَرٍ، وَيُقَالُ لَهَا أَيْضًا: صَلَاةُ الْحَبِوَةِ (1)، وَفِيهَا ثَوَابٌ جَزِيلٌ (2).]

3872. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَدْخُلَ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ يَبْعَثُ إِلَيْهِمْ مَلَكًا (3) وَمَعَهُ هَدْيَةٌ وَكِسْوَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ، فَإِذَا أَرَادُوا أَنْ يَدْخُلُوهَا قَالَ لَهُمُ الْمَلَكُ: قِفُوا فَإِنَّ مَعِيَ هَدْيَةً مِنَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، قَالُوا: وَمَا تِلْكَ الْهَدْيَةُ؟ قَالَ الْمَلَكُ: هِيَ عَشْرَةٌ خَوَاتِيمٌ: مَكْتُوبٌ فِي أَحَدِهَا: «سَلِّمْ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ». وَفِي الثَّانِي مَكْتُوبٌ: «ادْخُلُوهَا بِسَلِّمْ آمَنِينَ». وَفِي الثَّلَاثِ مَكْتُوبٌ: ذَهَبَتْ عَنْكُمْ الْأَحْزَانُ وَالْهُمُومُ.

ص: 434

- 1- . الحبوہ - بالتثليث -: العطيہ.
- 2- . سنن ابن ماجه، ج 1، ص 443.
- 3- . لعل المراد من هذا الملك رئيس طوائف كثيره من الملائكه غير محصور، عندهم من الخواتيم ما لا يحصى حتى يمكنهم إعطاء عشره خواتيم لكل فرد من أهل الجنة.



لا اله الا الله و اشهد انّ محمداً عبده و رسوله. از جلوی کسی که نماز می خواند عبور نکند. بدون وضو وارد مسجد نشود. در مسجد به کار دنیا مشغول نشود. سخن از دنیا نگوید. تا دو رکعت نماز نخوانده از مسجد خارج نشود. هنگام خارج شدن از مسجد بگوید: سبحانک اللهم و بحمدک اشهد ان لا اله الا انت استغفرک و اتوب الیک.

3870. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: نماز ستون دین است و ده مزیت دارد: زینت چهره، و نور قلب، و آرامش بدن، و مونس قبر، و راه نزول رحمت، و چراغ آسمانها، و سنگینی میزان، و خشنودی پروردگار، و بهای بهشت، و سپر جهنم است. و کسی که نماز اقامه کند دین را بر پا داشته و کسی که آن را ترک کند دین را ویران کرده است.

3871. رسول الله صلی الله علیه و آله به عباس فرمودند: عموی من، آیا به شما پیاموزم؟ آیا به شما ده خصلت هدیه بدهم که اگر انجام دهی تمام گناهان گذشته و حال و خطا و عمد و کوچک و بزرگ و مخفی و آشکار آمرزیده شود؟

چهار رکعت نماز بخوان. در هر رکعت حمد و یک سوره. بعد از سوره در حال ایستاده پانزده بار بگو: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر. به رکوع برو و در رکوع ده بار این تسبیحات را تکرار کن. از رکوع بلند شو ده بار بگو. به سجده برو در سجده ده بار از سجده بلند شدی ده بار دوباره در سجده دوم ده بار بعد از سجده هم ده بار تکرار کن. در هر رکعت این تسبیحات را هفتاد و پنج بار تکرار کن. [در مجموع چهار رکعت سیصد بار]

اگر هر روز توانستی این نماز را بجای آور. و اگر نتوانستی هر ماه یک بار. اگر نتوانستی هر سال یکبار. و اگر نتوانستی در عمر خود یکبار بجای آور.

- این حدیث را علمای شیعه هم از امامان معصوم علیهم السلام نقل کرده اند که به نماز جعفر مشهور است. نماز هدیه هم نامیده می شود. و ثواب بسیاری دارد.

3872. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی که خداوند می خواهد اهل بهشت را وارد آن کند فرشته ای را با هدیه و لباس بهشتی می فرستد وقتی که خواستند وارد بهشت شوند، فرشته به آنها می گوید: بایستید من با خود هدیه ای از پروردگار جهانیان آورده ام. می گویند: چه هدیه ای آورده ای؟ فرشته می گوید: ده انگشتر که روی یکی نوشته است: «سلام بر شما پاکیزه اید پس وارد بهشت شوید و جاودان بمانید». روی دومی نوشته است: «به سلامت وارد

وفى الرابع مكتوب: ألبسناكم الحلبي والحلل. وفى الخامس مكتوب: زوّجناكم الحور العين. وفى السادس مكتوب: «إني جزيتهم اليوم بما صبروا». وفى السابع مكتوب: صيرتكم شباباً لا تهزمون أبداً. وفى الثامن مكتوب: رافقتكم الأنبياء والصدّيقين والشهداء والصالحين. وفى التاسع مكتوب:

صيرتكم آمنين لا تخافون أبداً. وفى العاشر مكتوب: كنتم فى جوار الرحمن الرحيم ذى العرش الكريم العظيم.

ثم يقول الملك: ادخلوها، فیدخلون الجنة، فيقولون: «الحمد لله الذى أذهب عنا الحزن إن ربنا لغفور شكور»، «الحمد لله الذى صدقنا وعده و أوتىنا الأرض ننبؤاً من الجنة حيث نشاء فنعم أجر العاملين».

وإذا أراد الله تعالى أن يدخل أهل النار النار يبعث إليهم ملكاً ومعه (عشر) خواتيم: أولها مكتوب: ادخلوا جهنم لا تموتون فيها أبداً ولا تخرجون. وفى الثانية مكتوب: خوضوا فى العذاب لا راحة لكم. وفى الثالثة مكتوب: ايسسوا من رحمتى. وفى الرابع مكتوب: ادخلوا فى الغم والحزن أبداً. وفى الخامس مكتوب: لياسدكم النار وطعامكم النار، وشربكم النار، ومهادكم النار، وغواشكم (1) النار. وفى السادس مكتوب: سنحطى عليكم فى النار أبداً. وفى السابع مكتوب: هذا جزاؤكم اليوم بما فعلتم من المعصية. وفى الثامن مكتوب: عليكم لعنتى بما تعمّدتم من الذنوب الكبار، ولم تتوبوا ولم تندموا. وفى التاسع مكتوب: اتبعتم الشيطان، وآثرتم الدنيا، وتركتم الآخرة؛ هذا جزاؤكم. وفى العاشر مكتوب: لوموا أنفسكم لإرتكابها المعاصى وما نهيتكم عنه فلم تنتهوا، وأمرتم به فلم تأتمروا؛ فذوقوا العذاب بما كفرتم.

3873. وقال النبي صلى الله عليه وآله ذات يوم لإبليس لعنه الله: كم أصدقاؤك من امتى يا إبليس؟ قال: عشرون نفر: أولهم الأمير الجائر، والغنى المتكبر، والذى لا يبالي من أين يكتسب وفى ماذا ينفقه، والعالم الذى صدق الأمير على جوره، والتاجر الخائن، والمحتكر، والزانى، وأكل الربا، والبخيل، والذى لا يبالي من أين يجمع المال.

ص: 436

1- . يعنى ما يغشاهم فيغطيهم من أنواع العذاب (مجمع البحرين: 313/3).

بهشت شوید». روی سومی نوشته: الان حزن و اندوه از شما دور شد. روی چهارمی نوشته: حله و زیور به شما می پوشانیم. روی پنجمی نوشته: حورالعین به ازدواج شما در می آوریم.

روی ششمی نوشته: «امروز پاداش صبر آنها را دادم». روی هفتمی نوشته: جوان شدید و دیگر پیر نخواهید شد. روی هشتمی نوشته: با پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحین هم‌نشین هستید. روی نهمی نوشته: در امان هستید و هرگز نخواهید ترسید. روی دهمی نوشته: شما در جوار رحمان و رحیم و صاحب عرش کریم عظیم هستید.

آنگاه فرشته می گوید: بفرمایید وارد شوید. و آنها وارد بهشت می شوند. و می گویند: «حمد خدای را که حزن و اندوه را از ما دور کرد. پروردگار ما بخشنده و قدر شناس است».

«حمد خدای را که به وعده اش وفا کرد. و این مکان را میراث ما قرار داد. تا هر جای بهشت که خواهیم منزل اختیار کنیم. و چه پاداش خوبی برای اهل عمل است».

زمانی که خداوند می خواهد اهل دوزخ را وارد جهنم کند، فرشته ای با ده انگشتر به سوی آنها می فرستد:

روی اولی نوشته: وارد جهنم شوید که هرگز نمی میرید و از آن خارج نمی شوید. روی دومی نوشته: در عذاب فرو روید که هرگز آسایش ندارید. روی سومی نوشته: از رحمت من نا امید شوید. روی چهارمی نوشته: تا ابد وارد غم و اندوه شوید. روی پنجمی نوشته:

لباس و غذا و آب و بستر و روانداز شما آتشین است. روی ششمی نوشته: همیشه در آتش مورد خشم من هستید. روی هفتمی نوشته: این سزای گناهان شماست که امروز می بینید.

روی هشتمی نوشته: لعنت من بر شما باد چون عمداً گناه کردید. و توبه نکردید. و پشیمان نشدید. روی نهمی نوشته: از شیطان پیروی کردید. و دنیا را برگزیدید. و آخرت را رها کردید. این سزای عمل شماست. روی دهمی نوشته است: خود را سرزنش کنید. چون مرتکب گناهان شدید. و به امر به معروف و نهی از منکر توجه نکردید. اینک برای کفر ورزیدن عذاب را لمس کنید.

3873. رسول الله صلی الله علیه و آله روزی به شیطان لعنت الله علیه فرمودند: ای شیطان چقدر از دوستان تو از امت من هستند؟ گفت: ده گروه.

3874. ثُمَّ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَكَمْ أَعْدَاؤُكَ مِنْ أُمَّتِي؟ قَالَ: خَمْسَةَ عَشَرَ نَفَرًا: أَوْلَهُمْ أَنْتَ يَا مُحَمَّدٌ إِنِّي أَبْغَضُكَ، وَالْعَالِمُ الْعَامِلُ بِالْعِلْمِ، وَحَامِلُ الْقُرْآنِ إِذَا عَمِلَ بِمَا فِيهِ، وَالْمُؤَدِّنُ لِلَّهِ خَمْسَةَ أَوقَاتٍ، وَمُحِبُّ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْيَتَامَى، وَذُو قَلْبٍ رَحِيمٍ، وَالْمُتَوَاضِعُ لِلْحَقِّ، وَشَابٌّ نَشَأَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ الَّذِي يُصَلِّي بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ، وَالَّذِي يُمَسِّكُ نَفْسَهُ عَنِ الْحَرَامِ، وَالَّذِي يَنْصَحُ فِي اللَّهِ - وَفِي رِوَايَةٍ: يَدْعُو لِلْإِخْوَانِ وَلَيْسَ فِي قَلْبِهِ شَيْءٌ - وَالَّذِي أَبَدًا يَكُونُ عَلَى الْوُضُوءِ، وَصَاحِبُ السَّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ، وَالْمُصَدِّقُ بِمَا صَدَّقَ مِنَ اللَّهِ لَهُ، وَالْمُحْصَنَاتُ الْمَسْتَوَاتُ، وَالْمُسْتَعِدُّ لِلْمَوْتِ.

حاکم ستمکار، ثروتمند متکبر، کسی که اهمیت نمی دهد از کجا بدست آورد و در چه راهی مصرف کند، عالمی که حاکم را در ستم تأیید کند. تاجر خائن، محترک، زنا کار، ربا خوار، بخیل و کسی که اهمیت ندهد از چه راهی مال جمع کند.

3874. رسول الله صلی الله علیه و آله به شیطان فرمودند: چقدر از دشمنان تو از امت من هستند؟

گفت: پانزده نفر: خود شما که من بغض شما را دارم، عالم عامل، حامل قرآن که به آن عمل کند، مؤذن که پنج وقت اذان بگوید، دوستدار فقیر و مسکین و یتیم. کسی که قلب مهربانی دارد. فروتن در برابر حق، جوانی که برای اطاعت خدا نماز شب بخواند در وقتی که همه خوابند. کسی که از حرام خودداری کند، کسی که در راه خدا خیر خواهی کند. [در روایتی آمده: کسی که برای دوستان خود دعا کند و در قلبش کینه کسی را ندارد.] کسی که همیشه وضو دارد. سخاوتمند، خوش اخلاق، آنکه وعده خدا را تصدیق کند، زنان پاکدامن و با حجاب، کسی که خود را برای مرگ آماده کرده است.

ص: 439

3875. رُوِيَ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: قَالَ أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام: كَانَتْ الْحُكَمَاءُ فِيمَا مَضَى مِنَ الدَّهْرِ تَقُولُ: يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْإِخْتِلَافُ إِلَى الْأَبْوَابِ لِعَشْرِهِ أَوْجُهُ:

أَوَّلُهَا: بَيْتُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ لِقَضَاءِ نُسُكِهِ، وَالْقِيَامِ بِحَقِّهِ، وَأَدَاءِ فَرَضِهِ.

وَالثَّانِي: أَبْوَابُ الْمُلُوكِ الَّذِينَ إِطَاعَتُهُمْ مُتَّصِلَةٌ بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَحَقُّهُمْ وَاجِبٌ، وَنَفْعُهُمْ عَظِيمٌ، وَضَرَرُهُمْ شَدِيدٌ.

وَالثَّلَاثُ: أَبْوَابُ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ يُسْتَفَادُ مِنْهُمْ عِلْمُ الدِّينِ وَالدُّنْيَا.

وَالرَّابِعُ: أَبْوَابُ أَهْلِ الْجُودِ وَالْعَطَايَا وَالْبَذْلِ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ التَّمَاسِ الْحَمْدِ وَرَجَاءِ الْآخِرَةِ.

الخَامِسُ: أَبْوَابُ السُّفَهَاءِ الَّذِينَ يُحْتَاجُ إِلَيْهِمْ فِي الْحَوَادِثِ وَيُنْفَعُ إِلَيْهِمْ فِي الْحَوَائِجِ.

وَالسَّادِسُ: أَبْوَابُ مَنْ يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ مِنَ الْأَشْرَافِ؛ لِاتِّمَاسِ الْهَيْبَةِ وَالْمُرُوءَةِ وَالْحَاجَةِ.

وَالسَّابِعُ: أَبْوَابُ مَنْ يُرْتَجَى عِنْدَهُمُ النَّفْعُ فِي الرَّأْيِ وَالْمَشُورَةِ وَتَقْوِيَةِ الْحَزْمِ وَأَخْذِ الْأَهْبَةِ (1) لِمَا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ.

وَالثَّمَانِي: أَبْوَابُ الْإِخْوَانِ؛ لِمَا يَجِبُ مِنْ مُوَاصَلَتِهِمْ، وَيَلْزَمُ مِنْ حُقُوقِهِمْ.

وَالتَّاسِعُ: أَبْوَابُ الْأَعْدَاءِ الَّذِينَ تُسَكَّنُ بِالْمُدَارَاهِ غَوَائِلُهُمْ، وَتُدْفَعُ بِالْحَيْلِ وَالرَّقِيقِ وَاللُّطْفِ

## فصل چهارم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام

3875. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: حکیمان در زمانهای گذشته می گفتند: شایسته است رفتن به سراغ درها به یکی از این جهات ده گانه باشد:

- 1 - در خانه خدا برای انجام مناسک و ادا کردن حق و واجبات آن.
- 2 - در خانه حاکمانی که اطاعت آنها اطاعت از خداست. و حق آنان واجب است. و منفعت آنها بسیار و ضررشان شدید.
- 3 - در خانه علمایی که از آنها علم دین و دنیا آموخته می شود.
- 4 - در خانه صاحبان جود و عطا و بخشش که اموالشان را به امید آخرت انفاق می کنند.
- 5 - در خانه سفیهانی که در حوادث به آنها محتاج می شوند و نیاز پیدا می کنند.
- 6 - در خانه کسانی که بوسیله آنها به اشراف نزدیک شوند تا هدیه و جوانمردی و حاجتی برآورده شود.
- 7 - در خانه کسانی که امید می رود از تجربه و نظر آنان برای تقویت تصمیم گیری در زمان احتیاج استفاده شود.
- 8 - در خانه دوستانی که رابطه با آنها واجب و حقوق آنان لازم است.
- 9 - در خانه دشمنانی که غائله آنان آرام و حيله و کینه ورزی آنان با رفق و لطف

وَالْعَاشِرُ: أَبْوَابٌ مَنْ يُنْتَفَعُ بِغَشِيَانِهِمُ الْمُؤَدَّبِينَ الَّذِينَ يَسْتَفَادُ مِنْهُمْ حُسْنَ الْأَدَبِ، وَيُوَسِّسُ بِمُحَادَثَتِهِمْ. (1)

3876. وَعَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْعَقْلَ مِنْ نُورٍ مَكْنُونٍ مَخْزُونٍ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، فَجَعَلَ الْعِلْمَ نَفْسَهُ، وَالْفَهْمَ رُوحَهُ، وَالرَّافَةَ قَلْبَهُ، وَالرَّحْمَةَ ذَهَنَهُ، وَالزُّهْدَ رَأْسَهُ، وَالْحِلْمَ وَجْهَهُ، وَالْحَيَاءَ عَيْنَيْهِ، وَالْحِكْمَةَ لِسَانَهُ، وَالْخَيْرَ سَمْعَهُ، وَالْغَيْرَةَ بَصَرَهُ.

ثُمَّ قَوَاهُ بَعْشَرُهُ أَشْيَاءٌ: الْخَوْفِ، وَالرَّجَاءِ، وَالْإِيمَانِ، وَالْيَقِينِ، وَالصَّدْقِ، وَالسَّكِينَةِ، وَالْفَتْوَى، وَالْقُنُوعِ، وَالرِّضَى، وَالسَّلِيمِ. (2)

3877. وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَشْرَةٌ يَفْتَنُونَ أَنْفُسَهُمْ وَغَيْرَهُمْ: ذُو الْعِلْمِ الْقَلِيلِ يَتَكَلَّفُ أَنْ يُعَلِّمَ النَّاسَ كَثِيرًا، وَالرَّجُلُ الْحَكِيمُ ذُو الْعِلْمِ الْكَثِيرِ لَيْسَ بِذِي فِطْنَةٍ (3)، وَالَّذِي يَطْلُبُ مَا لَا يَدْرِكُ وَلَا يَنْبَغِي لَهُ، وَالكَادُّ عِنْدَ الْمُتَيْدِ (4)، [وَالْمُتَيْدُ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مَعَ تَوَدُّتِهِ عِلْمٌ، وَعَالِمٌ لَيْسَ مُؤَيَّدًا لِلصَّلَاحِ، وَمُرِيدٌ لِلصَّلَاحِ (5) لَيْسَ بِعَالِمٍ، وَعَالِمٌ يُحِبُّ الدُّنْيَا، وَالرَّحِيمُ بِالنَّاسِ يَبْخُلُ بِمَا عِنْدَهُ، وَطَالِبُ الْعِلْمِ يُجَادِلُ فِيهِ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ فَإِذَا عَلِمَهُ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ. (6)]

3878. رُوِيَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّحْبَةِ وَالنَّاسُ مُتْرَاكِمُونَ (7)؛ فَمِنْ بَيْنِ مُسْتَقْتٍ وَمِنْ بَيْنِ مُسْتَعَدٍ، إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، فَنَظَرَ إِلَيْهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِعَيْنَيْهِ هَاتِيكَ الْعَظِيمَتَيْنِ ثُمَّ قَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: أَنَا رَجُلٌ مِنْ رَعِيَّتِكَ وَأَهْلِ بِلَادِكَ، فَقَالَ: مَا أَنْتَ مِنْ رَعِيَّتِي وَلَا مِنْ أَهْلِ بِلَادِي وَلَوْ سَلَّمْتَ عَلَيَّ يَوْمًا وَاحِدًا مَا خَفَيْتَ عَلَيَّ، فَقَالَ: الْأَمَانُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ أَحْدَثْتَ فِي مِصْرِي هَذَا حَدَثًا مُنْذُ دَخَلْتَهُ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَعَلَّكَ (8) مِنْ رِجَالِ أَهْلِ الْحَرْبِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: إِذَا وَصَعْتَ الْحَرْبُ

ص: 442

1- . الخصال، ص 426، ح 3.

2- . الخصال، ص 427، ح 4.

3- . أى ليس له فهم حال المجتمع وعرافان بزمانه وإدراك لسياسته.

4- . أى المتعب نفسه من غير تثبت وتدبير.

5- . فى الخصال: «وعالم غير مرید للصلاح».

6- . الخصال، ص 437، ح 25.

7- . أى مجتمعون بعضهم على بعض، وهو كناية عن كثرة الاجتماع وازدحام الناس.

8- . أى فلعلك.



10 - در خانه کسانی که از ادب نیکو و گفتار خوب آنان بهره برداری شود.

3876. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: خداوند متعال عقل را از نور پنهان در خزانه علم خود که هیچ ملک مقرّبی از آن خبر نداشت آفرید. و خود عقل را علم، و روح آن را فهم، و قلب آن را مهربانی، و ذهن آن را رحمت، و سر آن را زهد، و چهره آن را بردباری، و دو چشم آن را حیا، و زبان آن را حکمت، و گوش آن را خیر، و بینایی آن را غیرت قرار داد.

سپس آن را با ده چیز تقویت کرد: ترس و امید و ایمان و یقین و صداقت و آرامش و جوانمردی و قناعت و رضا و تسلیم.

3877. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ده نفر خودشان و دیگران را گرفتار می کنند:

کسی که اندکی علم دارد و می خواهد به مردم زیاد بیاموزد. انسان حکیم دانا که زیرک نیست. کسی که آنچه را درک نمی کند، و شایسته او نیست طلب کند. پر تلاشی که دانش آن کار را ندارد. عالمی که مصلحت را نمی شناسد. مریدی که مصلحت می خواهد ولی علم ندارد. عالمی که دنیا دوست باشد. کسی که به مردم مهربان ولی بخیل باشد [و از نزد خود چیزی ندهد]. دانش جویی که با عالم تر از خودش مجادله کند. و وقتی که به او یاد داد قبول نکند.

3878. امام باقر علیه السلام فرمودند: روزی مردم اطراف امیرالمؤمنین علیه السلام جمع بودند و سؤال می پرسیدند مردی برخاست و گفت: السلام علیک یا امیرالمؤمنین و رحمه الله و برکاته.

امیرالمؤمنین علیه السلام به او نگاه کردند و فرمودند: و علیک السلام و رحمه الله و برکاته. تو کیستی؟ گفت: من مردی از رعیت و اهل مملکت شما هستم.

حضرت فرمودند: تو رعیت و اهل مملکت من نیستی. اگر روزی به من سلام کرده بودی تو را به یاد می آوردم. گفت: یا امیرالمؤمنین به من امان دهید.

حضرت فرمود: آیا از وقتی که به سرزمین من آمدی مرتکب کاری شده ای؟ گفت: نه.

حضرت فرمود: شاید از جنگجویان میدان نبرد هستی؟ گفت: آری.

أوزارها فلا بأس، قال: أنا رجلٌ بعثني إليك معاويةً مُتَغَفِّلاً لَكَ (1) أسألك عن شيءٍ بعثت فيه ابنُ الأصغرِ (2)، وقال له: إن كنتَ أحقَّ بهذا الأمرِ والخليفةَ بعدَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله فأجبنى عما أسألك؛ فإنَّكَ إذ [ ] فَعَلْتَ ذَلِكَ اتَّبَعْتُكَ وَبَعَثْتُ إِلَيْكَ الْجَائِزَةَ، فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ جَوَابٌ وَقَدْ أَقْلَقَهُ ذَلِكَ، فَبَعَثَنِي إِلَيْكَ لِأَسْأَلَكَ عَنْهَا. (3)

3879. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَاتَلَ اللَّهُ ابْنَ آكِلِهِ الْأَكْبَادِ! مَا أَضَلَّهُ وَأَعْمَاهُ وَمَنْ مَعَهُ! وَاللَّهِ لَقَدْ أَعْتَقَ جَارِيَةً فَمَا أَحْسَنَ أَنْ يَتَزَوَّجَ بِهَا، حَكَمَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ هَذِهِ الْأُمَّةِ! قَطَّعُوا رَحِمِي، وَأَضَاعُوا (4) أَيَّامِي، وَدَفَعُوا حَقِّي، وَصَعَّرُوا عَظِيمَ مَنْزِلَتِي، وَأَجْمَعُوا عَلَيَّ جَمِيعَ (5) مُنَارَعَتِي. عَلَيَّ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدٍ.

فَأَحْضِرُوا، فَقَالَ: يَا شَامِيٌّ، هَذَا ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَهَذَا ابْنِي، فَسَلْ أَيُّهُمَا أَحَبَّبْتَ، فَقَالَ: اسأَلْ هَذَا ذَا الْوَفْرِ (6) - يَعْنِي الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ، وَكَانَ صَبِيًّا - فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَلْنِي عَمَّا بَدَأَ لَكَ.

فَقَالَ الشَّامِيُّ: كَمْ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ؟ وَكَمْ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؟ وَكَمْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ؟ وَمَا قَوْسُ قَزَحٍ؟ وَمَا الْعَيْنُ الَّتِي تَأْوِي إِلَيْهَا أَرْوَاحُ الْمُشْرِكِينَ؟ وَمَا الْعَيْنُ الَّتِي تَأْوِي إِلَيْهَا أَرْوَاحُ الْمُؤْمِنِينَ؟ وَمَا الْمُؤْتَتْ؟ وَمَا عَشْرَةُ أَشْيَاءَ بَعْضُهَا أَشَدُّ مِنْ بَعْضٍ؟

فَقَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ أَرْبَعُ أَصَابِعٍ؛ فَمَا رَأَيْتَهُ بِعَيْنِكَ فَهُوَ الْحَقُّ، وَمَا سَمِعْتَهُ بِأُذُنِكَ بَاطِلٌ كَثِيرًا (7). قَالَ الشَّامِيُّ: صَدَقْتَ.

قَالَ: وَبَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ وَمَدُّ الْبَصَرِ، فَمَنْ قَالَ لَكَ غَيْرَ هَذَا فَكَذَّبَهُ. قَالَ:

صَدَقْتَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ.

قَالَ: وَبَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ مَسِيرَةُ يَوْمٍ لِلشَّمْسِ تَنْظُرُ إِلَيْهَا حِينَ تَغِيبُ مِنْ مَغْرِبِهَا. قَالَ الشَّامِيُّ:

ص: 444

1- . تغفله: تحيين غفلته وتعمدها أى يريد معاوية أن يستفيد من غفلتك.

2- . أى ملك الروم.

3- . الخصال، ص 440، ح 33.

4- . أى أعماله العظيمة فى الأيام المشهوره كبدر وأحد وخيبر، يقال: أيام العرب؛ أى وقائعها، وأيام الله أى الآنات التى أفاض الله فيها على عباده أو نصر أنبياءه.

5- . الظاهر زياده كلمه «جميع» هنا، ولا توجد فى الخصال والبحار.

6- . الوفرة: شعر الرأس إذا وصل إلى شحمه الأذن (النهايه: 210/5).

7- . فى عبارته سقط، والصحيح: «وقد تسمع به بأذنيك باطلا- كثيرا» كما فى تحف العقول، ونقلنا هذه الروايه عن التحف ص 228 والخرائج للراوندى وروضه الواعظين ص 41 والاحتجاج للطبرسى والخصال للصدوق (ره) والعيون فى كتابنا.

حضرت فرمودند: وقتی جنگ تمام شد دیگر مهم نیست.

گفت: من مردی هستم که معاویه مرا مخفیانه فرستاده تا از شما سؤالی بپرسم که پادشاه روم از معاویه پرسیده و گفته است: اگر تو جانشین حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستی جواب بده. و اگر جواب دهی من هم مسلمان می شوم. و برای تو هدیه می فرستم. و معاویه نتوانسته است جواب بدهد. فرستاده پادشاه روم را حبس کرده تا من از شما جواب بگیرم.

3879. امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب فرمودند: خدا معاویه فرزند آن زن جگر خوار را بکشد. و چه گمراه و نادان هستند او و همراهانش. بخدا قسم کنیزی را آزاد کرد و بلد نبود با او ازدواج کند. خداوند بین من و این امت حکم کند. که رحم من را قطع کردند [رعایت خویشاوندی من با پیامبر را نکردند]. و دوران مرا ضایع و حق مرا غصب و جایگاه عظیم مرا تحقیر کردند. و توافق کردند بر کنار گذاشتن من.

فرمود: حسن و حسین و محمد بیاید. آنها حاضر شدند. آنگاه فرمود: ای مرد شامی این دو فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و این [محمد] پسر من است. از هر کدام که می خواهی سؤال کن. [اشاره به حسن علیه السلام کردند] و فرمودند از او بپرس. حسن علیه السلام آن زمان نوجوان بود. حسن علیه السلام گفت: هر چه می خواهی از من بپرس. مرد شامی گفت: فاصله میان حق و باطل چقدر است؟ فاصله بین زمین و آسمان چقدر است؟ فاصله میان مشرق و مغرب چقدر است؟ قوس قزح چیست؟ کدام چشمه است که روح مشرکین بسوی آن می رود؟ و روح مؤمنین بسوی کدام چشمه می رود؟ مؤنث چیست؟ ده چیزی که بعضی شدیدتر از بعضی دیگرند کدام است؟

حضرت حسن علیه السلام فرمودند: بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است. آنچه با چشم خود دیدی حق و آنچه با گوش شنیدی باطل است. شامی گفت: راست گفتی.

حضرت فرمود: بین زمین و آسمان به اندازه دعای مظلوم و امتداد دید فاصله است. و هر کس غیر از این به تو گوید دروغ گفته است. مرد شامی گفت: راست گفتی ای پسر رسول خدا.

حضرت فرمود: بین مشرق و مغرب به اندازه حرکت یک روز خورشید است. از زمانی

صَدَقَتْ. فَمَا قَوْسُ قَزَحٍ؟ قَالَ: وَيَحَاكَ! لَا تَقُلْ: قَوْسُ قَزَحٍ؛ فَإِنَّ قَزَحَ اسْمُ شَيْطَانٍ، هُوَ قَوْسُ اللَّهِ، وَعَلَامَةُ الْخِصْبِ، وَأَمَانَ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْغَرَقِ.

وَأَمَّا الْعَيْنُ الَّتِي تَأْوِي إِلَيْهَا أَرْوَاحُ الْمُشْرِكِينَ فَهِيَ عَيْنٌ يُقَالُ لَهَا: بَرَهَوْتُ، وَأَمَّا الْعَيْنُ الَّتِي تَأْوِي إِلَيْهَا أَرْوَاحُ الْمُؤْمِنِينَ فَهِيَ عَيْنٌ يُقَالُ لَهَا: سَلِمَى.

وَأَمَّا الْمُؤَنَّثَ فَهُوَ الَّذِي لَا يَدْرِي أَذَكَرٌ هُوَ أَمْ اُنْثَى، فَإِنَّهُ يُنْتَظَرُ بِهِ، فَإِنْ كَانَ ذَكَرًا احْتَلَمَ، وَإِنْ كَانَ اُنْثَى حَاضَتْ وَبَدَأَ تَدْيُهَا، وَإِلَّا قِيلَ لَهُ: بُلْ عَلَى الْحَائِطِ؛ فَإِنْ أَصَابَ بَوْلُهُ الْحَائِطَ فَهُوَ ذَكَرٌ، وَإِنْ انْتَكَصَ (1) بَوْلُهُ كَمَا يَنْتَكِصُ بَوْلُ الْبَعِيرِ فَهِيَ امْرَأَةٌ.

وَأَمَّا عَشْرَةٌ بَعْضُهَا أَشَدُّ مِنْ بَعْضٍ فَأَشَدُّ شَيْءٍ خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْحَجَرُ، وَأَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ الْحَدِيدُ الَّذِي يَقْطَعُ بِهِ الْحَجَرُ، وَأَشَدُّ مِنَ الْحَدِيدِ النَّارُ تَدْيِبُ الْحَدِيدَ، وَأَشَدُّ مِنَ النَّارِ الْمَاءُ يُطْفِئُ النَّارَ، وَأَشَدُّ مِنَ الْمَاءِ السَّحَابُ يَحْمِلُ الْمَاءَ، وَأَشَدُّ مِنَ السَّحَابِ الرِّيحُ يَحْمِلُ السَّحَابَ، وَأَشَدُّ مِنَ الرِّيحِ الْمَلِكُ الَّذِي يُرْسِلُهَا، وَأَشَدُّ مِنَ الْمَلِكِ مَلِكُ الْمَوْتِ الَّذِي يُمِيتُ الْمَلِكَ، وَأَشَدُّ مِنَ مَلِكِ الْمَوْتِ الْمَوْتُ، وَأَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ أَمْرُ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

فَقَالَ الشَّامِيُّ: صَدَقْتَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ، وَأَنَّ عَلِيًّا أَوْلَى بِالْأَمْرِ مِنْ مُعَاوِيَةَ.

ثُمَّ كَتَبَ هَذِهِ الْجَوَابَاتِ وَذَهَبَ بِهَا إِلَى مُعَاوِيَةَ، فَبَعَثَهَا مُعَاوِيَةَ إِلَى ابْنِ الْأَصْفَرِ، فَكَتَبَ إِلَيْهِ ابْنُ الْأَصْفَرِ: يَا مُعَاوِيَةُ! لِمَ تَكَلَّمْتَنِي بِغَيْرِ كَلَامِكَ، وَتُجِيبُنِي بِغَيْرِ جَوَابِكَ؟! اِقْسِمُ بِالْمَسِيحِ، مَا هَذَا جَوَابُكَ وَمَا هُوَ إِلَّا مِنْ مَعْدِنِ التُّبُوهُ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، وَأَمَّا أَنْتَ فَلَوْ سَدَّ أَلْتَنِي دِرْهَمًا مَا أُعْطَيْتَكَ. (2)

3880. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِلْمُ خَيْرٌ مِيرَاثٍ، وَالْعَقْلُ خَيْرٌ مَوْهَبٍ، وَالْأَدَبُ خَيْرٌ حِرْفَةٍ، وَالتَّقْوَى خَيْرٌ زَادٍ، وَالْعِبَادَةُ أَرْبَحُ بِضَاعَةٍ، وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ خَيْرٌ قَائِدٍ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ خَيْرٌ قَرِينٍ، وَالْحِلْمُ خَيْرٌ وَزِيرٍ، وَالْقَنَاعَةُ أَفْضَلُ غِنَى، وَالتَّوْفِيقُ خَيْرٌ عَوْنٍ.

ص: 446

1- . نكص على عقبيه: أى رجع (الصحاح: 1060/3).

2- . الخصال، ص 440، ح 33.

که غروب می کند. مرد شامی گفت: راست گفتمی. قوس قزح چیست؟

حضرت فرمود: وای بر تو. نگو: قوس قزح. چون قزح اسم شیطان است. قوس الله صحیح است که علامت فراوانی و حاصل خیزی و ایمنی اهل زمین از غرق شدن است.

اما چشمه ای که روح مشرکین جای می گیرد چاهی است که برهوت نام دارد. و چشمه ای که ارواح مؤمنین در آنجا مأمو می گیرند سلمی نام دارد.

مؤنث کسی است که نمی داند مرد است یا زن. پس صبر می کنند تا بالغ شود. اگر محتلم شد مرد است. و اگر زن باشد حیض می شود و دو پستان او ظاهر می شود. و اگر چنین نشد به او می گویند: به طرف دیوار ادرار کن، اگر ادرار او بطرف دیوار پاشیده شد مرد است. و اگر بطرف پائین ریخت زن است.

اما ده چیزی که بعضی از بعض دیگر شدیدتر است: سخت ترین چیزی است که خدا آن را آفرید سنگ است. از سنگ سخت تر آهن است که با آن سنگ را می برند. و از آهن سخت تر آتش است که آهن را ذوب می کند. از آتش سخت تر آب است که آن را خاموش می کند. از آب سخت تر ابر است که آب را حمل می کند. از ابر سخت تر باد است که آن را جابجا می کند. از باد سخت تر فرشته ای است که باد را می فرستد. و از آن فرشته سخت تر، فرشته مرگ است که آن فرشته را می میراند. و از فرشته مرگ سخت تر، مرگ است. و از مرگ سخت تر امر خداوند است.

مرد شامی گفت: راست گفتمی شهادت می دهم که تو پسر رسول خدا هستی. و علی برای ولایت شایسته تر از معاویه است.

سپس این جوابها را نوشت و برای معاویه برد. معاویه آن را برای پادشاه روم فرستاد.

پادشاه روم به معاویه نامه نوشت: ای معاویه گفتار کسی غیر از خودت را برایم فرستادی و جوابها از تو نیست. به مسیح قسم می خورم که این جوابها از تو نیست. بلکه از معدن نبوت و رسالت است. اینک اگر تو از من حتی یک درهم هم بخواهی نمی دهم.

3880. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: علم بهترین میراث است. عقل بهترین موهبت است. ادب بهترین حرفه است. تقوا بهترین توشه است. عبادت سودمندترین سرمایه است. عمل صالح بهترین پیشواست. اخلاق خوش بهترین همراه است. بردباری بهترین وزیر است. قناعت برتر از ثروت است. توفیق بهترین یاور است.

3881. وَيُرْوَى عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يُنْشِدُ هَذِهِ الْآيَاتِ:

إِنَّ الْمَكَارِمَ أَخْلَاقٌ مُطَهَّرَةٌ فَالْعَقْلُ أَوَّلُهَا وَالذِّينُ ثَانِيهَا

وَالْعِلْمُ ثَالِثُهَا وَالْحِلْمُ رَابِعُهَا وَالْجُودُ خَامِسُهَا وَالْعُرْفُ (1) سَادِسُهَا

وَالْبِرُّ سَابِعُهَا وَالصَّبْرُ ثَامِنُهَا وَالشُّكْرُ تَاسِعُهَا وَاللَّيْنُ عَشْرِيهَا

وَالْعَيْنُ تَعْلَمُ مِنْ عَيْنِي مُحَدِّثُهَا إِنْ كَانَ مِنْ حِزْبِهَا أَوْ مِنْ أَعَادِيهَا

وَالنَّفْسُ تَعْلَمُ أَنِّي لَا اصْدُقُّهَا وَلَسْتُ أَرْشُدُ إِلَّا حِينَ أَعْصِيهَا (2)

3882. عَشْرَةُ أَشْيَاءٍ مِنْ عِلَامَاتِ السَّاعَةِ: طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَالذَّجَالُ، وَدَابَّةُ الْأَرْضِ، وَثَلَاثَةُ خُسُوفٍ: خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ، وَخَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ، وَخَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ، وَخُرُوجُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَخُرُوجُ الْمَهْدِيِّ مِنْ وُلْدِي، وَخُرُوجُ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ؛ وَيَكُونُ ذَلِكَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، وَخُرُوجُ نَارٍ مِنَ الْيَمَنِ مِنْ قَعْرِ الْأَرْضِ لَا تَدَعُ خَلْفَهَا أَحَدًا، تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ. (3)

3883. عَشْرَةُ خِصَالٍ مِنَ الْمَكَارِمِ: صِدْقُ النَّاسِ، وَصِدْقُ اللِّسَانِ، وَتَرْكُ الكَذِبِ، وَأداءُ الأمانَةِ، وَصِدْقُ الرَّحِمِ، وَإِقْرَاءُ الصَّيْفِ، وَإِطْعَامُ السَّائِلِ، وَالْمُكَافَأَةُ عَلَى الصَّنَائِعِ، وَالذَّمُّ (4) لِلْمُصَاحِبِ، وَرَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ. (5)

3884. عَشْرَةُ خِصَالٍ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ بِهِنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ، وَإِقَامُ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ، وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَالْحَجُّ إِلَى بَيْتِهِ الْحَرَامِ، وَالْوَلَايَةُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ، وَالْبِرَاءَةُ مِنَ أَعْدَاءِ اللَّهِ، وَاجْتِنَابُ كُلِّ مُنْكَرٍ. (6)

3885. مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ عَشْرُ خِصَالٍ: السَّخَاءُ، وَالْحَيَاءُ، وَالصِّدْقُ، وَأداءُ الأمانَةِ، وَالتَّوَاضُّعُ، وَالغَيْرَةُ، وَالشُّجَاعَةُ، وَالْحِلْمُ، وَالصَّبْرُ، وَالشُّكْرُ. (7)

ص: 448

1- . العرف - بالضم - : المعروف والجود. واسم لكل ما تبذله وتعطيه.

2- . ديوان الإمام علي، ص 479.

3- . الخصال، ص 431، ح 13 عن النبي صلى الله عليه وآله.

4- . الذم: العهد والأمان والضمان، والجمع: ذمم (أقرب الموارد: ذمم).

5- . الخصال، ص 431، ح 11 عن أبي عبد الله عليه السلام.

6- . الخصال، ص 432، ح 15، عن أبي جعفر عليه السلام.

7- . شرح نهج البلاغة، ج 20، ص 275، ح 177.

3881. گویند: امیرالمؤمنین علیه السلام گاهی اشعاری را قرائت می کردند که معنای آن این است: عالی ترین خوی انسان، اخلاق پاک است که اولش عقل و دومش دین و علم سومین آن و بردباری چهارم است. سخاوت پنجم و نیکی ششمین آن است. احسان هفتم و صبر هشتم، شکر نهم و نرمخویی دهم است.

چاه از چشم من می آموزد. اگر از حزب اخلاق باشد یا از دشمنان آن.

هوای نفس می داند که من او را تصدیق نمی کنم. و ارشاد نمی شوم مگر زمان مخالفت با آن.

3882. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ده چیز علامت ساعه [قیامت] است.

طلوع خورشید از مغرب. و دجال و جنبنده زمین. و سه فرورفتن زمین در مشرق و مغرب و جزیره العرب. و خروج حضرت عیسی علیه السلام و قیام حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان من و قیام یاجوج و ماجوج و اینها در آخرالزمان اتفاق می افتد. و خارج شدن آتش از دل زمین در یمن که مردم را بسوی محشر سوق می دهد.

3883. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ده خصلت از مکارم اخلاق است:

صداقت مردم و راستگویی زبان و ترک دروغ و پس دادن امانت و صله رحم و پذیرایی از مهمان و غذا دادن به فقیر و پاداش متقابل به نیکوکاران و خدمت کردن به همراهان و اساسی تر از همه حیاء است.

3884. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ده خصلت است که هر کس خدا را با آنها ملاقات کند وارد بهشت شود: شهادت لا اله الا الله و محمداً رسول الله و اقرار به آنچه رسول الله صلی الله علیه و آله از طرف خداوند متعال آورده است. و اقامه نماز و پرداخت زکات و روزه رمضان و حج و ولایت اولیاء خدا [ائمه معصومین علیهم السلام] و برائت از دشمنان خدا و دوری کردن از هر کار زشتی.

3885. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: مکارم اخلاق ده خصلت است: سخاوت و حیاء و صداقت و دادن امانت و فروتنی و غیرت و شجاعت و بردباری و صبر و شکر.

3886. رُوِيَ عَنْ زُرَّازَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الصَّلَاةَ، وَسَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى عَشْرَةِ أَوْجُهٍ: صَلَاةَ الْحَضَرِّ، وَصَلَاةَ السَّفَرِ، وَصَلَاةَ الْخَوْفِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ، وَصَلَاةَ الْكُسُوفِ لِلشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، وَصَلَاةَ الْعِيدَيْنِ، وَصَلَاةَ الْإِسْتِسْقَاءِ، وَالصَّلَاةَ عَلَى الْمَيِّتِ.

أقول: لَعَلَّه عَدَّ الْكُسُوفَيْنِ أَوْ الْعِيدَيْنِ صَلَاتَيْنِ. (1)

3887. فِي الشَّيْعَةِ عَشْرُ خِصَالٍ: عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَا الْمِقْدَامِ، إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامِ الشَّاحِبُونَ (2) النَّاحِلُونَ الدَّابِلُونَ، ذَابِلَةٌ شَيْفَاهُهُمْ، خَمِيصَةٌ بَطُونُهُمْ (3)، مُتَغَيِّرَةٌ أَلْوَانُهُمْ، مُصَفَّرَةٌ وَجُوهُهُمْ، إِذَا جَنَّهُمُ اللَّيْلُ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ فِرَاشًا، وَاسْتَقْبَلُوا الْأَرْضَ بِجِبَاهِهِمْ، كَثِيرٌ سَجُودُهُمْ، كَثِيرَةٌ دُمُوعُهُمْ، كَثِيرَةٌ دَعَاؤُهُمْ، كَثِيرَةٌ بُكَاءُهُمْ (4)، يَفْرَحُ النَّاسُ وَهُمْ مَحْزُونُونَ. (5)

3888. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَعَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْخَمْرِ عَشْرَةَ: غَارِسَتِهَا، وَحَارِسَتِهَا، وَعَاصِرَتِهَا، وَشَارِبَتِهَا، وَسَاقِيَتِهَا، وَحَامِلَتِهَا، وَالْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ، وَبَائِعَتِهَا، وَمُشْتَرِيَتِهَا، وَآكَلَتِ ثَمَنَهَا. (6)

ص: 450

- 1- . الكافي، ج 3، ص 272، ح 3.
- 2- . الشاحبون - بالشين المعجمه -: جمع الشاحب؛ أي متغير اللون من سفر أو جوع أو مرض أو نحوها.
- 3- . هذه أوصاف شيعة علي عليه السلام الحاكية عن كثرة إيمانهم وشوقهم إلى لقاء الله، إذ المراد تغير ألوانهم من الصيام والقيام والسهرة، وكذا هزالهم من كثرة الجوع لله وخوفهم منه ومن العقبات التي أمامهم وذلك أذهب نضارتهم وأخمس بطونهم.
- 4- . في البحار (ج 68 ص 186 ح 2) والوسائل (ج 6 ص 90 ح 7699): كثير دعاؤهم، كثير بكاءهم....
- 5- . الخصال، ص 444، ح 40.
- 6- . الخصال، ص 445، ح 41.



## فصل پنجم: احادیثی از امام باقر علیه السلام

3886. امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند عز و جل نماز را واجب فرمود. و پیامبر صلی الله علیه و آله نماز را به ده صورت تشریح کرد: نماز در وطن و نماز مسافر و نماز خوف که سه صورت است و نماز آیات [خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی] و نماز عید فطر و قربان و نماز باران و نماز بر میت.

3887. شیعه ده خصلت دارد:

امام باقر علیه السلام به ابو مقدم فرمودند: ای ابا مقدم، شیعیان علی علیه السلام جسم لاغر ضعیف رنجور دارند، شکمهای فرورفته و رنگ پریده و صورتشان زرد شده است. وقتی شب فرا رسد بستر آنان زمین است. و پیشانی را روی زمین می گذارند. و سجده های آنان طولانی و اشک آنان بسیار و دعایشان فراوان و گریه آنان زیاد است. وقتی مردم شادی می کنند آنان غمگین هستند.

3888. امام باقر علیه السلام فرمودند: در مورد شراب خداوند ده گروه را لعنت فرمود: کسی که درخت کاشت و کسی که درخت را پرورش داد و کسی که شراب ساخت و کسی که نوشید و ساقی شراب و حمل کننده و انبار دار و فروشنده و خریدار و مصرف کننده بهای شراب.

ص: 451

3889. بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى عَشْرَةِ أَهْمٍ: عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛ وَهِيَ الْمِلَّةُ، وَالصَّلَاةُ؛ وَهِيَ الْفَرِيضَةُ فِي اللَّيْلِ وَالْيَوْمِ، وَالصَّوْمُ؛ وَهِيَ الْجُنَّةُ، وَالزَّكَاةُ؛ وَهِيَ الطُّهْرَةُ، وَالْحَجُّ؛ وَهِيَ الشَّرِيعَةُ، وَالْجِهَادُ؛ وَهُوَ الْعِزُّ، وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ؛ وَهُوَ الْوَفَاءُ، وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ وَهُوَ الْحُجَّةُ، وَالْجَمَاعَةُ؛ وَهِيَ الْأَلْفَةُ، وَالْعِصْمَةُ؛ وَهِيَ الطَّاعَةُ. (1)

3890. وَعَنْ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: عَشْرَةٌ مِنْ لِقَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِهِنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِقَامُ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ، وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَحُجُّ الْبَيْتِ، وَالْوَلَايَةُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ، وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ، وَاجْتِنَابُ كُلِّ مُنْكَرٍ.

الْأَزْلَامُ الَّتِي كَانَتْ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يَسْتَقْسِمُونَ بِهَا عَشْرَةَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ»، قَالَ: كَانُوا يَعْمَدُونَ إِلَى الْجَزْرِ (2) فَيَجْزُونَهُ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ (وَفِي بَعْضِ الرِّوَايَاتِ: ثَمَانِيَّةً وَعِشْرِينَ جُزْءًا) ثُمَّ يَجْتَمِعُونَ عَلَيْهِ فَيَخْرِجُونَ السَّهْمَ فَيَدْفَعُونَهَا إِلَى رَجُلٍ؛ وَهِيَ عَشْرَةٌ؛ سَبْعَةٌ لَهَا أَنْصِبَاءٌ (3) وَثَلَاثَةٌ لَا أَنْصِبَاءَ لَهَا؛ فَالَّتِي لَهَا أَنْصِبَاءٌ: الْفَدُّ وَالتَّوَامُ وَالْمُسْبِلُ وَالتَّنَافِسُ وَالْحَلِيسُ وَالرَّقِيبُ وَالْمُعَلَّى؛ فَالْفَدُّ لَهُ سَهْمٌ، وَالتَّوَامُ لَهُ سَهْمَانِ، وَالْمُسْبِلُ لَهُ ثَلَاثَةٌ أَسْهُمٍ، وَالتَّنَافِسُ لَهُ أَرْبَعَةٌ أَسْهُمٍ، وَالْحَلِيسُ لَهُ خَمْسَةٌ أَسْهُمٍ، وَالرَّقِيبُ لَهُ سِتَّةٌ أَسْهُمٍ، وَالْمُعَلَّى لَهُ سَبْعَةٌ أَسْهُمٍ، وَالَّتِي لَا أَنْصِبَاءَ لَهَا السَّفِيحُ وَالْمَسِيحُ وَالْوَعْدُ. وَثَمَنُ الْجَزْرِ عَلَى مَنْ لَمْ يَخْرُجْ لَهُ مِنَ الْأَنْصِبِ بَاءٌ شَيْءٌ، وَهُوَ الْقِمَارُ، فَحَرَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى. (4)

ص: 452

- 1- . الخصال، ص 447، ح 47.
- 2- . الجزر: النحر والذبح، والجزور: ما يجرز من النوق أو الغنم، ولكن يطلق على البعير كما صرح به الجزري، أو خاصاً بالناقة كما احتمله في القاموس.
- 3- . الأنصباء: جمع النصيب؛ وهو الحظ والسهم.
- 4- . الخصال، ص 433، ح 16.

3889. امام باقر علیه السلام فرمودند: اسلام بر ده چیز بنا شده است:

شهادت لا اله الا الله و محمداً رسول الله که ملت اسلام نامیده می شود. و نماز که در شبانه روز واجب است. و روزه که سپر آتش است. و زکات که پاک کننده اموال است. و حج که شریعت است. و جهاد که عزت است. و امر به معروف که وفاء است. و نهی از منکر که حجت است. و جماعت که الفت است. و عصمت که اطاعت است.

3890. امام باقر علیه السلام فرمودند: ده خصلت است که هر کس خدا را با آنها ملاقات کند وارد بهشت شود: شهادت لا اله الا الله و محمد رسول الله و اقرار به آنچه او از طرف خدای متعال آورده است. و اقامه نماز و پرداخت زکات و روزه رمضان و حج و ولایت اولیاء خدا و برائت از دشمنان خدا و پرهیز از هر عمل حرام.

ازلام [قمار] که قرآن می فرماید: ازلام را تقسیم می کردند و آن گناه است. و اهل جاهلیت مرتکب می شدند ده قسمت است. آنان شتری را می کشتند و آن را ده قسمت می کردند. [در بعضی روایات بیست و هشت قسمت آمده است.] آنگاه جمع می شدند و ده قرعه می انداختند که سه تای آن [پوچ بود و] سهمی نداشت. و هفت تای دیگر به این ترتیب سهم می بردند. یک قرعه فذ نام داشت و یک سهم می برد. یکی توأم دو سهم می برد.

یکی مسبل سه سهم می برد. و یکی نافس بود که چهار سهم. و یکی حلیس بود پنج سهم. و یکی رقیب بود که شش سهم. و یکی معلی که هفت سهم برنده می شود. آن سه قرعه که سهمی نداشتند سفیح و مسیح و وغذ نام داشتند. که باید قیمت شتر را می دادند. این قمار را خداوند متعال حرام فرمود.

3891. عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا يَطْمَعَنَّ ذُو الْكِبَرِ فِي الشَّاءِ الْحَسَنِ، وَلَا الْخَبْ (1) فِي كَثْرَةِ الصَّدِيقِ، وَلَا السَّيِّئِ الْأَدَبِ فِي الشَّرَفِ، وَلَا الْبَخِيلُ فِي صِدْقِ الرَّحِمِ، وَلَا الْمُسْتَهْزِئُ بِالنَّاسِ فِي صِدْقِ الْمَوَدَّةِ، وَلَا الْقَلِيلُ الْفِقْهِ فِي الْقَضَاءِ، وَلَا الْمُغْتَابُ فِي السَّلَامَةِ، وَلَا الْحَسُودُ فِي رَاحَةِ الْقَلْبِ، وَلَا الْمُعَاقِبُ عَلَى الذَّنْبِ الصَّغِيرِ فِي الشُّوَدَدِ، وَلَا الْقَلِيلُ التَّجْرِبَةِ الْمُعْجَبُ بِرَأْيِهِ فِي الرَّئِاسَةِ (2).

3892. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: عَشْرَةٌ مَوَاضِعَ لَا يُصَلِّي فِيهَا: الطَّيْنُ، وَالْمَاءُ، وَالْحَمَامُ، وَمَسَانُ الطَّرِيقِ (3)، وَقُرَى النَّمْلِ، وَمَعَاظِنُ الْإِبِلِ، وَمَجَارِي الْمَاءِ، وَالسَّبْحَةُ، وَالثَّلْجُ، وَوَادِي ضَجْنَانَ (4). (أَيِ الصَّلَاةِ مَكْرُوهَةٌ فِي هَذِهِ الْأَمْكَانَةِ) (5).

3893. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يُؤْكَلُ مِنَ الشَّاءِ عَشْرَةٌ أَشْيَاءَ: الْفَرْثُ، وَالذَّمُّ، وَالطَّحَالُ، وَالنُّخَاعُ، وَالْغُدُّ، وَالْقَضِيبُ، وَالْأَنْثِيَانِ [وَالْأَنْثِيَانِ!]، وَالرَّحِمُ، وَالْحَيَاءُ (6)، وَالْأَوْدَاجُ - أَوْ قَالَ: الْعُرُوقُ - (7).

3894. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَشْرَةٌ أَشْيَاءَ مِنَ الْمَيِّتَةِ ذِكِّيَّةٌ: الْعِظْمُ، وَالشَّعْرُ، وَالصُّوفُ، وَالرَّيْشُ، وَالْقَرْنُ،

ص: 454

1- . الْخَبْ - بفتح الخاء وتشديد الباء -: الْخَدَّاعُ؛ وهو الجربز الذي يسعى بين الناس بالفساد (النهاية: 3/2).

2- . الْخِصَالُ، ص 434، ح 20.

3- . قَالَ فِي الْمَغْرَبِ: سَنَّ الطَّرِيقَ: مَعْظَمُهُ وَوَسْطُهُ. وَفِي الْقَامُوسِ: سَنَّ الطَّرِيقَ: سَارَ فِيهَا كَأَسْتَسَنَّهَا. وَسَنَّ الطَّرِيقَ - مَثَلُهُ وَبِضْمَتَيْنِ -: نَهَجَهُ وَجَهْتَهُ. وَالْمَسَانُّ مِنَ الْإِبِلِ: الْكِبَارُ. انْتَهَى. وَلَعَلَّ الْمُرَادَ هُنَا الطَّرِيقَ الْمَسْلُوكَةَ أَوْ الْعِظِيمَةَ (بحار الأنوار: 308/80).

4- . ضَجْنَانَ: جُبَيْلُ بِنَاحِيَةِ مَكَّةَ. قَالَ الْأَزْهَرِيُّ: أَمَّا ضَجْنَانُ فَلَمْ أَسْمَعْ فِيهِ شَيْئاً غَيْرَ جَبَلِ بِنَاحِيَةِ تَهَامِهِ يُقَالُ لَهُ: ضَجْنَانَ (لسان العرب: 253/13).

5- . الْخِصَالُ، ص 434، ح 21.

6- . الْحَيَاءُ - بِالْمَدِّ -: الْفَرْجُ مِنْ ذَوَاتِ الْخَفِّ وَالظَّلْفِ كَمَا قَالَ الْجَزْرِيُّ وَالْفَيْرُوزِآبَادِيُّ.

7- . الْخِصَالُ، ص 433، ح 18.

3891. امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: متکبر طمع ستایش، و حيله گر طمع دوست زياد، و بی ادب طمع شرف، و بخيل طمع صله رحم نداشته باشند. و کسی که مردم را مسخره می کند طمع دوست داشتن واقعی، و بی سواد طمع قضاوت، و غیبت کننده طمع سلامتی، و حسود طمع آرامش قلبی، و خرده گیر طمع بزرگی، و بی تجربه خود رأی طمع ریاست نداشته باشند.

3892. امام صادق علیه السلام فرمودند: در ده مکان نماز خوانده نشود: [نماز خواندن در این مکانها مکروه است.] در زمین گِل و در آب و حمام و وسط راه و لانه مورچه و آبشخور شتر و در نهر و شوره زار و روی برف و وادی ضجنان نام کوهی در اطراف مکه.

3893. امام صادق علیه السلام فرمودند: از اجزای بدن گوسفند ده چیز را نباید خورد: سرگین و خون و طحال و نخاع و غدد و آلت نری و مادگی و تخم دان و بیچه دان و رگها.

3894. امام صادق علیه السلام فرمودند: ده جزء از مردار پاک است: استخوان و مو و پشم و پر و شاخ و سُم و

3895. رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: التُّشْرَةُ عَلَى عَشْرَةِ أَجْزَاءٍ: فِي الْمَشَى، وَالرُّكُوبِ، وَالْإِرْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ، وَالنَّظَرِ فِي الْخَضِرَةِ، وَالْأَكْلِ، وَالشُّرْبِ، وَالنَّظَرِ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ، وَالْجَمَاعِ، وَالسُّوَاكِ، وَمُحَادَثَةِ الرَّجَالِ (4).

3896. عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: جَاءَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَى أَنْتَ وَأُمِّي عِظْنِي مَوْعِظَةً، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ كَانَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قَدْ تَكَفَّلَ بِالرِّزْقِ فَاهْتِمَامَكَ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَ الرِّزْقُ مَقْسُومًا فَالْحِرْصُ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَ الْحِسَابُ حَقًّا فَالْجَمْعُ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَ الْخَلْفُ مِنَ اللَّهِ حَقًّا فَالْبُخْلُ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَتِ الْعُقُوبَةُ مِنَ اللَّهِ النَّارَ فَالْمَعْصِيَةُ بِهِ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَ الْمَوْتُ حَقًّا فَالْفَرَحُ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَ الْعَرَضُ عَلَى اللَّهِ حَقًّا فَالْمَكْرُ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَ الْمَمَرُّ عَلَى الصِّرَاطِ حَقًّا فَالْعُجْبُ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَ كُلُّ شَيْءٍ بَقْضَاءٍ وَقَدَرٍ فَالْحُزْنُ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَتِ الدُّنْيَا فَايِنَةً فَالطُّمَأْنِينَةُ إِلَيْهَا لِمَاذَا؟ (5)

3897. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَكَارِمُ عَشْرٌ: فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ فِيكَ فَلتَكُنْ فَإِنَّهَا تَكُونُ فِي الرَّجُلِ وَلَا تَكُونُ فِي وَلَدِهِ، وَتَكُونُ فِي وَلَدِهِ وَلَا تَكُونُ فِي أَبِيهِ، وَتَكُونُ فِي الْعَبْدِ وَلَا تَكُونُ فِي الْحُرِّ: صِدْقٌ مَعَ النَّاسِ (6)، وَصِدْقُ اللِّسَانِ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَصِدْقُ الرِّجْمِ، وَإِقْرَاءُ الضَّيْفِ، وَإِطْعَامُ السَّائِلِ، وَالْمُكَافَأَةُ عَلَى الصَّنَائِعِ (7)، وَالتَّدَمُّمُ لِلْجَارِ (8)، وَالتَّدَمُّمُ لِلصَّاحِبِ، وَرَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ (9).

3898. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - خَصَّ رَسُولَهُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، فَامْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ؛ وَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحِمَةٌ دُوا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي الزِّيَادَةِ مِنْهُ. فَذَكَرَهَا عَشْرَةَ: الْيَقِينُ، وَالْقَنَاعَةُ، وَالصَّبْرُ، وَالشُّكْرُ، وَالرِّضَى، وَحُسْنُ الْخُلُقِ، وَالسَّخَاءُ، وَالغَيْرَةُ، وَالشُّجَاعَةُ، وَالْمُرُوءَةُ (10).

ص: 456

- 1- . الحافر للدابة: بمنزله القدم للإنسان.
- 2- . الإنفحة - بكسر الهمزة، وقد تشدد الحاء وقد تكسر الفاء -: شىء يستخرج من بطن الجدى الرضيع، أصفر فيعصر في صوفه فيغلظ كالجين، فإذا أكل الجدى فهو كرش (القاموس المحيط: 253/1).
- 3- . الخصال، ص 434، ح 19.
- 4- . المحاسن، ج 1، ص 14.
- 5- . الخصال، ص 450، ح 55.
- 6- . وفي الخصال: صدق البأس بدل صدق مع الناس، والمراد من الأول الشجاعه، ومن الثاني هو الصدق في المعاشره معهم بأن لا يكون فيه نفاق وخديعه.
- 7- . الصنائع: جمع الصنيعه؛ الإحسان.
- 8- . هو أن يحفظ ذمامه، وي طرح عن نفسه ذم الناس له إن لم يحفظه. والذمام: الحق الحرمة التي يذم مضيعها (النهايه: 169/2).
- 9- . الخصال، ص 431، ح 11.
- 10- . الخصال، ص 431، ح 12.

تخم پرندگان و پنیر مایه و شیر و دندان.

3895. امام صادق علیه السلام فرمودند: نشاط و شادی ده جزء دارد: پیاده روی و سواری و شنا و دیدن سبزه و خوردن و آشامیدن و نگاه کردن به همسر زیبا و نزدیکی کردن و مسواک و گفتگو با مردان.

3896. مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: پدر و مادرم بفقایت مرا موعظه ای فرمائید:

حضرت فرمودند: اگر خداوند متعال متکفل روزی است پس غصه خوردن چرا؟ اگر روزی تقسیم شده است، حرص چرا؟ اگر حساب حق است جمع کردن مال چرا؟ اگر خدا عوض می دهد بخل چرا؟ اگر کیفر خدا آتش است گناه چرا؟ اگر مرگ حق است عیاشی چرا؟ اگر اعمال به خدا عرضه می شود نیرنگ چرا؟ اگر عبور از صراط حق است خود پسندی چرا؟ اگر هر چیز به قضا و قدر است اندوه چرا؟ اگر دنیا ناپایدار است اعتماد به آن برای چه؟

3897. امام صادق علیه السلام فرمودند: مکارم ده خصلت است. اگر توانایی داری آنان را در خود فراهم کن.

گاهی در پدر هست ولی در پسر نیست. و گاهی در پسر هست و در پدر نیست. گاهی در غلام هست و در ارباب نیست. صداقت با مردم، و راستگویی، و دادن امانت، و صله رحم، و پذیرایی از مهمان، و غذا دادن به فقیر، و پاداش دادن به نیکی، و مراعات حقوق همسایه، و دوست، و سرآمد همه حیاء است.

3898. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند تبارک و تعالی رسول خود را به اخلاق عالی ممتاز فرمود.

شما خود را بیازمایید اگر در وجود شما هست خدا را شکر کنید. و در اضافه شدن آن بکوشید، آن گاه آنها را ده تا شمرد: یقین و قناعت و صبر و شکر و خشنودی و خوش اخلاقی و سخاوت و غیرت و شجاعت و جوانمردی.

3899. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُلُّوا الْبَطِيخَ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ: هُوَ شَدَّ حِمَمَهُ الْأَرْضِ لَا دَاءَ فِيهِ وَلَا غَائِلَةَ، وَهُوَ طَعَامٌ، وَهُوَ شَرَابٌ، وَهُوَ فَاكِهَةٌ، وَهُوَ رِيحَانٌ، وَهُوَ اشْنَانٌ (1)، وَهُوَ إِدَامٌ، وَيَزِيدُ فِي الْبَاهِ (2)، وَيَغْسِلُ الْمَثَانَةَ، وَيُدِرُّ الْبَوْلَ. (3)

ص: 458

- 
- 1- . الأشنان - بالضم والكسر - : ما يغسل به اليد، معروف، وُصف البطيخ به؛ لأنه ينقى ويزيل الأوساخ من الأمعاء.
  - 2- . الباه: النكاح، وقيل: الحظ من النكاح. قال الجوهرى: والباه - مثل الجاه - : لغة في الباء؛ وهو الجماع (لسان العرب: 479/13).
  - 3- . روضه الواعظين، ص 311.



3899. امام صادق علیه السلام فرمودند: خربزه بخورید که ده خاصیت دارد:

چربی زمین است نه بیماری زاست و نه ناراحتی. هم غذاست و هم آشامیدنی و هم میوه است. هم گل. و شوینده [دستگاه گوارش] است. و خورش است. و قدرت نزدیکی را زیاد می کند. و مثانه را شستشو می دهد. و ادرار را زیاد می کند.

ص: 459

3900. قَالَ الْوَاقِدِيُّ فِى رِوَايَتِهِ: كَانَ فِى وَقْتِ حَبْلِ أَمْنَةٍ عَشْرٍ عَجَائِبَ، وَفِى وَقْتِ وِلَادَتِهِ عَشْرٌ أُخْرَى؛ أَمَّا الَّتِى فِى وَقْتِ الْحَبْلِ:

أَوَّلُهَا: أَنَّ أَصْنَامَ الدُّنْيَا أَصْبَحَتْ كُلُّهَا مَنْكُوسَةً.

وِثَانِيهَا: أَنَّ عَرْشَ إِبْلِيسَ أَصْبَحَ مَنْكُوسًا.

وِثَالِثُهَا: أَنَّ إِبْلِيسَ غَرِقَ فِى الْبَحْرِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا.

وِرَابِعُهَا: أَنَّ كُلَّ دَابَّةٍ لِقْرِيشٍ نَطَقَتْ تِلْكَ اللَّيْلَةَ فَقَالَتْ: حَمَلَتْ أَمْنَةً بِمُحَمَّدٍ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ.

وَخَامِسُهَا: أَنَّهُ لَمْ يَبْقَ كَاهِنَةٌ فِى قْرِيشٍ وَلَا فِى الْعَرَبِ إِلَّا حَجَبَتْ عَنْ صَاحِبَتِهَا (1)، وَأَنْتَزَعَ عِلْمُ الْكُهَانَةِ عَنْهَا.

وِسَادِسُهَا: أَنَّهُ لَمْ يَبْقَ سَرِيرٌ مَلِكٍ مِنْ مُلُوكِ الدُّنْيَا إِلَّا أَصْبَحَ مَنْكُوسًا.

وِسَابِعُهَا: أَنَّهُ لَمْ يَبْقَ مِنْ مُلُوكِ الدُّنْيَا إِلَّا أَصْبَحَ أَخْرَسَ لَا يَنْطِقُ يَوْمَهُ ذَلِكَ.

وَثَامِنُهَا: أَنَّهُ مَرَّ وَحْشٌ الْمَشْرِقِ إِلَى وَحْشِ الْمَغْرِبِ بِالْبِشَارَةِ، وَكَذَلِكَ أَهْلُ الْبَحْرِ بَشَّرَ بَعْضُهَا بَعْضًا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَتَاسِعُهَا: أَنَّ أَمْنَةَ كَانَتْ تُحَدِّثُ أَنَّهَا آتِيَتْ (2) حِينَ حَمَلَتْ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقِيلَ لَهَا: إِنَّكِ حَمَلْتِ بِسَيِّدِ هَذِهِ الْأُمَّةِ، فَإِذَا وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ فَقُولِ: اَعِيذُهُ بِالْوَاحِدِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ، ثُمَّ سَمِّهِ مُحَمَّدًا.

وَعَاشِرُهَا: أَنَّ أَمْنَةَ رَأَتْ حِينَ حَمَلَتْ بِهِ أَنَّهُ خَرَجَ مِنْهَا نُورٌ رَأَتْ قُصُورَ بَصْرَى بِأَرْضِ الشَّامِ وَلَمْ

ص: 460

1- . كانوا يزعمون أن لكل كاهن صاحباً من الجن يُلقى إليه المغيبات، فلما وُلد صلى الله عليه وآله بطلت الكهانة باحتجاب الجن عن الكاهن.

2- . أى أتاها الملك.

## فصل هفتم: توصیف محمد صلی الله علیه و آله

3900. واقدی [مورخ] می گوید: زمان بارداری آمنه ده چیز عجیب وجود داشت و در حین ولادت هم ده چیز عجیب دیگر. اما در زمان بارداری:

- 1 - تمام بتها وارونه شدند.
- 2 - تخت شیطان وارونه شد.
- 3 - شیطان چهل روز در دریا غرق بود.
- 4 - حیوانات قریش در آن شب به سخن آمده و گفتند: قسم به پروردگار کعبه آمنه به محمد حامله شده است.
- 5 - هر کس در قریش و عرب با جنّ آشنا بود از جنّ فاصله گرفتند و علم جن گیری از آنها گرفته شد.
- 6 - تخت همه پادشاهان واژگون شد.
- 7 - در آن روز پادشاهان همه لال شدند و نمی توانستند دستور بدهند.
- 8 - وحوش و ماهیها به یکدیگر بشارت می دادند.
- 9 - فرشته ای به آمنه گفت: تو به سرور این امت حامله شده ای وقتی او را بدنیا آوردی بگو: او را از شر هر حسودی به واحد [خداوند یگانه] می سپارم و نام او را محمد بگذار.
- 10 - آمنه در حین بارداری نوری از خود مشاهده می کرد که قصرهای شام را می دید.

تَرَ مِنْ حَمَلٍ قَطٌّ أَحْفَ وَلَا أَيْسَرَ مِنْهُ.

وَأَمَّا الْعَشْرَةُ الَّتِي كَانَتْ فِي وَقْتِ الْوِلَادَةِ:

أُولَاهَا: أَنْ آمَنَهُ أَمَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَتْ: لَقَدْ أَخَذَنِي الطَّلُقُ وَإِنِّي لَوْ حِيدَةٌ فِي الْمَنْزِلِ إِذَا سَمِعْتُ وَجِبَةً (1) عَظِيمَةً فَهَالَنِي ذَلِكَ، فَرَأَيْتُ كَأَنَّ جَنَاحَ طَيْرٍ أَيْضًا مَسَحَ عَلَيَّ فُؤَادِي، فَذَهَبَ عَنِّي الرَّوْعُ وَكُلُّ وَجْدٍ (2) أَجِدُهُ، فَهَذِهِ أَوَّلُ عَجِيْبِهِ.

وثانيها: أَنِّي التَّفَتُّ فَإِذَا أَنَا بِشَرِيهِ بِيضَاءَ ظَنَنْتُهَا لَبَنًا وَكُنْتُ عَطَشِي، فَتَنَاوَلْتُهَا وَشَدَّ رِبْتُهَا، ثُمَّ رَأَيْتُ نِسْوَةً كَالنَّخِيلِ طَوْلًا يُحْدِقْنَ (3) بِي، وَإِذَا بَدِيحًا (4) أَيْضًا قَدْ مَدَّ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَإِذَا قَائِلٌ يَقُولُ:

خُذُوهُ عَن أَعْيُنِ النَّاسِ.

وثالثها: أَنِّي رَأَيْتُ قِطْعَةً مِنَ الطَّيْرِ قَدْ أَقْبَلَتْ مِنْ حَيْثُ لَا أَشْعُرُ حَتَّى غَطَّتْ حِجْرِي، مَنَاقِيرُهَا مِنَ الرُّمُودِ وَأَجْنِحَتُهَا مِنَ الْيَاقُوتِ، وَكُشِفَ عَنِّي بَصَرِي فَرَأَيْتُ تِلْكَ السَّاعَةَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، فَرَأَيْتُ ثَلَاثَةَ أَعْلَامٍ مَضْرُوبَاتٍ: عَلَمٌ فِي الْمَشْرِقِ، وَعَلَمٌ فِي الْمَغْرِبِ، وَعَلَمٌ فِي طَرْفِ الْكَعْبَةِ؛ فَأَخَذَنِي الْمَخَاضُ فَوَلَدْتُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

ورابعها: أَنَّهُ لَمَّا خَرَجَ مِنْ بَطْنِي نَظَرْتُ إِلَيْهِ فَإِذَا أَنَا بِهِ سَاجِدًا قَدْ رَفَعَ إصْبَعَهُ إِلَى السَّمَاءِ كَالْمُبْتَهْلِ الْمُتَضَرِّعِ.

وخامسها: أَنِّي رَأَيْتُ سَحَابَةً قَدْ أَقْبَلَتْ حَتَّى غَشِيَتْهُ وَسَمِعْتُ مِنْهَا مُنَادِيًا يُنَادِي: طُوفُوا بِمُحَمَّدٍ شَرِقَ الْأَرْضِ وَغَرِبَهَا وَأَدْخِلُوهُ الْبِحَارَ كُلَّهَا لِيُعْرَفَ بِاسْمِهِ وَنَعْتِهِ وَصِدْقَتِهِ، ثُمَّ تَجَلَّتْ عَنْهُ فِي أَسْرَعٍ مِنْ طَرْفِهِ عَيْنٍ فَإِذَا أَنَا بِهِ مُدْرَجًا فِي دِيبَاجٍ أَيْضًا وَتَحْتَهُ حَرِيرَةٌ خَضْرَاءُ قَدْ قَبِضَ عَلَيَّ ثَلَاثَةَ مَفَاتِيحَ مِنَ اللُّؤْلُؤِ الرَّطْبِ، وَإِذَا قَائِلٌ يَقُولُ: قَبِضْ مُحَمَّدًا عَلَى مِفْتَاحِ النَّصْرَةِ، وَمِفْتَاحِ الدَّوْلَةِ، وَمِفْتَاحِ النَّبُوَّةِ.

وسادسها: أَنِّي رَأَيْتُ سَحَابَةً أُخْرَى قَدْ أَقْبَلَتْ أَعْظَمَ مِنَ الْأُولَى غَشِيَتْهُ، فَسَمِعْتُ مِنْهَا مُنَادِيًا يُنَادِي: اعْرِضُوهُ عَلَيَّ رُوحَانِي الْجِنِّ وَالطَّيْرِ وَالسَّبَّاعِ، وَأَعْطُوهُ صَفَاءَ آدَمَ، وَرِقَّةَ نُوحٍ، وَلِسَانَ إِسْمَاعِيلَ، وَجَمَالَ يُوسُفَ، وَصَوْتَ دَاوُودَ، وَصَبْرَ أَيُّوبَ، وَزُهْدَ عِيسَى، وَكَرَمَ يَحْيَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، ثُمَّ تَجَلَّتْ عَنْهُ فِي أَسْرَعٍ مِنْ طَرْفِهِ عَيْنٍ.

ص: 462

1- الوجهه: صوت السقوط (النهايه: 154/5).

2- الوجد: الحزن.

3- كلُّ شَيْءٍ اسْتَدَارَ بِشَيْءٍ وَأَحَاطَ بِهِ فَقَدْ أَحْدَقَ بِهِ (لسان العرب: 38/10).

4- الدِّيَابِجُ: الثِّيَابُ الْمُتَّخَذَةُ مِنَ الْإِبْرِيْسَمِ، فَارْسِيٌّ مُعَرَّبٌ، وَقَدْ تُقْتَحُ دَالُهُ (النهايه: 97/2).

و هیچ بارداری به آن آسانی را تجربه نکرده بودند.

اما ده حادثه عجیب زمان ولادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله:

1 - آمنه مادر رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: هنگامی که درد زایمان گرفتم من تنها در اطاق بودم حالت عجیبی به من دست داد صدای افتادنی شنیدم که مرا هول برداشت. دیدم بال پرنده سفید رو قلب مرا لمس کرد. ناراحتی از دلم بیرون رفت و حالت وجد پیدا کردم.

2 - توجه کردم ناگهان شربتی سفید دیدم تشنه بودم گمان کردم شیر است آن را برداشتم و خوردم. سپس زنانی را دیدم که قامت بلندی مثل نخل داشتند. به من نگاه می کردند. و پارچه سفید ابریشمی در دست داشتند، که بین زمین و آسمان کشیده شده بود. و کسی صدا می زد: او را از چشمان مردم نگاه دارید.

3 - ناگهان پرندگان را دیدم که ندانستم از کجا آمدند و حجره مرا پوشاندند. منقارهای آنها از زمرد و بالهای آنان از یاقوت بود. و حجاب از چشم من برداشته شد. در آن لحظه مغرب و مشرق زمین را دیدم. و دیدم سه پرچم برپاست. یک پرچم در مشرق و یک پرچم در مغرب و یک پرچم در طرف کعبه. و وقت زایمان رسید و محمد صلی الله علیه و آله بدنیا آمد.

4 - پس از تولد به او نگاه کردم که به حال سجده بود و انگشت خود را به آسمان بلند کرده بود و حال تضرع و گریه داشت.

5 - ابری را دیدم که به من نزدیک شد تا مرا فرا گرفت. و صدایی را از آن شنیدم که می گفت: محمد را به شرق و غرب زمین ببرید و به دریاها معرفی کنید تا او را به اسم و خصوصیات و اوصاف بشناسند. و به سرعت چشم بر هم زدن ابر دور شد. و ناگهان دیدم در پارچه ای از ابریشم سفید. است و زیر او حریر سبز رنگی است. و سه کلید از لؤلؤ در دست گرفته است. و منادی می گوید: محمد کلید نصرت و کلید دولت و کلید نبوت را گرفت.

6 - ابر دیگری را دیدم که از اولی بزرگتر بود که مرا پوشاند. و صدایی از آن شنیدم که می گفت: او را به روحانی جنّ و پرندگان و درندگان نشان دهید. و صفاء آدم و مهربانی نوح و زبان اسماعیل و جمال یوسف و صوت داود و صبر ایوب و زهد عیسی و کرم یحیی صلوات الله علیهم را به او بدهید. و در چشم بر هم زدن دور شد.

وسابِعُهَا: أَنَّى رَأَيْتُ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ ظَنَنْتُ أَنَّ الشَّمْسَ تَطْلُعُ مِنْ خِلَالِ وُجُوهِهِمْ؛ فِي يَدِ أَحَدِهِمْ إِبْرِيْقٌ مِنْ فِضَّةٍ تَقْوُحٌ مِنْهُ رِيْحُ الْمِسْكِ، وَفِي يَدِ الثَّانِي طَسْتُ مِنْ زُمْرُدَةٍ خَضْرَاءَ، وَفِي يَدِ الثَّلَاثِ حَرِيرَةٌ بَيْضَاءَ مَطْوِيَّةٌ، فَشَدَّ رِهَا فَأَخْرَجَ مِنْهَا خَاتِماً حَارّاً مِنْهُ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، ثُمَّ حَمَلَ ابْنِي فَنَاوَلَهُ صَاحِبَ الطَّشْتِ، فَعَسَّلَهُ بِذَلِكَ الْمَاءِ مِنَ الْإِبْرِيْقِ سَبْعَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ خَتَمَ بَيْنَ كَتِفَيْهِ بِالْخَاتِمِ خَتِماً وَاحِداً وَلَقَّهُ فِي الْحَرِيرَةِ وَرَدَّهَ عَلَيَّ كَالْبَدْرِ تَسَطُّعَ رِيْحِهِ كَالْمِسْكِ، ثُمَّ مَضُوا فَلَمْ أَرَهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ.

وِثَامِنُهَا: مَا رَأَى عَبْدَ الْمُطَّلِبِ، قَالَ الْوَاقِدِيُّ فِي رِوَايَتِهِ: قَالَ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ: كُنْتُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ فِي الْكَعْبَةِ، فَلَمَّا انْتَصَفَ اللَّيْلُ إِذَا أَنَا بِالْبَيْتِ الْحَرَامِ قَدْ اسْتَهَلَ (1) بِجَوَانِبِهِ الْأَرْبَعِ أَسْمَعُ مِنْهُ تَكْبِيراً عَجِيباً يُنَادِي: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ رَبُّ الْمُصْطَفِينَ الْمُطَهَّرِينَ، أَنْجَيْتَنِي مِنْ أَنْجَاسِ الْمُشْرِكِينَ.

وِتَاسِيَةُ عُمَا: قَالَ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ: ثُمَّ رَأَيْتُ الْأَصْنَامَ قَدْ انْقَضَتْ (2) كَمَا يَنْقُضُ الثَّوْبُ، وَأَنْكَبَّ هُبْلٌ عَلَيَّ وَجْهِي، وَسَدَّ جَعْتُ مَنَادِيّاً يُنَادِي: أَلَا إِنَّ أَمِنَةَ قَدْ وُلِدَتْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَعَاشِيَةُ رُهَا: أَنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ خَرَجَ مَبَادِرًا لِيُنْخَبِرَ قُرَيْشًا ذَلِكَ، فَأَخَذَ اللَّهُ لِسَانَهُ فَلَمْ يَنْطِقْ بِهَذِهِ الْكَلِمَةِ وَحَدَاها سَبْعَةَ أَيَّامٍ، قَالَ: فَلَمَّا مَضَتْ مِنْ وِلَادِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَرْسَلَتْ أَمِنَةُ إِلَى عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَنْ آتِنِي فَانظُرْ إِلَيَّ وَلَدِيكَ فَآتَاهُ فَنَظَرَهُ....

3901. وَرَوَى فِي قِصَصِ الْأَنْبِيَاءِ حَدِيثُ الْمِعْرَاجِ؛ وَهُوَ حَدِيثٌ طَوِيلٌ نَقَلْتُ مِنْهُ مَحَلَّ الْحَاجَةِ: وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

يَا مُحَمَّدُ، سَلْ تُعْطَ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا (3) وَشِدَّةً وَجَهْدًا فَتُحَرِّمَ عَلَيْنَا بِتَرْكِهِ وَتَقْضِيهِ الطَّيِّبَاتِ، كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَيَّ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا، قَالَ اللَّهُ: قَدْ رَفَعْتُ الْإِصْرَ وَالشِّدَّةَ عَنْ أُمَّتِكَ؛ قَوْلُهُ:

«وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» وَقَوْلُهُ: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ». وَكَانَ الْإِصْرُ عَلَيَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ:

الْأَوَّلُ: كَانُوا إِذَا أَذْنَبُوا ذَنْبًا يُحَرِّمُ عَلَيْهِمْ طَعَامًا طَيِّبًا؛ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ» الْآيَةَ.

ص: 464

1- . استهَلَ: أَي صَاحَ عِنْدَ الْوِلَادَةِ (الصَّحَاحُ: 1852/5).

2- . انْقَضَتْ الْحَائِطُ: سَقَطَ (الصَّحَاحُ: 1102/3).

3- . أَي ثِقَلًا، وَأَصْلُ الْإِصْرِ الضِّيْقُ، وَيَطْلُقُ عَلَيَّ الْعَهْدِ الْمُؤَكَّدِ الَّذِي يَثْبُطُ نَاقِضُهُ عَنِ الثَّوَابِ وَالْخَيْرَاتِ.

7 - سه نفر را دیدم که گمان کردم خورشید در صورت آنان طلوع کرده است. در دستان یکی آبریزی از نقره بود که بوی مشک از آن منتشر می شد. در دست دومی طشت زمرد سبز و در دست سومی حریر سفید معطر که آن را باز کرد و از آن خاتمی بیرون آورد که چشم نواز بود. سپس فرزندم را به صاحب طشت داد. و با آن آب هفت بار شست. و با آن خاتم بر دو کتف او مهری زد. و او را در حریر پوشانید. و به من داد که مانند بدر می درخشید. و بوی او چون مشک بود. سپس رفتند و آنان را ندیدم.

8 - آنچه عبدالمطلب دید: واقعی نقل می کند که: عبدالمطلب گفت: آن شب در کعبه بودم. چون نیمه شب شد، در چهار طرف کعبه صدای تکبیر عجیبی شنیدم که صدا می زد:

اللّٰه اکبر اللّٰه اکبر پروردگار برگزیدگان پاک که مرا از نجاست مشرکین رها کرد.

9 - عبدالمطلب گوید: دیدم بتهای کعبه چون لباس فروریختند. هُبل [یکی از بتهای معروف] به صورت افتاده بود. و صدایی را شنیدم که می گفت: آمنه محمّد را بدنیا آورد.

10 - عبدالمطلب سریع خارج شد. تا خبر را به قریش برساند. خداوند زبان او را بست بطوری که تا هفت روز نتوانست این خبر را تلفظ کند.

وقتی سه روز از ولادت رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله گذشت، آمنه به عبدالمطلب پیغام فرستاد که بیا و فرزندت محمد را ببین. او آمد و محمد را دید....

3901. در کتاب قصص الانبیاء حدیث طولانی معراج را نقل کرده است در اینجا قسمتی از آن را بیان می کنیم:

خداوند متعال گفت: یا محمد، بخواه به تو بدهیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: خدایا بارهای سنگین و طاقت فرسا بر عهده ما قرار مده، که با ترک کردن آن حلالها را بر ما حرام کنی. چنانکه با اقوام قبل از ما کردی.

خداوند فرمود: سختی و شدّت از امت تو برداشته شد. در آیه قرآن آمده است: «خدا در دین بر شما سخت گیری نکرده است». و در جای دیگر می فرماید: «خداوند آسایش شما را خواسته است».

سختی که بر بنی اسرائیل واجب بوده ده چیز است:

1 - وقتی گناه می کردند غذاهای پاک بر آنان حرام می شد. چنانکه در قرآن می فرماید: «با ظلمی که از یهودیان اتفاق افتاد غذاهای پاکیزه که بر آنان حلال بود را حرام کردیم».

وَالثَّانِي: كَانَ لَهُمْ خَمْسُونَ صَلَاةً.

وَالثَّلَاثُ: كَانَ الزَّكَاةُ عَلَيْهِمْ رُبْعَ الْمَالِ.

وَالرَّابِعُ: كَانُوا إِذَا أَصَابَهُمْ حَدَثٌ مِنْ جَنَابِهِ أَوْ حَيْضٍ أَوْ نِفَاسٍ وَلَا يَجِدُونَ الْمَاءَ يَتَّقُونَ نَجَسًا قَدْرًا وَلَا يُطَهِّرُهُمْ غَيْرَ الْمَاءِ.

وَالخَامِسُ: كَانَ عَلَيْهِمْ فَرِيضَةٌ أَنْ يُصَلُّوا فِي الْمَسْجِدِ وَلَا يَجُوزُ لَهُمْ أَنْ يُصَلُّوا فِي غَيْرِ الْمَسَاجِدِ.

وَالسَّادِسُ: كَانُوا فِي صِيَامِهِمْ إِذَا صَلُّوا الْعَتَمَةَ أَوْ نَامُوا يَحْرُمُ عَلَيْهِمُ الطَّعَامُ وَالشَّرَابُ إِلَى اللَّيْلِ الْقَابِلِ.

وَالسَّابِعُ: كَانَ عَلَيْهِمْ حَرَامًا الْجَمَاعُ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَتَمَةِ أَوْ النَّوْمِ.

وَالثَّامِنُ: كَانَ قَبُولُ صَدَقَاتِهِمْ بِالْقُرْبَانِ مَعَ الْفَضِيحَةِ؛ إِذَا تَصَدَّقُوا بِشَيْءٍ إِنْ قَبِلَهُ اللَّهُ تَجِيءُ نَارٌ وَتُحْرِقُهُ يَأْكُلُ بَعْضُهُ، ثُمَّ يَأْكُلُ بَقِيَّةَ الْمَسَاكِينِ، وَإِنْ لَمْ يَقْبَلْهُ اللَّهُ لَا تُحْرِقُهُ النَّارُ، فَيُفْتَضَحُ صَاحِبُهُ.

وَالتَّاسِعُ: كَانُوا إِذَا أَصَابَ ثِيَابُهُمْ قَدْرٌ كَانَ عَلَيْهِمُ الْقَطْعُ وَلَا يَجُوزُ لَهُمُ الْغَسْلُ.

وَالْعَاشِرُ: كَانَ ذَنْبُهُمْ أَيْضًا مَعَ الْفَضِيحَةِ؛ كَانُوا إِذَا أَذْنَبُوا ذَنْبًا بِاللَّيْلِ، فَإِذَا أَصْبَحُوا كَانَ مَكْتُوبًا عَلَى بَابِ دَارِهِمْ فَافْتَضَحُوا.

فَكَانَتْ هَذِهِ الْأَشْيَاءُ الْعَشْرَةَ إِصْرًا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَرَفَعَ اللَّهُ هَذِهِ الْعَشْرَةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِدَعْوَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَزَادَهُمْ عَشْرَةَ بِضِدِّ تِلْكَ الْعَشْرِ، رَهَ الْمُتَّقِدِّمَةِ بِفَضْلِهِ لَمَّا دَعَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا» الْآيَةَ، فَقَالَ اللَّهُ: يَا مُحَمَّدُ، لَا حَرَمَ عَلَى أُمَّتِكَ الطَّيِّبَاتِ بِذُنُوبِهِمْ كَمَا حَرَمْتُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ لِأَجْلِ دَعْوَتِكَ، وَمَا حَرَمْتُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فَقَدْ أَحْلَلْتَهُ لِأُمَّتِكَ بِفَضْلِي. فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ» إِلَى قَوْلِهِ: «الْحَبَاثُ».

يَا مُحَمَّدُ، لَا أَمْرَ أُمَّتِكَ بِخَمْسِينَ صَلَاةً كَمَا أَمَرْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ لِأَجْلِ دَعْوَتِكَ، وَأَطَهَّرُهُمْ مِنَ الْجَنَابِ وَالْحَيْضِ وَالنَّفَاسِ بِالتُّرَابِ وَالتَّيِّمِ؛ بِفَضْلِي. فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى» الْآيَةَ.

يَا مُحَمَّدُ، لَا أَفْسِدُ صَلَاةَ أُمَّتِكَ إِذَا صَلُّوا فِي غَيْرِ الْمَسَاجِدِ كَمَا أَفْسَدْتُ صَلَاةَ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ لِأَجْلِ دَعْوَتِكَ، وَأَجْعَلُ صَلَاتَهُمْ فِي غَيْرِ الْمَسَاجِدِ بِفَضْلِي مَقْبُولَةً. فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ» الْآيَةَ، وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ كُلُّهَا مَسْجِدًا وَطَهورًا».



2 - پنجاه نماز واجب داشتند. [در اسلام پنج نماز واجب است]

3 - زکات آنان یک چهارم اموالشان بود.

4 - وقتی برای جنابت یا حیض یا نفاس آب پیدا نمی کردند آلوده باقی می ماندند تا آب پیدا کنند. و جز آب چیز دیگری آنها را طاهر نمی کرد. [در اسلام با تیمم طهاره حاصل می شود.]

5 - آنان فقط باید در مسجد نماز می خواندند. و در غیر مسجد جایز نبود.

6 - هنگام روزه داری وقتی افطار می کردند اگر نماز عشاء می خواندند یا می خوابیدند دیگر حق غذا خوردن نداشتند تا شب بعد افطار کنند.

7 - بعد از نماز عشاء یا خوابیدن نزدیکی کردن بر آنان حرام بود.

8 - صدقه آنان رد می شد باعث رسوائی آنان بود. چون در صورت قبولی آتشی می آمد و قسمتی از آن را می سوزاند و بقیه را به مساکین می دادند. و اگر قبول نمی شد آتش نمی آمد.

و صاحب آن رسوا می شد.

9 - اگر نجاست به لباس آنها برخورد می کرد، باید آن قسمت نجس را قطع می کردند و شستن جایز نبود.

10 - اگر شب هنگام گناه می کردند صبحگاهان بر در خانه آنان نوشته می شد. و گنهکار مفتضح می شد.

این ده مجازات در قوم بنی اسرائیل بود. ولی با دعای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از این امت برداشته شد. و در مقابل ده چیز با دعای حضرت ضد آنها را به فضل خود اضافه فرمود.

زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله دعا فرمود خدایا سختی بر ما قرار مده.

خداوند فرمود: یا محمد، بدلیل دعای تو. در مقابل گناه امت تو غذاهای پاک را بر آنها حرام نمی کنم. چنان که بر بنی اسرائیل حرام کردم. و آنچه بر بنی اسرائیل حرام کردم به فضل خود بر امت تو حلال نمودم. یا محمد با دعای تو بر امت تو مثل بنی اسرائیل پنجاه نماز واجب نکردم. و با فضل خود آنها را از جنابت و حیض و نفاس با تیمم بر خاک، پاک نمودم.

یا محمد، اگر امت تو در غیر مسجد نماز بخوانند به خاطر دعای تو نمازشان را مثل نماز بنی اسرائیل فاسد نمی کنم. و به فضل خود نمازشان را در غیر مسجد هم می پذیرم.

يَا مُحَمَّدُ، لَا أَحْرَمُ عَلَى أُمَّتِكَ الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ وَالنَّوْمَ وَقَبْلَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ كَمَا حَرَّمَتُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ لِأَجْلِ دَعْوَتِكَ،  
وَرَخَّصْتُ لَهُمُ الْأَكْلَ وَالشَّرْبَ إِلَى تَبْيِينِ الصُّبْحِ؛ بِفَضْلِي.

فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ». وَرَفَعْتُ أَيْضاً الْحِسَابَ عَمَّا يَأْكُلُ أُمَّتِكَ فِي شَهْرِ  
رَمَضَانَ.

يَا مُحَمَّدُ، لَا أَحْرَمُ عَلَى أُمَّتِكَ الْخَلْوَةَ بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ كَمَا حَرَّمَتُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ لِأَجْلِ دَعْوَتِكَ، وَرَخَّصْتُ لَهُمُ الْخَلْوَةَ إِلَى تَبْيِينِ  
الصُّبْحِ بِفَضْلِي. فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ» إِلَى قَوْلِهِ: «فَالآنَ بَاشِرُوهُمْ» الْآيَةَ.

يَا مُحَمَّدُ، لَا أَجْعَلُ صَدَقَاتِ أُمَّتِكَ مَعَ الْفَضِيحَةِ كَمَا جَعَلْتُ صَدَقَاتِ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ لِأَجْلِ دَعْوَتِكَ، وَأَخَذْتُ صَدَقَاتِهِمْ إِذَا تَصَدَّقُوا بِيَمِينِي؛  
بِفَضْلِي. فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ».

يَا مُحَمَّدُ، لَا أَجْعَلُ طَهَارَةَ ثِيَابِ أُمَّتِكَ - إِذَا أَصَابَ ثِيَابَهُمُ الْقَذَرُ - الْقَطْعَ كَمَا جَعَلْتُ طَهَارَةَ ثِيَابِ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ لِأَجْلِ دَعْوَتِكَ، فَأَنْزَلَ عَلَيْهِمْ  
مَاءً طَهُورًا لِيُطَهَّرَهُمْ بِفَضْلِهِ. فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا».

يَا مُحَمَّدُ، لَا أَفْضَحُ أُمَّتَكَ بِكِتَابَةِ الذُّنُوبِ عَلَى أَبْوَابِهِمْ إِذَا أَذْنَبُوا كَمَا فَضَّحْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ لِأَجْلِكَ، وَأَسْتُرُ ذُنُوبَهُمْ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَالْخَلَائِقِ  
بِفَضْلِي.

یا محمد، به خاطر دعای تو بعد از نماز عشاء یا خوابیدن بر امت تو مثل بنی اسرائیل خوردن و آشامیدن را حرام نکردم. و به فضل خود خوردن و آشامیدن را بر آنان تا اذان صبح حلال قرار دادم به فضل خود.

همچنین حساب را از آنچه امت تو در ماه رمضان می خوردند برداشتم.

یا محمد، بخاطر دعای تو به فضل خود بر امت تو مثل بنی اسرائیل نزدیکی بعد از نماز عشاء را حرام نکردم و تا اذان صبح رخصت دادم.

یا محمد، صدقات امت تو را مثل بنی اسرائیل با رسوائی همراه نکردم بخاطر دعای تو و به فضل خود صدقات امت تو را خودم قبول می کنم.

یا محمد، بخاطر دعای تو و به فضل خود طهارت لباس امت تو را مثل بنی اسرائیل بریدن محل نجس قرار ندادم و با شستن بوسیله آب پاک قرار دادم.

یا محمد، به فضل خود به خاطر تو امت تو را مثل بنی اسرائیل هنگامی که مرتکب گناه شوند، با نوشتن گناهشان بر در خانه رسوا نمی کنم. و گناهان امت تو را از ملائک و مخلوقات می پوشانم.

وهى عَشْرَةٌ:

الأوَّلُ: أن يترصدَ (1) لِدُعَائِهِ الأوقاتِ الشَّرِيفَةَ كَيَوْمِ عَرَفَةَ مِنَ السَّنَةِ، وشَهْرِ رَمَضانَ مِنَ الشُّهُورِ، وَيَوْمِ الجُمُعَةِ مِنَ الأَسبوعِ، وَوَقْتِ السَّحَرِ مِنَ ساعاتِ اللَّيْلِ، قالَ اللهُ تَعالى: «وَبِالأَسْحارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»، ولِقَوْلِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يُنزِلُ اللهُ مَلَكاً إلى سَماءِ الدُّنيا كُلِّ لَيْلَةٍ حِينَ يَبقى ثُلُثُ اللَّيْلِ الأَخِيرِ، فيقولُ: مَنْ يَدْعُونى فَأَسْتَجِيبُ لَهُ، وَمَنْ يَسأَلُنى فَأُعْطِيهِ، وَمَنْ يَسْتَغْفِرُنى فَأَغْفِرُ لَهُ (2). وقيلَ: إنَّ يَعقوبَ عَلَيْهِ السَّلامَ إنَّما قالَ: سَوفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّى؛ لِيَدْعُوَ فى وَقْتِ السَّحَرِ (3)، فقيلَ: إنَّه قامَ وَقْتِ السَّحَرِ وَأولادُهُ يُؤمِّنونَ خَلْفَهُ، فأوحى اللهُ تَعالى: أَنى قَد غَفَرْتُ لَهُمْ وجَعَلْتُهم أنبياءَ.

الثَّانى: أن يَغْتَمِّمَ الأحوالَ الشَّرِيفَةَ؛ فَقَد رُوِيَ أن أبوابَ السَّماءِ تُفْتَحُ (4) عِنْدَ رَحْفِ الصُّفوفِ فى سَبيلِ اللهِ، وَعِنْدَ نُزولِ الغَيْثِ، وَعِنْدَ إقامَةِ الصَّلاةِ المَكْتُوبَةِ، واغْتَمِّمُوا الدُّعاءَ فيها، وقالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

الدُّعاءُ بَيْنَ الأَذانِ والإقامَةِ لا يُرَدُّ (5)، وقالَ: الصَّائِمُ لا تُرَدُّ دَعْوَتُهُ (6) وحالُهُ السُّجودِ أيضاً جَدِيدٌ بِالإِجابَةِ لِقَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَقْرَبُ ما يَكُونُ العَبْدُ (7) مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ ساجِدٌ، فأَكثروا فيه مِنَ الدُّعاءِ.

ص: 470

1- . الترقب: الانتظار (مجمع البحرين: 208/2).

2- . الكافي، ج 3، ص 414، ح 6، مع اختلافٍ.

3- . وقيل: إنَّ يعقوب... ليدعو فى وقت السحر: الكافي، ص 477، ح 6.

4- . فقد روى أنَّ أبواب السماء تفتح... الصلاة المكتوبة: السنن الكبرى، ج 3، ص 360.

5- . وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الدُّعاءُ بَيْنَ الأَذانِ والإقامَةِ لا يُرَدُّ» الدعوات، ص 36، ح 87.

6- . قال: الصائم لا تردُّ دعوته؛ فتح الوهاب، ج 1، ص 151.

7- . أقرب ما يكون العبد... فيه من الدعاء: مغنى المحتاج، ج 1، ص 170.

آداب دعا ده چیز است:

1 - برای دعا کردن، وقت‌های شریف را انتخاب کنید. از روزهای سال مثل روز عرفه و از ماه‌ها مثل ماه رمضان و روز جمعه در هفته و سحر از ساعت‌های شب.

خداوند متعال می‌فرماید: «در سحرها استغفار می‌کنند».

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر شب وقتی ثلث شب باقی ماند، خداوند فرشته‌ای به آسمان دنیا فرود می‌فرستد و می‌گوید: کیست مرا دعا کند او را اجابت کنم؟ چه کسی از من می‌خواهد به او بدهم؟ چه کسی استغفار می‌کند تا پیامرم؟ گفته‌اند: [وقتی فرزندان یعقوب به او گفتند: برای ما دعا کن] یعقوب گفت: بزودی برای شما از پروردگار استغفار می‌کنم، تا در وقت سحر دعا کند.

گفته‌اند: هنگام سحر یعقوب دعا کرد و فرزندانش آمین گفتند. خداوند تعالی وحی فرمود:

آنان را آمرزیدم. و آنان را پیامبر قرار دادم.

2 - حالات شریف را غنیمت شمارد. روایت شده است که در حال صف کشیدن برای جنگ در راه خدا درهای آسمان باز می‌شود. همچنین هنگام نزول باران و اقامه نماز واجب. پس در این حالات دعا را غنیمت شمارید.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دعا بین اذان و اقامه رد نمی‌شود. همچنین فرمودند: دعای روزه دار رد نمی‌شود.

حالت سجده هم برای دعا مناسب است. چون پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: نزدیکترین حال بنده به پروردگارش وقتی است که او در سجده است. پس در سجده زیاد دعا کنید.

الثَّالِثُ: أَنْ يَدْعُوَ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ فَيَرْفَعُ يَدَيْهِ بِحَيْثُ يُرَى بَيَاضُ إِبْطَيْهِ، وَرَوَى سَلْمَانُ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: **إِنْ رَبَّكُمْ حَيٌّ كَرِيمٌ (1)** يَسْتَحْيِي مِنْ عَبْدِهِ إِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ أَنْ يَرُدَّهُمَا صِفْرًا.

رَوَى أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا مَدَّ يَدَيْهِ (2) فِي الدُّعَاءِ لَمْ يَرُدَّهُمَا حَتَّى يَمْسَحَ بِهِمَا وَجْهَهُ.

الرَّابِعُ: خَفْضُ الصَّوْتِ بَيْنَ الْمُخَافَتَةِ وَالْجَهْرِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً».

الخَامِسُ: أَنْ لَا يَتَكَلَّفَ السَّجْعَ فِي الدُّعَاءِ (3)، قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَيَكُونُ قَوْمٌ يَعْتَدُونَ فِي الدُّعَاءِ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»، قِيلَ: مَعْنَاهُ التَّكَلُّفُ لِلْأَسْجَاعِ.

السَّادِسُ: التَّضَرُّعُ وَالْخُشُوعُ وَالرَّغْبَةُ وَالرَّهْبَةُ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَـرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا»، وَقَالَ: «تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً»، وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ حَتَّى يَسْمَعَ تَضَرُّعَهُ.

السَّابِعُ: أَنْ يَجْزِمَ بِالدُّعَاءِ، وَيُوقِنَ بِالْإِجَابَةِ وَيُصَدِّقَ رَجَاءَهُ فِيهِ، قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَقِلُّ أَحَدُكُمْ إِذَا دَعَا:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنْ شِئْتَ»، «اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي إِنْ شِئْتَ»، فَلْيَجْزِمِ الْمَسْأَلَةَ؛ فَإِنَّهُ لَا مُكْرَهَ لَهُ. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ (4) فَلْيُعْظِمِ الرَّغْبَةَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَتَعَاظَمُهُ شَيْءٌ. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ادْعُوا اللَّهَ وَأَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْإِجَابَةِ، وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ مَنْ قَلَبٍ غَافِلٍ.

الثَّامِنُ: أَنْ يَلِحَّ فِي الدُّعَاءِ وَيُكْرِرُهُ ثَلَاثًا، قَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَعَا دَعَا ثَلَاثًا، وَإِذَا سَأَلَ سَأَلَ ثَلَاثًا. (5)

وَيَنْبَغِي أَنْ لَا يَسْتَبْطِئَ الْإِجَابَةَ؛ لِقَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يُسْتَجَابُ لِأَحَدِكُمْ مَا لَمْ يَعْجَلْ (6)؛ فَيَقُولُ: دَعَوْتُ فَلَمْ يُسْتَجَبْ لِي! فَإِذَا دَعَوْتُ فَاسْأَلِ اللَّهَ كَثِيرًا؛ فَإِنَّكَ تَدْعُو كَرِيمًا.

ص: 472

1- . إن ربكم حيي كريم... يردهما صفرًا: الذكرى، ص 212.

2- . كان اذا مد يده... بهما وجهه، سبل السلام، ج 4، ص 219، ح 16.

3- . سيكون قوم يعتدون في الدعاء... المعتدين: مسند أحمد، ج 1، ص 172.

4- . لا يقل أحدكم إذا دعا... فإنه لا مكره له: كتاب الموطأ، ج 1، ص 213، ح 28.

5- . اذا دعا دعا ثلاثاً واذا سأل سأل ثلاثاً: صحيح مسلم، ج 5، ص 180.

6- . مستجاب للحكم ما لم يعجل... فلم يستجب لي؛ المجموع، ج 8، ص 113.

3 - دعا رو به قبله باشد. و دستها را آنقدر بطرف آسمان بلند کند که سفیدی زیر بغل نمایان شود. سلمان گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: پروردگار شما با حیاء و کریم است. وقتی بنده دستهایش را بلند کند خدا حیا می کند که آن دستها را خالی برگرداند.

رسول الله صلی الله علیه و آله زمانی که دستها را برای دعا بلند می کردند تا به صورت مبارک نمی کشیدند پائین نمی آوردند.

4 - با صدا دعا کند. بطوری که نه بلند باشد و نه ساکت. خداوند می فرماید: «پروردگارتان را با تضرع و مخفیانه دعا کنید».

5 - هنگام دعا کردن خود را به زحمت سجع نیندازید. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: قومی خواهند آمد که در دعا تعدی می کنند. در حالی که خداوند متعال فرموده است:

«پروردگارتان را با تضرع و مخفیانه بخوانید. و او تعدی کنندگان را دوست ندارد».

گفته اند: تعدی یعنی زحمت سجع.

6 - با تضرع و خشوع و بیم و امید دعا کنید. خداوند متعال می فرماید: «آنان در خیرات سرعت می گیرند و با رغبت و بیم دعا می کنند». و فرموده است: «با تضرع و مخفی دعا کنید». و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی که خداوند بنده ای را دوست بدارد او را مبتلا می کند تا صدای تضرع او را بشنود.

7 - هنگام دعا جزم داشته و به اجابت یقین داشته باشد. و امید خود را در دعا تصدیق کند.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی از شما هنگام دعا کردن نگوید: خدایا اگر خواستی مرا بیا مرز. اگر خواستی مرا رحمت فرست. بلکه با جزم درخواست کند. چون کسی خدا را مجبور نمی کند. و حضرت فرمودند: هنگام دعا کردن درخواست بزرگ داشته باشید.

چون چیزی برای خداوند بزرگ نیست. و حضرت فرمودند: دعا کنید و یقین به اجابت داشته باشید. و بدانید که خدای عزّ و جلّ دعای دل غافل را مستجاب نمی کند.

8 - هنگام دعا الحاح و اصرار کند و سه بار تکرار کند. ابن مسعود گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی دعا می فرمود سه بار تکرار می فرمودند. وقتی درخواست می کردند سه بار تکرار می کردند. شایسته است عجله نداشته باشد. چون حضرت فرمودند: کسی که دعا کند و عجله نکند مستجاب می شود. نگوئید: دعا کردم مستجاب نشد. وقتی دعا کردی از خداوند زیاد بخواه چون تو کریم را می خوانی.

التاسِعُ: أن يفتتح الدعاء بذكر الله فلا يبدأ بالسؤال، قال سلمة بن الأكوع: ما سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يستفتح الدعاء إلا استفتحه بقوله: سبحان ربّي العليّ الأعلى الوهاب (1)، وروى في الخبر عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه قال: إذا سألتُم الله حاجة فابدؤوا بالصلاة على؛ فإن الله تعالى أكرم من أن يسأل حاجتين فيقضين إحداهما ويؤد الأخرى (2). رواه أبو طالب المكي.

العاشِر: دعاء الاستسقاء (3)، وهو أدب الباطن، وهو الأصل في الإجابة؛ مثل التوبه وردّ المظالم والإقبال على الله تعالى بكنهه الهمة، فذلك هو السبب القريب في الإجابة.

ثم أعلم أن ما يقارن حال الدعاء من الآداب عشرة، فينبغي للداعي أن يعتد على عشره أمور:

الأوّل: التلبّث بالدعاء وترك الاستعجال فيه، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن العبد إذا دعا لم يزل الله - تبارك وتعالى - في حاجته ما لم يستعجل (4).

الثاني: الإلحاح في الدعاء، قال رسول الله: إن الله يحب السائل اللحوح (5)، روى الوليد بن عتبة الهجري (6) قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: والله، لا يلدخ عبد مؤمن على الله في حاجته إلا قضاه له (7)، وروى أبو الصباح عن أبي عبد الله عليه السلام: إن الله كره إلحاح الناس بعضهم على بعض في المسألة وأحب ذلك لنفسه، إن الله يحب أن يسأل ويطلب ما عنده (8).

الثالث: تسميته الحاجه، روى أبو عبد الله الفراء عن الصادق عليه السلام قال: إن الله - تبارك وتعالى - يعلم ما يريد العبد إذا دعا، ولكنه يحب أن يبت (9) إليه الحوائج (10).

الرابع: الإسراع بالدعاء؛ لبعده عن الرياء، ولقوله تعالى: «ادعوا ربكم تضرعاً وخفية»؛ ولرواية إسماعيل بن همام عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: دعوة العبد سرّاً دعوة واحدة تعدل سبعين

ص: 474

- 1- قال سلمة بن الأكوع... الأعلى الوهاب: مجمع الزوائد، ج 10، ص 156.
- 2- إذا سألتُم الله حاجة... ويرد الأخرى: تذكره الموضوعات، ص 56.
- 3- في عبارته سقط لا يخفى على من تدبر، وكذا في الأصل أيضاً، ولم أجد اللفظ الصحيح.
- 4- إن العبد إذا دعا لم يزل... ما لم يستعجل. الكافي، ج 2، ص 474، ح 1.
- 5- إن الله يحب السائل اللحوح: عدّه الداعي، ص 189.
- 6- الهجري - محرکه - نسبة إلى هجر من بلاد البحرين، وكانت عاصمه البحرين في صدر الإسلام.
- 7- روى الوليد بن عتبة الهجري... إلا قضاه له: الكافي، ج 2، ص 475، ح 3.
- 8- روى أبو الصباح عن أبي عبد الله... ويطلب ما عنده، الكافي، ج 2، ص 475، ح 4.
- 9- البت - في الأصل - : شدة الحزن والمرض الشديد، كآته من شدته بيته صاحبه (النهاية: 96/1).
- 10- روى أبو عبد الله الفراء... إليه الحوائج: الكافي، ج 2، ص 476، ح 1، باب تسميته الحاجه في الدعاء.



9 - دعا را با ذکر خدا شروع کند و با درخواست شروع نکند. سلمه گوید نشنیدم رسول الله دعایی را شروع کند مگر اینکه ابتدا می فرمود: سبحان ربی الاعلی الوهاب [منزه است پروردگار بلند مرتبه و بخشنده من]

روایت شده است حضرت فرمودند: زمانی که از خدا حاجت خواستید با صلوات بر من شروع کنید. خداوند کریم تر از آن است که دو حاجت از او بخواهند یکی را اجابت کند و دیگری را رد کند.

10 - رعایت ادب باطنی دعا که اساس اجابت است. مثل توبه و ردّ مظالم و توجه به خدا با تمام وجود، که اینها از اسباب نزدیک اجابت است.

بدان که مقارن این آداب ده گانه دعا، سزوار است دعا کننده به ده امر اعتماد کند:

1 - استمرار دعا و عجله نکردن. امام صادق علیه السلام فرمودند: بنده زمانی که دعا کند خدا تبارک و تعالی او را در نیازش رها نمی کند. البته اگر عجله نکند.

2 - الحاح و اصرار کردن در دعا. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند دعا کننده را که اصرار کند را دوست دارد. ولید بن عقبه گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: بخدا قسم عبد مؤمن در دعایش اصرار نکند مگر اینکه خداوند حاجت او را بر آورد.

ابو الصباح از امام صادق علیه السلام نقل کند: خداوند اصرار کردن مردم به یکدیگر را در نیازها دوست ندارد اما اصرار کردن از خودش را دوست دارد. خداوند دوست دارد که از او خواسته شود. و از آنچه نزد اوست طلب شود.

3 - نام بردن حاجت. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی خواسته بنده را هنگام دعا می داند. اما دوست دارد که حاجتها را به او عرضه کند.

4 - در خلوت دعا کردن برای اینکه از ریا دور باشد. چون خداوند فرمود: «پروردگارتان را با تضرع و مخفیانه دعا کنید». و امام رضا علیه السلام فرمود: یک دعای مخفیانه عبد معادل هفتاد دعای علنی است. در روایت دیگر است: یک دعا که آن را مخفی کنی

دَعْوَةٌ عَلَانِيَةٌ، وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: دَعْوَةٌ تُخْفِيهَا أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ دَعْوَةً تُظْهِرُهَا. (1)

الخَامِسُ: التَّعْمِيمُ فِي الدَّعَاءِ، رَوَى ابْنُ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيُعَمِّمْ؛ فَإِنَّهُ أَوْجِبُ لِلدَّعَاءِ. (2)

السادسُ: الاجتماعُ في الدعاء، قالَ اللهُ تَعَالَى: «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ».

وَأَمَرَ تَعَالَى بِالاجتماعِ لِلْمُبَاهَلَةِ، وَرَوَى أَبُو خَالِدٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مِنْ زَهِيٍّ أَرْبَعِينَ رَجُلًا اجتمعوا فدَعَوْا اللهَ في أمرٍ إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُمْ، فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعِينَ فَارْبَعَةَ يَدْعُونَ اللهَ عَشْرَ مَرَّاتٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ، فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعَةَ فَوَاحِدٌ يَدْعُو اللهُ أَرْبَعِينَ مَرَّةً يَسْتَجِيبُ اللهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ لَهُ (3). وَرَوَى عَبْدُ الْأَعْلَى عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا اجتمعَ أَرْبَعَةٌ قَطُّ عَلَى أمرٍ فدَعَوْا اللهُ إِلَّا تَفَرَّقُوا عَنْ إجابتهِ (4).

وَالْمُؤْمِنُ شَرِيكٌ فِي الدَّعَاءِ؛ قَالَ اللهُ سُبْحَانَهُ: «قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمْ».

وَرَوَى عَلِيُّ بْنُ عَقِبَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: كَانَ أَبِي إِذَا أَحْزَنَهُ أمرٌ جَمَعَ النِّسَاءَ وَالصِّبْيَانَ ثُمَّ دَعَا وَأَمَّنُوا (5)، وَرَوَى السَّكُونِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: الدَّاعِي وَالْمُؤْمِنُ شَرِيكَانِ. (6)

السَّابِعُ: إِظْهَارُ الخُشُوعِ، قَالَ تَعَالَى: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً»، وَفِي دُعَائِهِمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: وَلَا يُنْجِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ. وَفِيمَا أَوْحَى اللهُ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُوسَى، كُنْ إِذَا دَعَوْتَنِي خَائِفًا مُشْفِقًا (7) وَجَلًّا، وَعَفْرًا وَجَهَكَ فِي الثَّرَابِ، وَاسْجُدْ لِي بِمَكَارِمِ بَدَنِكَ، وَاقْنُتْ بَيْنَ يَدَيَّ فِي الْقِيَامِ وَنَاجِنِي حَيْثُ تُنَاجِنِي بِخَشْيَةٍ مِنْ قَلْبٍ وَجِلٍّ (8). وَأَوْحَى اللهُ إِلَى عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَذَلَّ لِي قَلْبُكَ، وَأَكْثَرَ ذِكْرِي فِي الخَلَوَاتِ. (9)

ص: 476

- 1- . إسماعيل بن همام... دعوه تغصرها: الكافي، ج 2، ص 476، ح 1، باب إخفاء الدعاء.
- 2- . روى ابن القداح... أوجب للدعاء: عدّه الداعي، ص 144.
- 3- . روى أبو خالد قال... الجبار له: الكافي، ج 3، ص 487، ح 1.
- 4- . روى عبد الأعلى... عن إجابته الدعوات، ص 29، ح 55.
- 5- . روى علي بن عقبة عن رجل... دعا و أمّنوا: الكافي، ج 2، ص 487، ح 3.
- 6- . روى السكوني... شريكان: الكافي، ج 2، ص 487، ح 4.
- 7- . الإشفاق: عنايه مختلطة بخوف؛ لأنّ المُشفق يحبّ المُشفق عليه ويخاف ما يلحقه (مفردات غريب القرآن: 264).
- 8- . أوحى الله إلى موسى... قلب و جل: الكافي، ج 8، ص 44، ح 8.
- 9- . أوحى الله إلى عيسى... في الخلوات: عدّه الداعي، ص 24.

برتر از هفتاد دعاست که آشکار کنی.

5 - دعای عمومی، یعنی برای همگان دعا کردن. امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی که کسی از شما دعا می کند همگانی دعا کند چون که این برای استجاب دعا مؤثرتر است.

6 - دعا با جماعت. خداوند می فرماید: «خود را با صبر همراه با کسانی کن که پروردگارشان را می خوانند». خداوند متعال برای مباحله امر به اجتماع فرمودند. امام صادق علیه السلام فرمودند: جمعی که چهل نفرند در یکجا جمع شوند و با هم دعا کنند و از خدا چیزی بخواهند خداوند اجابت می کند. و اگر چهل نفر نبودند، چهار نفر ده بار خدا را بخوانند اجابت می کند. و اگر چهار نفر نبودند، یک نفر چهل بار خدا را بخواند خداوند عزیز جبار اجابت می فرماید.

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر چهار نفر خدا را برای حاجتی بخوانند متفرق نمی شوند مگر با اجابت. و آمین گو در دعا شریک است. خداوند سبحان فرمود: «دعای شما دو نفر مستجاب شد».

امام صادق علیه السلام فرمودند: پدرم هرگاه برای امری محزون می شدند زنان و کودکان را جمع می فرمودند. سپس دعا می کردند و آنان آمین می گفتند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: دعا کننده و آمین گو شریک هستند.

7 - اظهار خشوع. خدای متعال فرمود: «پروردگارتان را تضرع بخوانید».

در دعای معصومین علیهم السلام آمده است: چیزی از تو نجات نمی دهد مگر تضرع بسوی تو.

خداوند به حضرت موسی علیه السلام وحی فرمود: یا موسی، وقتی مرا می خوانی ترسان و لرزان و نالان باش. و روی خود را بر خاک بگذار. و با اعضای عزیز بدنت مرا سجده کن. و در حال ایستاده در حضورم قنوت کن. و هرگاه با من مناجات می کنی با خشوع و دل لرزان باش.

خداوند به حضرت عیسی علیه السلام وحی فرمود: قلب خود را برای من ذلیل کن. و در خلوت زیاد مرا یاد کن.

الثامن: تقديم مِدْحَةِ اللَّهِ وَالثَّنَاءِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ. رَوَى الْحَارِثُ بْنُ الْمُغِيرَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِتَاكُمْ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَسْأَلَ أَحَدَكُمْ رَبَّهُ شَيْئاً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا حَتَّى يَبْدَأَ بِالثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمِدْحَةِ لَهُ وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهَ حَوَائِجَهُ.

التاسع: تقديم الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، رَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

مَنْ ذَكَرْتُ عِنْدَهُ فَنَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ خَطَأً اللَّهُ بِهِ طَرِيقَ الْجَنَّةِ (1). (2) وَرَوَى ابْنُ الْقَدَّاحِ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَمِعَ أَبِي رَجُلًا مُتَعَلِّقًا بِالْبَيْتِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، فَقَالَ: لَا تَبْتَرِهَا وَلَا تَظْلِمْنَا حَقَّنَا، قُلْ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ (3).

العاشر: البكاء حالة الدعاء، وهو سيّد الآدابِ وذِروُهُ (4) سَمِعْتُهَا، قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا أَشْعَرَ جِلْدَكَ وَدَمِعَتْ عَيْنَاكَ وَوَجَلَ قَلْبُكَ؛ فَدُونَكَ دُونَكَ (5) فَقَدْ قَصَدَ قَصْدَكَ (6)، (7) قَالَ اللَّهُ لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عِيسَى، هَبْ لِي مِنْ عَيْنِكَ الدُّمُوعَ، وَمِنْ قَلْبِكَ الْخَشْيَةَ (8)، وَفَمَّ عَلَى قُبُورِ الْأَمْوَاتِ فَنَادَاهُمْ بِالصَّوْتِ الرَّفِيعِ، فَلَعَلَّكَ تَأْخُذُ مَوْعِظَتَكَ مِنْهُمْ، وَقُلْ إِنِّي لَأَحِقُّ فِي الْأَحْقِينَ (9). وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إلهي، مَا جَزَاءُ مَنْ دَمِعَتْ عَيْنَاهُ مِنْ خَشْيَتِكَ، قَالَ: يَا مُوسَى، أَقْبَى وَجْهَهُ مِنْ حَرِّ النَّارِ وَأَمْنُهُ يَوْمَ الْفِرْعَ الْأَكْبَرِ (10). وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا لَهُ كَيْلٌ أَوْ وَزْنٌ إِلَّا الدُّمُوعَ؛ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ تُطْفِئُ بَحَاراً مِنْ نَارٍ، فَإِذَا اغْرُورَقَتِ الْعَيْنُ بِمَائِهَا لَمْ يَرَهُ وَجْهَهُ قَتْرٌ (11) وَلَا ذَلَّةٌ، وَإِذَا فَاضَتْ حَرَمَةُ اللَّهِ عَلَى النَّارِ، لَوْ أَنَّ بَاكِيًا بَكَى فِي أُمَّهِ لُرِحِمُوا (12).

ص: 478

- 1- . أى جعله الله مخطئاً طريق الجنة غير مجيب إياه.
- 2- . روى أبو بصير عن... طريق الجنة: الكافي، ج 2، ص 495، ح 20.
- 3- . روى ابن القداح... وأهل بيته: الكافي، ج 2، ص 495، ح 21.
- 4- . الذروه - بكسر الهمزة والضمة - العلو، والمكان المرتفع، والسنام: حذبه في ظهر البعير، وسنام القوم: كبيرهم ورفيعهم؛ أى حاله البكاء هى أرفع ما يكون من حالات الدعاء.
- 5- . أى خذه واغتنم هذه الحالة.
- 6- . قصد قصدك: أى استقام طريقك إلى إجابة الدعاء، ويحتمل أن يكون «قصد» مبنياً للمفعول؛ أى قصد قصدك؛ يعنى مقصودك بالإجابة والإعطاء.
- 7- . قال الصادق عليه السلام: إذا أشعر... قصدك: الكافي، ج 2، ص 478، ح 8.
- 8- . الخشية: خوف يشوبه تعظيم، وأكثر ما يكون ذلك عن علم بما يخشى منه، ولذلك خص العلماء بها فى قوله: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (مفردات غريب القرآن: 149).
- 9- . قال الله لعيسى... فى الاحقين: بحار الأنوار، ج 79، ص 178، ح 20.
- 10- . عن أمير المؤمنين عليه السلام: لما كلم... الفزع الأكبر: الأمالى للصدوق، ص 277.
- 11- . القتر: الغبره (القاموس المحيط: 113/2).
- 12- . قال الصادق عليه السلام: ما من شىء... أمة لرحموا: من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 317، ح 941.

8 - مقدم کردن مدح و ثنای خدا قبل از درخواست. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس از شما خواست پروردگارش را بخواند، حتماً با ثناء خدا و مدح او و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله شروع کند. آنگاه حاجت خود را از خدا بخواهد.

9 - مقدم کردن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله. امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که نام من نزد او برده شود و صلوات بر من را فراموش کند خداوند راه بهشت را بر او می پوشاند.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: پدرم شنید کسی به خانه کعبه چسبیده و می گوید: اللهم صل علی محمد. پدرم فرمود: صلوات را ناقص و در حق ما ظلم نکن. بگو: اللهم صل علی محمد و اهل بیته.

10 - گریه کردن در حال دعا، که مهمترین آداب و والاترین آن است. امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که متأثر شدی و اشکت جاری شد و قلبت شکست، این حال را غنیمت شمار که به هدف نزدیک شده ای و راه اجابت باز شده است.

خداوند به عیسی علیه السلام فرمود: یا عیسی، از چشم خود اشک را و از قلب خود ترس را به من ده و بر قبرهای مردگان بایست و آنان را با آوای بلند صدا بزن. شاید از آنان پندگیری. و بگو من هم با بقیه به شما ملحق خواهم شد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: زمانی که خداوند با موسی علیه السلام سخن گفت. موسی گفت: خدایا پاداش کسی که از ترس تو اشک بریزد چیست؟ فرمود: یا موسی چهره او را از حرارت آتش ننگه می دارم و از وحشت قیامت ایمن می کنم.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر چیزی اندازه و وزن دارد جز اشک. چون یک قطره اشک، دریایی از آتش را خاموش می کند. زمانی که چشم با اشک لبریز شود آن چهره دیگر غبار ذلت نبیند. و وقتی اشک جاری شود خداوند آن چهره را بر آتش حرام نماید. و اگر کسی برای یک امت گریه کند خداوند به آنان رحم کند.

3902. قَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ إِذَا تَابَ تَابَ بَعَثَ رَوْ أَسْيَاءَ: اسْتِغْفَارًا بِاللِّسَانِ، وَتَدَمُّمًا بِالْقَلْبِ، وَإِقْلَاعًا بِالْبَدَنِ، وَالْعَزْمَ أَنْ لَا يَعُودَ، وَحُبَّ الْآخِرَةِ، وَبُغْضَ الدُّنْيَا، وَقَلَّةَ الْأَكْلِ، وَقَلَّةَ الشُّرْبِ، وَقَلَّةَ الْكَلَامِ، وَقَلَّةَ النَّوْمِ.

3903. وَقَالَ حَكِيمٌ: لِلْعَاقِلِ عَشْرُ خِصَالٍ: خَمْسٌ مِنْهَا فِي الظَّاهِرِ؛ وَهِيَ الصَّمْتُ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ، وَالتَّوَاضُّعُ، وَصِدْقُ الْقَوْلِ، وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ.

وَخَمْسٌ فِي الْبَاطِنِ؛ وَهِيَ التَّفَكُّرُ، وَالْإِعْتِبَارُ، وَالْخُشُوعُ، وَتَصْغِيرُ النَّفْسِ، وَذِكْرُ الْمَوْتِ.

3904. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: فِي السَّفَرِ عَشْرُ خِصَالٍ مَذْمُومَةٍ: مُفَارَقَةُ الْإِنْسَانِ مَنْ يَأْلَفُهُ، وَمُصَاحَبَةُ مَنْ لَا يُشَاكِلُهُ (1)، وَالْمُخَاطَرَةُ بِمَا يَمْلِكُهُ، وَمُخَالَفَةُ الْعَادَةِ فِي أَكْلِهِ وَنَوْمِهِ، وَمُبَاشَرَةُ الْحَرِّ وَالتَّبَرُّدِ بِجِسْمِهِ، وَمُجَاهَدَةُ الْبَوْلِ فِي إِسْكَائِهِ، وَمُقَاسَاةُ سُوءِ عَشْرَةِ الْمَكَارِينِ، وَمُلَاقَاةُ الْهَوَانِ مِنَ الْعَشَّارِينَ، وَالذَّهْشَةُ الَّتِي تَنَالُهُ عِنْدَ دُخُولِ الْبَلَدِ، وَالذُّلُّ الَّذِي يَلْحَقُهُ مِنَ ارْتِيَادِ الْمَنْزِلِ.

3905. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: عَشْرُ خِصَالٍ يُبْغِضُهَا اللَّهُ مِنْ عَشْرَةِ رَوْ أَنْفُسٍ: الْبُخْلُ مِنَ الْأَغْنِيَاءِ، وَالْكِبْرُ مِنَ الْفُقَرَاءِ، وَالطَّمَعُ مِنَ الْعُلَمَاءِ، وَقَلَّةُ الْحَيَاءِ مِنَ النِّسَاءِ، وَحُبُّ الدُّنْيَا مِنَ الْمَشَايخِ، وَالْكَسَلُ مِنَ الشُّبَابِ، وَالْحِدَّةُ مِنَ السُّلْطَانِ، وَالْجُبْنُ مِنَ الْغُرَاهِ، وَالْعُجْبُ مِنَ الزُّهَادِ، وَالرِّيَاءُ مِنَ الْعُبَادِ.

3902. حکیمی گفت: توبه کردن عاقل به ده چیز است: استغفار با زبان و پشیمانی با قلب و دست کشیدن از گناه با اعضا و جوارح و تصمیم بر تکرار نکردن و دوست داشتن آخرت و نفرت از دنیا و کم خوردن و کم آشامیدن و کم گفتن و کم خوابیدن.

3903. حکیمی گفته: عاقل ده خصلت دارد، پنج خصلت در ظاهر: سکوت و اخلاق خوش و فروتنی و راستگویی و عمل صالح. و پنج خصلت در باطن: تفکر و عبرت گیری و خشوع و کوچک شمردن خود و یاد مرگ.

3904. حکیمی گفته: در مسافرت ده صفت زشت وجود دارد: جدایی انسان از کسی که به او انس گرفته است، و همراهی [اجباری] با کسی که تفاهم ندارد. و به خطر افتادن مال، و بر خلافت عادت غذا خوردن، و خوابیدن، و روپرو شدن با سرما و گرما، مجبور بودن به نگهداشتن ادرار، و تحمل کردن بداخلاقی رانندگان، و دیدار با افراد فرومایه، و وحشت هنگام ورود به شهر، تحمل کردن ذلت برای پیدا کردن محل اقامت.

3905. حکیمی گفته: خدا ده خصلت را از ده نفر نمی پسندد:

بخل از ثروتمندان و تکبر از فقیران و طمع از عالمان و حیاء کم از زنان و دنیا دوستی از سالمندان و تنبلی از جوانان و خشونت از سلطان و ترس از رزمندگان و خودپسندی از زاهدان و دورویی از عابدان.

3906. وقال لقمان عليه السلام لابنه: يا بُنَيَّ، إِنَّ الْحِكْمَةَ تَعْمَلُ عَشْرَةَ أَشْيَاءَ: أَحَدُهَا: تُحْيِي الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَتُجْلِسُ الْمِسْكِينَ مَجَالِسَ الْمُلُوكِ، وَتُسَدِّرُ الْوَضِيعَ، وَتُحَرِّرُ الْعَبِيدَ، وَتُؤْوِي الْغَرِيبَ، وَتُعْنِي الْفَقِيرَ، وَتَزِيدُ لِأَهْلِ الشَّرَفِ شَرَفًا وَلِلسَّيِّدِ سُودَدًا، وَهِيَ أَفْضَلُ مِنَ الْمَالِ، وَحِرْزٌ مِنَ الْخَوْفِ، وَدِرْعٌ فِي الْحَرْبِ، وَبِضَاعَةٌ حِينَ يَرْبَحُ، وَهِيَ شَفِيعَةٌ حِينَ يَعْتَرِيهِ الْهَوْلُ، وَهِيَ دَلِيلُهُ حِينَ يَنْتَهَى بِهِ الْيَقِينُ، وَسُتْرَةٌ حِينَ لَا يَسْتُرُهُ ثَوْبٌ.

3907. قِيلَ: جَمَعَ بَعْضُ الْمُلُوكِ خَمْسَةَ مِنَ الْحُكَمَاءِ فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَتَكَلَّمُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ حِكْمَةً، فَقَالَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ حِكْمَتَيْنِ فَصَارَتْ عَشْرَةً:

أَمَّا الْأَوَّلُ فَقَالَ: خَوْفُ الْخَالِقِ أَمْنٌ، وَأَمْنُهُ كُفْرٌ، وَأَمْنُ الْمَخْلُوقِ عِتْقٌ وَخَوْفُهُ رِقٌّ.

وقال الثاني: الرَّجَاءُ إِلَى اللَّهِ غِنَى لَا يَصْرُ مَعَهُ فَقْرٌ، وَالْإِيَّاسُ مِنْهُ فَقْرٌ لَا يَنْفَعُ مَعَهُ غِنَى.

وقال الثالث: لَا يَصْرُ مَعَ غِنَى الْقَلْبِ فَقْرُ الْكَيْسِ، وَلَا يَنْفَعُ مَعَ فَقْرِ الْقَلْبِ غِنَى الْكَيْسِ.

وقال الرابع: لَا يَزِيدُ غِنَى الْقَلْبِ مَعَ الْجُودِ إِلَّا غِنَى، وَلَا يَزِيدُ غِنَى الْقَلْبِ مَعَ فَقْرِ الْكَيْسِ إِلَّا غِنَى.

وَالْأَجُودُ أَنْ يُقَالَ: لَا يَزِيدُ فَقْرُ الْقَلْبِ مَعَ غِنَى الْكَيْسِ إِلَّا شَحًّا (1).

وقال الخامس: أَخَذَ الْقَلِيلُ مِنَ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنْ تَرَكَ الْكَثِيرَ مِنَ الشَّرِّ، وَتَرَكَ الْجَمِيعَ مِنَ الشَّرِّ خَيْرٌ مِنْ أَخَذَ الْقَلِيلَ مِنَ الْخَيْرِ.

3908. وقال حكيم: عُقْبَى الدُّنْيَا زَوَالٌ، وَعُقْبَى الْحَيَاةِ مَمَاءٌ، وَعُقْبَى الطَّعَامِ الْمَزَابِلُ، وَعُقْبَى الْجَمْعِ الْحِسَابُ، وَعُقْبَى الْعِمَارَةِ الْخَرَابُ، وَعُقْبَى الظَّالِمِ الْعَذَابُ، وَعُقْبَى الشَّمْلِ الشَّتَاتُ، وَعُقْبَى التَّائِبِ الْغُفْرَانُ، وَعُقْبَى الْمَذْنِبِ الْخِذْلَانُ (2)، وَعُقْبَى الزُّهْدِ الرِّضْوَانُ، وَعُقْبَى الْأَشْيَاءِ الْهَلَاكُ مَا خَلَا وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى:

«كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ».

3909. وقال أفلاطون: عَشْرَةٌ أَذِلَّةٌ أَبْدَاءُ الْمَدْيُونِ، وَالنَّمَامُ، وَالكَذَّابُ، وَالْحَاسِدُ، وَالْعَاشِقُ، وَالْمُحْتَاجُ، وَالطَّمَاعُ، وَالْأَسِيرُ، وَالْمُتَّهَمُ، وَالْجَاهِلُ.

ص: 482

1- . الشَّخ: البخل على تفصيلٍ مرّ مراراً. وَالْكَيسُ: ظرفٌ للدرهم والدينار إذا خيط من خرق، وأمّا إذا كان من الأديم والخرق فهو خريطة.

2- . الخذلان: ترك النصره، ومن الله تعالى عدم عصمته من الشَّبه والعذاب، والمراد هنا خذلان الله سبحانه عبده المذنب.



3906. لقمان به پسرش گفت: فرزندم، حکمت ده اثر دارد: قلب مرده را زنده می کند. و مسکین را در مجلس شاهان می نشاند. و به بی مقدار شرف می دهد. و غلام را آزاد می کند. به غریب پناه می دهد. و فقیر را بی نیاز می کند. و به شرف شرافتمند و بزرگی بزرگان می افزاید. از مال برتر است. و امان از ترس و زره میدان جنگ و سرمایه پرسود و شفیع هنگام ترس است. و راهنمای مسیر یقین و پوشاننده عیبی است که لباس آن را نمی پوشاند.

3907. گفته اند: پادشاهی پنج حکیم را دعوت کرد و از هر کدام حکمتی خواست. و هر کدام دو حکمت گفتند که مجموع به ده حکمت رسید:

اولی گفت: ترس از خالق امان، و ایمنی از او کفر است. و امان مخلوق، آزادی و ترس از او اسارت است.

دومی گفت: امید به خدا ثروتی است که فقر با وجود آن ضرر ندارد و ناامیدی از او فقری است که هیچ ثروتی آن را جبران نمی کند.

سومی گفت: با بی نیازی قلب، خالی بودن جیب ضرر ندارد. و با فقر قلب، پر بودن جیب فایده ندارد.

چهارمی: بی نیازی قلب، با وجود بیشتر می شود. و بی نیازی قلب با خالی بودن جیب بی نیازتر می شود. بهتر است گفته شود: با فقر قلب ثروت مالی فقط بخل را بیشتر می کند.

پنجمی: انجام دادن خیر اندک، بهتر از ترک شر زیاد است. و ترک همه شرارتها، بهتر از انجام دادن خیر اندک است.

3908. حکیمی گفت: سرانجام دنیا، نابودی. و سرانجام زندگی، مرگ. و سرانجام غذا، زیاله دان. و سرانجام جمع کردن مال، حساب. و سرانجام آبادی، خرابی. و سرانجام ظالم، عذاب. و سرانجام اجتماع، پراکندگی. و سرانجام توبه، آمرزش. و سرانجام گناهکار، ذلت. و عاقبت زهد، رضایت. و عاقبت همه چیز جز خداوند، نابودی است. خداوند می فرماید: «همه چیز نابود می شود جز خداوند که همه چیز به سوی او باز می گردد».

3909. افلاطون گفت: ده نفر همیشه ذلیل هستند:

بدهکار و سخن چین و دروغگو و حسود و عاشق و نیازمند و طمعکار و اسیر و متهم و نادان.

3910. قَالَ بَعْضُهُمْ: أَضْيَعُ الْأَشْيَاءِ عَشْرَةٌ: عَالِمٌ لَا يُسْأَلُ، وَعِلْمٌ لَا يُعْمَلُ بِهِ، وَرَأْيٌ صَوَابٌ لَا يُقْبَلُ، وَسِلَاحٌ لَا يُسْتَعْمَلُ، وَمَسْجِدٌ لَا يُصَلَّى فِيهِ، وَمُصْحَفٌ لَا يُقْرَأُ فِيهِ، وَمَالٌ لَا يُنْفَقُ مِنْهُ، وَخَيْلٌ لَا يُرْكَبُ، وَعِلْمٌ فِي بَطْنٍ مَنْ يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا، وَعُمُرٌ طَوِيلٌ لَا يَتَزَوَّدُ فِيهِ لِسَفَرِهِ.

3911. وَقَالَ أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ: إِنَّ الْأَرْضَ تُنَادِي كُلَّ يَوْمٍ بِعَشْرِ كَلِمَاتٍ، تَقُولُ: يَا بَنَ آدَمَ، تَسْعَى عَلَى ظَهْرِي وَمَصِيرِكَ فِي بَطْنِي! وَتَضْحَكُ فِي ظَهْرِي وَتَبْكِي فِي بَطْنِي! وَتَأْكُلُ الْحَرَامَ عَلَى ظَهْرِي وَتَدُلُّ فِي بَطْنِي! وَتَعْصِي عَلَى ظَهْرِي وَتُعَذِّبُ فِي بَطْنِي! وَتَمْشِي مَسْرُورًا عَلَى ظَهْرِي وَتَقْعُ حَزِينًا فِي بَطْنِي! وَتَمْشِي فِي التَّوْرِ عَلَى ظَهْرِي وَتَقْعُ فِي الظُّلُمَاتِ فِي بَطْنِي! وَتَمْشِي فِي الْمَجَامِعِ عَلَى ظَهْرِي وَتَقْعُ وَحِيدًا فِي بَطْنِي!

3912. وَقِيلَ: فِي الْكَلْبِ عَشْرُ خِصَالٍ مَنْ كَانَتْ فِيهِ سَعِدَ:

الْأَوَّلُ: أَنَّهُ لَيْسَ لَهُ بَيْتٌ، وَذَلِكَ مِنْ صِفَاتِ الْمُجَرِّدِينَ.

الثَّانِي: أَنَّهُ يَسْهَرُ بِاللَّيْلِ، وَذَلِكَ مِنْ صِفَاتِ الْعَابِدِينَ.

الثَّلَاثُ: أَنَّهُ إِذَا سَافَرَ لَا يَحْمِلُ زَادَهُ، وَذَلِكَ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُتَوَكِّلِينَ.

الرَّابِعُ: إِذَا حَضَرَ الطَّعَامَ جَلَسَ عَنْهُ بَعِيدًا بِمَعزِلٍ، وَذَلِكَ مِنْ عِلَامَاتِ النَّازِحِينَ.

الخَامِسُ: إِذَا ضُرِبَ وَطُرِدَ يَعُودُ بِأَدْنَى شَيْءٍ، وَذَلِكَ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُرِيدِينَ (1).

السَّادِسُ: لَا يَفَارِقُ صَاحِبَهُ عَلَى الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، وَذَلِكَ مِنْ عِلَامَاتِ الصَّابِرِينَ.

السَّابِعُ: أَنَّهُ إِذَا مَاتَ لَمْ يُخَلَّفْ مِيرَاثًا، وَذَلِكَ مِنْ عِلَامَاتِ الزَّاهِدِينَ.

3910. زاهد گفت: ده چیز است که از همه بیشتر به هدر می رود: عالمی که از او سؤال نشود.

و علمی که به کار نرود. و اندیشه صحیح که پذیرفته نشود. و اسلحه ای که استفاده نشود.

و مسجدی که در آن نماز خوانده نشود. و قرآنی که قرائت نشود. و مالی که انفاق نشود.

و اسب که برای سواری بکار گرفته نشود. و دانش نزد کسی که دنیا دوست است. و عمر طولانی که در آن توشه برای آخرت ذخیره نشود.

3911. انس بن مالک گفت: هر روز زمین ده جمله می گوید: ای آدم بر پشت من راه می روی و مسیر تو بسوی من است. و بر پشت من می خندی و در درون من گریه می کنی. و بر پشت من مال حرام می خوری و در درون من ذلت می بینی. و بر پشت من گناه می کنی و در درون من عذاب می شوی. و بر پشت من شادماه راه می روی و درون من غمگین می شوی. و بر پشت من در روشنائی هستی و در درون من در ظلمت خواهی بود. و بر پشت من در اجتماع هستی و در درون من تنها می شوی.

3912. گویند در سگ ده صفت هست که در هر کس باشد سعادت مند شود.

اول: خانه ندارد و این صفت مجردهاست. دوم: شبها بیدار است. که صفت عابدین است. سوم: در سفر توشه بر نمی دارد. که علامت متوکلین است. چهارم:

وقتی غذا حاضر شود با فاصله در انتظار می ماند. و این علامت مردم دور از دنیا است. پنجم: وقتی رانده می شود با کمترین چیز بر می گردد. و این علامت مریدان است. ششم: صاحب خود را در سختی و رفاه تنها نمی گذارد. و این علامت صابران است. هفتم: پس از مرگ ارث باقی نمی گذارد. و این علامت زاهدان است.

الثامن: أَنَّهُ لَا يَزَالُ جَوْعَانٌ، وَذَلِكَ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُجَاهِدِينَ.

التاسع: أَنَّهُ لَا يَزَالُ خَائِفًا، وَذَلِكَ مِنْ عِلَامَاتِ الصَّالِحِينَ.

العاشر: أَنَّهُ يَرْضَى بِالْقَلِيلِ مِنَ الدُّنْيَا، وَذَلِكَ مِنْ عِلَامَاتِ الْعَاشِقِينَ.

تنبيه: يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ لِلْمُرِيدِ جَرِيدَةٌ يُثْبِتُ فِيهَا جُمْلَةَ الصِّفَاتِ الْمُهْلِكَاتِ، وَجُمْلَةَ الصِّفَاتِ الْمُنْجِيَاتِ، وَجُمْلَةَ الْمَعَاصِي وَالطَّاعَاتِ، وَيَعْرِضُ نَفْسَهُ عَلَيْهَا كُلَّ يَوْمٍ.

وَيَكْفِيهِ مِنَ الْمُهْلِكَاتِ عَشْرَةٌ؛ فَإِنَّهُ إِنْ سَلِمَ مِنْهَا سَلِمَ مِنْ غَيْرِهَا؛ وَهِيَ: الْبُخْلُ، وَالْكَبْرُ، وَالْعُجْبُ، وَالرِّيَاءُ، وَالْحَسَدُ، وَشِدَّةُ الْغَضَبِ، وَشِدَّةُ الطَّعَامِ، وَشِدَّةُ الْوِقَاعِ (1)، وَحُبُّ الْمَالِ، وَحُبُّ الْجَاهِ.

وَمِنَ الْمُنْجِيَاتِ عَشْرَةٌ: التَّدَمُّ عَلَى الذُّنُوبِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ، وَالرِّضَى بِالْقَضَاءِ، وَالشُّكْرُ عَلَى النِّعَمَاءِ، وَاعْتِدَالُ الْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ، وَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا، وَالْإِخْلَاصُ فِي الْأَعْمَالِ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ مَعَ الْخَلْقِ، وَحُبُّ اللَّهِ تَعَالَى، وَالخُشُوعُ لَهُ.

فَهَذِهِ عَشْرُونَ خَصْلَةً: عَشْرَةٌ مَذْمُومَةٌ، وَعَشْرَةٌ مَحْمُودَةٌ.

3913. وَصِيَّةُ الرُّومِيِّ، وَهِيَ عَشْرَةٌ خِصَالٍ، قَالَ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ: أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَبِقِلَّةِ الطَّعَامِ، وَقِلَّةِ الْمَنَامِ، وَقِلَّةِ الْكَلَامِ، وَهَجْرِ الْمَعَاصِي وَالْآثَامِ، وَتَرْكِ الشَّهَوَاتِ عَلَى الدَّوَامِ، وَالْمُؤَاطَبَةِ عَلَى الصِّيَامِ وَدَوَامِ الْقِيَامِ، وَاحْتِمَالِ الْجَفَا مِنْ جَمِيعِ الْأَنَامِ، وَتَرْكِ مُجَالَسَةِ السُّفَهَاءِ وَالْعَوَامِّ، وَمُصَاحَبَةِ الصَّالِحِينَ وَالْكَرَامِ.

3914. وَقِيلَ: كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ عَابِدٌ زَاهِدٌ، فَاسْتَأْذَنَ مَلِكُ رَبِّهِ فِي زِيَارَتِهِ وَقَالَ لَهُ: عِظْنِي وَأَوْصِنِي، فَقَالَ الْعَابِدُ: أَوْصِيكَ بِعَشْرَةِ أَشْيَاءَ فَافْهَمَهَا: كُنْ عَالِمًا جَاهِلًا، مُحِبًّا مُبْغِضًا، رَاغِبًا زَاهِدًا، سَخِيًّا بَخِيلًا، شُجَاعًا عَاجِزًا.

قَالَ الْمَلِكُ: وَمَا ذَاكَ؟ قَالَ الْعَابِدُ: كُنْ عَالِمًا بِاللَّهِ جَاهِلًا بِغَيْرِهِ، مُحِبًّا لِأَوْلِيَائِهِ مُبْغِضًا لِأَعْدَائِهِ، زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا رَاغِبًا فِي الْآخِرَةِ، سَخِيًّا بِاللُّدُنْيَا بَخِيلًا بِاللَّذِينَ، شُجَاعًا فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَاجِزًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ. قُمْ حَفِظَكَ اللَّهُ! أَشْغَلْتَنِي عَنْ عِبَادَةِ رَبِّي.

ص: 486

1- . الوقاع: مواقع الرجل امرأته إذا باضعها وخالطها (لسان العرب: 405/8).

هشتم: همیشه گرسنه است و این علامت مجاهدان است. نهم: همیشه در ترس است. و این علامت صالحان است. دهم: به اندکی از دنیا راضی می شود. که علامت عاشقان است.

تنبيه:

بر هر انسان مرید لازم است که دفترچه ای همراه داشته باشد و در آن صفات زشت و کشنده و همچنین نجات بخش و گناهان و طاعتها را ثبت کند و هر روز با تکرار آن خود را ارزیابی کند. از صفات مهلک ده صفت کافی است که اگر از آنها خود را حفظ کند از بقیه هم سلامت خواهد بود. ده صفت عبارتند از:

بخل و تکبر و خودپسندی و ریا و حسد و خشم زیاد و خوردن زیاد و شهوت زیاد و مال دوستی و مقام پرستی.

و از صفات نجات بخش ده صفت:

پشیمانی از گناه، و صبر در بلا، و خشنودی به قضا و قدر، و شکر نعمتها، و اعتدال در خوف و رجا، و زهد در دنیا، و اخلاص در کارها، و خوشرفتاری با مردم، و دوست داشتن خدا، و خشوع برای او.

3913. مولای رومی به یکی از دوستانش ده توصیه کرد:

ترا به تقوای خدا در پنهان و آشکار توصیه می کنم. کمتر بخور. و کمتر بخواب. و کم سخن بگو. و از گناهان دوری کن. و دائماً شهوت را ترک کن. و مواظبت بر روزه. و نماز را دائماً پیادار. و جفای مردم را تحمل کن. و با مردم کم عقل و نادان همنشینی نکن. و با صالحان و کریمان همنشینی کن.

3914. گفته اند: در بنی اسرائیل عابد زاهدی بود. فرشته ای از پروردگار اجازه گرفت و به دیدار او رفت و گفت: مرا موعظه کن. عابد گفت: ده توصیه می کنم فراگیر:

عالم و جاهل باش. دوست و دشمن باش. علاقه مند و بی میل باش. سخاوت مند و بخیل باش. شجاع و عاجز باش.

فرشته پرسید: توضیح بده یعنی چه؟

عابد گفت: عالم به خدا و جاهل به غیر او باش. دوست اولیاء خدا و دشمن دشمنانش باش.

بی میل به دنیا و علاقمند به آخرت باش. سخاوتمند در مال و بخیل در دین باش. شجاع در طاعت خدا و عاجز در معصیت باش. برخیز خدا نگهدارت. مرا از عبادت خدا بازداشتی.

ص: 487

3915. جُمَلُهُ مَا ذَكَرُوهُ مِنَ الْأَسْبَابِ الْبَاعِثَةِ عَلَى الْغَيْبِ عَشْرَةٌ أَشْيَاءٌ قَدْ نَبَّهَ الْإِمَامُ النَّاطِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِجْمَالًا بِقَوْلِهِ: أَسْلُ الْغَيْبِ تَتَنَوَّعُ بِعَشْرَةِ أَنْوَاعٍ: شِفَاءِ غَيْظٍ، وَمُسَاعَدَةِ قَوْمٍ (1)، وَتَصَدِيقِ خَبَرٍ بِلَا كَشْفٍ (2)، وَتُهْمَةٍ (3)، وَسَوْءِ ظَنٍّ، وَحَسَدٍ، وَسُخْرِيَةٍ، وَتَعْجَبٍ، وَتَبْرُّمٍ، وَتَزْيِينٍ.

وَنَحْنُ نُشِيرُ إِلَيْهَا مُفَصَّلَةً:

الْأَوَّلُ: تَشْفَى الْغَيْظُ، وَذَلِكَ إِذَا جَرَى سَبَبٌ غَضَبَ بِهِ عَلَيْهِ، وَإِذَا هَاجَ غَيْظُهُ تَشْفَى بِذِكْرِ مَسَاوِيهِ.

الثَّانِي: مُوَافَقَةُ الْأَقْرَانِ وَمُجَامَلَةُ الرَّفَقَاءِ وَمُسَاعَدَتُهُمْ عَلَى الْكَلَامِ؛ فَإِنَّهُمْ إِذَا كَانُوا يَتَفَكَّهُونَ بِذِكْرِ الْأَعْرَاضِ، فَيَرَى أَنَّهُ لَوْ أَنْكَرَ أَوْ قَطَعَ الْمَجْلِسَ اسْتَقْبَلُوهُ وَنَفَرُوا عَنْهُ، فَيُسَاعِدُهُمْ.

الثَّلَاثُ: أَنْ يَسْتَشْعَرَ مِنْ إِنْسَانٍ أَنَّهُ سَيَقْصِدُهُ وَيَطُولُ لِسَانَهُ فِيهِ أَوْ يَقْبَحُ حَالَهُ عِنْدَ مُحْتَشِمٍ، أَوْ يَشْهَدُ عَلَيْهِ بِشَهَادَةٍ، فَيُبَادِرُهُ قَبْلَ ذَلِكَ وَيَطْعَنَ فِيهِ لِيُسْقِطَ أَثْرَ شَهَادَتِهِ وَفِعْلِهِ، أَوْ يَبْتَدِئُ بِذِكْرِ مَا هُوَ فِيهِ صَادِقًا لِيَكْذِبَ عَلَيْهِ بَعْدَهُ، فَيُرَوِّجُ كَذِبَهُ بِالصِّدْقِ الْأَوَّلِ، وَيَسْتَشْهَدُ بِهِ وَيَقُولُ: مَا مِنْ عَادَتِي الْكُذْبُ، فَإِنِّي أَخْبِرُكُمْ بِكَذَا وَكَذَا مِنْ أَحْوَالِهِ فَكَانَ كَمَا قُلْتُ.

الرَّابِعُ: أَنْ يُنْسَبَ إِلَيْهِ شَيْءٌ فَيُرِيدُ أَنْ يَتَبَرَّأَ مِنْهُ، فَيَذْكُرُ الَّذِي فَعَلَهُ وَلَا يُنْسَبُ غَيْرُهُ إِلَيْهِ أَوْ يَذْكُرُ غَيْرَهُ بِأَنَّهُ كَانَ مُشَارِكًا لَهُ فِي الْفِعْلِ لِيُْمَهِّدَ بِذَلِكَ عُذْرَ نَفْسِهِ فِي فِعْلِهِ.

الخَامِسُ: إِرَادَةُ التَّصَنُّعِ وَالْمُبَاهَاةِ؛ وَهُوَ أَنْ يَرْفَعَ نَفْسَهُ بِتَنْقِيصِ غَيْرِهِ، فَيَقُولُ: فَلَانُ جَاهِلٌ، وَفَهْمُهُ رَكِيكٌ، وَكَلَامُهُ ضَعِيفٌ؛ وَعَرَضُهُ أَنْ يُثْبِتَ فِي ضِمْنِ ذَلِكَ فَضْلَ نَفْسِهِ، وَيُرِيهِمْ أَنَّهُ أَفْضَلُ مِنْهُ. أَوْ يَحْدَرَ

ص: 488

1- . يمكن أن يكون المراد هو مساعده قوم، فيغتابه ليفيدهم.

2- . لعل المراد أن منشأ الغيبه قد يكون وصول خبر فلا يتبين بل يصدق فيغتاب، أو تصديق هذا الخبر بنفسه غيبه.

3- . قدر المصنّف بالدفع هنا، ففسره بدفع التهمه بالغيبه، ولكن من المحتمل كون التهمه منشأ للغيبه بأن يتّهم شخصاً فيغتابه بذلك.

3915. امام صادق علیه السلام کلیه اسبابی را که موجب غیبت می شوند ده چیز بیان فرموده اند: غیبت به ده نوع تقسیم می شود: آرام شدن خشم، همیاری با مردم، تأیید خبر بدون اطلاع، تهمت، بدگمانی، حسادت، مسخره کردن، تعجب، شنیدن برای همراهی با کسی که غیبت می کند، آراستن خود.

اینک شرح حدیث:

اول: وقتی چیزی او را به خشم آورده است، با یاد آوری بدیهای دیگران خود را آرام می کند.

دوم: وقتی مردم به خوشگذرانی و شوخی مشغولند. چون اگر از آنان کناره گیری کند ممکن است او را طرد کنند بنابراین مساعدت می کند.

سوم: وقتی پیش بینی می کند کسی می خواهد به او حمله کند یا می خواهد صاحب نفوذی را به او بدبین کند یا شهادت دروغ درباره او بدهد، برای پیشگیری شروع به بدگویی او می کند.

چهارم: گاهی برای تبرئه خود به دیگران تهمت می زند. تا با این کار عذر خودش را بیان کند.

پنجم: برای بالا بردن مقام خود دیگران را خرد می کند و می گوید: فلانی نادان است و... و هدفش این است که خود را برتر جلوه دهد تا مردم او را برتر بدانند. یا برای اینکه

أَنْ يُعْظَمَ مِثْلَ تَعْظِيمِهِ فَيَقْدَحَ (1) فِيهِ لِذَلِكَ.

السادس: الحسد؛ وهو أنه رُبَّمَا يَحْسَدُ مَنْ يُثْنِي النَّاسَ عَلَيْهِ وَيُجَبِّونَهُ وَيُكْرِمُونَهُ، فَيُرِيدُ زَوَالَ تِلْكَ النِّعْمَةِ عَنْهُ، فَلَا يَجِدُ سَبِيلًا إِلَيْهِ إِلَّا بِالْقَدْحِ فِيهِ، فَيُرِيدُ أَنْ يُسْقِطَ مَاءَ وَجْهِهِ عِنْدَ النَّاسِ حَتَّى يَكْفُفُوا عَنْ إِكْرَامِهِ وَالنِّثَاءِ عَلَيْهِ.

السابع: اللَّعْبُ وَالْهَزْلُ وَالْمُطَايَبَةُ وَتَرْجِيَةُ الْوَقْتِ بِالضَّحِكِ، فَيَذْكُرُ غَيْرَهُ مِمَّا يُضْحِكُ النَّاسَ عَلَى سَبِيلِ الْمُحَاكَاةِ وَالْتَعَجُّبِ.

الثامن: السُّخْرِيَّةُ وَالِاسْتِهْزَاءُ اسْتِحْقَارًا لَهُ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ قَدْ يَجْرِي فِي الْحُضُورِ وَقَدْ يَجْرِي أَيْضًا فِي الْغَيْبِ، وَمَنْشُؤُهُ التَّكْبُرُ وَاسْتِصْغَارُ الْمُسْتَهْزَأِ بِهِ.

التاسع: وهو مأخوذٌ دَقِيقٌ رُبَّمَا يَقَعُ فِيهِ الْخَوَاصُّ وَأَهْلُ الْحَذَرِ مِنْ مَزَالِ اللِّسَانِ، وهو أن يَغْتَمَّ بِسَبَبِ مَا يُبْتَلَى بِهِ أَحَدٌ فَيَقُولُ: يَا مَسْكِينُ، فَلَانٌ قَدْ عَمَتْنِي أَمْرُهُ وَمَا ابْتَلَى بِهِ، وَيَذْكُرُ سَبَبَ الْغَمِّ فَيَكُونُ صَادِقًا فِي اهْتِمَامِهِ، وَيُلْهِمُهُ الْغَمُّ عَنِ الْحَذَرِ عَنِ ذِكْرِ اسْمِهِ، فَيَذْكُرُهُ بِمَا يَكْرَهُهُ فَيَصِيرَ بِهِ مُغْتَابًا؛ فَيَكُونُ غَمُّهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرًا، وَلَكِنْ سَاقَهُ إِلَى شَرٍّ مِنْ حَيْثُ لَا يَدْرِي.

العاشر: الغضبُ لله تعالى؛ فَإِنَّهُ قَدْ يَغْضَبُ عَلَى مُنْكَرٍ قَارَفَهُ إِنْسَانٌ فَيُظْهِرُ غَضَبَهُ وَيَذْكُرُ اسْمَهُ عَلَى غَيْرِ وَجْهِ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَكَانَ الْوَاجِبُ أَنْ يُظْهِرَ غَضَبَهُ عَلَيْهِ عَلَى ذَلِكَ الْوَجْهِ خَاصَّةً، وَهَذَا مِمَّا يَقَعُ فِيهِ الْخَوَاصُّ أَيْضًا؛ فَإِنَّهُمْ يُظَنُّونَ أَنَّ الْغَضَبَ إِذَا كَانَ لِلَّهِ تَعَالَى كَانَ عُذْرًا كَيْفَ كَانَ، وَلَيْسَ كَذَلِكَ.

فِي الْأَعْدَارِ الْمُرْخِّصَةِ

فَاعْلَمْ أَنَّ الْأَعْدَارَ الْمُرْخِّصَةَ فِي الْغَيْبِ عَشْرَةٌ أَيْضًا، وَهِيَ ذِكْرُ مَسَاءِ (2) الْغَيْرِ، وَهُوَ غَرَضٌ صَحِيحٌ فِي الشَّرْعِ لَا- يُمَكِّنُ التَّوَصُّلَ إِلَيْهِ إِلَّا بِهِ، فَيَدْفَعُ ذَلِكَ إِثْمَ الْغَيْبِ، وَقَدْ حَصَرَوَهَا فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ:

الْأَوَّلُ: التَّظْلُمُ؛ فَإِنَّ مَنْ ذَكَرَ قَاضِيًا بِالظُّلْمِ وَالْخِيَانَةِ وَأَخَذَ الرَّشْوَةَ كَانَ مُغْتَابًا عَاصِيًا، أَمَّا الْمَظْلُومُ مِنْ جِهَةِ الْقَاضِيِ فَلَهُ أَنْ يَتَّظَلَّمَ إِلَى مَنْ يَرِجُو مِنْهُ إِزَالَةَ ظُلْمِهِ وَيَنْسِبَ الْقَاضِيَّ إِلَى الظُّلْمِ؛ إِذْ

ص: 490

1- . الظاهر أنه تفسير لسوء الظن، وفيه ما لا يخفى؛ لأن الظاهر أن سوء الظن أصل للغيبة، وهو أن يسيء الظن بشخص فيكون ذلك سبباً لغيبته؛ وما ذكر لاربط له بسوء الظن.

2- . في العبارة سقط، ولعل الصحيح: وهي ذكر مساءه الغير لغرض صحيح وهو الإصلاح.



دیگران را از او برتر ندانند.

ششم: حسد، وقتی می بیند مردم کسی را تمجید می کنند و دوست دارند و مورد احترام است برای اینکه به آن شخص ضربه بزند راهی جز عیب جویی و بردن آبروی او ندارد.

هفتم: بازی و خوشگذرانی و برای خنداندن دیگران، عیب دیگری را بازگو می کند.

هشتم: استهزاء که این کار گاهی در حضور و گاهی در غیبت اتفاق می افتد. که از تکبر خود و کوچک شمردن دیگری ناشی می شود.

نهم: این انگیزه گاهی از خواص و نیکوکاران اتفاق می افتد و از ناراحتی دیگران غمگین می شود به او می گوید: کار فلانی مرا غمگین کرده است. و سبب غم و غصه خود را بیان می کند که ناراحتی خودش را صادقانه می گوید. اما با این بیان که ریشه غم و غصه دیگری است ناخواسته مرتکب غیبت می شود. و بیان عیب او می شود.

دهم: غضب برای خدا. گاهی برای کار زشت دیگران خشمگین می شود. و بدون اینکه قصد نهی از منکر داشته باشد نام و گناه او را آشکار می کند.

اظهار خشم از گناه دیگران فقط با نیت نهی از منکر جایز است. این سبب فقط از بندگان خاص اتفاق می افتد که فکر می کنند خشم اگر برای خدا باشد به هر صورت جایز است. در حالی که چنین نیست.

### **عذرهایی که با وجود آنها غیبت جایز است**

با ده عذر غیبت جایز است، غیبت یعنی بیان کردن عیب و بدی دیگری، و اگر هدف صحیح شرعی وجود داشته باشد که رسیدن به آن جز با غیبت ممکن نیست. این هدف شرعی گناه غیبت را دفع می کند.

1 - دادخواهی، اگر ظلم و خیانت و رشوه گرفتن به قاضی نسبت دهد، غیبت و گناه است.

اما اگر مظلوم باشد و برای دادخواهی نزد کسی که امیدوار است حق او را مطالبه کند نسبت ظلم به قاضی بدهد چون بدون آن به حق خود نمی رسد اشکال ندارد. پیامبر صلی الله علیه و آله

لا يُمكنُهُ استيفاءُ حَقِّهِ الْإِلَهِ، وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لِصَاحِبِ الْحَقِّ مَقَالٌ»، وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَطْلُ الْوَاحِدِ يَحِلُّ عُقُوبَتَهُ وَعِرْضَهُ» (1).

الثَّانِي: الْإِسْتِعَانَةُ عَلَى تَغْيِيرِ الْمُنْكَرِ وَرَدِّ الْعَاصِي إِلَى مَنَهَجِ الصَّلَاحِ، وَمَرْجِعِ الْأَمْرِ فِي هَذَا إِلَى الْقَصْدِ الصَّحِيحِ؛ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ هُوَ الْمَقْصُودُ كَانَ حَرَامًا.

الثَّالِثُ: الْإِسْتِفْتَاءُ، كَمَا تَقُولُ لِلْمُفْتَى: قَدْ ظَلَمَنِي أَبِي أَوْ أَخِي، فَكَيْفَ طَرِيقِي فِي الْخَلَاصِ؟

الرَّابِعُ: تَحْذِيرُ الْمُسْلِمِ مِنَ الْوُقُوعِ فِي الْخَطَرِ وَالشَّرِّ، وَنُصْحُ الْمُسْتَشِيرِ، فَإِذَا رَأَيْتَ مُتَفَقِّهًا يَتَلَبَّسُ بِمَا لَيْسَ مِنْ أَهْلِهِ فَلَكَ أَنْ تُنَبِّهَ النَّاسَ عَلَى نَقْصِهِ وَقُصُورِهِ عَمَّا يُؤْهِلُ نَفْسَهُ لَهُمْ، وَكَذَلِكَ إِذَا رَأَيْتَ رَجُلًا يَتَرَدَّدُ إِلَى فَاسِقٍ يُخْفِي أَمْرَهُ وَخَفَّتْ عَلَيْهِ مِنَ الْوُقُوعِ بِسَبِّ الصُّحْبَةِ فِيمَا لَا يُؤَافِقُ الشَّرْعَ، فَلَكَ أَنْ تُنَبِّهَ عَلَيْهِ فِيسِقِهِ.

الخَامِسُ: الْجَرْحُ وَالتَّعْدِيلُ لِلشَّاهِدِ وَالرَّوَايِ.

السَّادِسُ: أَنْ يَكُونَ الْمَقُولُ فِيهِ مُسْتَحَقًّا لِذَلِكَ لِتَظَاهُرِهِ بِسَبِّهِ؛ كَالْفَاسِقِ الْمُتَظَاهِرِ بِفِسْقِهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ أَلْقَى جِلْبَابَ الْحَيَاءِ عَن وَجْهِهِ فَلَا غَيْبَةَ لَهُ».

السَّابِعُ: أَنْ يَكُونَ الْإِنْسَانُ مَعْرُوفًا بِاسْمِ يُعْرَبُ عَن غَيْبَتِهِ؛ كَالْأَعْرَجِ وَالْأَعْمَشِ (2) وَالْأَعُورِ، فَلَا إِثْمَ عَلَى مَنْ يَقُولُ ذَلِكَ.

الثَّامِنُ: لَوْ أَطَّلَعَ الْعَدَدُ الَّذِينَ يَنْبُتُ بِهِمُ الْحَدُّ أَوْ التَّعْزِيرُ (3) عَلَى فَاحِشَتِهِ جَازَ ذِكْرُهَا عِنْدَ الْحَاكِمِ بِصُورِهِ الشَّاهِدِ فِي حَضْرَةِ الْفَاعِلِ.

التَّاسِعُ: قِيلَ: إِذَا عَلِمَ اثْنَانِ مِنْ رَجُلٍ مَعْصِيَةً شَاهَدَاها، فَأَجْرَى أَحَدُهُمَا ذِكْرَها فِي غَيْبِهِ ذَلِكَ الْعَاصِي جَازًا.

العَاشِرُ: إِذَا سَمِعَ أَحَدٌ مُغْتَابًا لِأَخْرَ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ اسْتِحْقَاقَ الْمَقُولِ عَنْهُ، فَيَحْمِلُ فِعْلَ الْقَائِلِ عَلَى الصَّحَّةِ مَا لَمْ يَعْلَمْ فَسَادَهُ؛ لِأَنَّ رَدْعَهُ يَسْتَلْزِمُ انْتِهَاكَ حُرْمَتِهِ، وَهُوَ أَحَدُ الْمُحَرَّمَاتِ (4).

ص: 492

- 1- . المطلق في الدين: التسوية في أدائه، وهو يُحِلُّ عُقُوبَتَهُ مِنْ قَبْلِ الْحَاكِمِ، أَوْ فِي الْآخِرِ - وَالظَّاهِرِ الْأَوَّلِ - وَيُحِلُّ عِرْضَهُ: أَي غَيْبَتَهُ.
- 2- . الْعَمَشُ: أَنْ لَا تَنْزَالِ الْعَيْنُ تُسِيلُ الدَّمْعَ، وَلَا يَكَادُ الْأَعْمَشُ يَبْصُرُ بِهَا. وَقِيلَ: الْعَمَشُ: ضَعْفُ رُؤْيِهِ الْعَيْنِ مَعَ سَيَّلَانِ دَمْعِهَا فِي أَكْثَرِ أَوْقَاتِهَا (لسان العرب: 320/6).
- 3- . الْحَدُّ: مَا كَانَ مَحْدُودَ الْمَقْدَارِ مِنَ الشَّرْعِ وَالتَّعْزِيرِ: مَا كَانَ مَفُوضًا إِلَى الْحَاكِمِ.
- 4- . الرِّسَالَةُ الشَّهِيدِ الثَّانِي، ص 294.

فرمودند: صاحب حق می تواند بگوید.

حضرت فرمودند: کسی که بی جهت صاحب حق را معطل کند، اهانت و تنبیهش جایز است.

2- استمداد برای جلوگیری از گناه و اصلاح گنهکار که اگر با هدف صحیح باشد اشکال ندارد. و اگر هدف صحیح نباشد حرام است.

3- مسأله پرسیدن. مثلاً می پرسد: پدرم یا برادرم به من ظلم کرده است. چه کنم؟

4- هشدار دادن به مسلمان برای اینکه به خطر نیفتند. یا نصیحت کسی که مشورت می کند.

وقتی که مشاهده می شود کسی به خطا می رود باید مردم را به عیب و نقص او آگاه کرد تا از او پیروی نکنند. و همچنین مثلاً اگر می بینی مسلمانی می خواهد سرمایه اش را نزد کسی بگذارد که کلاهبردار است اینجا آگاه کردن مسلمان از خطر و غیبت کردن که بگوید: آن شخص کلاهبردار است.

5- در نقد و بررسی وضعیت راویان حدیث و شاهدان.

6- اگر کسی تظاهر به گناه کند مثلاً علنی روزه می خورد یا دروغ می گوید.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که پرده حیا را درید غیبت ندارد.

7- کسی که مشهور به لقب اهانت آمیز است. مثل، شل، کچل، کور و... البته اگر به قصد اهانت نباشد.

8- شهادت دادن به گناهی که حد دارد در حضور قاضی در دادگاه و با شرایط مخصوص.

9- اگر دو نفر که گناه کسی را دیده اند با یکدیگر درباره آن گناه سخن بگویند.

10- اگر بشنود کسی غیبت می کند باید احتمال دهد که از موارد جواز غیبت باشد. چون که منع کردن او باعث اهانت و هتک حرمت او می شود و این جایز نیست.

فائدة: قَرَنَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ بَيْنَ عَشْرِهِ: قَرَنَ بَيْنَ الْخَبِيثِ وَالطَّيِّبِ؛ قَوْلُهُ تَعَالَى: «قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ»؛ وَبَيْنَ الْأَعْمَى وَالْبَصِيرِ، وَالظُّلْمَةِ وَالنُّورِ، وَالْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَالظَّلْمَ وَالْحَرُورَ (1)، فَإِذَا تَأَمَّلْتَ تَفْسِيرَ ذَلِكَ وَجَدْتَ مَرْجِعَهُ جَمِيعاً إِلَى الْعِلْمِ.

قَوْلُهُ: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُوكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»، تَصَدَّقَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَشْرَ آيَاتٍ: خَلَقَ السَّمَاوَاتِ، خَلَقَ الْأَرْضَ، اخْتِلَافَ اللَّيْلِ، اخْتِلَافَ النَّهَارِ، جَرِيَانَ الْفُلُوكِ، أَنْزَالَ الْمَاءَ، أَحْيَا الْأَرْضَ، السَّحَابَ الْمُسَخَّرَ، تَصْرِيفَ الرِّيْحِ.

وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَ عَشْرَةَ أَشْيَاءَ وَوَصَفَهَا بِالنُّورِ: أَحَدُهَا: وَصَفَ ذَاتَهُ بِالنُّورِ؛ «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ».

وثانيها: الرَّسُولُ؛ «لَقَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ».

وثالثها: الْقُرْآنُ؛ «وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ».

ورابعها: الْإِيمَانُ؛ «يُريدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ».

وخامسها: عَدْلُ اللَّهِ؛ «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا».

وسادسها: ضِيَاءُ الْقَمَرِ؛ «فِيهِنَّ نُورٌ».

وسابعها: النَّهَارُ؛ «وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ».

وثامنها: الْبَيِّنَاتُ؛ «إِنَّا أَنْزَلْنَا النُّورَ لَهْدً فِيهَا هُدًى وَنُورٌ».

وتاسعها: الْأَنْبِيَاءُ؛ «نُورٌ عَلَى نُورٍ».

وعاشرها: الْمَعْرِفَةُ؛ «مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ».

تتمه: تذکر چند فایده مهم

فایده: خداوند در قرآن عزیز ده چیز را کنار هم یاد کرده است:

آلوده و پاک، می فرماید: «آلوده و پاک مساوی نیستند».

نابینا و بینا، ظلمت و نور، بهشت و جهنم، سایه و گرما.

با دقت در تفسیر اینها روشن می شود مرجع همه علم است.

خداوند می فرماید: «در آفرینش آسمانها و زمین و گردش شب و روز و حرکت کشتیها در دریا به نفع مردم و آبی که از آسمان می بارد و زمین مرده را زنده می کند و به حیوانات حیات می بخشد و حرکت بادهای و ابرهائی که میان آسمان و زمین حرکت می کنند، نشانه هایی برای افرادی است که تعقل می کنند».

در این آیه ده نشانه است: آفرینش آسمانها، آفرینش زمین، گردش روز، گردش شب، حرکت کشتی، باران، حیات زمین، حیوانات، حرکت بادهای، ابرها.

بدانکه خداوند ده چیز را به نور توصیف فرموده است:

1 - ذات خودش: «اللّه نور آسمانها و زمین است».

2 - رسول خدا صلی الله علیه و آله: «از طرف خدا برای شما نور و کتاب مبین آمد».

3 - قرآن، «از نوری که فرستادیم پیروی کنید».

4 - ایمان، «[کفار] می خواهند نور خدا را خاموش کنند».

5 - عدل خدا، «زمین با نور پروردگارش روشن شد».

6 - نور ماه، «در ستارگان نور است».

7 - روز، «خداوند تاریکی و نور قرار داد».

8 - بینات [شواهد صدق پیامبران]، «ما تورات را که شامل هدایت و نور بود فرستادیم».

9 - پیامبران، «نور علی نور».

10 - معرفت، «مثل نور خدا مانند مشکات است».

فأيدده: النَّجَّاسَاتُ عَشْرَةٌ: البَوْلُ وَالْغَائِطُ مِمَّا لَا يُؤْكَلُ لِحَمِّهِ مِنْ ذِي نَفْسٍ سَائِلِهِ، وَالْمَيْئِي مِنْ ذِي النَّفْسِ السَّائِلِهِ مُطْلَقًا، وَكَذَا الْمَيْئَةُ، وَالِدَّمُ مِنْهُ، وَالْكَلْبُ، وَالْخَنزِيرُ، وَالْكَافِرُ، وَالْمُسْكِرُ، وَالْفُقَّاعُ.

وَقَدْ نَظَّمَ بَعْضُ الشُّعْرَاءِ هَذِهِ النَّجَّاسَاتِ الْعَشْرَةَ فِي هَذَيْنِ الْبَيْتَيْنِ فَقَالَ:

فَدَالٌ ثُمَّ عَيْنٌ ثُمَّ بَاءٌ وَمِيمَاتٌ ثَلَاثٌ ثُمَّ خَاءٌ

فَهَذَا سَبْعَةٌ زِدْهَا ثَلَاثًا هِيَ الْكَافَانِ جَمْعًا ثُمَّ فَاءٌ

وَأَمَّا الْمُطَهَّرَاتُ فَعَشْرَةٌ أَيْضًا: الْمَاءُ، وَالشَّمْسُ، وَالْأَرْضُ الطَّاهِرَةُ، وَالْحَجَرُ مِنْهَا، وَالتَّارُ، وَالِاسْتِحَالَةُ - كَصَدِّ يَرُورُهُ الْعَذْرَةُ وَالِدَّمُ تُرَابًا، وَالتُّنْفَهُ وَالْعَلَقَةُ وَالِدَّمُ فِي وَسَطِ الْبَيْضَةِ حَيَوَانًا، وَالْمَاءُ النَّجَسُ بَوْلِ الْحَيَوَانِ مُحَلَّلٌ (1)، وَكَصَدِّ يَرُورُهُ الدَّمُ قَيْحًا أَوْ صَدِيدًا خَالِيًا عَنْهُ - وَإِسْلَامُ الْكَافِرِ، وَانْتِقَالُ الدَّمِ النَّجَسِ إِلَى الْبَعُوضِ وَالْبَرَعُوثِ وَشَيْءٍ بِهِمَا، وَنَقْضُ ثُلْثِي الْعَصِيرِ بِالْغَلْيَانِ وَلَوْ بِالشَّمْسِ، وَانْقِلَابُ الْخَمْرِ وَالْعَصِيرِ النَّجَسِ خَلًّا وَإِنْ كَانَ بِعِلَاجٍ، وَالْجِسْمُ الطَّاهِرُ فِي الْإِسْتِنْجَاءِ مِنَ الْغَائِطِ غَيْرِ الْمُتَعَدِّي لَكِنْ بِثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ أَوْ غَيْرِهَا مِنَ الْأَجْسَامِ الطَّاهِرَةِ حَتَّى تَزُولَ النَّجَاسَةُ، فَإِنْ لَمْ تَزَلْ بِثَلَاثَةِ زَادَ عَلَيْهَا حَتَّى تَزُولَ النَّجَاسَةُ، وَزَوَالَ عَيْنِ النَّجَاسَةِ، وَزَوَالَ عَيْنِ النَّجَاسَةِ مِنْ غَيْرِ الْأَدْمِيِّ مِنَ الْحَيَوَانِ وَإِنْ لَمْ يَغْبِ، وَمِنْ الْأَدْمِيِّ فِي نَحْوِ بَاطِنِ الْعَيْنِ وَالْأَنْفِ وَالْفَمِ وَصِمَاخِ (2) الْأُذُنِ وَالْإِحْلِيلِ وَفَرْجِ الْمَرْأَةِ.

وَنَظَّمَ بَعْضُ الشُّعْرَاءِ هَذِهِ الْمُطَهَّرَاتِ فِي هَذِهِ الْآيَاتِ فَقَالَ:

تُرَابٌ وَمَاءٌ ثُمَّ شَمْسٌ مُنِيرَةٌ وَإِيمَانٌ صِدْقٌ ثُمَّ نَارٌ تَسْعَرُ

وَنَقْضُ عَصِيرٍ وَانْقِلَابٌ لِحَمْرِهِ كَذَاكَ لِالِاسْتِنْجَاءِ حَجَرٌ مُطَهَّرٌ

وَعَيْبَةُ حَيَوَانٍ كَذَاكَ اسْتِحَالَةٌ وَهَذَا تَمَامُ الْعَشْرِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

فأيدده: الْجِرَاحَاتُ فِي الرَّأْسِ عَشْرٌ: أَوْلُهَا الْخَارِصَةُ؛ وَهِيَ شَبُّهُ النَّخْدِشِ، وَفِيهَا بَعِيرٌ. وَالِدَّامِيَّةُ؛ وَهِيَ الَّتِي تَشْتُقُّ اللَّحْمَ، وَفِيهَا بَعِيرَانِ. ثُمَّ الْبَاضِعَةُ؛ وَهِيَ الَّتِي تَبْضَعُ اللَّحْمَ، وَفِيهَا ثَلَاثَةُ أَبْعَرَةٍ، وَسَمَّى

ص: 496

1- . كذا، لعل في العبارة سقطاً.

2- . الصِّمَاحُ: ثَقْبُ الْأُذُنِ (النهاية: 52/3).

فایده: ده چیز نجس است: ادرار، و مدفوع حیوان حرام گوشت و دارای خون جهنده، حیوانی که خون جهنده دارد چه حلال گوشت باشد و چه حرام گوشت منی و خون و مردارش نجس است. و سگ و خوک و کافر و مشروبات مست کننده و آب جو.

شاعری این نجاسات را بر حسب حرف اول آنها در دو بیت آورده است:

دم غائط بول منی مسکر میته خنزیر

به این هفت سه تا اضافه کن کلب و کافر و فقاغ

مطهرات [پاک کننده ها] ده چیز هستند:

1 - آب، 2 - خورشید، 3 - زمین پاک و سنگ پاک، 4 - آتش، 5 - استحاله [تغییر هویت نجس مثلاً اگر سگ در نمک زار تبدیل به فسیل نمکی شود پاک می شود] مثل خاک شدن مدفوع یا خون یا تبدیل شدن نطفه به حیوان یا حیوان پاک آب نجس را بخورد، یا تغییر هویت خون، 6 - اسلام آوردن کافر، 7 - انتقال خون نجس به بدن پشه و مانند آن، 8 - کاسته شدن دو ثلث آب انگور پس از جوشیدن. [گرچه جوشیدن با حرارت خورشید باشد.] 9 - تبدیل شدن شراب به سرکه، 10 - برطرف شدن عین نجاست از بدن حیوانات غیر از انسان. و برطرف شدن نجاست از باطن بدن انسان مثلاً خون از داخل بینی یا دهان یا گوش برطرف شود پاک می شود.

شاعری این مطهرات را در چند بیت شمرده است:

خاک و آب و خورشید تابان و ایمان صادقانه و آتش سوزان

و نقص آب انگور و انقلاب شراب همچین سنگ استتجاء

و غیبت حیوان و استحاله اینها ده مورد است الله اکبر

فایده: جراحتهایی که در سر انسان بوجود می آید ده صورت دارد:

1 - خارصه: شبیه خراش است. و اگر کسی دیگری را مجروح کند کفاره اش یک شتر است.

2 - دامیه، گوشت زخمی شود، کفاره اش دو شتر است.

3 - باضعه، گوشت شکافته شود، کفاره اش سه شتر است. [متلاحمه هم نامیده شده است]

ابن إدريس الباضعة متلاحمة. ثم السّمحاق؛ وهى التى تَبْلُغُ القشرة التى بين العظم واللحم، وفيها أربعة أبعره. ثم الموضحة؛ وهى التى تَبْلُغُ العظم، وفيها خمسة أبعره. ثم الهاشمة؛ وهى التى تهشم العظم وتكسره من غير أن يقسد، وفيها عشرة أبعره. ثم المنقلة (1)، وهى التى تحوم (2) إلى نقل العظم من موضع إلى موضع، وفيها خمسة عشر بعيراً. ثم المأمومة؛ وهى التى تَبْلُغُ أم الرأس وهى الخريطة التى فيها الدماغ وهو المَحْجُ، وفيها ثلث الدية ثلاثة وثلاثون بعيراً. ثم الدامغة؛ وهى التى تخرق الخريطة وتصل إلى جوف الدماغ، وفيها ما فى المأمومة فى الرأس.

وقال بعض الشعراء - ونعم ما قال -:

سعادة المرء على كل حال عشر خصال يالها من خصال

علم وحلم وثقى خالص وصحة الجسم ومال حلال

وولد برّ وجار الرضى وزوجه فيها الثقى والجمال

وأمن قلت من مخافاته (3) والعمل الصالح رأس الكمال

وقال بعضهم فى إكرام الضيف:

للضيف عشر خصال إن أقيمت بها وإلا فاعلم أن الضيف قد بخسا

البشر أول والترحال (4) ثابته إن الكرامة يطفى نورها العبسا (5)

واجلس بجانبه كيما تؤسسه إن المضيف إذا حدثته أنسا

لاتشكون إليه حاجة عسرت لاتشكون إليه الفقر والفلسا

وإن أضافك شيخ مسه كبر فأحضر له خبز لئن لا يكن يسا

وإن طبخت له لحماً فأنضجه وإن يكن فى الشتاء فأسبل (6) عليه كسا

ما كان عندك من شىء فعجله لاتكرم الضيف حتى تكرم الفرسا

ص: 498

1- المنقلبه: هى التى تخرج منها صغار العظام و تنتقل الى أماكنها. وقيل: هى التى تنقل العظم أى تكسره (النهاية: 110/5).

2- كذا.

3- كذا.

4- كذا ولعل الصواب: «الترحاب».

5- يعنى أن كون المضيف عبوسا يطفى نور الاحسان.



6- أى ألبسه كساء يقال: أسبل الستر: أى أرخاه وأسبل عليه الثوب غطاه به.

- 4 - سمحاق، به پرده روی استخوان برسد، کفاره اش چهار شتر است.
- 5 - موضحه، به استخوان برسد، کفاره اش پنج شتر است.
- 6 - هاشمه، استخوان خراش یا ترک بردارد، کفاره اش ده شتر است.
- 7 - منقله، استخوان شکسته و جابجا شود، کفاره اش پانزده شتر است.
- 8 - مأمومه، استخوان سر شکسته شود و به پرده محافظ مغز برسد، کفاره اش سی و سه شتر است.
- 9 - دامغه، پرده مغز پاره شود، دیه اش سی و سه شتر است.
- [جراحات نه اسم دارد و مناسب بود در عدد نه ذکر می شد]
- شاعر اسباب سعادت را ده چیز شمرده است:

همیشه سعادت انسان / در ده خصلت است

علم و بردباری و تقوای خالص / و سلامتی بدن و مال حلال

فرزند صالح و همسایه خوب / همسر با تقوی و زیبا

امنیت که ترس نباشد / از همه مهمتر عمل صالح است که سرآمد است.

شاعری درباره پذیرایی مهمان گفته است:

مهمان ده حق دارد اگر بجای آوری / وگرنه بدان که در حق میهمان کوتاهی شده است

اول خوشرویی و دوم استقبال / نور کرامت ناراحتی میهمان را برطرف می کند

در کنار او بنشین و انس بگیر / اگر با میزبان سخن بگویی مأنوس می شود

از خواسته های دشوار نزد او شکایت نکن / از فقر و بیچارگی نزد او شکایت نکن

اگر شخص مسن میهمان تو شد / برایش نان نرم آماده کن که خشک نباشد

اگر برایش گوشت فراهم کردی کاملاً پخته باشد / و اگر زمستان است عبا بر دوش او بگذار

هر چه نزد تو هست آماده کن / وقتی پذیرایی مهمان کامل می شود که به اسب او هم غذا بدهی.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

